



بیت

فصلنامه علمی انجمن معارف اسلامی (شاپا: ۳۲۷۹-۲۳۸۳)

سال دوازدهم - شماره چهار - تابستان ۱۴۰۱

شماره پیاپی ۴۸

صاحب امتیاز: انجمن معارف اسلامی

مدیر مسئول: دکتر رضا حاجی ابراهیم

سر دبیر: دکتر محمود قیوم زاده

اعضای هیئت تحریریه:

محسن جوادی، احمد دیلمی، جعفر شانظری، امیر عباس علیزمانی، محمود قیوم زاده،

عبدالله نصری، علی احمد ناصح، محمدرسول آهنگران، ویلیام گراوند،

محمد محمدرضائی، رضا برنجکار، عین الله خادمی، محمدحسن قدردان قراملکی،

عبدالحسین خسرو پناه، سید ساجد علی پوری، مارتین براون.

مدیر داخلی و دبیر تحریریه: مصطفی قیوم زاده

مترجم: محمد احسانی

صفحه آرا: کامپیوتر احسان ۰۲۵۳۷۸۴۲۶۷۸

ویرایش: حمید رضا علیزاده

یادآوری: فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی در زمینه‌های فلسفه اخلاق، اخلاق اسلامی، اخلاق

کاربردی، اخلاق تطبیقی، چالش‌های اخلاقی دنیای جدید و تربیت اخلاقی مقاله می‌پذیرد.

مسئولیت مطالب هر مقاله از هر نظر بر عهده نویسنده است.

نقل مطالب فصلنامه با ذکر مأخذ مانعی ندارد.

فصلنامه در ویرایش، اختصار و اصلاح مقاله‌ها آزاد است.

آدرس پستی: قم، بلوار الغدیر، دانشگاه قم، ساختمان کتابخانه، دفتر فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی

تلفن: ۰۳۲۱۰۳۳۶۰، آدرس الکترونیکی: Akhlagh_1393@yahoo.com

این نشریه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلامی (ISC) و ایران ژورنال و همچنین در پایگاه اطلاعات علمی

جهاد دانشگاهی (SID) نمایه می‌شود. نویسندگان محترم می‌توانند از طریق این پایگاه به نشانی

www.SID.ir مقالات خود را به صورت الکترونیکی (on-line) جهت بررسی به این نشریه ارسال کرده و

آن را رهگیری (Tracing) کنند و یا به ایمیل مجله (Akhlagh_1393@yahoo.com) ارسال دارند.

بر اساس مجوز شماره ۳/۱۱/۳۶۵۲ مورخه ۱۳۸۹/۳/۳ کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور در

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، درجه علمی به فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی اعطا شد.

پژوهش‌های اخلاقی - سال دوازدهم - شماره چهار - تابستان ۱۴۰۱

شماره سالی ۴۸

(فصلنامه باخیزند صاحبان اندیشه، قلم و مقالات مستشرمی شود.)

راهنمای شرایط تنظیم و ارسال مقالات

از نویسندگان درخواست می‌شود:

۱. مقاله ارسالی از ۲۰ صفحه (هر صفحه ۳۰۰ کلمه) بیشتر نشود.
۲. مقاله ارسالی، باید در محیط word با دقت تایپ و اصلاح شده (با طول سطر ۱۲ سانتیمتر، قطع وزیری) و بر یک روی صفحه A4 همراه با فایل آن به وب سایت یا ایمیل مجله (Akhlagh_1393@yahoo.com) ارسال شود.
۳. مقاله ارسالی حتماً باید تألیفی باشد و مقالات ترجمه‌ای در صورتی قابل چاپ خواهند بود که همراه نقد و بررسی باشند.
۴. مقاله ارسالی باید دارای بخش‌های ذیل باشد:
 - الف. چکیده فارسی مقاله، حداکثر در ۱۵۰ کلمه و در حد امکان چکیده انگلیسی آن به همین مقدار.
 - ب. مقدمه و نتیجه گیری.
 - ج. واژگان کلیدی فارسی و معادل انگلیسی آن (حداکثر ۵ واژه).
 - د. تعیین رتبه علمی نویسنده و مترجم و ایمیل نویسنده / نویسندگان هر درج اسامی و اصطلاحات مهجور، در پایین هر صفحه ضروری است.
۵. منابع و ارجاعات مقاله باید کامل و دقیق باشد، از ارسال مقالات با منابع ناقص جداً خودداری فرمایید.
۶. در صورتی که توضیحات پانویس‌ها فراوان باشد به پی‌نویس منتقل کنید.
۷. مقاله ارسالی نباید در هیچ نشریه داخلی یا خارجی چاپ شده باشد.
۹. منابع مورد استفاده در پایان مقاله به شکل زیر نوشته شود:

الف) کتاب

نام خانوادگی، نام نویسنده. (سال انتشار). نام کتاب، نام مترجم، محل انتشار، نام ناشر، شماره چاپ، شماره جلد.

ب) مقاله

نام خانوادگی، نام نویسنده. (سال انتشار). «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره مجله.

پژوهش‌های اخلاقی

فصلنامه علمی انجمن معارف اسلامی

زیر نظر هیأت تحریریه

سال دوازدهم، شماره چهار، تابستان ۱۴۰۱، شماره پیاپی ۴۸

- ۵ / بررسی رابطه باورهای دینی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر التزام به حجاب اسلامی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی) / علی احمدپور / علی رضایی شریف
- ۱۹ / شاخصه‌های تربیتی اخلاقی مؤثر در قصه‌گویی دیجیتال کودکان / فاطمه اعتمادی / فهیمه باب الحوائجی / سید علی حسینی المدنی
- ۳۹ / سویه‌های اخلاقی در مسئولیت مدنی دولت‌ها متناسب با نقش آنها / سید امیر آل محمد / علی اکبر گرجی ازندریانی
- ۶۵ / سازگاری معنایی و روایی اخلاقی کیفر مرتد با آیه عدم اجبار بر دین / فرانک پوستی / احمد باقری
- ۸۳ / طراحی مدل ارتقاء بهره‌وری منابع انسانی با رویکرد اخلاق در شرایط اقتصاد مقاومتی / ایمان حسامی تکلو / سیروس تدبیری / مریم مجیدی / علیرضا افشارنژاد
- ۱۰۷ / موانع اصل حاکمیت اراده و جایگاه اخلاق حسنه در قراردادهای بانکی / علی دیزجی / بهشید ارفع‌نیا / علیرضا مظلوم رهنی
- ۱۲۳ / عوامل اجتماعی مؤثر بر تحول شخصیت از دیدگاه مولانا در مثنوی / صمد عباس‌زاده گرجان / محمد فرهمند سراپی / ابراهیم دانش / فرامرز جلال
- ۱۴۱ / مبانی دینی پیش فرض های اخلاق حرفه ای معلمان و اعضای هیأت علمی دانشگاه ها / عبدالحمید فرزانه
- ۱۶۱ / تبیین رابطه فساد اداری و اجرای خط مشی مالیاتی و نقش تعهد سازمانی (اداره کل امور مالیاتی یزد) / مریم علی عمرانی / علیرضا منظری توکلی / سنجر سلاجقه
- ۱۹۱ / نقد حقوقی-اخلاقی نگرش مکتب استکھلم در درمان بیماری همه گیر کووید ۱۹ / ناصر قاسمی / امیرعباس رکنی
- ۲۱۳ / بررسی اصول اخلاقی داوران تجاری بین المللی / سمیرا محمدی نژاد / علی غریبه / حسن پاشازاده
- ۲۳۵ / طراحی مدل خلق مجموعه ارزش شرکت، با در نظر گرفتن ارزش اخلاقی مشتری و ارزش اخلاقی اجتماعی / کیوان مهبد / هاشم نیکومرام / کریم حمدی
- ۲۵۷ / مولفه های اخلاق گرایانه ارائه مدل جهت ایجاد انگیزه و افزایش فرهنگ خرید تولیدات داخلی (مطالعه موردی: لوازم الکتریکی) / سالومه نوری / سید مهدی معافی مدنی / ید الله خداوردی
- ۲۸۷ / طراحی مدل تعالی مدیریت منابع انسانی سبز در شرکت های توزیع نیروی برق شمال کشور / محسن یحیی پور / مجتبی طبری / اسداله مهرآرا / محمد رضا باقرزاده / عزت الله بالوئی جامخانه
- 1-14 / چکیده مقالات به لاتین (Abstracts)

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۸ - ۵

بررسی رابطه باورهای دینی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر التزام به حجاب اسلامی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی)

علی احمدپور^۱علی رضایی شریف^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه باورهای دینی و وابستگی به استفاده از شبکه‌های اجتماعی با میزان رعایت و تعهد به حجاب اسلامی دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی صورت پذیرفت. جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان کارشناسی در رشته‌های مختلف دانشگاه محقق اردبیلی شهرستان اردبیل در سال تحصیل ۱۳۹۸ بودند. به این منظور ۴۳۰ دانشجوی (۳۰۷ دختر و ۱۲۳ پسر) در رشته‌های مختلف به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای طبقه‌ای و تصادفی انتخاب شدند و به پرسشنامه باورهای دینی گلارک و استارک، پرسشنامه میزان رعایت حجاب اسلامی و پرسشنامه وابستگی به استفاده از شبکه‌های اجتماعی محقق ساخته پاسخ دادند؛ در این تحقیق برای تحلیل داده‌ها از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. یافته‌های تحقیق بیانگر این هستند که اثر مستقیم بُعد اعتقادی، بُعد عاطفی، بُعد پیامدی، بُعد مناسکی بر رعایت حجاب اسلامی دانشجویان معنی‌دار می‌باشد، همچنین اثر مستقیم وابستگی به استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر رعایت حجاب اسلامی دانشجویان تاثیر دارد. شایان ذکر است که ابعاد دینداری دانشجویان و وابستگی به استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در تحلیل داده‌ها دارای همپوشانی هستند. به عبارت دیگر ابعاد دینداری و وابستگی به استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در صورت در کنار هم بودن می‌توانند تأثیر معنی‌داری بر رعایت حجاب اسلامی دانشجویان داشته باشند. البته تأثیر ابعاد دینداری بر وابستگی به استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی منفی و معکوس می‌باشند.

واژگان کلیدی

باورهای دینی، حجاب اسلامی، شبکه‌های اجتماعی، دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: ali.ahmadpour@uma.ac.ir

۲. دانشیار دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

Email: rezaeisharif@uma.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴

طرح مسأله

زیربنای بیشتر جهت‌گیری‌های انسان در زندگی عقاید و باورهای اوست. باور، نقش بسزایی را در زندگی فردی و اجتماعی آدمی ایفا می‌کند. بنابراین باورهای دینی با تعیین و تبیین وظایف فردی و اجتماعی می‌تواند محرک، شکل دهنده و جهت‌دهنده رفتارهای انسانی باشد. حجاب هم به عنوان یکی از احکام حیات‌بخش الهی، عقیده و باور دینی و جزو دستورات اخلاقی اسلام در زندگی است که منطبق بر فطرت بشر و بر اساس نیازها و شرایط روحی و روانی او وضع شده است و بستر کمال فردی و اجتماعی را فراهم می‌سازد، بنابراین حجاب و پوشش جزء تمایلات و نیازهای فطری آدمی محسوب می‌شود که خداوند این نیاز و میل را در درون هر انسانی قرار داده است. (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۹)؛ می‌توان گفت که حجاب، عمری به اندازه عمر بشر دارد و به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر زندگی انسان از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا طبق گواهی متون تاریخی، حجاب در اکثر ملت‌های جهان رایج بوده است. طبق اظهارنظر محققان و با بررسی آثار و نقوش به‌دست‌آمده، پیدایش حجاب به دوران پیش از مذاهب مربوط می‌شود. با توجه به فطری بودن مسئله حجاب و اینکه موردتوصیه تمامی ادیان به ویژه دین اسلام می‌باشد؛ اما متأسفانه امروزه نداشتن سواد رسانه‌ای و تأثیری که شبکه‌های اجتماعی و مجازی در افراد گذاشته؛ باعث شده برخی از زنان و دختران حجاب را که یک حکم دینی و الهی است را رعایت نکنند، بنابراین نحوه پوشش که از مهمترین مسائل فرهنگی جامعه ما بوده با ورود رسانه‌های نوین همچون ماهواره، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی بسیاری از حوزه‌های زندگی افراد را با تغییراتی اساسی مواجه کرده است. (رستگار خالد، ۱۳۱۱). این رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی تأثیر بسزائی در دگرگونی اخلاق، رفتار و باورها دارند. (آذریون، ۱۳۹۲، ۳) رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی با اهداف خاصی که دنبال می‌کنند، به دنبال این هستند که رفتارهای افراد را طبق میل و فرهنگ خودشان تغییر دهند و به افراد تلقین و تزریق می‌کنند که رفتار و اخلاق تبلیغی و ترویجی آنها صحیح است. رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به شکل‌گیری نوعی «همگان»‌های نو کمک کرده‌اند که شاید بتوان آنها را «همگان‌های عصر مدرن» یا «همگان‌های الکترونیکی» نام‌گذاری کرد. (هور و لاندبای، ۱۳۸۲، ۴۰)

با شکل‌گیری و ترویج فرهنگ وارداتی و تبلیغات گسترده کالاهای خارجی و از طرف دیگر ضعف باورهای دینی، مراجعه نکردن به متون دینی و الهی و عدم سواد رسانه‌ای و کمبود آموزش‌های لازم باعث سوق داده شدن مردم به ویژه جوانان به سوی الگوهای ارائه‌شده در رسانه می‌شود که باعث دوری از ارزش‌های دینی، ملی و فرهنگی می‌شود. حجاب و نوع پوشش هم یکی از مسائلی است که تحت تأثیر شبکه‌های مجازی قرار گرفته و برخی از مردم بدون اینکه به حکم الهی در این زمینه عمل کنند، کورکورانه از این شبکه‌ها تقلید می‌کنند. بخاطر

اهمیت این مسئله در این پژوهش رابطه باورهای دینی و میزان وابستگی به استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با میزان رعایت حجاب اسلامی در دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی بررسی و تبیین می‌شود.

رستمی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر فرهنگ و باورهای دینی کاربران استان اصفهان» پرداخته‌اند که نتایج آن این بوده است که بین میزان استفاده کاربران از شبکه‌های مجازی و اجتماعی و هویت دینی کاربران رابطه‌ای معنادار وجود دارد. هر اندازه میزان استفاده کاربران از شبکه مجازی افزایش یافته، هویت دینی آنان نیز تحت تأثیر قرار گرفته است.

میرفردی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با موضوع «میزان دینداری و ارتباط آن با وابستگی به استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی دانشجویان دانشگاه یاسوج» به این نتیجه رسیده‌اند که شبکه‌های اجتماعی و اینترنت به خودی خود در کاهش میزان دینداری اثرگذار نیست اما به عنوان ابزار ارتباطی، نوع کاربرد و محتوا و استفاده از آنها در کاهش دینداری کاربران اثرگذار خواهد بود.

خاتمی سبزواری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر میزان استفاده از رسانه‌های جمعی بر فرهنگ پوشش دانشجویان دانشگاه زن دانشگاه حکیم سبزواری» به بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر ابعاد حجاب دانشجویان پرداخت. نتایج تحقیق این بود که بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و حجاب رابطه تنگاتنگ و معناداری وجود دارد؛ یعنی هر چقدر استفاده از آن شبکه‌ها بیشتر بوده، تأثیر بیشتری در کم‌رنگ شدن پوشش داشته است.

منصور خوشخویی (۱۳۹۲) در پژوهشی به رابطه میزان استفاده از رسانه‌های ارتباطی و گرایش دانشجویان دختر دانشگاه بوعلی‌سینا به حجاب پرداخته که نتیجه آن بیانگر این است که بین میزان استفاده از این رسانه‌ها و حجاب رابطه معنادار و منفی وجود دارد؛ یعنی هر اندازه میزان استفاده از شبکه‌های مجازی بیشتر بوده، از گرایش و میل به حجاب کاسته شده است.

حسین اسکندری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به بررسی «نگرش کاربران شبکه‌های اجتماعی به مقوله عفاف و حجاب در فضای مجازی (مطالعه موردی شهر بجنورد)» پرداخته است. تحلیل یافته‌ها نشان داده که نمره نگرش کاربران به مقوله حجاب و عفاف خوب ارزیابی نمی‌شود و برخلاف کلیشه‌های ذهنی، نمره زنان به طور معناداری بالاتر از مردان است. همچنین، نمره افراد متأهل و کسانی که کمتر از یک ساعت در روز از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند، به طور معناداری در مقوله‌های نگرش به حجاب در دنیای مجازی بالاتر از افراد مجرد است.

اما وجه تمایز و نوآوری این پژوهش نسبت به تحقیق‌های پیشگفته این است که علاوه بر باورهای دینی و شبکه‌های اجتماعی به مقوله حجاب هم پرداخته شده و رابطه این سه موضوع

به صورت جامع و با روش آماری - تحلیلی بررسی و تبیین شده است که در پژوهش‌های پیشین به رابطه این سه موضوع پرداخته نشده است.

روش پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی - همبستگی بود و جامعه آماری آن شامل کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی مشغول به تحصیل دانشگاه محقق اردبیلی در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۹۸ بودند. حجم نمونه در پژوهش حاضر نیز با در نظر گرفتن احتمال افت نمونه‌ها، ۴۵۰ نفر در نظر گرفته شد که بعد از حذف داده‌های مخدوش ۴۳۰ دانشجو (۳۰۷ دختر و ۱۲۳ پسر) در مقطع کارشناسی پرسش‌نامه وارد تحلیل آماری شد. روش نمونه‌گیری مورد استفاده نیز نمونه‌گیری خوشه‌ای طبقه‌ای بود. به این صورت که ابتدا از هشت دانشکده دانشگاه محقق اردبیلی چهار دانشکده انتخاب شده و سپس از بین دانشکده‌های منتخب، کلاس‌هایی انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفتند. گردآوری داده‌ها به روش میدانی و با ترکیب ۳ پرسشنامه از نوع بسته صورت گرفت. پژوهشگر با حضور در دانشگاه و کلاس ابتدا هدف تحقیق برای آن‌ها بیان و سپس از آن‌ها درخواست شد به پرسشنامه‌های حجاب، باورهای دینی و وابستگی به شبکه‌های اجتماعی پاسخ دهند. در این پژوهش، تمام آزمودنی‌ها برای شرکت در پژوهش آزادی کامل داشته و قبل از تکمیل پرسش‌نامه جهت رعایت ملاحظات اخلاقی اهداف پژوهش به آن‌ها توضیح و اطمینان داده شد که اطلاعات جمع‌آوری شده به صورت گروهی تحلیل خواهد شد. همچنین معیار ورود به پژوهش شامل اشتغال به تحصیل در دانشگاه در زمان پژوهش و تمایل دانشجویان برای شرکت در پژوهش و عدم تمایل به شرکت در پژوهش معیار خروج بود.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه گلارک و استارک (۱۹۶۵): ابزار گردآوری اطلاعات در بُعد میزان دینداری از پرسشنامه گلارک و استارک (۱۹۶۵) استفاده شده است. این پرسشنامه برای سنجش باورهای دینی و نگرش‌های افراد طراحی شده است و به منظور استانداردسازی بر روی اتباع و پیروان یهودیت، مسیحیت و اسلام در قاره‌های گوناگون اجرا شده و با دین اسلام سازگار و منطبق است. پرسشنامه حاضر یک سنجه پنج بُعدی است که شامل ابعاد پنجگانه اعتقادی، عاطفی، شناختی، پیامدی و مناسکی می‌باشد. این پرسشنامه از ۲۵ گویه، تشکیل شده که شامل ۴ بُعد اعتقادی با (۷ گویه)، بُعد عاطفی با (۶ گویه)، بُعد پیامدی با (۵ گویه) و بُعد مناسکی با (۷ گویه)، به منظور سنجش میزان دینداری استفاده می‌شود. مقیاس اندازه‌گیری مورداستفاده در این سنجش، «لیکرت» می‌باشد که هر گویه با ۵ درجه ارزشی شامل «کاملاً موافق: ۵ نمره، موافق: ۴ نمره، بدون نظر: ۳ نمره، مخالف: ۲ نمره و کاملاً مخالف: ۱ نمره» می‌باشد و ارزش‌های تک تک گویه‌ها بین ۵-۱ مختلف و متغیر می‌باشد.

پرسش نامه سنجش گرایش و تمایل به حجاب؛ پرسشنامه حاضر توسط «آذریون» ساخته شده و شامل ۱۵ سوال بسته پاسخ به حالت مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت تهیه و تنظیم شده است و آزمودنی باید یکی از گزینه های «کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم» را انتخاب کند. برای سوالات ۱، ۲، ۳، ۷، ۸، ۹، ۱۳، ۱۴، ۱۵ که بیانگر مفهومی مثبت راجع به حجاب است، به گزینه «کاملاً موافقم ۵ نمره، موافقم ۴ نمره، نظری ندارم ۳ نمره، مخالفم ۲ نمره و کاملاً مخالفم ۱ نمره» تعلق می‌گیرد و برای سوالات ۴، ۵، ۶، ۱۰، ۱۱، ۱۲ که بیانگر مفهوم منفی راجع به حجاب است، به گزینه «کاملاً موافقم ۱ نمره، موافقم ۲ نمره، نظری ندارم ۳ نمره، مخالفم ۴ نمره و کاملاً مخالفم ۵ نمره» تعلق می‌گیرد. (آذریون، ۱۳۹۲، ۹۹)

پرسش نامه وابستگی به شبکه‌های اجتماعی: این پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد. پرسشنامه حاضر دارای ۲۸ گویه، می‌باشد. مقیاس اندازه‌گیری مورد استفاده در این سنجش، لیکرت می‌باشد که هر گویه پنج درجه ارزشی «کاملاً موافق ۵ نمره، موافق ۴ نمره، بدون نظر ۳ نمره، مخالف ۲ نمره و کاملاً مخالف ۱ نمره» را در برمی‌گیرد و ارزش‌های هر گویه بین ۵-۱ متغیر می‌باشد.

روش تحلیل داده‌ها

داده‌های جمع‌آوری شده در این پژوهش با استفاده از ابزارهای آمار توصیفی چون میانگین و انحراف معیار و از آزمون‌های همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادله ساختاری با بهره‌گیری و استفاده از نرم‌افزار SPSS25 و نرم‌افزار Lisrel.8.8 تحلیل شد.

رابطه باورهای دینی و رعایت حجاب

نوع نگاه انسان یعنی؛ باورها، اعتقادات و جهان‌بینی هر شخصی تعیین کننده «درست» و «نادرست»‌های زندگی اوست و درستی و نادرستی رفتارها تابع اعتقادات، ارزش‌ها است. هیچ فرد مسلمانی، اگر به قرآن و گفتار نبی اکرم(ص) معتقد باشد، نباید تردید کند که ترک حجاب گناه بزرگ است و انجام گناه کبیره اعتقادات و ایمان فرد را زایل می‌کند و فرجامش بدانجا می‌رسد که درستی دستور خدا را انکار می‌کند. انجام هر گناه روح پذیرش، نرمش و فرمانبرداری از خواست خدا را در فرد می‌کاهد و بنیاد اعتقادات او را ویران می‌کند. (غلامی، ۱۳۹۷، ۳۶)

این تحلیل علمی و منطقی، بیان صریح آیه قرآن است که می‌فرماید: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ»؛ آخر سرانجام کار آنان که بسیار به اعمال زشت و کردار بد(گناه) پرداختند این شد که آیات خدا را تکذیب و تمسخر کردند. (روم، ۱۰)

بنابراین حجاب هم مانند خیلی از مسایل دیگر، ارزش محسوب می‌شود اما ارزش‌ها و

ضد ارزش‌های زندگی، بدون فهم معنای زندگی امکان‌پذیر نیست. یعنی؛ کسی که مفهوم زندگی و ارزش حیات را کشف نکرده باشد در فهم اینکه حجاب جزو «ارزش»ها یا «ضد ارزش»ها است، عاجز خواهد بود. بنابراین حجاب میوه درخت شناخت است و درختی چنین میوه‌ای خواهد داشت که ریشه‌های اعتقادی و معرفتی او محکم باشد. (غلامی، ۱۳۹۲، ۴۶) انسان برای دفع خیالات دیگران لباس نمی پوشد، اما وقتی طرز پوشش ما دستمایه خیالات و انتظارات ناروای دیگران است، اگر ایمان و حیا داشته باشیم باید از بروز چنین رفتار و طرز پوشش پرهیز کنیم. پس نوع پوشش افراد تا حدی گویای اعتقادات اوست و مهم‌ترین نیرویی که زن را از لغزش و گناه حفظ می‌کند، باورها، ایمان و حیای او است. (غلامی، ۱۳۹۷، ۲۷)

رابطه شبکه‌های اجتماعی با حجاب

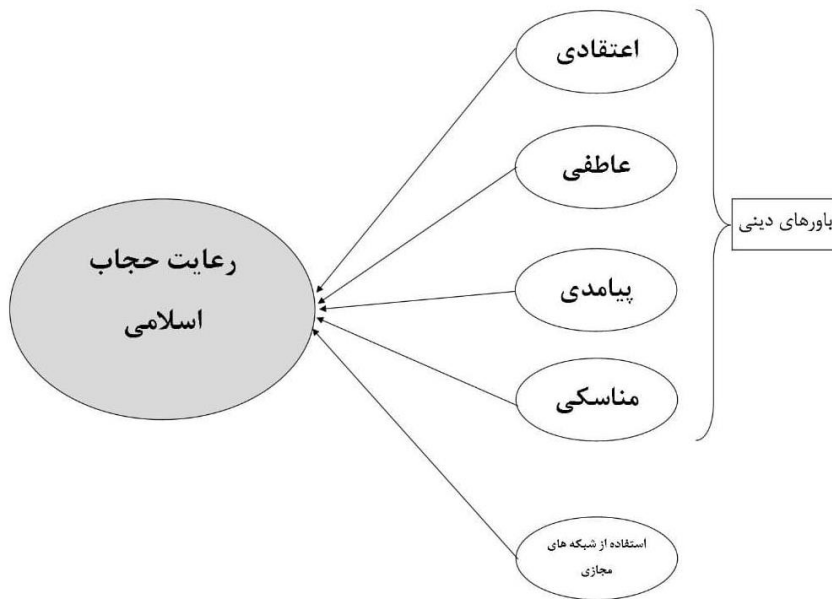
فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به ویژه شبکه‌هایی که در حوزه تغییر سبک زندگی و قالب‌بندی ذهنی افراد متمرکز شده‌اند، امروز به یکی از چالش‌زاترین ابزار تغییر تفکر و تغییر سبک زندگی افراد تبدیل شده‌اند. از آنجایی که زنان هر جامعه‌ای بیش از مردان سفیر فرهنگ و مربی فرزندان در تربیت در خانواده هستند، نوک پیکان تغییر نگاه و سبک زندگی از مسیر فضای مجازی اغلب زنان جامعه را نشانه می‌گیرد. بر این اساس امروز بدحجابی و بی‌حجابی در فضای مجازی به‌عنوان یکی از ابزارهای تسهیل‌کننده تغییر نگاه و سبک زندگی زنان به چالشی جدی تبدیل شده است.

امروزه شبکه‌های اجتماعی مثل ماهواره، اینترنت و... با حجم وسیعی از اطلاعات که در اختیار انسان قرار می‌دهند، نقش مهمی در تغییر و توسعه فرهنگ بشری دارند و کمتر رویداد و جریان مهم اجتماعی را می‌توان یافت که رسانه‌ها در پیدایش و شکل‌گیری آن و یا کنترل آن نقش و سهمی نداشته باشد. (مک کوایل، ۱۳۸۵، ۵۶)

این رسانه‌ها که روابط بین انسان‌ها رو تسهیل کرده، در کنار فواید، آسیب‌هایی هم دارد اما برای اینکه از آسیب این رسانه‌ها مصون بمانیم باید سواد رسانه‌ای و مدیریت استفاده از آنها را آموزش ببینیم. عدم استفاده صحیح از شبکه‌های اجتماعی باعث از بین رفتن ارزش‌ها و اعتقادات از جمله حجاب و آسیب به فضای خانواده خواهد شد. (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۶)

بنابراین اشخاصی که از شبکه‌های مجازی به صورت پالایش شده و به شکل درست استفاده نمی‌کنند، به خواسته این رسانه‌ها که با هدف تهاجم فرهنگی و تزریق خواسته‌های خود هستند، تن خواهند داد و به مرور زمان از پایداری آنها به اعتقادات و ارزش‌های خود از جمله حجاب کاسته خواهد شد. بنابراین این نگرانی وجود دارد که زنان برای مقابله با این چالش‌ها و مقاومت در برابر فشارهای فرهنگی و قدرت رسانه‌ها، توانمندی خود را نادیده می‌گیرند و پوشش خود را تغییر می‌دهند. (خدادادی و احمدی، ۱۳۹۴، ۱۷)

یافته‌ها



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

در جدول ۱ شاخص‌های پراکندگی و نتایج آزمون چولگی و کشیدگی برای بررسی نرمال بودن گزارش شده است (لازم به ذکر است آزمون کالموگروف-اسمیرنوف برای نمونه‌های بزرگ با خطا همراه است).

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی و بررسی نرمال بودن داده‌ها

کشیدگی	چولگی	انحراف معیار	میانگین	مؤلفه
-۰/۰۶۴	۰/۱۹۴	۰/۸۸	۱۲/۱	اعتقادی
-۰/۳۹۶	۰/۳۸۱	۰/۹۲	۶/۴	عاطفی
-۰/۵۶۸	۰/۱۴۵	۰/۸۷	۷/۹	پیامدی
-۰/۲۹۹	۰/۱۶۳	۰/۴۹	۶-۹۳	مناسکی
-۰/۴۳۱	۰/۱۲۲	۰/۵۳	۷/۰۸	وابستگی به استفاده از شبکه‌های اجتماعی
۰/۰۶۷	۰/۲۴۷	۰/۷۴	۲۱/۶	رعایت حجاب اسلامی

مطابق جدول ۱، شاخص‌های میانگین و انحراف استاندارد متغیرها نشانگر پراکندگی مناسب داده‌ها و شاخص‌های چولگی و کشیدگی حاکی از طبیعی بودن توزیع متغیرهای پژوهش می‌باشند.

آزمون الگوی نظری پژوهش

با توجه با این نکته که ماتریس همبستگی مبنای تجزیه و تحلیل مدل‌های علی، خصوصاً مدل‌یابی معادلات ساختاری است، لذا قبل از پرداختن به آزمون الگوی نظری، ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش همراه با ضرایب همبستگی و سطوح معنی‌داری آنها در جدول زیر ارائه می‌شود تا رابطه بین متغیرها مورد بررسی قرار گیرد.

جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	اعتقادی	عاطفی	پیامدی	مناسکی	وابستگی به استفاده از شبکه‌های اجتماعی	رعایت حجاب اسلامی
اعتقادی	۱					
عاطفی	۰/۵۲۳**	۱				
پیامدی	۰/۴۵۶**	۰/۶۳۵**	۱			
مناسکی	۰/۳۵۶**	۰/۳۱۲**	۰/۲۹۸**	۱		
وابستگی به استفاده از شبکه‌های اجتماعی	-۰/۱۸۶**	-۰/۲۲۱**	-۰/۲۴۵**	-۰/۲۸۶**	۱	
رعایت حجاب اسلامی	۰/۷۱۹*	۰/۴۵۲**	۰/۷۹۰**	۰/۲۶۳**	-۰/۲۴۵**	۱

**p<0.01

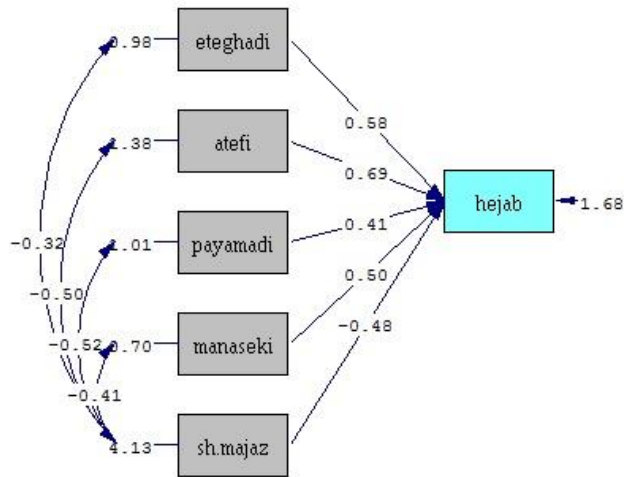
*p<0.05

با توجه به جدول ۲ تمامی متغیرهای تحقیق با همدیگر در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنی‌دار می‌باشد. در این میان رابطه بین ابعاد دینداری با رعایت حجاب اسلامی مثبت و رابطه بین استفاده از شبکه‌های مجازی با رعایت حجاب اسلامی رابطه منفی و معکوسی می‌باشد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که وابستگی به استفاده از شبکه‌های اجتماعی خواه ناخواه در از بین بردن حجاب اسلامی تاثیر منفی و معکوسی دارد.

جدول ۳: تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان

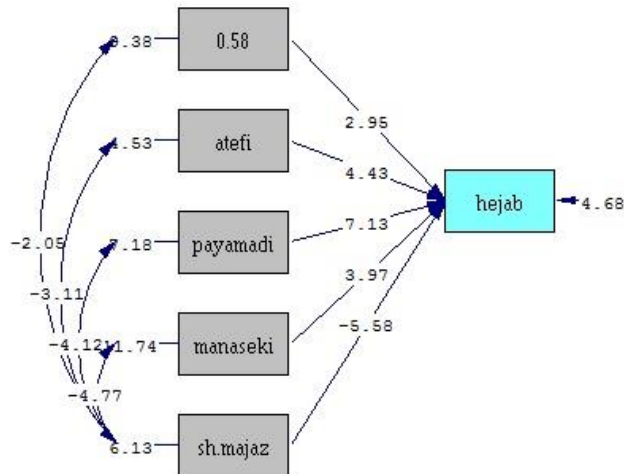
متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک	F	P	R	R ²	β	t	P
اعتقادی عاطفی پیامدی مناسکی وابستگی به استفاده از شبکه‌های اجتماعی	رعایت حجاب اسلامی	۱۴/۸۳	۰/۰۰۱	۰/۶۳	۰/۵۴	۰/۶۳	۳/۶۵	۰/۰۱
						۰/۴۹	۵/۰۶	۰/۰۵
						۰/۲۸	-۴/۰۳	۰/۰۳
						۰/۵۵	-۳/۰۹	۰/۰۱
						-۰/۴۸	-۳/۸۸	۰/۰۴

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد مقدار آماره آزمون برای بررسی رابطه بین متغیرهای پیش‌بین با رعایت حجاب اسلامی با ۱۴/۸۳ که در سطح ($P=0/001$) معنادار است. مقدار نشان می‌دهد ۰/۵۴ از واریانس رعایت حجاب اسلامی دانشجویان توسط متغیرهای پیش‌بین تبیین می‌شود. همچنین نگاهی به ضرایب رگرسیون نشان می‌دهد که بُعد اعتقادی ($\beta = 0/63$)، بُعد عاطفی ($\beta = 0/49$)، بُعد پیامدی ($\beta = 0/28$) و بُعد مناسکی ($\beta = 0/55$) می‌تواند رعایت حجاب اسلامی دانشجویان را به طور مثبت و معنادار پیش‌بینی کند. از طرفی دیگر وابستگی به استفاده از شبکه‌های اجتماعی ($\beta = -0/48$) می‌تواند رعایت حجاب اسلامی دانشجویان را به طور معکوس و معنادار پیش‌بینی کنند. به عبارت دیگر هر چه از کنترل شبکه‌های اجتماعی در دسترس دانشجو بالا رود می‌توان انتظار داشت که رعایت حجاب اسلامی بیشتر اتفاق بیفتد و در غیر اینصورت از حجاب اسلامی کاسته می‌شود.



Chi-Square=304.83, df=109, P-value=0.00000, RMSEA=0.063

شکل ۳: مدل آزمون شده پژوهش حاضر (مقادیر استاندارد شده)



Chi-Square=304.83, df=109, P-value=0.00000, RMSEA=0.063

شکل ۴: مدل آزمون شده پژوهش حاضر (مقادیر معناداری)

با توجه به شکل ۳ و ۴ اثر مستقیم بعد اعتقادی بر رعایت حجاب اسلامی دانشجویان (۰/۵۸) با تی (۲/۹۵) در سطح ۰/۰۱ معنی دار می باشد، اثر مستقیم بعد عاطفی بر رعایت حجاب اسلامی دانشجویان با ضریب ۰/۶۹ و تی ۴/۴۳ در سطح ۰/۰۱ معنی دار می باشد، اثر مستقیم بعد پیامدی بر رعایت حجاب اسلامی دانشجویان با ضریب ۰/۴۱ و تی ۷/۱۳ در سطح ۰/۰۱ مثبت و

معنی دار می‌باشد، اثر مستقیم بعد مناسکی بر رعایت حجاب اسلامی دانشجویان با ضریب $0/50$ و تی $3/97$ در سطح $0/01$ مثبت و معنی دار می‌باشد. همچنین اثر مستقیم وابستگی به استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر رعایت حجاب اسلامی دانشجویان با ضریب مسیر $0/48$ - و تی $5/58$ - در سطح $0/01$ معکوس و منفی و معنی‌داری می‌باشد.

شایان ذکر است که ابعاد دینداری دانشجویان و وابستگی به استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در تحلیل داده‌ها دارای همپوشانی هستند. به عبارت دیگر ابعاد دینداری و وابستگی به استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در صورت در کنار هم بودن می‌توانند تاثیر معنی‌داری بر رعایت حجاب اسلامی دانشجویان داشته باشند. البته تاثیر ابعاد دینداری بر وابستگی به استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی منفی و معکوس می‌باشند.

با توجه به نتایج به دست آمده، بعد اعتقادی $0/48$ درصد، بعد عاطفی $0/33$ درصد، بعد پیامدی $0/54$ درصد و بعد مناسکی $0/41$ درصد از تغییرات رعایت حجاب اسلامی دانشجویان را به صورت مثبت و مستقیم تبیین می‌کنند. همچنین وابستگی به استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی $0/39$ درصد از تغییرات رعایت حجاب اسلامی دانشجویان را به صورت منفی و معکوس تبیین می‌کند.

در جدول ۴ شاخص‌های برازش مدل آزمون شده گزارش شده‌اند که با توجه به معیارهایی که گیفن و همکاران (۲۰۰۰) مطرح نموده‌اند، مدل آزمون شده کل برازش مناسبی با داده‌های گردآوری شده دارد.

جدول ۴: شاخص‌های برازش کلی مدل آزمون شده پژوهش حاضر

شاخص	X^2	df	X ² /d.f.	CFI	GFI	AGFI	RMSEA
پژوهش حاضر	۳۰۴/۸۳	۱۰۹	۲/۷۹۶	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۸۴	۰/۰۶۳
حد قابل پذیرش	معنی‌دار نباشد	-	کمتر از ۳	بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۸۰	کمتر از ۰/۰۸

نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه باورهای دینی و وابستگی به استفاده از شبکه‌های اجتماعی با میزان رعایت و تعهد به حجاب اسلامی دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی صورت پذیرفت. نتایج مدل معادلات ساختاری نشان داد که باورهای دینی با حجاب ارتباط مستقیم و معناداری دارد. این نتایج با یافته‌های غلامی (۱۳۹۷)، صدر و همکاران (۱۳۹۶) مبنی بر اینکه باورهای دینی با حجاب ارتباط معناداری دارد، همخوان می‌باشد. در تبیین این مطلب می‌توان گفت در حقیقت انسان بعد از شناخت از ارزش دینی مثل حجاب، آن را به عنوان باور و امری الهی می‌پذیرد و با پذیرش با جان و دل این باور و ارزش، به عنوان شخصیت متعهد به احکام و اصول دینی و رعایت حجاب اسلامی در اجتماع حاضر می‌شود. بنابراین حجاب نشانگر انتخاب و اختیار یک باور و عقیده است و هر انسانی عقیده و باور خود را با «شناخت» انتخاب می‌کند و همه رفتارها، حرکات و اخلاقیات خود را برطبق آن شکل می‌دهد. هر اندازه شناخت زیاد باشد، انسان در عقیده و باور خود استوارتر خواهد بود. حجاب نیز نتیجه و محصول بینش‌ها و شناخت و عقیده انسان است که با رعایت آن، جامعه از نظر سیر معنوی رشد و ترقی لازم را خواهد کرد. نتایج مدل معادلات ساختاری نشان داد که وابستگی به شبکه‌های اجتماعی با حجاب ارتباط معکوس و معناداری دارد. این نتایج همخوان با یافته‌های نعمتی‌فر و همکاران (۱۳۹۸) و قراباغی و همکاران (۱۳۹۷) می‌باشد. علاوه بر این نتایج، پژوهش وقاری (۱۳۹۶) نشان می‌دهد که بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با حجاب و عفاف و همچنین بین دینداری، با حجاب و عفاف رابطه معناداری وجود دارد؛ بدین گونه که با افزایش استفاده از شبکه‌های مجازی شاهد کاهش رعایت حجاب و عفاف در بین نمونه آماری این پژوهش هستیم و در بین افرادی که از این شبکه‌ها استفاده نمی‌کنند یا کمتر استفاده می‌کنند، این رابطه معکوس می‌باشد. بنابراین لازم است که اولاً، خانواده‌ها در تقویت باورهای دینی خود و فرزندان‌شان کوشا باشند و حجاب را که جزو باورها، احکام و دستورات اخلاقی دین اسلام است، رعایت نمایند که رعایت حجاب علاوه بر رشد معنوی فرد به رشد معنوی و سلامت جامعه خواهد انجامید. و ثانیاً، خانواده‌ها در استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، سواد رسانه‌ای و مدیریت لازم را داشته باشند تا بتوانند از آثار مخرب این شبکه‌ها در تضعیف باورها و اخلاقیات در امان باشند.

فهرست منابع

۱. ابن منظور، محمد، (۱۴۰۸ق). لسان العرب، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ج ۴، چاپ اول.
۲. احمدپور، مریم و قادرزاده، امید، (۱۳۸۹)، تعامل در فضای سایبر و تأثیر آن بر هویت دینی جوانان، فصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره ۹: ۵۵-۲۹.
۳. احمدی، خدابخش؛ بیگدلی، زهرا؛ مرادی، آزاده؛ سید اسماعیلی، فتح الله (۱۳۸۹). رابطه اعتقاد به حجاب و آسیب پذیری فردی، خانوادگی و اجتماعی، مجله علوم رفتاری. ۴(۲): ۱۰۲ - ۹۷.
۴. آذریون، پریسا، (۱۳۹۲). میزان استفاده از رسانه‌های ارتباطی و گرایش دانشجویان دختر دانشگاه بوعلی سینا به حجاب در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم تربیتی.
۵. بیرو، آلن، (۱۳۸۰). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷). الصحاح، بیروت: دارالعلم المالین.
۷. خدادادی سنگده، جواد و احمدی خدابخش، (۱۳۹۴). نقش عوامل فرهنگی و رسانه‌ای در پیش‌بینی حجاب زنان؛ مطالعه‌ای ملی، فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، شماره ۳۳، ۲۱-۷.
۸. خراسانی، احمد، (۱۳۸۶). سنجش نگرش جوانان بیننده ماهواره شهر تهران درباره نقش ماهواره در مدگرایی و تغییر رفتار اجتماعی: دانشکده صدا و سیما.
۹. دورکیم، ا. (۱۳۸۳). صور ابتدایی حیات دینی، ترجمه باقر پرهام، تهران: مرکز.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین، (۱۴۰۴ق). مفردات، تهران: دفتر نشر کتاب.
۱۱. رستمی محمد و همکاران، (۱۳۹۶). بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر فرهنگ و باورهای دینی (هویت) کاربران مطالعه موردی: کاربران استان اصفهان، فصلنامه علوم اجتماعی، سال یازدهم، شماره دوم، ۷۱-۴۵.
۱۲. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۹۲). تفسیر المیزان، ج ۱۶، تهران: موسسه انتشاراتی اسماعیلیان، چاپ سوم.
۱۳. عمید، حسن، (۱۳۷۶). فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیر کبیر، ج ۱، چاپ یازدهم.
۱۴. غلامی، یوسف، (۱۳۹۷). راز یک فریب، قم: نشر معارف، چاپ هجدهم.
۱۵. علوی؛ سیداحمدرضا، حجتی؛ رضیه، (۱۳۸۶). عوامل موثر بر بدحجابی دختران دانشگاه شهید باهنر کرمان، تربیت اسلامی، سال دوم، شماره ۴، ۶۳-۸۸.
۱۶. کازنو، ژان. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۷. مک کوایل، دیتس. (۱۳۸۵). درآمدی بر نظریه ارتباط جمعی، ترجمه پرویز اجلالی، تهران: دفتر تبلیغات و توسعه رسانه‌ها.

۱۸. موسوی پور، محمد صادق، (۱۳۸۹). آشنایی با اصطلاحات رایج در شبکه‌های اجتماعی، مجله ره آورد نور شماره ۳۱.
۱۹. وقاری، مهدی. (۱۳۹۶). «بررسی میزان تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر حجاب و عفاف دانش‌آموزان (مورد مطالعه: دانش‌آموزان متوسطه دوره دوم شهر بجنورد)». فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی، سال چهارم، شماره ۱۳، ۳۷-۵۶.
۲۰. هور، استوارت ام. و نات لاندبای، (۱۳۸۲). رسانه، دین و فرهنگ، ترجمه مسعود آریایی نیا، تهران: سروش.
۲۱. حسین زاده، محمد، (۱۳۹۰). پژوهشی تطبیقی در معرفت‌شناسی، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول.
۲۲. فرامرزیانی، سعید، هاشمی، شهناز، فرهنگی، علی‌اکبر. (۱۳۹۵). نقش استفاده از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه بر ارزش‌های اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان و میانسالان ساکن در شهرهای پنج استان کشور، پژوهش‌های ارتباطی، ۲۳ (۸۷): ۱۱۳-۱۳۵.
۲۳. نعمتی‌فر، سیدنصرت اله، صفورایی پاریزی، محمد مهدی. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر حجاب و پوشش کاربران با تأکید بر ابعاد دینداری (مورد مطالعه: کاربران زن شبکه اجتماعی اینستاگرام) دین و ارتباطات، ۲۶ (۵۵): ۳۳۵-۳۶۲.
۲۴. قرباگی، حسن، یوسفی افراشته، مجید، صالحی، وحید (۱۳۹۷). تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر حجاب و عفاف، هویت دینی و فردی، تعامل با خانواده و افسردگی و انزوا در بین جوانان، فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۴۲ (۱): ۲۵۷-۲۷۲.
۲۵. صدر، فاطمه، معتمدی و، عبدالله. (۱۳۹۶). بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با نگرش به حجاب و خودمهارگری در دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی. روانشناسی دین، ۳۹ (۳): ۱۰۱-۱۱۲.
26. Boyd, D. M., & Ellison, N. B. (2007). "Social network sites: definition, history, and scholarship". *Journal of Computer-Mediated Communication*, 13(1): 210-230).
27. Berthon, P. R, Pitt, L. F., Plangger, K. & Shapiro, D. (2012). "Marketing meets Web 2,0, social media, and creative consumers: Implications for international marketing strategy". *Business Horizons*, 55 (3): 261-271
28. Boyd, Daneh & Ellison, Nicole (2007), "Social Network Sites: Definition, History and Scholarship", *Journal of Computer-Mediated Communication*, Vol. 133: 210- 230
29. Kuss, D. J., & Griffiths, M. D. 2011. Addiction to social networks on the Internet: A literature review of empirical research. *International Journal of Environment and Public Health*, 8, 3528-3552.
30. Mishna, F., Regehr, C., Lacombe-Duncan, A., Daciuk, J., Fearing, G., Van Wert, M. (2018). Social media, cyber-aggression and student mental health on a university campus. *Journal Ment Health*. 27 (3): 222-229.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۳۸ - ۱۹

شاخصه‌های تربیتی اخلاقی مؤثر در قصه‌گویی دیجیتال کودکان

فاطمه اعتمادی^۱فهمیمه باب الحوائجی^۲سید علی حسینی المدنی^۳

چکیده

زمانی که فناوری با خلاقیت بشری پیوند می‌خورد مرز آن حتی به عالم خیال نیز راه پیدا می‌کند. مصادیق بارز قصه‌گویی نوین استفاده از فناوری‌هایی چون قصه‌گویی دیجیتال، صوتی، اینترنتی، تلویزیون و تلفن است که در کنار قصه‌گویی سنتی و چهره به چهره شکل گرفته است. قصه‌گویی دیجیتال از پدیده‌های جدید در عالم فناوری و قصه‌گویی است. هدف از پژوهش حاضر تعیین شاخص‌های تولید قصه‌های دیجیتال توسط کودکان می‌باشد. تعیین شاخص‌های تولید قصه‌های دیجیتال توسط کودکان از طریق نظرسنجی از خبرگان آگاه به موضوع با استفاده از تکنیک دلفی، مورد شناسایی قرار گرفت. جامعه آماری پژوهش شامل خبرگان است که با استفاده از روش گزینشی، هدفمند و قضاوتی از نظرات ۳۰ نفر از آنها استفاده شد. پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کاربردی است که به روش‌های کتابخانه‌ای و کیفی با رویکرد دلفی انجام شد. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، ترکیبی از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی است. به منظور سنجش توافق بین نظرات خبرگان از ضریب همبستگی کندال استفاده شده است. یافته‌های پژوهش توافق شدید بین نظرات خبرگان در دور اول و دوم را نشان می‌دهد. انتخاب موضوع قصه، نوشتن یا پیدا کردن قصه، تهیه فیلم و عکس، تهیه و ضبط صدا، ویرایش و ایجاد هماهنگی بین صدا و تصویر، مشاهده و بازنگری قصه دیجیتال، ارائه قصه دیجیتال، بازخور و بازبینی به عنوان مراحل تولید قصه‌های دیجیتال توسط کودکان شناسایی شدند.

واژگان کلیدی

قصه، فناوری اطلاعات، قصه‌گویی دیجیتال.

۱. دانشجوی دکتری علوم اطلاعات و دانش‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: Etemadi.fatemeh91@yahoo.com

۲. دانشیار گروه علوم ارتباطات و دانش‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: f.babalhavaeji@srbiau.ac.ir

(نویسنده مسئول)

۳. استادیار گروه روانشناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: Hosseini-almadani@iau-tnb.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۲۰

طرح مسأله

سنین کودکی و نوجوانی، دوره‌ای حساس و تاثیرگذار در شکل‌گیری شخصیت فرد است و نقش عوامل محیطی و آموزشی در این دوره را نمی‌توان نادیده گرفت (۱). یکی از روش‌های نوین آموزش، استفاده از ادبیات و بخش‌های مختلف آن، خصوصاً ادبیات داستانی در کلاس درس است. رابطه تنگاتنگ ادبیات و زندگی اجتماعی در پدید آمدن داستان‌ها و حکایت‌ها نقش اساسی دارد و سبب به اشتراک گذاشتن اندیشه‌ها و تجربیات فردی و اجتماعی، انتقال میراث فرهنگی، آداب و سنن، اعتقادات و تاریخ از یک نسل به نسل‌های بعدی می‌شود (۱۹). علیرغم آن‌که داستان به مفهوم کلی عبارت است از «ماجرای واقعی یا تخیلی که برای سرگرمی گفته یا خوانده می‌شود» (۱۵)، کارکرد داستان تنها سرگرمی نیست. بلکه، می‌تواند در جهت شناخت، پیشگیری و حل مشکلات مفید واقع شود (۳۹). ذهن انسان ماهیت قصه‌مدار است و ادراک تجربیات روزمره خود را در قالب خرده داستان‌ها سامان می‌دهد (۲۷). همانطور که مصرف مواد غذایی سبب رشد و نمو بدن و ارگان‌های آن می‌گردد، گوش دادن به داستان نیز می‌تواند سبب رشد ذهنی انسان‌ها گردد (۴۵).

کودکان و نوجوانان از طریق قصه با تجارب دیگران آشنا می‌شوند و می‌آموزند چگونه مسائل و مشکلات خود را حل کنند (۴۷). قصه‌ها مجموعه‌ی منسجمی از امیال، آرزوها و هدف‌های یک قوم هستند و از قصه‌گویی به عنوان روشی برای رشد مهارت‌های کلامی کودکان استفاده می‌شود (۳۸). داستان، مخاطب را به تفکر وادار می‌دارد و اطلاعات متنوعی را به نحوی سرگرم‌کننده و جذاب در اختیار آنها می‌گذارد (۲۱). قصه‌گویی مایه شمع و شادی کودکان می‌شود و وسیله‌ای برای تأمین بهداشت روانی آنان است (۲۴). قصه‌گویی موجب افزایش خلاقیت و عزت نفس کودکان شده (۳۹) و بر رشد تفکر فلسفی (۱۸) و خودپنداره آنان تأثیر مثبتی دارد (۱۹).

علاوه بر این مزیت‌ها، داستان‌گویی یکی از تکنیک‌های مؤثر آموزشی است. ارزش آموزشی و تعلیمی ادبیات از دوران کهن در ادبیات تعلیمی کاملاً مشهود است. از این منظر، آثار ادبی در پیوند با دانش‌ها و رشته‌های دیگر قرار گرفته و عنصر اصلی آن آموزش و افزایش آگاهی مخاطب نسبت به موضوعات مختلف علمی، سیاسی، دینی و اخلاقی است (۳۱). داستان‌گویی نه تنها سبب بهبود کیفیت تدریس معلمان می‌شود (۲۲)، بلکه، حس کنجکاوی دانش‌آموزان را بر می‌انگیزد و به آنها کمک می‌کند تا مفاهیم مبهم و مباحثی را که نیاز به دقت بیشتر دارند را بهتر بیاموزند (۳۶). قصه‌ها به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهند تا مسایل خود را از طریق فرا

گرفتن تجربه‌ها و حوادث زندگی دیگران حل کنند. زیرا، دانش آموزان هنگام گوش دادن به داستان در مورد شخصیت‌های داستان فکر می‌کنند و عملکرد آنها را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند (۴۱). داستان می‌تواند، سبب تقویت مهارت‌های ارتباطی شود، در خواندن و نوشتن به دانش آموزان کمک کند، دانش آموزان را در فعالیت‌های کلاسی با روشی مهیج و سرگرم کننده درگیر کند، ساختارهای زبانی را به آنان بیاموزد و سبب گسترش دایره لغات آنها شود (۴۶). مقایسه بین روش سخنرانی و داستان‌گویی حاکی از تأثیر روش داستان‌گویی بر ارتقاء سطح آگاهی دانش آموزان است (۲۱). داستان سبب تقویت حافظه می‌گردد و قدرت تفکر عمیق و انتقادی را افزایش داده و در نتیجه سطح آگاهی، تفکر انتقادی، مهارت‌های کلاسی و یادگیری را ارتقاء می‌بخشد (۲۴).

از طرفی با گسترش روزافزون ابزارهای فناوری در سال‌های اخیر، نوعی قصه‌گویی به نام قصه‌گویی دیجیتال^۱ در آموزش مورد استفاده قرار گرفته است. قصه‌گویی دیجیتال عبارت است از تلفیق هنر قصه‌گویی با ابزارهای فناوری به نحوی که تصویر، موسیقی و گرافیک با صدای راوی (قصه‌گو) تلفیق شده و به صورت چندرسانه‌ای در ابزارهای فناوری قابل دیدن و شنیدن باشد (۵). واژه داستان‌گویی دیجیتال برای اولین بار توسط اشلی^۲ برای توصیف داستان‌ها و تجارب شخصی که از طریق رسانه‌های دیجیتال روایت می‌شوند، ابداع گردید. در این نوع داستان‌گویی، هر فرد (معلم با دانش آموز) می‌تواند با انتخاب یک موضوع دلخواه، داستانی را در محیط نرم افزارهای تولید چندرسانه‌ای به تصویر بکشد به نحوی که عکس‌های مربوط به موضوع داستان، روایت داستان توسط قصه‌گو و موسیقی پس زمینه همراه با هم برای مخاطب نمایش داده شوند. داستان‌های دیجیتال با فرمت‌های قابل نمایش (مانند MPEG^۳) ساخته می‌شوند و می‌توان آنها را در ابزارهای فناوری همانند تبلت، لپ‌تاپ و گوشی‌های هوشمند ذخیره و تماشا نمود (۲۹).

تحولات دهه‌های اخیر در زمینه ظهور فناوری‌های جدید، دوره جدیدی را در زندگی بشر رقم زده است. تبدیل شدن کره زمین با این وسعت و پهنا به یک دهکده جهانی کوچک، پدیده‌ای است که حاصل پیشرفت‌های فناوری از قرن بیستم به بعد می‌باشد. در این میان هیچ‌یک از قشرهای جوامع از این هجوم تحولات در امان نبوده و همگی با آن پیوند خورده‌اند. کودکان نیز بخش مهم این جوامع‌اند که بدون تردید دگرگون‌کنندگان نسل‌های آینده بشری خواهند بود. تغییر در نیازهای کودکان، شناخت این نیازها و آسیب‌شناسی آنها هر یک مباحثی

-
1. Digital Storytelling
 2. Dana Atchley
 3. Moving Picture Experts Group

جداگانه و تخصصی در حوزه های مختلف علوم رفتاری و اجتماعی است اما آنچه به ادبیات کودکان و نیازهای ادبی آنها مربوط است، این می‌باشد که به فراخور تغییر در نیازها و سبک زندگی بایستی ادبیات و به طبع آن قصه های کودکان تغییر یافته و با طرحی نو و از دریچه نگاهی نو ساخته و پرداخته شود. کودکان امروز شاید بیش از هر دوره تاریخی دیگری دچار تحول و دگرگونی گشته اند. کودکانی که امروز دوستان صمیمی شان رایانه، اینترنت، تبلت و... است. لذا پرداختن به نیازهای کنونی کودکان در بستری به نام رایانه و دنیای دیجیتال امری ضروری است و نشانگر بینش مدیرانه اندیشمندان جوامع کنونی می‌باشد. فناوری بسیاری از مهارت هایی را که بشر از دیرباز داشته، تحت تأثیر قرار داده است. یکی از این مهارت ها «قصه گوئی» است. بشر از دیرباز داستان هایی را با چاشنی تخیل برای نسل نو تعریف می کرده و این روند سینه به سینه به نسل های بعد منتقل می شده است. در واقع انسان همواره آرزوها، تجربیات و طرز فکر خود را به کمک قصه به دیگران منتقل می کرده و از آن لذت می برده است. «قصه گوئی دیجیتال» نسل جدیدی از قصه گوئی است که علاوه بر مزایای قصه گوئی سنتی، زمینه رشد مهارت سخنرانی، نگارش، ارتباطات اجتماعی و خلاقیت دانش آموزان را فراهم می کند. در واقع از زمان شکل گیری ایده داستان گوئی دیجیتال حدود یک دهه می گذرد و انواع مختلفی از داستان های دیجیتال برای اهداف مختلف مورد استفاده قرار گرفته اند. قصه ها نقش بسیار مهمی در تکوین شخصیت کودکان و ترغیب آنها به ارزش های اخلاقی و پرورش حس زیبایی شناسی در کودکان و متوجه ساختن آنها به دنیای اطرافشان دارند. هنر قصه گوئی به دلیل لذت آفرین بودنش تاثیر زیادی در برانگیختن مخاطبان دارد. با توجه به آنچه مطرح شد تحقیق با هدف ارائه تعیین شاخص های تولید قصه های دیجیتال توسط کودکان است. اهداف فرعی پژوهش عبارتند از:

- شناسایی شاخص های مراحل تولید قصه های دیجیتال در منابع؛

- تعیین میزان توافق خبرگان در خصوص شاخص های مراحل تولید قصه های دیجیتال.

۱- مفهوم قصه گوئی دیجیتال

قصه گوئی نوین و سنتی در خدمت هنر قصه گوئی برای مخاطبان هستند و با رشد تکنولوژی و تغییر ذائقه مخاطبان نمی توان یکی از این سبک ها حذف یا فدای دیگری کرد. شاید ساده ترین تعریف برای قصه گوئی دیجیتال این باشد که به عنوان زیر شاخه ای از رسانه های دیجیتال به هر فرد، امکان ارائه ی قصه ی خود را در فضای مجازی می دهد. قصه گوئی دیجیتال ساختاری مشابه قصه گوئی سنتی دارد. یک قصه ی دیجیتال همانند قصه به

شکل معمول، شامل بخش‌های زمینه‌چینی (آغاز)، بروز بحران، نقطه‌ی اوج (گره‌گشایی)، فرود و نتیجه‌گیری است. قصه‌های دیجیتالی به طور معمول برداشت شخصی افراد از دامنه‌ی نامحدود موضوع‌ها را در برمی‌گیرند. انعطاف، تنوع و دسترسی آسان، سه ویژگی برجسته‌ی قصه‌های دیجیتالی به شمار می‌آیند. بدین ترتیب در قصه‌گویی دیجیتال برخلاف شیوه‌های پیشین، مرز میان مخاطب/خواننده/مصرف‌کننده و گوینده/نویسنده/تولیدکننده تاحد زیادی کم‌رنگ می‌شود و مشارکت و تعامل میان مخاطب و صاحب اثر به حداکثر می‌رسد. به تعبیر دیگر، قصه‌گویی دیجیتال جایی است که سواد خواندن و سواد دیجیتال می‌توانند دو بال برای پرواز تفکر در افراد باشند (۲۹).

قصه‌گویی دیجیتال همانند سایر رسانه‌های دیجیتال بستری آسان و قابل دسترس برای تولید و انتشار دارد و فضایی تعاملی و بی‌واسطه را برای مخاطبان ایجاد می‌کند. امکانات و تجهیزات مورد نیاز برای تولید یک قصه دیجیتال بسیار متنوع است و طیف این تجهیزات از ساده‌ترین ابزار همچون موبایل و اپلیکیشن‌های کاربردی و آسان تا نرم‌افزارهای پیشرفته صداگذاری و تدوین است. برای تولید یک قصه دیجیتال دانش اولیه رایانه‌ای الزامی است. یک قصه دیجیتال از بخش‌های مختلفی از جمله صدا، موسیقی و تصویر تشکیل شده است. نرم‌افزارهای مورد استفاده در قصه‌گویی دیجیتال بنا به تکنیک اجرا، شامل نرم‌افزارهای ویرایش عکس، انیمیشن، نرم‌افزارهای ویرایش فیلم و تنظیم صدا است (۲۶).

۲- مولفه‌های حاصل از مطالعات کتابخانه‌های

نخستین جرقه‌های قصه‌گویی دیجیتال در اواخر دهه‌ی هفتاد میلادی در دانشگاه برکلی از سوی لمبرت^۱ و همکارانش معرفی شد. اما گسترش این رسانه در سطح جهانی به آغاز قرن حاضر برمی‌گردد. دسترسی عامه‌ی مردم به اینترنت و فن‌آوری‌هایی مانند دوربین‌های عکاسی و فیلمبرداری دیجیتال و نرم‌افزارهای تدوین صدا و تصویر در معرفی و گسترش این رسانه به‌عنوان یک ابزار آموزشی نقش به‌سزایی داشته‌اند (۲۹).

چانگ و چانگ در تحقیقی به بررسی فرآیندهای یادگیری برای تخیل علمی داستان پردازی دیجیتال پرداختند. نتایج نشان داد که کمترین عملکرد دانشجویی در مرحله تنظیم پویا در بین پنج مرحله از چارچوب تخیل علمی داستان پردازی دیجیتال رخ داده است (۱۱). دانش آموزان در توصیف روابط میان مفاهیم علمی و ایجاد داستان‌های علمی بر اساس دانش علمی خود، مهارت لازم را ندارند. روبین^۲ در تحقیقی به بررسی قدرت قصه‌گویی دیجیتال برای پشتیبانی از آموزش و یادگیری پرداختند و دریافتند که چگونگی داستان پردازی دیجیتال برای

حمایت از فعالیت‌های آموزش و یادگیری مورد استفاده قرار می‌گیرد (۳۳). گیمینو سانز^۱ در تحقیقی به داستان پردازی دیجیتال به عنوان یک عنصر ابتکاری در زبان انگلیسی برای اهداف خاص پرداخت. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که با تعدادی از یافته‌های یک نظرسنجی دانشجویی نتیجه‌گیری می‌کند که قصه‌گویی دیجیتال یک رویکرد تدریس مفید و جذاب است که با استفاده از آن دانش‌آموزان هم مهارت‌های زبانشناسی و مهارت‌های غیرزبانی را بهبود می‌بخشند (۲۰). عابدین و همکاران در تحقیقی به بررسی تأثیر قصه‌های دیجیتال بر درک شفاهی زبان آموزان خردسال مالایی در یک مهد کودک دولتی پرداختند. نتیجه نشان داد که استفاده از قصه‌های دیجیتال بر درک شنیداری زبان آموزان تأثیر مثبتی دارد (۲). چانگ و کو^۲ تأثیر داستان‌گویی دیجیتال را با استفاده از سامانه برخط Storybird بر عملکرد خواندن زبان آموزان تایوانی بررسی کردند. نتیجه نشان داد که داستان‌های دیجیتال بر خواندن و درک مطلب و یادگیری لغات دانش‌آموزان تأثیر معناداری دارد. بیش از ۸۱٪ زبان‌آموزان اظهار کردند که خواندن داستان‌های دیجیتال فهم زبان انگلیسی و یادگیری لغات آنان را ارتقاء می‌دهد (۱۲). کلارک و آدام^۳ به بررسی نظر شش متخصص علوم تربیتی که در مورد قصه‌گویی دیجیتال مقالاتی منتشر کرده بودند، پرداختند و از آنان خواستند، ارزش استفاده از داستان‌گویی دیجیتال به عنوان یک تکنیک آموزشی در آموزش عالی استرالیا را مورد بررسی قرار دهند. داده‌های مورد نظر از طریق مصاحبه و حول سه موضوع اصلی: تجربه شرکت‌کنندگان در تولید و استفاده از قصه‌های دیجیتال، انگیزه آنان برای استفاده از این تکنیک در دروس دانشگاهی و نقاط قوت و ضعف این تکنیک جمع‌آوری شد. نتایج نشان داد که استادان ملاحظاتی برای استفاده از این تکنیک در دروس دانشگاهی دارند و معتقدند قصه‌گویی دیجیتال می‌تواند تکمیل‌کننده روش‌های متداول یادگیری و پژوهش باشد؛ اما، جایگزین مناسبی برای آنها نیست (۱۳). یانگ و وو^۴ تأثیر استفاده از قصه‌گویی دیجیتال را با روش سخنرانی معلم در بین دانش‌آموزان تایوانی در کلاس زبان انگلیسی با هم مقایسه کردند. نتایج نشان داد که استفاده از قصه‌گویی دیجیتال می‌تواند بر پیشرفت تحصیلی، تفکر نقادانه و انگیزه یادگیری زبان دانش‌آموزان تأثیر معناداری بگذارد. نتایج مصاحبه با دانش‌آموزان و معلمان نیز نشان داد که از نظر هر دو گروه، قصه‌گویی دیجیتال تکنیک آموزشی ارزشمندی است که درک دانش‌آموزان از مطالب تدریس شده، یادگیری اکتشافی و تفکر انتقادی را که جزء اهداف اصلی تعلیم و تربیت قرن بیست و یکم است

-
1. Gimeno-Sanz
 2. Chuang & Kuo
 3. Clarke & Adam
 4. Yang & Wu

ارتقاء می بخشد (۴۶).

واحدی و همکاران در تحقیقی به بررسی تاثیر آموزش مفاهیم علوم به شیوه قصه گویی بر مهارت‌های اجتماعی و هوش کلامی نوآموزان دو زبانه دوره پیش دبستانی پرداختند. نتایج حاصل از این پژوهش در سیستم آموزش و پرورش شهرستان کارون بخصوص مراکز پیش دبستانی، مورد توجه قرار گیرد و از نتایج آن در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها استفاده شود تا با کاهش عوامل بازدارنده به تقویت مهارت‌های اجتماعی و هوش کلامی نوآموزان کمک شود (۴۳). اصغری و همکاران در تحقیقی به تأثیر روش قصه گویی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان مبتلا به نشانگان داون پرداختند. نتایج نشان داد که روش قصه گویی موجب بهبود مهارت‌های اجتماعی (همکاری، جرئت و رزی، و خودمهارگری) کودکان مبتلا به نشانگان داون شده است. روش قصه گویی موجب بهبود مهارت‌های زبانی و ارتباطی همچون دقت شنیداری، افزایش درک معانی واژه‌ها، توانایی گوش دادن و صحبت کردن می شود که در نتیجه مهارت‌های اجتماعی نیز به صورت مثبت تحت تأثیر قرار می گیرد (۷). رسولی و همکاران در تحقیقی به اثربخشی آموزش هوش هیجانی به روش قصه گویی بر کاهش کمرویی و ارتقاء مولفه‌های هوش هیجانی دانش آموزان دختر دبستانی پرداخت. نتایج نشان داد که آموزش هوش هیجانی به روش قصه گویی بر کاهش کمرویی و ارتقاء هوش هیجانی و مولفه‌های آن در دانش آموزان دختر دبستانی موثر بوده است. بنابراین آموزش هوش هیجانی می تواند به عنوان یک مداخله درمانی جهت کاهش کمرویی به کار برده شود. علاوه براین بر اساس نتایج پژوهش حاضر می توان گفت، قصه گویی شیوه ای مناسب و اثر بخش برای آموزش مفاهیم به کودکان است (۳۰). سورشجانی و اعتمادی در تحقیقی دریافته‌اند که استفاده از قصه‌های دیجیتال تأثیر معناداری بر تقویت مهارت شنیداری زبان آموزان دارد (۴۰). نتایج تحقیق عبدالله پور و اسدزاده ملکی نشان داد که پس از آزمایش مهارت نگارش دانش آموزانی که از قصه‌های کامپیوتری استفاده کرده بودند به طور معناداری بهتر از دانش آموزانی بود که کتاب قصه چاپی را خوانده بودند (۱). نتایج پژوهش داداش‌زاده و پیرخائفی نشان می دهد که قصه گویی روش موثری در افزایش هوش اجتماعی دانش آموزان بوده و می تواند در محیط‌های آموزشی مورد استفاده معلمان قرار گیرد (۱۴). ناخدا و جوادی در تحقیقی به بررسی قصه گویی دیجیتالی در وب سایت‌های کودکان و نوجوانان ایران: الزامات و راهکارها پرداختند. نتایج نشان داد که وب سایت‌های کودکان و نوجوانان ایران، از نظر رعایت الزامات قصه گویی دیجیتالی، پایین تر از سطح متوسط قرار دارند. الزاماتی چون استفاده از یک بازی برای ساخت قصه، امکان هدایت شخصیت قصه‌ها، امکان انتخاب و افزودن افکت‌های صوتی، امکان انتخاب و افزودن افکت‌های تصویری، امکان رنگ آمیزی، و امکان انتخاب شخصیت‌ها، که حدود ۲۶.۸۶ درصد الزامات را به خود

اختصاص می دهند، در هیچکدام از وب سایت ها وجود نداشتند. استفاده از عکس و تصاویر گرافیکی، امکان جستجوی قصه ها بر اساس اطلاعات کتابشناختی، و امکان جستجو از طریق انتخاب تصاویر، جزء سه رتبه ی اول الزامات موجود در وب سایت های کودکان و نوجوانان ایران بودند. اصالت/ ارزش: به دلیل عدم پرداختن به مفهوم قصه گویی دیجیتالی در ایران تاکنون، آگاهی دست اندرکاران کتابخانه های کودکان و نوجوانان از شرایط پیاده سازی قصه گویی دیجیتالی در محیط اینترنت، موضوعی قابل پرداخت است. این پژوهش ضمن فراهم ساختن آشنایی با این مفهوم، قصه گویی دیجیتالی را به عنوان ابزاری در جهت افزایش مطالعه و کتابخوانی مطرح می سازد (۲۵). مهدی زاده و فتحی به بررسی تأثیر استفاده از چندرسانه ای دیجیتال و نقشه های مفهومی ساده، نقشه های مفهومی استدلالی و روش رایج (سخنرانی، بحث و پرسش و پاسخ) در ارتقاء میزان یادگیری و یادداری مباحث بهداشت فردی و عمومی دانش آموزان دوره ابتدایی شهرستان ایلام پرداختند. نتایج نشان داد که ترکیب آموزش با استفاده از چندرسانه ای دیجیتال و روش نقشه های مفهومی ساده از دو روش دیگر، در افزایش سطح دانش سلامت دانش آموزان مؤثرتر بوده است (۲۳).

جمع بندی نتایج پیشینه نشان می دهد که فرایند تولید قصه شامل مراحل است از جمله: انتخاب موضوع قصه، نوشتن یا پیدا کردن قصه، تهیه فیلم و عکس، تهیه و ضبط صدا، ویرایش و ایجاد هماهنگی بین صدا و تصویر، مشاهده و بازنگری قصه دیجیتال، ارائه قصه دیجیتال، بازخور و بازبینی است.

جدول شماره ۱: مولفه های حاصل از مطالعات کتابخانه ای

منبع	مولفه ها	بعد
صدیق و گلزاری (۱۳۹۲)، روبین (۲۰۱۶)، گیمینو سانز ^۱ (۲۰۱۵)، رحیمی و سلیمانی (۱۳۹۴)، ناخدا و جوادی (۱۳۹۲)، سهیلی و همکاران (۱۳۹۷)، روبین (۲۰۰۸)، باوسی (۲۰۱۲)	انتخاب موضوع قصه	تولید دیجیتال قصه های

نوشتن یا پیدا کردن قصه	صدیق و گلزاری (۱۳۹۲)، روبین (۲۰۱۶)، گیمینو سانز (۲۰۱۵)، روبین و پیرسون ^۱ (۲۰۰۵)، باوسی (۲۰۱۲)
تهیه فیلم و عکس	صدیق و گلزاری (۱۳۹۲)، هیل و همکاران (۲۰۱۰)، روبین (۲۰۱۶)، گیمینو سانز (۲۰۱۵)، سهیلی و همکاران (۱۳۹۷)، باوسی (۲۰۱۲)
تهیه و ضبط صدا	روبین (۲۰۱۶)، روبین (۲۰۰۸)، گیمینو سانز (۲۰۱۵)
ویرایش و ایجاد هماهنگی بین صدا و تصویر	باوسی (۲۰۱۲)، صدیق و گلزاری (۱۳۹۲)
مشاهده و بازنگری قصه دیجیتال	صدیق و گلزاری (۱۳۹۲)، روبین (۲۰۱۶)، گیمینو سانز (۲۰۱۵)، سهیلی و همکاران (۱۳۹۷)
ارائه قصه دیجیتال	صدیق و گلزاری (۱۳۹۲)، روبین (۲۰۱۶)، گیمینو سانز ^۲ (۲۰۱۵)، رحیمی و سلیمانی (۱۳۹۴)، ناخدا و جوادی (۱۳۹۲)، سهیلی و همکاران (۱۳۹۷)، روبین (۲۰۰۸)، باوسی (۲۰۱۲)
بازخورد و بازبینی	باوسی (۲۰۱۲)، گیمینو سانز (۲۰۱۵)، روبین (۲۰۱۶)، چنگ و چانگ ^۳ (۲۰۱۹)

قصه‌گویی دیجیتال مفهوم قصه‌گویی را تغییر داده است. به این معنی که در قصه‌گویی سنتی، کودک فقط نقش شنونده داشت. به عبارت دیگر، منفعل بود و هیچ نقشی در تولید داستان نداشت. اما در قصه‌گویی دیجیتال، کودک یا نوجوان به کمک ابزارهای دیجیتال قصه را تولید می‌کند. در واقع، قصه‌گویی در این شکل، برخلاف شیوه سنتی، فعالیتی است که در آن ارتباط جمعی، خلاقیت، توانایی بازسازی دانش و تفکر کودک تقویت می‌شود (۶).

مراحل تایید شده قصه‌گویی دیجیتال بر اساس نظرات خبرگان به صورت ذیل می‌باشد:
انتخاب موضوع قصه: اولین مرحله در تولید قصه دیجیتال انتخاب موضوع قصه است. با

1. Robin & Pierson
2. Gimeno-Sanz
3. Cheng & Chuang

فکر کردن به هدف داستان شروع می‌شود. هدف از تولید قصه مشخص می‌شود که ممکن است هدف از تولید قصه: اطلاع‌رسانی، متقاعد کردن، تحریک کردن، ایجاد سوال در ذهن مخاطب و مهمتر از آن، انتخاب مخاطب است (۳۴).

نوشتن یا پیدا کردن قصه: در این مرحله با توجه به هدف، داستان مورد نظر در صورت وجود انتخاب خواهد شد و در صورتی که وجود نداشته باشد بایستی که نوشته شود (۳۴).

تهیه فیلم و عکس: انتخاب تصویرهای متناسب با موضوع داستان به کمک دوربین دیجیتال یا جستجو در صفحات وب. در این مرحله عکس‌ها، نقشه‌ها، نمودارها و هرگونه تصویری که برای تولید داستان نیاز باشد، بایستی جمع‌آوری شود (۳۷). از یک ابزار جستجوی آنلاین به طور خاص برای تصاویر، مانند جستجوی تصویر گوگل استفاده کنید. می‌توانید برای عکس‌ها، نقشه‌ها، کلیپ‌ها، نمودارها و موارد دیگر جستجو کنید. فراموش نکنید که می‌توانید از عکس‌هایی استفاده کنید که خودتان با دوربین دیجیتال بگیرید (۳۴).

تهیه و ضبط صدا: در این مرحله لحن احساسی داستان مشخص شده است و صدا یکی از بهترین راه‌های انتقال آن لحن است - از طریق نحوه انجام صداگذاری، کلمات گفته شده و صدای محیط و موسیقی که با روایت کار می‌کنند. موسیقی متناسب با موضوع داستان می‌تواند با تکمیل روایت و غنای آن بیفزاید. بسیاری از سایت‌های عالی آنلاین (مانند Jamendo.com) وجود دارند که موسیقی بدون حق چاپ و بدون هیچ‌گونه هزینه‌ای ارائه می‌دهند (۳۲).

ویرایش و ایجاد هماهنگی بین صدا و تصویر: در این مرحله، شما توضیح داده‌اید که داستان شما در مورد چیست و چه تاثیری بر شرایط آتی دارد. همچنین لحن کلی را که قصد دارید منتقل کنید، تنظیم شده است. شما لحظه‌ای از تغییر را مشخص کرده‌اید و تصمیم‌گیری در مورد نحوه استفاده از تصاویر و صدا برای جالب ماندن داستان و صحنه‌ها را برای مخاطبان خود آغاز کرده‌اید. اکنون شما می‌توانید با پخش کردن یادداشت‌ها و تصاویر و آهنگسازی فیلمنامه و صفحه داستانی خود، داستان خود را جمع کنید (۳۳).

مشاهده و بازنگری قصه دیجیتال: در این مرحله از مراحل، قسمت‌های گردآوری شده، سرهمبندی و مونتاژ خواهد شد و داستان نویس میزان دستیابی خود به اهدافش را مشخص و شفاف می‌کند که ممکن است در طول ساخت داستان، هدف قصه‌گو تغییر کند. بنابراین، ضروری است که زمان دیگری را برای تجدید نظر و بازنگری داستان در نظر بگیرید. برای کمک به فرایند قصه‌گویی دیجیتال در انجام صحیح این مرحله دوباره سوال خواهد شد که: «مخاطب شما کیست؟ هدف شما از ایجاد داستان چیست؟ آیا در طی مراحل ساخت قطعه هدف تغییر کرده است؟ داستان دیجیتالی شما در چه ارائه‌ای مشاهده خواهد شد؟ و زندگی پس از اتمام این داستان چه خواهد بود؟» (۳۴).

ارائه قصه دیجیتال: ارائه داستان به مخاطبان (۳۷).
 بازخور و بازبینی: جمع‌آوری بازخوردها و اصلاح (۳۷).

۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر، از نظر هدف کاربردی و به روش دلفی کلاسیک با رویکرد کیفی است. از آنجایی که، روش دلفی با مشارکت افرادی انجام می‌پذیرد که در موضوع پژوهش دارای دانش و تخصص باشند و در نتیجه، این افراد با عنوان پنل دلفی شناخته می‌شوند، در این پژوهش، ۳۰ نفر خبره با معیارهای ذیل به صورت هدفمند شناسایی و مورد پرسش قرار گرفتند. معیارها عبارتند از: اساتید دانشگاه و متخصصین در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی و بازیابی اطلاعات، ناشرین کتب کودک، روانشناسان کودک. ابزار گردآوری داده‌های پژوهش، پرسشنامه‌ای بر اساس مولفه‌های به دست آمده در مطالعات کتابخانه‌ای است و بر اساس طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای با مقیاس بسیار موافقم تا بسیار مخالفم تهیه شده است. تعیین مراحل تولید قصه‌های دیجیتال، توسط خبرگان اعضای پنل دلفی مورد تایید یا اصلاح قرار گرفته شده است. با توجه به اینکه، اعضای شرکت‌کننده در پنل دلفی، نماینده حوزه قصه، قصه‌گویی، قصه‌گویی دیجیتال مورد نظر می‌باشند، ابزار پژوهش دارای روایی محتوایی است که با استفاده از منبع این حوزه مطالعاتی به دست آمده است. روش دلفی کلاسیک معمولاً می‌تواند از دو راند تا چهار راند باشد که در این پژوهش به سه راند تعدیل گردید. بنابراین، فرایند دلفی را می‌توان به صورت زیر در نظر گرفت: فعالیت قبل از شروع؛ راند اول؛ راند دوم؛ راند سوم؛ تصمیم و تصویب.

فعالیت‌های قبل از شروع ابتدا ۴۰ نفر شناسایی و سپس با توجه به معیارهای انتخاب شده به ۳۰ نفر تقلیل یافتند.

راند اول در دلفی کلاسیک، اولین پرسشنامه پس از مطالعات کتابخانه‌ای (مراجعه به اسناد و مدارک مکتوب از قبیل کتب، مجلات و...) طراحی شد. مراحمی که توسط صاحب‌نظران مختلف در تحقیقات قبلی مورد تایید قرار گرفته بود شناسایی و در ادامه با توجه به اینکه بسیاری از مواحل همپوشانی داشت و تکراری بود توسط خبرگان حذف گردید و مراحل تولید قصه‌گویی دیجیتال به ۹ مرحله جمع‌شد و در راند دوم در اختیار خبرگان برای نظرخواهی قرار گرفت.

راند دوم در دلفی کلاسیک، پرسشنامه دارای ساختار استفاده‌شده و از خبرگان خواسته شد تا هر مرحله را با استفاده از مقیاس لیکرت و به عبارتی، کمیت‌پذیر با موارد بسیار موافقم تا بسیار مخالفم مشخص نمایند و فضایی برای شناسایی ایده‌های جدید، تصحیح، تفسیر، حذف و توضیح آنها به وجود آمد. همچنین از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا استدلال و دلایل خود را بیان نمایند. پس از جمع‌آوری پرسشنامه دوم، آنالیز و خلاصه‌آماری

(از قبیل کمینه، بیشینه و میانگین) تهیه گردید.

راند سوم در دلفی کلاسیک، در این مرحله از خبرگان شرکت کنندگان در اعضای پنل درخواست شد تا پاسخها را مجدداً مرور نموده در صورت نیاز در نظرات و قضاوت‌های خود تجدید نظر کرده و دلایل خود را در موارد عدم اجماع ذکر نمایند و نظرات خود را بر اساس میانگین نظرات دیگران پاسخ دهند. رتبه بندی نظرات انجام شده، پیش بینی های جدید ارائه شد و خلاصه آماری پاسخها تهیه گردید.

تصمیم و تصویب، در این قسمت نتایج نهایی مراحل قصه‌گویی دیجیتال تهیه و منتشر شد و خبرگان و متخصصین در نتایج سهیم گردیدند.

برای محاسبه میزان موافقت اعضای پنل دلفی از اندازه های مرکزی و شاخص های پراکندگی آماره های اصلی در روش دلفی استفاده شده است. مطالعات کمی به دست آمده از دور دوم، با استفاده از کمترین و بیشترین میانگین، میزان بسیار مخالفم و بسیار موافقم تحلیل شده است و دور سوم با شاخص های مرکزی میانگین، انحراف معیار و واریانس میزان اهمیت مراحل تولید قصه‌های دیجیتال مشخص شد. در نهایت، با تعیین میزان هماهنگی نظر شرکت کنندگان، تجزیه و تحلیل یافته ها با استفاده از نرم افزار اس پی اس ورژن ۲۵ انجام شده است. برای تعیین میزان هماهنگی نظر شرکت کنندگان در راندهای مختلف در دلفی کلاسیک از ضریب همبستگی کندال، بین ۰ و ۱ متغیر است که اگر صفر باشد یعنی بسیار مخالفم و اگر یک باشد یعنی بسیار موافقم، استفاده شده است.

۴- یافته‌های پژوهش

مقادیر شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در دو مرحله در جداول ۱ و ۲ آورده شده است.

جدول ۱- مقادیر شاخص‌های توصیفی در خصوص متغیرها در راند اول ($n=30$)

مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	واریانس
۱	۴/۷۱	۰/۵۱	۰/۲۶
۲	۴/۷۱	۰/۶۶	۰/۴۴
۳	۴/۶۱	۰/۷۳	۰/۵۴
۴	۴/۵۷	۰/۷۳	۰/۵۴
۵	۴/۴۷	۱/۰۲	۱/۰۴
۶	۴/۵۲	۰/۹۲	۰/۸۶
۷	۴/۷۶	۰/۴۹	۰/۲۴
۸	۴/۵۸	۰/۷۸	۰/۶۱

با توجه به جدول فوق، میانگین امتیاز سوال های مربوط به هر متغیر به عنوان مقدار این متغیرها محاسبه شده است و از آنجا که ترتیب امتیاز بندی میانگین به صورت (۵-۴/۲، ۴/۲-۳/۴، ۳/۴-۲/۶، ۲/۶-۱/۸، ۱/۸-۱) که به این ترتیب (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم) است بنابراین با توجه به میانگین های محاسبه شده متغیرها دارای میانگین خیلی زیاد می باشند یعنی بیشترین تجمع در امتیازهای حد بالا می باشد.

جدول ۲- مقادیر شاخص‌های توصیفی در خصوص متغیرها در راند دوم (n=۳۰)

مولفه	میانگین	انحراف معیار	واریانس
۱	۴/۷۲	۰/۵۱	۰/۲۶
۲	۴/۶۹	۰/۶۸	۰/۴۶
۳	۴/۵۷	۰/۷۵	۰/۵۶
۴	۴/۵۴	۰/۷۵	۰/۵۶
۵	۴/۴۳	۱/۰۴	۱/۰۹
۶	۴/۴۶	۰/۹۴	۰/۹۰
۷	۴/۷۸	۰/۴۲	۰/۱۷
۸	۴/۵۶	۰/۸۰	۰/۶۴

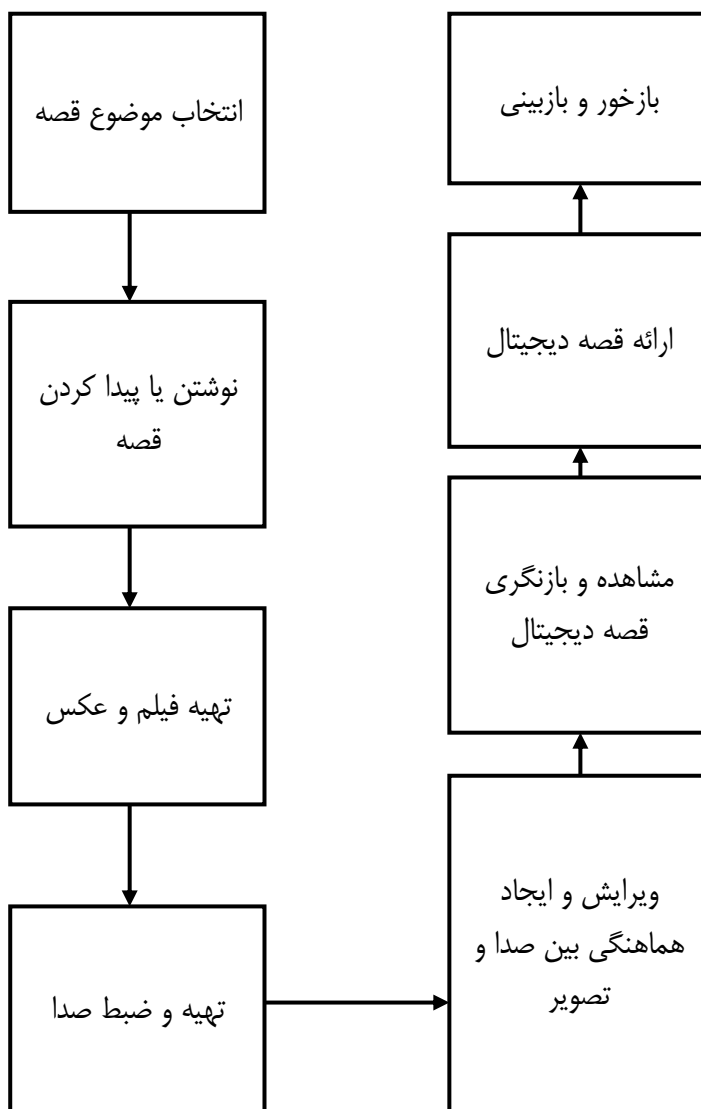
با توجه به جدول فوق، میانگین امتیاز سوال های مربوط به هر متغیر به عنوان مقدار این متغیرها محاسبه شده است و از آنجا که ترتیب امتیاز بندی میانگین به صورت (۵-۴/۲، ۴/۲-۳/۴، ۳/۴-۲/۶، ۲/۶-۱/۸، ۱/۸-۱) که به این ترتیب (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم) است بنابراین با توجه به میانگین های محاسبه شده متغیرها دارای میانگین خیلی زیاد می باشند یعنی بیشترین تجمع در امتیازهای حد بالا می باشد.

جدول ۳. بررسی نظرات خبرگان با ضریب همبستگی کندال (n=30)

متغیر	ضریب همبستگی کندال	p-value
۱	۱/۰۰۰	<۰/۰۰۱
۲	۱/۰۰۰	<۰/۰۰۱
۳	۱/۰۰۰	<۰/۰۰۱
۴	۱/۰۰۰	<۰/۰۰۱
۵	۱/۰۰۰	<۰/۰۰۱
۶	۰/۹۴۴	<۰/۰۰۱
۷	۰/۹۸۳	<۰/۰۰۱
۸	۱/۰۰۰	<۰/۰۰۱

با توجه به ضرایب همبستگی کندال بدست آمده نتایج حاکی از توافق شدید بین نظرات خبرگان در دو مرحله می باشد.

نمودار ۱- مراحل تولید قصه های دیجیتال



نتیجه‌گیری

قصه‌گویی از دیرباز از بهترین روش‌ها برای انتقال فرهنگ به کودکان و نوجوانان بوده و دارای اقسام و شیوه‌های مختلفی است. قصه‌گویی به عنوان ابزاری برای انتقال فرهنگ گذشته به بچه‌ها بوده و سبب می‌شود خشونت در بچه‌ها کمتر شده و آنها به خلاقیت و آرامش برسند. با قصه‌گویی خلاق می‌توان پیام‌های جدید را به بچه‌ها منتقل کرد. قصه‌ها باید کودکان را از ناامیدی، پرخاشگری و ناباوری به سمت امید، روشنایی، باور و ایمان هدایت کنند (۴۶).

قصه‌گویی دیجیتالی یک ابزار آموزشی و یادگیری قدرتمند است که منجر به برقراری تعامل، پرورش خلاقیت و نوآوری، انتقال ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، بهبود حافظه و برقراری ارتباط با دانسته‌های قبلی در میان کودکان و نوجوانان می‌شود (۲۸، ۱۶، ۲۲). همانطور که تسو^۱ و همکاران با طراحی وب سایت قصه‌گویی دیجیتالی که امکاناتی نظیر ایجاد قصه‌های چندرسانه‌ای برخط و استفاده از بازی‌های برای ساخت قصه را دارا بود، درک خلاقیت آنها بهبود پیدا کرده است (۴۲). همچنین یانگ و وو^۲ نیز در مطالعه‌ای یکساله بر روی ۱۱۰ نفر از دانش‌آموزان به روش آزمایشی، قصه‌گویی دیجیتالی را فرصتی برای افزایش پیشرفت تحصیلی، تقویت اعتماد به نفس و انگیزه یادگیری و ایجاد تفکر انتقادی دانستند (۴۶).

والی با یک مطالعه نیمه تجربی در ایران قصه‌گویی را روشی مؤثر در آموزش مفاهیم پیچیده پزشکی نتیجه‌گیری می‌کند (۴۴). آدامز^۳ از قصه‌گویی به عنوان وسیله‌ای برای روشن سازی مباحثات دانشگاهی یاد کرده، آن را به عنوان یک روش فعال و مؤثر آموزش مهندسی می‌داند که نقش مهمی در یادگیری، مفهوم سازی و افزایش خلاقیت دارد (۳). همچنین چونگ نقش قصه‌گویی دیجیتالی به عنوان یک روش قصه‌گویی مدرن در آموزش همگرای هنر، مورد تفحص قرار داده و آن را به عنوان وسیله‌ای بسیار مفهومی و قدرتمند در تدریس هنرهای پست مدرن ارزیابی می‌کند (۱۰).

صدیق و گلزاری (۳۷)، روبین (۳۴)، گیمینو سانز^۴ (۲۰)، رحیمی و سلیمانی (۲۹)، ناخدا و جوادی (۲۵)، سهیلی و همکاران (۳۹)، روبین (۳۲)، باوسی (۸)، در تحقیقاتشان انتخاب موضوع قصه را از جمله مراحل قصه‌گویی دیجیتالی معرفی کرده‌اند. در دومین مرحله از مراحل تایید شده در این تحقیق یعنی نوشتن یا پیدا کردن قصه همخوانی بین نتایج تحقیق با نتایج تحقیقات صدیق و گلزاری (۳۷)، روبین (۳۴)، گیمینو سانز (۲۰)، روبین و پیرسون^۵ (۳۳)، باوسی (۸) وجود

1. Tsou
2. Yang & Wu
3. Adams
4. Gimeno-Sanz
5. Robin & Pierson

دارد. تهیه فیلم و عکس در تحقیقات صدیق و گلزاری (۳۷)، روبین (۳۴)، گیمینو سانز (۲۰)، سهیلی و همکاران (۳۸)، باوسی (۸) نیز مورد توجه قرار گرفته و ایشان بیان کرده‌اند که برای تولید قصه‌های دیجیتال بایستی فیلم و عکس مناسب انتخاب شود. تهیه و ضبط صدا از سوی تحقیقات روبین (۳۴)، روبین (۳۲)، گیمینو سانز (۲۰)، مورد تایید قرار گرفته و ایشان در تحقیقاتشان تهیه و ضبط صدا را از جمله مراحل قصه‌گویی دیجیتال معرفی کرده‌اند. باوسی (۸) و (۳۷) ویرایش و ایجاد هماهنگی بین صدا و تصویر را جزء مراحل تولید قصه‌های دیجیتال معرفی کرده‌اند و ایجاد هماهنگی را امری ضروری تلقی کرده‌اند. مشاهده و بازنگری قصه دیجیتال قصه‌های دیجیتال در بسیاری از تحقیقات مورد توجه قرار گرفته و بسیاری از محققان همچون: صدیق و گلزاری (۳۷)، روبین (۳۴)، گیمینو سانز (۲۰) و سهیلی و همکاران (۳۸) بیان کرده‌اند که این مرحله تاثیر بسزایی در تولید قصه دیجیتال با کیفیت دارد. ارائه قصه دیجیتال مرحله‌ای است که مورد توجه بسیاری از محققان و تحقیقات پیشین قرار گرفته و ایشان بر اجرای این مرحله تاکید داشته‌اند، از جمله: صدیق و گلزاری (۳۷)، روبین (۳۴)، گیمینو سانز^۱ (۲۰)، رحیمی و سلیمانی (۳۹)، ناخدا و جوادی (۲۵)، روبین (۳۲)، باوسی (۸) بیان کرده‌اند که ارائه قصه دیجیتال مرحله‌ای مهم و حیاتی در تولید قصه‌های دیجیتال است. باوسی (۸)، گیمینو سانز (۲۰)، روبین (۳۴) و چنگ و چانگ^۲ (۱۱) در تحقیقاتشان بازخور و بازبینی را از جمله مهمترین مراحل در تولید قصه‌های دیجیتال معرفی کرده‌اند و دریافت بازخور و در صورت نیاز بازبینی را عاملی موثر در ارائه قصه‌های دیجیتال بیان کرده‌اند.

1 Gimeno-Sanz

2 Cheng & Chuang

فهرست منابع

1. Abdollahpour, Z., & Asadzadeh Maleki, N. (2012). The impact of exposure to digital flash stories on Iranian EFL learners' written reproduction of short stories. *Canadian Journal on Scientific and Industrial Research*, 3(2), 40-53.
2. Abidin, J. Z., Pour Mohammadi, M., Souriyavongsa, T., Tiang, C., & Kim, N. (2011). Improving listening comprehension among Malay preschool children using digital stories. *International Journal of Humanities and Social Science*, 1(14), 159-164.
3. Adams R. (2007). *Storytelling in Engineering*, American Society for Engineering Education Conference.
4. Ahmadi, M., Fallah, V., & Mirzakhani, S. (2011). Comparing the effect of interactive and non-interactive multimedia on primary school students' learning. *Information and Communication Technology in Educational Psychology*, 1(4), 117-129. (In Persian).
5. Alexander, B. (2011). *The new digital storytelling: Creating narratives with new media*. Santa Barbara: Praeger.
6. Amin Alizadeh, Hamideh. (2019). *Digital Storytelling, Development of Educational Technology*, Volume Four, Number 3, December.
7. Asghari F, Akhavan M, Ghasemi Jobaneh R. (2018). Effect of Storytelling Method on Social Skills in Children with Down syndrome. *J Child Ment Health*; 5 (3) :1-10
8. Boase, Catherine. (2012). *Digital Storytelling for Reflection and Engagement: a study of the uses and potential of digital storytelling*, Centre for Active Learning & Department of Education, University of Gloucestershire
10. Chung S.K. (2006). *Digital Storytelling in Integrated Arts Education*, the *International Journal of Arts Education*, pp.33-50.
11. Cheng, Ming-Min & Chuang, Hsueh-Hua. (2019). Learning Processes for Digital Storytelling Scientific Imagination, *EURASIA Journal of Mathematics, Science and Technology Education*, 15(2), em1659.
12. Chuang, W., & Kuo, F. (2013). Improving reading comprehension among Taiwanese EFL young EFL young learners using digital stories. *Proceedings of 2013 Asian Literacy Conference* (pp. 134-146). Indonesia.
13. Clarke, R., & Adam, A. (2012). Digital storytelling in Australia: Academic perspectives and reflections. *Arts & Humanities in Higher Education*, 11(1-2), 157-176.

14. Dadashzadeh, S & Pirkhaefi, A. (2015). The Effectiveness of Storytelling Techniques on Enhancing Social Intelligence of Elementary School Female Students - 4th and 5th grades. *Journal of Instruction and Evaluation*, 8(29), 21-29.
15. Dekhoda, A. (2006). Dictionary. Tehran: Tehran University Press. (In Persian).
16. Espierling, U. et al. (2002). Setting the Scene: Playing Digital Director in Interactive Storytelling and Creation. *Computers & graphics*, 26 (1), 31-44.
17. Espierling, U. (2002). Digital Storytelling. *Computers & graphics*, 26 (1), 1-2.
18. Ghasemi, F., Zare, A., & Haghighat, S. (2011). Comparing the effect of Persian and foreign philosophical stories and common stories on the development of philosophical thought of first grade primary-school students. *Innovative Approaches in Administrative Management*, 2(4), 133-152. (In Persian).
19. Ghodsi, N & Sahif-Abadi, A & Soudani, M. (2012). The impact of storytelling based on Kelile and Demne on promoting female fourth grade primary-school students' ego. *Cultural and Educational Quarterly of Women and Family*, 19, 57-78.
20. Gimeno-Sanz, Ana. (2015). Digital storytelling as an innovative element in English for Specific Purposes, 15th International Conference of the Spanish Association for Language and Literature Education. 15th International SEDLL Conference, 19-21 November, Valencia, Spain, *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 178, 110- 116
21. Farhady, S., Taghdisi, M., & Solhi, M. (2005). The impact of lecture and storytelling on male third grade primary-school students' awareness and attitudes towards preventing accidents in Shahrekord. *Toloo Behdasht Journal*, 1, 11-18. (In Persian).
22. Lowenthal, P. R & Dunlap, J. (2010). From Pixel on a Screen for Real Person in Your Students' Lives: Establishing Social Presence Using Digital Storytelling. *The Internet and Higher Education*, 13 (1, 2), 70-72.
23. Mehdizadeh, H & Fathi, R. (2013). The comparative impact of hybrid teaching on primary-school students' achievement and retention of health sciences. *Information and Communication Technology in Educational Psychology*, 3(3), 113-127. (in Persian).
24. Mostafazadeh, F. (2010). Storyteling: A new clinical education method. *Research in Medical Teaching*, 2(2), 53-58. (In Persian).
25. Nakhoda, M. and Javadi, A. (2013). Digital Storytelling in Iranian Children and Adolescents Websites: Requirements and Strategies,

- Scientific and Research Quarterly of Information Research and Public Libraries, Volume 20, Number 1, Consecutive 76, spring.
26. Nazi Dizaji, S. and Farming, Parvizi, Z. (2010). The Use of Narrative in Architecture Education, Journal of Educational Technology, Fifth Year, Volume 5, Number 2, winter.
 27. Nikooei, A., & Babashakouri, S. (2013). Rereading children's stories based on schemata in cognitive approach, Journal of Children's Literature Studies, 4(2), 149-174. (In Persian).
 28. Psomos, P. & Kordaki, M. (2012). Pedagogical Analysis of Educational Digital Storytelling Environment of the Last Five Years. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 46, 1213-1218.
 29. Rahimi, M., Soleimany, E. (2015). The Impact of Digital Storytelling on EFL learners' Listening Anxiety. Information and Communication Technology in Educational Sciences, 6(1(21)), 87-111.
 30. Rasooli, Roya & Mohammadi Sirat, Fatemeh & Hosseinian, Simin. (2020). the effectiveness of emotional intelligence training through storytelling on reducing shyness and promoting emotional intelligence of female students, Scientific-Research Quarterly of Education, 36 (1): 153-169.
 31. Razi, A. (2012). Educational functions of diacritic literature. Journal of Didactic Literature, 4(15), 97-120. (In Persian).
 32. Robin, B. R. (2008). Digital storytelling: A powerful technology tool for the 21st century classroom. Theory into Practice, 47(3), 220-228.
 33. Robin, B. & Pierson, M. (2005). A multilevel approach to using digital storytelling in the classroom. In C. Crawford et al. (Eds.), Proceedings of Society for Information Technology and Teacher Education International Conference 2005 (pp. 708-716).
 34. Robin, B. R. (2016). The Power of Digital Storytelling to Support Teaching and Learning, Digital Education Review - Number 30, December 2016- <http://greav.ub.edu/der/>
 35. Rasooli, R, Mohammadisirat F, Hosseyniyaan, S. (2020) Teaching through Storytelling as a Way of Improving Emotional Intelligence and Reducing Bashfulness among Female Students. QJOE; 36 (1):153-169
 36. Sadik, A. (2012). Digital storytelling: A meaningful technology-integrated approach for engaged student learning. Educational Technology Research and Development, 56(4), 487-506.
 37. Siddiq, Ala & Golzari, Zeinab. (2013). Digital Storytelling in the Egyptian Curriculum, Tomorrow School Growth Quarterly, No. 8, Ninth Volume, May.
 38. Soheili, F & Solgi, Z & Khanjar, E. (2019). The Effect of Educating by Methods of Storytelling, Book Reading and Showing films on the

- Children's Motivation for and Interest in Reading. *Research on Information Science & Public Libraries*, 25(1), 67-94.
39. Soltani, M., Arian, K., & Angaji, L. (2013). The impact of group storytelling on female second grade primary-school students' self-esteem. *Quarterly of Educational Psychology*, 29(9), 95-108. (In Persian).
40. Soureshjani, K., & Etemadi, N. (2012). Listening comprehension success among EFL preschool children using internet-based materials. *Journal of Social Sciences and Humanities*, 7(1), 243-251. Retrieved from <http://journalarticle.ukm.my/5025/>
41. Tomkins, A. (2011). "It was a great day when..." An exploratory case study of reflective learning through storytelling, *Journal of Hospitality, Leisure, Sport & Tourism Education*, 8(2), 123-131.
42. Tsou, W.; Wang, W. & Tzeng, Y. (2006). Applying a Multimedia Storytelling Website in Foreign Language Learning. *Computers and education*, 47 (1), 17- 28.
43. Vahedi, Mehdi, Qaltash, Abbas, Charkh Abi, Parisa. (2020). the effect of teaching science concepts through storytelling on social skills and verbal intelligence of bilingual preschool students, *Culture of Counseling and Psychotherapy*, 10 (38).
44. Vali, Anahita. (2007). Storytelling is an effective method in teaching complex medical concepts, *Iranian Journal of Medical Education*, No. 7, pp. 155-160.
45. Wright, A. (2012). *Storytelling with children* (2nd edition). Oxford University Press.
46. Yang, Y. & Wu, W. (2012). Digital Storytelling for Enhancing Student Academic Achievement, Critical Thinking, and Learning Motivation: A Year-Long Experimental Study. *Computers and education*, 59 (2), 339-352.
47. Zarei, K., Parand, Z., Seyedfatemi, N., Khoshbakht, F., Haghani, H., & Zarei, M. (2013). The impact of storytelling on physiologic anxiety, anxiety and social anxiety of school-age hospitalized patients. *Mediacl Surgical Nursing Journal*, 2(3-4), 115-121.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۶۴ - ۳۹

سویه‌های اخلاقی در مسئولیت مدنی دولت‌ها متناسب با نقش آنها

سید امیر آل محمد^۱

علی اکبر گرجی ازندریانی^۲

چکیده

نقش دولت در اجتماع سیاسی مهمترین بحث فلسفه سیاسی درباره دولت است. با این حال چه منشا دولت را قرارداد بدانیم و چه دولت را پدیده‌ای طبیعی تلقی کنیم، رسالتی که برای آن قایل می‌شویم تا حدی می‌تواند مستقل از بحث درباره منشا آن مطرح شود. نظریه‌های مرتبط با نقش دولت را در دو گروه عمده می‌توان جای داد. گروه نخست که به مداخله محدود دولت در اجتماع نظر دارد این گروه مکتب لیبرالیسم و گرایشها و برداشتهای متفاوت آن را شامل می‌شود. در این گروه نقش دولت بنابر اصل، نقش منفی و بازدارنده است و مداخله دولت در حقوق شهروندان جنبه استثنایی دارد که باید براساس مفاهیم پایه‌ای آزادی، عدالت و برابری توجیه شود. گروه دوم، ویژه نظریه‌های مبتنی بر مداخله دولت در اجتماع و ایفای نقش رفاهی دولت است. در این نظریه‌ها نقطه‌ی آغازین بحث، اجتماع است و فرد تابع اجتماع تلقی می‌شود. هرچند که در این گروه نیز برای آزادی حرمت بسیار قایل هستند. با این حال تأمین آزادی را جز در سایه عدالت (بویژه عدالت توزیعی) و برابری میسر نمی‌دانند. شاخص‌ترین نماینده این گروه مکتب سوسیالیسم است که در نظام‌های سیاسی اروپای امروز رواج بسیاری دارد. این نقش‌های دولت‌ها از منظر اخلاقی به نحو قابل توجهی بر سرنوشت افراد جامعه و فعالان اقتصادی موثر بوده و بعضاً موجب خسارت‌های فراوانی به ایشان شده است. بر این اساس لازم است تا ضمن بررسی ماهیت سیاست‌های این دو گروه از حیث قرارگیری در دسته اعمال حاکمیتی یا تصدی، از منظر اخلاقی نیز، به بررسی امکان جبران خسارات ناشی از آن و مبنای این جبران خسارت پرداخته شود.

واژگان کلیدی

مسئولیت، مسئولیت دولت، نقش دولت، مسئولیت مدنی، مسئولیت اخلاقی.

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران. (نویسنده مسئول - وکیل پایه یک دادگستری)
Email: alemohamadlaw@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Email: A_gorji@sbu.ac.it

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۸/۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۲

طرح مسأله

برای بررسی مسئولیت مدنی و اخلاقی دولت‌ها ابتدا سعی داریم تا تاریخچه کوتاهی از نظریات مختلفی که درباره عدالت و مسئولیت مطرح شده است را بیان کنیم و سپس به تحلیل هریک از این نظریات خواهیم پرداخت.

گرچه تعاریف گوناگونی از مسئولیت مدنی دولت از جانب حقوقدانان مطرح شده است اما به طور کلی میتوان گفت که هرگاه شخصی ناگزیر از جبران خسارت وارده بر دیگری باشد و در مقام ترمیم خسارتی باشد که به دیگری وارد شده است در برابر او اصطلاح مسئولیت مدنی قرار دارد. البته در این مقاله مقصود از شخص، شخص حقیقی یا حقوقی نیست، بلکه در اینجا منظور جبران خسارتی است که بر عهده دولت میباشد. شرط لازم برای بررسی نحوه جبران خسارت در دولت‌های مختلف، آشنایی با نظام حکوتی آنها است، زیرا که هر دولتی با توجه به نوع نظام حکومتی خود، تعاریف و قوانین متفاوتی در مورد مسئولیت مدنی خواهد داشت.

همچنین گفتنی است که گاه دولت‌ها در مسیر توسعه اقتصادی و سیاسی، عذر آورده و موضوعات اقتصادی و سیاسی را مقدم بر بحث‌های اینچنینی میدانند و عملاً مانع ظهور و گسترش مسئولیت مدنی شده‌اند. پویایی و استحکام مشارکت مردمی در همین موضوع نهفته است که شهروندان خواهان احیای این حق مسلم خود از دولت‌ها باشند. در واقع سهم دولت در این راستا به رسمیت شناختن و نهادینه کردن موضوع مذکور در جهت رعایت هرچه بیشتر حقوق شهروندان خود میباشد.

این مقاله سعی دارد تا با نگاهی بی طرفانه، نگرش‌های دو دولت که یکی مبتنی بر تفکر لیبرالیستی و دیگری مبتنی بر تفکر سوسیالیستی است را پیرامون مسئولیت مدنی و اخلاقی مورد مقایسه و بحث قرار دهد. در واقع میتوان گفت که هدف از نگارش این مقاله نیز همین است.

گفتار اول: دولت لیبرال و مسئولیت اخلاقی

از لحاظ تاریخی فلسفه لیبرالیسم^۱ همزاد نظریه حقوق طبیعی است. حمایت از آزادی ذاتی انسان در وضع طبیعی نیاز به تاسیس مکتب فلسفی‌ای در این زمینه داشته است تا به تحدید حدود قدرت دولت در برابر انسان و حراست از حقوق طبیعی او در مقابل تجاوزهای بالفعل و بالقوه دولت بپردازد. پس مفهوم اصلی مورد توجه این سنت فلسفی، همچنانکه از نام آن پیدا است، همانا آزادی است که در شکل‌های مدرن و امروزی این مکتب نیز همچنان در رتبه نخست اهمیت قرار دارد. از این رو است که فیلسوفان لیبرال را «فیلسوفان آزادی» خوانده‌اند. بدین

ترتیب، علاوه بر دغدغه آزادی برداشتی که از این مفهوم در طول تاریخ این سنت فلسفی شده است، خود موجد قرائت‌های مختلفی از این نظریه گردیده است. از این لحاظ می‌توان نحله‌های مکتب فلسفی لیبرالیسم را به گونه‌های مختلفی تقسیم بندی کرد. در این تقسیم بندی رابطه عدالت و آزادی مهمترین ملاک است. از سوی دیگر، تمامی برداشتها از این مکتب ریشه در دو برداشت اولیه از این نظریه دارد و در واقع لیبرالیسم مدرن ادامه دهنده همین دو برداشت سنتی از این مکتب است. این دو قرائت سنتی از لیبرالیسم متعلق به دو فیلسوف ابتدای عصر مدرنیته اروپا یعنی جان لاک^۱ و ژان ژاک روسو^۲ است که هر یک براساس درک‌های متفاوتی که از مفهوم آزادی داشته‌اند، نظریه خود را بنا نهادند. (همپتن، ۱۳۸۵، ص ۲۹۷)

لاک، دولت را محصول قرارداد اجتماعی^۳ شهروندان به نمایندگی از جامعه مدنی که در وهله نخست به صورت قراردادی ایجاد شده است، با حاکم یا هیات حاکمه می‌داند. هدف از ایجاد دولت نیز حراست از حقوق طبیعی و آزادی ذاتی و مطلق آدمیان است تا از تجاوز احتمالی به حقوق یکدیگر منع شوند. همچنین اعضا چنین جامعه‌ای حقوق خود را به طور مطلق به دولت یا حکومت منتقل نمی‌کنند، بلکه دولت را به عنوان کارگزار و امین خود محسوب می‌دارند و برخی از حقوق خود، مانند حق قانونگذاری و امور اجرایی را به آن نهاد می‌سپارند. این ودیعه، مشروط به اجرای تکالیفی است که بر عهده دولت گذاشته شده است. از این رو، با تخطی دولت از تکالیف خود مردم به نمایندگی از جامعه یا به قول لاک جامعه مدنی، قرارداد خود با دولت را منحل می‌سازند. نتیجه چنین تحلیلی از دولت، همچنانکه لاک نیز به صراحت اذعان داشته است، کارکرد محدود و نقش سلبی دولت در جامعه است. اختیار دولت تنها در منع اعضا جامعه از آسیب رساندن به حقوق و آزادی‌های یکدیگر است و فقط در این چارچوب امکان عمل برای دولت مجاز شمرده می‌شود. لاک مداخله دولت در زندگی اجتماعی را خطرناک و زیان بار می‌شمارد. از این رو، معتقد به حق مردم برای انحلال قرارداد منشا دولت در فرضی است که دولت پا را از حدود اختیار خود فراتر نهد و به مداخله در زندگی مردم بپردازد.

عقاید لاک در دفاع از آزادی ذاتی انسان و تکلیف دولت به حراست از این آزادی و دیگر حقوق طبیعی انسان، علاوه بر تاسیس لیبرالیسم سیاسی، در خود این مکتب فلسفی مهمترین گرایش را که تا امروز نیز اساسی ترین گرایش تلقی می‌شود، آفریده است. چه بسیار لیبرال‌های مدرن قرن بیستم که همچنان پایبند این عقاید هستند و با استدلال‌های مختلف به توجیه آن

-
1. John Locke
 2. Jean-Jacques Rousseau
 3. Social contract

می‌پردازند. از جمله آنان می‌توان از هایک^۱ و فاینبرگ^۲ نام برد.

در کفه مقابل عقاید لاک، اندیشه‌های روسو قرار دارد. روسو علی‌رغم طرفداری از نظریه قرارداد اجتماعی، در توجیه و تبیین علت وجودی دولت دارای شیوه استدلالی متفاوت و دیدگاهی مخالف با هابز و لاک است. روسو نیز مانند دو فیلسوف انگلیسی معتقد به وجود حقوق طبیعی و آزادی ذاتی برای انسان است. او نیز مانند دو فیلسوف پیشین معتقد است که انسانها در وضع طبیعی از آزادی بی‌حد و حصری برخوردار بوده‌اند. اما برخلاف آن دو فیلسوف وضع طبیعی را نه وضع جنگی و نه وضع محتمل به تجاوز انسانها به حقوق یکدیگر می‌داند. او همانند ارسطو معتقد به سرشت طبیعی انسان و هماهنگی این سرشت با قوانین طبیعی است. از این رو، وضعیت طبیعی را برتر از وضع مدنی انسان می‌داند. او برای انسان دو خصلت خودخواهی و دگر دوستی قایل است که انگیزه تمامی فعالیت‌های انسان قرار می‌گیرند.

از این لحاظ نقش ایجابی دولت بسیار بیش از کارکرد سلبی آن در جامعه اهمیت دارد. از این رو، برخلاف گرایشهای لاک که معتقد به بازار آزاد و اقتصاد مبتنی بر تجارت آزاد^۳ هستند، لیبرال‌های روسویی اقتصاد باز و جامعه مدنی خود انگیخته و خود مختار را مولد نابرابری و ناقض آزادی ذاتی انسان می‌پندارند.

روسو کلید رفع تبعیض و نابرابری را اراده عمومی می‌داند. بدین گونه که اعضا جامعه به تفاهمی گسترده برای رفع نابرابری و راه و روش آن دست یابند. اصول یا قوانینی که بدین سان اراده عمومی ایجاد می‌کند، عین عدالت است. زیرا نابرابری ستیز است. این روند تا زمان رفع کامل نابرابری که به آزادی ذاتی و کامل انسان می‌انجامد، ادامه دارد. با حصول آزادی کامل انسان به وضع طبیعی بازمی‌گردد و بدین گونه است که دیگر نیازی به دولت یا به تعبیر روسویی آن، هیات حاکمه، نیست. در واقع انسان مدنی شده در حد اعلا خود دوباره طبیعی می‌شود و به وضع طبیعی بازمی‌گردد. از این رو، دولت منظور نظر روسو دولتی است که عدالت را مقدمه حصول آزادی می‌سازد و آزادی را محصول عدالت و رفع نابرابری می‌داند. (Rousseau, 1994, p 48)

هر دو نظریه‌های لاک و روسویی درباره لیبرالیسم با انتقادهای جدی‌ای مواجه شده‌اند که ناتمام بودن آنها را برملا ساخته است. این انتقادات به طور کلی به مفهوم عدالت، آزادی و گستره معنایی آنها و نیز ترتیب اتخاذ اصول عادلانه و تامین کننده آزادی بازمی‌گردد.

-
1. Friedrich Hayek
 2. Andrew Feenberg
 3. Laissez- Faire

۱. یونان باستان و عدالت طبیعی

در یونان باستان بحث از عدالت در واکنش به موضع شک گرایانه و نسبی‌گرای سوفسطاییان توسط سه فیلسوف بزرگ تاریخ، سقراط و افلاطون و ارسطو با شالوده‌ای متافیزیکی بازسازی گردید. به طور کلی، سه فیلسوف مورد بحث تلاش داشتند مبانی اخلاق و عدالت را براساس طبیعت استوار سازند. به زعم سقراط آنچه سودمند بود، عادلانه هم بود. ملاک تشخیص سودمندی نیز فهم خردمندان بود که سقراط آن را همواره و در همه اعصار واحد تلقی می‌کرد. افلاطون نیز مانند سقراط مفهوم عدالت را مطلق و فاقد نسبییت می‌دانست و شرط عمل عادلانه را شناخت ایده (مثال) عدالت در ورای همه اعمال عادلانه جزیی می‌دانست. افلاطون شناخت صورت کلی عدالت را ممکن می‌دانست و معتقد بود عدالت را باید در اعتدال یا تعادل میان سه قوه روح انسان، یعنی عقل، احساس و شهوت یافت. در وضع عادلانه انسان به عمل عادلانه دست می‌زند که هم به نفع فرد و هم به نفع دیگران است. از این رو، میان منافع مختلف تعادل ایجاد می‌کند. اما این عدالت که ویژگی نفس فردی است، در مقیاس وسیع‌تر در جامعه انعکاس می‌یابد و میان نیازهای اساسی جامعه که عبارتند از: بقا، دفاع و رهبری، تعادل ایجاد می‌کند و تعادل میان این سه نیاز در آرمان شهر افلاطونی همان عدالت اجتماعی است. (افلاطون، ۱۳۸۴، ص ۹۰)

ارسطو نیز همانند افلاطون عدالت را دارای مفهومی مطلق میدانند. اما برخلاف افلاطون ایده عدالت یا وجود صورت کلی را به شیوه او نمی‌پذیرد. ارسطو عالی‌ترین مرتبه وجودی را عقل می‌داند و موجودات را برحسب درجه بهره‌مندی از عقل رتبه‌بندی می‌کند. ارسطو به برتری مردان بر زنان و آزادگان بر بردگان معتقد است. زیرا این دو قشر فرودست را از لحاظ عقلی پایین‌تر از دو قشر فرادست خود می‌داند. ارسطو این فرودستی را ناشی از طبیعت این دو قشر می‌شمرد و این نوع نابرابری را چون ناشی از قانون طبیعی است، نابرابری عادلانه تلقی می‌کند. از این رو، او معتقد است که عدالت عبارتست از رفتار مساوی با اعضا هر قشر.

تعادل به معنای رعایت عدالت نیز معنای دیگری جز مورد لحاظ قراردادن تفاوت‌های موجودات از لحاظ شایستگی و توانایی ندارد. از جنبه توزیعی نیز عدالت واجد همین ماهیت است. یعنی اموال و اشیا و به طور کلی ثروت در هر جامعه‌ای باید برحسب شایستگی‌های افراد مورد توزیع قرار گیرد. منتها مشکل اصلی نظریه ارسطو که همچنان تا امروز نیز باقی مانده است، عبارتست از تعیین مرجع تشخیص شایستگی افراد و اینکه چه مرجعی باید انسانها را از لحاظ توانایی هایشان مورد بررسی قرار دهد و ملاک این تشخیص چیست؟ مساله‌ای که تا امروز لاینحل باقی مانده و اصل نظریه را نیز زیر سوال برده است.

۲. عدالت در قرون وسطا

در قرون وسطی قانون، یک مولود آسمانی و در همه جا حاضر بود. شاه چون بر طبق قانون حکومت می کرد، محکوم به حکم قانون بود. رواج فرضیه گلاسیان موسوم به آیین دو شمشیر در قرن چهاردهم بالا گرفت. مشاجره قرن یازدهم و تفکرات آگوستین، استقلال کلیسا را نتیجه داد. این فکر که قدرت سیاسی ناشی از قدرت روحانی است، ظاهراً اولین بار توسط اوتوریوس در سال ۱۱۲۳م. ایراد شده است.

سه اصل مورد نظر کاتولیکها در این دوره چنین است: ۱. هر قدرتی ناشی از خداست. ۲. بین حق خدا و قیصر باید تفکیک نمود. ۳. تبعیت از فرمانروایان واجب است. آگوستین با شرح این سه اصل و بیان وظایف شهر خدا در دنیا، صلح و عدالت را نتیجه می گیرد. او واقع گرا بود و بی عدالتی را گریزناپذیر می دانست. نتیجه چنین سخنی، نسبیّت عدالت و افراط در واقع گرایی بود. وی عدالت را به مطابقت با نظم تفسیر می کرد و اعتقاد داشت که در شهر دنیا نمی توان دستورالعملی خاص صادر کرد.

۳. دوره مدرنیته سیاسی (رنسانس)

به طور کلی از رنسانس گفتمان و گزاره‌های حاکم بر غرب تغییر می کند و تاکنون نیز بر همین روال باقی مانده است. وقتی در غرب فرد مطرح شد، آزادی سخن اصلی می شود و عدالت، صفتی اجتماعی می شود از قرن شانزدهم تا قرن نوزدهم در اندیشه سیاسی غرب از عدالت به عنوان یک مفهوم مستقل صحبت نشده است. در این دوره بحث اساسی، آزادی بوده است و اگر صحبتی هم درباره عدالت می شود به خاطر آزادی است. در دوره روشنگری، عدالت صفتی اجتماعی می شود که متضمن منافع عمده‌ای است. یعنی ما می توانیم تصاویر مختلفی را عدالت ارائه بدهیم. مثلاً عدالت «ادموندبرک» عدالت اشرافی است. عدالت لاک، لیبرالی است و عدالت سوسیالیستها رادیکالی است؛ به دلیل اینکه هیچ وضعیت عادلانه‌ای نیست تا مورد اتفاق همگان باشد. بنابراین عدالت از حوزه‌ی فلسفه سیاسی خارج می شود و به حوزه جامعه‌شناسی سیاسی می رود.

۴. روسو و مفهوم عدالت

روسو در کتاب سوم قرارداد اجتماعی، عدالت را به عنوان سنجیداری برای تعیین مشروعیت حکومت به کار می گیرد. وی در بررسی سوء استفاده ی حکومت از دولت تصریح می کند که: جبار به معنای عادی پادشاهی است که با سختگیری حکومت می کند و به قانون و عدالت بی توجه است. اما جبار به معنایی معین تر فردیست که اقتدار پادشاهی را بدون اینکه حق او باشد در اختیار گرفته است. یونانیان نیز جبار را به همین معنا به کار می بردند. آنان جبار را

پادشاهان خوب یا بدی می دانستند که قدرتشان قانونی نبود. بنابراین در نظر آنان جبار و غاصب کاملاً هم معنی بود. اما برای اینکه بر این چیزهای متفاوت نام‌های متفاوتی اطلاق کنیم من می گویم که جبار غاصب قدرت پادشاهی است و مستبد غاصب قدرت فرمانروایی. بنابراین، جبار کسی است که غیرقانونی بر سر کار آمده تا مطابق قانون حکومت کند. لذا جبار ممکن است مستبد نباشد، اما مستبد همواره جبار است.

۵. لاک و مفهوم عدالت

لاک نیز در زمره‌ی اندیشه وران فلسفه سیاسی است که از قالب نظریات اندام‌وار دولت، پیروی می‌کند. وی که عدالت را در قرارداد اجتماعی تفسیر می‌کند، می‌گوید: «قدرت سیاسی، براساس رضایت افراد آزاد و خردمند تأسیس شده‌است.» بنابراین، اطاعت از آن باید در جهت تقویت و حفظ آزادی فرد صورت گیرد. پیوستن فرد آزاد به جمع یا دولت، اختیاری است، نه به این معنا که وی می‌تواند قدرت دولت را به عنوان قدرت مشروع بپذیرد یا نپذیرد. حق عصیان در برابر قدرت، یکی از جلوه‌های اساسی آزادی، در برداشت ابزاروار از دولت به شمار می‌رود.

۶. بنتام^۱ و عدالت فایده‌گرا

جیمز میل^۲، جان استوارت میل^۳ و بالاخره جرمی بنتام^۴ بنیانگذاران مکتب فایده‌گرایی^۵ در فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی هستند. هدف از تأسیس این مکتب فلسفی ارائه راه حلی برای مساله قانونگذاری عادلانه بوده است. در این مکتب از اصل فایده برای ارزیابی اخلاقی بودن اعمال انسانها و دولت استفاده می‌شود. بنتام معتقد بود که انسان طبعاً موجودی فایده‌گرا است که انگیزه تمامی فعالیت‌های او را منفعت طلبی تشکیل می‌دهد. از این رو، همواره اعمال خود و دیگران را با محک فایده‌ای که برای خود دارد می‌سنجد و بر آنها ارزش اخلاقی بار می‌کند. به زعم او، فایده خاصیتی است در هر چیز که سبب می‌شود آن چیز نفع، مزیت، لذت، نیکی یا خوشبختی به بار آورد یا مانع از رخ دادن زیان، خسران، درد، شر یا ناخوشی برای ذینفعی شود که نفعش مورد توجه است. اگر آن ذینفع اجتماع یا جامعه در کلش باشد، آنگاه فایده خوشبختی اجتماع یا جامعه است. اگر آن ذینفع یک شخص باشد، آنگاه فایده خوشبختی آن فرد است. (همپتن، ۱۳۸۵، ص ۲۱۸)

عدالت نیز همسو با فایده زمانی محقق می‌گردد که نفع یا لذتی حاصل گردد یا زیان یا دردی مفقود شود. قاعده عادلانه قاعده‌ای است که اجرای آن نفع بیشتری را ایجاد کند. در سطح

1. Bentham
2. James Mill
3. John Stuart Mill
4. Jeremy Bentham
5. Utilitarianism

جامعه نیز همین اصل صادق است. قانون عادلانه قانونی است که نفع بیشتری را تامین کند. اما اینکه مقصود از نفع بیشتر میزان خود منفعت است که برای افراد جامعه حاصل می‌گردد یا نسبت مجموع نفع حاصل بر تعداد افراد جامعه، نظرها متفاوت است. مطابق یک نظر که به فایده‌گرایی کلاسیک مشهور است، مقصود از فایده اجتماعی مجموع فوایدی است که افراد جامعه از یک قاعده یا قانون یا عملی حاکمیتی کسب می‌کنند. هرچه میزان این فایده بیشتر باشد، آن قاعده یا قانون یا عمل عادلانه‌تر است. اما بر طبق نظر دیگر، منظور از فایده مجموع فواید حاصل شده تقسیم بر تعداد افراد جامعه است. در این نظر به اصول عدالت توزیعی^۱ توجه بیشتری شده است. بنابراین، قاعده یا قانون عادلانه، قانونی است که اجرای آن برای تعداد بیشتری از افراد جامعه فایده بیشتری به بار آورد. نظر اول به فایده‌گرایی کلاسیک و نظر دوم به فایده‌گرایی میانگین شهرت یافته‌اند. (همپتن، ۱۳۸۵، ص ۲۱۹)

پس، بدین ترتیب با مبنا قرار گرفتن اصل فایده برای عدالت و اخلاق این دو مفهوم از مبنای متافیزیکی خود عاری شده و به صورت مفاهیمی نسبی ظهور پیدا می‌کنند. با این حال اشکال اساسی نظریه فایده‌گرایی که همچنان نیز مرتفع نگردیده، تشخیص نفع و لذت و در تحلیل نهایی، خوشبختی و در مرحله دوم ملاک تعیین میزان و مقدار خوشبختی است. واقعیت این است که خوشبختی بیش و پیش از همه وابسته به شخصیت و خصوصیات روانی افراد است. آنچه از نظر یک شخص نهایت لذت و شادی را همراه دارد، برای دیگری ممکن است فاقد چنین کیفیتی باشد. همچنین سعادت مفهومی است که ممکن است از برخی لذتها قابل اشتقاق نباشد.

در این صورت با چنین لذتهایی چه باید کرد؟ برخی از طرفداران نظریه اصالت فایده در رد این ایراد استدلال کرده‌اند که لذتها برحسب درجه قابل تقسیم بندی هستند و بیشینه کردن فایده با بالا رفتن لذتهای عالی تر ممکن است. اما این استدلال نیز وضع را بغرنج تر ساخته است. زیرا در تشخیص لذت عالی از لذت دانی راهی جز رجوع به معیارهای اخلاقی باقی نمی‌ماند.

رجوع به معیارهای اخلاقی برای تعیین درجه لذت و در نهایت خوشبختی نیز اصل فایده را تابع اخلاق و مشتق از آن می‌سازد. حال آنکه استقرار پایه‌ای اخلاقی برای این نظریه دقیقاً همان چیزی است که بنیانگذاران این نظریه از آن پرهیز داشتند. چرا که اخلاق را تابع انگیزه فایده‌گرایی انسان می‌دانستند. بدین ترتیب، عدالت نیز مفهومی مطلق و متافیزیکی می‌یابد (هر چند که در نظریه‌های اخلاقی جدید اصول اخلاقی خود امور نسبی تلقی می‌شوند). به علاوه چنین استدلالی نظریه را از جنبه علمی آن که بسیار مورد توجه موسسان آن بوده است، خالی می‌سازد

و به آن جنبه شهودی می‌بخشد. زیرا تنها به واسطه ادراک شهودی می‌توان به درجه بندی انواع لذت، خوشبختی و در نهایت مراتب عدالت دست یافت.

با این حال، نظریه اصالت فایده همچنان به عنوان فنی در حکومت کردن مورد توجه است و در عین حال در تشخیص قانون یا عمل عادلانه نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. این نظریه به خصوص در تحول مفهوم عدالت توزیعی تاثیر بسیاری داشته است. وانگهی نظریه پردازان اصالت فایده ایمان متقاضی به شیوه‌های لیبرالی برای حکومت داشتند و نظریه خود را در خدمت به لیبرالیسم بکار می‌گرفتند. همچنین تعیین معنایی نسبی برای عدالت و سعادت از دستاوردهای مهم نظریه اصالت فایده تا حال حاضر محسوب می‌شود. (Held, ۱۹۸۹, p ۱۷)

۷. کانت^۱ و عدالت مطلق^۲

تلاش کانت برای تعیین مبنایی مطلق برای اخلاق و به تبع آن عدالت پاسخی است به شک گرای هیوم^۳، فیلسوف انگلیسی پیش از او. در دستگاه فلسفی کانت اخلاق و ارزش‌های اخلاقی دارای مفهومی مطلق هستند که از عقل قابل استنتاج است. اینکه همه مردم مفهوم واحدی از اخلاق یا عدالت را استنتاج می‌کنند، خود موید این مدعا است. او برخلاف هابز، انسان را در وضع طبیعی آزادی نمی‌داند. زیرا امیال را مانع آزادی بشر می‌داند. از این رو، او با هیوم که عقل را راهنمای امیال می‌داند نیز، مخالف است. کانت برای اخلاق اصلی به نام اصل خود آیینی بنیان نهاده است و بر این مبنا عملی را واجد ارزش اخلاقی می‌داند که نه به سبب منفعتی که برای عامل آن ایجاد می‌کند، بلکه از روی وظیفه شناسی محض انجام گیرد. از این رو به زعم کانت عملی اخلاقی است که قابلیت تبدیل شدن به قانونی عام را داشته باشد. (سالیوان، ۱۳۸۰، ص ۶۲ به بعد)

عدالت نیز مفهومی استنتاجی است که از عقل محض ناشی می‌شود و همواره معنایی مطلق دارد و در داوریهای اخلاقی انسان دخیل است.

با این حال مشکل اصلی نظریه عدالت و اخلاق در فلسفه کانت نیز همچنان لاینحل مانده است و آن اینکه چگونه انسان صرفاً به حکم عقل برانگیخته می‌شود تا بدون توجه به خواسته‌ها و امیال خود بر طبق اصول اخلاقی عالی عمل کند. (بشیریه، ۱۳۸۲، ص ۱۲۰) پس با کنار نهادن اموری مانند منافع و امیال انسانی به عنوان انگیزه عمل عادلانه یا اخلاقی تاکنون جانشین برای این امور مشخص نشده است.

حال بعد از بررسی نظریات در خصوص مسئولیت مدنی در لیبرالیسم با رویکرد عدالت گرا،

1. Immanuel Kant

2. Just Desets

3. David Hume

به رویکردی فلسفی - اخلاقی از منظر رالز به لیبرالیسم به شرح ذیل می‌پردازیم:

• مباحث اخلاقی لیبرالیسم از منظر رالز

لیبرالیسم یک مکتب فکری دارای عناصر معین، ثابت، تعریف شده و مورد توافق همگانی نیست تا معیاری روشن برای داوری درباره میزان لیبرال بودن یک فرد یا نظریه سیاسی ارائه دهد، از این رو مجال برای ارائه قرائت‌های مختلف از لیبرالیسم فراهم است. این تنوع و تکثر قرائت برحسب تأکیدی است که هر تقریر بر بخش خاصی از مجموعه باورها و ارزش‌هایی که در سیر تاریخی به عنوان باورها و ارزش‌های لیبرالی شناخته شده است، روا می‌دارد. واقعیت این است که قرائت‌های لیبرالی بر تعریف دقیق بسیاری از عناصر مجموعه باورهای لیبرالی توافق و اشتراک نظر ندارند، اما آن چه آنها را از دیگر ایدئولوژی‌ها و نظریه‌های سیاسی رقیب متمایز می‌کند، تأکید بر پاره‌ای از عناصر و باورهایی است که رد پای آنها را می‌توان به نوعی در تقریر از لیبرالیسم مشاهده کرد و بدین سبب با تسامح می‌توان از آنها به عنوان ارزش‌های مشترک لیبرالی یاد کرد. اموری نظیر آزادی‌های سیاسی و مدنی، استقلال فردی، مالکیت خصوصی و اقتصاد بازار آزاد از مصادیق بارز این ارزش‌های مشترک هستند. این که با احتیاط و تسامح این امور را عنصر مشترک هر قرائت لیبرالی بر می‌شماریم، بدین جهت است که در مورد اغلب این نقاط محوری میان لیبرال‌ها چالش و اختلاف نظر وجود دارد (واعظی، ۱۳۸۳).

در میان مدافعان برجسته لیبرالیسم از گذشته تاکنون، امانوئل کانت و جان رالز از این جهت کاملاً متمایز از دیگران‌اند که کوشیده‌اند میان عدالت به عنوان یک فضیلت و ارزشی اخلاقی و درون مایه اصلی لیبرالیسم، یعنی حراست از حقوق و آزادی فردی (تفسیر لیبرالی از انحراف آزادی‌های فردی) پیوند برقرار کنند. هر دو می‌کوشند که نشان دهند درک و شناخت اخلاقی بیشتر از عدالت اجتماعی در قالب اصول و قواعدی به منصفانه ظهور می‌رسد که دارای بیشترین تناسب با نوع نگاه لیبرالیسم به مناسبات اجتماعی و ساختار اساسی جامعه در حوزه فرهنگ، سیاست، اقتصاد و دیگر ابعاد حیات اجتماعی است. کانت و رالز با دو روش‌شناسی متفاوت به نتایجی کمابیش مشابه درباره محتوای اصول عدالت و پایه اخلاقی و اساسی جامعه می‌رسند. از میان دو اصل عدالت رالز، اصل برابری در آزادی‌های اساسی که مهم‌ترین اصل نظریه عدالت وی است کاملاً با رویکرد کانت در مورد تقدم حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی همسو می‌باشد. اما به لحاظ محتوایی آن چه نظریه عدالت رالز را از کانت متمایز می‌کند، اصل دوم عدالت وی، یعنی اصل تمایز است که ردپایی از آن در اندیشه کانت وجود ندارد (واعظی، ۱۳۸۳).

کانت بر آن بود که آزادی مدنی و سیاسی افراد، باید بر اساس چارچوبی قانونی و حقوقی قانونمند بشود و بر این نکته اصرار داشت که قوانین اساسی و چارچوب حقوقی و قانونی‌ای که

ضمن صیانت و حراست از آزادی‌های مشروع و قانونی افراد، آن آزادی‌ها را به حداکثر می‌رساند باید با خرد ناب و عقل غیر آمیخته با داده‌های تجربی تعیین شود. به اعتقاد وی، هم‌چنان که وظایف و قواعد اخلاقی فرامین عقل محض^۱ است، اصول عدالت و قواعد اساسی حاکم بر آزادی بیرونی انسان‌ها نیز باید با هماهنگی عقل محض تدوین شود و از آن سرچشمه بگیرد. مراد از کارکرد اصول عدالت به عنوان پایه اخلاقی ساختار اساسی جامعه آن است که نه تنها نهادهای رسمی جامعه هم‌چون قانون اساسی، دولت و قوانین مدنی و جزایی باید بر محور این اصول و متناسب با آنها سامان یابد، بلکه امکانات، مواهب، مناصب، وظایف و زحمات زندگی اجتماعی نیز باید بر محور این اصول توزیع شوند. این اصول معیار داوری درباره عادلانه یا ناعادلانه بودن ساختار اجتماعی جوامع بشری را در اختیار می‌گذارند. از نظر رالز، همان‌طور که بحث حقیقت^۲ در مباحث نظری شاخص و معیار پذیرفتن یا طرد نظریه‌ها و معارف است، در مورد اجتماع و شبکه روابط اجتماعی فضیلت عدالت و اصول محتوایی آن داور نهایی درباره مطلوب بودن یا نبودن ساختارهای اجتماعی می‌باشد.

بنابراین، می‌توان گفت که رالز در کتاب نظریه عدالت دو هدف اصلی را دنبال می‌کند: هدف نخست، ارایه اصول و معیارهایی برای عدالت توزیعی و اجتماعی است تا در پرتو آن، شاخص و معیاری برای سنجش عادلانه بودن ساختارهای اساسی جامعه در دست باشد و هدف دوم آن، ارایه مبنای فلسفی و اخلاقی جدید در حوزه تفکر اجتماعی و فرهنگ سیاسی غرب است تا بتواند به سلطه فرهنگی و اخلاقی نفع‌انگاری به عنوان مبنای اخلاقی و فلسفی حاکم بر جوامع غربی خاتمه دهد و جانشینی توانمند و کامل برای آن باشد. بدین ترتیب، لیبرالیسم رالزی و تصویر وی از عدالت اجتماعی و ساختار جامعه مطلوب به جای تکیه بر اصل نفع و نگرش اخلاقی - فلسفی نفع‌انگاری، بر تصویری از عدالت که اصول عدالت رالز (نظریه عدالت به مثابه انصاف) معرف آن است، تکیه می‌زند.

• روش دست‌یابی به اصول عدالت

مهم‌ترین نوآوری رالز در حوزه عدالت‌پژوهی، به روش‌شناسی بحث عدالت اجتماعی مربوط می‌شود. وی به صراحت از شیوه مرسوم و رایج در مسایل ارزشی و اخلاقی فاصله می‌گیرد. بر اساس روش معمول، در مباحث اخلاقی باید نخست تعریفی دقیق از فضیلت مورد بحث ارایه داد و سپس مراحل بحث نظیر شیوه استدلال و محتوای آن در ارتباط منطقی با چارچوب تعریف اولیه سامان یابد. اما رالز محتوای اصول عدالت را بر عنصر تعریف و تحلیل‌های منطقی مربوط به ایضاح مفهومی واژه عدالت استوار نمی‌داند و معتقد است که این تعریف و تحلیل‌های منطقی

1. ReasonPure

2. truth

آن میزان پرمایه و قوی نیستند که بتوانند پایه و اساس درک محتوای عدالت و یک نظریه جامع اخلاقی قرار گیرند (جان، ۱۹۹۹).

از سوی دیگر، رالز با عدالت‌پژوهی مبتنی بر کمال‌گرایی^۱ مخالف است. وی نمی‌تواند بپذیرد که عدالت اجتماعی بر محور کمالات معنوی، فرهنگی و فلسفی خاصی تعریف شود. کمال‌گرایی در همه اشکال آن، تصور خاصی از غایت و تعریفی ویژه از زندگی خوب را پیش فرض می‌گیرد و به اصطلاح فلاسفه اخلاق، از زمره رویکردهای غایت‌گرا^۲ محسوب می‌شود. رالز هم‌چون کانت بر نفی غایت‌گرایی و التزام به «وظیفه‌گرایی» تأکید می‌ورزد و به دنبال ارایه نظریه اخلاقی و گرایشی در حوزه عدالت اجتماعی است که بر هیچ پیش فرض و تعریف پیشینی از خیر و کمال و سعادت بشر استوار نباشد. وی بر آن است که در مبحث عدالت اجتماعی و تعیین پایه‌های اخلاقی ساختار اساسی جامعه، تشخیص آن چه حق و درست است رسالت اصلی عدالت‌پژوهی را تشکیل می‌دهد و این تشخیص بر هیچ تصویری از خیر و کمال و سعادت مبتنی نیست. رویکرد وظیفه‌گرایی در فلسفه اخلاق دقیقاً بر این نکته اصرار دارد که درست و حق را نباید بر حسب تلقی خاصی از خیر و کمال و غایت زندگی تعریف کرد. یکی از وجوه اختلاف نظر رالز با نفع‌انگاری به همین رویکرد بر می‌گردد. بدیهی است که نفع‌انگاری نظریه اخلاقی غایت‌گرا می‌باشد، زیرا «اصل نفع» را پایه نظم اجتماعی عادلانه قرار می‌دهد. اصل نفع اقتضا دارد که انجام آن چه لذت و رفاه اکثر افراد جامعه را افزایش می‌دهد، درست و حق است، پس درستی و حق بر اساس تصویری خاص از خیر و سعادت تعریف شده است. در مقابل، رالز اصرار دارد که نظریه عدالت وی باید بر محور روشی شکل گیرد که کاملاً وظیفه‌گرا بوده و بر هیچ تصور پیشینی از خیر و کمال مبتنی نباشد (جان، ۱۹۹۹).

نکته دیگر این که از نظر رالز، اصول عدالت به روش عقلی و استنتاج منطقی قابل اصطیاد نیست، هم‌چنان که شهودگرایی اخلاقی نیز گره‌ای از این مشکل را باز نمی‌کند، زیرا شهودگرایی بر معیارهای ثابت و مشخصی به عنوان شاخص و ضابطه عام برای داوری‌های ارزشی و اخلاقی در مورد ساختار جامعه و نهادهای جامعه تأکید نمی‌کند. تأکید شهودگرایی آن است که در هر مورد جزئی باید به شهود وجدانی مراجعه کرد تا در باره عادلانه بودن یا نبودن یک رفتار یا رابطه اجتماعی و یا قانون و تصمیم کلان به داوری پرداخت و نمی‌توان به اتکالی یک ضابطه عام (اصول عدالت) مبنایی عام و کلی برای داوری به دست آورد. شهودگرایی به جای معرفی اصول ثابت عدالت، از تکثرگرایی در اصول حاکم بر داوری‌های ما در حوزه عدالت اجتماعی دفاع می‌کند (ریچارد، ۱۹۸۹).

1. perfectionalism
2. teleological

نظریه عدالت رالز در واقع نظریه‌ای اخلاقی است که می‌کوشد نه تنها ساختار سیاسی جوامع لیبرال معاصر بلکه کلیه روابط ساختاری اجتماعی این جوامع را بر پایه‌های اخلاقی خاص که در اصول عدالت وی متبلور است، توجیه کند و مبنایی اخلاقی ارائه دهد که بر اساس آن، ساختار کلان اجتماعی عادلانه تعریف شود و بدین وسیله قرائتی از لیبرالیسم مطرح گردد که بر نظریه اخلاقی و فلسفی جامعی که معرف فضیلت عدالت اجتماعی است، استوار باشد. این تلاش نظری به جهت عدیده‌ای عقیم و نارساست و کوشش فلسفی رالز توان آن را ندارد که توجیهی استوار و بی‌خدشه از این رویکرد اخلاقی به لیبرالیسم به دست دهد و نظریه اخلاقی معتبری برای فرهنگ سیاسی معاصر جوامع لیبرال - دموکرات تنقیح نماید. سر این ناکامی به دلیل این است که: زمانی که یک فیلسوف می‌خواهد در مقوله‌ای ارزشی و اخلاقی نظریه‌پردازی کند به ویژه اگر آن نظریه یک نظریه جامع اخلاقی باشد، به ناچار ابتدا باید برای پاره‌های پرسش‌های اساسی که از مسایل محوری فلسفه اخلاق^۱ محسوب می‌شود، پاسخ روشنی داشته باشد. بخشی از مباحث فلسفه اخلاق به تحلیل مفهومی واژه‌های کلیدی اخلاقی و ارزشی اختصاص دارد؛ برای نمونه، کسی که می‌خواهد درباره ارزشی به نام «عدالت» نظریه‌پردازی کند، ابتدا باید با تحلیلی منطقی دقیقاً مشخص کند که از این واژه چه اراده کرده است و نسبت این مفهوم با سایر مفاهیم چیست، مثلاً مشخص کند که این مفهوم با مفهوم درست و صحیح چه نسبتی دارد. زمانی که می‌گوییم «این تصمیم یا این عمل عادلانه است» آیا همان مضمونی را افاده می‌کنیم که جمله «این تصمیم یا این عمل درست است» افاده می‌نماید؟ محور دیگر مسایل فلسفه اخلاق بحث درباره ماهیت قضایای اخلاقی است. در فلسفه اخلاق مکاتب نظری متعددی وجود دارد که هر یک تحلیلی خاص از ماهیت قضایای ارزشی ارائه می‌دهند و برخی از عینی‌گرایی و برخی دیگر از ذهن‌گرایی^۲ دفاع می‌کنند اگر بخواهیم این مباحث را بر مبحث عدالت‌پژوهی تطبیق نماییم باید بگوییم که کلیه اندیشمندانی که نظریه‌ای درباره عدالت اجتماعی ارائه می‌دهند و خواستار سازش و تطبیق ساختارهای کلان جامعه و شبکه روابط اجتماعی با اصول عدالت مندرج در نظریه خود هستند، نخست به قضایای ارزشی خاصی تصدیق و اعتراف کرده‌اند؛ قضایایی نظیر «عدالت اجتماعی یک فضیلت است»، «باید به مضمون عدالت اجتماعی ملتزم بود» و «عدالت ورزیدن خوب است و بی‌عدالتی بد است». در فلسفه اخلاق بحث از این نکته می‌شود که سرشت این گونه قضایا چیست (واعظی، ۱۳۸۳).

محور دیگر در مباحث فلسفه اخلاق مربوط به بررسی مقوله نحوه سنجش اعتبار و اثبات حقانیت قضایای اخلاقی است. سؤال‌هایی نظیر این که چرا عدالت ورزیدن خوب است، چرا باید

1. meta Ethics
2. subjectivism

به اصول عدالت ملتزم بود و مبدأ اعتبار و حجیت فضیلت عدالت چیست، به این محور از بحث مربوط می‌شود. گفتنی است فردی که درباره عدالت اجتماعی و یا هر ارزش و فضیلت اخلاقی دیگر نظریه‌پردازی می‌کند صرف نظر از این که محتوای آن نظریه چه باشد و به چه میزان از حقانیت برخوردار باشد. ابتدا باید تکلیف خود را با این پرسش‌های اساسی در فلسفه اخلاق روشن کرده باشد. متأسفانه رالز در کتاب نظریه عدالت از همه این گونه مباحث غفلت می‌ورزد و تنها به تعریف عدالت پرداخته، می‌گوید که نظریه عدالت وی از ارایه تعریف خاصی از عدالت بی‌نیاز است. در این جا این نکته را آشکار کردیم که پیش زمینه‌های ورود به نظریه‌پردازی درباره عدالت و ارایه یک نظریه اخلاقی، به تعریف آن خلاصه نمی‌شود، بلکه پرسش‌های مهم فلسفی مذکور باید پاسخ داده شود. اساساً اتخاذ موضع در مورد پرسش‌های فلسفی‌ای است که مسیر و جهت استدلال‌ها و شیوه موجه کردن نظریه اخلاقی را مشخص می‌کند.

رالز بدون توجه به این مباحث مقدماتی و پیش‌نیازهای نظری، به یافتن پاسخ برای پرسش‌های هنجاری اخلاق می‌پردازد؛ یعنی می‌خواهد مفاد اصول عدالت را به دست دهد و مشخص کند که در ترسیم ساختار کلان جامعه چه باید کرد و چه دستورالعملی را باید به اجرا درآورد. ورود به مرحله هنجارهای اخلاقی پس از گذشتن از مسیر تحلیل مفاهیم و قضایای اخلاقی و تعیین روش‌شناسی متناسب با ماهیت آن قضایا میسر است، در غیر این صورت آن چه در مرحله تعیین هنجارهای اخلاقی گفته می‌شود فاقد قدرت اقتناع منطقی و فلسفی اس(واعظی، ۱۳۸۳).

از منظر عدالت، اجرای عدالت توسط دولت محدود به ایفای نقش بازدارنده و منفی خود در جامعه است و دولت بیش از این نه اختیاری دارد و نه تکلیفی. پس مواقعی که برای دولت قایل به دخالت مثبت در امور جامعه شده‌اند، جنبه نادر و استثنایی دارد. از این رو، هر مداخله‌ای از سوی دولت در امور جامعه از لحاظ حقوقی تخطی از اختیار خود و تجاوز به حقوق جامعه تلقی می‌شود و موجد مسئولیت برای دولت.

در مقابل، لیبرال‌های روسویی معتقد به تقدم عدالت بر آزادی هستند و این تقدم را امری اجتناب‌ناپذیر می‌دانند. آزادی محتاج زمینه‌ای است تا در آن رشد کند و بارور گردد. این زمینه را عدالت فراهم می‌آورد. منتها تمام بحث درباره مفهوم عدالت و عمل عادلانه است و روش استنتاج یا جعل آنها. این لیبرالها نگرانی مخالفان خود از سوء استفاده دولت از مفهوم عدالت برای محدود ساختن آزادی را با تعریف عدالت و شرایط آن یا نحوه استنتاج عدالت به گمان خود مرتفع ساخته‌اند. پس عدالت نه تنها مایه تحدید آزادی نیست، بلکه زمینه نیل به آن را نیز فراهم می‌سازد.

دو نظریه مطرح شده از لحاظ حقوقی واجد آثار فراوان و مهمی است که بیش از همه در

زمینه مسئولیت مدنی بروز و ظهور می‌یابد. مسئولیت عمومی دولت که در نتیجه تخطی از تکالیف اساسی خود و تجاوز به حدودی که برای او مقرر شده، ایجاد می‌گردد و الزامی که این تخطی برای او به اعاده وضعیت جامعه سیاسی به حالت پیش از تجاوز ایجاد می‌کند، به عنوان خطوط کلی و مبنای مسئولیت مدنی دولت باید محل بحث قرار گیرد. از این رو است که مفهوم تقصیر در ارتباط با دولت در هر یک از این نظریه‌ها یا مکاتب فکری معنای خاصی می‌یابد و راه جبران خسارت نیز متأثر از همین تحلیلها است (یزدانی، ۱۳۹۰).

گفتار دوم: دولت سوسیال^۱ و مسئولیت

کارل مارکس فیلسوف بزرگ آلمانی و بنیان گذار تفکر سوسیالیسم در مجموعه آثار خود به صورت متمرکز و مشخص به تبیین مفهوم عدالت پرداخته است. چرا که وی در آموزه های خود صرفاً به دنبال نشان دادن ضرورت تقسیم عادلانه ی ثروت مادی نیست و چنین چیزی را «سوسیالیسم مبتذل» میدانند. مارکس در واقع میخواهد تاریخ تکامل نیروهای تولید را به عنوان روندی که سرانجام آن پیروزی کمونیسم است نشان دهد. بنابراین میتوان گفت آموزه های وی در نقد اقتصاد سیاسی سرمایه داری و نیل به آرمان شهر کمونیستی ناظر بر اندیشه ای است که او درباره عدالت اجتماعی بیان کرده است. در واقع از نظر مارکس در جامعه سرمایه داری و کاپیتالیستی هیچ گونه عدالتی نمیتواند وجود داشته باشد. لذا با توجه به نگرش مارکس میتوان اینگونه نتیجه گرفت که وی تحقق عدالت را تنها در گرو تشکیل جامعه کمونیستی میداند. جایی که هرکس به اندازه توانش کار میکند و به اندازه نیازش برداشت میکند. به طور خلاصه میتوان گفت که جامعه سوسیالیستی برگرفته از تفکرات مارکس، شرط اساسی تحقق عدالت را در حذف مالکیت خصوصی و تقسیم کار میداند.

ریشه اولیه سوسیالیسم را باید در وهله نخست در مسیحیت یافت. پیوند میان مذهب و سوسیالیسم در برداشت «سوسیالیسم مذهبی»^۲ می‌تواند به روش‌های مختلفی مورد تفسیر قرار گیرد که در اینجا ابتدا به ذکر خلاصه ای از نظریات مارکس و انگلس در خصوص مذهب می‌پردازیم.

۱. مهمترین مهورهای نظریه مارکس و انگلس را میتوان در چند نکته خلاصه کرد

۱- هر دو در تمام دوره فعالیتشان برای سوسیالیسم، مخالف هرگونه مذهب بودند و شورش علیه اقتدار آسمان را در پیوندی ناگسستنی با شورش علیه قدرت های زمینی می دیدند. به جرات میتوان گفت که آنها همیشه به شعر مارکس وفادار مانده اند حتی پیش از آنکه به کمونیسم

1. Social

2. Religion Socialism

بگردد. مارکس بحث مربوط به رابطه اندیشه و هستی را مساله بنیادی بزرگ کل فلسفه مینامید و بر اهمیت رویارویی ماتریالیسم و ایدئالیسم بر سر این مساله تاکید میکند.

۲- آنها بر خلاف تصور متفکران روشنگری قرن هجدهم مذهب را صرفاً ساخته و پرداخته عوام فریبان نمیدانستند، بلکه در راستای سنت فکری «هگلی‌های جوان» در آلمان، آن را بازتاب رنج‌ها و بی‌خویشی مردم می‌دانستند که در طول قرون شکل گرفته است. آنها به کارکرد اجتماعی چندجانبه مذهب توجه داشتند و بنابراین مخالفشان با آن یکجانبه نبود.

۳- آنها مذهب را بازتاب وهم آلود و مسخ شده واقعیت‌های زمینی و روابط اجتماعی می‌دانستند، به همین دلیل معتقد بودند بجای پرداختن به بحث‌های انتزاعی درباره مذهب، باید به بررسی مشخص خود همین واقعیت‌های زمینی پرداخت.

۴- آنها علیرغم مخالفت قاطع با هر نوع مذهب معتقد بودند مذهب در گذشته بارها پرچم فکری جنبش‌های اجتماعی پیشرو یا پوشش ایدئولوژیک شورش‌های طبقات محروم بوده و به این اعتبار نقش مترقی داشته است و همچنین از اسلام به عنوان یکی از سه مذهب جهانی یاد میکند که نقطه عطفی در چرخش‌های بزرگ تاریخی محسوب می‌شود.

۵- آنها در عین مخالفت با مذهب، با هر نوع اقدام سیاسی برای ممنوعیت و سرکوب آن به شدت مخالف بودند، مثلاً انگلس در سال ۱۸۷۴ در نقد برنامه کموناردهای بلانکیست مهاجر، از هر اقدامی برای ممنوعیت مذهب انتقاد میکند و از دورینگ که مدافعه ممنوعیت مذهب بوده انتقاد میکند و او را متهم میکند که در این زمینه از بیسمارک نیز فراتر رفته است. (منوچهر آشتیانی)

در وهله دوم، اختلاف طبقات اجتماعی به تعارض میان این طبقات می‌انجامد. بنابر اندیشه‌های سوسیالیسم مذهبی، اختلاف طبقاتی لازمه ساختار جامعه سرمایه‌داری است و ارتباطی با حسن نیت یا سو نیت اعضا و طبقه نسبت به طبقه دیگر ندارد. بنابراین، چنین تحلیلی نباید در داوریهایی که نسبت به افراد می‌شود، مدنظر قرار گیرد. واقعیت این است که در جوامع لیبرال سرمایه‌داری هیچ‌کس از گزند تعارض‌های طبقاتی مصون نمی‌ماند.

در وهله سوم، لازمه تعارض‌های طبقاتی تمایلی است که در اعضا طبقات مختلف برای خروج از این حالت و فایق آمدن بر ساختار حاکم ایجاد می‌گردد که این تمایل در اندیشه مارکس به روش دیالکتیکی مورد تحلیل قرار گرفته و در زمینه‌ای از جمله اقتصاد کاربرد یافته است. با وجود این، سوسیالیسم مذهبی در توافق کامل با مبانی اندیشه‌های مارکس، اینکه چنین دیالکتیکی زاده نیاز باشد را نفی می‌کند. سوسیالیسم مذهبی معتقد است که جبر تاریخی خود را از خلال آزادی محقق می‌سازد و سوسیالیسم به نحو تام و کامل هرگز نمی‌تواند محقق گردد.

در وهله چهارم، سوسیالیسم مذهبی هم‌نوا با مارکس نهضت پرولتاریا^۱ را جبراً حاصل مقاومت در برابر ساختار جامعه سرمایه داری محسوب می‌دارد. بنابراین، خود را با نهضت‌های پرولتاریایی که در احزاب سوسیالیستی از لحاظ سیاسی نمود خارجی می‌یابند، متحد می‌سازد. با این حال، سوسیالیسم مذهبی بر این حقیقت آگاه است که غلبه طبقه پرولتاریا بر مبنای جبر اجتماعی به معنای تفوق دایمی آن نیست و بنابراین هر زمان ممکن است پایان یابد. در وهله پنجم، توافق سوسیالیسم با تحلیل جامعه شناختی مارکس از نظام سرمایه داری متضمن پذیرش تئوری اقتصادی او نیست. سوسیالیسم موضع خاصی نسبت به این نظریه اتخاذ نکرده است. در واقع، این نظریه که تحلیل نظری از نحوه تحول ساختار اجتماعی است، مختص خود مارکس بوده و چنین نیز مانده است. سوسیالیسم نه تنها مبتنی بر نظریه اقتصادی خاصی نیست، بلکه اعتقادی هم به پیاده شدن شکل خاصی از اقتصاد ندارد. از دیدگاه این مکتب، آنچه واجد اهمیت می‌نماید، نیل به وضعیت اقتصادی‌ای است که بر عدم تعادل نیروهای مختلف اقتصادی فایق آید و از خلال آن امکان تحقق جامعه‌ای واجد معنا محصل گردد؛ و آنچه از لحاظ غایت اهمیت دارد، در وسیله نیز واجد اهمیت است. سوسیالیسم اقتصادی تکلیفی برای حل مشکلات عینی اقتصادی یا مسایل سیاسی ندارد. با این حال، با مواضعی که اتخاذ می‌کند، می‌تواند به صورتی غیر مستقیم این مسائل را تحت تاثیر قرار دهد.

این تحلیل از ساختار جامعه سرمایه داری، همراه با موضعی که نسبت به وضعیت انسان اتخاذ کرده است، سوسیالیسم را به تاویل وضعیت اجتماعی حاضر از دیدگاه جامعه شناسی دین هدایت کرده است. بر این مبنای جامعه بورژوازی، به عنوان محمل انسان‌گرایی مسیحی صورتی از تحول مسیحیت است که در ارتباط دیالکتیکی با صورتهای باطنی مسیحیت قرار دارد. در انسان‌گرایی مسیحی، تحقق مذهبی معنوی مسیحی به نوعی مسیحیت خود مختار مبدل می‌گردد. اما از یک سو، این امر منجر به رهایی مسیحیت از افسون زندگی حوزه معنوی دین می‌گردد، و از سوی دیگر، به خالی شدن دین از محتوای اصلی خود و آسیب پذیری آن در برابر حوزه نظریه‌های غیر مذهبی منتج می‌گردد.

سوسیالیسم در نظام سرمایه داری به دین زدایی اساسی‌ای که در عین حال ریشه در انسانگرایی مسیحی و جامعه بورژوازی‌ای که این نظام نماینده آنها است، دارد. سوسیالیسم نظام سرمایه داری را نظامی غیر انسانی می‌داند، زیرا در این نظام اتحادی میان نیروهای سازنده و مخرب بوجود آمده است و تعارض میان طبقات اجتماعی به گونه‌ای محتوم و مستقل از اصول اخلاقی و بدون هیچگونه ترحمی جریان دارد. نتیجه نظام سرمایه داری که در عین حال مبتنی

1. proletariat

بر فرد و جامعه است، در شکل خاصی که همانا مالکیت یا در واقع مالک بودن است، ظهور و نمود یافته است که دارای خصلتی غیر انسانی است.

سوسیالیسم بر این باور است که تکلیف اساسی او در برابر جامعه شرکت در پیکار با جنبه غیر انسانی نظام سرمایه داری است. از این رو، حلقه اتحادی با پرولتاریا که رسالت اصلی‌اش را در این پیکار درک می‌کند، تشکیل می‌دهد. با وجود این، در همین حال، چون معتقد است که پرولتاریا در نهایت مغلوب این پیکار است (بر خلاف نظریه‌های مارکسیستی) به نقدی مذهبی از ساختار نظام سرمایه داری توسل می‌جوید که مختص خود سوسیالیسم است. (Tillich, 1981) در عین حال، سوسیالیسم نظریه‌های آنارشیستی^۱ مرتبط با ساختار جامعه‌ای مبتنی بر مساوات را رد می‌کند. این مکتب بر این باور است که مقطعی از تاریخ که مارکس ما قبل تاریخ می‌نامید، در جامعه بدون طبقه نیز محقق می‌گردد. همچنین معتقد است که در جامعه بدون طبقه تنش‌هایی که از ذات قدرت هر موجود زنده‌ای که به صورت پویا در آن پدیدار می‌گردد، به تحقق تجربه اقتدارگرایی که آنارشیسم درصدد طرد و رد آن است، منجر می‌شود. این امر مشکل مرتبط با قدرت را بازآفرینی می‌کند، حال آنکه مبنای لیبرال انسان‌گرایانه سوسیالیسم همواره در تلاش است تا از آن پرهیز نماید. سوسیالیسم در این باور است که با هم بودن همه چیز به نحوی که آنارشیسم از آن جامعه مطلوب خود را مراد می‌کند، در برابر قطبی شدن قدرت دوام نمی‌آورد و در واقع قدرت در فرد و در جامعه خود مدار است.

از دیدگاه سوسیالیسم ساختار جامعه ساختاری مبتنی بر طبقات قدرت است. این قاعده در تحلیل مفهوم ملت و نیز ارتباط ملتها با یکدیگر نیز کاربرد دارد. تلاش برای گریز از واقعیت، چنانکه تاریخ دموکراسی نشان داده است، به ظهور گروه‌های پیکارگر با قدرت منتج شده است که کارکردی تخریبی دارند و از این رو فاقد مسئولیت هستند. قدرت مبتنی بر شناخت برتری یکی بر دیگری است. بنابراین، همراه با خود امکان زورگویی و جباریت را می‌آورد. در مقابل دیدگاه آنارشیسم مفهوم قدرت را با امکان زورگویی و جباریت خلط کرده است، به گونه‌ای که فاشیسم ثمره آن است.

با این همه، آنچه انکار نکردنی است، وابستگی سوسیالیسم به اصل برابری است که در همه این مکتب تأثیری کارساز دارد. همین اصل است که در حوزه سیاست سوسیالیسم را به عنوان مکتبی که دغدغه ایجاد برابری در سطح جامعه را دارد، مطرح می‌سازد. همچنین، بر مبنای همین اصل است که دولت آرمانی این مکتب دولتی است که مجاز به مداخله در امور جامعه (جامعه مدنی) به هدف برقراری مساوات است. اقتصاد برنامه ریزی شده نتیجه این اندیشه

است که در دولت سوسیالیستی مورد قبول قرار گرفته است. با مطرح شدن این نوع اقتصاد دولت اختیار مداخله در امور جامعه را می‌یابد و به این دلیل است که با مخالفت مکتب‌های رقیب مواجه شده است. منتها، اختلاف بر سر این است که آیا دادن چنین اختیاری به دولت موجب تجاوز دولت به قلمرو جامعه مدنی می‌گردد یا جامعه مدنی همچنان مصون از تعرض دولت قرار دارد. هر یک از این دو نظر طرفدارانی دارد.

۲. تاثیر سوسیالیسم بر لیبرالیسم

ایده‌های مکتب سوسیالیسم، به خصوص غایت رسیدن به عدالت اجتماعی در ایجاد تحول در لیبرالیسم بی تاثیر نبوده است. همانطور که میدانیم لیبرالیسم دارای دو نحله آزادی‌گرا و عدالت‌گرا است. نحله اول، یعنی آزادی‌گرایی، متأثر از اندیشه‌های لاک؛ و نحله دوم، یعنی عدالت‌گرایی، متأثر از اندیشه‌های روسو است. در لیبرالیسم لاک‌ی تنها دغدغه نگاهبانی از آزادی و حقوق طبیعی انسان است، حال آنکه در لیبرالیسم روسویی عدالت بر آزادی تقدم دارد و مقدمه رسیدن به آزادی برقراری عدالت محسوب می‌شود. روسو که سردمدار این نوع لیبرالیسم است، الهام بخش اندیشه سوسیالیسم نیز بوده است. برقراری شرایطی که در آن آزادی طبیعی انسان حفظ شود، دغدغه‌ای است که از روسو به سوسیالیسم راه یافته است. منتها سوسیالیسم از نیمه راه به سمت دیگری گرویده است. بدین ترتیب که به کلی فرد و استقلال او را از نظر دور داشته و اجتماع را مبنای کل تحلیل‌های خود قرار داده است. حال آنکه، در اندیشه روسو همواره فرد مرکزیت داشته و فرد گرایی به نحو افراطی‌ای اعمال شده است. گفته شده است که یکی از علل گسترش لیبرالیسم روسویی که تا حدی اقتصاد برنامه ریزی شده در آن توجیه شده است، توسعه سوسیالیسم بوده است. (Blackburn, 1976)

افسانه جامعه‌ای بدون طبقه که تنها عدالت بر آن حکم فرما باشد، سوسیالیسم را در برهه‌هایی از تاریخ اندیشه غالب در عرصه سیاست و اقتصاد ساخته است. از این رو، لیبرالیسم قهراً تحت تاثیر این اندیشه غالب وادار به هزیمت گشته است. بدین ترتیب که با دست شستن از نوع لاک‌ی خود بیشتر به گرایش روسویی روی آورده است. چنین گرایشی طبعاً در نظام‌های سرمایه داری که حاصل پیدایش و اعمال اصول لیبرالیسم هستند، رشد یافته است. ظهور و غلبه این گرایش در نظام‌های سرمایه داری به تز «پست کاپیتالیسم»^۱ مشهور شده است. پست کاپیتالیسم در شکل ساده آن عبارت از گرایشی است به سمت کاستن از نابرابری‌ها در توزیع درآمد و رفاه. منتهی این گرایش ابزاری را برای اجرای غایت خود مورد استفاده قرار می‌دهد که متناسب با اصول لیبرالیسم، یعنی عدم مداخله دولت در جامعه مدنی و نفی اقتصاد برنامه ریزی

شده نیز هستند. این ابراز همانا وضع مالیات بر درآمد به نحو تصاعدی و متناسب با درآمد و ثروت افراد و استفاده از مالیات اخذ شده در امور رفاهی به هدف افزایش رفاه قشر کم درآمد جامعه است. این تز بیش و پیش از همه در سال ۱۹۳۰ همزمان در انگلستان و امریکا مورد استفاده قرار گرفت و سپس با شروع جنگ تا حدی کاهش یافت و پس از جنگ جهانی عدم نیز همچنان در این دو کشور و به تقلید از این دو در کشورهای اروپای غربی، به ویژه کشورهای اسکانداویجی، به کار گرفته شد. در اجرای این برنامه، بیش از همه وجود دستگاه مالیاتی قدرتمند که توان محاسبه درآمد و ثروت حقیقی افراد را داشته باشد و از فرار مالیاتی قشر پر درآمد جامعه ممانعت نماید، ضروری است. استفاده از ابزار مالیات موجب کاهش آثار نابرابری در توزیع ثروت و گسترش حقوق شهروندی و امنیت اقتصادی در کشورهای مزبور گردیده است. افزایش سطح رفاه اجتماعی نتیجه اجرای این گرایش در کشورهای کاپیتالیستی است. بدین سان، گرایش روسویی لیبرالیسم در کشورهای دارای نظام لیبرال سیاسی تقریباً با وفادار ماندن به اصول این مکتب و در اثر فشار اندیشه‌های سوسیالیستی راه درست خود را یافته و تا حدی توانسته است نابرابری طبیعی موجود در نظام سیاسی لیبرال را جبران کند. (Blackburn, 1976)

از سوی دیگر، با اجرای این تز دولت همواره بدون مداخله در جامعه و استفاده از اقتصاد برنامه ریزی شده باز هم به اصل مسئولیت خود یعنی ایفای نقش سلبی در جامعه مدنی و حفظ آزادی‌ها و حقوق طبیعی افراد وفادار مانده و در عین حال زمینه استفاده از آزادی را برای شهروندان خود فراهم می‌آورد. با اعمال سیاستهای مالیاتی و ایجاد امنیت اقتصادی، نابرابری در موقعیت‌ها به خصوص از لحاظ شغلی و بازار کار نیز کاهش می‌یابد و بدین ترتیب آزادی در انتخاب شغل و نحوه زندگی تا حد زیادی برای افراد تامین می‌گردد، بدون اینکه دولت اقتصاد را به قسمت خاصی هدایت کند. حال به بحث سوسیالیسم از منظر اخلاقی می‌پردازیم:

• ایرادات اخلاقی نظام اقتصادی سوسیالیستی

در زمینه‌های اقتصادی، سوسیالیسم نتوانسته آرزوی انسان‌ها را برای رسیدن به یک دنیای منظم به واقعیت تبدیل کند. با تکیه بر تعریف ارزش افزوده متفاوت از تعریف نظام سرمایه‌داری، نه تنها مشکلات نظام سرمایه‌داری را برطرف نکرده بلکه مسائلی مانند عدم تامین نیازهای اساسی هم چون غذا و مسکن را هم دامن زده است. در سوسیالیسم علی‌رغم مخالفت با "سود"، باز هم سودی که در سرمایه‌داری به جیب سرمایه‌دار می‌رود در نظام سوسیالیسم، منافع حاصل شده از تولید به شکل کاملاً قانونی در اختیار صاحبان قدرت و طبقات به وجود آمده جدید قرار می‌گیرد (agricic, ۱۹۹۱). اما بخش مهمی از ارزش افزوده، صرف مسابقات تسلیحاتی و تبلیغ رژیم در خارج از کشور شده است. از طرف دیگر با از بین رفتن حق مالکیت خصوصی و در اصل بدلیل از بین بردن استعدادها و شوق تولید علیرغم فعالیت‌های آموزشی بر پایه مدینه فاضله

و تدابیر امنیتی، به دلیل ساختار خود اقتصاد، افت تولید را باعث شده و در نتیجه این وضع در غرق شدن سوسیالیسم نقش مهمی بازی کرده است.

عقلانیت در سیستم سوسیالیسم، صنفی متشکل از بروکرات‌ها و برنامه‌ریزان اجتماعی، در مورد خواسته‌های انسان و یا احتیاجات جامعه تصمیم‌گیری می‌نماید. دولت، برای نظم، ارزشدهی و بقای زندگی کارگران از نیروی فشاری براساس توزیع رفاه جدید استفاده می‌کند.

سوسیالیسم سیستمی است که رفاه را از تولید کننده گرفته و برای توزیع رفاه در بین قشر محروم با نیروی جبر و سازماندهی شده اقدام می‌نماید. این سیستم، اخلاق مبتنی بر قدرت را از درون خود می‌داند. باز هم، سوسیالیسم بر پایه فرار از مسئولیت در برابر تشویق‌ها پایه گذاری شده است. از آنجایی که جوایز تقسیم می‌شوند لذا دلیلی برای افزایش کار نسبت به دیگران وجود ندارد. در واقع، چیزی که تشویق می‌شود، کم کاری نسبت به دیگران می‌باشد. یعنی سوسیالیسم تنبلی را تشویق و پرکاری را جریمه می‌نماید. براساس تئورسین‌های سوسیالیست، مقدار محدودی از رفاه در بین تمام مردم و به مقدار مساوی باید تقسیم شود. در این سیستم سود یک فرد، ضرر فرد دیگر می‌باشد (thompson, ۱۹۹۳).

سوسیالیسم نکات قوتی می‌تواند داشته باشد. اما در مقابل برخی مشکلات اخلاقی، کور، کر و ساکت می‌ماند. یک ویژگی جنجال برانگیز در سوسیالیسم، بطور بارزی، عدم جوابگویی بر ایرادات اخلاقی است. اخلاق صرفاً نمی‌تواند وابسته به شرایط مادی متغیر و در ارتباط به آن باقی بماند. اخلاق، یا به تحکم و یا به منافع طبقه مدیریتی مشروعیت بخشیده و یا بعد از رسیدن طبقه پایین دست به قدرت، عصبانیت این طبقه در مقابل تحکم طبقه مدیریتی و منافع آینده مظلومان را در آینده نشان می‌دهد (Steven, ۱۹۹۸). مهمتر از همه این که در حالت کلی، سوسیالیسم اخلاق را به عنوان یک نوع ایدئولوژی می‌بیند که منعکس کننده درآمد طبقات است. به نظر سوسیالیسم اصول اخلاقی، مشمولیت جهانی ندارند. اخلاق را مناسب ماتریالیسم تاریخی دانسته و براساس موارد مادی و اقتصادی استوار می‌باشد. در چالش‌های ماکس و هودارانش از سرمایه‌داری مفاهیم اخلاقی نظیر استثمار و بیگانه‌پروری از جایگاه مهمی برخوردار است (duman, ۱۹۹۸). سوسیالیسم نمی‌تواند خودش را از تاریخ، منطق، تئوری و واقعیت و اخلاق دور نگه دارد. لنین^۱، در کنگره کمسومول در سال ۱۹۲۰ به این موارد اشاره می‌کند (Steven, ۱۹۹۸): "ما، بطور عام اخلاق خودمان را تابع منافع طبقه پرولتاریا می‌دانیم. اخلاق، در حقیقت خدمتی است برای نابود کردن استثمار تا این که تمام کارگران، در یک جامعه جدید، در یک جامعه کمونیست دور هم جمع شوند تا پرولتاریا را شکل دهند. در نظر یک کمونیست،

ریشه هر نوع اخلاق، نظمی در جهت مخالفت با استثمار است. ما به یک اخلاق اذلی و ابدی اعتقاد نداشته و ساختگی بودن تمام افسانه‌های مربوط به آن را در معرض دید می‌گذاریم".

اما به نظر تروتسکی، " اخلاق تابعی است از یک مجادله طبقاتی و در عین حال اخلاق محصولی از توسعه جامع است، و هم چنین استدلال می‌کند که این وضعیت به هیچ عنوانی تغییر نخواهد کرد، و اخلاق در خدمت منافع اجتماعی است، و موضوع مورد بحث تناقض منافع جامعه با یکدیگر است، همچنین اخلاق از اشکال دیگر ایدئولوژیی دارای شخصیت منظم مندتری است (Steven, 1998) از طرف دیگر سوسیالیسم در درون اصالت خود هم به صورت اخلاقی و هم ضد اخلاقی مانده است. بخصوص ماکس و انگلس^۱ مشکلات کلی در رابطه با تئوری‌های اخلاقی را شناسایی کرده‌اند، اما در نهایت بعداً متوجه مشکلات عدیده اخلاقی شده‌اند. اجرای برنامه‌ها با استفاده از زور را مناسب اخلاق دانسته و استدلال می‌کند که این هم زمانی امکان پذیر است که قوانین را با سرعت اجرا کرد. ولی با دقت در، " واقعیت‌های بیرونی، برابری، آزادی بیان و روابط بین مقررات می‌توان فهمید که بدلیل عدم برقراری تعادل بین قوانین با اخلاق به اهداف خود نرسیده‌اند" (et al, 1998abraham).

از همان ابتدا سوسیالیسم در مقابله با مشکلات اخلاقی با پیش‌گیری‌های مختص خودش در عمل دارای یک رویکرد غیر ممکن بود. به طور خاص هم، با وجود نگرش‌های پر محتوا در موضوع آزادی و علیرغم نگرش زورمدارانه در رابطه با رهایی انسان، با بی‌توجهی به حقوق افراد و استفاده از ابزارهای نادرست حرف‌های زیادی برای گفتن ندارد (Steven, 1998). در اصل علت سقوط سوسیالیسم حل نکردن تضادهای درونی بود. برابری به عنوان ایدئولوژی ریشه‌ای سوسیالیسم و عدم اعتقاد به باورهای خاص، در دوران صنعتی با واقعیات انسان‌ها ناسازگار بود. (lester c thrurow, 1996)

نتیجه گیری

پیش از این گفته شد که سوسیالیسم با مقدم داشتن حقوق اجتماع بر فرد و قایل شدن اصالت برای اجتماع ناچار به ایده جامعه بدون طبقه سوق داده می‌شود، هر چند که بر انسان گرایی نیز تاکید دارد و به خصوص ریشه‌های مذهبی آن در مسیحیت کاملاً هویدا است. بدین سان، دولت مطلوب این مکتب دولتی است که هدایت جامعه را با اهداف از پیش تعیین شده به عهده می‌گیرد. بدین ترتیب است که دولت اختیار مداخله در امور جامعه و جامعه مدنی را به نحو وسیع و گسترده پیدا می‌کند، زیرا خود به تعیین غایات جامعه مبادرت می‌کند. از این رو، مطابق قاعده‌ای که پیش از این مورد بررسی قرار گرفت، و به موجب آن اختیار دولت با میزان مسئولیت او رابطه معکوس دارد، چنین دولتی دارای مسوولیت محدودی است. این دولت از یک سو حدود اختیارات خویش را خود تعیین می‌کند و از سوی دیگر و بر همین مبنا مفهوم تقصیر و حدود آن به اراده او بستگی دارد. پس انتساب تقصیر به چنین دولتی سخت است و این مشخصه خود موثر در میزان مسئولیت مدنی او است.

همچنین، محدودیت مسئولیت دولت سوسیال در کنار وسعت اختیارات او موثر در بحث رابطه سببیت، یعنی رکن دیگر مسئولیت مدنی است. انتساب خسارت به فعل دولت جنبه استثنایی دارد و در سایه اصل، یعنی عدم مسئولیت این دولت، تفسیر و تاویل می‌گردد. بدین ترتیب، در بحث از مسئولیت مدنی دولت سوسیال، به تبع مسئولیت کلی او، اصل بر عدم مسئولیت مدنی چنین دولتی است و به تبع این اصل انتساب تقصیر به این دولت نیز جنبه محدود و استثنایی دارد. نظام اخلاقی خاص حاکم بر جامعه تحت هدایت دولت سوسیال نیز به شرحی که پیش از این مورد بررسی قرار گرفت، بر خصیصه فقدان مسئولیت برای این دولت می‌افزاید. زیرا دولت در شکل گیری نظام اخلاقی نقشی عمده ایفا می‌کند و چون خود خالق این نظام است، در ورای نظام اخلاقی ساخته خود مصون از خطای اخلاقی قرار می‌گیرد.

همچنین از منظر اخلاقی لیبرالیسم به عنوان یک مکتب جامع سیاسی - اجتماعی که بر پایه‌های فلسفی و نظریه اخلاقی خاص تکیه زده و خواهان سامان‌دهی ساختارهای اساسی جامعه بر محور این نظریه جامع اخلاقی می‌باشد، جای خود را به تصویری صرفاً سیاسی از لیبرالیسم می‌دهد. لیبرالیسم سیاسی که دستاورد دوران متأخر اندیشه رالز است، تصویری از لیبرالیسم می‌باشد که ضمن دفاع و حمایت از دستاوردها و توصیه‌های اصلی تفکر لیبرالی، پیوند آنها را با پشتوانه‌های فلسفی و اخلاقی خاص منقطع می‌داند و اعتبار و درستی این توصیه‌ها و ارزش‌ها را از درستی و حقانیت هیچ دکتترین جامع اخلاقی و فلسفی طلب نمی‌کند (واعظی، ۱۳۸۳).

لیبرالیسم سیاسی یا تصور صرفاً سیاسی از عدالت به تعبیر رالز، مکتب و تصور سیاسی «فاقد ستون» است که به سبب عدم تکیه و تأکید بر یکی از دکتترین‌های جامع فلسفی یا مذهبی و یا اخلاقی خاص عملاً مجال آن را فراهم می‌آورد که از سوی صاحبان مکاتب فلسفی، مذهبی و اخلاقی مختلف مورد حمایت قرار گیرد، بدین ترتیب دامنه نفوذ و تأثیر لیبرالیسم سیاسی افزایش یافته، مبنای مشترک و مقبول همکاری اجتماعی و تنظیم ساختار اساسی جامعه قرار خواهد گرفت. این رویکرد نیز اشکال‌ها و ابهام‌های خاص خود را دارد که پرداختن به آن نیازمند نوشتار مستقلی است.

سوسیالیسم نیز از منظر اخلاقی، بر پایه زور و بی‌اعتمادی، آزادی و حقوق طبیعی انسان را به هیچ گرفته و مانع رشد فردی شده بود. و مهم‌تر این که در سیستم سوسیالیستی به نگرش‌های فردی اعتماد نشده بود. به این دلیل، این بی‌اعتمادی سبب فلاکت اصلی و بعدها سرچشمه مشکلات شده بود. رفته رفته دوره گوش دادن به الهام‌هایی عواطف معنوی در گذشته مانده بود و این خود باعث بیگانه شدن همگان شده بود، هم چنین قبولاندن همه مردم به مشارکت کردن موجب فریب شده بود. به این ترتیب، این سیستم ساختار معنوی جامعه را مد نظر قرار نداده بود. در نتیجه مارکس و طرفداران معتقد به ایدئولوژی یک جامعه بدون طبقات بدلیل عدم توجه به ساختار معنوی جامعه و با گسترش عدم روابط فردی زوال سوسیالیسم را آماده کرده بودند. (Philippe, 1998).

فهرست منابع

۱. افلاطون، جمهور، ترجمه فواد روحانی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دهم
۲. بشیریه، حسین، عقل در سیاست، نشر نگاه معاصر، ۱۳۸۲
۳. سالیوان، راجر، اخلاق در فلسفه کانت، ترجمه عزت الله فولادوند، طرح نو، چاپ اول، ۱۳۸۰
۴. هاینز، توماس، لویاتان، ترجمه حسین بشیریه، نشر نی، چاپ چهارم، ۱۳۸۵
۵. همپتن، جین، فلسفه سیاسی، ترجمه خشایار دیهیمی، طرح نو، چاپ دوم
۶. ر.ک: بهاءالدین بازارگاد. تاریخ فلسفه سیاسی، ج ۱ (تهران: زوار، ۱۳۳۴) فصل ۱۰.
۷. هومن یزدانی ۱۳۹۰ فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰
۸. منوچهر آشتیانی، جامعه شناسی دینی، سوره اندیشه، شماره ۴۸ و ۴۹، بهمن ۱۳۸۹
۹. واعظی، احمد. (۱۳۸۳). نارسایی قرائت اخلاقی «رالز» از لیبرالیسم. فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی، شماره بیست و ششم - تابستان ۸۳، ۵۳-۷۴.
۱۰. خداویسی حسن، عزتی شورگلی احمد. اخلاق در نظام های اقتصادی سرمایه داری، سوسیالیستی و اسلام. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی. ۱۳۹۴؛ ۴ (۱۲): ۹۳-۱۲۰
1. Black burn, Robin, Ideology in social sciences , Fourth impression 1976, fonta collins
2. Tillich, Paul, political expectation, Mercer university Rose press, 1ed , 1981
3. Hayek, Friedrich A, La route de La servitude, traduit par Blumberg, Press universitaire de France, 2 ed, 1985
4. Hegel, philosophie of right, translated by knox, oxford, 1949
5. Held, David, political theories and modern state, polity press , 1989
6. Rousseau, Jean Jacque, Du contract social, edition de Magnard Paris, 1994
7. Rawls, John, collected Papers, Edited by samvel, Freeman, Harvard university prss, 1999, P.01
8. are Richard, Rawl's theory of Justice, Published in Reading Rawls Edited by Norman Daniels, stanford university Press. 1989,
9. beneton, philippe(1998), toplumsal siniflar, çev: hüsün dilli, istanbul: iletisilyayinlari, 1995.
10. lukes, steven,(1998), marksizm ve ahlak(çeviren: osman akinhay), birinci baski, istanbul, ayrinti yayinlar, 1998.
11. edel, abraham, flowers, elizabeth, o, connor, finbarr w. (1998), morality, osophy and practice historical and contemporary reading and studies, new york, random house, 1998.
12. çagrıcı, mustafa(1991), islam ahlaki, 2 baski, istanbul, temel kültür dizisi no:6, ensar nesryat, 1991.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۸۲ - ۶۵

سازگاری معنایی و روایی اخلاقی کیفر مرتد با آیه عدم اجبار بر دین

فرانک پوستی^۱

احمد باقری^۲

چکیده

یکی از حقوق انسان‌ها، حق آزادی است، هر انسانی حق دارد همان گونه که تکویناً اراده و قدرت انتخاب دارد، تشریحاً نیز حق انتخاب داشته باشد و مانعی بر سر راه اراده او ایجاد نشود. آزادی ابعاد گوناگونی دارد، یکی از ابعاد آن آزادی فکر است، یعنی هر انسانی حق دارد به هر چیز بیندیشد و تحقیق کند. بعد دیگر آزادی عقیده است، بدین معنی که انسان در گزینش یک دین و عقیده مختار است، نه مجبور، بعد سوم آزادی بیان و اظهار دیدگاه‌ها و ایده‌ها می‌باشد و سرانجام بعد چهارم، آزادی در عمل و رفتار یعنی هر انسانی حق دارد آن گونه که می‌خواهد عمل کند. از جمله ایرادهایی که مخالفان آزادی برای اثبات خشونت و فقدان آزادی در دین اسلام مطرح می‌کنند حکم فقهی قتل مرتدان است. آنها می‌گویند اگر اکراه در عقیده ممنوع است و پذیرش اسلام با آزادی و اختیار حاصل می‌گردد، و نهادن عقیده نیز باید آزاد باشد، پس تعیین این نوع عقوبت سخت برای خروج از دین، دلیل برای ماندن بر عقیده بر اساس اجبار و تحمیل است.

واژگان کلیدی

ارتداد، مرتد فطری، مرتد ملی، آزادی عقیده.

۱. دانشجوی دوره دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: Frnkpousti@gmail.com (نویسنده مسئول)

۲. استاد، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: Bagheri@ut.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۳/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۸

طرح مسأله

در بحث آزادی عقیده و مذهب همواره این شبهه محل بحث و نقد نظریه پردازان اسلامی بوده است که چگونه دین اسلام که منادی تأمین آزادی انسان در حیطه های مختلف زندگی است در خصوص آزادی عقیده و دین تاب و تحمل پذیرش ادیان مخالف را از طرف مسلمانان نداشته است. لذا کسی نمی تواند بگوید در جامعه اسلامی آزادی عقیده وجود دارد، چون آزادی عقیده هم در انتخاب کردن است و هم در وانهادن است و کسی که نمی تواند به هر دلیلی عقیده خود را وانهد، یعنی آزادی عقیده ندارد. آزادی عقیده هم در آغاز انتخاب و هم در ادامه آن برای انسان مطرح است. آزادی و اخلاق دو مقوله جدا هستند اما رابطه و پیوستگی بین اخلاق و آزادی وجود دارد اخلاق مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است» و به گفته بعضی از دانشمندان، گاه به بعضی از اعمال و رفتاری که از خلیقات درونی انسان ناشی می شود، نیز اخلاق گفته می شود. طرح صحیح مسئله اخلاق اسلامی و دفاع از آزادی عقیده، منوط به روشن شدن ادله ارتداد و کلمات برخی از فقهای نکته بین است. در این راستا، باید به عناوین مهمی که در ارتداد لحاظ شده پردازیم و ویژگیهای ارتداد را برشماریم. مسلماً یکی از پرسش های مهم در بررسی مسئله ارتداد، این نکته است که چرا در قرآن به قتل مرتدان به عنوان حکم ارتداد به هیچ عنوان اشاره نشده است علاوه براین برخی از روشنفکران یا نواندیشان دینی، معتقدند مجازات برخی از احکام فقهی؛ مانند ارتداد، ناعادلانه، سنگین و ناروا است. آنها مهدورالدم دانستن فرد مرتد را امری غیراخلاقی دانسته و با تفکیک خطای معرفتی از خطای اخلاقی و موضوع عدم تناسب بین جرم و مجازات، بر ناروایی فرد خارج شده از دین تأکید می کنند. تقسیم و تفکیک خطای اخلاقی و خطای معرفتی، صحیح و منطقی است یا خیر، با آنکه در چندین آیه اصل موضوع و پی آمدها و آثار ارتداد مطرح شده است. همچنین تصور برخی از فقیهان ما چه بوده است که حکم مرتد را جزء تعزیرات به حساب آورده اند و مهم تر آنکه در روایات اسلامی تعبیر « حد » مرتد نیامده است. آیا معنای این برخورد، این نیست که مسئله حکم مرتد به دست حاکم و تابع شرایط و تغییرات اجتماعی و فرهنگی و توجه به موقعیت افراد در آن عصر بوده است؟ نکته دیگر اینکه وقتی از آزادی عقیده به عنوان یک حقی سخن می گوئیم. سه تفسیر از آن می توان کرد یکی اینکه هر عقیده ای را که انسان برگزیند، مورد احترام است چه حق چه باطل. دیگر اینکه هر عقیده ای را برگزید کیفر ندارد نه اینکه مورد احترام است. و سوم اینکه هر عقیده ای را برگزیند کیفر دنیوی ندارد نه اینکه مطلقاً کیفر ندارد. از دیدگاه قرآن که برای انسانیت و برای توحید ارزش و اهمیت فوق العاده ای قائل است، حق آزادی عقیده به معنای نخست و همچنین معنای دوم مردود است، زیرا قرآن و اسلام عقیده باطل را نه تنها قابل احترام نمی داند، بلکه

کسی را که به عقیده ای نادرست باور دارد اگر در گزینش آن عذری نداشته باشد سزاوار کفر می داندچنان که تهدید مشرکان و مرتدان به عذاب اخروی در آیات بسیاری نشان دهنده این مطلب است. آنچه مورد بحث است حق آزادی به معنای سوم است، کسانی که معتقد به آزادی عقیده از نگاه اسلام هستند، می گویند در گزینش عقیده کفر دنیوی جایی وجود ندارد و در نتیجه مرتد با گزینش کفر پس از اسلام کشته نمی شود، اما گروهی در قتل مرتد تأکید دارند و بر این باورند که گزینش اسلام گرچه در آغاز اجباری نیست، اما رها کردن آن کفر دنیوی دارد بنابراین آزادی عقیده مطلق نیست. با توجه به این نکات به بررسی دیدگاههای گوناگون می پردازیم.

واژه شناسی و تاریخچه ارتداد

ارتداد در لغت به معنای رجوع (کذ: ابن فارس، ۸۶/۲، جوهری، ۴۷۳/۲) و بازگشت به راهی که از آن آمده اند (کذ: راغب اصفهانی، ۱۹۷) و مصدر باب افتعال و در اصطلاح حالت فردی را گویند که پس از اسلام به کفر برگردد و اجمالاً از آن به کفر بعد اسلام تعبیر می شود (کذ: ابن منظور، ۱۷۴/۳) و لذا ارتداد با کفر (به معنای اصطلاحی) و با موضوع کفری که به کفر خود باقی است، تفاوت دارد. گاهی از ارتداد - به جای بازگشت از اسلام - تعبیر به بریدن از اسلام شده است، اما چون معمولاً مرتدان بیش از آن کافر بوده اند به این جهت تعبیر به بازگشت شده است.

در منابع فقهی نیز قدیمی ترین تعبیر مربوط به سید مرتضی است که حقیقت ارتداد را کفر بعد ایمان می داند و شیخ طوسی که استوانه مهم فقه شیعه به شمار می رود در بیان مفهوم ارتداد گفته است: ارتداد کفر بعد ایمان است خواه در اصل مسلمان بوده و سپس مرتد شود یا در اصل کافر بوده آنگاه مسلمان شده و سپس از اسلام برگردد (کذ: المبسوط، ۱۶۹/۳۱) و جناب موسوی گلپایگانی، از فقهای معاصر، نیز ارتداد را قطع اسلام و ترک آن و اختیار کفر به وسیله قول یا فعلی که ناقض اسلام است می داند. در این زمینه تصور فقیهان و مفسران ارتداد یکسان نیست بسیاری ارتداد را صرف عقیده دانسته اند، بدون آنکه معلوم کنند: آیا واقعاً این تغییر عقیده با علم به حقانیت و از روی لجاجت و یا تحفظ بر منافع اجتماعی و مادی است، یا با جهل و در اثر تبلیغات و ایجاد شبهات است.

موجبات و شرایط مختلف ارتداد

انکار الوهیت خداوند و نیز رسالت نبی اکرم(ص) به اتفاق آرای فقهاء از موجبات ارتداد به شمار می روند. انکار معاد نیز از طرف برخی فقهاء به عنوان سبب مستقل برای تحقق ارتداد شمرده شده است. (کذا: موسوی خویی ۵۹/۲) و موضوع دیگری که فقهاء بالاجماع از آن به عنوان یکی از موجبات ارتداد نام می برند انکار ضروری دین است اما در این که انکار ضروری دین در تحقق ارتداد سبب استقلالی دارد(کذا: محقق حلی، شرایع الاسلام، ۵۳/۱) یا سبب آن

غیر مستقل و از این حیث است که به تکذیب رسالت پیامبر(ص) منتهی می‌شود(کذا: مقدس اردبیلی، ۱۹۹/۳) بین علماء اتفاق نظر وجود ندارد، مضافاً انکار ضروری هر مذهب از سوی پیروان آن مذهب نیز از طرف برخی فقهاء به عنوان یکی از موجبات تحقق ارتداد شمرده شده است.

یکی از بحث‌هایی که در فقه شیعه مطرح است، تقسیم مرتد به دو قسم فطری و ملّی است برخلاف اهل سنت که مرتد را تنها یک نوع می‌دانند. البته ابن جنید از فقهای شیعه در این خصوص عقیده اهل سنت را دارد (کذا: شهید ثانی، مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، ۳۵۸/۲). بحث دیگر اینکه ارتداد از موضوعاتی است که در شرایط گوناگون فرهنگی اخلاقی و اجتماعی دارای تقسیمات مختلفی است و هر یک از اقسام آن دارای تاثیر خاصی است. گاه ارتداد در حدّ «شکّ و تردید» در اصول عقاید است و گاه به «نفی و انکار» آنها می‌انجامد شخص گاه در اثر «جهل و نادانی» به انکار می‌پردازد، گاه با علم و آگاهی، از قبول حق سرباز می‌زند، ارتداد گاه جنبه شخصی داشته و گاه به شکل گروهی و جمعی انجام می‌شود. ارتداد گاه ریشه‌های فکری داشته و از شبهات برمی‌خیزد و گاه ناشی از جریانات سیاسی است. ارتداد گاه در دوران تاسیس جامعه اسلامی است و گاه در زمان تثبیت صورت می‌گیرد و شخص مرتد در میان مسلمانان و فقهای اسلامی رشد یافته، گاه در میان کفار زندگی کرده و تأثیر پذیرفته است، ارتداد در عصر حاکمیت اسلام و تشکیل حکومت اسلامی است و گاه در زمان قبض ید حاکم اسلامی و مرتد گاه با ارتداد، عملاً هم به اقدام علیه حاکمیت اسلامی برمی‌خیزد و گاه بر میثاق خود پایدار می‌ماند، ارتداد گاه در فتنه دشمنان اسلام و توسط معاندان بیرونی هدایت می‌شود، و گاه صرفاً جنبه داخلی دارد، مرتدّ گاه در موقعیت خاصی قرار دارد که ارتدادش تأثیر گذار است و گاه ارتداد او تأثیری در جامعه ایجاد نمی‌کند.

از نظر فقه «بغاه» کافران مرتدّند ولی از آنان حتی الامکان درخواست بازگشت به اسلام می‌شود. و اگر اشکال شود که ارتداد آنان فطری است و در فقه شیعه توبه مرتدّ فطری پذیرفته نیست، جواب این است که: امیر المومنین توبه خوارج را که در رأس بغاه بودند پذیرفت و برخورد حضرت نشان می‌دهد که این نوع مرتدّان، حکم خاصی دارند و ممکن است علت آن نفوذ شکّ و شبهه در اندیشه و قلب آنها باشد شهید ثانی و محقق کرکی نیز در این بحث به همین شکل وارد شده‌اند این فقهای بزرگ تلاش کرده‌اند تا برخورد حضرت با گروهی از مرتدّان را مبنای قاعده کلی قرار دهند و در اثر چنین نگاهی به سیره حضرت علی(ع) انعطاف پذیری کیفر مرتدّ را در اثر رواج شبهات و رسوخ تردیدها مورد توجه قرار داده‌اند. برخی علمای معاصر، ارتداد دسته جمعی در اثر مسموم بودن فضای فکری جامعه را، مشمول احکام فقهی ارتداد نمی‌دانند.

کیفر ارتداد در قرآن

قرآن کریم ظهور در این دارد که مرتد کشته نمی شود زیرا اولاً در آیات ارتداد هیچ سخنی از قتل مرتد نیامده است و تنها به تهدید کیفر اخروی بسنده شده است ثانیاً آیات مربوط به ایمان و عقیده به صراحت بر آزادی ایمان و عقیده دلالت دارد.

در قرآن درباره عقوبت ارتداد سخنی نیامده و هیچ کدام از آیات شریفه ناظر به عقوبت و کیفر خاصی نیست و نمی توان آن را به حدّ یا تعزیر تنزیل داد ، بلکه صرفاً نشان دهنده جهت گیری قلبی برای مومنان و تعیین نوعی موضعگیری از سوی قرآن است و به عنوان مثال می توان به آیاتی استناد نمود:

«إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ»

(محمد: ۲۵)

کسانی که پس از آنکه راه راست بر ایشان روشن شد به دین پشت کرده و بازگشتند ، شیطان برای آنها آراسته است.

در این آیه تصریح شده که بازگشت از دین درباره کسانی است که حق برای آنها آشکار شده و در این جهت هیچ حجت و عذری برای نشناختن و ندانستن حق و ایجاد شبهه نداشته اند ، بلکه منافع ، امیال و آرزوها ، عامل بازگشت و تن دادن آنها به راه شیطان شده است.

«مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ . ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَىٰ الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (نخل: ۱۰۶ و ۱۰۷).

هر آن کس که پس از ایمان آوردنش به خدا کافر شود مگر آنکه به اجبار واردار شود که سخنی خلاف ایمانش بگوید در حالی که دلش به ایمان آرام است و سینه اش را به کفر گشاده کرد ، پس خشم خدا بر آنهاست و آنان را عذابی بزرگ است.

این از آن روست که آنان زندگی این جهان را بر آن جهان برگزیده اند و خدا گروه کافران را راه نمی نماید. همچنین در برخی آیات تعبیراتی آمده که جای تأمل بسیار دارد . مثلاً در قرآن می فرماید که ارتداد آنها بارها تکرار شده و در نهایت در کفر خود فزونی جسته اند به همین دلیل خداوند متعال می فرماید.

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أُزْدَادُوا كُفْرًا لَّمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرَ لَهُمْ وَلَا

لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا» (نساء: ۱۳۷)

کسانی که ایمان آوردند سپس کافر شدند و پس از آن ایمان آوردند و باز کافر شدند و آن گاه بر کفر خویش افزودند خداوند بر آن نیست که آنان را بیامرزد و یا اینکه راهی بدیشان بنماید. مسئله آمرزش و هدایت در جایی است که انسان در جستجوی حقیقت باشد . منافع مادی

و انگیزه های حیوانی در کار نباشد. آزادی حق حیات انسان است. قرآنی که بارها سخن از دعوت به توبه و استغفار و حتمیت پذیرش توبه می کند، درباره این افراد می فرماید هرگز خداوند بر آن نیست که آنان را بیامرزد. چون برگشت آنها، تنها تغییر عقیده نیست، نوعی عناد و لجاج و کتمان حقیقت است.

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ » (مائده: ۵۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید هر کس از شما که از دین خویش برگردد، به زودی خداوند گروهی را بیاورد که خدا ایشان را دوست دارد و آنها خدا را دوست دارند، با مومنان نرم و خاکسارند و بر کافران سختگیر و گردن فراز.

این آیه به این نکته اشاره می کند که ارتداد این گروه هیچ ضرری به خدا نمی زند. ود مقابل آن تغییر عقیده ای است که موجب ضرر زدن است، در جایی که ارتداد از روی توطئه باشد و خداوند با این بیان روشن می نماید که ناسپاسی مرتدان با جایگزینی مومنان پاک سرشت قابل جبران است

در قرآن کریم، اشاره ای به انعطاف پذیری حکم مرتد، به چشم می خورد، زیرا مجازات برخی مرتدان « قابل گذشت » دانسته شده است. در سوره توبه پس از بیان فتنه منافقان، آمده است

« لَا تَتَذَرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنَّ نَعْفَ عَنْ طَائِفَةٍ مِنْكُمْ يُغْفِرُ اللَّهُ لَهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ » (توبه: ۶۶)

عذر نیاورید، شما بعد از ایمانتان کافر شده اید، اگر از گروهی از شما از شما درگذریم گروه دیگر را عذاب خواهیم کرد چرا که آنان تبهکار بودند.

برداشت برخی مفسران مانند علامه طباطبایی آن است که مقصود از « عفو » در این آیه « صرف نظر از کیفر دنیوی » است که به خاطر رعایت مصالح دینی انجام شده است و آیه ناظر به « عفو اخروی » نیست، زیرا عفو از عذاب اخروی در صورت توبه برای همه امکان پذیر است و اختصاص به گروه خاصی ندارد، به خصوص که خداوند در آیاتی، همه آنان را به توبه فراخوانده است و همچنین در آیات قرآن به عقوبت دنیایی ارتداد هیچ گونه اشاره ای نشده است.

کیفر ارتداد در روایات

علیرغم فراوانی آیاتی که در باب ارتداد رسیده، هرگز در آنها اشاره ای به حکم ارتداد و برخورد کیفر دنیوی نشده است و تنها به عقوبت اخروی و فرجام کار آنان و یا اهداف و انگیزه و قدرت تاثیر مرتدان اشاره شده است. اما در روایات از این جهت با وضوح بیشتری به حکم ارتداد اشاره شده است. به همین دلیل مستند فقهاء در باب ارتداد، نه آیات، بلکه روایاتی است که به

احکام مرتدان اشاره می کند.

نکته مهم تر ، آنکه روایات ما ناظر به آیات قرآن ، بلکه تفسیر آن آیات است. اگر در آیات قرآن نسبت به حکمی تقیید آمده است، حتماً روایات ناظر به این تقییدات است. درباره حکم ارتداد می توان ، اگر در روایات مطلبی آمده است ، حتماً با چشم داشت به آیات قرآن باید مورد توجه قرار گیرد . با این همه ما در تعبیری که از امامان معصوم (ع) رسیده ، نکاتی را در می یابیم که در نظر آنها نیز مانند قرآن ، تنها تغییر عقیده مطرح نبوده و مسئله انکار دین با علم به حقایق آن بوده است و کسانی مرتد شمرده شده اند که عناد و لجاجی نسبت به اسلام داشتند و مهمترین انگیزه و هدف آنها از اظهار شعار کفر ، تضعیف جامعه اسلامی و نوعی مقابله اجتماعی و سیاسی با مسلمانان بوده است برای اثبات این مطلب می توان به روایات ذیل استناد کرد:

ابو ایوب خزاز ، یکی از اصحاب با وفای امام صادق(ع) و امام باقر(ع) در حدیث صحیحی نقل می کند : « من در مجلسی نشسته بودم که در طرف چپ حضرت قرار داشتیم و زراره در سمت راست حضرت ، ابوبصیر وارد مجلس شد و درباره کسی که شک در خدا می کند پرسش نمود حضرت فرمود : « چنین فردی کافر است » این سوال را درباره پیامبر خدا کرد و فرمود: « چنین فردی کافر است » آنگاه رو به زراره کرد و فرمود « انما یکفر اذا جحد » کافر کسی است که انکار را از روی علم کند البته قرآن کریم همین معنا را با تعبیر دیگری بیان می فرماید:

« وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ » (ملکوت : ۴۷)

و جز کافران و حق پوشان کسی آیات ما را انکار نمی کند.

از سوی دیگر در باره حد مرتد احادیثی وجود دارد که یکی را اوزاعی بدون سند نقل کرده است. البته این حدیث به دلیل آنکه «بدون سند» است قابل اعتماد نیست به علاوه که اوزاعی از وابستگان به خلافت اموی و سپس عباسی است که با جعل این حدیث در صدد توجیه رفتار حکام ظالم در سرکوب مخالفان بوده است تا آنها را به عنوان مرتد مهدور الدم قلمداد کند روشن است که سخنان چنین فردی ، بدون اعتبار است و از طرف دیگر این روایات با پاره ای روایات معارض چون روایت ابی بکر حضرمی رو برو است.

حکم حکومتی و شیوه بازشناسی آن

اسلام مانند هر دین و انقلاب بزرگی در طول تاریخ ، دو دوره مهم را از سر گذرانیده است. ۱- دوره ای که پایه ها و ارکان جامعه دینی همواره در تلاطم و کشمکش و مواجهه با تهدیدهای خطرناک بوده است . طبیعی است که در این دوره پیامبر اسلام با نگرانی از دست رفتن دین و دستاوردهای آن به هر تصمیم عاجل و سریعی اقدام کند و بر اساس مصالح خاص این دوره ، به وضع قوانین و احکام مناسب با تحولات بپردازد .

۲- دوره ای که ارکان و پایه های دین نو بنیاد تثبیت شده و مسلمانان در موضع استقرار و

آرامش به سر می‌برند و دیگر آن خطرات دوران تاسیس آنها را تهدید نمی‌کند و ملاحظات خاص آن دوره، مورد توجه نمی‌باشد. بی‌گمان کسی نمی‌تواند مدعی شود در مجموع، احکامی که از عصر بعثت و در دوران مدینه تا عصر امامان معصوم تشریح شده، همگی بر یک منوال هستند و در شرایط مساوی جعل شده‌اند و از وضع ثابت و لایتنغیری برخوردار هستند.

کیفر ارتداد، حکم حکومتی

اینک بر اساس مطالبی که ذکر شد باید درباره حکم قتل مرتد تأمل نمود و ماهیت آن را تحلیل کرد باید توجه داشت که این کیفر، بر خلاف مجازات سرقت، زنا و محاربه در قرآن کریم ذکر نشده است. همچنین تردیدی وجود ندارد که اگر قرآن به حکمی تصریح کند ثبات و دوام آن مسلم است. در قرآن کریم هر چند از ارتداد به عنوان یک عمل زشت و ناپسند یاد شده و پیامدهای زیانبار آن در دنیا و آخرت گوشزد گردیده است ولی کیفر دنیوی آن تبیین نشده است و بر عقوبت معنوی و اخروی آن تأکید شده است. آیه شریفه (بقره: ۲۱۷) می‌فرماید: وَ مَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فِيمْتُمْ وَ هُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.

در آیه شریفه با اینکه لحن بسیار شدیدی نسبت به مرتدان به کار گرفته شده است ولی با آوردن قید «فیمت و هو کافر» - چنانچه در حال کفر بمیرند - اشاره شده است که راه نجات به روی آنها بسته نیست و قبل از مرگ از فرصت رهایی از عقاب برخوردارند و تنها در صورتی که ارتداد تا لحظه مرگ ادامه یابد و مرتد با کفر بمیرد گرفتار غضب الهی بوده و مجازات خواهد شد. به خصوص که در سوره آل عمران به صراحت قبول توبه مرتدان مطرح شده است «كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَ شَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَ جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ . أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنْ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ . إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ أَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (آل عمران: ۸۶ تا ۸۹)

به هر حال، با عدم تعیین مجازات دنیوی ارتداد در قرآن، اول دستوری که در این باره وجود دارد حکم پیامبر به قتل مرتد است «من بدل دینه فاقتلوه» هر کس دینش را تغییر داد بکشیدش. و استناد به این حدیث بسیار شایع است.

چنان که درمی‌یابیم، کسی که در راه رسیدن به حقیقت، معتقدات اسلامی خویش را ناموجه می‌انگارد و آن‌ها را فرو می‌نهد، مرتکب امری غیراخلاقی نشده، هر چند از منظر مسلمانان، مرتکب خطای معرفتی شده و باورهای اسلامی هم‌چنان موجه است و برگرفتنی. لازمه این سخن این است که «نباید» چنین کسی را که از دین خارج شده و به تعبیر فقها «مرتد» شده، تنبیه و عقاب کرد؛ چرا که مرتکب عمل غیراخلاقی نشده است. شیخ بهایی در قرن یازدهم هجری می‌گفت اگر کسی در راه تحری حقیقت، به خطا بیفتد و دینی غیر از اسلام را برگزیند،

مؤاخَذ نخواهد بود.

جایگاه آزادی عقیده در اسلام

اسلام نیز به عنوان دینی کامل، داعیه تأمین آزادی انسان را در تمام ابعاد از جمله آزادی عقیده دارد آیه هایی مانند:

۱- لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ (بقره: ۲۵۶) ۲- وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ (ق: ۴۵)

۳- لَسْتُ عَلَيْهِمْ بِمُضْطَرٍ (غاشیه: ۲۲) ۴- أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (یونس: ۹۹)

پیامبر را از الزام و اجبار بر عقیده بر حذر می‌دارد و مسئولیت پیامبران را ابلاغ پیام وحی، هدایت و آگاهی رساندن معرفی می‌کند. و مهم‌ترین شاهدهی که در این ضمیمه کاملاً روشن است، غزوات پیامبر است که طبق نقل مورخان ۲۶ یا ۲۷ غزوه و سریه بوده است (کذ: آیتی ص ۲۳۸) در تمام این غزوات که مهم‌ترین آنها جنگ بدر، احد، خندق، حدیبیه، خیبر، فتح مکه، حنین، طایف و تبوک بوده، هیچ کدام جنبه تهاجمی نداشته و برای اجبار عقیده نبوده است. و همگی آنها پاسخی بوده به توطئه‌ها و اذیت‌ها و آزارها، ایجاد نا امنی‌ها، پیمان شکنی‌هایی که از ناحیه مشرکان و کفار و اهل کتاب برای مسلمانان و یا شخص پیامبر انجام می‌گرفت. لذا باید به جنبه سلبی موضوع هم توجه داشت و اینکه نمی‌توان در جامعه دینی کسی را به عقیده ای الزام کرد، فکر و عملی را به اجبار رواج داد اما دلالت ندارد که افراد هم آزادی عقیده دارند و می‌توانند هر عقیده ای داشته و آن را بیان کنند. جامعه دینی و نظامی که بر اساس دین حکومت می‌کند، نمی‌تواند مردم را اجبار کند، اما اجازه ندارد که شرایطی را فراهم کند تا دیگران بتوانند عقاید غیر دینی خود را رواج دهند و همه افراد آزاد باشند که هر چیزی که اعتقاد دارند آن را ابراز کنند. مطالعه تاریخ زندگی پیشوایان دینی نیز نشان می‌دهد که آنان همواره به مسلمانان توصیه می‌نمودند که با افکار و عقاید مخالف برخورد مناسب داشته باشند و در عمل نیز در حد بالایی اصل آزادی را در برابر عقاید مخالف رعایت کرده‌اند. به عنوان مثال پیامبر(ص) در سال دوم هجری با مسیحیان سرزمین سینا پیمان بست که در آن پیمان که به خط امیرالمومنین(ع) است به شدت بر ضرورت احترام به دین، ارزشها و اعتقادات غیر مسلمانان تأکید شده است. (کذ: قربانی، ۳۹۹) بنابراین بر اساس منابع حقوق اسلامی، آزادی عقیده در اسلام امری غیر قابل انکار است و اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با الهام از چنین تعالیمی مقرر داشته است که «... هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد».

وجود تعارض بین کيفر مرتد و آیه نهی از اجبار بر دین

مطابق این مبناء، ضمن همراهی با اشکال کننده می‌پذیریم که بین احکام فقهی مربوط به ارتداد با مبنای اسلام در باب آزادی عقیده تعارض وجود دارد و آنگاه با روش قابل قبول و

موجه در صدد رفع این تعارض بر می آیم برای این منظور دو روش وجود دارد:

الف) با انکار آزادی عقیده در اسلام، ضمن تاکید بر احکام فقهی مقرر برای جرم ارتداد قائل شویم که اسلام آزادی عقیده را نپذیرفته و در این مکتب انسان مجبور است که عقیده خاص مورد نظر اسلام را داشته و هر گونه تغییر و تبدیل آن مجازات سخت در پی دارد.

روشن است که اندک آشنایی با آیات قرآن و مبانی اسلام و روایات رسیده از معصومین (ع) و سیره عملی آنان، مانع از آن است که برای حل تعارض مورد ادعا این روش را اخذ نموده و به عدم وجود آزادی عقیده در اسلام معتقد شویم و کلام امیر المومنین (ع) به فرزندشان امام حسن (ع) را مورد توجه قرار ندهیم که فرمودند:

«... و لاتکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

ب) موضوع اعتبار و اهمیت آزادی عقیده در اسلام را بپذیریم اما در مورد کیفر مرتد کوتاه آمده و آنچه را که در منابع فقهی اسلام به عنوان احکام ارتداد مقرر شده است منکر شویم. این شیوه رفع تعارض در بین نویسندگان مسلمانان طرفدارانی دارد جمع بندی ایشان در ارتباط با کیفر ارتداد این است که ادله مربوط به حکم مرتد به سه دلیل اعتبار لازم را ندارد و دلایل سه گانه این گروه عبارت است از:

۱- مستند عمده حکم مجازات مرتد است (کذ: صالح، ۲۱۲، عبدالکریم سوش، ۲۰،

کدیور، ۶۱)

۲- احکام ارتداد با آیه لا اکراه فی الدین ... (بقره/۲۵۶) معارض بوده و روایات مشتمل بر حکم ارتداد با این آیات در تناقض هستند. لذا نمی توان به احکام مزبور اعتماد کرد و روایات مربوط نیز نمی توانند مختص آیات قرآنی که عاری از تخصیص و تقیید هستند به شمار آیند. بنابراین، در مقام رفع تعارض خود آن روایات از درجه اعتبار ساقط می شوند (کذ: بازرگان، ۳۵؛ کدیور، همان). از طرف دیگر در قرآن کریم تنها مجازات اخروی مرتد بیان شده و مجازات و کیفر دنیوی برای ارتداد تجویز نشده است و واژه «فیمت» که در آیه قرآن آمده است در مرگ طبیعی ظهور دارد نه اعدام و قتل مرتد.

۳- با عنایت به نظر مشهور که مجازات ارتداد را جزء حدود می دانند بر فرض این که ادله اعتبار حکم مرتد کامل هم باشد، اجرای آن در زمان غیبت و عدم حضور معصوم (ع) محل تردید، بلکه معتبر عدم اجرای آن است، به ویژه با توجه به اشکالات عدیده ای که در عصر حاضر بر اجرای حکم ارتداد مترتب است اهمیت این قول بیشتر روشن می شود (کذ: کدیور، همان)

پاسخ دلیل اول

بر فرض بپذیریم اخبار رسیده در باب احکام ارتداد خبر واحد است قرائنی وجود دارد که روایات مزبور به حد اخبار واحد محفوف به قرائن قطعی رسیده اند و فقهای مثل سید مرتضی و ابن ادریس که به خبر واحد عمل نمی کنند در باب ارتداد با اصل مجازات مرتد مخالفت نکرده اند و از نظر اصولیین اخبار واحد محفوف به قرائن قطعی در حکم حجّت است. لکن برخی از استوانه های فقه شیعه چون شیخ طوسی و شیخ مفید در مورد پذیرش توبه مرتد فطری بر این عقیده اند که در صورتی که کسی شرب خمر را (که از ضروریات دین است) حلال بداند و مرتد فطری باشد توبه داده می شود؛ پس اگر توبه کرد کشته نمی شود و در غیر اینصورت کشته می شود. پس عدم پذیرش توبه مرتد فطری اجماع فقهاء نیست.

پاسخ دلیل دوم

جرم بودن ارتداد با آیه کریمه « لا اکراه فی الدین » هیچ تعارضی ندارد. معنای آیه این است که اساساً اکراه و اجبار شخص برای داشتن یک عقیده و دین امکان ندارد، زیرا دین امری قلبی و اعتقادی است و امور قلبی از نظر عقلی اجبار پذیر نیست. مجازات ارتداد هم به خاطر داشتن یا نداشتن یک اعتقاد نیست، بلکه مجازات ارتداد به دلیل ابراز و عمل به یک اعتقاد قلبی است که آثار و نتایج آن از محدوده حق فردی فراتر رفته و به اجتماع و نظام سیاسی و دین اسلام برمی گردد.

خطای معرفتی و خطای اخلاقی مرتد

بیشتر دانشمندان اسلامی ضمن پای بندی به احکام فقهی مقرر برای ارتداد و نیز اعتقاد جازم به بحث آزادی عقیده در اسلام در صدد تبیین و القاء این معنا هستند که تعارض مورد ادعا، تعارض واقعی و غیر قابل رفع نیست، بلکه تعارض مزبور نوعی تعارض ابتدایی و ظاهری است که با دقت نظر در فلسفه احکام مرتد و کنکاش در ادله مربوط به ارتداد و روشن نمودن زوایا و قیود مختلف آن قابل رفع است.

خطا و اشتباه؛ به عنوان صفت فعل یا ترک فعلی به کار می رود که «دانش بشری» و «درک عمومی» خلاف آن را توصیه می کند. این فعل یا ترک فعل به لحاظ اخلاقی نیکو یا نکوهیده (قبیح) و یا شرعاً حرام یا واجب دانسته نمی شود؛ مثلاً کسی با این که می داند نوشیدن چای به همراه غذا مانع جذب آهن در بدن می شود ولی با این حال این کار را انجام می دهد، یا این که دندانش پوسیدگی دارد ولی بدون این که دلیل موجهی داشته باشد به پزشک مراجعه نمی کند. در این موارد ما در مورد مرتکب، داوری اخلاقی یا شرعی نمی کنیم، اگرچه رفتار او را اشتباه بدانیم؛ به این، «اشتباه یا خطای رفتاری» گفته می شود.

اینجا باید بین این نوع اشتباه و خطا با اشتباه و خطای معرفتی تمایز قائل شد. در خطای

معرفتی، عموماً اختیاری در کار نیست؛ به این معنا که فرد با علم و اراده این اشتباه را مرتکب نشده همانند کسی که عقیده‌ای خلاف واقع دارد، یا دانشجویی که یک معادله ریاضی را اشتباه حل می‌کند، اگرچه قصد «انجام فعل» را داشته است، اما چون قصد «تحقق نتیجه» را نداشته، اگرچه جوابش اشتباه است اما اصولاً نمی‌توان کار او را اشتباه توصیف کرد؛ چون فعل اشتباه به این معنا که ما به کار می‌بریم پیش فرضش اختیار است حتی اگر اخلاقی یا ضد اخلاق هم نباشد. بنابراین، تقسیم خطا و اشتباه به رفتاری و معرفتی درست است، نه تقسیم به خطای اخلاقی و معرفتی؛ چون همان‌طور که بیان شد این دو (اشتباه رفتاری و معرفتی) در دایره خطا و صواب اخلاقی نمی‌گنجد و این دو حوزه محدوده‌های جدا از هم دارند.

اما خطای اخلاقی؛ یعنی کاری که اخلاقاً نباید انجام داد، و به عبارت دیگر؛ فعل یا ترک فعلی که عرف عام آن را غیر اخلاقی تلقی می‌کند؛ مثل کشتن یک انسان بی‌گناه یا خیانت در امانت؛ در مقابل، یک عمل مثبت را حسب مورد حسن، نیک، شایسته و لازم می‌دانند.

و برای اثبات زشتی این فعل و هر فعلی از این دست باید از اصول موضوعه اخلاق کمک گرفت. این نکته زمانی بروز و نمود بیشتری می‌یابد که می‌بینیم خطاهای اخلاقی منشأ پیامدهای اجتماعی می‌شوند؛ مثلاً فقه اسلامی مرتکب را از درجه عدالت ساقط می‌داند و نتیجتاً او را به عنوان پیش‌نماز، قاضی یا شاهد نمی‌پذیرد بنابراین چون خطاهای پیامدهای اجتماعی دارد. و با تاکید به اینک آزادی عملی ارادی و فردی محسوب می‌شود و خداوند انسان را انتخابگر قرار داده است تا تلاش کند و تلاش‌های او از این سو و آن سو حمایت و تأیید شود، اما اگر در راه خوبی گام برداشت، پاداش آن را می‌بیند و اگر به بدی رفت، سزای آن را می‌بیند.

اما آزادی اجتماعی و آزادی که در ارتباط با جامعه است، طبعاً رعایت حقوق دیگران نسبت به این آزادی مطرح است. این آزادی نامحدود است تا آنجایی که به دیگران آسیب نرساند. به همین دلیل آزادی انسان‌ها در اجتماع، حقوق یک‌طرفی نیست، بلکه طرفینی است. عمل فرد نباید خلاف سنت حسنه و حقوق دیگران باشد

بر این اساس، گروهی با تبیین و تشریح مفاسد و آثار مضر و مخرب ارتداد به تحلیل و توجیه عقلانی مساله پرداخته و درصدد روشن نمودن فلسفه و حکمت تشریح احکام ارتداد برآمده اند، جلوگیری از تحقیر دین و لطمه به حیثیت نظام اسلامی و در نقطه مقابل حفظ حصار ایمان اسلامی (کذ: خامنه‌ای، ۳۹) برخورد با جنگ روانی دشمنان اسلام به منظور تضعیف عقاید مسلمانان و تهدید و براندازی حکومت اسلامی، با این تفسیر که ارتداد به عنوان براندازی نوعی جرم سیاسی در تمام نظام‌ها به شمار می‌رود (کذ: عوده، ۵۳۶/۱ و ۶۶۱ و لائی، ۲۵۱)، تعارض ارتداد با اخلاق و نظم عمومی (کذ: هاشمی، ۱۲۹)، ممانعت از خدعه و خیانت نسبت به جامعه و بستن راه تمرد از عبادات و قوانین (کذ: سعیدی، ۱۶۷) لزوم تقدم حق خدا بر حق مردم و افراد

جامعه با این توضیح که، فرد مرتد که به مبارزه با دین و مقدسات برخاسته در واقع با تجاوز به حق الهی در صدد نقض هدف آفرینش که همان استکمال معنوی افراد در پرتو دین خداست برآمده و با غرض خلقت در ستیزه افتاده (کذ: کریمی نیا، ۱۰۷)، لزوم مبارزه با ارتداد به عنوان یک جرم سیاسی، بلکه یک جرم امنیتی که ایجاد تزلزل در باورهای دینی مردم و نهایتاً ضلالت گسترده و فتنه انگیزی در صفوف محکم جامعه اسلامی که تقویت جبهه کفر از اهداف آن است و ایجاد زمینه استفاده بهینه از آزادی مذهبی و فراهم نمودن فضای سالم برای بهره برداری شایسته از آن (کذ: حسینی، ۵۴)، از اهم اموری است که به عنوان فلسفه تشریح احکام ارتداد از طرف این دسته از دانشمندان مورد تاکید قرار گرفته است.

با توجه به متن و مطالب فوق، روشن می‌شود که چقدر پیوستگی و ارتباط تنگاتنگ بین اخلاق و آزادی انسان وجود دارد. آزادی چه فردی که موهبت الهی است و چه آزادی اجتماعی، هر دو با اخلاق انسانی و اسلامی پیوند ناگسستنی دارند. همان طوری که اخلاق قرآنی به انسان اجازه نمی‌دهد حقوق دیگران و حقوق جامعه را پایمال کند آزادی فردی هم حق انسان است و انسان را در میدان آزادی اجتماعی وادار می‌کند که به حقوق انسانی و اجتماعی احترام بگذارد. بنابراین آزادی حتی در جوامع لیبرالیستی، هم محدود است و به معنای افسارگسیختگی نیامده است. لیبرال ترین افراد هم در یک جایی به اخلاق انسانی احترام می‌گذارند و قائل به خط قرمز در زندگی اجتماعی هستند. اخلاق و آزادی، برادر مهربان یکدیگر هستند و هیچ وقت از همدگیر فاصله نمی‌گیرند. رعایت ظرافت‌های اخلاقی در صورتی ارزشمند است که از انسان آزاد سرزند. مثلاً انفاق کردن، صدقه دادن، قرض الحسنه و... در صورتی پسندیده است که از روی اختیار و آزادی صورت پذیرد، نه از روی اجبار و تهدید. آزادی انسانی هم در صورتی پسندیده و نیکو است که در محدوده اخلاقی باشد و حقوق همگان رعایت شود.

همان طوری که در آزادی اجتماعی حقوق دیگران و جامعه از احترام ویژه‌ای برخوردار است، اخلاق هم چه نظری و چه عملی، که درباره بود و نبود و درباره باید و نباید سخن می‌گویند؛ برای حقوق فردی و اجتماعی ارزش فراوانی قایل هستند. مثلاً می‌گویند اگر فرد یا جامعه‌ای به فلان خُلق مبتلا شود، پایش سقوط و هلاکت است و آن جامعه مضمحل می‌شود. (روم، ۴۱) و اگر جامعه‌ای از فضایل اخلاقی طرفی ببندد، از قداست برخوردار می‌شود و می‌ماند. این سخن از بود و نبود است و سخن از باید و نباید هم دارند که می‌گویند: جامعه باید چنین باشد تا سعادت مند شود. و نیز جامعه نباید آن‌چنان باشد تا شقاوت مند نگردد و خسران دنیا و آخرت دامنگیرش نشود. (۱۵)

عدم تعارض بین احکام امر ارتداد و آیه نهی از اجبار بر دین

عده ای با این استدلال که در روایات مبنای حکم ارتداد تعبیر « حد » وجود ندارد و در متون فقهی گذشته نیز که مبتنی بر روایات تبیین می شوند سخن از « حد » بودن مجازات ارتداد نیامده است و حتی مسئله ارتداد به صورت مستقل در برخی از کتابهای قدمای امامیه هرگز مطرح نشده است ، مانند فقه الرضا ، الهدایه بالخیر صدوق (م ۳۸۱) و مقنعه شیخ مفید (م ۴۱۳ ه) و انتصار سید مرتضی علم الهدی (م ۴۳۶) و کافی ابوصلاح صلیبی (۴۴۷ ه).

اما در کتابهای دیگر از فقیهان قدیم و متاخر مسئله حکم ارتداد مطرح شده است نه به عنوان حد بلکه به عنوان تعزیر و عقوبت یا تعبیرات مشابه دیگر، مانند آنچه شیخ طوسی در کتاب النهایه مطرح کرده است یا علی بن حمزه طوسی در کتاب وسیله و محمد ابن ادریس حلی (م ۵۹۸) در سرائر و محقق جعفر بن حسن حلی (م ۶۷۶) در کتاب شرایع الاسلام و حتی کسانی مانند شهید اول (م ۷۸۶) در کتاب لمعه از ذکر آن به عنوان حدود امتناع کرده است. بنابراین در نظر مشهور از افقهاء، حکم مرتد از حدود الهی ، یعنی احکام معین و غیر قابل تغییر تلقی نشده است زیرا حدود الله احکامی است که کیفیت آن دقیقاً از سوی خدا معلوم شده است و غیر قابل تغییر است. و از طرفی در قرآن کریم (توبه / ۶۶) و برخی روایات نیز نوعی انعطاف پذیری نسبت به حکم مرتد به چشم می خورد ، مجازات ارتداد را در زمره تعزیرات شرعی که از قابلیت انعطاف و مسامحه برخوردار است دانسته اند. راشد الغنوشی ، شیخ محمد عبده و شیخ عبدالمتعال الصعیدی از دیگر متفکران معاصر طرفدار این مبناء هستند (کذ: مظفری، ۸۲)

بعضی دیگر به اختصاص احکام فقهی و شرعی ارتداد به صدر اسلام و دوره مقطعی تاسیس حکومت و جامعه اسلامی از طرف پیامبر (ص) قائل بوده و بر این اساس به طور ضمنی دوام و همیشگی بودن آن احکام را نفی می کنند (کذ: دوالیبی ، ۳۸)

اعتقاد به اختصاص احکام ارتداد به حالات ویژه ای از تغییر عقیده و با وصف وجود پاره ای شرایط و قیود چون « اظهار و اعلان » (کذ: خامنه ای ، ۳۹- ورعی ، ۸۰) ، « علم و ایمان به حقانیت اسلام » و در عین حال انکار جاحدانه (کذ: صرامی ، ۳۴۲) ، « عاری از هرگونه شبهه » (کذ: هاشمی ، ۱۱۹) « و از روی عمد و عناد » (کذ: مرعشی ، ۹۲/۱) و دیدگاههای از این قبیل همگی در شمار چاره جویی های دیگر قائلین به عدم تعارض بین احکام ارتداد با موضوع آزادی عقیده در اسلام به منظور پاسخ به شبهه مطروحه و رفع تعارض ظاهری مورد ادعا به شمار می روند.

نتیجه گیری

در پایان این بحث به این نتیجه می توان رسید که همه ادیان نسبت به بریدن از دین و جدا شدن از مسلک حساسیت دارند و این ممانعت برای جلوگیری از دفع و خروج به مراتب بیش از تلاش برای جذب و ورود است، زیرا کسی که مکتبی را ترک می کند، عملاً نسبت به آن اعلام بی اعتباری کرده و صلاحیت آن را برای سعادت بشر مخدوش معرفی می کند و در نتیجه در اطمینان و اراده دیگر مومنان به آن آئین نیز خلل بوجود می آورد لذا کسانی که آزادانه وارد شده اند حق خروج آزادانه ندارند. آزادی عقیده در بخش تغییر عقیده دارای آثار مختلفی است که هیچ دینی نسبت به آن نمی تواند بی تفاوت باشد. بر این اساس، ارتداد و روی گردانی از اسلام، صرفاً تغییر عقیده به حساب نمی آید، بلکه در اثر آن کلیه ابعاد روحی و فکری، همه پیوندهای اجتماعی و سیاسی شخص دچار بحران می شود. و این دگرگونی عمیق با تغییر هیچ عامل دیگری در زندگی از قبیل ملیت قابل مقایسه نیست اگر عوامل بیرون از جامعه و دولت اسلامی را هم ضمیمه کنیم که با اهداف خاص سیاسی و به انگیزه توسعه طلبی و سلطه جویی بر مسلمانان، آنان را به بازگشت از آیین خود ترغیب و تحریک می کنند اهمیت موضوع افزون شده و چشم پوشی در برابر آن معقول به نظر نمی رسد. دین اسلام متضمن سعادت دنیوی و اخروی انسان است و طبق آیه « لا اکره فی دین قد تبین الرشد من الغی» افراد انسانی را به پذیرش اسلام پس از تحقیق، اندیشه و با آزادی و اراده کامل شخصی ترغیب می کند. اسلام کورکورانه و تقلیدی همواره مورد نکوهش بوده و به عبارتی هیچ شکی در آزاد بودن فرد در پذیرش ابتدایی اسلام وجود ندارد. لکن فرد به هنگام ورود به اسلام می داند که خروج از آن با شرایطی، مجازات سنگین در پی دارد و با چنین بینشی اسلام را می پذیرد. پس از پذیرش اسلام نیز در صورت بروز هرگونه شبهه ای که ممکن است موجب تردید او در ادامه و بقاء بر اسلام شود، منطقی اقتضاء می کند همچنان که ورود به اسلام با تحقیق و اندیشه و مبتنی بر استدلال و ارزیابی بوده است در اینجا نیز با تحقیق پیرامون شبهه یا شبهاتی که ممکن است انگیزه خروج او شوند و مراجعه به اندیشمندی که به حکم پاره ای منابع به رفع شبهه از این گونه افراد مکلف هستند و با کسب دلیل و برهان روشن و به دور از احساسات و وسوسه های زودگذر نسبت به رفع شبهه یا شبهات خود اقدام نماید.

بی تردید اصل آزادی عقیده اقتضا می کند فرد بتواند بدون بیم از هرگونه تعرض و تهدید بر مبنای عقیده منتخب خود، در حیطه حریم شخصی و آزادی فردی عمل نماید اما چنانچه کردار و عملکرد او در محدوده عقیده شخصی خود بهانه ای برای اضرار به عموم و تخریب و وهن ارزشهای اجتماع و اخلال در نظام و امنیت اجتماعی و اعتقادی جامعه باشد، تعقیب و مجازات مرتد نه به صرف تغییر عقیده بلکه به خاطر رفتار خطرناک و همراه با توطئه او به استناد مقرراتی که در ابتدا به هنگام پذیرش ارادی اسلام، از آن احکام مطلع بوده و خود را مقید و ملتزم به آن دانسته، امری منطقی و مورد تحسین هر نفس سلیم و عاری از تعصب و غرض است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن حسین (۱۴۱۰ ق)، من لایحضره الفقیه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳. ابن عاشور، محمد طاهر (بی تا)، تفسیر التحریر التنویر، تونس: دارالتونمیه.
۴. ابن فارس قزوینی، ابوالحسن احمد (۱۴۰۴ ق)، معجم مقاییس للمغیه، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرّم (۱۴۰۵ ق)، لسان العرب، قم: نشر ادب حوزه.
۶. ایازی، سید محمد علی (۱۳۹۵ ش)، آزادی در قرآن، تهران: موسسه نشر و تحقیقات ذکر، چ ۴.
۷. بازرگان، مهدی (بی تا)، دینداری آزادی، تهران: نشر عروج، چ ۱.
۸. پاشایی، محمد (۱۳۸۰ ش)، ارتداد، تهران: انتشارات لوح محفوظ.
۹. جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین (۱۳۷۰ ش)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة (شرح لمعه)، قم: مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، چ ۵.
۱۰. جعفری لنگرودی محمد جعفر (۱۳۷۸ ش)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، (تهران: گنج دانش).
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۹۹۰ م)، الصحاح تاج اللغه صحاح العربیه، بیروت: دارالعلم المالین، چ ۷۰.
۱۲. حسینی، سید ابراهیم (۱۳۸۲ ش)، ارتداد در آئینه فلسفه حقوق اسلامی، مجله معرفت ۷۰، ۴۷، ۵۸.
۱۳. حلّی (محقق حلّی)، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن (۱۳۸۹ ق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال الحرام مطبوعه الآداب، نجف اشرف: کلیه الفقه، چ ۴.
۱۴. حلّی (علامه حلّی)، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر (۱۴۱۰ ق)، ارشاد الاذهان مطبوعه العلم، قم: موسسه نشر الاسلامی).
۱۵. خامنه ای، سید علی (۱۳۷۷ ش)، آزادی از نظر اسلام غرب، مجله اندیشه حوزه ۲، ۴۱-۱۳.
۱۶. دوالیبی، محمد معروف (۱۹۶۵ م)، ندوات علمیه حول الشریعه الاسلامیه و حقوق الانسان فی الاسلام، لبنان: دارالکتب الجدید.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۲ ش)، المفردات فی غریب القرآن (تحقیق سید محمد گیلانی)، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چ ۲.
۱۸. سروش، عبدالکریم (۱۳۷۸ ش)، فقه در ترازو، مجله کیان، ۴۶، ۱۴، ۲۱.
۱۹. سروش، محمد (۱۳۶۸ ش)، آیا ارتداد کیفر "حد" دارد (تاملی بر ماهیت کیفر ارتداد)، فصلنامه

- حکومت اسلامی ، ۱ ، ۶۱-۱۵ ، سال ۶ .
۲۰. سعیدی ، فریده (۱۳۷۹ش)، ارتداد در فقه شیعه، نشریه مشکات النور ، ه ۱۱ ، ۶۲ ، ۶۷ .
۲۱. سیدمرتضی علم الهدی ، علی بن حسین(۱۴۱۳ق)، الانتصار (در سلسله الینابیع الفقهیه)، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
۲۲. شیرازی، سیدمحمد (۱۴۰۷ق)، الفقه کتاب الحدود و الدیات ، بیروت : دارالعلوم ، چ ۲ .
۲۳. صافی ، لطف الله (۱۴۰۴ق)، التعزیر، قم : مؤسسه نشر اسلامی.
۲۴. صالح ، صبحی (۱۴۱۵ق)، الاسلام و مستقبل الحضاره، بیروت : دارالفکر ، چ ۳ .
۲۵. صرامی ، سیف الله(۱۳۷۶ش)، احکام مرتد از دیدگاه اسلام حقوق بشر، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری ، چ ۱ .
۲۶. طوسی(شیخ طوسی)، محمدبن الحسن(۱۴۱۳ق)، المبسوط در لینابیع الفقهیه ، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
۲۷. عاملی(شهید اول)، محمدبن جمال الدین مکی (۱۴۱۴ق)، الدروس الشرعی فی فقه الامامیه، قم: جامعه مدرسین.
۲۸. عاملی(حر عاملی)، محمدبن حسن(۱۳۶۷ش) ، وسایل لشیعه الی تحصیل مسائل الشرعیه، تهران : کتابفروشی اسلامییه ، چ ۶ .
۲۹. عوده ، عبدالقادر(بی تا)، التشریح الجنایی الاسلامی ، قاهره : دار احیاء الکتب العربیه.
۳۰. فیض ، علیرضا (۱۳۷۰ش)، مبادی فقه و اصول ، تهران : دانشگاه تهران ، چ ۵ .
۳۱. فیض ، علیرضا (۱۳۶۸ش)، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام ، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۱ .
۳۲. فیض کاشانی، ملامحسن (بی تا)، مفاتیح الشرایع ، قم : مجمع الذخائر الاسلامیه.
۳۳. قربانی ، زین العابدین (۱۳۹۵ش)، اسلام و حقوق بشر، تهران: انتشارات سلار، چ ۵ .
۳۴. کدیور، محسن(۱۳۸۱ش)، آزادی عقیده مذهب در اسلام ، نشریه آفتاب، ۲۳ ، ۵۴-۶۳ .
۳۵. کریمی نیا، محمد مهدی(۱۳۸۰ش) ، ماهیت حقوقی و انسانی ارتداد ، مجله معرفت ، ۴۷ ، ۹۶-۱۰۸ .
۳۶. مرعشی، محمد حسن(۱۳۷۶ش)، دیدگاههای نو در حقوق کیفری اسلام ، تهران : نشر میزان، چ ۲ .
۳۷. مطهری، مرتضی(۱۳۶۱ش)، جهاد و موارد مشروعیت آن در قرآن، قم: انتشارات اسلامی.
۳۸. مظفری، محمدحسین(۱۳۷۶ش)، نابردباری مذهبی، تهران : مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر.
۳۹. معدنی، حسنعلی-امام، سیدمحمد رضا(زمستان ۱۳۸۵ش)، مقاله ارتداد و احکام آن با رویکردی به مبانی آزادی عقیده در اسلام، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی ، مقالات و بررسیها ، ۸۲ .

۴۰. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، مجمع الفائدة البرهان فی شرح ارشاد الاذهان ، قم : موسسه نشر اسلامی.
۴۱. موسوی خمینی(امام خمینی)، روح الله(بی تا)، تحریر الوسيله(ترجمه علی اسلامی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۲. موسوی گلپایگانی، سیدمحمد رضا(۱۴۱۲ق)، نتایج الافکار فی نجاسه الکفار، قم: دارالقرآن الکریم ، چ ۱.
۴۳. نجفی، محمدحسن(۱۳۶۳ش)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۲.
۴۴. ورعی، سیدجواد(۱۳۷۸ش)، ارتداد نگاهی دوباره(تقریری از مباحث آیت الله موسوی اردبیلی)، فصلنامه حکومت اسلامی، چ ۱۴، ۴، ۱۱۱-۷۴.
۴۵. ولایی ، عیسی (۱۳۸۳ش)، ارتداد در اسلام ، تهران : نشر نی ، چ ۲.
۴۶. هاشمی ، سیدحسین (۱۳۸۴ش)، ارتداد و آزادی ، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۱.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۰۶ - ۸۳

طراحی مدل ارتقاء بهره‌وری منابع انسانی با رویکرد اخلاق در شرایط اقتصاد مقاومتی

- ۱ ایمان حسامی تکلو
۲ سیروس تدبیری
۳ مریم مجیدی
۴ علیرضا افشارنژاد

چکیده

در شرایط اقتصاد مقاومتی، کسب سطوح عالی بهره‌وری یکی از مهم‌ترین راه‌های دستیابی به کار شایسته و رشد اقتصادی می‌باشد. بهره‌وری به عنوان هدف هشتم برنامه توسعه پایدار سازمان ملل متحد (SDGs) در چشم انداز پانزده ساله مطرح شده است و موضوعات اخلاقی جایگاه ویژه‌ای در این میان دارند. هدف از این پژوهش، طراحی مدل ارتقاء بهره‌وری منابع انسانی با رویکرد اخلاق حرفه‌ای در شرایط اقتصاد مقاومتی بود. از این رو در پژوهش حاضر، جامعه آماری، شامل خبرگان (مدیران و کارشناسان ارشد و با سابقه اداره کل راه و شهرسازی دارای بیش از ده سابقه خدمت در اداره کل راه و شهرسازی استان خراسان رضوی در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸ و اعضای هیأت علمی گروه مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد دارای مدرک کارشناسی ارشد دکتری تخصصی در حوزه مدیریت منابع انسانی و متخصص در حوزه منابع انسانی سازمان‌ها با حداقل ۵ سال سابقه همکاری یا مشاوره با این اداره کل می‌باشند که در موضوع پژوهش دارای دانش و تخصص و نظر کارشناسی بودند. همچنین نمونه آماری به روش نمونه‌گیری غیرتصادفی، هدفمند با روش گلوله برفی انتخاب شد. این پژوهش، بر اساس نوع هدف کاربردی و به لحاظ نوع روش، آمیخته و شیوه اکتشافی بود. به منظور جمع‌آوری داده‌های کیفی از ابزار مصاحبه و برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه از روش گراندد تئوری استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سه فرضیه برای ارتقاء بهره‌وری منابع انسانی اداره کل راه و شهرسازی استان خراسان رضوی در شرایط اقتصاد مقاومتی باید به اخلاق سازمانی، اخلاق فردی و اخلاق اسلامی توجه نمود.

واژگان کلیدی

اخلاق، اقتصاد مقاومتی، بهره‌وری، گراندد تئوری، منابع انسانی.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

Email: imanhesami@gmail.com

۲. استادیار گروه مدیریت دولتی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: st2115@yahoo.com

۳. استادیار گروه مدیریت دولتی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

Email: fa.ma1382@hotmail.com

۴. استادیار گروه مدیریت دولتی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

Email: a.r.afsharnejad@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۳/۱۷

طرح مسأله

واقعیت دنیای اقتصاد ما این است که تحرکات بازار، تغییرات دائمی در سلیقه‌های مشتریان، ساختار جدید تولید و کار و... منجر به بازنگری در مفهوم بهره‌وری می‌شود (جواهری، ۱۳۹۶). چالش‌های اساسی اقتصاد ایران نظیر: نرخ بالای تورم، نرخ بالای بیکاری به ویژه در گروه جوانان و زنان، پایین بودن بازده سرمایه‌گذاری، کمبود میزان سرمایه‌گذاری خارجی، پایین بودن درآمد صادراتی کشور به ویژه درآمدهای غیرنفتی نسبت به توان بالقوه کشور و پایین بودن رتبه‌ی ایران در حوزه‌ی شاخص رقابت‌پذیری از جمله دغدغه‌های اقتصاد کشور است که ارتقای بهره‌وری می‌تواند کمک‌کننده به رفع بسیاری از مشکلات مطرح شده باشد (برنامه جامع بهره‌وری کشور، ۱۳۹۴). این در حالی است که هشتمین هدف برنامه توسعه‌ی پایدار سازمان ملل متحد در چشم‌انداز ۲۰۳۰ نیز، کار شایسته و رشد اقتصادی است و یکی از مهم‌ترین راه‌های نیل به این هدف، دستیابی به سطوح عالی بهره‌وری معرفی شده است (برنامه توسعه سازمان ملل، ۲۰۱۶).

به دلایل ضعف مدیریتی و بهره‌گیری از الگوهای غیر انسانی برای حل مسائل انسانی، یکی از مشکلاتی که امروزه کارکنان با آن مواجه‌اند، مشکلات اخلاقی است. در سالهای اخیر در واکنش به این وضعیت سازمان‌ها استراتژی‌هایی چون تدوین ضوابط اخلاقی برای هدایت کارکنان در پیش گرفته‌اند. سازمان‌ها امیدوارند تا از این طریق سلامت اخلاقی سازمان را افزایش و فساد را کاهش دهند. علاوه بر ایجاد و ساخت رفتارهای اخلاقی، یکی دیگر از چالش‌های موجود در سازمان‌ها فراهم کردن جوی است که باعث تقویت رفتارهای مثبت در بین کارکنان گردد که فرد لوتانز از این رفتارهای مثبت به نام رفتار سازمانی مثبت یاد می‌کند که مرتبط با اصول اخلاقی موجود در سازمان‌ها است (شیروانی و سی سختی، ۱۳۹۱).

اخلاق به عنوان تنظیم‌کننده روابط انسان‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است؛ چرا که به عنوان نظامی درونی، بدون آنکه نیاز به اهرم‌های بیرونی داشته باشد، قادر است عملکردهای اخلاقی را در کارکنان تضمین نموده و نظام اخلاقی به وجود آورد. نقش اخلاق در عملکردها و رفتارها، تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌ها و نیز برخورداری‌ها و ارتباطات مهم و تعیین‌کننده است (الوانی، ۱۳۸۳).

مقاله حاضر در جستجوی مدل ارتقاء بهره‌وری منابع انسانی با رویکرد اخلاق حرفه‌ای در شرایط اقتصاد مقاومتی در اداره کل راه و شهرسازی استان خراسان رضوی می‌باشد. با توجه به بررسی پیشینه تحقیق تا کنون به لحاظ موضوعی، عنوان تحقیق حاضر مورد مطالعه قرار نگرفته است و از حیث اهمیت نیز در این سطح بررسی انجام نشده است. برخی از تحقیقات در خصوص بهره‌وری و اخلاق در ادامه آمده است. افروز نیا و توکلی (۱۳۹۸) بیان داشتند که علی‌رغم توجه

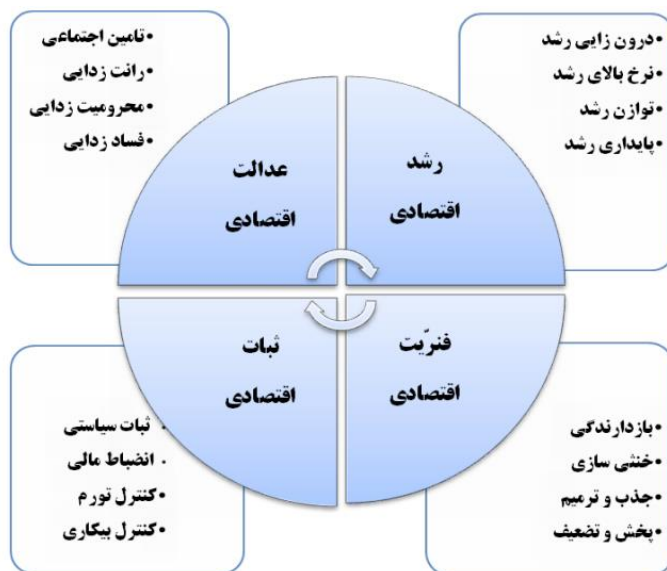
ویژه به مقوله بهره‌وری در سال‌های اخیر، سطح بهره‌وری در ایران مناسب نبوده و زمان آن رسیده است که با اجرای اقتصاد مقاومتی، سیاست‌های بهره‌وری خود را در عرصه عمل به منصفه ظهور بگذارند. در این میان، هر یک از محققان نظراتی را در باب لزوم بهره‌وری در این شرایط بیان داشته‌اند. در شرایط کنونی عوامل فردی از جمله اخلاق نقش مؤثری بر بهره‌وری نیروی انسانی را به ذهن متبادر می‌نماید. شمس، اوغر و قربانعلی (۱۳۹۵) بر بهره‌وری نیروی انسانی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی تأکید داشتند. در وضعیت فعلی کشور برخی محققان بهره‌وری را تابعی از عوامل فردی دانسته‌اند. صادقی و دهقان (۱۳۹۷)، جلالی فرهانی و همکاران (۱۳۹۶)، حسینی، کلاته سیفری و لطفی یامچی (۱۳۹۶)، حمیدی بیناباج (۱۳۹۶)، کیانی (۱۳۹۴)، برادران و ولیجانی (۱۳۹۴)، بدیع‌زاده و رضایی فر (۱۳۹۴)، ابیلی و همکاران (۱۳۹۳)، باقرزاده و علوی‌وفا (۱۳۹۳) همچنین محققان خارج از کشور نظیر آرول راجا^۱ (۲۰۱۷) و حافظ^۲ و همکاران (۲۰۱۴) بیان داشتند که عوامل فردی و سازمانی تأثیر شگرفی بر بهره‌وری سازمان دارند. تحقیقاتی در خصوص اخلاق در شرایط اقتصاد مقاومتی نیز انجام شده است. رضایی (۱۳۹۶) و (سهرابی؛ کشاورزافشار، ۱۳۹۵) رابطه اخلاق و بهره‌وری کارکنان را تأیید نموده است. ارجمندی نژاد و همکاران (۱۳۹۵) بر تأثیر ابعاد و مولفه‌های ارزش‌های اسلامی بر بهره‌وری منابع انسانی تأکید نمودند.

مبانی نظری تحقیق

شرایط اقتصاد مقاومتی

مؤلفه‌هایی که از بیانات مقام معظم رهبری استخراج شد، الگوی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران به صورت شکل (۱) پیشنهاد شده است:

1. Arulrajah
2. Hafez



شکل (۱): الگوی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران

این در حالی است که اقتصاد مقاومتی شرایط و الزاماتی دارد (بیانات ۱۳۹۱/۵/۳ ۹۱/۵/۸): استفاده از همه ظرفیت‌های دولتی و مردمی؛ مردمی کردن اقتصاد؛ تحول در شرایط اقتصاد از طریق اجرای سیاست‌های اصل ۴۴؛ توانمندسازی بخش خصوصی؛ کاهش وابستگی به نفت؛ جایگزینی درآمدهای نفتی با درآمدهای غیرنفتی؛ بنیانگذاری کارهای اقتصادی بر پایه دانش و تبدیل شدن اقتصاد دانش بنیان به وجه غالب اقتصاد کشور؛ حمایت از تولید ملی؛ فعال کردن واحدهای تولیدی کوچک و متوسط؛ تعادل در مصرف و مدیریت مصرف با جایگزینی و ترجیح تولیدات داخلی با کالاهای خارجی؛ مبارزه با مفاسد اقتصادی؛ مدیریت درست منابع ارزی؛ مدیریت مصرف و فرهنگ سازی برای جلوگیری از اسراف؛ استفاده حداکثری از زمان و منابع و امکانات؛ حرکت بر اساس برنامه و پرهیز از تصمیم‌های خلق الساعه و تغییر مقررات؛ صیانت از وحدت و همبستگی. بنابراین مؤلفه‌ها و محورهایی برای اقتصاد مقاومتی نظیر مفهوم اقتصاد مقاومتی حتی در شرایط فشار روند رو به رشد اقتصادی (و شکوفایی) در کشور محفوظ بماند؛ آسیب‌پذیری آن کاهش پیدا کند؛ و در مقابل ترفندهای دشمنان کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند؛ قابل استخراج است.

جایگاه بهره‌وری منابع انسانی در شرایط اقتصاد مقاومتی

ایجاد مقاومت اقتصادی در برابر فشار اقتصادی دشمن؛ تضمین رشد اقتصادی در شرایط جنگ اقتصادی؛ جلوگیری از بیکاری عوامل تولید و ایجاد شرایط اشتغال کامل؛ مانع از ایجاد اختلال در رفاه عمومی؛ حل مشکلات مردم؛ و دلگرمی مردم به نظام اسلامی از جمله عوامل

شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی است که نتایج مهمی خواهد داشت و در بیانات مقام معظم رهبری (۹۱/۵/۸ و ۹۱/۷/۱۸) به آنها تصریح شده است. ایشان ظرفیت‌های اخلاقی نظیر مردم‌خوب؛ منابع انسانی موجود و ملت جوان؛ محوریت تفکر دینی و جهت‌گیری دینی و اسلامی در حرکت کشور؛ و وجود مسئولان معتقد به مبانی اسلام و انقلاب را برای اقتصاد مقاومتی معرفی می‌فرمایند (بیانات ۹۱/۳/۲۴ و ۹۱/۴/۷).

با این نگاه، در بسیاری از سیاست‌های کلی نظام از جمله سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی»، «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی»، «اشتغال»، «علم و فناوری»، «سلامت» و «ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش» و یا در امور «تشویق سرمایه‌گذاری»، «اصلاح الگوی مصرف» و یا در بخش‌های امنیت اقتصادی، انرژی، منابع آب، بخش معدن، منابع طبیعی و حمل‌ونقل نیز که از جانب مقام معظم رهبری ابلاغ شده، مقوله بهره‌وری به طور مستقیم و غیرمستقیم مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در قالب ۲۴ بند و با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا ابلاغ گردید. در این میان، بیشترین تأکید بر مقوله بهره‌وری در بین سیاست‌های کلی ابلاغی تا کنون، در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بوده است. به طوری که در ۳ بند از این سیاست به طور مستقیم به این مقوله اشاره شده و در نیمی از بندها موضوع بهره‌وری و مؤلفه‌های اثرگذار بر آن مورد توجه قرار گرفته است. در جدول (۱)، مقوله بهره‌وری منابع انسانی در سیاست‌های کلی نظام و اقتصاد مقاومتی نشان داده شده است که اهمیت و جایگاه بهره‌وری سرمایه انسانی را در این سیاست‌ها تبیین می‌نماید.

جدول (۱): بهره‌وری منابع انسانی در سیاست‌های کلی نظام و اقتصاد مقاومتی

عنوان سیاست	عنوان مرتبط
سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (ابلاغی ۱۳۸۴/۳/۱)	توسعه سرمایه انسانی دانش پایه و متخصص
سیاست‌های کلی نظام اداری (ابلاغی ۱۳۸۹/۳/۱)	انعطاف‌پذیری و عدم تمرکز اداری با رویکرد افزایش اثربخشی، سرعت و کیفیت خدمات کشوری، توجه به اثربخشی و کارایی در فرایندها به منظور تسریع و تسهیل در ارائه خدمات کشوری، نهادینه‌سازی وجدان کاری، انضباط اجتماعی، خودکنترلی، امانت‌داری، صرفه‌جویی، ساده‌زیستی و حفظ بیت‌المال، کارآمدسازی و هماهنگی ساختارها و شیوه‌های نظارت و کنترل در نظام اداری و یکپارچه‌سازی اطلاعات،

<p>حمایت از نوآوری و اشاعه فرهنگ و بهبود مستمر به منظور پویایی نظام اداری</p>	
<p>بند سوم: ترویج فرهنگ بهره‌وری با ارائه و تشویق الگوهای موفق در این زمینه و با تأکید بر شاخص‌های کارآمدی، مسئولیت‌پذیری، انضباط و رضایت مندی</p> <p>بند دهم: افزایش بهره‌وری با تأکید بر استقرار نظام تسهیم منافع حاصل از بهره‌وری از طریق: حداکثرسازی ارزش افزوده و منافع ناشی از سرمایه‌های انسانی، اجتماعی و مادی با تأکید بر اقتصاد دانش پایه، استقرار سازوکارهای انگیزشی در نظام پرداخت‌ها در بخش عمومی و بنگاهی، استقرار بودجه ریزی عملیاتی و بهبود فرایند تخصیص منابع کشور بر اساس منافع اقتصادی و اجتماعی، اصلاح ساختارهای ارزیابی و ارزشیابی، اتخاذ رویکرد نتیجه‌گرا و اجرای حسابرسی عملکرد، اصلاح قوانین و مقررات، اولویت توانمندسازی نیروی کار در کلیه برنامه‌های حمایتی</p>	<p>سیاست‌های کلی اصلاح الگوی (ابلاغی ۱۳۸۹/۴/۱۵)</p>
<p>بند سیزدهم: رعایت تناسب بین افزایش دستمزدها و بهره‌وری نیروی کار</p>	<p>سیاست‌های کلی اشتغال (ابلاغی ۱۳۹۰/۴/۲۸)</p>
<p>توانمندسازی و ارتقای بهره‌وری نیروی کار با افزایش انگیزه، مهارت و خلاقیت و ایجاد تناسب بین مراکز آموزشی و پژوهشی با نیازهای بازار کار</p>	<p>سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی (ابلاغی ۱۳۹۱/۱۱/۲۴)</p>
<p>بند چهارم: سهم بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش، به ویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقای آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه - بند بیستم: تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه</p>	<p>سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (ابلاغی ۱۳۹۲/۱۱/۳۰)</p>
<p>توانمندسازی جمعیت در سن کار با فرهنگ‌سازی و اصلاح، تقویت و</p>	<p>سیاست‌های کلی</p>

جمعیت (ابلاغی) (۱۳۹۳/۲۰/۳۰)	سازگار کردن نظامات تربیتی و آموزش‌های عمومی، کارآفرینی، فنی - حرفه‌ای و تخصصی با نیازهای جامعه و استعدادها و علایق آنان در جهت ایجاد اشتغال مؤثر و مولد
سیاست‌های کلی علم و فناوری (ابلاغی) (۱۳۹۳/۶/۲۹)	بهینه‌سازی عملکرد و ساختار نظام آموزشی و تحقیقاتی کشور به منظور دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز و شکوفایی علمی با تأکید بر افزایش بودجه تحقیق و پژوهش به حداقل ۴ درصد تولید ناخالص داخلی تا پایان سال ۱۴۰۴ با تأکید بر مصرف بهینه منابع و ارتقای بهره‌وری
سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (ابلاغی) (۱۳۹۲/۱۱/۳۰)	بند ۳: محور قرار دادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استانها و به کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور. بند ۴: استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی. بند ۲۰: تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید و ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه.

همچنین بررسی‌ها نشان داد که از ۲۴ بند مندرج در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (ابلاغی) (۱۳۹۲/۱۱/۳۰) بندهای مرتبط با مؤلفه‌های اثرگذار بر بهره‌وری شامل بندهای ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴ می‌باشند که با بررسی میانی نظری بهره‌وری به نوعی با شاخص‌های بهره‌وری مطابقت دارند.

جایگاه اخلاق در بهره‌وری منابع انسانی

امروزه اخلاق کسب و کار با چالش‌های عملی و نظری متعددی رو به رو است و با پیشرفت جهانی شدن در آینده این چالش‌ها پیچیده‌تر خواهد شد. اخلاق کسب و کار به عنوان رشته علمی نیازمند شبکه‌سازی و جهانی‌شدن است در این صورت بهتر می‌تواند رهنمودهای اخلاقی را برای انجام کار عملی تجاری تدارک ببیند. هدف نهایی این رشته آن است که کیفیت اخلاقی تصمیم‌گیری‌ها و عملکردها را در همه سطوح کسب و کار بهبود بخشد (حمیدیان پور، زاهدی و کریم‌زاده، ۱۳۹۷). در تحقیق حاضر به صورت مبسوط به بررسی جایگاه اخلاق در بهره‌وری منابع انسانی پرداخته می‌شود.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کیفی و با استفاده از نظریه داده بنیاد انجام شده است. مراحل اجرای نظریه داده بنیاد بدین شرح می‌باشد:

(۱) شروع تحقیق با ارائه سؤال پژوهش؛

(۲) گردآوری داده‌ها همراه با تحلیل تا جایی که به مرحله اشباع رسیده شود.

(۳) تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع آوری شده در دو مرحله: کدگذاری داده‌ها (یافتن مفاهیم شامل: کدگذاری آزاد/ کدگذاری محوری/ کدگذاری انتخابی و ارائه فرضیه).

با این توصیف، در روش گراند تئوری^۱، مصاحبه یکی از مناسب‌ترین ابزارهای جمع آوری داده و اطلاعات موردنیاز به شمار می‌آید. اساس کار جمع آوری داده‌ها، با روش نمونه‌گیری غیر احتمالی و انجام مصاحبه به شیوه قضاوتی با جمعی از خبرگان و مدیران آگاه به موضوع پژوهش و منابع انسانی انجام شد. محقق نسبت به مطالعه و کدگذاری تمامی بندها اقدام نمود. چنانچه ابتدا از ۲۴ بند مندرج در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (ابلاغی ۱۳۹۲/۱۱/۳۰) بندهای مرتبط با مؤلفه‌های اثرگذار بر بهره‌وری شناسایی شدند. همانطور که پیش از این بیان شد، این موارد شامل بندهای ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴ بودند که با بررسی مبانی نظری بهره‌وری به نوعی با شاخص‌های بهره‌وری مطابقت داشتند.

پس از تأیید مؤلفه‌های اثرگذار بر بهره‌وری در شرایط اقتصاد مقاومتی توسط مصاحبه شونده‌گان، تمامی مصاحبه‌های اولیه به صورت کاملاً باز و ساختار نیافته صورت پذیرفت و به مرور با توجه به پاسخ‌های داده شده به سؤالات و کدگذاری مصاحبه‌های اولیه و یافتن نشانه‌های بهتر برای سؤالات بعدی، شکل سؤالات اصلی تحقیق نیمه ساختار شد. تمامی اعضای نمونه به ۲ سؤال کلی و تعدادی سؤال فرعی به فراخور مصاحبه پاسخ دادند. سؤالات اساسی در پژوهش حاضر را: (۱) مقاومت اقتصادی شامل چه مولفه‌هایی است که می‌تواند بر بهره‌وری منابع انسانی در این اداره کل، تأثیر داشته باشد؟ و (۲) کدام عوامل درون سازمانی و برون سازمانی بر ارتقای بهره‌وری منابع انسانی با رویکرد اخلاق حرفه‌ای مؤثر است و مقاومت اقتصادی چگونه بر این عوامل تأثیر می‌گذارد؟ شامل شده است. معیار قضاوت در مورد زمان متوقف کردن نمونه‌برداری نظری «کفایت نظری» مقوله‌ها یا نظریه است. بدین ترتیب از میان ۳۸ نفر خبره، پس از انجام ۱۵ مصاحبه، محقق به مرحله اشباع رسید. به منظور اعتبار بخشی به نتایج، محقق در مرحله کدگذاری باز به شیوه مقایسه‌ای به تطابق میان همگونی اطلاعات و مقوله‌های به دست آمده پرداخت. همچنین در جریان کدگذاری محوری، در مورد مقوله‌ها سؤال طراحی شده و در رابطه

با داده‌ها، به بررسی شواهد و وقایع پرداخته شد. در مرحله کدگذاری انتخابی نیز هر کدام از طبقه‌های به دست آمده، بر اساس مستندات علمی و پیشینه پژوهش، اعتبارسنجی گردیدند. نتایج حاصل از این پژوهش پس از اجماع به صورت سه فرضیه و در قالب یک چارچوب مفهومی جمع‌بندی گردید.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

یافته‌های آمار توصیفی تحقیق مبنی بر این است که مشخصات جمعیت‌شناختی پاسخگویان به این پژوهش عبارتند از: جنسیت ۷۲ درصد پاسخگویان را مردان و ۲۸ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. سن افراد پاسخگو حدود ۳۹/۵ سال با انحراف معیار ۷/۴ می‌باشد. ۸۰ درصد از نمونه انتخابی را افراد با تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر تشکیل داده‌اند و بیش از ۹۰ درصد مدیران و کارشناسان پاسخگو، دارای تحصیلات دانشگاهی بودند که می‌تواند یکی از معیارهای مثبت در رابطه با موضوع مورد مطالعه باشد. حدود نیمی (۵۴ درصد) از پاسخگویان، دانش‌آموختگان رشته‌های عمران و معماری و ۳۴ درصد را رشته‌های مدیریتی، ۱۲ درصد را سایر رشته‌ها به خود اختصاص دادند. سنوات تجربه اجرایی همکاری با سازمان برای پاسخگویانی که بین ۵ تا ۱۰ سال سابقه دارند، با ۴۲ درصد بیشترین فراوانی را دارد و پس از این گروه، ۳۴ درصد دارای ۱۰ تا ۱۵ سال سابقه‌ی کار هستند. نمونه مورد مطالعه دارای سابقه‌ی کار یا تجربه‌ی همکاری نسبتاً بالایی هستند و این موضوع می‌تواند امر مثبتی در منعکس نمودن واقعیات و وضع موجود سازمان برای شناخت بهتر وضعیت بهره‌وری تلقی شود.

یافته‌های آمار استنباطی تحقیق مبنی بر این است که: به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها و در نهایت، شناسایی مدل از روش داده بنیاد استفاده گردید. به عبارتی پس از انجام مصاحبه با خبرگان و با بررسی عمیق اسناد و مدارک کتابخانه‌ای و مبانی نظری، نتایج در قالب سه موضوع فردی، سازمانی و دینی در پاسخگویی به سؤالات اساسی، شناسایی و سازماندهی گردید. این عوامل به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بر افزایش بهره‌وری منابع انسانی در اداره کل تأثیر داشتند. بنابراین محقق توانست با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، سؤالات زیر را مورد پرسش قرار دهد. همچنین در مصاحبه توضیح داده شد که منظور از هر کدام از ابعاد چه می‌باشد.

● عوامل فردی مؤثر بر بهره‌وری منابع انسانی با رویکرد اخلاق حرفه‌ای در شرایط اقتصاد مقاومتی چیست؟

● عوامل سازمانی مؤثر بر بهره‌وری منابع انسانی با رویکرد اخلاق حرفه‌ای در شرایط اقتصاد مقاومتی چیست؟

● مؤلفه‌های اسلامی مؤثر بر بهره‌وری منابع انسانی با رویکرد اخلاق حرفه‌ای در شرایط اقتصاد مقاومتی چیست؟

سپس تصمیم مناسب برای انتخاب مصاحبه شونده بعدی اتخاذ و شاخص‌های کلیدی جهت کدگذاری و تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شد. این مرحله تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. در نهایت، تمامی مصاحبه‌ها جمع‌آوری و مکتوب گردید.

تعداد کدهای اولیه تولید شده ۵۳۵ عدد مشخص شد و در قالب جداول جداگانه تنظیم و سپس بر اساس قاعده کدگذاری ثانویه عمل گردید.

با توجه به تعداد زیاد کدهای تولید شده، به منظور خلاصه‌سازی آنها، کدهای اولیه به کدهای ثانویه تبدیل شدند که اساس و پایه این اقدام در قرابت مفهوم و معنای کدهای اولیه به یکدیگر بوده است. در نهایت در قسمت کدگذاری ثانویه، معادل ۸۳ کد، جمع‌بندی شد. سپس محقق تلاش نمود تا کدهای ثانویه در قالب مفاهیم جمع‌بندی شوند و تعداد کدهای مفهومی ۲۰ عدد حاصل شد. در نهایت تعداد مقولات معادل ۱۰ عدد حاصل گردید. در جدول (۴) چگونگی تبدیل کدهای ثانویه به مفاهیم و مقولات ارائه گردیده است.

جدول (۴): چگونگی تبدیل کدهای ثانویه به مفاهیم و مقولات

مقوله	مفهوم	کد ثانویه	فراوانی
ایمان قلبی و ایمان عقلی به عمل صالح	توجه به حسن خلق	فروتنی و مهربانی	۶
		نرم خویی	۸
		صداقت	۹
		شجاعت	۴
		قاطعیت	۴
		صبر و بردباری	۸
		نداشتن حرص و طمع	۱۰
	حسن رفتار	اخلاص در عمل	۸
		دوری از عجب و خودپسندی	۳
		منش کار	۳
		اعتدال و میانه روی	۴
		عدالت و دادورزی	۵
		تلاش	۹
		آزاد اندیشی	۸

مقوله	مفهوم	کد ثانویه	فراوانی
		خیرخواهی و رعایت حق دیگران	۱۱
مسئولیت پذیری	وجود وجدان کار	وفای به عهد	۷
		رازداری	۵
		تقبل انجام کار به عنوان وظیفه	۸
	پاسخگویی	برخورداری از اعتماد به نفس	۷
		برخورداری از عزت نفس	۸
		شهامت در رأی	۱۰
وجود تخصص و تجربه	وجود دانش و تخصص	تعقل و تدبر	۶
		تحصیلات مناسب	۵
		آموزش‌های ضمن کار	۶
	وجود خبرگی در کار	توانمندسازی کارکنان	۸
		آموزش و الگو سازی	۵
پایبندی به اصل اخلاقی ارجحیت نفع عمومی بر نفع شخصی	وجود تعهد سازمانی	احساس مسؤلیت در قبال خسارت‌های وارده به سازمان	۹
		خشنودی از پیشرفت سازمان	۶
		وفاداری به سازمان	۷
		نگرش مثبت به سازمان و کار	۱۰
	وجود فرهنگ تیمی و مشارکتی	مشورت کردن در امور مورد نیاز	۸
		توجه به روحیه کار گروهی و ترغیب بر کار جمعی	۸
وجود نظم و انضباط شغلی	وجود مدیریت زمان	کاهش ساعات جلسات	۷
		افزایش زمان بهره‌وری کار در ساعات حضور در سازمان	۹
	وجود مدیریت کار	تقسیم کار	۵
		پرهیز از دوباره کاری	۴
		قاطع و جدی بودن در حین انجام وظایف	۵
		میان‌ه روی در انجام کار	۳

مقوله	مفهوم	کد ثانویه	فراوانی	
		کاهش هزینه‌ها	۵	
توجه به شرایط مناسب جهت رشد و ارتقاء شغلی	وجود رضایت شغلی	توجه به کیفیت محیط کار	۵	
		ارتباط صمیمانه کارکنان با یکدیگر	۸	
		فراهم بودن زمینه‌های مشارکت در تصمیم‌گیری	۹	
		توجه به تناسب بین مهارت‌ها و علایق فردی	۳	
	ایجاد شفافیت سازمانی	آزادی بیان (استقلال رأی)	۵	
		پاسخگویی به انتسابات سازمانی	۵	
		شفاف‌سازی تشویقات سازمانی	۶	
		توجه به محیط آماده برای بروز خلاقیت و نوآوری	۴	
	حفظ کرامت کارکنان و ارباب رجوع	توجه به تکریم ارباب رجوع	رضایتمندی ارباب رجوع	۶
			پاسخگویی به ارباب رجوع	۸
توجه به تکریم کارکنان		عدالت در انتسابات و پرداخت‌ها	۱۰	
		بکارگیری حق تشویق و تنبیه طبق فرمایشات اسلام	۶	
		تعیین و شفاف‌سازی شرح وظایف کارکنان	۸	
		پیشرفت بر اساس شایستگی فردی	۸	
		توجه به مسائل شخصی و خانوادگی کارکنان	۳	
		اجرای منظم برنامه‌های سلامت در سازمان	۲	
		حفظ افراد با تجربه سازمان	۴	
		امکان اظهار نظر بدون ترسی و نگرانی از مافوق	۵	
وجود تعهد اخلاقی	آینده‌نگری	محدود و تجدید ناپذیر بودن منابع	۳	

مقوله	مفهوم	کد ثانویه	فراوانی	
و دینی		طبیعی و مواد اولیه تولید		
		نامحدود بودن نیازها و خواسته های بشر	۳	
		استفاده درست از امکانات	۸	
		کاهش معضل بیکاری	۶	
	عاقبت اندیشی	آموخته‌های دینی پیرامون معاد	۵	
		سقوط معنوی و عقوبت سنگین استثمارگران در دادگاه عدل الهی	۷	
		آموخته‌های دینی نظیر تواضع، حلم و بردباری، سخاوت، امانت داری، درستکاری، گره گشایی از کار دیگران، نیکوکاری و بخشش و گذشت	۵	
		عاقبت و فرجام نیکی برای خود و جامعه	۶	
		حرکت در جهت جامعه ای پیراسته از ستم و استثمار	خودسازی درونی با نیروی ایمان در جهت بهبود وضعیت کشور	۴
			توجه به انگیزه خدمت رسانی به جامعه	۱۱
نفی استثمار و استثمارپذیری	توجه به اولویت‌های اقتصادی مورد نیاز جامعه	درک شرایط و تصمیم گیری اقتضایی	۵	
		انجام فعالیت های ضروری برای تولید کالاها و خدمات مورد نیاز افراد جامعه با توجه به تجارب داخل و خارج از سازمان	۳	
		تلاش در جهت استقلال مالی و رونق و رشد اقتصادی	۳	
		تلاش در جهت حمایت از تولید ملی	۵	
اعتماد آفرینی	توجه به عدم تبعیض و رعایت	رعایت عدالت اجتماعی	۶	
		ضوابط و مقررات شفاف	۱۱	

مقوله	مفهوم	کد ثانویه	فراوانی
	عدالت	پایبندی به ضوابط به جای روابط	۱۴
		رسیدگی به شکایات	۶
		نکوهش رانت خواری	۹
		مبارزه با انواع فساد	۱۳
		عمل به امر به معروف و نهی از منکر	۶
	توجه به ارتقاء روحیه خودکنترلی و خودارزیابی	عدالت در ارزیابی و ارتقاء	۹
		ارائه بازخورد عملکرد	۹
		خودکنترلی و خودارزیابی	۵
		احترام به قوانین	۴
		رعایت احترام اجتماعی	۳

کدگذاری محوری، مرحله دوم تجزیه و تحلیل بوده است که با هدف برقراری ارتباط میان طبقه‌های تولید شده (در مرحله کدگذاری باز) است. ارتباط سایر طبقه‌ها با طبقه محوری در پنج عنوان می‌تواند تحقق داشته باشد که عبارتند از شرایط علی، پدیده محوری، راهبردها و کنش‌ها، بستر حاکم و پیامدها (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸). بعد از تعیین مقوله‌ها، در مرحله بعد طبقات اصلی نظریه تعیین می‌شوند که در تحقیق حاضر، تعداد ۳ طبقه از ۱۰ مقوله حاصل گردید و در جدول (۵) ارائه شده است.

جدول (۵): ارتباط مقولات و طبقات

طبقات	مقولات	ردیف
اخلاق فردی	ایمان قلبی و ایمان عقلی به عمل صالح	۱
	مسئولیت پذیری	۲
اخلاق سازمانی	وجود تخصص و تجربه	۳
	پایبندی به اصل اخلاقی ارجحیت نفع عمومی بر نفع شخصی	۴
	وجود نظم و انضباط شغلی	۵
	توجه به شرایط مناسب جهت رشد و ارتقاء شغلی	۶
	حفظ کرامت کارکنان و ارباب رجوع	۷
اخلاق اسلامی	وجود تعهد اخلاقی و دینی	۸
	نفی استثمار و استثمار پذیری	۹
	اعتماد آفرینی	۱۰

یافته‌ها

از آنجا که در طراحی مدل بایستی در ابتدا مؤلفه‌ها تعیین و سپس رابطه میان آنها تبیین گردد و پس از آن منطق انتخاب این مؤلفه‌ها و ارتباط بین آنها تشریح شود، پس از تعیین تجزیه و تحلیل یافته‌ها بر اساس داده‌های به دست آمده از خبرگان، مؤلفه‌های ارتقاء بهره‌وری منابع انسانی با رویکرد اخلاق حرفه‌ای در شرایط اقتصاد مقاومتی مورد نظر قرار گرفت و فرضیات آن استخراج گردید.

ارائه فرضیه

فرضیه اول: ایمان قلبی و ایمان عقلی به عمل صالح و مسئولیت پذیری زمینه ساز رشد اخلاق فردی است که باعث افزایش رضایت شغلی و بهبود عملکرد کارکنان می‌شود و بهره‌وری کارکنان را در شرایط اقتصاد مقاومتی افزایش می‌دهد.

فرضیه دوم: ایجاد زمینه لازم در جهت رشد تخصص و تجربه، پایبندی به اصل اخلاقی ارجحیت نفع عمومی بر نفع شخصی، وجود نظم و انضباط شغلی، حفظ کرامت کارکنان و ارباب رجوع و توجه به شرایط مناسب جهت رشد و ارتقاء شغلی سبب بهبود اخلاق سازمانی شده و بهره‌وری کارکنان را در شرایط اقتصاد مقاومتی افزایش می‌دهد.

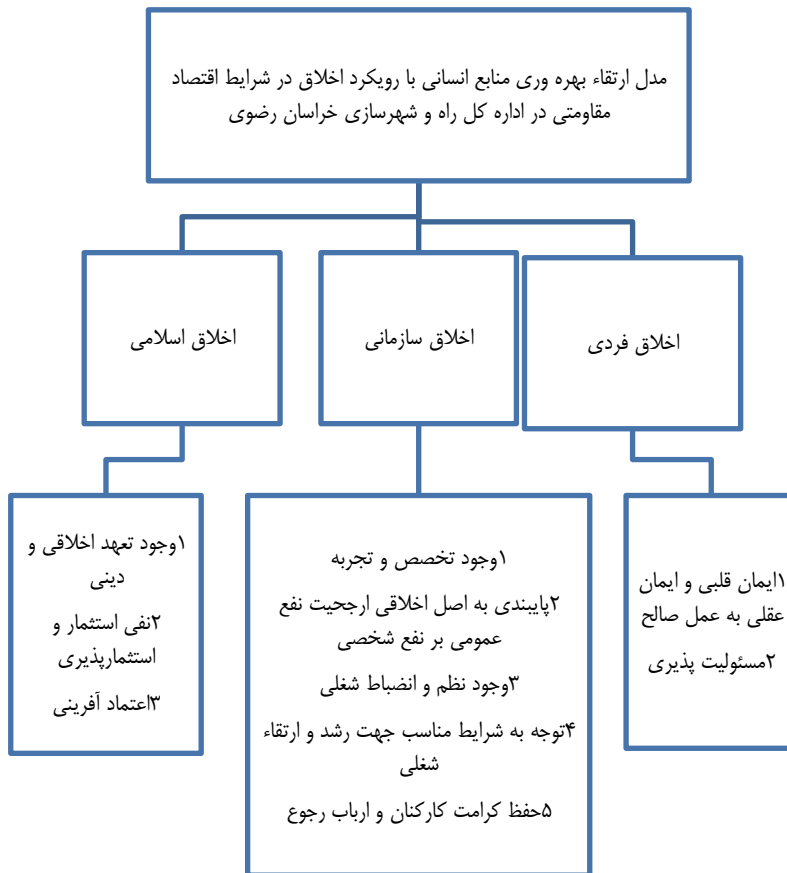
فرضیه سوم: رشد تعهد اخلاقی و دینی، نفی استثمار و استثمار پذیری، و اعتماد آفرینی

سبب بهبود اخلاق اسلامی شده که در این صورت محیط و جو بهبود عملکرد در سازمان گسترش یافته و در نتیجه بهره‌وری کارکنان را در شرایط اقتصاد مقاومتی افزایش می‌یابد. برای بررسی این سه فرضیه، مدل جامع ارتقاء بهره‌وری منابع انسانی اداره کل راه و شهرسازی استان خراسان رضوی شامل ۳ طبقه، ۱۰ مقوله، ۲۰ مفهوم، ۸۳ کد ثانویه و ۵۳۵ کد اولیه حاصل گردید. شناسه این تحقیق در جدول (۶) آمده است.

جدول (۶): شناسه تحقیق

عنوان طبقه	اخلاق فردی	اخلاق سازمانی	اخلاق اسلامی	مجموع
تعداد کدها در مرحله اولیه کدگذاری	۱۴۵	۲۶۴	۱۲۶	۵۳۵
تعداد کدها در مرحله ثانویه کدگذاری	۲۱	۴۴	۱۸	۸۳
تعداد مفاهیم	۴	۱۲	۴	۲۰
تعداد مقوله‌ها	۲	۶	۲	۱۰

محقق با استفاده از کدها و مفاهیم شناسایی شده در دو مرحله پیشین به استحکام بیشتر فرایند کدگذاری پرداخته و با تأکید بر بخش‌هایی که در تدوین نظریه می‌توانند نقش مهم تری ایفا کنند به تسهیل مراحل بعدی کمک می‌کند (منصوریان، ۱۳۸۵). بنابراین می‌توان گفت که در پژوهش حاضر، عامل اخلاق سازمانی در اولویت اول، عوامل اخلاق فردی و عوامل اخلاق اسلامی در اولویت‌های دوم قرار دارند که به عنوان عوامل مؤثر بر بهره‌وری منابع انسانی در شرایط اقتصاد مقاومتی تأثیرگذارند.



شکل (۲): مدل مفهومی

پس از ارائه مدل مفهومی که محققین در آن طبقات را در مجموعه‌های متفاوتی از شرایط ارتقاء بهره‌وری منابع انسانی با رویکرد اخلاق در شرایط اقتصاد مقاومتی در اداره کل راه و شهرسازی استان خراسان رضوی قرار دادند. بر اساس رابطه بین هر کدام از طبقات در هر یک از مجموعه از شرایط، فرضیه‌ای ارائه گردیده است. فرضیات ارائه شده به شرح زیر می‌باشند.

- (P1): اخلاق فردی بر ارتقاء بهره‌وری منابع انسانی اداره کل راه و شهرسازی استان خراسان رضوی در شرایط اقتصاد مقاومتی نقش دارد.
- (P2): اخلاق سازمانی بر ارتقاء بهره‌وری منابع انسانی اداره کل راه و شهرسازی استان خراسان رضوی در شرایط اقتصاد مقاومتی نقش دارد.
- (P3): اخلاق اسلامی بر ارتقاء بهره‌وری منابع انسانی اداره کل راه و شهرسازی استان خراسان رضوی در شرایط اقتصاد مقاومتی نقش دارد.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف طراحی مدل ارتقاء بهره‌وری منابع انسانی با رویکرد اخلاق حرفه‌ای در شرایط اقتصاد مقاومتی انجام شد و نتایج تحقیق نشان داد که اخلاق فردی، اخلاق سازمانی و اخلاق اسلامی بر ارتقاء بهره‌وری منابع انسانی در اداره کل راه و شهرسازی استان خراسان رضوی در چنین شرایطی تأثیرگذار است. این سه دسته از اخلاق، تأثیر ژرفی بر اقدامات و نتایج سازمانی دارد و بهره‌وری را در شرایط اقتصاد مقاومتی افزایش می‌دهد. همچنین بهبود ارتباطات، کاهش درجه ریسک و بهبود عملکرد و تسهیل فرایندهای جاری در سازمان از جمله نتایج مهم بکارگیری اخلاق در بهره‌وری منابع انسانی می‌باشد. بنابراین، از آنجایی که سازمان‌ها با توجه به شرایط فعلی کشور به دنبال روش‌های نوین بهره‌وری فردی و سازمانی می‌باشند و به این امر آگاهند که در شرایط اقتصاد مقاومتی، بهره‌وری یک فرایند انسان‌محور است. این دیدگاه سبب می‌شود که اداره کل راه و شهرسازی استان خراسان رضوی انعطاف‌پذیری لازم را برای واکنش مؤثر به محیط پیرامون خود، تقویت نماید و زیرساخت‌های اخلاق بهره‌وری را در آن‌ها ایجاد نموده و توسعه دهد. زیرا دارا بودن مدیران و کارکنان اخلاق محور به عنوان یک مزیت رقابتی در شرایط اقتصاد مقاومتی به شمار می‌آیند. این افراد با اخلاق صحیح شغلی خود سبب افزایش اعتماد و وجدان اخلاقی در سازمان می‌شوند که بالطبع در صورت تلقی آن به عنوان یک ارزش و فرهنگ در سازمان نقش مؤثری در بهبود بهره‌وری سازمان ایفا می‌نماید. همچنین نیروی انسانی به عنوان مهم‌ترین منبع راهبردی کشور و شناسایی عوامل مؤثر بر بهره‌وری کارکنان به عنوان یکی از راهبردهای توسعه پایدار به شمار می‌رود. در برنامه‌ریزی نیروی انسانی نیز افزایش بهره‌وری سرمایه انسانی گام بزرگی به سوی اهداف جهاد اقتصادی است و در مسیر تعالی نقش مؤثری دارد. اهمیت این موضوع در سال‌های اخیر مقام معظم رهبری با نام‌گذاری سال‌ها به اهمیت بکارگیری رویکردهای اخلاقی منابع انسانی در جهت تحقق اقتصاد اشاره داشته‌اند.

طی روند تحقیق ملاحظه گردید که برخی از مؤلفه‌های اخلاقی به عنوان دغدغه مشترک اکثر مصاحبه‌شوندگان برای بهره‌وری منابع انسانی مطرح می‌شوند. مهم‌ترین این موارد شامل « پایبندی به ضوابط به جای روابط، مبارزه با انواع فساد، ضوابط و مقررات شفاف، نداشتن حرص و طمع، توجه به انگیزه خدمت رسانی به جامعه، خیرخواهی و رعایت حق دیگران، عدالت در انتسابات و پرداخت‌ها، نگرش مثبت به سازمان و کار و در نهایت شهامت در رأی» می‌شوند. با این رویکرد، سازمان برای رفع و جبران کاستی‌ها و ارتقای بهره‌وری منابع انسانی خود نیازمند توجه به سنجش اخلاق کارکنان است و در این راستا فرضیاتی استخراج گردیده است. نتایج تحقیق همراستا با نتایج سایر محققان در پیشینه تحقیق می‌باشد و حاصل تأیید فرضیاتی است که نشان می‌دهند: (۱) برای ارتقاء بهره‌وری منابع انسانی اداره کل راه و شهرسازی استان خراسان رضوی در شرایط اقتصاد مقاومتی باید به اخلاق سازمانی توجه نمود و در این میان

مؤلفه‌های وجود تخصص و تجربه، پایبندی به اصل اخلاقی ارجحیت نفع عمومی بر نفع شخصی، وجود نظم و انضباط شغلی، توجه به شرایط مناسب جهت رشد و ارتقاء شغلی، حفظ کرامت کارکنان و ارباب رجوع موجب بهبود اخلاق سازمانی می‌شوند. (۲) برای ارتقاء بهره‌وری منابع انسانی اداره کل راه و شهرسازی استان خراسان رضوی در شرایط اقتصاد مقاومتی باید به اخلاق فردی توجه نمود و در این میان مؤلفه‌های ایمان قلبی و ایمان عقلی به عمل صالح و مسئولیت‌پذیری موجب بهبود اخلاق فردی می‌شوند. (۳) برای ارتقاء بهره‌وری منابع انسانی اداره کل راه و شهرسازی استان خراسان رضوی در شرایط اقتصاد مقاومتی باید به اخلاق اسلامی توجه نمود و در این میان مؤلفه‌های وجود تعهد اخلاقی و دینی، نفی استثمار و استثمارپذیری و اعتماد آفرینی موجب بهبود اخلاق اسلامی می‌شوند. انقلاب اسلامی به اقتصاد مقاومتی و به نهادسازی‌های مقاومتی در اقتصاد نیاز دارد که در عمل از عهده نهادهای رسمی اقتصادی بر نمی‌آید و همانطور که کشورهای توسعه‌یافته نیز در دوره‌هایی از تاریخ اقتصادی خود مجبور به مقاوم‌سازی ساختارهای اقتصادی شدند، اداره کل راه و شهرسازی استان خراسان رضوی نیز در پی مقاوم‌سازی، آسیب‌زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای اقتصادی خود برآمده و در این خصوص به مؤلفه‌های مؤثر بر بهره‌وری منابع انسانی خود توجه ویژه‌ای مبذول نماید. بدین منظور می‌تواند از نوآوری و تحقیق و توسعه و همچنین کارآفرینی داخلی بهره‌گیرد. در این زمینه باید برنامه ریزی جامع و مدونی انجام شود تا هم زمینه تحقیق و توسعه فراهم شود و فرآیند تخصیص بودجه برای این کار اصلاح و تسهیل شده و زمینه‌های کارکردی آن نیز مورد توجه قرار گیرد و هم تدابیری اندیشیده شود که متخصصان و استعدادهای برتر در داخل کشور جذب شوند و امکاناتی در اختیارشان قرار گیرد تا رغبت این افراد برای فعالیت در داخل سازمان افزایش یابد.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که تعدادی از محدودیت‌های تحقیق ممکن است قابل کنترل و توسط محقق جهت حذف یا کاهش اثر آنها تدابیری اندیشیده شود و تعدادی دیگر نیز می‌تواند غیر قابل کنترل باشد (قلمکاری، ۱۳۹۳). در این میان مهم‌ترین محدودیتی که محقق در مقاله حاضر با آن مواجه شد را می‌توان اینگونه بیان داشت که: در هنگام پاسخگویی، مصاحبه‌شوندگان علی‌رغم داشتن اطمینان به محرمانه بودن پاسخ‌ها، با توجه به حساسیت موضوع اقتصاد مقاومتی زمانی که تصور می‌کردند پاسخ واقعی با شرایط فعلی جامعه همخوانی ندارد، با شیوه محافظه‌کارانه‌ای پاسخ داده و سعی نمودند پاسخ‌هایشان را به گونه‌ای بیان دارند که با تفکرات اکثریت جامعه همخوانی داشته باشد. با در نظر داشتن این موضوع و نوع روش تحقیق بکار رفته در پژوهش حاضر، از این لحاظ ممکن است نتایج مورد تردید قرار گیرد. بنابراین تعمیم نتایج به سایر ادارات بهتر است با احتیاط انجام گیرد. در این راستا به محققان آتی پیشنهاد می‌شود که جهت بررسی موضوع تحقیق حاضر با روش دلفی اقدام نمایند.

فهرست منابع

- ۱- ایبلی، خدایار. حیات، علی اصغر. یوزباشی، علیرضا. (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر بهره‌وری منابع انسانی دانشگاه شرکت ملی نفت ایران. *مدیریت منابع انسانی در صنعت نفت*، ۱۹(۵): ۱۶۰-۱۳۱.
- ۲- ارجمندی نژاد، آفاق. (۱۳۹۵). طراحی و تدوین الگوی بهره‌وری منابع انسانی در بستر اسلامی (مورد مطالعه: سازمان شهرداری مشهد). پایان‌نامه دکترای تخصصی (PhD)، زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده مدیریت و حسابداری.
- ۳- افروزنیا، علی؛ توکلی، عبدالله. (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی بهره‌وری نیروی کار در ایران. *فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی*، ۸(۴): ۱۲۶-۱۰۵.
- ۴- الوانی، سید مهدی. (۱۳۸۳). اخلاقیات و مدیریت به سوی نظام اخلاقیات یکپارچه در سازمان. *مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)*، ۱۱(۴۱.۴۲): ۱۲-۱.
- ۵- آجیلی، هادی. (۱۳۹۲). اقتصاد مقاومتی در نظام اقتصاد سیاسی جهانی، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، ۹(۲۴): ۸۷-۱۰۵.
- ۶- آقائی، رضا؛ آقائی، میلاد؛ آقائی، اصغر. (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر بهره‌وری منابع انسانی با استفاده از مدل BSC. *پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی*، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، ۷(۴): ۴۸-۲۷.
- ۷- باقرزاده، حسن. علوی‌وفا، سعید. (۱۳۹۳). طراحی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر ارتقای بهره‌وری سرمایه‌های انسانی رسانه ملی. *رسانه*، ۱(۱۲۵): (پیاپی ۹۴)، ۶۰-۴۱.
- ۸- باقری، حسین؛ باقری، عبدالرضا (۱۳۹۲). *راهکارهای پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی (با تاکید بر بعد اقتصادی)*. کنفرانس بین‌المللی اقتصاد در شرایط تحریم، شرکت تحقیقی طرود شمال، بابلسر.
- ۹- بدیع‌زاده، علی؛ رضایی‌فر، غلامرضا. (۱۳۹۴). مدل ساختارعلیت منابع انسانی، رضایت شغلی، رفتار شهروندی و تعهد سازمانی در صنعت آب و فاضلاب. *مدیریت توسعه و تحول*، ۱۳۹۴(۲۰): ۷۳-۶۷.
- ۱۰- برادران، وحید. ولیجانی، مریم. (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء بهره‌وری نیروی انسانی در سازمان امور مالیاتی کشور (مطالعه موردی اداره کل امور مالیاتی شرق تهران). *پژوهشنامه مالیات*، ۲۹ (پیاپی ۷۷): ۱۸۴-۱۶۵.
- ۱۱- برنامه جامع بهره‌وری کشور، «مصوب ۹۴/۵/۲۵ هیات وزیران». (۱۳۹۴). *ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه*، ۱۸۳، مردادماه: ۴-۱۸.

- ۱۲- جعفری، امیر؛ معمارزاده طهران، غلامرضا. (۱۳۹۶). شناسایی مولفه‌های موثر بر بهره‌وری کارکنان در یک سازمان بهداشت و درمان نظامی. *مجله طب نظامی*، ۱۹(۳): ۲۳۴-۲۳۴.
- ۱۳- جلالی‌فرهانی، مجید. فریدونی، مسعود. ظفری، رویا. (۱۳۹۶). ارائه مدل تبیین تاثیر فرهنگ سازمانی بر یادگیری سازمانی و بهره‌وری نیروی انسانی. *مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش*، ۴(۱۳): ۴۸-۴۱.
- ۱۴- جواهری، سعید. (۱۳۹۶). طراحی مدل مدیریت دانش به منظور ارتقاء بهره‌وری نیروی انسانی در شرایط اقتصاد مقاومتی (مطالعه موردی: شهرداری تهران). پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مهندسی صنایع، دانشگاه پیام نور مرکز تهران شمال، تهران.
- ۱۵- حسینی؛ سیداحمد؛ کدخدایی، سلمان؛ طولابی، مجید. (۱۳۹۵). رتبه بندی عوامل موثر بر ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی با استفاده از تکنیک ANP (مطالعه موردی: مدیران و سرپرستان شرکت سیمان شهرستان درود). *مدیریت بهره‌وری (فراسوی مدیریت)*، ۱۰(۳۷): ۵۰-۲۹.
- ۱۶- حسینی، الهه؛ کلاته سیفری، معصومه؛ لطفی یامچی؛ خدیجه. (۱۳۹۶). مدل ساختاری تأثیر مدیریت استعداد بر بهره‌وری نیروی انسانی و نوآوری در سازمان‌های ورزشی (مورد مطالعه: اداره کل ورزش و جوانان استان آذربایجان شرقی). *مدیریت منابع انسانی در ورزش*، ۵(۱): ۴۸-۳۵.
- ۱۷- حمیدیان پور، فخریه و زاهدی، فاطمه و کریم زاده، نسیم. (۱۳۹۷). *بررسی تاثیر اخلاق کسب و کار بر بهره‌وری نیروی انسانی*. پنجمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و حسابداری، تهران.
- ۱۸- حمیدی‌بیناباج (۱۳۹۶) طراحی مدل ارتقاء بهره‌وری کارکنان با توجه به نقش سرمایه روانشناختی. *مشاوره شغلی و سازمانی*، ۹(۱): ۴۷-۲۹.
- ۱۹- دانابی فرد، حسن؛ امامی، سیدمجتبی. (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه پردازی داده بنیاد. *اندیشه مدیریت*، ۱(۲): ۹۷-۶۹.
- ۲۰- دانیالی ده حوض، محمود؛ علامه، سید محسن؛ منصوری، حسین. (۱۳۹۲). بررسی و شناخت عوامل موثر بر بهره‌وری نیروی انسانی و تعیین اولویت آنها در بین کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایذه. *مدیریت بهره‌وری*، سال ۷(۲۷): ۸۰-۵۱.
- ۲۱- راستگو، سمانه. (۱۳۹۳). طراحی مدل مفهومی بهره‌وری نیروی انسانی. طراحی مدل مفهومی عوامل موثر بر بهره‌وری نیروی انسانی در فدراسیون‌های ورزشی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بیرجند، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.
- ۲۲- رضایی، علی (۱۳۹۶). بررسی رابطه اخلاق حرفه‌ای و بهره‌وری نیروی انسانی در اداره کل بنادر و دریانوردی استان خوزستان، *صنعت حمل و نقل دریایی*، ۳(۲): ۶۵-۶۱.

- ۲۳- سازمان ملی بهره‌وری ایران. (۱۳۹۴). برنامه جامع بهره‌وری کشور، قابل دسترس در: <http://www.nipo.gov.ir> (تاریخ ۱۰ مرداد ۱۳۹۸)
- ۲۴- سلاجقه، سنجر، ریحانی، یساولی، عبدالله. (۱۳۹۵). طراحی مدل بهره‌وری نیروی انسانی در دانشگاه علوم پزشکی با روش دلفی. اولین کنفرانس ملی تحول و نوآوری سازمانی با رویکرد اقتصاد مقاومتی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد.
- ۲۵- سهرابی، شهلا؛ کشاورز افشار، رحمان. (۱۳۹۵). رابطه اخلاق کاری با بهره‌وری نیروی انسانی. کنفرانس بین‌المللی مدیریت و حسابداری، تهران.
- ۲۶- شاپوریان، مژگان؛ درویش زاده، حسین علی. (۱۳۹۴). اقتصاد مقاومتی و بهره‌وری نیروی انسانی. چهارمین کنفرانس ملی و دومین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت، تهران، شرکت خدمات برتر.
- ۲۷- شجاعی، سید سعید؛ جمالی، غلامرضا؛ منطقی، نیکزاد. (۱۳۹۵). شناسایی عوامل مؤثر بر بهره‌وری منابع انسانی. فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، ۸(۲): ۱۶۱-۱۸۱.
- ۲۸- شمس، فاطمه؛ اوغر، احسان؛ قربانعلی، مهران. (۱۳۹۵). بهره‌وری نیروی انسانی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی. دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت، تهران.
- ۲۹- شیروانی، علیرضا؛ سی سختی، فرزاد. (۱۳۹۱). بررسی نقش اخلاق کار بر رفتار سازمانی مثبت بر مبنای مدل فرد لوتانز (CHOSE) (مطالعه موردی گروه ۲۲ توپخانه شهرضا). مدیریت بهره‌وری (فراسوی مدیریت)، ۶(۲۳): ۷۳-۹۳.
- ۳۰- صادقی، سارا؛ دهقان، رضا. (۱۳۹۷). مدیریت استعداد و بهره‌وری دانشگران سازمان؛ دو مقوله مهم در تحقق اقتصاد مقاومتی. چهارمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، کارآفرینی و توسعه اقتصادی، تاجستان، مؤسسه آموزش عالی تاجستان.
- ۳۱- عباس آباد عربی، احسان؛ باباییان پور، مرضیه؛ فکری، رکسانا (۱۳۹۳). مدل مفهومی اقتصاد مقاومتی با تأکید بر الگوی چابکی سازمانها، راهبرد، ۲۳(۷۳): ۷۹-۱۰۰.
- ۳۲- فلاح، علی؛ مهاجری، شراره؛ عظیمی پور، بنت الهدی (۱۳۹۳). بهره‌وری نیروی انسانی و اقتصاد مقاومتی. کنفرانس ملی علوم مهندسی، ایده‌های نو (۸)، تکنابن، موسسه آموزش عالی آیندگان تکنابن.
- ۳۳- قلمکاری، مهان. (۱۳۹۳). رابطه مدیریت دانش با کارآفرینی کارکنان، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه پیام نور تهران جنوب، تهران.
- ۳۴- کاظمی، مصطفی؛ حسینی رباط، سیده منصوره؛ هوشیار، وجیهه. (۱۳۹۰). کتاب جامع بهره‌وری نیروی انسانی، مشهد: مرنديز.

- ۳۵- کولیوند، پیرحسین. (۱۳۹۶). نوآوری و بهره‌وری راه‌گشای بازدهی منابع انسانی. علوم اعصاب شفای خاتم، ۵(۱) (ضمیمه ۱): ۶۰-۵۴.
- ۳۶- کیانی (۱۳۹۴). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل موثر بر بهره‌وری سازمان با استفاده از مدل دیماتل. مدیریت بهره‌وری، ۹(۳۵): ۱۱۱-۱۳۰.
- ۳۷- گلرد، پروانه؛ حیدری، مجتبی. (۱۳۹۵). تاثیر مدیریت توسعه منابع انسانی در افزایش بهره‌وری نیروی انسانی. فرایند نو، ۱۱(۵۶): ۱۴۸-۱۴۳.
- ۳۸- منصوریان، یزدان (۱۳۸۵). گراند تئوری (نظریه زمینه‌ای). همایش چالش‌های علم اطلاعات در دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- ۳۹- نجفی زنگنه، سعید؛ شمس قارنه، ناصر؛ نبویه، سید علیرضا؛ اشراق نیا جهرمی، عبدالحمید. (۱۳۹۵). بهبود بهره‌وری نیروی انسانی تعمیرگاه با در نظر گرفتن قابلیت اطمینان سیستم مطالعه موردی سامانه اتوبوس رانی تندرو تهران (BRT)، صنعت برق ایران، ۵(۱۰).
- 40- Arulrajah, Anton. (2017). Productivity and Quality Management through Human Resource Management: A Systematic Review. *Anthony pillai*, Review 6.
- 41- Ebrahimi Naeed, E., (2014). Identifying and prioritizing effective factors on productivity of human resources by usig AHP, *Omega Journal of Scientific Research*, (ISSN: 2383-0166).
- 42- Hafez, S. M., Aziz, R. F., Morgan, E. S., Abdullah, M. M., & Ahmed, E. K. (2014), Critical factors affecting construction labor productivity in Egypt. *American Journal of Civil Engineering*, 2(2), 35-40.
- 43- <https://www.undp.org/>, 2016
- 44- Kale, J.R., et al., Outside employment opportunities, employee productivity, and debt discipline, *J. Corp. Finance* (2016).
- 45- Strauss, Anselm L., & Corbin, Juliet. (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, 2nd Ed., Sage.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۲۲ - ۱۰۷

موانع اصل حاکمیت اراده و جایگاه اخلاق حسنه در قراردادهای بانکی

^۱ علی دیزجی

^۲ بهشید ارفع نیا

^۳ علیرضا مظلوم رهنی

چکیده

اصل حاکمیت اراده بعنوان اصل اساسی در قانون مدنی مورد پذیرش قرار گرفته و بر قوانین و قواعد معاملات سایه انداخته است و هر جا تردید و شک در حکومت یا عدم حکومت این اصل شد باید به استناد حاکمیت اراده حکم بر تجویز و اباحه عمل حقوقی مورد نظر (اعم از عقد، ایقاع، شرط) نمود. موانعی که در دکتترین حقوقی نیز برشمرده شده است ریشه در نقصان اراده و حاکمیت اراده نداشته بلکه ریشه در مصالح دارد که خود این مصالح نسبی و متغیر هستند لذا نمی توان این موانع را از موانع حاکمیت اراده دانست بلکه این موانع بیشتر در مرحله اجرا و اثرگذاری موثر در مقام هستند. البته این به معنی اعطای اعتبار و توسیع بیش از حد نخواهد بود چرا که لزوم نظارت در عالم حقوق غیرقابل انکار می نماید اما نظارت به معنای تضییق و تحدید نیست. در نتیجه شرایط مندرج در قراردادهای بانکی نباید با قوانین آمره و دستوری بانکی مخالفت داشته باشند در هر صورت رعایت قوانین آمره بانکی لازم و ضروری است و در صورتی که شرط یا قاعده خاصی بر خلاف قوانین بانکی در قراردادی درج شده باشد مشتری می تواند از طریق دادگاه ابطال آن را درخواست کند. این تحقیق با هدف بررسی موانع جریان اصل حاکمیت اراده در قرارداد های بانکی به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

واژگان کلیدی

اصل، حاکمیت اراده، قراردادهای بانکی.

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات.

Email: Alidizahi97@gmail.com

۲. دانشیار دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: bearfania@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر قدس، ایران.

Email: a.mazloom@godsiau.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۰/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۲۵

طرح مسأله

پیدایش و رشد اصل حاکمیت اراده که امروزه یکی از مهمترین اصول در حقوق بین الملل خصوصی محسوب می شود، مرهون تحولات صورت گرفته در زمینه قانون قابل اعمال بر قراردادها است. پس از پذیرش تقریباً جهانی این اصل در حوزه قراردادی، احترام به قصد و اراده طرفین در تعیین قانون حاکم به یکی دیگر از حوزه های حقوق بین الملل خصوصی، یعنی تعهدات غیرقراردادی تسری یافته است.^۱ اصل حاکمیت اراده مبتنی است بر این که حکومت اراده انسان استقلال دارد و منبعث از قانون نیست. قانون مدنی فرانسه با تاثیر پذیری از این نظریه می گوید: قرارداد، قانون طرفین است و در نتیجه، هیچ قانونی نمی تواند آن را محدود کند. در حالی که، اصل آزادی قراردادی از قانون منبعث شده است. به بیان دیگر، آزادی قراردادی برخاسته از مصالحی است که قانون گذار لازم می دانسته و هر زمان آن را مخالف با مصالح عمومی بداند می تواند محدود سازد. بر مبنای حاکمیت اراده، وقتی طرفین با هم توافق کردند، قان نمی تواند مانع نفوذ آن شود. همچنین در خصوص اصل اثبات قراردادهای بانکی که به عنوان یکی از نتایج اصل حاکمیت اراده مورد بحث قرار گرفته، می توان گفت که احترام به اراده آزاد طرفین مستلزم این است که یکی از دو طرف نتوانند آنچه را به اشتراک خواسته اند تغییر دهد و رعایت شرایط قرارداد برای طرفین ضروری بوده و حتی مقامات عمومی نیز حق ندارند آثار قرارداد و تعهدات طرفین را تغییر دهند و یکی دیگر از جنبه های این اصل عطف به ماسبق نشدن قانون است و استناد به اثر فوری قانون، مخالف اصل ثبات قراردادهای می باشد. بر این اساس افزایش قدرت بنگاه های اقتصادی در نتیجه تحولات اقتصادی دهه های اخیر، توازن قدرت چانه زنی طرفین قراردادی را از بین برده است، به خصوص در رابطه بانک و مصرف کننده، در بحث ما اعتبار مصرف کننده عدم تعادلی ایجاد نموده که باعث شده است دیگر تکیه مطلق بر اصل حاکمیت اراده و به عبارتی بسنده کردن به قواعد سنتی حقوق قراردادهای، الزاماً عدالت معاوضی را در این گونه عقود در پی نداشته باشد.

۱. نیکبخت، حمیدرضا، عیوض پور، علی اصغر، (۱۳۹۰)، اصل حاکمیت (آزادی) اراده به عنوان قاعده حل تعارض در تعهدات غیرقراردادی «نگاهی به نظام حقوقی اتحادیه اروپا» مجله حقوقی بین المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری، سال ۲۸، شماره ۴۴.

پیشینه تحقیق

موانع جریان اصل حاکمیت اراده در قراردادهای بانکی به طور کلی ادبیات وسیعی به خود اختصاص داده است که در این مقاله به برخی از این پیشینه ها می پردازیم. طهماسبی و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان «محدودیت های قانونی اصل حاکمیت اراده در قراردادهای تجاری الکترونیکی» انجام داده اند. اصل حاکمیت اراده طرفین در انعقاد قراردادها خصوصاً قراردادهای تجاری موجب سهولت و آزادی طرفین در تعیین شکل قرارداد، محتوا و آثار آن می شود. البته ضرورت دفاع و صیانت از منافع و عدالت عمومی، لزوم وضع قواعدی در محدودیت آزادی مطلق اراده طرفین را موجب شده است. حقوق رقابت و جلوگیری از انحصار و تبعیض، حقوق ناظر بر عقود الحاقی و جمعی و حقوق ناظر بر رعایت نظم و منافع عمومی و اخلاق حسنه و قواعد قانونی نظارتی و حمایتی و سامان بخشی از این دسته از قواعد محدود کننده می باشند. حال با چنین پیش زمینه ای در حقوق با پدیده ای به نام انعقاد قراردادهای تجاری از طریق اینترنت و به صورت الکترونیکی مواجه هستیم. با هدف دستیابی به روش علمی دقیق در این تحقیق سعی شده با استفاده از اصول حقوقی در تقسیم بندی قراردادهای الکترونیکی به تشخیص زمان و محل انعقاد قرارداد و محل اجرا و تعیین صلاحیت قضایی قراردادهای مذکور رسیده و حاصل آن با تطبیق و شناسایی مقررات آمره محدود کننده اراده متعاملین لحاظ گردد؛ که به تنظیم روابط حقوقی پدیده نوظهور قراردادهای تجاری الکترونیکی در کشور و ایجاد عدالت و نظم عمومی کمک شایانی خواهد نمود. آنچه در اینجا مورد بحث قرار می گیرد محدودیت ها و استثنائات ایجاد شده به وسیله مقررات قانونی بر حاکمیت اراده در قراردادهای تجاری می باشد که از طریق بستر اینترنت و به صورت الکترونیکی منعقد می شوند. خانلری بهمنمیری (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «پذیرش مطلق یا مقید اصل حاکمیت اراده در قراردادهای تجاری بین المللی با نگرشی بر مقرر رم یک و حقوق آمریکا» انجام داد است. در حقوق داخلی، غالباً نفوذ اراده طرفین در انعقاد قرارداد، منوط به عدم مخالفت این اراده، با قواعد آمره، حقوق مربوط به آن کشور می باشد. اما در عرصه بین المللی، که ممکن است طرفین، تابعیت کشورهای مختلف را داشته باشند؛ یا به طور کلی ممکن است یک عنصر خارجی در قرار داد دخالت داشته باشد، یکی از موضوعات اختلافی که مطرح می شود، میزان نفوذ اراده طرفین، در انتخاب قانون حاکم و موانع اجرای، این قانون انتخابی است، چرا که در مقرر رم یک علاوه بر به رسمیت شناختن اصل تجزیه پذیری و یا دپاساژ^۱ اصل حاکمیت اراده بطور مطلق، اما در حقوق آمریکا، اصل حاکمیت اراده، با رعایت شرط اساسی یا منطقی، بطور مقید مورد پذیرش

۱. دپاساژ؛ یعنی تجزیه قرارداد و حاکم کردن چند قانون بر بخش های مختلف یک قرارداد

قرار گرفته است. در سال‌های اخیر، با تغییر رویکرد این نظام حقوقی، اصل حاکمیت اراده از این قید نیز رها شده و به طور مطلق در قراردادهای بین‌المللی، پذیرفته شده است. اسماعیلی (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «اصل حاکمیت اراده در حقوق غرب و اسلام مبانی، آثار و پیشینه تاریخی» انجام داده است. اصل حاکمیت اراده بنیادی‌ترین قاعده در حقوق خصوصی و دارای آثار مهمی نظیر آزادی قراردادی و امکان خلق الگوهای جدید معاملاتی است. به همین دلیل اصل مزبور از اهمیت و قدمتی طولانی در دو نظام حقوقی غرب و اسلام برخوردار است. اصل حاکمیت اراده، از سویی ریشه در مبانی نظری و مباحث فلسفه حقوق دارد و از سوی دیگر دارای نتایج و کاربردهای فراوان عملی است؛ خصوصاً در زمان ما که گسترش روابط اقتصادی و نیازهای خاص تجاری چاره‌ای جز تحول و نواندیشی در الگوهای قراردادی در سطح ملی و بین‌المللی باقی نگذاشته است. چرایی طرح این اصل در هر نظام حقوقی، و مبانی و آثار گرایش به آن، و نیز نخستین نظریه پردازان و پیشینه تاریخی طرح این اصل و تحولات آن سه محور مهمی است که در این مقاله طی دو گفتار جداگانه، ابتدا در نظام حقوقی غرب و سپس در نظام حقوقی اسلام به صورت تطبیقی مورد مطالعه قرار گرفته است. یکی از دستاوردهای این مطالعه، اثبات پیشگامی و تقدم زمانی گرایش به این اصل و پذیرش آثار آن در حقوق اسلام است. صالحی و محمدی ساردو (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «موانع و محدودیت‌های اصل آزادی در قراردادها» انجام داده‌اند. اصل آزادی قراردادی اصلی پذیرفته شده به این مضمون است که، انسان‌ها در اجتماع آزاد به دنیا می‌آیند و آزادانه زندگی میکنند پس در انعقاد قراردادهای دو یا چند جانبه آزاد هستند و کسی نمی‌تواند در این باره هیچ‌گونه محدودیتی را بر اراده انسان برای معین کردن شروط و حدود تحمیل کند، مگر اراده خود آنان. طرفداران ایقاع بیان کرده‌اند که شخص می‌تواند با اراده، خودش را مدیون دیگران کند. اما با توجه به نظرات برخی دیگر از حقوق دانان و براساس موازین قانونی این اصل از آزادی قراردادی محسوب نمی‌شود اما می‌توان آن را از اصل حاکمیت اراده دانست، چون یک چیز کلی‌تر از قرارداد است. در پایان می‌توان گفت که محدودیت‌های آزادی قراردادی که قانون مصوب کرده است ناشی از برهم نخوردن نظم عمومی بوده و طرفین قرارداد مکلف هستند آن‌ها را رعایت کنند. میرزائزاد جویباری (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «تأملی درباره جایگاه اصل حاکمیت اراده در قرارداد واگذاری سهام دولت در فرآیند خصوصی سازی» انجام داده‌اند نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که محتوی قرارداد واگذاری سهام را شروطی تشکیل می‌دهد که به طور عمده توسط مجلس شورای اسلامی، شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و هیأت واگذاری تدوین می‌شود و خریدار سهام و سازمان خصوصی سازی در تعیین حدود و مفاد آن نقش چندانی ندارند. البته اختیارات این نهادها نیز در تعیین مفاد و شروط قرارداد، تابع محدودیت‌ها و ضوابط معینی است

و به طور کامل از اصل آزادی قراردادی، به تریبی که در حقوق قراردادهای خصوصی مرسوم است، تبعیت نمی‌کند. نورث^۱ (۲۰۱۸) کاستی‌های بازاری را دلیل اصلی دخالت حقوق در نظام بانکی معرفی کرده است و ایجاد یک نهاد نظارتی مؤثر به همراه یک نظام آموزش مالی کارآمد به منظور افزایش سواد مالی و آگاهی مصرف‌کننده را از ارکان اصلی یک نظام حمایتی کارآمد می‌داند. آردیک^۲ (۲۰۱۶) نیز بر اساس مطالعه تطبیقی مقررات حمایتی ۱۴۲ کشور در بازار خدمات بانکی (اعتبار و سپرده) نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود قوانین حمایتی، خلأ قدرت‌های اجرایی و نظارتی و همین‌طور نبود سازوکارهای حل اختلاف بی‌طرف و مستقل منجر شده تا قوانین مزبور کارایی نداشته باشند. حاجیان (۱۳۸۴) پایان‌نامه‌ای با عنوان «موانع اصل حاکمیت اراده» انجام داده است. هدف پژوهش بررسی موانع اصل حاکمیت اراده و تحلیل ماده ۱۰ قانون مدنی به عنوان مظهر آزادی اراده در قرار دادهای و محدودیت‌های ارادی و غیر ارادی بر آن است. روش پژوهش به صورت کتابخانه‌ای، تطبیقی و تحلیلی می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که اصل آزادی اراده به عنوان یکی از اصول اساسی تشکیل‌دهنده قواعد جهان حقوقی، توسط عواملی چند اعم از ارادی و غیر ارادی (قهری) خدشه‌پذیر گشته و عوامل محدودکننده غیر ارادی آزادی قرار دادی تحت عناوین قانون، نظم عمومی و اخلاق حسنه و عوامل محدودکننده ارادی به وسیله انعقاد قرار دادهای خصوصی (انتخاب عقد خاص، سلب حق به صورت جزئی) و همچنین انعقاد قراردادهای جمعی و اداری خود را نمایان می‌سازد.

مفاهیم

۱. مفهوم اصل حاکمیت اراده

مطابق این اصل، اراده طرفین قرارداد، حاکم بر سرنوشت پیمان‌های ایشان است و حاکمیت اراده را باید به عنوان اصل پذیرفت. اصل حاکمیت اراده، مبین آن است که آزادی و اراده طرفین قرارداد، محدود به ایجاد یا انتخاب نوع قرارداد نیست؛ بلکه در تعیین شرایط قرارداد از جمله قانون حاکم بر قرارداد نیز جاری است. در حقوق بین‌الملل خصوصی، اصل حاکمیت اراده، که مبتنی بر اصل آزادی قراردادهای است و در اغلب کشورها پذیرفته شده است، مقرر می‌دارد؛ همان‌گونه که طرفین آزاد هستند، هر قراردادی را که مایلند منعقد کنند، آزاد هستند، هر قانونی را که مایلند نیز بر قراردادهای حاکم کنند و مراجع حل اختلاف آن اراده را معتبر خواهند شمرد.^۳

1. North

2. Ardıc

۳. خانلری بهمن میری، حسین، (۱۳۹۸)، پذیرش مطلق یا مقید اصل حاکمیت اراده در قراردادهای تجاری بین

المللی با نگرشی بر مقرر رم یک و حقوق آمریکا، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۳، شماره ۳ ص ۱۰۰

برخی نویسندگان حقوقی اصل حاکمیت اراده را در حقوق ایران مورد پذیرش قرار داده و با استناد به مواد ۱۰ و ۱۹۱ قانون مدنی، به عنوان قواعد عام الشمول ناظر بر قراردادهای اراده متعاملین را جهت انشا عقد و ایجاد الزام و التزام در آثار قرارداد و ضمانت اجرای تخلفات در قراردادهای کافی می‌دانند.^۱

اصل حاکمیت اراده که پیدایش و رشدش مرهون تحولات صورت گرفته در حوزه قراردادهای است، پس از تثبیت در این حوزه و تبدیل شدن به یک قاعده اصلی حل تعارض، به تدریج به دیگر حوزه‌های حقوق بین‌الملل خصوصی نیز تسری یافته است.

۲. مفهوم قرارداد بانکی

قرارداد عبارت است از توافق دو یا چند اراده در مورد چیزی که متضمن نفع حقوقی باشد. موضوع قرارداد ممکن است شناسایی یا ایجاد یا تغییر یا اسقاط یا انتقال حقی باشد. قراردادی که متضمن ایجاد تعهد باشد یا نقل مالکیت را سبب گردد عقد نامیده می‌شود.^۲ ولی اقاله یا تفاسخ که حاصل توافق در سقوط تعهد یا مالکیت ناشی از عقد است قرارداد محسوب می‌شود ولی به آن عقد نمی‌گویند. بنابراین قرارداد اعم از عقد است. البته عده زیادی از حقوقدانان قرارداد را در ردیف عقود تعهدی می‌دانند. «قرارداد بانکی توافقی دو طرفه است که میان مشتری و بانک منعقد می‌شود و دو طرف بر اساس قرارداد مزبور حقوق و تکالیفی را بر عهده می‌گیرند و بانک‌ها به دلیل اثبات مفاد قرارداد و برخورداری از حقوق آن اقدام به تنظیم قرارداد و درج شرایطی در آنها می‌نمایند و مشتری هم بنابر روال کار بانکی ملزم می‌شود که پای قرارداد را امضا کند. قراردادهای بانکی شامل دسته‌ای از عقود می‌شود که در بانک‌های کشور منعقد می‌شوند و اگر بخواهیم همه آن‌ها را احصاء کنیم به نوعی شاید امکان پذیر نباشد ولی می‌توان به برخی از آن‌ها به صورت زیر اشاره کرد: مضاربه (بازرگانی داخلی - صادراتی - وارداتی)، مشارکت مدنی (بازرگانی - تولیدی - صادراتی - مسکن و ساختمان)، فروش اقساطی (مواد اولیه - ماشین آلات - مسکن)، سلف، اجاره به شرط تملیک، قرض الحسنه (ازدواج - تعمیر و تامین مسکن - کمک هزینه درمان - کمک هزینه تحصیلی)، جعاله رعایت مواد ۱۹۰ به بعد قانون مدنی در انعقاد قراردادهای بانکی الزامی است. لذا رعایت شرایط عمومی انعقاد عقد (قصد طرفین و رضای آنها، اهلیت طرفین، موضوع معین که مورد معامله باشد و مشروعیت جهت معامله) ضروری است.^۳

۱. طهماسبی، لیلا، رفیعی طباطبایی، حسام‌الدین، (۱۳۹۹)، محدودیت‌های قانونی اصل حاکمیت اراده در

قراردادهای تجاری الکترونیکی، مجله حقوق و مطالعات، دوره ۱، شماره ۱. ص ۳

۲. ماده ۱۸۳ قانون مدنی

۳. جوادی، امیر، (۱۳۹۹)، مفهوم قراردادهای بانکی، قابل دسترس در سایت:

روابط بانک ها با مشتریان و با همدیگر اصولاً مبتنی بر قرارداد است، قرارداد، توافقی الزام آور است که دو یا چند طرف با تراضی آن را منعقد می کنند و براساس آن، حسب نوع و شرایط قرارداد هر طرف داران حق، تکلیف یا حق و تکلیف می شود. همانند سایر قراردادهای، اصل بر این است که تشریفات خاصی برای انعقاد قراردادهای بانکی مورد نیاز نیست مگر اینکه در مورد خاص، قانون این امر را لازم دانسته باشد اما بانک ها عملاً برای اهدافی همچون حسابداری و حسابرسی، روابط مستند، کاهش اختلافات یا اثبات ادعا در صورت بروز اختلاف، ارائه آمار و غیره به موجب دستورالعمل ها و مصوبات داخلی ملزم شده اند قراردادهای خود را به صورت کتبی منعقد کنند.

مبنای قانون حاکمیت اراده در حقوق قراردادها

مبنای قانون حاکمیت اراده^۱ این است که همان گونه که اصل قرارداد با اراده طرفین می شود، محتوای آن نیز با اراده طرفین تعیین می گردد. اساساً انعقاد، انجام و سرانجام قرارداد در گرو اراده های طرفین آن است. بنابراین آنچه که باید مورد بحث قرار گیرد حکومت اراده بر قرارداد نیست بلکه محدودیت ها و استثنای حاکمیت اراده است.

بر این اساس قراردادهای حقوق خصوصی، توافق هایی هستند که در حوزه حقوق خصوصی ایجاد می شوند و صرف نظر از اینکه حوزه حقوق خصوصی اصولاً منطبقه آزاد از حقوق ها است قراردادهای در این منطبقه آزاد اصولی باز از وضعیت ویژه تری برخوردارند. بدین معنی که قانونگذار در این منطبقه بجای طرفین نمی نشیند بلکه فقط در فقدان توافق طرفین، قواعد حقوقی برای تکمیل اراده های آنها وضع می کند بنابراین هرگاه آنها مثلاً در مورد شرایط و نحوه اجرای قرارداد و تعهدات آن به ترتیبی که مایل بوده اند توافق کرده اند، قرارداد مطابق همان توافق ها به انجام می رسد. اگر طرفین در عقد بیع توافق کرده اند که ثمن معامله یک سال پس از قرارداد مسترد شود، ثمن به همین ترتیب مسترد خواهد شد. یا اگر توافق کرده اند که مبیع ۶ ماه یا ۲ سال یا ۱۰ سال پس از قرارداد تسلیم شود باید به همین ترتیب عمل شود، یا اگر تراضی کرده اند که به جای خیار مجلس، اختیار دیگری برای فسخ قرارداد داشته باشند باز باید به همین ترتیب عمل شود.^۲

۱. گفته می شود ریشه اولیه اصل حاکمیت اراده به نظریات امانوئل کانت باز می گردد که در کتاب نظریه حقوق چنین گفته بود که: هیچ کس را نمی توان تحت حاکمیت قانونی -جز آنچه خود او خواسته است- قرار داد نوشته اند که Fielix اصطلاح (استقلال اراده) را - با الهام از کانت - وارد ادبیات حقوق بین الملل خصوصی کرد.

۲. شریعت باقری، محمدجواد، (۱۳۹۱)، حاکمیت اراده بر قراردادهای بین المللی خصوصی، دیدگاه های حقوقی، شماره ۵۸، ص ۱۰۲

با قبول اینکه حاکمیت اراده، ستون و استوانه اصلی قرارداد است باید پرسید که گستره حاکمیت اراده تا کجاست؟ آیا حاکمیت اراده فقط تعهدات ناشی از قرارداد را در برمی‌گیرد یا انعقاد و اعتبار قرارداد نیز تابع قانون حاکمیت اراده است؟ این مسأله آسان تر درک می‌شود که شروط و تعهدات قرارداد تابع توافق طرفین باشد. یعنی قواعد و مقررات قانونی مربوط به شروط و تعهدات اصولاً در زمره قوانین تکمیلی محسوب می‌شوند و طرفین اصولاً می‌توانند در این خصوص هرگونه که مایلند توافق کنند. اما باید توجه کرد که اراده بر اصل قرارداد نیز حاکمیت دارد. تنها مسأله اهلیت است که تابع قانون دولت متبوع شخص تلقی می‌شود. اما مسأله رضایت طرفین و سایر شرایط صحت قرارداد، مطابق قانونی باید ارزیابی شود که طرفین بر قرارداد حاکم کرده‌اند. بنابراین اصل حاکمیت اراده در قراردادهای بانک صحیح نخواهد بود؛ چراکه بانک اولاً به خاطر نابرابری اطلاعاتی و سایر شرایط شخصی و بازاری قدرت چانه زنی بیشتری نسبت به مصرف کننده دارد و می‌تواند شرایط مد نظر خود را به مصرف کننده تحمیل کند؛ ثانیاً ممکن است بدون اینکه بر مصرف کننده خسارت مالی وارد کند، منافی ناروا از قرارداد به دست آورد. بنابراین، اگر مطابق رویه جبران خسارت معمول اقدام گردد، هیچ جبران خسارتی در کار نخواهد بود.

قراردادهای جعله تخصیص اعتبار، مثال مناسبی در این خصوص‌اند که در آنها علاوه بر اینکه پرداخت جعل بر عهده جاعل قرار می‌گیرد، انجام خدمت موضوع جعله نیز بر عهده خود وی قرار خواهد گرفت؛ به عبارتی، قرارداد جعله حالتی صوری و کاملاً یک طرفه پیدا می‌کند. بنابراین، در چنین شرایطی آزادی قراردادی صوری شده است و مصرف کننده نمی‌تواند اراده خود را «آگاهانه» و «آزادانه» اعلام کند؛ به خصوص اینکه قرارداد مزبور در فرم‌های استاندارد از سوی بانک بر اساس «قبول کن یا هیچ» به مصرف کننده ارائه می‌گردند و یک نوع آزادی به مصرف کننده می‌دهند که به عقیده برخی، فقط سرپوشی از آزادی در توجیه قدرت است. از این رو، اصلاح یا اعلام عدم نفوذ شروط قراردادی فی مابین از سوی دادگاه، نمی‌تواند منجر به افزایش رفاه گردد؛ چرا که طرفین قرارداد نسبت به دادگاه از اطلاعات بیشتری در مورد منافع خود برخوردارند. به علاوه، روابط مشارکتی که در بانکداری اسلامی در قالب عقود مضاربه و مشارکت اجرا می‌شوند، به این بی‌عدالتی دامن زده‌اند؛ با این توضیح که اگر بپذیریم سرمایه نقدی (پول) یک نهاد تولیدی کمیاب است، تصور قیمت صفر برای آن از لحاظ اقتصادی نادرست می‌گردد، ولی چنین مبنایی برای بازار پول با آموزه‌های اسلامی، خصوصاً به خاطر وجود شبهه ربا، در تناقض است. از این رو، برای حذف بهره بانکی و دوری از شبهه شرعی

ربا، ایده مشارکت در سود و زیان مطرح شده است.^۱ روابط مشارکتی از جنس سرمایه گذاری بوده، اقتضات خاص سرمایه گذاری دارد و بیشتر با بازار سرمایه مرتبط است. هرگونه استفاده ای از پول که آن را از نقدشوندگی کامل دور کند، ما را از بازار پول به بازار سرمایه خواهد کشاند. در حالی که در سرمایه گذاری، مسائلی همچون ریسک سرمایه گذاری و ضرورت ارزیابی و سنجش ریسک های مختلف و غیره مطرح است، واسطه گری بانک در بازار پول فارغ از این مسائل و دغدغه هاست^۲ که این موضوع بحث عدالت را در معاملات مزبور با چالش همراه می سازد. نگاهی به قراردادهای موجود که مورد استفاده بانک ها قرار می گیرد، نیز حکایت از یک اغتشاش در اهداف و بی نظمی در طراحی یک قرارداد منصفانه و عادلانه دارد و آنچه باعث تداوم استفاده از آنها شده است، اعتبار اقتصادی بانک ها و نیاز به سرمایه از سوی متقاضیان است.

محدودیت های حاکمیت اراده در قراردادهای بانکی

در حقوق ایران عواملی مانند قانون، نظم عمومی و اخلاق حسنه موانع اصل آزادی قراردادها بشمار می آیند. در ادامه این موانع و محدودیت ها بیان شده است:

۱. ارتباط نظام بانکی کشور و قانون یا قواعد آمره

مراد از قانون به عنوان یک مانع، مصوبات مجلس و کمیسیون های آن که در اصل ۹۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ذکر شده است، می باشد. قانونی می تواند اصل آزادی قراردادها را محدود نماید که جنبه اجتماعی آن بر جنبه های دیگر غلبه داشته و حاوی عوامل مرتبط با نظم عمومی باشد به طوری که امکان تراضی برخلاف آن را غیرممکن سازد (قانون امری) و نه قوانینی که این جنبه آن ضعیف تر است (قانون تکمیلی).

بنابراین تعدادی از قوانین قابلیت محدود کردن آزادی قراردادها را دارند. با توجه به پیشینه اصل آزادی قراردادها و اثرات اجتماعی و اقتصادی آن و طرق گسترش عوامل محدودکننده زندگی، ما را به این به این دلالت می نماید که برای هر قانون امری به دنبال دلیل باشیم و اصل اولیه را در قوانین تکمیلی و موافق آزادی قراردادها بودن بدانیم و اجازه ندهیم که حیثاً تمایلات غیرحقوقی (از قبیل تمایلات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیر آن) بر این نظر غالب و ما را به راه مخالف بکشاند. این استنباط به عنوان ملاکی برای تشخیص

۱. سلطانی، محمد، (۱۳۹۳)، حقوق بانکی، تهران: میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۳، ص ۳۳

2. Andersen, Jen B And Lars Risbjerg And Morten Spange, Money, Credit And Banking, Danmarks National bank Monetary Review, 3rd Quarter, 2014, P.79. available on Danmarks National bank's website: www.nationalbanken.dk (Last Seen on: 8/22/2018).

قوانین امری از تکمیلی با قانون مدنی ایران و مقررات اسلامی هم منطبق بوده و نتایج اجتماعی و حقوقی و اقتصادی مثبتی دارد.^۱

به موجب ماده ۱۰ قانون مدنی قرارداد در صورتی صحیح و نافذ است که مخالف صریح قانون نباشد. قانونگذار با وضع این ماده، قانون را برتر از توافق اراده طرفین قرارداد دانسته است.^۲ بانک مرکزی به منظور جلوگیری از انعقاد قراردادهای صوری جهت تسویه تسهیلات سابق به موجب بخشنامه شماره ۳۸۷۶ مورخ ۱۳۸۶/۹/۱۱ به شبکه بانکی کشور اعلام کرده است که اعطای تسهیلات توسط بانک‌ها باید برپایه عقود مشخصی که در تبصره ذیل ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا احصا شده‌اند، انجام شود. بنابراین نمی‌توان تسهیلاتی بابت بدهی‌های گذشته و معوق به متقاضیان اعطا کرد چرا که این مهم در تراجم با رویه‌ها و شئون حاکم بر نظام بانکی کشور است. اعتبار و نفوذ کلیه قراردادهای خصوصی منوط به این است که مغایر منع یا امر قانونگذار نباشد. برابر ماده ۱۲۸۸ قانون مدنی، مفاد سند در صورتی معتبر است که مخالف قوانین نباشد. به موجب ماده ۱۰ از همان قانون، قراردادهای خصوصی در صورتی نافذند که مخالف صریح قوانین نباشند. محاکم در راستای اعمال ماده ۹۷۵ از قانون یاد شده نمی‌توانند قوانین خارجی یا قراردادهای خصوصی را که برخلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه جریحه‌دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شوند به موقع اجرا گذارند اگرچه اجرای قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد.

بسیاری از قوانین حوزه پولی و بانکی کشور، از جمله قوانین آمره و ناهیه هستند تا امکان استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدالت و کمک به رشد اقتصادی کشور که از اهداف نظام بانکی است، فراهم شود. پر واضح است که قانون به تنهایی برای حفظ نظم اقتصادی کشور کافی نیست و مقررات دیگری از جمله آیین‌نامه، بخشنامه و تصویب‌نامه لازم است که به وسیله آن بانک مرکزی بتواند امور پولی و بانکی را منظم و حکم فرمایی خود را اعمال کند.

از این رو قانونگذار به موجب قوانین و مقررات بانک مرکزی اجازه داده است، برای اجرای قوانین، آیین‌نامه و بخشنامه و مقرراتی تهیه کند. در ماده ۳۷ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ مقرر شده است: بانک‌ها مکلفند مقررات این قانون و آیین‌نامه‌های متکی بر آن و

۱ محمدی، محمدجواد، مزارعی، علی، (۱۳۹۷)، مطالعه تطبیقی حاکمیت اراده و نقش آن در تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی، پنجمین کنفرانس ملی حقوق و علوم جزا. ص ۷

۲ احمدبنی، الهام، (۱۳۹۸)، اصل آزادی قراردادها در برخورد با محدودیت‌های آن، پژوهشنامه تطبیقی دادپیشگان.

دستورهای بانک مرکزی ایران را که به موجب این قانون یا آیین نامه های متکی بر آن صادر می شود و همچنین مقررات اساسنامه مصوب خود را رعایت کنند و براساس ماده ۷ آیین نامه اجرایی فصل پنجم قانون عملیات بانکی بدون ربا بانک ها مکلفند دستور ها و بخشنامه های بانک مرکزی را که به موجب قوانین و آیین نامه های آن صادر می شود، به موقع به اجرا بگذارند. این گونه بخشنامه ها و دستور ها که به دستور قانون تنظیم می شوند در حکم قانونند و در صورتی که در گروه مقررات آمره و ناهیه قرار گیرند لازم الاجرا بوده و امکان توافق بر خلاف آن وجود ندارد. در شماره بعدی به ادامه بحث خواهیم پرداخت.^۱

در هر موردی که محاسبه ای یا قاعده ای بر خلاف قوانین آمره و دستوری بانکی در قراردادهای وام و تسهیلات، آمده باشد شخص ذینفع می تواند آن را از طریق دادگاه باطل کند. در مواردی که قرارداد بانکی یا یکی از مفاد و شرایط آن بر خلاف قوانین آمره کشور باشد در این صورت مشتری می تواند برای ابطال و بی اثر کردن این شرط در محاکم دادگستری طرح دعوا نماید. بعنوان نمونه آنچه در خلال سالیان گذشته مناقشه جدی بوده تعیین میزان سود تسهیلات اعطایی به مشتری بر مبنای اصل حاکمیت اراده و تقابل آن با مقررات پولی و بانکی کشور بویژه ماده ۲۰ قانون عملیات بانکی بدون ربا می باشد به این معنا که بانک ها اعم از دولتی و خصوصی در ارائه تسهیلات بانکی به مشتریان به موجب اصل آزادی قرار دادها (ماده ۱۰ قانون مدنی) میزان سود را ظاهراً بصورت توافقی در قرار داد منعقد (الحاقی) بدون لحاظ رعایت مصوبات بانک مرکزی یا شورای پول و اعتبار تعیین می کنند و مبنای ارقام خود را جلب رضایت مشتری و حاکمیت اراده که معمولاً در شرایط اضطراری صورت می گیرد اعلام می نمایند و در این شرایط میزان سود را فراتر از مصوبات بانک مرکزی تعیین می کنند در حالیکه ماده ۲۰ قانون عملیات بانکی بدون ربا بانک ها را الزام دارند که در تعیین حداقل و حداکثر سود تسهیلات مصوبات بانک مرکزی را مرعی دارند. در رویه قضایی نیز گاهی جانب اصل حاکمیت اراده گرفته می شود و چنین قرار دادهای الحاقی بانکی معتبر شناخته می شود و گاهی در چنین مواردی حاکمیت دارد. بدلیل تقابل و تعارض با قانون آمره (ماده ۲۰ عملیات بانکی بدون ربا) تخصیص و ... قراردادهای ارایه تسهیلات مازاد بر مصوبات بانکی ابطال می گردید که نهایتاً بدلیل تعارض در آراء هیات عمومی و دیوان عالی کشور با صدور رای ۷۹۴ بر محدود شدن اصل حاکمیت اراده در تقابل با قواعد آمره و دستوری و ضحه گذاشت و ... قرار دادهای بانکی که میزان سود آن بیشتر از مصوبات بانک مرکزی تعیین گردیده و باطل و بی اثر اعلام گردید .

بنابراین حدود حاکمیت اصل آزادی قراردادهای در روابط بانک ها با مشتریان تاحدودی است

که توافق و تراضی آنها با مقررات پولی و بانکی کشور در تعارض نباشند که در صورت تعارض و تقابل اصل حاکمیت اراده در حد تعارض باطل و... قاعده‌آمره طرفین حکمفرما خواهد بود.

۲. ارتباط نظام بانکی کشور و نظم عمومی

نظم عمومی نیز یکی دیگر از عوامل محدودکننده و مانع برای آزادی قراردادهای می باشد. قانون مدنی در ماده ۹۷۵ مقرر می دارد:

محکمه نمی تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که برخلاف اخلاق حسنه بوده و یا مخالف نظم عمومی محسوب می شود به موقع اجرا گذارد در این ماده به عامل سوم یعنی اخلاق حسنه نیز اشاره شده است. آنچنان که از این ماده استنباط می شود نظم عمومی در واقع انعکاسی از قوانین امری است؛ زیرا قوانین امری قوانینی هستند که برای حفظ نظم عمومی تدوین شده اند. مع الوصف این طور نیست که همه امور مربوط به نظم عمومی در قالب قوانین امری درآمده باشد.

دخالت روزافزون دولت در امور اقتصادی، مفهوم نظم عمومی را گسترش داده و به همان نسبت از آزادی دو طرف قرارداد کاسته است. علت‌های ابطال یا بطلان قراردادهای رو به افزایش است، بنابراین قراردادهای مغایر با نظم عمومی به لحاظ وجود فساد یا داشتن تالی فاسد فاقد اعتبار است و آزادی قراردادی و اعتبار اسناد و قراردادهای تاجایی محترم شناخته می‌شوند که با نظم اجتماعی، حقوقی تعارض نداشته باشند. نظم عمومی با مفاهیمی چون قوانین موجد منافع و مصالح جامعه و اطمینان قراردادی و نظم اقتصادی و جلوگیری از اختلال اقتصادی بر بستر حاکمیتی و سیاسی درهم تنیده شده و موجود قوانین آمره ای است که در هیچ نوع قراردادی از آنها تخطی نمی توان کرد و ضمانت اجرای تخطی از آن بطلان قرارداد می باشد.^۱

انعقاد تمام قراردادهای قانونا نباید مغایر با نظم عمومی باشد زیرا نظم عمومی یکی از اصول و ارزش‌های اصلی کشور است بنابراین قراردادهای مغایر با نظم عمومی به لحاظ وجود فساد فاقد اعتبار است و به طور کلی آزادی قراردادی و اعتبار اسناد و قراردادهای تاجایی محترم است که با نظم عمومی مخالف نباشد. یکی از اهداف نظام بانکی رشد اقتصادی کشور است و بر همین اساس توجه به آن از اهمیت بالایی برخوردار می باشد لذا قوانین پولی و بانکی کشور اغلب از جمله قوانین آمره می باشند تا بر این اساس نظام پولی و اعتباری بر مبنای عدالت و با افزایش رشد اقتصادی استقرار یابد.

آیین نامه‌ها و بخشنامه‌هایی هم در کنار قوانین بانکی وضع گردیده اند تا اعمال حق و

۱. طهماسبی، لیلیا، رفیعی طباطبایی، حسام‌الدین، (۱۳۹۹)، محدودیت‌های قانونی اصل حاکمیت اراده در قراردادهای تجاری الکترونیکی، فصلنامه حقوق و مطالعات نوین، دوره ۱، شماره ۱، ص ۹

تاثیر مطلوب بر اقتصاد کشور به وسیله بانک مرکزی بیش از پیش به کار آید^۱ بلوکه سازی بخشی از تسهیلات واگذاری شده (مثلاً ۲۰ درصد) در حساب بانک از جمله اقدامات بانک ها است که بر خلاف نظم عمومی شمرده می شود و در صورت تقابل اصل حاکمیت اراده با نظم عمومی طبعاً اجزای اصل حاکمیت اراده محدود می شود.

۳. ارتباط نظام بانکی کشور و اخلاق حسنه

اخلاق حسنه در قراردادها از موانع اراده افراد محسوب می شود که رابطه بسیار عمیقی با عرف و مذهب در هر جامعه دارد. اخلاق حسنه در واقع به رویه های جامعه پسند و ضابطه مند اشاره دارد. لذا قراردادهایی که خارج از عرف جامعه و خارج از ضوابط هستند وجهه قانونی ندارند و باطل هستند. بنابر اخلاق حسنه چنانچه قراردادی متضمن دروغگویی، خیانت در امانت و یا منافی عفت و نجابت باشد، از اعتبار ساقط و باطل است.

به نظر دکتر کاتوزیان اموری که خلاف اخلاق حسنه است نظم عمومی را نیز بر هم می زند و هیچگاه حقوق نمیتواند به امور غیر اخلاقی بی اعتنا بماند به اصطلاح منطقی، رابطه این دو مفهوم را باید عموم و خصوص مطلق دانست. به این تعبیر که آنچه با اخلاق حسنه منافات دارد با نظم عمومی نیز مخالف است ولی امکان دارد قراردادی که با نظم عمومی در تعارض است از نظر اخلاقی ناپسند به نظر نیاید.^۲

ارایه تسهیلات بانکی به مشتری که درصد تولید مواد ممنوعه یا نامشروع یا تجارت این امور می باشد عرفاً مغایر اخلاق حسنه شمرده می شود و از مواردی است که اجرای اصل حاکمیت اراده را تحدید می کند.

۱. بیگدلی، عطاءالله، (۱۳۹۴)، حاکمیت اراده در فقه امامیه، نظام رومی - ژرمنی و حقوق ایران؛ درآمدی مبنایی -

فلسفی، پژوهش نامه حقوق اسلامی، دوره ۱۶، شماره ۴۱. ۲۱

۲. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۴)، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، تهران، نشر میزان، چاپ ۲۸، ص ۱۸۱.

نتیجه گیری

هم زمان با افزایش قدرت و نقش بانک‌ها در اقتصاد و زندگی مردم از یک سو و نیاز مردم به استفاده از خدمات آنها از سوی دیگر، آزادی قراردادی و حاکمیت اراده مصرف‌کنندگان در عقود بانکی به دلیل قدرت بالای معاملاتی بان‌کها به قدری کم رنگ شده است که مصرف‌کننده تنها حق امضا یا عدم امضای قرارداد را دارد و دیگر اثری از عدالت معاوضی در این قراردادها به چشم نمی‌خورد. در کشورهای پیشرو در زمینه حمایت اعتبار مصرف‌کننده برای مقابله با این شرایط به اخلاق و انصاف رجوع شده است و دکترینی ارائه شده که در حقوق کشور ما نیز با توجه به نشانه‌های استفاده از آنها در قوانین، رویه قضایی و حتی قواعد فقهی همچون لاضرر، به کارگیری آنها نه تنها بلامانع، بلکه ضروری است.

اصل حاکمیت اراده اصل مهم و اساسی در حقوق قراردادها می‌باشد و بر مبنای این اصل اراده متعاملین بر تمامی جنبه‌های قرارداد حاکم می‌باشد مگر زمانی که یکی از محدودیت‌ها شامل قوانین آمره، نظم عمومی و اخلاق حسنه باعث محدودیت در اجرای قرارداد گردد؛ ولی چون موقعیت طرفین قراردادی به یک اندازه نمی‌باشد و نابرابری قراردادی احتمال دارد، نمی‌توان طرفین را با استناد به اصل حاکمیت اراده به حال خود رها ساخت و باید راهکاری برای ایجاد تعادل و برابری قراردادی ایجاد نمود. قانون‌گذار در مواردی قوانینی وضع نموده و در روابط قراردادی دخالت نموده تا تعادل در قرارداد را ایجاد نماید برای مثال قراردادهای اجباری راجع به اموراتی که منافع عمومی در آن دخیل هستند مقرر نموده است ولی این دخالت موردی قانون‌گذار نمی‌تواند تأمین‌کننده برابری در قرارداد و رفع عدم تعادل میان طرفین باشد، از طریق موازین حقوق بشر و دخالت آن در روابط خصوصی و قراردادی می‌توان در این موارد عدم تعادل را به قرارداد بازگرداند. با وصف پذیرش اصل حاکمیت اراده در تمامی نظام‌های حقوقی، این اصل دارای اعتبار مطلق نیست و مواردی به عنوان محدودیت شامل قوانین آمره، نظم عمومی و اخلاق حسنه بیان شده‌اند و اصل حاکمیت اراده در پرتو این محدودیت‌ها تفسیر می‌شود اما در ادبیات حقوقی این موارد به عنوان استثناء در نظر گرفته شده‌اند. در هر مورد که بانک‌ها و موسسات اعتباری و اشخاص، مقررات آمره در قانون پولی و بانکی کشور و قانون عملیات بانکی بدون ربا را رعایت نکنند از طریق واحدهای نظارتی بانک مرکزی و شکایت مشتریان ملزم به جبران خسارت و پرداخت جریمه‌های نقدی خواهند شد. بنابراین بانک‌ها مجاز به دریافت سود و جریمه تاخیر بیش از نرخ اعلامی از سوی مراجع مربوطه نیستند و هر اقدامی که خلاف قانون، بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها، بر قراردادهای بانکی اعمال کنند به موجب ... اصل حاکمیت اراده در مراجع قضایی صالحه رسیدگی و ابطال را دارد

فهرست منابع

۱. احمدبنی، الهام، (۱۳۹۸)، اصل آزادی قراردادهای در برخورد با محدودیت های آن، پژوهشنامه تطبیقی دادپیشگان.
۲. اسماعیلی، محسن، (۱۳۹۷)، اصل حاکمیت اراده در حقوق غرب و اسلام مبانی، آثار و پیشینه تاریخی، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۵، شماره ۲.
۳. بیگدلی، عطاءالله، (۱۳۹۴)، حاکمیت اراده در فقه امامیه، نظام رومی - ژرمنی و حقوق ایران؛ درآمدی مبنایی - فلسفی، پژوهش نامه حقوق اسلامی، دوره ۱۶، شماره ۴۱.
۴. جوادی، امیر، (۱۳۹۹)، مفهوم قراردادهای بانکی، قابل دسترس در سایت: <http://amirjavadilawyer.com>
۵. حاجیان، حمید، (۱۳۸۴)، موانع اصل حاکمیت اراده، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تهران مرکز، استاد راهنما: پرویز نوین.
۶. خانلری بهمنمیری، حسین، (۱۳۹۸)، پذیرش مطلق یا مقید اصل حاکمیت اراده در قراردادهای تجاری بین المللی با نگرشی بر مقررہ رم یک و حقوق آمریکا، پژوهش های حقوق تطبیقی، دوره ۲۳، شماره ۳.
۷. سلطانی، محمد، (۱۳۹۳)، حقوق بانکی، تهران: میزان، چاپ دوم
۸. شریعت باقری، محمدجواد، (۱۳۹۱)، حاکمیت اراده بر قراردادهای بین المللی خصوصی، دیدگاه های حقوقی، شماره ۵۸.
۹. صالحی، علیرضا، (۱۳۹۱)، بررسی قراردادهای بانکی، بایسته های حقوق در بازرگانی.
۱۰. صالحی، مهوش، محمدی ساردو، (۱۳۹۶)، موانع و محدودیت های اصل آزادی در قراردادهای کنفرانس مدیریت و علوم رفتاری.
۱۱. صفایی، سید حسین، (۱۳۸۳)، قواعد عمومی قراردادهای، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۱۲. طهماسبی، لیل، رفیعی طباطبایی، حسام الدین، (۱۳۹۹)، محدودیت های قانونی اصل حاکمیت اراده در قراردادهای تجاری الکترونیکی، مجله حقوق و مطالعات، دوره ۱، شماره ۱.
۱۳. عدل، مصطفی، (۱۳۴۲)، حقوق مدنی، چاپ هفتم، انتشارات امیرکبیر.
۱۴. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۴)، قواعد عمومی قراردادهای، جلد ۴، تهران، انتشارات برنا.
۱۵. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷)، محدودیت های آزادی قراردادی بر مبنای حمایت از مصرف کننده، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۳.
۱۶. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۴)، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، تهران، نشر میزان. چاپ ۲۸.
۱۷. محمدی، محمدجواد، مزارعی، علی، (۱۳۹۷)، مطالعه تطبیقی حاکمیت اراده و نقش آن در

- تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی، پنجمین کنفرانس ملی حقوق و علوم جزا.
۱۸. میرزا جویباری، اکبر، (۱۳۹۶)، تاملی درباره جایگاه اصل حاکمیت اراده در قرارداد واگذاری سهام دولت در فرایند خصوصی سازی، فصلنامه برنامه ریزی بودجه، سال ۲۲، شماره ۱.
۱۹. نیکبخت، حمیدرضا، عیوض پور، علی اصغر، (۱۳۹۰)، اصل حاکمیت (آزادی) اراده به عنوان قاعده حل تعارض در تعهدات غیرقراردادی «نگاهی به نظام حقوقی اتحادیه اروپا» مجله حقوقی بین المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری، سال ۲۸، شماره ۴۴.
20. Andersen, Jen B And Lars Risbjerg And Morten Spange, Money, Credit And Banking, Danmarks National bank Monetary Review, 3rd Quarter, 2014, available on Danmarks National bank's website: www. Nationalbanken .dk (Last Seen on: 8/22/2018).
21. Ardic, O P, Joyce A I and Nataliya Mylenko. Consumer protection laws and regulations in deposit and loan services: A cross-country analysis with a new data set, The World Bank, (2016), available at: [https:// doi.org/10.1596/1813-9450-5536](https://doi.org/10.1596/1813-9450-5536).
22. North, G. "Small Amount Credit Contract Reforms: Have Transparency and Competition Concerns Been Forgotten?", *Competition & Consumer Law Journal* 101 (2018).

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۴۰ - ۱۲۳

عوامل اجتماعی مؤثر بر تحول شخصیت از دیدگاه مولانا در مثنوی

۱ صمد عباس‌زاده گرجان

۲ محمد فرهمند سرابی

۳ ابراهیم دانش

۴ فرامرز جلال‌ت

چکیده

از آنجا که مثنوی مولوی اثری تربیتی - عرفانی است، شاعر سعی کرده است پندها و اندرزهای خود را در مورد مسائل اجتماعی در قالب داستان، حکایت و تمثیل بیان کند و همچنین افکار و عقاید عرفانی خود را بیان کند. بنابراین داستان‌ها، حکایت‌ها و تمثیل‌های مثنوی بسیار متنوع است. این تنوع، باعث تعدد و تنوع شخصیت‌ها در مثنوی می‌شود؛ آنچه اساس هر داستان است شخصیت‌های آن است که عامل یا روال وقایع هستند. در واقع، جهان داستانی مثنوی مملو از شخصیت‌هایی است که مولانا از طبقات و اقسام مختلف اجتماعی برمی‌گزیند و آنان را آگاهانه در راستای اندیشه‌ها، دیدگاه‌ها و اعتقادات حکمی، عرفانی و فلسفی خود قرار می‌دهد. مولانا هوشمندانه خصلت‌های روانی - طبقاتی شخصیت‌های جهان قصه‌هایش را لحاظ می‌کند و شخصیت‌های داستانی نیز متناسب با آن خصلت‌ها و ویژگی‌ها نقش خود را ایفا می‌نمایند. این مقاله به بررسی برخی از مهم‌ترین عوامل اجتماعی مؤثر در تحول و شخصیت‌پردازی مولانا و ویژگی‌های شخصیت‌ها در داستان‌های مثنوی می‌پردازد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که: مولانا در بسیاری از قصه‌های مثنوی با طرح حکایت‌ها و داستان‌هایی ساده و عموماً برگرفته از زندگی توده مردم به رهیافت‌ها و استنتاج‌هایی تأمل‌برانگیز در کنش و واکنش شخصیت‌ها می‌رسد. ذهن تأویل‌گر و معناگرای مولانا همواره در پس اشیاء و شخصیت‌های داستان و امور مادی و محسوس کیفیتی معنوی را جستجو می‌کند تا خواننده و مخاطب خود را بر خوان معانی رنگینی بشناسد که شایسته اهل طریقت است.

واژگان کلیدی

عوامل اجتماعی، تحول شخصیت، مولانا، مثنوی، روان‌شناسی شخصیت.

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

Email: dr.samad.abbaszadeh@gmail.com

۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Farahmand15@yahoo.com

۳. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

Email: e.danesh@uma.ac.ir

۴. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۲۰ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۶/۲۵

طرح مسأله

اجتماع و فرد به یک اندازه در تکوین و تکامل شخصیت فرد مهم شمرده می‌شوند. «روان-شناسان در ارتباط با شخصیت اجتماعی افراد معتقدند که فرد انسان عمدتاً محصول اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند، یعنی شخصیت انسان به وسیله عوامل و نیروهای اجتماعی شکل می‌گیرد. اریک فروم، مؤسس مکتب انسان‌گرایی معتقد است که علت اساسی نابهنجار شدن فرد انسان این است که جامعه بر خلاف طبیعت او رفتار کند و او را محروم و منحرف بار بیاورد» (شاملو، ۱۳۶۳: ۹۱).

جامعه‌شناسان ریشه بسیاری از کج‌روی‌های اجتماعی را در محیط و شرایط اجتماعی جستجو می‌کنند. «اجتماع آلوده از انسان‌های درستکار و پاک‌سرشت، مردمانی ناسازگار و ناپاک به وجود می‌آورد و تخم بزهکاری را در میان انسان‌های سالم پرورش می‌دهد» (ستوده، ۱۳۷۶: ۱۲۶).

هم‌چنان که یک جامعه‌شناس با مطالعه خصائص و ضرورت‌های اجتماعی راه‌حلی برای مشکلات طبقات یا قشرهای اجتماعی بیان می‌کند و مسائلی از قبیل تقلید، جهل، غفلت و دیگر امور را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد، مولوی نیز به ای‌گونه مسائل در جامعه عصر خویش توجهی خاص داشته است (سلیم، ۱۳۷۷: ۱۶۱) و با توجه به احساس مسؤلیت و جوهره تعهدی که وی به جامعه و مردم در درون خویش احساس می‌کند، می‌کوشد با تبیین مسائل موجود در جامعه و شخصیت‌های داستان‌ها، زمینه مناسبی برای اصلاح آن فراهم آورد. در نظر روان‌شناسان شخصیت مجموعه‌ای از ویژگی‌های اجتماعی و هیجانی است که ممکن است مستقیماً قابل مشاهده نباشد و این ویژگی‌های نسبتاً پایدار، شیوه انطباق ما با دنیا را نشان می‌دهد. «شخصیت هر فردی بی‌همتا است. یعنی گذشته از شباهت‌هایی که بین مردم وجود دارد، هر کس از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار است که او را از دیگران متمایز می‌کند.» (ساتراک، ۱۳۸۳: ۱۲۷)

یکی از ارکان مهم داستان رمان، حکایت قصه‌های کهن و ...، شخصیت داستان است؛ تا آنجا که تصور داستان و ... بدون شخصیت محال است. «از نظر فن داستان‌نویسی، شخصیت‌ها افرادی هستند که در یک اثر نمایشی یا روایی ارائه می‌شوند و خواننده بر مبنای استنباط از خلق و خو و صفات اخلاقی و عاطفی‌ای که در گفته‌ها - دیالوگ و نیز رفتار - اعمال داستانی - آن‌ها بروز می‌یابند، آن‌ها را تجزیه و تحلیل می‌نماید. اساساً شخصیت داستانی ممکن است از آغاز یا پایان یک اثر به لحاظ ظاهر و رفتار ثابت یا تغییرناپذیر باقی بماند و یا ممکن است طی مراحل تدریجی یا به سرعت دچار تغییر اساسی شود» (ایرمرز، ۱۳۸۶: ۶۳).

شخصیت‌ها را از لحاظ گوناگون تقسیم‌بندی کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین این تقسیم‌بندی‌ها، تقسیم‌بندی شخصیت به ایستا و پویا است.

«شخصیت‌های ایستا در طول داستان متحول نمی‌شوند - اگرچه ممکن است جامع هم باشند - اما شخصیت‌های پویا دچار دگردیسی شخصیتی می‌شوند و در اثر رویدادهای داستان متحول می‌شوند» (مستور، ۱۳۷۹: ۳۰). «شخصیت ایستا، شخصیتی است که تغییر نکند با اندک تغییری را بپذیرد؛ به عبارتی در پایان داستان همان باشد که در آغاز بوده است و حوادث داستان بر او تأثیر نکند یا اگر تأثیر بکند، تأثیر کمی باشد» (میرصادقی، ۱۳۷۹: ۹۴). شخصیت پویا، «شخصیتی است که مدام در داستان، دست‌خوش تغییر و تحول باشد و جنبه‌ای از شخصیت او، عقاید و جهان‌بینی او یا خصلت و خصوصیت شخصیتی او دگرگون شود» (همان: ۹۴). «شخصیت ایستا شخصیتی است که از اول تا آخر داستان، تحولی در رفتارش روی نمی‌دهد؛ یعنی همان‌طور می‌ماند که در اول داستان بوده است» (پیرین، ۱۳۷۸: ۵۶). «شخصیت پویا در برخی از ابعاد شخصیتش، تحولی دائمی و ماندنی روی می‌دهد. این تغییر و تحول ممکن است خیلی زیاد یا خیلی کم باشد. همچنین ممکن است رو به خوبی یا بدی باشد، اما باید حتماً مهم و بنیادی باشد» (همان: ۵۴).

اگرچه بسیاری از منتقدین معتقدند که تحول شخصیت بیشتر در رمان مطرح می‌شود و شخصیت‌های حکایات و قصه‌ها بیشتر ایستا هستند. «اصولاً قصه‌ها، چه کوتاه و چه بلند، اغلب شخصیت‌های ایستایی دارند» (میرصادقی، ۱۳۷۹: ۹۶). اما یکی از هنرهای مولوی در مثنوی تغییر شخصیت‌های ایستا به پویا است.

در این مقاله تلاش می‌شود علل و تأثیر مسائل اجتماعی و اخلاقی بر تحول شخصیت‌های داستان‌های مثنوی بررسی شود.

شخصیت

اشخاص ساخته‌شده (مخلوقی) را که در داستان و نمایشنامه و ... ظاهر می‌شوند، شخصیت می‌نامند. شخصیت در اثر روایتی با نمایشی، فردی است که کیفیت روانی و اخلاقی او در عمل او و آنچه می‌گوید و می‌کند، وجود داشته باشد. خلق چنین شخصیت‌هایی را که برای خواننده در حوزه داستان تقریباً مثل افراد واقعی جلوه می‌کنند، شخصیت‌پردازی می‌خوانند (میرصادقی، ۱۳۷۹: ۸۴-۸۳).

در کتاب‌های نقد داستان از یک دیدگاه خاص، داستان‌ها را به دو دسته کلی تقسیم‌بندی می‌کنند:

الف - داستان‌هایی که به صورت مستقیم به وقایع، اشخاص و جهان ویژه خود (واقعی با خیالی) نظر دارند.

ب - داستان‌هایی که به صورت غیرمستقیم و با واسطه، به مدلول خاص خود دلالت می‌کند.

دسته اول شامل تمامی قصه‌ها، افسانه‌ها، اساطیر، حماسه‌ها و نیز بسیاری از رمان‌ها و داستان‌های امروزی است و دسته دوم شامل داستان‌های رمزی و تمثیلی است. به تبع این نوع تقسیم‌بندی، شخصیت‌های داستانی نیز بر دو گونه کلی‌اند:

الف) شخصیت‌های واقعی و خیالی. ب) شخصیت‌های تمثیلی و رمزی. شخصیت‌های تمثیلی و نمادین بر خلاف شخصیت‌های واقعی شخصیت‌هایی جانشین - شونده هستند؛ به این معنا که شخصیت یا شخصیت‌هایی، جانشین فکر و خلق و خو و خصلت و صفتی می‌شوند. این «تیپ» از شخصیت‌ها نویسنده را قادر می‌کند تا مفاهیم اخلاقی با کیفیت - های روحی و روشن‌فکرانه را به قالب عمل در آورد. برای مثال در مثنوی، ابراهیم (ع)، ابلیس، ابوجهل، ایاز، بایزید، جالینوس، حسام‌الدین، خسرو و شیرین، رستم و زال و ... از گونه نخست و پادشاه و کنیزک یا ترک و درزی و یا دو برادر، یکی کوسه و یکی امرد از گونه دوم هستند. البته گاهی شخصیت‌های واقعی جنبه تمثیل یا نمادین بودن به خود می‌گیرند؛ از جمله «رستم» که در بیشتر موارد، تمثیل و نماد «شجاعت و قدرت» است و یا اینکه بایزید» و یا «حسام‌الدین» که ممکن است تمثیل و نماد «انسان کامل» واقع شوند.

این دو «تیپ» و گونه شخصیتی در مثنوی از دایره شمول گسترده‌ای برخوردارند که در برگرفته پیامبران، خلفا، شاهان، عارفان، عالمان و بسیاری از افراد بی‌نام و نشان از قشرهای گوناگون اجتماع چون درویش، پیر، بیمار، طبیب، تاجر، گدا، پاسبان، عاشق، مست و محتسب و ... و نیز حیواناتی چون، شیر و روباه و خرگوش است. باید گفت، شخصیت‌های تمثیلی در مثنوی به مانند آنچه در کتبی چون کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه و سندبادنامه و یا منطق‌الطیر آمده‌اند، بیشتر از نوع غیرانسان و غالباً حیوانات هستند (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۹: ۱۵۰).

شخصیت‌پردازی مولوی

در کتاب «عناصر داستان» به شیوه‌های سه‌گانه شخصیت‌پردازی اشاره رفته است (میرصادقی، ۱۳۷۹: ۹۱-۸۷):

- الف) آرایه صریح شخصیت‌ها با یاری گرفتن از شرح و توضیح مستقیم
 ب) ارائه شخصیت‌ها از طریق عمل آنان با کمی شرح و تفسیر یا بدون آن
 ج) ارائه درون شخصیت بدون تغییر و تفسیر
 اگر بر مبنای این روش به بررسی شخصیت‌پردازی مولانا بپردازیم، باید گفت که مولوی

در مثنوی به طور کلی از سه شیوه در پردازش شخصیت‌ها سود جست که عبارت است از:
الف) شیوه مستقیم: در این شیوه او به طور مستقیم و با صراحت به معرفی شخصیت‌ها
می‌پردازد و اعمال و افکار، احساسات، اندیشه‌ها و ویژگی‌های آن‌ها را بیان می‌کند؛ برای مثال:

او خدو انداخت بر روی علی افتخار هر نبی و هر ولی
(مولوی، ۱۳۸۷: ج ۱ / ب ۲۷۲۳)

قوت جبریل از مطبخ نبود بود از دیدار خلاق وجود
(همان، ج ۳ / ب ۶)

با مریدان آن فقیر محشتم بایزید آمد که نک یزدان منم
(همان، ج ۴ / ب ۲۱۲۰)

آن ایاز از زیرکی انگیخته پوستین و چارقش آویخته
(همان، ج ۵ / ب ۱۸۵۷)

ب) شیوه غیرمستقیم: در این روش او مستقیماً در مورد شخصیت‌ها اظهار نظر نمی‌کند
بلکه تنها به نمایش کردارهای آن‌ها می‌پردازد و خواننده، خود از خلال اعمال و اقوال و نقشی
که ایفا می‌کنند به احساسات و اندیشه‌ها و ویژگی‌های درونی آن‌ها پی می‌برد؛ برای مثال:

اندر آخر حمزه چون در صف شدی بی‌زره سرمست در غزو آمدی
سینه باز و تن برهنه پیش پیش درفکندی در صف شمشیر خویش
(همان، ج ۳ / ابیات ۲۴۲۰-۲۴۱۹)

که در بیان شجاعت حمزه است؛ بدون اینکه به صراحت بدان اشاره کرده باشد. همچنین
ابیات زیر:

چون که جعفر رفت سوی قلعه‌ای قلعه پیش کام خشکش جرعه‌ای
یک سواره تاخت تا قلعه به کر تا در قلعه بیستند از حذر
زهره نه کس را که پیش آید به جنگ اهل کشتی را چه زهره با نه‌نگ
(همان، ج ۶ / ابیات ۳۰۲۹-۳۰۲۷)

که در بیان شجاعت و دلآوری جعفر طیار است بدون اینکه به صراحت به آن پرداخته باشد
و مخاطب، خود از فحوای کلام مولوی به شجاعت جعفر طیار آگاه می‌شود.

ج) شیوه تلفیقی (مستقیم و غیرمستقیم)

در این شیوه مولوی با آمیزه‌ای از دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم به پردازش شخصیت‌ها
اقدام کرده است؛ برای مثال:

رو به هستی داشت فرعون عنود لاجرم از کارگشاهش دور بود

لاجرم می‌خواست تبدیل قدر
خود قضا بر سبقت آن حيله‌مند
صد هزاران طفل کشت او بی‌گناه
تا که موسی نبی ناید برون
آن همه خون کرد و موسی زاده شد
تا قضا را باز گرداند ز در
زیر لب می‌کرد هر دم ریشخند
تا بگردد حکم و تقدیر اله
کرد در گردن هزاران ظلم و خون
وز برای قهر او آماده شد
(همان، ج ۲ / ب ۷۶۴-۷۵۸)

اگر چه در بیت نخستین، مستقیماً فرعون را «عنود» و ستیزه‌گر خوانده است در ابیات بعد با آوردن تعبیری چون «تبدیل قدر خواستن»، «مورد ریشخند قضا واقع شدن»، «کودکان را کشتن»، «مخالفت کردن باموسی»، به نوعی صفت «عنود» بودن او را بسط و گسترش داده است؛ آن‌گونه که مخاطب بدون نیاز به بیت اول و تنها با خواندن ابیات بعدی می‌تواند به ویژگی «شنود» بودن فرعون پی ببرد؛ همچنین در این مورد:

بوالبشر که علم الاسما بگ است
اسم هر چیزی چنان کان چیز هست
هر لقب کاو داد آن مبدل نشد
صد هزاران علمش آندر هر رگ است
تا به پایان جان او را داد دست
آن که چستش خواند او کامل نشد
(همان، ج ۱ / ب ۱۲۳۴-۱۲۳۳)

اگرچه در بیت اول با صفت «علم الاسما بگ» از آدم یاد کرده است، آنچه در ابیات بعد آورده، تعبیری غیر مستقیم از علم الاسما بودن اوست.

نظری کلی مولوی درباره شخصیت‌های داستان‌ها

به اعتقاد مولانا، شخصیت انسان چیزی جز جان و روح وی نیست و هر گاه این جان و روح از انسان ساقط شود، او مرده است:

مرده گردد شخص، کو بی‌جان شود
زآنکه جایی کآن ندارد، هست پست
خر شود چون جان او بی‌آن شود
این سخن حقست و صوفی گفته است
(مولوی، ۱۳۸۷: ج ۴ / ابیات ۱۵۱۲-۱۵۱۱)

در نظر مولوی، انسان علت غایی خلقت جهان است و این حکایت از ظرفیت متعالی شدن شخصیت انسان دارد:

ظاهر آن شاخ، اصل میوه است
گر نبودی میل و امید ثمر
پس به معنی آن شجر از میوه زاد
باطناً بهر ثمر شد شاخ، هست
کی نشاندی باغبان بیخ شجر
گر به صورت از شجر بودش ولاد
(مولوی، ۱۳۸۷: ج ۴ / ابیات ۵۲۴-۵۲۲)

طبق دیدگاه مولانا، شخصیت انسان آمیزه‌ای از قوا و استعدادهای متضاد است. به نظر او وجود آدمی همانند یک جنگل انبوه، پیچیده و لایه در لایه است (ر ک به مولوی، ۱۳۸۷: ج ۲ / ابیات ۱۴۱۷-۱۴۱۶). مولانا انسان را مجموعه‌ای از دو متضاد دانسته است، نیمی فرشته و نیمی از خر (ج ۴ / ب ۱۵۰۲)، نیمی حیوان و نیمی حی با رشاد (ج ۴ / ب ۱۵۴۱)، او گاه از باطن و ظاهر سخن به میان می‌آورد و باطن را گوهر و ظاهر را سنگ خوانده است:

وز درون دارد صفات انـوری	زآنکه دارد خاک، شکل آغـبری
باطنش چون گوهر و، ظاهر چو سنگ	ظاهرش با باطنش گشته به جنگ
باطنش گوید: نکوبین پیش و پس	ظاهرش گوید که: ما اینیم و بس
باطنش گوید که: بنماییم بیست	ظاهرش منکر که: باطن هیچ نیست
لاجرم زین صبر، نصرت می‌کشند	ظاهرش با باطنش در چالش‌اند

(مولوی، ۱۳۸۷: ج ۴ / ابیات ۱۰۱۱-۱۰۰۷)

ظاهر انسان جسمی است با توانمندی‌های محدود؛ اما باطن او جانی نامحدود دارد که قابلیت پیوستن به خدا و حقیقت جهانی را دارد و جسم دیر یا زود فناشدنی است. جسم روز به روز تحلیل می‌رود تا در نهایت به خاک بیبوند اما روح و جان آدمی استعداد گسترش و متعالی شدن و رسیدن به عالم ربانی و جاودانه شدن را دارد. عرفای بزرگ نام و آثارشان جاودانه شده است به دلیل این که روح آن‌ها به حق پیوسته و ابدی گردیده است. مطابق آنچه گفته شد، شخصیت مجموعه‌ای از ویژگی‌هایی است که ممکن است آشکار نباشد. مولانا بر جنبه غیر آشکار وجودی شخصیت انسان اشاره می‌کند و می‌گوید:

وز صفت، اصل جهان این را بدان	پس به صورت، آدمی فرع جهان
باطنش باشد محیط هفت چرخ	ظاهرش را پشه‌ای آرد به چرخ

(مولوی، ۱۳۸۷: ج ۴ / ابیات ۳۷۶۶-۳۷۶۷)

پس به معنی عالم اکبر تویی	پس به صورت عالم اصغر تویی
---------------------------	---------------------------

(مولوی، ۱۳۸۷: ج ۴ / ب ۵۲۱)

لیک در باطن یکی خلقی عظیم	آدمی را هست حسّ تن سقیم
لیک هست او در صفت آتشنزّه	بر مثال سنگ و آهن این تنه

(مولوی، ۱۳۸۷: ج ۴ / ابیات ۳۷۶۰-۳۷۵۹)

همچو طعم روغن اندر طعم دوغ	جوهر صدقت خفی شد در دروغ
راستت، آن جان ربانی بُود	آن دروغت این تن فانی بُود
روغن جان اندر او فانی و لاش	سال‌ها این دوغ تن پیدا و فاش

(مولوی، ۱۳۸۷: ج ۴ / ابیات ۳۰۳۲-۳۰۳۰)

جسم ما، روپوش ما شد در جهان
 ما چو دریا زیر این گه در نهان
 خلق ما بر صورت خود کرد حق
 (مولوی، ۱۳۸۷: ج ۴ / ب ۸۲۳)

وصف ما، از وصف او گیرد سبق
 (مولوی، ۱۳۸۷: ج ۴ / ب ۱۱۹۶)

از آن رو که همه آدمیان به صورت، شبیه یکدیگرند و به سیرت مختلف؛ و از آن رو که اصل گوهرین آدمی، سیرت است نه صورت، پس آزمایش لازم است. بدین سان جمیع آدمیان به بوته آزمایش می‌شوند تا سرشت و شاکله هر کس در ظهور آید. مولانا اگرچه انسان را از مجموعه حیوانات و فرشتگان جدا نساخته است، با این همه انسان‌ها را صاحب شخصیت‌های مختلف دانسته است. از شخصیت مؤمنان، کافران، عاصیان و عابدان سخن گفته است و کسانی چون پیامبر (ص) را در مقابل افرادی هم‌چون ابوجهل قرار داده است. مولانا پس از تقسیم موجودات به فرشته، انسان و حیوان، انسان‌ها را هم ذو مراتب دانسته و فرموده است:

انسان برین (انسان کامل):

وین بشر هم، ز امتحان قسمت شدند
 آدمی شکل‌اند و، سه امت شدند
 یک گروه، مستغرق مطلق شدند
 هم‌چو عیسی با ملک ملحق شدند
 نقش آدمی، لیک معنی جبریل
 رسته از خشم و هوی و قال و قیل
 از ریاضت رسته، وز زهد و جهاد
 گوییا از آدمی او خود نزاد
 (مولوی، ۱۳۸۷: ج ۴ / ابیات ۱۵۰۸-۱۵۰۵)

انسان فرودین (انسان ناقص):

قسم دیگر با خران، ملحق شدند
 قسم دیگر با خران، ملحق شدند
 وصف جبریلی در ایشان بود، رفت
 مرده گردد شخص، کو بی‌جان شود
 از آنکه جانی کان ندارد، هست پست
 این سخن حق است و، صوفی گفته است
 خشم محض و شهوت مطلق شدند
 تنگ بود آن خانه و، آن وصف زفت
 خر شود چون جان او بی‌آن شود
 (مولوی، ۱۳۸۷: ج ۴ / ابیات ۱۵۱۲-۱۵۰۹)

انسان میانین:

به اعتقاد مولانا کسی است که نه وجه رحمانیش بر او غالب است و نه وجه حیوانیش. به تعبیر دیگر او انسانی برزخی است. نه انسان برین است و نه انسان فرودین:

ماند یک قسم دگر اندر جهاد
 نیم حیوان، نیم حی با رشاد
 روز و شب در جنگ و اندر کشمکش
 کرده چالیش آخرش با اولش
 (مولوی، ۱۳۸۷: ج ۴ / ابیات ۱۵۳۲-۱۵۳۱)

یکی از ویژگی‌های شخصیت، متفاوت بودن آن در شرایط مختلف است. «در نظر مولوی

خاموشی، خصوصاً به گاه توفیدن شهوت کلام در برابر مخاطب نادان گرچه دشوار و امری مستعصب است اما در عوض متانت روح و وقار شخصیت به ارمغان می‌آورد». (زمانی، ۱۳۸۸: ۹۵۰)

ور نباشد اهل این ذکر و قنوت پس جواب الاحمق ای سلطان، سکوت
(مولوی، ۱۳۸۷: ج ۴ / ب ۱۶۸۲)

پس جواب احمق آمد خامشی این درازی در سخن چون می‌کشی؟
(مولوی، ۱۳۸۷: ج ۴ / ب ۱۴۸۸)

با توجه به آنچه در تعریف شخصیت گفته شد، شخصیت انسان‌ها، بر خلاف شباهت‌های ظاهری آن‌ها، با یکدیگر تفاوت دارد. هیچ‌گاه دو انسان وجود ندارد که از نظری شخصیتی مثل و مانند هم باشند. لذا مولانا اذعان می‌دارد که انسان‌ها از نظر شخصیتی در سطوح مختلفی می‌باشند که هر کدام از آن‌ها دارای ویژگی‌ها و صفات مخصوص به خود است:

گوش بعضی زین تعالوها کر است هر سُتوری را صطبلی دیگر است
منهزم گردند بعضی زین ندا هست هر اسبی طویله او جدا
(مولوی، ۱۳۸۷: ج ۴ / ابیات ۲۰۱۳-۲۰۱۴)

در نظر مولانا یکی از صفات و ویژگی‌های شخصیت آن است که در شرایط مختلف، متفاوت می‌باشد. از دیدگاه روان‌شناسی نیز شخصیت و رفتارهای انسان تحت تأثیر شرایط زیستی و محیطی متغیر است:

هر زمان مبدل شود چون نقش جان نو به نو بیند جهانی در عیان
گر بود فردوس و انهار بهشت چون فسرده یک صفت شد، گشت زشت
(مولوی، ۱۳۸۷: ج ۴ / ابیات ۲۳۸۲-۲۳۸۳)

تأثیر مولفه‌های اجتماعی در شخصیت‌های داستان‌های مثنوی

گاهی مولوی با بیان ویژگی‌های ظاهری یا باطنی اشخاص که پستی و بلندی‌های جامعه بر آن‌ها مؤثر بوده است، به پرداخت شخصیت آن‌ها مبادرت می‌ورزد؛ از جمله:

هفت سال ایوب با صبر و رضا در بلا خوش بود با ضیف خدا
(مولوی، ۱۳۸۷: ج ۵ / ب ۳۶۸۹)

آن بلیس از خمر خوردن دور بود مست بود او از تکبر وز جحود
(همان: ج ۴ / ب ۳۶۱۴)

که با بیان صفات باطنی صبر در ایوب و تکبر در ابلیس، شخصیت آن‌ها را به مخاطب معرفی کرده و در مورد زیر علاوه بر صفات باطنی با بیان ویژگی‌های ظاهری به این امر مبادرت

ورزیده است:

آن ضیاء دلق خوش الهام بود / دا در آن تاج شیخ اسلام بود
تاج شیخ اسلام دارالملک بلخ / بود کوتاه قد و کوچک همچو فرخ
گرچه فاضل بود و فحل و ذوفنون / این ضیا اندر ظرافت بد فزون
او بسی کوتاه ضیا بی حد دراز بود / شیخ اسلام را صد کبر و ناز
(همان: ج ۵ / ابیات ۳۴۷۲-۳۴۶۹)

بیشتر شخصیت‌های مثنوی اعم از واقعی یا تمثیلی - نمادی به صورت کلی و نمونه نوعی مطرح شده است؛ یعنی آنچه را مولوی در شخصیت‌پردازی آن‌ها بدان توجه داشته، ویژگی‌های اجتماعی آن‌ها بوده است نه خصایص فردی و شخصی. از این رو عاشق و معشوق، فقیر و غنی، محتسب، زاهد، پادشاه، شهری و روستایی، قاضی، خواجه و غلام، پاسبان، تاجر، ترک و درزی، عجوزه و ... بیشتر شخصیت‌هایی با درجات مختلف اجتماعی هستند و هویت شخصی ندارند؛ برای مثال موسی و فرعون در مثنوی بیش از اینکه به صورت حقیقت شخصیه مطرح باشند به صورت حقیقت جامعه نمود یافته‌اند؛ به دیگر سخن، موسی و فرعون به دو فرد خاص در مقطعی از تاریخ محدود نمی‌شوند، بلکه صفات و ممیزات هر یک از آن دو در طول تاریخ در یکایک انسان‌ها ظهور می‌کند؛ چنان‌که شمس تبریزی در مقالات خود بدین مطلب تصریح کرده است. موسی مظهر روح ایمانی و عقل معاد است و فرعون مظهر نفس اماره و سرکش و عقل معاش بنابراین موسی و فرعون به صورت حقیقت اجتماعی در انسان‌ها ظهور می‌کنند. از این رو مولانا در انتهای این حکایت مقصود خود را باز می‌گوید:

آنچه در فرعون بود، اندر تو هست / لکن اژدرهات، محبوس چه است
ای دریغ این جمله احوال تو است / تو بر آن فرعون بر خواهیش بست
(همان: ج ۳ / ابیات ۱۸۹۵-۱۸۹۴)

این نکته نیز که آنچه مولانا در مثنوی در قصه عیاضی از زبان او نقل می‌کند، در روایت عطار در باب شیخ احمد خضرویه مذکور است، شاهد دیگری است که هم معلوم می‌دارد در چنین قصه‌ها نظر به شخص نیست، قصه ناظر به نوع اولیا و احوال اجتماعی تأثیرگذار بر آن‌هاست (زرین کوب، ۱۳۶۶: ۱۴۷).

کلی بودن شخصیت‌ها در مثنوی، حاصل تعامل دو ویژگی اجتماعی آن‌ها است: یکی جنبه داستان‌پردازانه مثنوی که هدف آن بیان اندیشه‌ها و تشریح صفات اجتماعی انسان است و دیگر جنبه تمثیلی و نمادین بودن مثنوی است که خود به تنهایی عاملی مهم در گرایش آن به این مسأله است.

گاهی مولوی خود به صراحت در مورد اشخاص به بحث و اظهار نظر می‌پردازد؛ گاه حوادث

و سرگذشت تاریخی - اجتماعی آن‌ها را بدون کم و کاست بیان می‌دارد و گاه با دخل و تصرف در آن و بیان تعبیر، صفات و القاب گوناگون برای صاحب آن، طرحی نو در می‌اندازد که خاص او، و بیانگر دیدگاه واقعی و شخصی او در مورد آن شخصیت است؛ برای مثال در مورد گناه آدم (ع) یعنی خوردن از شجره ممنوع (گندم) گاهی مطابق روایات و آیات (اعراف ۱۹) آن را حاصل وسوسه انگیزی ابلیس دانسته و گفته است:

این چنین تهدیده‌ها آن دیو دون
خویش جالینوس سازد در دوا
کین تو را سود است از درد و غمی

آرد و بر خلق خواند صد فسون
تا فریید نفس بیمار تو را
گفت آدم را همین در گندمی

(مولوی، ۱۳۸۷: ج ۵ / ابیات ۱۵۳-۱۵۵)

اوست کادم را به گندم رهنماست
(همان: ج ۶ / ب ۱۳۴۱)

گاهی نیز متناسب با مشرب تعلیمی - عرفانی خود در مقام تمثیل به آن استناد جسته و از آن بهره برده است؛ برای مثال

- خوردن گندم نتیجه تأویل فرمان حق بود:

این چنین آدم که نامش می‌برم
این همه دانست، چون آمد قضا
کی عجب، نهی از پی تحریم بود
در دلش تأویل چون ترجیح یافت

گر ستایم تا قیامت قاصرم
دانش یک نهی شد بر وی خطا
یا به تأویلی بدو توهیم بود؟
طبع در حیرت سوی گندم شتافت

(مولوی، ۱۳۸۷: ج ۱ / ابیات ۱۲۴۶-۱۲۴۸)

- خوردن گندم دامی بود برای گرفتار شدنش:

دام آدم خُوشه گندم شده
تا وجودش توشه مردم شده

(همان: ج ۱ / ب ۲۷۹۰)

- خوردن گندم به درخواست حوا صورت پذیرفت:

چند با آدم بلیس افسانه کرد
چون حوا گفتش: بخور، آنگاه خورد

(همان: ج ۶ / ب ۴۴۷۰)

مولانا در داستان مناظره مرغ با صیاد در ترهُّب (۶/۴۸۳) با استناد به این حدیث پیامبر «لا رَهْبَانِيَه و لا فِی السَّلام» (فروزانفر، ۱۳۸۵: ۵۲۸) که با توجه به آن، اسلام ترک دنیا و بریدن از زندگی دنیایی را صلاح نمی‌داند، گوشه‌گیری از مردم و دور از جمع بودن را در شخصیت «مرغ» نقد می‌کند:

مرغ گفتش خواجه در خلوت مه‌ایست
از تره‌ب نهی کرده است آن رسول
جمعه شرط است و جماعت در نماز
رنج بدخویان کشیدن زیر صبر

دین احمد را تره‌ب نیک نیست
بدعتی چون در گرفتی ای فضول
امر معروف و ز منکر احتراز
منفعت دادن به خلقان همچو ابر

(مولوی، ۱۳۸۷: ج ۶ / ابیات ۴۸۶-۴۸۳)

مرغ ضمن نفی رهبانیت، از جوشیدن با خلق و منفعت دادن آن‌ها سخن می‌گوید. در واقع مناظره صیاد و مرغ مناظره‌ای است میان اعتقاد به عزلت و گرایش به جمع و سخن از کشیدن بار خلق است که تره‌ب از آن گریزان می‌باشد، مولانا خاطر نشان می‌کند که ترکیب انسان را از تحمل ایذاء بدخویان و از فایده رساندن به خلق باز می‌دارد و حضور در مراسم جمعه و جماعت و اقدام به امر معروف و نهی از منکر را برای وی ناممکن می‌سازد» (زرین کوب، ۱۳۸۸، ج ۱ / ۴۱۲) و با استناد به حدیث «خَيْرُ النَّاسِ انْفَعُهُم لِلنَّاسِ» (فروزانفر، ۱۳۸۵: ۵۲۹) بهترین مردم را کسی می‌داند که خیرش در سطح جامعه بیشتر به دیگران می‌رسد و در غیر این صورت هم‌چون سنگ و کلوخی است که وجودش برای دیگران بی‌فایده می‌باشد:

خَيْرُ نَاسٍ أَنْ يَنْفَعُ النَّاسَ أَيِ پَدَر
گَر نِه سَنَگِ چِه حَرِیْفِی بَا مَدَر

(مولوی، ۱۳۸۷: ج ۶ / ب ۴۸۸)

هست سنت ره جماعت چون رفیق
بی‌ره و بی‌یار افستی در مضیق

(همان: ب ۵۰۷)

از جمله معضلات اجتماعی که در سطح کلان در شخصیت‌های داستان‌های مثنوی، نمود دارد، شکم‌بارگی و لذت‌طلبی صوفیان است. این شکم‌بارگی و ذوق لوت و پوت که از دیرباز همواره دستاویز طعن و شنت منکران در حق صوفیه بوده است، بدون شک از آنجا ناشی شده است که صوفیه به ندرت فرصت آن را می‌یافتند که دسترسی به غذای کافی پیدا کنند و در مورد اهل خانقاه پیداست که وقتی دیر دیر به کام و مراد خویش می‌رسند در حق آن‌ها گفته می‌شود: «از آن سبب صوفی بود بسیار خوار» (همان: ج ۲ / ب ۵۳۶) (زرین کوب، ۱۳۶۶: ۳۸۸).

مولانا در داستان فروختن بهیمه مسافر (مولوی، ۱۳۸۷: ج ۲ / ب ۵۱۷) به این صفت صوفیان پرداخته است:

صوفیان تقصیر بودند و فقیر
ای توانگر که تو سیری هین مخند
از سر تقصیر آن صوفی رمه
کاد فقر آن یعتی کفرأ یبیر
بر کثری آن فقیر دردمند
خرفروشی در گرفتند آن همه

(مولوی، ۱۳۸۷: ج ۲ / ابیات ۵۲۲-۵۲۰)

دیگر یابد صوفی از روزگار
جز مگر آن صوفی کز نور حق
از آن سبب صوفی بود بسیار خوار
سیر خورد او فارغ است از ننگ دق
(همان: ابیات ۵۳۷-۵۳۶)

مولانا اذعان دارد که در کنار صوفیان شکم‌باره، صوفیانی نیز هستند که نیازی به غذای مادی ندارند و در خانه این و آن را نمی‌زنند، زیرا نور معرفت حق آن‌ها را سیر می‌کند:
کیست آن صوفی شکم‌خوارِ خسیس
تا بود با چون شما شاهان جلیس
(همان: ب ۲۱۸۲)

طمع لوت و طمع آن ذوق و سماع
مانع آمد عقل او را ز اطلاع
(همان: ب ۵۷۴)

حکایت عشق صوفی بر سفره تهی (ج ۳ / ب ۳۰۱۶) نمونه دیگری از این خصیصه در صوفیان است:

صوفیی بر میخ روزی سفره دید
چرخ می‌زد جامه‌ها را می‌درید
بانگی می‌زد نک نوای بی‌نوا
قحط‌ها و دردها را نک دوا
(همان: ج ۳ / ۳۰۱۷ - ۳۰۱۶)

تقلید کردن بیهوده نیز از جمله معطلات اجتماعی تأثیرگذار در شخصیت‌های داستانی در مثنوی است. در واقع، یکی از بزرگ‌ترین بلاها و گرفتاری‌های جامعه انسانی همانا تقلید و از دست دادن استقلال اراده و فکر است. خطر این موضوع برای انسان به قدری است که با نابودی و فنای آن برابری داشته و به کلی از هستی و آثار آن ساقط می‌سازد. «تقلید مفاسدی را در بر دارد که شاید به وسائل عادی خسارات آن تدارک و جبران نگردد. اخذ نظر دیگران در موضوعاتی بی‌اشکال و خالی از ضرر است که انحراف، کج‌روی، گمراهی و فاصله از حق و حقیقت را تولید نکند و به سوی خطرات روحی و جسمی نکشاند» (مجتهدی نجفی، بی‌تا: ۴۳۵).

عصر مولانا به سبب شرایط اجتماعی ایران، عصر برخاستن تمییز و دوران سلطه جهل و غرض بوده است؛ به همین دلیل تقلید که یکی از نتایج بی‌خردی و جهل آدمی است در آن دوران بسیار دیده می‌شود. مولانا هم‌چون یک جامعه‌شناس به این پدیده اجتماعی و زبان‌های آن پرداخته است. وی در حکایتی این مسأله را به خوبی به تصویر می‌کشد. شخصی از ترس، خویشان را در خانه‌ای انداخت و رنگ‌پریده بود. صاحب‌خانه از وی پرسید که چه خبر شده؟ گفت: بیرون خر می‌گیرند، گفت: مبارک که خر می‌گیرند تو از چه می‌ترسی؟ گفت: خر به جد می‌گیرند، تمییز برخاسته است امروز، ترسم که مرا خر گیرند (استعلامی، ۱۳۸۷: ج ۵ / ۱۲۴):

گفت می‌گیرند گو خر جان عم
چون نهایی خر رو تو را زین چیست غم؟

گفت بس جدّد و گرم اندر گرفت
 بهر خر گیری بر آوردند دست
 چون که بی‌تمییزان مان سرورند
 صاحب خر را به جای خر برند
 (مولوی، ۱۳۸۷: ج ۵ / ابیات ۲۵۴۷-۲۵۴۴)

عصر مولانا به سبب شرایط اجتماعی ایران عصر برخاستن تمییز و دوران سلطهٔ جهل و غرض بوده است؛ به همین دلیل تقلید که یکی از نتایج بی‌خردی و جهل آدمی است در آن دوران بسیار دیده می‌شود. مولانا هم چون یک جامعه‌شناس به این پدیدهٔ اجتماعی و زیان‌های آن پرداخته است و معتقد است که مقلد به سبب آن که نسبت به کارهایی که انجام می‌دهد آگاهی و دانایی ندارد و از سر تقلید هر کاری را انجام می‌دهد اگر او را مورد امتحان قرار دهند رسوا می‌شود:

گرچه تقلید است اُستون جهان
 هست رسوا هر مقلد ز امتحان
 (همان: ج ۵ / ب ۴۰۵۵)

مولانا یکی از دلایل کفرورزی انسان‌ها را تقلید آن‌ها از گذشتگان و پدرانشان می‌داند. «علاقهٔ شدید به نیاکان و پیشینیان که گاهی در هاله‌ای از عظمت و قداست فرو می‌روند، هرچند هیچ‌گونه شایستگی نداشته باشند اما نسل‌های آینده چشم و گوش بسته به دنبال آن‌ها حرکت می‌کنند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ج ۱ / ۳۵۲).

مولانا در داستان جواب ده‌ری که منکر الوهیت است و عالم را قدیم می‌داند این مسأله را عنوان می‌کند:

این به تقلید از پدر بشنیده‌ای
 از حماقت اندر این پیچیده‌ای
 (مولوی، ۱۳۸۷: ج ۴ / ب ۲۸۳۸)

بررسی نارسایی‌های اجتماعی و فسادهای خطرناکی در طول تاریخ نشان می‌دهد که جهل و نادانی عاملی بسیار مهم در عقب‌ماندگی توده‌های مردم و بروز جنگ‌ها، کشتارها، انحراف‌های اخلاقی و جنسی به شمار می‌آید. امام علی (ع) می‌فرماید: «العلم أصل کل خیر و الجهل أصل کل شر» در این حدیث امام، جهل را یک عامل تمام‌عیار در تکوین مفاسد اجتماعی و اخلاقی معرفی می‌کند (بابازاده، ۱۳۷۴: ج ۱ / ۱۱-۱۴).

تقلید کورکورانه از عدم تعقل و تفکر سرچشمه می‌گیرد، دلیل آن نیز روشن است افراد عالم و آگاه دارای استقلال فکری هستند و استقلال فکری به آن‌ها اجازهٔ تقلید کورکورانه نمی‌دهد، این جاهلانند که همواره وابسته به این و آن می‌شوند. «جهل عامل سوء ظن و بدبینی است. اگر انسان در پرتو آگاهی قدرت کافی و عدم توانایی بر تجزیه و تحلیل صحیح حوادث داشته باشد

این چنین گرفتار سوءظن و بدگمانی نمی‌شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ج ۱ / ۸۶-۹۶). انسان فطرتاً از جهالت و نادانی می‌گریزد و علم و آگاهی را که یکی از ابعاد مهم معنویت می‌داند، بسیار ارج می‌نهد. در انسان علم و دانش نه فقط از آن جهت که به او توانایی تسلط بر عوامل طبیعی و محیط اجتماعی‌اش می‌دهد، بلکه از نظر اسلام در انسان غریزه حقیقت‌جویی و جستجو و تحقیق را به وجود می‌آورد؛ زیرا که نفس دانستن و آگاه بودن و شعور داشتن برای بشر مطلوب است (شاملو، ۱۳۶۳: ۱۴۷).

یکی از آفت‌های بزرگ و تأثیرگذار جامعه عصر مولانا، جهل و نادانی مردم بوده که این مسأله راه سلطه زورگویان و سودجویان را هموار می‌کرده و هم‌چنین سبب عقب‌ماندگی آن‌ها می‌شده است. «مولانا با آگاهی کامل از پیامدهای جهل، آن را مورد انتقاد قرار می‌دهد و با ابلهان، نادانان و به خصوص آن‌ها که علم ناقص دارند، می‌ستیزد و از آنان بیزار می‌جوید» (پارسانسب، ۱۳۸۷: ۱۴۳). وی ناخشنودی و بیزاری خویش را از آن‌ها در ابیات آغازین کتاب مثنوی بیان می‌کند و از این که سخنان پرمغز او را درک نمی‌کنند، شکایت دارد:

سرّ من از ناله من دور نیست لیک چشم و گوش را آن نور نیست
(مولوی، ۱۳۸۷: ج ۱ / ب ۷)

هر که او بیدارتر، پردردتر هر که او آگاه‌تر، رخ زردتر
(همان: ب ۶۳۳)

مولانا در حکایت اعتماد کردن بر تملق و وفای خرس (همان: ج ۲ / ب ۱۹۳۶) در مورد خرسی سخن می‌گوید که به تلافی نیکی مردی که او را از چنگ اژدها می‌رهاند، با او دوستی می‌گزیند و یک بار به خاطر آن که هجوم مگس را از وی باز دارد، از روی جهالت آسیاسنگی را بر روی وی می‌افکند و این سنگ به تعبیر مولانا روی خفته را زخمی می‌کند. وی در ضمن حکایت نشان می‌دهد که مهر ابله از کین عاقل کمتر زیان ندارد و محبت جاهلان‌های است که منجر به زبان محبوب می‌شود:

خرس چون فریاد کرد از اژدها شیرمردی کرد از چنگش رها
(همان: ب ۱۹۷۴)

آن یکی بگذشت و گفتش حال چیست ای برادر مر تو را این خرس کیست
قصه واگفت و حدیث اژدها گفت بر خرسی منه دل ابلها
دوستی ابله‌تر از دشمنی است او به هر حيله که دانی راندنی است
(همان: ابیات ۲۰۱۹-۲۰۱۷)

نتیجه‌گیری

بررسی هر اثر ادبی از سویی تبیین‌کننده فضای فکری و ذهنی خالق آن و از سویی دیگر، نشان‌دهنده بسیاری از واقعیت‌های اجتماعی عصر وی می‌باشد.

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در مثنوی مولانا، از سویی با شاعری متعهد و آگاه نسبت به شرایط و اوضاع جامعه و مردم عصرش روبرو هستیم که تمام تلاش وی بیداری از خواب غفلت و رسیدن به سر منزل حقیقت می‌باشد و از دیگر سوی شاهد جامعه‌ای می‌باشیم که در آن هرج و مرج در تمام ابعاد و زمینه‌های مختلف زندگی مردم دیده می‌شود.

مباحث اجتماعی که مولانا در شخصیت‌های داستان‌های مثنوی مطرح کرده، بیشتر واقعیت‌گرا می‌باشد و از روابط بین‌فردی و اجتماعی مردم نشأت گرفته است.

پاره‌ای از ناخوشایندترین ردایب اجتماعی مؤثر در شخصیت‌ها که مولانا در مثنوی به آن‌ها نظر داشته و مورد انتقاد قرار داده عبارتند از: حرص، آرزومندی، آلودگی نظر، بخل‌ورزی، بدخویی، پیمان‌شکنی، تکبر، حسد، خشم، دروغ، دنیادوستی، سوء ظن، شهوت‌طلبی، طمع، عیب‌جویی، غیبت، کینه‌توزی، مال‌اندوزی، ناسپاسی، نفاق و نفس‌پرستی می‌باشد.

مولوی به عنوان یک عارف وارسته و مشهور زمانه خویش، هرگز از جامعه غافل نبوده و دیدگاه‌های انتقادی خود را نسبت به مسائل اجتماعی به مقتضای مقام به خوبی بیان کرده است؛ مهم‌ترین موضوعاتی که مولوی نسبت به آنان انتقاد وارد کرده، عبارتند از: بیکاری، تصوف، تقلید، جهل و نادانی، دزدی، زن، ظلم و ستم، غفلت، فقر و هم‌نشینی با بدان می‌باشد.

از دیدگاه مولوی جهل و نادانی عمده‌ترین عامل مصائب اجتماعی است و حاکمان زمانه از آن در جهت ظلم و ستم مردم بیشترین سود را می‌جسته‌اند.

وی از جمله معضلات مهم جامعه عصر خویش را جهل، غفلت و تقلید و اثرات آن در رفتار شخصیت‌ها می‌نامد. وی جهل را مایه سقوط آدمی و سرچشمه کفر و بت‌پرستی می‌داند.

فهرست منابع

۱. ابرمز، اچ ام. (۱۳۸۶). فرهنگ اصطلاحات ادبی، ترجمه سعید سبزیان، تهران: انتشارات رهنما.
۲. استعلامی، محمد. (۱۳۸۷). متن و شرح مثنوی مولانا، تهران: نشر سخن.
۳. بابازاده، علی اکبر. (۱۳۷۴). زمینه‌های فساد در جامعه و راه درمان، قم: انتشارات قدس.
۴. پارسانسب، محمد. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی ادبیات فارسی، تهران: انتشارات سمت.
۵. پرین، لارنس. (۱۳۷۸). تأملی دیگر در باب داستان، ترجمه محسن سلیمانی، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
۶. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۶). بحر در کوزه، تهران: انتشارات علمی.
۷. ----- (۱۳۸۸). سرّ نی، تهران: انتشارات علمی.
۸. زمانی، کریم. (۱۳۸۸). میناگر عشق، تهران: نشر نی.
۹. ساتراک، جان دلیو. (۱۳۸۳). زمینه روان‌شناسی، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: نشر رسا.
۱۰. ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۷۶). آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آوای نور.
۱۱. سلیم، غلامرضا. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی ادبیات، تهران: انتشارات توس.
۱۲. شاملو، سعید. (۱۳۶۳). مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت، تهران: انتشارات شرکت سهامی چهر.
۱۳. شفیع کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۹). صور خیال در شعر فارسی، تهران: نشر نگاه.
۱۴. فروزانفر، بدیع‌الزمان. (۱۳۸۵). احادیث و قصص مثنوی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۵. مجتهدی نجفی، شمس‌الدین. (بی‌تا). گنار شیعه در اصول و فروع، بی‌نا.
۱۶. مستور، مصطفی. (۱۳۷۹). مبانی داستان کوتاه، تهران: انتشارات علمی.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۴). پیام قرآن (تفسیر موضوعی)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. مولوی. (۱۳۸۷). شرح جامع مثنوی معنوی، به کوشش کریم زمانی، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۹. میرصادقی، جمال. (۱۳۷۹). عناصر داستان، تهران: انتشارات علمی.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۶۰ - ۱۴۱

مبانی دینی پیش فرض های اخلاق حرفه ای معلمان و اعضای هیأت علمی دانشگاه ها

عبدالحمید فرزانه^۱

چکیده

هدف از این پژوهش، اثبات وجود پیش فرض هایی برای اخلاق حرفه ای مدرسان دانشگاه ها در آموزه های دینی است. بدین منظور با روش تحقیق کتابخانه‌ای و تحلیل و توصیف آیات قرآن و احادیث معصومین (ع) و دیدگاه‌های صاحب نظران، یافته‌هایی به دست آمد که نشان داد نه تنها بیشتر این پیش فرض ها با آخرین دست آوردهای علوم جدید همخوانی دارد بلکه برخی از آنها می تواند تاثیر گذاری بسیار بالایی در توفیق متولیان امر تعلیم و تربیت در داشته باشد. نتایج به دست آمده سه دسته پیش فرض عمده را برای ورود به عرصه تعلیم و تربیت به اثبات رساند که پابندی به آن ها اساتید را در رسیدن به اهداف آموزشی و پرورشی خود موفق می دارد. این پیش فرض ها شامل عناصر و پیش فرض های اعتقادی: شامل باور کارآمدی ویژه انگیزه الهی، ایمان به نظارت دائمی خداوند و آشکار شدن واقعیت ها در قیامت، باورداشتن هدفمندی آفرینش و خلیفه الهی انسان و پیش فرض های معرفتی شامل والایی دانش و دانشوری، مقدم بودن تعلیم بر تزکیه از لحاظ فرایند، تقدم ارزشی تزکیه بر تعلیم، لزوم مخاطب شناسی و پیش فرض های رفتاری شامل آغاز کردن از خود و حفظ و تقویت جایگاه علمی خویش، رعایت وضعیت ظاهری مناسب، نظم و انضباط کاری، مهربانی با مخاطبان و صداقت و یک رنگی و مثبت نگری که نقش اساسی در دست یابی به اهداف آموزشی و پرورشی آنان ایفاء می نماید.

واژگان کلیدی

پیش فرض، اخلاق حرفه ای، مبانی دینی، استادان.

۱. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.
Email: farzaneh2139@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۸/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۲۷

طرح مسأله

ساختار وجودی ویژه انسان به عنوان موجودی که از قوه درک و اندیشه بالا برخوردار است و می‌تواند بهترین‌هایی را که با عقل خویش تشخیص می‌دهد انتخاب نماید، او را نیازمند آموزش و پرورش و یادگیری نموده است. به همین دلیل، از دیرباز و از آغازین روزهای خلقت بشر، جمعی از انسان‌ها در نقش آموزگار و استاد، عهده دار آموزش و تربیت جمعی دیگر بوده و وظیفه فراهم ساختن زمینه رشد و شکوفایی استعدادهای درونی آنها را پذیرفته‌اند. چنانکه امام علی (ع) مردم را به سه دسته تقسیم کرده و می‌فرماید: یک دسته از آنها دانشمندان ربانی هستند و دسته دیگر در طریق دانستن قرار دارند. و دسته سوم پشه‌های سرگردانی هستند که این سو و آن سو می‌روند. (نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۱۴۷)

اهمیت نقش و جایگاه معلمی و استادی از نظر آموزه‌های اسلامی تا آنجا است که پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد (ص) خود را معلم معرفی کرده و می‌فرماید: «من به عنوان آموزگار برانگیخته شدم.» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۹۵) و بر همین اساس امام خمینی ره بیان داشت که: "نقش معلم در جامعه، نقش انبیاء است. انبیاء هم معلم بشر هستند. نقش بسیار حساس و مهمی است؛ و مسئولیت بسیار زیاد دارد." (موسوی الخمینی، ۱۳۷۸؛ ج ۹، ص ۲۹۱).

همچنین پیامبر اکرم (ص) در جای دیگر فرمود: «بی تردید من مبعوث شدم تا ارزش‌های اخلاقی را تمام و کامل کنم.» (مجلسی، ۱۴۰۲ ق) چنان که قرآن کریم هم در آیات متعددی چند از جمله آیه دوم سوره جمعه این فرمایش حضرت را تأیید کرده است. در این راستا و برای موفقیت هرچه بیشتر معلمان و اساتید در امر تعلیم و تربیت، کشورهای مختلف جهان به تدوین مجموعه‌ای از قوانین و مقررات لازم در این زمینه پرداخته و حقوق و وظایف آموزش‌دهندگان و آموزش‌پذیران را مشخص نموده‌اند. لیکن از آنجا که قوانین و دستور العمل‌ها و بخشنامه‌های رسمی به تنهایی قادر به محقق ساختن اهداف مورد نظر در زمینه آموزش و پرورش نیستند، حضور اخلاق و رعایت برخی از بایدها و نبایدهای اخلاقی در کنار قوانین و مقررات آموزشی ضرورتی گریزناپذیر شده است.

یکی از ویژگی‌های اخلاق حرفه‌ای بومی بودن آن است. مسائل عینی و حرفه‌ای اخلاق به فرهنگ وابسته است. این مسائل در زمینه‌های معین فرهنگی و اجتماعی به وجود می‌آیند و شکل می‌یابند و از این رو در حل و رفع آنها، توجه به زمینه‌های مذکور اهمیت بسزایی دارد. هنجارهای قومی و ملی زمینه‌های اعتقادی مسائل خاصی را برمی‌انگیزند و راه‌های معینی را می‌طلبند. بنابراین، اخلاق حرفه‌ای گرچه یک دانش است، این دانش فارغ از زمینه‌های فرهنگی

نیست و از داشتن اخلاق حرفه‌ای بومی گریزی وجود ندارد. (قراملکی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۵)

بنکداری و همکارانش در پژوهشی که در سال ۱۳۹۵ در مورد ویژگی های استاد شایسته انجام داده اند یکی از بزرگترین مانع تلاش برای بهبود مهارت های اعضای هیأت علمی را این تصور نادرست دانسته اند که قابلیت تدریس و استاد خوب بودن، تا اندازه ای مادرزادی است و این که کاری برای تغییر آن می توان انجام داد، بسیار ناچیز است (بنکداری و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۳۵) و این واقعیتی که ضرورت تبیین اهمیت اخلاق حرفه ای استادان و برگزاری دوره های مرتبط با آن را دوچندان می سازد.

از آنجا که نگارنده کتاب "دو سرچشمه اخلاق و دین" می گوید: "دین تقویت گر و منظم کننده است" (برگسون، ۱۳۸۵، ص ۲۱۵) جستار پیش رو بر آن است تا به روش کتابخانه ای و با بررسی کتابها و مقالات مرتبط با موضوع، به ویژه منابع دینی و نظرات اندیشمندان مسلمان، اصول و مبانی بایدها و نیایدهای اخلاق حرفه ای استادان را از نظر آموزه های اسلامی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و ضرورت و لزوم آموختن و به کار گیری آنها در امر آموزش برای معلمان، استادان و اعضای هیأت علمی دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی را تبیین نماید.

۱- مفهوم شناسی اخلاق حرفه ای

«منظور از اخلاق حرفه ای تأمل درباره ی ابعاد اخلاقی مسایل و موضوعاتی است که به مشاغل خاصی مربوط می شود» (شریفی، ۱۳۹۱، ص ۲۸) و یکی از شعبه‌های جدید اخلاق است که می‌کوشد به مسائل اخلاقی حرفه‌های گوناگون پاسخ داده و برای آن اصولی خاص متصور است. (Hartog and Winstanley. 2003: p6)

احد فرامرز قراملکی از مدرسان و صاحب نظران اخلاق حرفه ای، این دانش را به منزله شاخه ای از دانش اخلاق به بررسی تکالیف اخلاقی در یک حرفه و مسائل اخلاقی آن می پردازد معرفی کرده و حرفه، آن را فعالیت معینی می داند که موجب هدایت فرد به موقعیت تعیین شده همراه با اخلاق خاص می گردد. (قراملکی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۷)

باتوجه به اینکه بحث ما در مورد اخلاق حرفه ای استادی است و مقصود از اخلاق حرفه ای مجموعه قواعدی است که باید افراد به صورت داوطلبانه و براساس ندای وجدان و فطرت خویش در انجام کار حرفه‌ای خود رعایت کنند رعایت کنند (Moberg DJ, Seabright MA. 2000)، می توان گفت: اخلاق علمی و حرفه ای اعضای هیأت علمی دانشگاه ها عبارت است از مجموعه قواعدی اخلاقی که اگر اعضای هیأت علمی و مدرسان دانشگاه ها آن را در عرصه ی تعلیم و تربیت، پژوهش و نقد و مناظره مراعات کنند آنان را در تحقق هر چه بهتر اهداف این حرفه یاری خواهد رساند.

۲- شاخه های اخلاق حرفه ای استادان

اخلاق حرفه ای استادان با توجه به نقش های گوناگونی که این قشر از لحاظ شغلی برعهده دارند به شاخه های اخلاق آموزش، اخلاق پژوهش، اخلاق داوری، اخلاق نقد و اخلاق مناظره تقسیم می شود. ولی در جستار پیش رو تنها به بررسی پیش فرض های آموزشی و مبنای دینی آنها در منابع اسلامی پرداخته خواهد شد.

۳- پیشینه پژوهش

از دیر باز مسأله اخلاق و رفتار اخلاقی از دغدغه های اندیشه وران مختلف جهان بوده و پیرامون این امر نظریه پردازی کرده اند. تاثیرگذاری و نفوذ اخلاق در عمق جان انسان ها و برخورداری باورهای اخلاقی از ضمانت اجرای درونی و محدود نشدن اثر بخشی آنها به زمان و مکانی خاص، باعث شده است تا برخی از اندیشه وران رعایت اصول و ارزش های اخلاقی در همه ابعاد زندگی بشر را یکی از مهمترین راه های حفظ و ارتقاء سلامت زندگی اجتماعی قلمداد کرده و معتقد شوند: «فعالیت های بشری تنها در پرتو رعایت ملاحظات اخلاقی در مسیر درست قرار خواهند گرفت. اخلاق، حافظ فعالیت های بشر از میل و گرایش به هر گونه انحراف و کجروی است.» (Durkheim, 1992)

کارکرد هدایتگرانه اخلاق و پیشگیرانه بودن آن نسبت که اموری که می تواند فرایند تعلیم و تربیت را مختل کرده و یا اثر بخشی آن را کاهش دهد سبب شده است رعایت اخلاق در این زمینه به یکی از دغدغه های جدی صاحب نظران و محققان تبدیل گردد. چرا که امروزه علم، تکنولوژی و اخلاق بیش از پیش در هم تنیده شده است و روز به روز به تاثیرگذاری دانش و فن آوری بر جامعه و زندگی افزوده می شود. (Galo, 2004: 469)

با این توضیحات و از آنجا که «اخلاق حرفه ای نوعی تعهد و وجدان کاری نسبت به هر نوع وظیفه و مسؤولیت است. اخلاقی بودن در حرفه حاصل دانستن، خواستن، توانستن و نگرش است.» (قراملکی، ۱۳۸۲)، به نیکی اهمیت و ضرورت آموختن و مراعات اخلاق حرفه ای آموزش برای استادان و اعضای هیات علمی دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی روشن می گردد و چنانچه اعضای هیات علمی و مدرسان دانشگاه ها با آگاهی از اصول و بایسته های این دانش، آن را در عرصه ی تعلیم و تربیت، پژوهش و نقد مراعات کنند آنان را در تحقق هر چه بهتر اهداف حرفه مقدس آموزگاری و استادی یاری خواهد رساند.

هاشمی و همکارانش در پژوهشی میدانی که در سال ۱۳۹۵ با عنوان «ارایه مدل ارزیابی شایستگی های هیات علمی در نظام دانشگاه آزاد اسلامی، مطالعه موردی: واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی استان فارس» انجام داده اند به این نتیجه رسیده اند که «فراهم کردن زمینه های بروز

شایستگی‌ها و صلاحیت‌ها و قابلیت‌های اعضای هیئت علمی از مهم‌ترین وظایف روسای دانشگاه‌ها جهت توانمندسازی اعضای هیئت علمی است که ارتقاء کیفی نظام آموزش عالی و رشد و پیشرفت بهتر جامعه را فراهم می‌کند." (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۲۰۷)

یکی از صاحب نظران تعلیم و تربیت بر این باور است که برای کنار آمدن با چالش‌هایی که امروزه هر معلم یا استادی با آن روبرو است، بهترین کار این است که استاد از خودش آغاز کند، یعنی هم دانش و مهارت‌های خود را در رابطه با رشته تخصصی اش به روز کند و هم به ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی خود توجه ویژه داشته باشد به گونه ای که بتواند بیشترین مقدار اثربخشی را بر دانشجویان و روی هم رفته، در حرفه خود داشته باشد. (Turnbull, 2007).

گرچه توسعه ی دانش و فن آوری و پیدایش حرفه ها و مشاغل گوناگون در غرب به گسترش دانش اخلاق حرفه ای انجامیده است اما پیش از آن، هم آیات و روایات اسلامی در این مورد رهنمودهای بسیار سازنده ای ارائه نموده اند و هم اندیشمندان مسلمان از دیرباز این موضوع مهم را مورد توجه قرار داده و آثار ارزشمندی در این زمینه به رشته تحریر در آورده اند.

کتاب های «منیة المرید فی آداب المفید و المستفید» تألیف شهیدثانی که بیانگر روابط بین معلم و شاگرد و در بیان فضیلت دانش ورزی است. کتاب به زبان عربی بوده و بارها در عراق، ایران، هند و لبنان چاپ شده است. (ر.ک: شهید ثانی، ۱۳۹۳)

دومین اثر در این زمینه، کتاب «آداب المتعلمین» تألیف خواجه نصیرالدین طوسی باشد که در باب اخلاق آموزش و دانشجوی نکات بسیار مفیدی ارائه نموده است. (ر.ک: طوسی، ۱۳۸۸)

در باره اخلاق در دیگر حرفه ها نیز آثار گرانبهایی توسط صاحب نظران مسلمان ایرانی نوشته شده است. «سیاست نامه» یا «سیرالملوک» تألیف: خواجه نظام الملک، «آداب الملوک» تألیف: میرزا رفیع الدین و «فتوت نامه سلطانی» تألیف: حسین بن علی کاشفی و ده ها نمونه دیگر از جمله آثار ارزشمندی است که در باب اخلاق حرفه ای در سیاست، مدیریت و معماری و شهرسازی به نگارش در آمده است.

۴- پیش فرضهای اخلاق آموزش در منابع اسلامی

با توجه به اینکه دین و فرهنگ دینی در کشور ما از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و نقش تعالیم اسلامی در بهره‌وری تعلیم و تربیت، نقشی پر رنگ می باشد و همان گونه در این قسمت به تبیین پیش فرض های اخلاق حرفه ای استادان و معلمان از نظر منابع اسلامی خواهیم پرداخت.

نظام اخلاق اسلامی به گونه‌ای است که با اخلاق حرفه‌ای در هم آمیخته و تفکیک ناپذیر است؛ زیرا در این نظام ملاک نهایی و نهایت سعادت بشری، الله است و انسان در مقام خلیفه و

جانشین الهی در زمین، محور توجهات اخلاقی است؛ بدین معنا که خشنودی انسان و خدمت به او موجب رضایت و تقرب به خداوند می‌شود؛ از این رو، نظام اخلاق اسلامی با توجه به ملاک نهایی، در صدد است با ارائه دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های اخلاقی در سطح حرفه و زندگی اجتماعی و همچنین با در نظر گرفتن پیشرفت‌های مادی در جهت بهبود زندگی انسان‌ها، زمینه سعادت و کمال حقیقی بشر را فراهم آورد. (ر.ک: عاملی، ۱۳۸۱)

با بررسی منابع دینی، می‌توان سه دسته عناصر بنیادین و پیش فرضهای بسیار تأثیر گذار را در باب اخلاق حرفه ای آموزش شناسایی کرد که وجود آنها در معلمان و استادان، آنان را در انجام وظیفه مقدس تعلیم و تربیت موفق خواهد نمود.

۵-۱. عناصر و پیش فرضهای اعتقادی:

۵-۱-۱. باور داشتن کارآمدی ویژه ی انگیزه ی الهی

نیت اساس ترین پایه اخلاق است که همه مسائل اخلاقی را باید در پرتو آن بررسی نمود. زیرا نیت درست، روح و جان عمل است که به آن حیات و طراوت می بخشد و آن را از تباهی و اضحلال نگه می دارد. (مدرسی، ۱۳۷۱، ص ۲۲۹)

علاوه بر این که قرآن کریم کارهای ارزشمند و مورد قبول خداوند را با قیدهایی مانند: «فی سبیل الله»، «ابتغاء وجه الله» و «فی الله» معرفی می کند، رسول اکرم(ص) نیز می فرماید: ارزش اعمال به نیت هایی است که برای آنها می شود و برای هرکسی همان چیزی است که نیت کرده است. حضرت در جای دیگر هم می فرماید: هرکس صبح برای خداوند اخلاص پیشه کند چشمه های حکمت از قلب او بر زبانش جاری می شود. (مجلسی، ۱۴۰۲ق).

اصولا انگیزه های غیر الهی به آفت هایی مانند منت گذاردن و تحقیر مخاطب، عدم استمرار، انتظار جبران و محرومیت یا کاهش لذت معنوی دچار می گردد.

۵-۱-۲. ایمان به نظارت دائمی خداوند بر عملکردها

از آنجا که باور داشتن حضور همیشگی و همه جایی پروردگار عالمیان نقشی بی بدیل در احساس مسؤلیت و تعهد کاری افراد دارد قرآن کریم در موارد متعددی این امر را یاد آوری نموده است که آیات زیر نمونه هایی از آنها می باشد:

- " آیا ندانست که خداوند (همه اعمالش را) می بیند؟! " (علق/۱۴)

- " براستی که خداوند بر هر چیزی شاهد است " (حج/۱۷)

- " و خداوند نسبت به آنچه شما انجام می دهید آگاه است " (حجرات/۱۸)

۵-۱-۳. اعتقاد به آشکار شدن واقعیت ها در قیامت

ایمان راسخ به زندگی پس از مرگ و کنار رفتن پرده از روی تمام اعمال و رفتار آدمی تاثیر

شگفت انگیزی در کنترل و اصلاح عملکرد انسان دارد نیاز به نظارت بیرونی بر چگونگی فعالیت های مؤمنان را به حداقل می رساند. آیات زیر به طور صریح بر آشکار شدن اعمال و دیده شدن کوچک ترین کار نیک و بد در رستاخیز و جهان پس از مرگ دارد:

- "پس هرکسی به اندازه ی ذره ای کار نیک انجام می دهد آن را خواهد دید* و هرکس به مقدار ذره ای کار بد مرتکب می شود آن را خواهد دید." (زلزال/ ۸ و ۷)

- " رستاخیز روزی است که هرکسی هر کار خیری را انجام داده است حاضر خواهد یافت." (آل عمران/ ۳۰)

- " در قیامت رازها آشکار خواهد شد." (الطارق/ ۹)

۵-۱-۴. باور داشتن هدفمندی آفرینش

نگاه سیستمی به هستی و قبول هدفمندی آفرینش، افراد را به اهمیت و ارزش تک تک اجزای عالم و احساس مسؤولیت عمیق نسبت به اشیاء و اشخاص واقف می سازد. با این نگرش باعث خواهد شد تا مربی و استاد خود را برای نقش آفرینی در یک سیستم هدفمند آماده کرده و تربیت پذیران و دانشجویانش را نیز برای قرار گرفتن در چنین مجموعه ای مهیا نماید.

- " گفت: پروردگار ما کسی است که به هر چیزی آفرینش عطا کرد و سپس آن را هدایت نمود." (طه / ۵۰)

- " نام پروردگار بلند مرتبه ات رابه پاکي بستای* همان که آفرید و سپس راست و درست گردانید* و همان که هر چیزی رابه اندازه قرار داد و آن گاه هدایت نمود." (اعلی / ۱-۳)

- " (و او کسی است که آسمانها و زمین رابه حق آفرید... و او حکیم و از همه چیز باخبر است. (انعام / ۷۳)

- " و ما آسمان و زمین و هر چه بین آن دو است را به باطل نیافریده ایم و چنان گمانی از آن کافران است.... (ص / ۲۷)

- " آیا پنداشته اید که شمارا بیهوده آفریده ایم و برآستی به سوی ما برنخواهید گشت. (مومنون / ۱۱۵)

۵-۱-۵. ایمان به خلیفه الهی انسان

خداوند در قرآن کریم می فرماید: « و چون پروردگارت به فرشتگان گفت : من در زمین خلیفه ای می آفرینم ، گفتند : آیا کسی را می آفرینی که در آنجا فساد کند و خونها بریزد ، و حال آنکه ما به ستایش تو تسبیح می گوئیم و تو را تقدیس می کنیم فرمود: آنچه من می دانم شما نمی دانید.» (بقره/ ۳۰)

بدون شک باور این نکته که در فرایند تعلیم و تربیت هم استاد و مربی خلیفه و جانشین

خدا است وهم فراگیر و تربیت پذیر از چنین جایگاهی برخوردار است، احساس مسؤولیت و انگیزه بالایی برای هر دو ظرف در ایفای نقش مهمشان ایجاد خواهد نمود.

۵-۲. عناصر و پیش فرض های معرفتی

والایی جایگاه دانش و دانشوری، مقدمه بودن تعلیم برای تزکیه از لحاظ فرایند و تقدم ارزشی تزکیه بر تعلیم، مادی معنوی بودن بشر و آگاهی از نقاط قوت و ضعف انسان (مخاطب شناسی)، از جمله عناصر معرفتی است که آگاهی و شناخت داشتن از آنها، استادان را در ایفای تام و تمام نقش معلمی و توفیق هرچه بیشتر در امر تعلیم و تربیت یاری خواهد کرد. قرآن کریم و منابع دینی در باب عناصر فوق نکات ارزنده ای رابیان داشته اند که در زیر به طور مختصر بن آنها اشاره خواهد شد:

۵-۲-۱. والایی جایگاه دانش و دانشوری

گرچه شروع وحی و نخستین آیه نازل شده با عبارت "اقراء بسم ربك الذی خلق" به تنهایی کافی است که ما را به ارجمندی جایگاه خواندن و دانستن و علم رهنمون شود ولی بررسی هانسان می دهد گرامیداشت مقام دانش و اندیشه وری در آیات قرآن کریم و آموزه های اسلامی بسیار فراتر از این است. مثلاً در آیه ۹ سوره زمر مساوی نبودن دانایان و نادانان را به عنوان تذکری برای صاحبان اندیشه ذکر کرده و خطاب به پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرماید: "بگو آیا آنها که می دانند با آنها که نمی دانند برابرند؟ تنها خردمندان از این امر پند می پذیرند" و در آیه ۱۱ سوره مجادله می فرماید: "خدا آنهايي را که ایمان آورده اند و کسانی را که دانش یافته اند به درجاتی برافرازد، و خدا به کارهایی که می کنید آگاه است."

همچنین پیامبر اکرم (ص) در حدیثی کوتاه، دانشمندان را به خورشید آسمان تشبیه کرده و می فرماید: "بدرستی که برتری عالم برعابد همچون برتری خورشید بر سایر سیارات است." (مجلسی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۱۹) همچنین در بیانی به قیمت یافتن آدمی به واسطه علم اشاره می کند و می فرماید: «آن کس که علمش از همه افزون تر باشد قیمتش از همه بیشتر است و آن کس که علمش از همه کمتر باشد قیمتش از همه کمتر». (همان/ج ۱/ص ۱۶۴)

امیر المؤمنین علی (علیه السلام) نیز در بیان شرافت علم می فرماید: "در شرافت علم همین بس که افرادی که از آن آگاه نیستند آن را ادعا می کنند و اگر به آنان نسبت داده شود خوشحال می شوند. و در مذمت جهل همین بس که حتی دارندگانش از آن تبری می جویند." (مجلسی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۱۸۵) و نیز فرمود "به احترام پدر و معلمت از جای برخیز هر چند فرمانروا باشی." (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۳۶) همچنین از حضرت روایت شده است که فرمود: «دانش، سلطنت و قدرت است، هر که آن را بیابد با آن یورش برد و هر که آن را از

دست بدهد بر او یورش برند.» (همان، ج ۲۰، ص ۳۱۹)

۲-۲-۵. مقدم بودن تعلیم برای تزکیه از لحاظ فرایند

از آنجا که برای دستیابی به تربیت انسان باید ابتدا به او آگاهی و دانش لازم در زمینه اخلاق و تعالی را آموزش داد. قرآن کریم در آیات متعددی تعلیم را بر تزکیه مقدم می دارد. مثلاً در سوره بقره آیه ۱۲۹ می خوانیم: " ای پروردگار ما، از میانشان پیامبری بر آنها مبعوث گردان تا آیات، تورا برایشان بخواند و به آنها کتاب و حکمت بیاموزد و آنها را پاکیزه سازد و تو پیروزمند و حکیم هستی."

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه و در باب مقدم شدن تعلیم بر تزکیه در آن می نویسد: از آنجا که تزکیه روح از ناحیه عمل و اخلاق تحقق می یابد، پس اول باید به اعمال صالح و اخلاق نیکو عالم شد، و بعد به آنها عمل کرد، و در سایه این عمل، به تدریج پاکی دل و تزکیه روح حاصل شود. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ج ۱۹، ص ۴۴۷ و مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۷، ص ۲۰)

۳-۲-۵. تقدم ارزشی تزکیه بر تعلیم

لحاظ فضیلت و برتری و در مقام ارزش گذاری تزکیه و تعلیم و نیز با توجه به این نکته که اگر فرد تزکیه نشده و فاسد به دانش دست پیدا کند هم برای خودش و هم برای جامعه خطرناک خواهد بود، تزکیه و تربیت بر افزایش دانش و معلومات مقدم می باشد. چنانکه امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند: " لغزش دانشمند، همه ی جهان ها را فاسد می سازد." (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۲۶) به همین دلیل در چندین آیه از قرآن کریم تزکیه بر تعلیم تقدم رتبی یافته است. مثلاً در آیه ۵۱ سوره بقره می فرمایید: " همچنان که پیامبری از خود شما را در میان شما فرستادیم تا آیات ما را برایتان بخواند و شما را پاکیزه گرداند و کتاب و حکمت آموزد و آنچه را که نمی دانستید به شما یاد دهد."

همچنین در آیه ۲ سوره جمعه در مقام ستایش پروردگار حکیم می فرماید: " اوست خدایی که در میان مردمی عادی پیامبری از خودشان مبعوث داشت تا آیاتش را بر آنها بخواند و کتاب و حکمتشان بیاموزد با آنکه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند.

۳-۵. لزوم مخاطب شناسی

بدون شک شناخت عمیق و همه جانبه دانشجویان به عنوان مخاطبان برنامه های آموزشی و پرورشی دانشگاه ها، اساتید را در برخورد متناسب با این قشر و تاثیر گذاری هرچه بیشتر بر آنان کمک خواهد کرد. به همین دلیل به نظر می رسد خداوند برای فراهم ساختن چنین بستری برای برنامه های تربیتی و انسان سازانه پیامبر گرامی اسلام(ص)، و نیز تمام کسانی که ردای مقدس معلمی برتن کرده و در مسیر تعلیم و تربیت گام می گذارند به سه نکته مهم توجه داده است:

۵-۳-۱. مادی معنوی بودن انسان

بدین منظور بخشی از آیات قرآن را به تبیین ابعاد وجودی انسان و تشریح مادی معنوی بودن آدمیان اختصاص داده و چندین بار به مسأله آفرینش آدم و حوا علیهما السلام پرداخته و به صراحت اظهار داشته است که آن دو به عنوان پدر و مادر انسان‌ها دارای یک وجود جسمانی و طبیعی هستند که منشاء آن آب و خاک و زمین است و بعد دیگر آن‌ها وجود معنوی و روحانی آنهاست که الهی و آسمانی می‌باشد. مثلاً در یک جا می‌فرماید: "پس [ای فرشتگان] زمانی که اندام او [آدم(ع)] را درست و نیکو نمودم و از روح خود در او دمیدم، برای او سجده کنید." (ص/۷۲)

حضرت محمد(ص) نیز این آموزه قرآنی را با بیانی دیگر در حدیث زیر تبیین نموده و می‌فرماید: "همانا خدای عزوجل فرشتگان را مرکب از عقل قرار داد بدون این که شهوت داشته باشند و فرشتگان را مرکب از شهوت قرار داد بدون این که عقل داشته باشند و آدمیان را از هر دو ترکیب کرد. پس هر کس عقلش بر شهوتش چیره شد از فرشتگان هم بهتر است و هر کس شهوتش بر عقل او غالب شد از چهارپایان نیز بدتر می‌باشد." (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۶۴)

۵-۳-۲. لزوم تأمین نیازهای مادی و پاسداری از معنویت انسان

خداوند در آیاتی چند از قرآن مجید نشان داده است که نیازهای بشر به پیروی از ساختار وجودی او به دو بخش مادی و معنوی تقسیم می‌گردد و اشخاص وظیفه دارند همانگونه که برای تأمین نیازهای مادی خود تلاش می‌کنند نیازهای معنوی و اخلاقی خویش را نیز مد نظر قرار داده و از آنچه معنویت و انسانیت آنان را مورد لطمه قرار می‌دهد پرهیز نمایند. به طور مثال در آیات زیر با شفافیت تمام بر استفاده صحیح از مواهب دنیوی و پرهیز از آنچه روح و شخصیت انسان را زیان می‌رساند تاکید گردیده است:

- "ای کسانی که ایمان آورده اید! از چیزهای پاکیزه ای بخورید که روزی شما ساخته ایم، و سپاس خدای را بجا آورید، اگر او را پرستش می‌کنید." (بقره، آیه ۱۷۲):

- "ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید! و (از نعمتهای الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد." (اعراف، آیه ۳۱):

۵-۳-۳. توجه به نقاط قوت و ضعف بشر

پیامبر گرامی اسلام(ص) به عنوان کسی که به فرمایش خودش، معلم برانگیخته شده است. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۲ ص ۹۵) در مورد نقش شناخت و عمل آگاهانه در نتیجه بخشی و سلامت کار می‌فرماید: "من عمل علی غیر علم کان مایفسد اکثر مما یصلح" یعنی:

هرکس کاری را بدون علم و آگاهی انجام دهد آنچه خراب می کند بیش از چیزی است که می سازد و اصلاح می کند. (کلینی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۴۴)

در همین راستا قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت و تربیت در آیات متعدد نقاط قوت و ضعف انسان ها را برشمرده و درگام اول توجه پیامبر اکرم(ص) و درگام دوم دیگر توجه تمام متولیان تعلیم و تربیت را به ملاحظه این اوصاف در کار سازندگی و تعالی تربیت پذیران جلب نموده است.

۵-۳-۱. برخی از نقاط قوت و ظرفیت های تربیت پذیری انسان

الف. بهره مندی از روح الهی و ابزارهای درک و فهم

- "آن گاه او را راست و درست کرد و از روح خود در آن بدمید و برایتان گوش و چشمها و دلها آفرید، چه اندک شکر می گوئید" (سجده ۹/)

- "پس آن گاه که او را به خلقت کامل بیاراستم و از روح خود در او بدمیدم بر او به سجده در افتید (ص/۷۲)

ب. مسؤولیت پذیری و امانتدار خداوند بودن

قرآن کریم در یک تمثیل زیبا نشان می دهد که ظرفیت وجودی انسان حتی از آسمان ها و زمین و کوه ها نیز بالاتر است به گونه ای که هیچکدام از آنها لیاقت دریافت امانت مورد نظر خداوند را ندارند ولی انسان از این جایگاه با عظمت برخوردار می باشد. آن جا که می فرماید: "ما این امانت را برآسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم از تحمل آن سر باز زدند و از آن ترسیدند انسان آن امانت را بر دوش گرفت ، که او ستمکار و نادان بود." (احزاب / ۷۲)

صاحب تفسیر نمونه در تبیین آیه فوق می گوید: "انسان آن چنان آفریده شده بود که می توانست تعهد و مسؤولیت را بر دوش کشد، و ولایت الهیه را پذیرا گردد، و در جاده عبودیت و کمال به سوی معبود لایزال سیر کند، و این راه را با پای خود و با استمداد از پروردگارش بسپرد.

"(مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۶۳۷)

ج. برخورداری از اراده و اختیار

قرآن کریم در موارد متعددی به مختار بودن انسان اشاره کرده است. از جمله در سوره انسان، آیه ۳ می فرماید: "ما راه را به او نشان داده ایم یا سپاسگزار باشد یا ناسپاس."

چنانکه از مفهوم آیه پیدا است خداوند امکانات هدایت و تشخیص را در اختیار بشر قرار داده و راه راست را از راه ناراست برایش روشن می سازد و این انسان است که یا از اختیار خود استفاده می کند و راه درست را پیش گرفته و سپاسگزار پروردگارش می شود و یا راه کفران و ناسپاسی را در می نوردد و خود را به هلاکت می اندازد.

د. ذاتی بودن کرامت آدمیان

خداوند در سوره اسراء، آیه ۷۰ می فرماید: " ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و بر دریا و خشکی سوار کردیم و از چیزهای پاکیزه روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری بخشیدیم."

ه. توانایی سخن گفتن

قرآن در موارد متعددی از برخورداری انسان از موهبت بزرگ بیان و زبان برای آدمیان سخن گفته است. مثلا در سوره "الرحمن" آیات ۳ و ۴ می فرماید: "خداى رحمان انسان را بیافرید * و به او گفتن آموخت." و در سوره بلد، آیات ۸ و ۹ بیان می دارد: " آیا ما به او دو چشم عطا نکردیم؟ * و زبان و دو لب به او ندادیم؟".

و. خود آگاهی داشتن

خودآگاهی و اطلاع از وضعیت اخلاقی و شخصیتی خویش باعث می شود تا فرد برای تغییر و اصلاح خود احساس نیاز کند و زمینه پذیرش خلق و خوی جدید در او فراهم گردد. قرآن مجید در سوره قیامت، آیات ۱۴ و ۱۵ به این ویژگی انسان اشاره کرده و می فرماید: " بلکه آدمی خویشتن خویش را نیک می شناسد * هر چند (در ظاهر) برای خود عذرهایی بتراشد!".

ز. برخورداری از فطرت مشترک الهی

خداوند در سوره روم، آیه ۳۰ می فرماید: " به دین یکتا پرستی روی آور که فطرتی الهی است که خدا مردم را بدان فطرت، بیافریده است و در آفرینش خدا تغییری نیست، دین پاک و پایدار این است ولی بیشتر مردم نمی دانند."

بدیهی است برخوردارى انسان از این ویژگی فطرت الهی او را نسبت به خوبی ها و ارزش های اخلاقی متمایل و از بدی ها و ناهنجاریهای شخصیتی متنفر ساخته و کار تعلیم و تربیت را برای مربیان و استادان آسان می نماید.

۵-۳-۲. نقاط ضعف و ضربه پذیر آدمی

بدون تردید بهترین راه درمان بیماری، شناخت بیماری و علل و عوامل پیدایش آن است. بنابراین آگاهی از نقاط ضعف و ضربه پذیر انسان می تواند بستر درمان نارسایى های اخلاقی و تربیتی را فراهم کرده و مربیان را در امر آموزش و پرورش یاری نماید. بر این اساس قرآن کریم ضمن ارج گذاشتن به مقام خلیفه الهی و اشرف مخلوقات بودن انسان، به نقطه ضعف ها و کاستی های بشر نیز پرداخته است که برخی از آنها به شرح زیر می باشد:

الف. ضعیف بودن در عین توانایی

امروزه صاحب نظران تعلیم و تربیت بر رعایت ظرفیت فراگیران و میزان آمادگی آنان برای دریافت مطالب را مورد تاکید قرار می دهند. بنابراین اطلاع از اینکه انسان در عین قدرتمندی و

عظمتش، موجودی ضعیف نیز می باشد مربیان و اساتید را در انجام موفق وظیفه ذات ایشان کمک خواهد کرد چنانکه قرآن کریم می فرماید: "خدا می خواهد بار شما را سبک کند، زیرا آدمی ناتوان آفریده شده است." (نساء/ ۲۸)

ب. شهوت گرایی

توجه به تمایلات و خواسته های تربیت پذیران و مدیریت آن ها مستلزم آگاهی از اموری است که نباید از چشم معلمان و اعضای هیات علمی دور بماند و گرنه در امر تعلیم و تربیت توفیق چندانی نخواهند یافت. خداوند در زمینه گرایی و امیال انسان این گونه داد سخن داده است: "در چشم مردم آرایش یافته است، عشق به امیال نفسانی و دوست داشتن زنان، و فرزندان و همیان های زر و سیم و اسبان داغ برنهاد و چارپایان و زراعت همه اینها متاع زندگی این جهانی هستند، درحالی که بازگشتگاه خوب نزد خدا است." (آل عمران/ ۱۴)

ج. دچار غفلت شدن

مشکل انسان در عرصه آموزش و پرورش فقط پایین بودن بهره هوشی و عدم درک مطالب نیست بلکه غفلت و عدم تمرکز بر موضوعات لازم نیز از موانع یادگیری و پرورش آدمیان می باشد چنانکه قرآن کریم می فرماید: "برای جهنم بسیاری از جن و انس را بیافریدیم ایشان را دل‌هایی است، که بدان نمی فهمند و چشم‌هایی است که بدان نمی بینند و گوش‌هایی است که بدان نمی شنوند اینان همانند چارپایانند حتی گمراه تر از آنها بندگان خود غافلاند" (اعراف/ ۱۷۹)

د. بخل و تنگ نظری

از آنجا که یکی از وظایف مربیان اصلاح نقاط ضعف و کاستی های شخصیتی تربیت پذیران است، آگاهی از بخل و تنگ نظری شاگردان، معلمان و استادان را در سازندگی اخلاقی آنان یاری خواهد رساند. قرآن در مورد بخل و تنگ نظری انسان ها می فرماید: "بگو: اگر شما مالک همه خزاین پروردگار من می بودید، از بیم درویشی و فقر امساک پیشه می کردید، زیرا آدمی بخیل است." (اسرا/ ۱۰۰)

هـ. مغرور بودن

غرور انسان سبب می شود تا خود را از هر نوع تغییر و تلاش آموزشی و اخلاقی بی نیاز ببیند و دچار ایستایی و درجا زدن گردد. چنان که امیرالمومنین علیه السلام می فرمایند: "غرور و خودشیفتگی مانع ترقی انسان می گردد" (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۷) و قرآن کریم انسان هایی که در مقابل کبریایی خداوند دچار غرور می شوند را این گونه مورد سرزنش قرار می دهد: "یا ایُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ" (انفطار/ ۶): (ای آدمی! چه چیز تو را به پروردگار کریمت مغرور کرده است؟).

و. طغیانگری در پی بی‌نیازی

بر اساس آیات ۷ و ۸ سوره علق "آدمی هر گاه که خویشتن را بی‌نیاز ببیند طغیانگری و نافرمانی پیشه می‌کند" از این رو توجه به این خصیصه تربیت‌پذیران و تلاش برای اصلاح آن برای مریبان و اساتید امری گریزناپذیر می‌باشد.

ز. ظلم و ناسپاسی

قرآن کریم در سوره ابراهیم آیه ۳۴ خطاب به انسان‌ها تصریح می‌نماید: "و هر چه از او خواسته‌اید به شما ارزانی داشته است و اگر خواهید که، نعمتهایش را شمار کنید، نتوانید، که آدمی ستمکار و قدر ناشناس است."

ح. عجز و نادربار

در سوره اسرا آیه ۱۱ آمده است که "و آدمی به دعا شری را می‌طلبد چنان که گویی به دعا خیری را می‌جوید و آدمی تا بوده شتابزده بوده است."

ط. در پرتگاه زیانکاری بودن

خداوند حکیم با چندین تأکید در این زمینه می‌فرماید: "سوگند به این زمان! * که آدمی در، خسران است * مگر آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری (در دین) یکدیگر را سفارش کردند." (قرآن /سوره عصر)

ی. تمایل شدید به بحث و جدل

آفریدگار جهانیان در باره این ویژگی بشر می‌فرماید: "و در این قرآن، از هر گونه مثلی برای مردم بیان کرده‌ایم؛ ولی انسان بیش از هر چیز، به مجادله می‌پردازد." (کهف/ ۵۴)

۴-۵. عناصر و پیش‌فرضهای رفتاری

اگر رفتارها و عملکرد مریبان و استادان بیشتر از سخنان و آموزه‌های نظری آنان بر فراگیران و دانشجویان تأثیر نگذارد هرگز نمی‌توان از تأثیر بسزای اعمال و رفتار آنان بر شخصیت شاگردانشان چشم‌پوشی نمود. از این رو توجه به عناصر و پیش‌فرض‌های زیر از ضروریات کاری متولیان امر تعلیم و تربیت به شمار می‌آیند:

۴-۵-۱. تعلیم و تربیت را از خود آغاز کردن

خداوند دانا در این زمینه می‌فرماید: "ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خود پردازید اگر شما هدایت یافته‌اید، آنان که گمراه مانده‌اند به شما زبانی نرسانند، بازگشت همه شما به سوی خداست، تا شما را به آن کارها که می‌کرده‌اید آگاه گردانند." (مائده/ ۱۰۵)

امام علی (ع) نیز سفارش می‌کند که "هرکس خود را رهبر مردم نماید باید پیش از آموزش دیگران آموزش خویش را آغاز کند و تربیت رفتاری او زودتر از تربیت زبانش صورت پذیرد.

وکسی که آموزگار و تربیت کننده ی خود باشد برای گرامیداشت سزاوارتر از آموزگار و تربیت کننده دیگران است." (نهج البلاغه/کلمات قصار ۷۲)

۵-۴-۲. حفظ و تقویت جایگاه علمی خود:

معلم هر اندازه دارای رفتار انسانی مطلوب باشد، ولی از نظر علمی ضعیف و ناتوان تلقی شود، مورد قبول شاگردان واقع نخواهد شد. (شعبانی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۵) بر همین اساس، منابع اسلامی همواره بر ضرورت دانش اندوزی و پرهیز از ورود بدون علم به مباحث تاکید نموده اند که در زیر نمونه هایی از آن ذکر می گردد:

- "چرا در آنچه بدان علم ندارید مجادله می کنید؟ در حالی که خدا می داند و شما نمی دانید." (آل عمران/۶۶)

- "بر آنچه علم نداری ایستادگی مکن، زیرا گوش و چشم و دل، همه را، بدان بازخواست کنند." (اسراء/۳۶)

-رسول الله(ص): "دانش بجوید هرچند درچین باشد." (مجلسی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۱۸۰)
-امام علی(ع): "و در مورد چیزی که نمی دانی سخن مگو هرچند دانسته های تو اندک است..." (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

-امام مجتبی(ع): "به دیگران علم خود را بیاموز و علوم دیگران را نیز فراگیر تا علم خود را محکم کرده و به آنچه نمی دانستی آگاه شوی." (مجلسی ۱۴۰۲ق، ج ۷۵، ص ۱۱۱)

۵-۴-۳. رعایت وضعیت ظاهری مناسب

از آنجا که پیامبر اسلام(ص) عالی ترین نمونه معلمی در تاریخ بشر و موفق ترین آنها در امر تعلیم و تربیت می باشد توجه به سنت ها و شیوه های آن حضرت در مورد وضعیت ظاهری خود، یکی از ضرورت های گریز ناپذیر برای متولیان امر تعلیم و تربیت می باشد.
- قال رَسُولُ اللَّهِ (ص): "هر کس دارای مو است باید آن را نیکو بدارد." (الجعفریات؛ ص ۱۵۶)

- علی (ع) نقل کرده که پیامبر(ص) همواره سرش را شانه می کرد و بیشتر اوقات برای شانه زدن به سرش آب می زد." (همان)

- امام صادق: پیامبر(ص) ظرفِ مِشکی داشت که هرگاه وضو می گرفت با دستش درحالی که خیس بود از آن مشک برمی داشت از این رو هنگامی که بیرون می رفت از بوی خویش می دانستند که او رسول خدا است.

- رَسُولُ اللَّهِ (ص): "همانا کوتاه کردن سبیل تاجایی که خط لب پیدا شود جزء سنت است." (الکافی؛ ج ۶ ص: ۴۸۷)

۵-۴-۴. رعایت نظم و انضباط کاری

- رَسُولُ اللَّهِ (ص): " همانا خدای بلند مرتبه دوست دارد وقتی یکی از شما کاری می کند آن را مرتب و نیکو انجام می دهد. " (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۴۳۴).

- امام علی(ع): " (شما [حسن و حسین(ع)] و همه ی فرزندان و خانواده ام و هرکسی که این نامه ی من به اومی رسد را به تقوای الهی و نظم کارتان سفارش می نمایم. " (نهج البلاغه/ نامه ۴۷)

نوشته اند بعد از شهادت آیت الله دکتر بهشتی، تقویم به جای مانده از وی نکته عجیبی را آشکار کرد، و آن اینکه ایشان برنامه ریزی خود را تا ۶ ماه آینده ترسیم کرده بود. (خنیف و پور حسینی، ۱۳۸۶، ص ۴۳)

۵-۴-۵. خوش خلقی و رفتار مهربانانه با مخاطب

خداوند در قرآن کریم پیامبر گرامی اسلام را که نقش یک معلم و تربیت کننده نسل بشر را بر عهده دارد " رحمه للعالمین " یعنی؛ مهر و محبتی برای تمام جهانیان معرفی می کند(انبیاء/۱۰۷) و علامه طباطبائی در توضیح این وصف پیامبر اکرم (صلی الله علیه آله) می فرماید: " آن حضرت رحمت است برای اهل دنیا از جهت اینکه دینی آورده است که در اخذ به آن سعادت اهل دنیا در دنیا و آخرت است. " (طباطبائی، ۱۳۷۸ج ۱۴، ص: ۳۳)

و در سوره آل عمران، آیه ۱۵۹ آمده است: " به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم خو (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند... " امیر المؤمنین(ع) نیز می فرماید: " اوج ایمان، خوش خلقی و آراستگی به راستگویی است. " (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۳۱)

۵-۴-۶. صداقت و یک رنگی

در آیه ۱۱۹ سوره توبه آمده است: « ای کسانی که ایمان آورده اید از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و با صادقان باشید، و از آنجا که به اعتراف جمعی از علمای تشیع و تسنن این آیه شریفه در شأن امام علی (ع) نازل شده (ر.ک: قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۵۱۹) و منظور از "صادقین" ، حضرات معصومین (ع) می باشند که تمامی آنها نقش مریبان بشر را برعهده داشته و دارند می توان در یافت که صداقت در گفتار و رفتار لازمه کار در عرصه تعلیم و تربیت می باشد.

قرآن در جای دیگر می فرماید: " ای کسانی که ایمان آورده اید چرا چیزی می گوئید که به آن عمل نمی کنید؟ " (صف/۲).

چنان که پیامبر اکرم(ص) نیز فرمود: " ایمان بنده ای به درستی نمی گراید مگر قلبش

درست شود، و قلبش درست نمی شود مگر زبانش درست (و راستگو) شود! " (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۳۱)

امام صادق(ع) در مورد بی اثر شدن کار تربیتی به خاطر دوگانگی علم و عمل می فرماید: براستی اگر عالم به علم خود عمل نکند، موعظه و اندرز او از دلها می لغزد آنچنان که باران از روی سنگ صاف می لغزد. (الکلبینی، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۵۶) وی همچنین در جای دیگر می فرماید: " گول نماز و روزه دیگران نخورید چه بسا کسی به نماز و روزه شیفته می شود تا آن جا که اگر ترک کند به هراس می افتد، ولی آن ها را به راستگویی و امانتداری امتحان کنید. " (همان، ج ۲، ص ۱۰۴)

۵-۴-۷. خوشبینی و مثبت نگری

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: « ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمانها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمانها گناه است» (حجرات/۱۲)

بدبینی و منفی نگری نسبت به مخاطبان و تربیت پذیران همانند عینکی رنگی است که باعث می شود فرد از دیدن رنگ های واقعی محروم شده و نتواند واقعیت ها را آنگونه که هستند ببیند. و چه بسا بر اساس نگاه بدبینانه ای که به طرف مقابل دارد برنامه ریزی ها و اقدامات خود را نیز از روی اشتباه طرح و اجرا نماید. از این رو درآموزه های اسلامی تاکید شده است نسبت به دیگران دید مثبت داشته باشید و رفتار و گفتار دیگران را حمله به صحت کنید مگر اینکه عکس آن ثابت شود.

امام علی (علیه السلام) در این زمینه می فرماید: «اعمال برادر دینی ات را بر نیکوترین وجهی تفسیر و توجیه کن، مگر این که دلیلی بر خلاف آن قائم شود و هرگز نسبت به سخنی که از برادر مسلمان صادر شده گمان بد مبر تا هنگامی که می توانی برای آن توجیهی مناسب و راه صحیح داشته باشی.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۹۲). همچنین در روایتی از حضرت آمده است که: « نیک پنداری، مایه آسایش و آرامش دل است.» (همان، ص ۲۵۳)

بدیهی است استادی که مثبت نگر باشد تصمیمات و اقداماتش نیز مثبت و پیش برنده و تکامل بخش خواهد بود و وقت خود را صرف بازدارندگی های مبتنی بر بدبینی نخواهد کرد. به عبارت دیگر اگر شخصی نسبت به موضوعی نگرش مثبت داشته باشد، آماده است که کمک کند، پاداش دهد، ستایش کند و از موضوع بازخورد خود، حمایت کند. برعکس اگر نسبت به آن موضوع، نگرش منفی داشته باشد، آماده خواهد بود که بدگویی کند، آزار برساند، کیفر دهد و موضوع را نابود کند.

نتیجه‌گیری

اخلاق آموزش به این دلیل ضروری است که عمده‌ترین نقش یک عضو هیأت علمی و معلم، امر آموزش و انتقال معلومات به دانش‌پذیران است و رسیدن به این هدف تنها با عمل کردن به بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های رسمی امکان‌پذیر نمی‌باشد. بررسی منابع دینی، سه دسته عناصر بنیادین و پیش‌فرض‌های بسیار تأثیرگذار را در باب اخلاق حرفه‌ای آموزش معرفی می‌کنند که وجود آنها در معلمان و استادان، آنان را در انجام وظیفه مقدس تعلیم و تربیت موفق خواهد نمود.

عناصر و پیش‌فرض‌های اعتقادی: شامل باور کارآمدی ویژه انگیزه الهی، ایمان به نظارت دائمی خداوند و آشکار شدن واقعیت‌ها در قیامت، باورداشتن هدفمندی آفرینش و خلیفه الهی انسان و پیش‌فرض‌های معرفتی شامل ولایی دانش و دانشوری، مقدم بودن تعلیم بر تزکیه از لحاظ فرایند، تقدم ارزشی تزکیه بر تعلیم، لزوم مخاطب‌شناسی و پیش‌فرض‌های رفتاری شامل آغاز کردن از خود و حفظ و تقویت جایگاه علمی خویش، رعایت وضعیت ظاهری مناسب، نظم و انضباط کاری، مهربانی با مخاطبان و صداقت و یک‌رنگی و مثبت‌نگری برای شغل مقدس تدریس و استادی تعریف شده است که نقش اساسی در دست‌یابی به اهداف آموزشی و پرورشی آنان ایفاء می‌نماید.

نکته جالب و پایانی این که بررسی‌ها نشان داد با توجه به نقش پیامبرانه معلمان و اساتید، در مورد تمامی پیش‌فرض‌های این شغل مقدس، دستورالعمل‌ها و رهنمودهای بسیار ارزنده‌ای در آیات و احادیث بیان گردیده است که عمل به آنها تضمین‌کننده موفقیت اعضای هیأت علمی در انجام فعالیت‌های آموزشی و پرورشی آنان خواهد بود. چنانکه پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) با عمل به همین رهنمودها توانسته‌اند عقب‌مانده‌ترین انسان‌های دوران خودشان که در منجلا ب جهل و جاهلیت دست و پا می‌زدند را به سوی حق و حقیقت هدایت نمایند.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج ابلاغه

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه (بی تا) محقق / مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم، مکتبه آیه الله المرعشی.
۲. برگسون، هانری لویی (۱۳۵۸)، دو سرچشمه اخلاق و دین، ترجمه حسن حبیبی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳. بنکداری، نسرین و گلنار مهران، طیبه ماهرو زاده و سید عباس هاشمی (۱۳۹۵)، ویژگیهای استاد شایسته در آموزش عالی ایران: یک مطالعه کیفی، فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال هفتم، شماره ۱، بهار ۹۵، پیاپی ۲۵، صص ۱۱۷-۱۳۸.
۴. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، (۱۴۱۰ق) محقق / مصحح: رجائی، سید مهدی، قم، دار الكتاب الاسلامی، چاپ دوم.
۵. حمیدی، م. الف. (۱۳۸۷). آموزش و پژوهش: فرآیند آماده سازی، ارزیابی، پردازش و نوشتن. تهران: انتشارات سوگند.
۶. خنیفر، حسین و پور حسینی، مؤده (۱۳۸۶)، مهارت های زندگی، چاپ دوم، قم، مرکز نشر هاجر.
۷. شریفی، احمد حسین (۱۳۹۱)، آیین زندگی و اخلاق کاربردی، قم: نشر معارف.
۸. شعبانی، حسن، (۱۳۹۴) مهارتهای آموزشی و پرورشی (روشها و فنون تدریس)، تهران، انتشارات سمت.
۹. شهید ثانی، زین الدین، (۱۳۹۳)، منیة المرید فی آداب المفید و المستفید، تهران: انتشارات اسماعیلیان.
۱۰. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۶۶)، شرح اصول کافی، مصحح: محمد خواجهوی، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۸)، تفسیر المیزان، مترجم سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ یازدهم.
۱۲. طوسی، نصیرالدین، (۱۳۸۸)، آداب المتعلمین، تهران: انتشارات روزبهان.
۱۳. عاملی. شیخ حر، (۱۳۷۰)، وسائل الشیعه، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۱۴. عاملی، منیژه (۱۳۸۱)، بررسی مبانی نظری اخلاق حرفه‌ای در اسلام، پایان نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد، تهران، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
۱۵. قراملکی، احد فرامرزی (۱۳۸۸)، درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای، چاپ دوم، تهران: انتشارات سرآمد.
۱۶. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم.
۱۷. الکلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۵۹) الکافی، تهران: دارالکتب اسلامیه.
۱۸. الکوفی، محمد بن محمد اشعث (بی تا)، الجعفریات - الاشعثیات، کربلا: مکتب نینوی الحدیثه.
۱۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۲ق)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
۲۰. مدرسی، سید محمد رضا (۱۳۷۱) فلسفه اخلاق، چاپ اول، تهران: انتشارات سروش.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، پیام قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام (مجموعه آثار امام خمینی ره)، تهران: مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره
۲۴. نمازی شاهرودی، علی، (۱۴۱۸ق) مستدرک سفینه البحار، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۲۵. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، قم: موسسه آل البيت لاحیاء تراث.
۲۶. هاشمی، احمد و ماشینیچی، علی اصغر و محمدخانی، کامران (۱۳۹۵)، ارائه مدل ارزیابی شایستگی های هیئت علمی در نظام دانشگاه آزاد اسلامی: مورد واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی استان فارس، فصلنامه علمی پژوهشی "رهیافتی نو در مدیریت آموزشی"، شماره ۲۸، صفحه ۲۱۱-۱۸۵.
27. Hartog, mary and Winstanley, Diana, (2003). Ethics and Human Resource, Management: Professional Development and Practice## .
28. -Durkheim Em. (1992). Profesonal Ethics and civic moral. Translated by Cornelia Brakfield. Routledge. New York. Pp: 29-45## .
29. -Gallo, G. (2004). Operation Research and Ethics: Responsibility, sharing and cooperation – European journal of Operational Research . 153 (2). 468-476## .
30. -Moberg DJ, Seabright MA. (2000). The development of moral imagination. Business Ethics Quarterly; 10(4): 845-884.

تبیین رابطه فساد اداری و اجرای خط مشی مالیاتی و نقش تعهد سازمانی (اداره کل امور مالیاتی یزد)

۱ مریم علی عمرانی

۲ علیرضا منطری توکلی

۳ سنجر سلاجقه

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین رابطه فساد اداری با میزان اجرای خط مشی های مالیاتی با توجه به نقش میانجی تعهد سازمانی به منظور ارائه مدلی مطلوب بوده است. درباره نقش ارزشهای اخلاقی در زمینه فساد اداری می توان بیان داشت فقر اقتصادی و نابسامانی های درآمدی کارکنان سازمان ها، فقر فرهنگی و عدم وجود باورهای استوار اخلاقی و نبود مقررات و قوانین بازدارنده و نظام های کنترلی مؤثر از زمره دلایل اصلی بروز فساد اداری است و عوامل اصلی شکل گیری این پدیده شامل: علل اصلی (ریشه ها) و عوامل تسهیل کننده می باشد

روش تحقیق از نوع تحلیلی، توصیفی و به شیوه همبستگی است. جامعه آماری ۵۰۰ نفر شامل کلیه کارکنان اداره کل امور مالیاتی یزد بود حجم نمونه طبق جدول مورگان برابر با ۲۲۱ نفر بوده که بصورت تصادفی انتخاب شده اند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه ۲۰ سوالی فساد اداری با روایی ۰/۷۵ و پایایی ۰/۸۰۴ و پرسشنامه ۱۱ سوالی اجرای خط مشی مالیاتی با روایی ۰/۷۴ و پایایی ۰/۹۴۲ و پرسشنامه ۲۴ سوالی تعهد سازمانی با روایی ۰/۷۸ و پایایی ۰/۹۰۷ استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها با نرم افزار SPSS و Amos انجام گرفته است. داده ها از طریق مجموعه پرسشنامه و جامعه خبرگان، به عنوان ابزار تحقیق جمع آوری گردید. به منظور تحلیل داده ها از آزمونهای آماری از جمله ضریب همبستگی پیرسون و مدلسازی معادلات ساختاری استفاده شده است. یافته های تحقیق در گام اول نشان داده است که فساد اداری بر تعهد سازمانی تأثیر منفی و معنی داری دارد. همچنین فساد اداری در درون دولت با اجرای خط مشی مالیاتی رابطه منفی و معنی داری دارد. تعهد سازمانی نیز به مثابه یک ویژگی اخلاقی مثبت تأثیر مثبت و معنی داری بر اجرای خط مشی مالیاتی دارد. در نتیجه تعهد سازمانی سبب کاهش اثرات فساد سازمانی بر اجرای خط مشی مالیاتی می شود. در نهایت نشان داده شد که تعهد سازمانی به طور غیرمستقیم سبب بهبود اجرای خط مشی های مالیاتی و کاهش اثرات فساد سازمانی می شود.

واژگان کلیدی

فساد اداری، خط مشی مالیاتی، تعهد سازمانی، دولت، شهروندان.

۱. دانشجوی دکترا، گروه مدیریت دولتی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

Email: ma.aliomrani@gmail.com

۲. دانشیار گروه مدیریت دولتی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: manzari@iauk.ac.ir

۳. دانشیار گروه مدیریت دولتی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

Email: salajeghe-187@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۴/۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۵

طرح مسأله

درآمدهای مالیاتی شامل مالیات‌های مستقیم و مالیات‌های غیرمستقیم است که هر سال به وسیله دولت از اشخاص حقیقی و حقوقی وصول می‌شود. مالیات‌ها که از گذشته‌های دور برای تامین هزینه‌های قدرت‌های حاکم و گاه به عنوان ابزاری برای رفع مشکلات و تامین بخشی از هزینه‌های اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گرفته است، امروزه با رشد و توسعه اقتصادی کشورها و پیشرفت صنایع و تکنولوژی و پیچیدگی روابط اقتصادی، از شکل سنتی خود خارج شده و به عنوان یک ابزار قوی و یک متغیر و یک متغیر کلان اقتصادی، به وسیله‌ای برای متعادل کردن سایر مولفه‌های کلان اقتصادی تبدیل شده است (۱). به طور کلی این وظیفه مالیات‌ها بسیار مهم‌تر و اساسی‌تر از وظیفه تامین درآمد تلقی می‌شود. در واقع مالیات‌ها علاوه بر یک منبع درآمد برای تامین هزینه‌های عمومی، باید بتواند اهدافی چون رشد و توسعه سرمایه‌گذاری، افزایش سطح اشتغال، توزیع مجدد درآمدها و ثروت و مصرف بهینه در جامعه را تامین نمایند (۲).

فساد یکی از پدیده‌های جهانی است که از دیرباز با پیدایش شکل‌های اولیه حکومت وجود داشته و در زمان معاصر نیز در تمام کشورهای دنیا کمابیش وجود دارد. در سطح جهان، فساد یک مشکل جدی در ایجاد آسیب و ضرر به سیاست‌ها و منافع عمومی تلقی می‌شود. در حقیقت، فساد (در ابعاد اداری و ابعاد دیگر) مانند عفونتی است که اگر به اندام و پیکر جامعه راه یابد، اعضای آن را یکی پس از دیگری عفونی کرده و از کار می‌اندازد و چه بسا گسترش این عفونت، کل پیکر جامعه را فاسد کند (۳).

در بخش‌های بعدی به مرور ادبیات و پیشینه پژوهش و مدل و سوالات تحقیق و یافته‌ها و نتایج پژوهش خواهیم پرداخت.

مروری بر ادبیات و پیشینه پژوهش

مفهوم فساد اداری در گذشته‌های دور، همان مفهوم اخلاقی و ارزشی اش مدنظر بود، اما به مرور زمان به یک مفهوم علمی به ویژه در دانش اقتصاد، مدیریت و سیاست تبدیل شده است. از آنجا که فساد اداری انواع مختلفی دارد که هر کدام دارای مصادیق گسترده است و از سویی دیگر، ماهیت فساد اداری در کشورهای مختلف متفاوت است، به طوری که یک امر ممکن است در یک کشور قانونی و در کشور دیگر غیرقانونی تلقی می‌شود، لذا تاکنون تعریف جامع و واحدی از فساد اداری ارائه نشده است. بنابراین در اینجا ابتدا تعاریفی از فساد و فساد اداری ارائه می‌گردد و سپس با جمع‌بندی تعاریف ارائه شده، یک تعریف جامع و عامه‌پسند از فساد اداری ارائه می‌شود. فساد، معنای مقابل درست‌کاری است (۴).

فساد، قدرت انحصاری و بدون پاسخ گویی و شفافیت است (۵).
فساد، مطابق قانون آن است که دارنده مقام دولتی رشوه می‌گیرد تا آنچه را که مطابق قانون وظیفه دارد انجام دهد. در فساد خلاف قانون، فرد رشوه می‌گیرد تا کاری را برخلاف قانون انجام دهد (۶).

۱- شاخص‌های سنجش فساد

نیاز به شاخص سنجش قابل اطمینان، بیشتر احساس شده؛ چرا که برای رسیدن به صداقت، شفافیت و پاسخگویی بهتر در حکومت و حکمرانی، معضل فساد باید مورد ارزیابی و سنجش قرار بگیرد و تنها با درک مبنا و اساس فساد (میزان فساد، حوزه‌های فساد، نتایج و عواقب فساد و ...) می‌توان به تدوین سیاست‌های لازم و مناسب برای مقابله با آن اقدام کرد (۷).

با وجود تمهیدات بسیار، خیلی زود مشخص شد که اندازه‌گیری و ارزیابی فساد به دلیل پیچیده بودن آن بسیار مشکل است. این مسئله تأثیری دوسویه بر مطالبات و اقدامات مربوط به فساد داشت؛ از یک سو نسبت به تلاش‌های صورت گرفته برای مبارزه با فساد و ظرفیت آنها برای تولید شاخص‌های قابل اندازه‌گیری و نتایج پاسخگو، عدم اطمینان شدیدی پدید آورد و از سوی دیگر سبب تشویق و تحریک بیشتر متخصصان و محققان برای ارائه الگوهای سنجش پیچیده‌تر و دقیق‌تر شد. در نتیجه، توجه بیشتری به ارزیابی فساد شد و پژوهش‌های گسترده‌ای درباره این موضوع صورت گرفت (۷).

امروزه ارزیابی فساد از سه طریق عمده انجام می‌گیرد:

۱- از طریق جمع‌آوری دیدگاه‌ها و نظرات بازیگران و سهامداران اصلی شامل نظرسنجی از تاجران و بازرگانان، مقامات دولتی، بازیگران بین‌المللی (از قبیل سازمان‌های غیردولتی و چند جانبه) و افراد.

۲- از طریق پیگیری و دنبال کردن اطلاعات سازمانی، فراهم‌سازی اطلاعات ارزشمند درباره فضاهای فساد از قبیل چهارچوب اداری و مدیریتی، مدیریت بودجه و ... با اینکه چنین کاری به خودی خود منجر به سنجش فساد نمی‌شود، اما نشان داده است که در آینده می‌توانند شاخصی مفید باشد.

۳- از طریق بررسی پروژه‌ها و برنامه‌های خاص، از قبیل بررسی مالی، گزارش‌های هزینه، تضاد بین نتایج مورد انتظار و نتایج واقعی پروژه و ... (۸).

۲- مفهوم خط‌مشی‌ها و خط‌مشی‌گذاری

شاید برای اهالی فکر و نظر این سوال مطرح باشد که چرا دولت‌ها از میان‌انبوه مسایل

گریبانگیر جامعه، تنها به موارد خاص می پردازند و چشم خود را بر سایر مسایل می بندند. علم خط مشی گذاری با گشودن میدان جدید پژوهشی و آموزشی، عمل دولتی ها را مورد مطالعه و بررسی قرار می دهد و به آنچه دولت ها واقعا انجام می دهند، می پردازد. در این زمینه دو رویکرد اساسی بر مطالعه خط مشی حاکم است. رویکرد سیاسی که بیشتر متمرکز بر شرایط سیاسی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی می باشد. بر نتایج و پیامدهای خط مشی متمرکز شده و مسایل عمومی مردم را مورد قرار می دهد. این رویکرد رفتار بازیگران خط مشی گذاری را مورد مطالعه قرار می دهد. رویکرد دیگر رویکرد فنی می باشد که ناظر بر بکارگیری دقیق و منطقی خط مشی گذاری و حاکمیت استدلال و منطق تصمیم گیری و انتخاب خط مشی نهائی می باشد. (۹)

فرایند خط مشی ها، شامل تنظیم سیاست و پیاده سازی آن است. با این حال، تنظیم سیاست و پیاده سازی آن، دو گام جدا از هم نیستند، بلکه تا حدودی زیادی در هم تنیده و با هم آمیخته شده اند. از آنجا که پیاده سازی تصمیم گیری در زمینه خط مشی ها، اغلب مشکلات جدیدی را برای دستور کار جلسه به بار می آورد، لذا نمی تواند به راحتی و بطور قابل اعتمادی از تنظیم سیاست تمیز داده شود. علاوه بر این، فرایند سیاست گذاری، فرایندی تعاملی است که فاقد نقطه شروع و پایان است (۱۰).

۲-۱- رویکردهای اجرا خط مشی

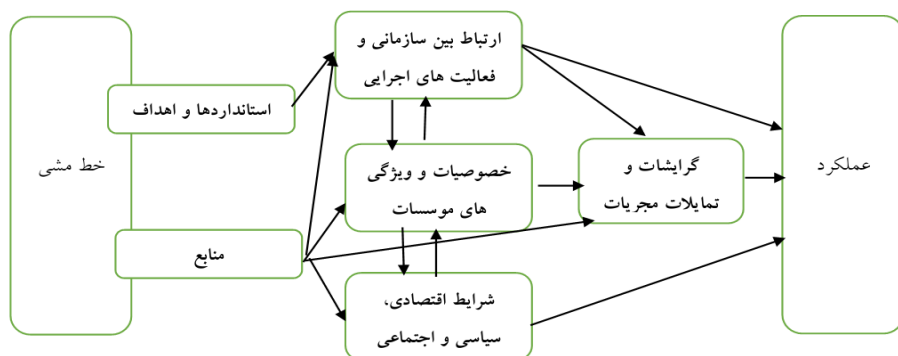
رویکردهای اجرای خط مشی را به سه دسته می توان تقسیم کرد که عبارت اند از رویکرد بالابه پایین، رویکرد پایین به بالا، رویکرد تروکیبی یا تعاملی شبکه.

الف) مدل های رویکرد بالا به پایین اجرای خط مشی

- چارچوب بالابه پایین ون متر و ون هورن:

مدل ون متر و ون هورن شش متغیر دارد که بین اجرا و خط مشی ارتباط و پیوند برقرار

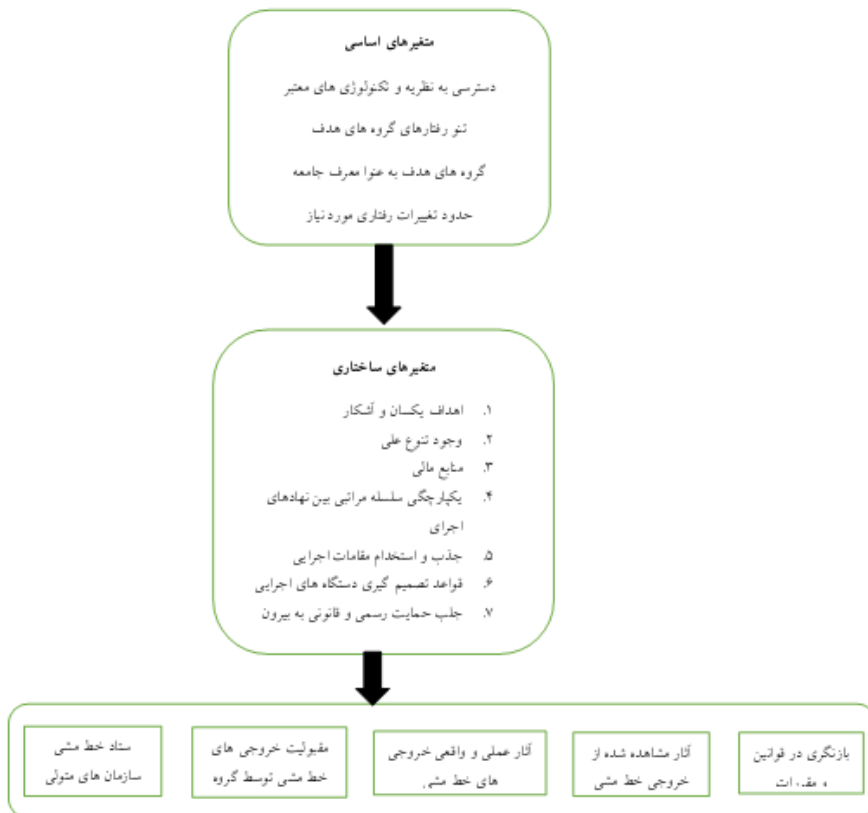
می کند. این متغیرها در شکل ۱، نمایش داده شده است.



شکل ۱- چارچوب بالابه پایین ون متر و ون هورن (۱۹۷۵)

مدل بالا به پایین سباتیر و مازماینان:

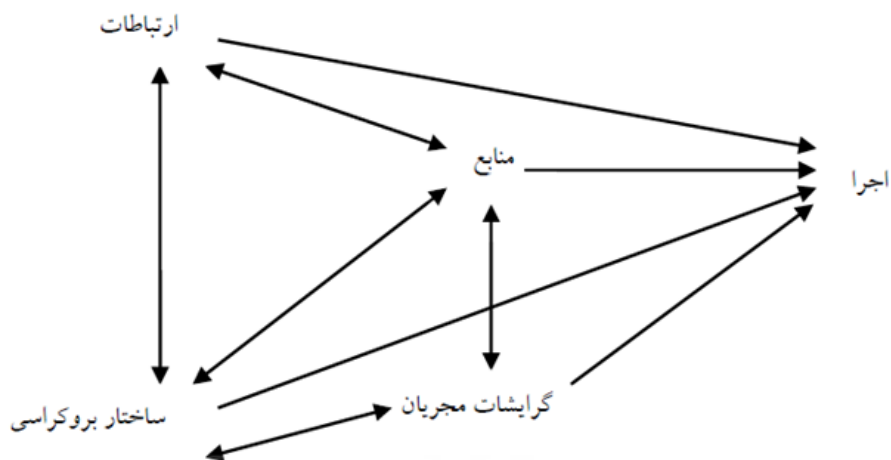
سباتیر و مازماینان در مطالعات خود طیفی از متغیرهای قانونی، سیاسی و جز آن را که بر مراحل مختلف فرایند اجرا اثرگذارند، شناسایی کردند و فهرستی نسبتاً جامع شامل ۱۷ متغیر تأثیرگذار بر اجرا را معرفی کردند. تحلیل اجرا در نگاه آنان شناسایی عواملی است که بر دستیابی به اهداف قانونی از خلال فرایند کلی اثر می گذارند. سپس، این دو دانشمند این متغیرها را در قالب شش شرط ولی برای دستیابی موفقیت آمیز به اهداف قانونی اجرا دسته بندی کرده اند (۱۱)



شکل ۲- الگوی سباتیر و مازماینان برای تحلیل جریان متغیرهای اثرگذار بر فرایند اجرای خط مشی (۱۱)

مدل بالا به پایین ادواردز

ادواردز مدلی دیگر از رویکرد بالا به پایین را طراحی کرد. وی چهار علت تأثیرگذار بر اجرای خط مشی را در مدل خود مطرح کرد که عبارتند از ارتباطات، منابع، گرایشات مجریان، ساختار بوروکراسی (۱۲)



شکل ۳- چارچوب بالا به پایین ادواردز (۱۲)

ب) مدل‌های رویکرد پایین به بالا اجرای خط مشی

رویکرد پایین به بالا در جهت انتقاد به رویکرد بالا به پایین ایجاد شد. در این راستا افرادی مانند:

المور، لیپسکی، جر و هانف، و پورتر مدل‌هایی را در سال ۱۹۷۸ طراحی کردند. همان‌طور که پیشتر بیان شد، رویکرد پایین به بالا برخلاف رویکرد بالا به پایین با شناسایی شبکه‌های بازیگران درگیر در اجرا آغاز می‌شود و نقش این بازیگران در برنامه ریزی، بودجه بندی و اجرای دولتی و غیردولتی را بررسی می‌کند (۱۳)

ج) مدل‌های رویکرد ترکیبی اجرای خط مشی

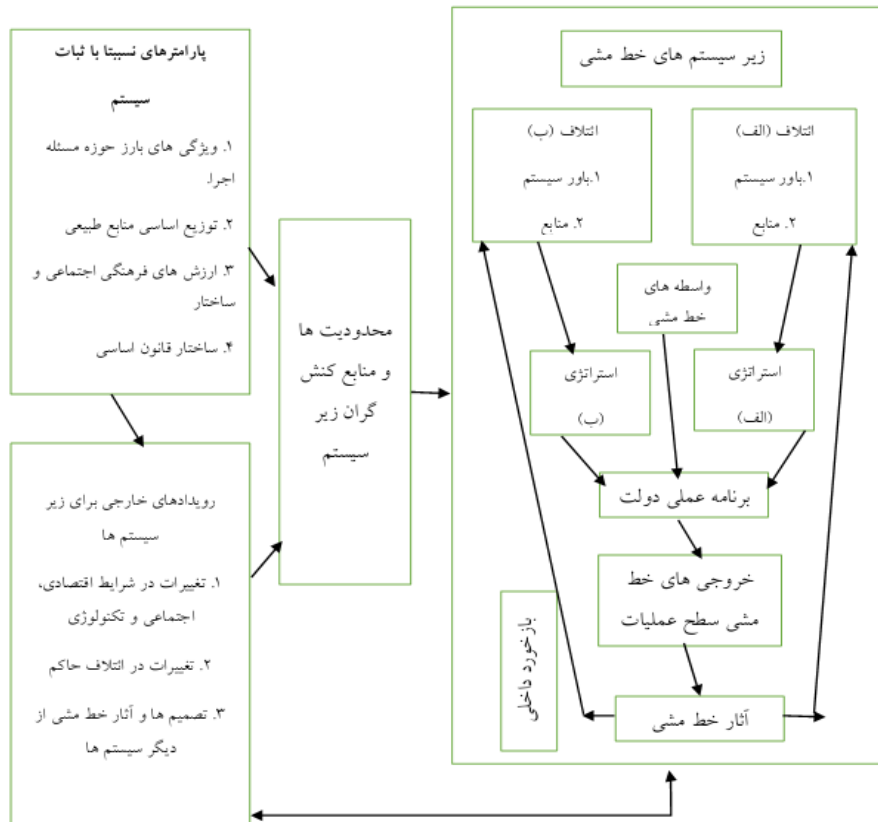
بعد از بیان دیدگاه‌های رویکرد بالا به پایین و پایین به بالا، دیدگاه سومی مطرح می‌شود که از تلفیق دو دیدگاه قبل ایجاد شده است. برخی مهم‌ترین مدل‌های آن عبارت‌اند از:

-مدل ترکیبی ریچارد المور

المور در سال ۱۹۸۵ اولین نظریه را در حومه اجرای خط مشی با رویکرد ترکیبی مطرح کرد. به عقیده او خط مشی‌گذاران باید به نهادهای سیاسی و منابعی دیگر که در دسترس قرار دارد و نیز ساختار محرک گروه‌های هدف توجه کنند.

-مدل ترکیبی ائتلاف طرفداران ساباتیه

مدل ائتلاف طرفداران ترکیب واحد تجزیه و تحلیل مدل پایین به بالا به مدل بالا به پایین است شکل ۴، نشان‌دهنده نظریه آن‌ها است:

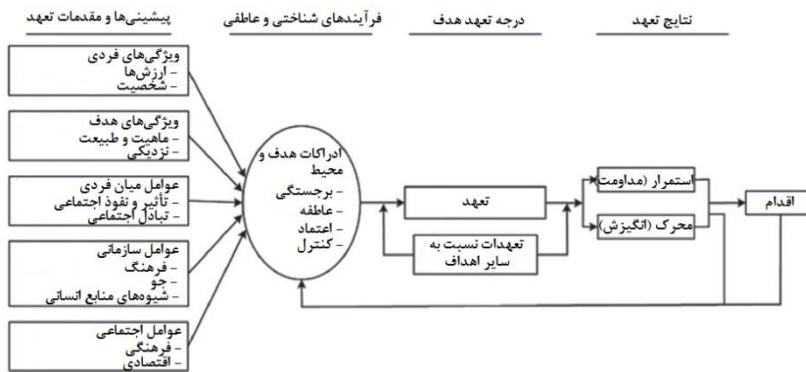


شکل ۴- چارچوب ترکیبی ائتلاف طرفدارانۀ ساباتیه (۱۴)

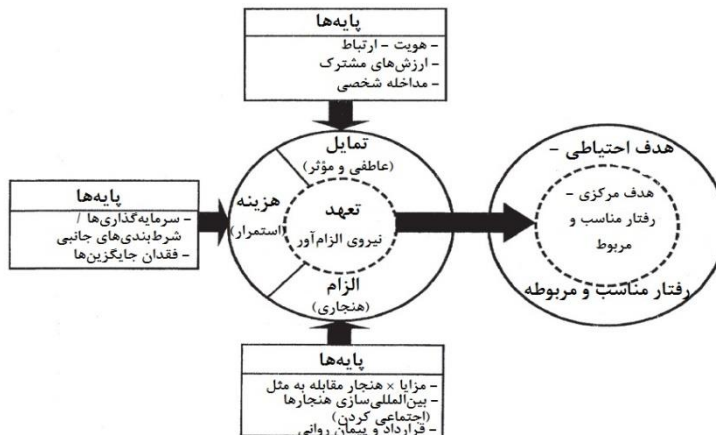
۳- تعهد سازمانی

معمولی ترین شیوه برخورد با تعهد سازمانی آن است که تعهد سازمانی را نوعی وابستگی به سازمان در نظر بگیریم؛ نوعی وابستگی عاطفی و احساس تکلیف در برابر سازمان که به آمیزه ای از تعهد سازمانی مدیران و کارکنان اطلاق می شود (۱۵). از نظر این دو، تعهد، حالتی روان شناختی است که نخست رابطه کارکنان را با سازمان مشخص می کند و در مرحله بعد شمشتلزم تصمیم گیری درباره ادامه یا لغو عضویت افراد در سازمان است. آلن و می یر تعهد را به سه دسته تقسیم می کنند: تعهد عاطفی، تعهد مستمر و تعهد هنجاری. به نظر آنها تعهد عاطفی به دلبستگی عاطفی فرد به سازمان و همانندی و التزام او به آن اشاره دارد. افرادی که تعهد عاطفی قوی به سازمان دارند، به کارشان در سازمان ادامه می دهند.

کلین و همکاران (۲۰۱۲) نیز مدل فرآیند تعهد نشان داده شده در شکل ۲-۱ را ارائه می کنند.



شکل ۵- مدل فرآیند تعهد (۱۶)



شکل ۶- مدل عمومی تعهد محل کار (۱۷)

۴- چارچوب نظری تحقیق

فساداداری، متغیری است که در این تحقیق به عنوان متغیر ملاک مورد توجه قرار گرفته است و تلاش می‌شود تا تغییرات آن توسط میزان اجرای خط مشی مالیاتی که به عنوان متغیر پیش بین و تعهد سازمانی به عنوان متغیر میانجی تعبیر، تفسیر و تشریح گردد.

۱- ۴ از دیدگاه حیبی ابعاد فساداداری عبارتند از:

۱- فساد اداری در درون دولت

۲- فساد اداری در روابط دولت با شهروندان (۱۸).

۲- ۴ خط مشی‌های مالیاتی

ابعاد و شاخص‌هایی میزان اجرای خط مشی مالیاتی عبارتند از:

مالیات بردرآمد-مالیات بردارائی-مالیات بر ارزش افزوده (۱۹)

۳-۴ تعهد سازمانی

دیدگاه های آلن و می یر در زمینه قلمرو مفهومی تعهد سازمانی و ابعاد آن، بیش از سایرین مورد توجه و اهتمام قرار گرفته است. از نظر این دو، تعهد، حالتی روان شناختی است که نخست رابطه کارکنان را با سازمان مشخص می کند و در مرحله بعد مستلزم تصمیم گیری درباره ادامه یا لغو عضویت افراد در سازمان است. آلن و می یر تعهد را به سه دسته تقسیم می کنند: تعهد عاطفی، تعهد مستمر و تعهد هنجاری.

معمارزاده و همکاران (۱۳۸۷) به بررسی شرایط و عوامل موثر بر اجرای خط مشی مالیاتی مصوب مجلس در ایران پرداختند. یافته های تحقیق هفده مورد تاثیر گذار بر اجرای خط مشی مالیاتی را نشان داد.

پیشینه پژوهش

حقیقتیان و همکاران (۱۳۹۵)، به بررسی رابطه بین تعهد سازمانی و گرایش به فساد اداری بین کارکنان شهرداری تهران پرداختند یافته های تحقیق بیانگر این است که بین تعهد سازمانی کارکنان و گرایش آنها به فساد اداری رابطه معکوس و معناداری وجود دارد و فرضیات فرعی مبنی بر رابطه معکوس بین تعهد عاطفی، تعهد هنجاری و تعهد مستمر با گرایش به فساد اداری تأیید و از بین ابعاد تعهد سازمانی نیز تعهد عاطفی به میزان ۲۵ درصد توانایی پیش بینی تغییرات گرایش به فساد اداری کارکنان را داراست و در واقع قوی ترین پیش بینی کننده است و بعد از آن به ترتیب تعهد هنجاری و تعهد مستمر قرار می گیرند.

محمدی آزاد (۱۳۹۶)، به شناسایی و رتبه بندی عوامل موثر بر اجرای خط مشی های مالیاتی در ایران پرداخت. بر اساس نتایج بدست آمده مشخص شد که شفافیت خط مشی های مالیاتی، فرهنگ مالیاتی جامعه و تعهد سازمانهای مالیاتی به ترتیب از بیشترین اهمیت در اجرای خط مشی های مالیاتی برخوردار هستند.

درویشی و عظیمی (۱۳۹۵)، پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر شفافیت سازمانی بر کاهش فساد اداری با میانجی گری اعتماد سازمانی ارائه نمودند. هدف پژوهش، بررسی تأثیر شفافیت سازمانی بر کاهش فساد اداری با میانجی گری اعتماد سازمانی بوده است شفافیت بر اعتماد و فساد اداری تأثیر گذار است، اما اعتماد بر کاهش فساد اداری در بیمارستان پانزده خرداد ورامین تأثیری ندارد.

توبه و همکاران (۱۳۹۶)، پژوهشی با عنوان جایگاه فساد اداری در سازمان های دولتی ایران ارائه نمودند. در تحقیق به مرور تحقیقات مرتبط با فساد اداری و مالی پرداخته شده است فساد اداری و مالی را می توان در حول چهار موضوع اصلی؛ تعاریف، پیامدها، راهکارها و سنجش فساد

دسته‌بندی کرد.

واقفی و همکاران (۱۳۹۶)، پژوهشی با عنوان شناسایی علل بومی بروز فساد اداری: مورد مطالعه شهرداری تهران ارائه نمودند. در رتبه‌بندی علل بروز فساد اداری در شهرداری تهران نتایج نشان داد بین سه عامل سازمانی، فردی و محیطی مؤثر در بروز فساد اداری؛ عوامل فردی به‌عنوان اولویت اول، عوامل سازمانی اولویت دوم و عوامل محیطی اولویت سوم می‌باشند. واعظی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی الگویی برای ارزیابی خط مشی های عمومی در ایران (مطالعه خط مشی مالیات بر ارزش افزوده پرداختند نتایج تحقیق الگوی ترکیبی مناسب ارزیابی با توجه به سطوح محیطی، نهادی، سازمانی پیشنهاد شد.

نادری فر و همکاران (۱۳۹۵) بررسی عامل های مؤثر بر اجرای موفق خط مشی های مالیاتی مصوب مجلس شورای اسلامی در اداره مالیات شهرستان زابل، پرداختند نتایج حاصل از تحلیل تشخیصی؛ سه سطح اجرا (اجرای ضعیف، اجرای متوسط و اجرای قوی)، و دو تابع: بعد شفافیت و اهمیت سازمان مالیاتی برای سایر سازمانها و نهادها متمایز شدند. قوانین با اجرای قوی در بعد یکم (شفافیت) دارای بیشترین میانگین بودند. در بعد یا تابع دوم اجرای متوسط، دارای بیشترین میانگین بود.

علوی و همکاران (۱۳۹۷)، پژوهشی با عنوان ریشه های فساد اداری در سازمان های دولتی ایران ارائه نمودند. یافته های پژوهش نشان داد برقراری دموکراسی و بهبود کیفیت بوروکراسی، فساد را در بازه زمانی مطالعه کاهش داده، ولی کاهش اندازه دولت، کاهش درآمدهای نفتی و افزایش حاکمیت قانون و افزایش توسعه انسانی، در طی این مدت، بر کاهش فساد اداری مؤثر نبوده است.

کوهن (۲۰۱۹)، پژوهشی با عنوان رفع فساد اداری ارائه نمود. پژوهش بررسی فساد در بخش اداری را به‌عنوان مهم‌ترین عامل تحقق اهداف بخش اداری معرفی کرده است. شفافیت سازمانی راهکار اصلی رفع فساد سازمانی شناسایی شد. وضع مقررات برای کنترل فرآیندهای درون سازمانی، رعایت استانداردهای شفافیت، ارتقای هرچه بیشتر شفافیت بر اساس استراتژی ضد فساد (شفافیت و قابلیت اعتماد سازمانی)، برای رفع فساد پیشنهاد شد.

چپس (۲۰۱۹)، پژوهشی با عنوان نقش حسابرسی در مبارزه با فساد ارائه نمودند. هدف مقاله، تجزیه و تحلیل این است که انواع مختلف حسابداری، چگونه می‌تواند به مبارزه با فساد کمک کند.

گائولت (۲۰۱۷)، پژوهشی با عنوان فساد به‌عنوان یک فرآیند سازمانی: درک منطق نرمال سازی فساد ارائه نمود. پژوهش نشان داده است که فساد فردی و فساد اجتماعی، بر سطح فساد فرآیندهای سازمانی تأثیرگذار است. جهت‌گیری فساد سازمانی و مدل‌سازی آن بر اساس

فسادهای موجود در سطح اجتماعی تغییر می‌کند. به عبارت دیگر شیب فساد اداری و سازمانی از فساد فردی و فساد اجتماعی تأثیرپذیر است.

معمارزاده و طاهرپور کلانتری (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان "شرایط و عوامل موثر بر اجرای خط مشیهای مالیاتی در ایران" به این نتیجه رسیدند که عوامل موثر بر اجرای خط مشیهای مالیاتی عبارتند از: ۱- شفافیت سیاستها و قوانین مالیاتی، ۲- رهبری سازمانی و توجه به فرهنگ جامعه و مشارکت در امر قانونگذاری، ۳- شرایط اجتماعی و سیاسی و حمایت مردمی، ۴- اهمیت سازمان مجری برای سایر سازمانها و نهادهای، ۵- تعهد سازمان مجری و مسئولینشان به اجرا، ۶- گرایش مجریان به اجرا و منطقی بودن آن از نظر آنها، ۷- جو همدلی و همکاری در سازمان، ۸- انگیزش و تمایلات کارکنان سازمان مجری، ۹- گوناگونی و تنوع مودیان و سازمانهای وابسته، ۱۰- محدودیت زمانی و ضمانت اجرا، ۱۱- شرایط اقتصادی، ۱۲- دانش و آگاهیهای کارکنان سازمانهای مجری سیاستها و قوانین مالیاتی

حقیقتیان و همکاران (۱۳۹۵)، در تحقیقی با عنوان "رابطه بین تعهد سازمانی و گرایش به فساد اداری" به نتیجه رسیدند که مبارزه با فساد اداری مستلزم تلاشی مستمر، طولانی و اصولی است. فساد، سوء استفاده از اختیارات دولتی برای کسب منافع شخصی یا خصوصی و پیشنهاد دادن، دریافت یا تقاضاهای هر چیز با ارزش برای تأثیرگذاری بر رفتار کارمند دولتی یا اداری در فرایند انجام کار یا قرارداد است.

جبار باباشاهی و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی وجود بیگانگی مجریان از خط مشی های مالیاتی پرداختند نتایج یافته های تحقیق حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها، وجود احساس بیگانگی مجریان از خط مشی های مالیاتی را نشان داد.

مقدس پور و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی عوامل کلیدی در عدم موفقیت برخی خط مشی های عمومی پرداختند. نتایج نشان داد بی توجهی به ارزش زمان و سپری شدن فرصت ها در اجرای خط مشی ملی بی ثباتی مدیریتی در بخش دولتی متولی اجرای خط مشی ناهمسوئی ابزارهای اجرای خط مشی های ملی بحران های داخلی و خارجی موثر بر اجرای خط مشی ها فقدان ساختار اجرائی مناسب برای اجرای خط مشی ملی از مهم ترین عوامل کلیدی مانع اجرای خط مشی عمومی در ایران هستند.

سوالات پژوهشی

بر اساس مبانی پیش گفته شده، به منظور دست یافتن به اهداف پژوهشی، سوالات زیر مطرح و مورد بررسی قرار گرفته اند:

- ۱- وضعیت فساداداری اداره کل امور مالیاتی استان یزد چگونه است؟
 - ۱-۱- وضعیت فساداداری در درون دولت چگونه است؟
 - ۲-۱- وضعیت فساداداری در رابطه دولت با شهروندان چگونه است؟
- ۲- وضعیت اجرای خط مشی های مالیاتی اداره کل امور مالیاتی استان یزد چگونه است؟
 - ۱-۲- وضعیت مالیات بر دارائی اداره کل امور مالیاتی استان یزد چگونه است؟
 - ۲-۲- وضعیت مالیات بر درآمد اداره کل امور مالیاتی استان یزد چگونه است؟
 - ۳-۲- وضعیت مالیات بر ارزش افزوده اداره کل امور مالیاتی استان یزد چگونه است؟
- ۳- میزان فساداداری اداره کل امور مالیاتی استان یزد چقدر است؟
 - ۱-۳- میزان فساداداری رابطه دولت با شهروندان اداره کل امور مالیاتی استان یزد چقدر است؟

- ۳-۲- میزان فسادادای درون دولت اداره کل امور مالیاتی استان یزد چقدر است؟
- ۴- میزان اجرای خط مشی های مالیاتی اداره کل امور مالیاتی استان یزد چقدر است؟
 - ۱-۴- میزان مالیات بر دارائی اداره کل امور مالیاتی استان یزد چقدر است؟
 - ۲-۴- میزان مالیات بر درآمد اداره کل امور مالیاتی استان یزد چقدر است؟
 - ۳-۴- میزان مالیات بر ارزش افزوده اداره کل امور مالیاتی استان یزد چقدر است؟
 - ۵- میزان تعهد سازمانی در اداره کل امور مالیاتی استان یزد چقدر است؟
 - ۱-۵- میزان تعهد عاطفی در اداره کل امور مالیاتی استان یزد چقدر است؟
 - ۲-۵- میزان تعهد هنجاری در اداره کل امور مالیاتی استان یزد چقدر است؟
 - ۳-۵- میزان تعهد مستمر در اداره کل امور مالیاتی استان یزد چقدر است؟

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف نیز، جزء تحقیقات توسعه‌ای و کاربردی است که در مراحل مختلف به توسعه مدل اجرای خط‌مشی مالیاتی با تأکید بر تعهد سازمانی و فساد اداری در اداره کل امور مالیاتی استان یزد می‌پردازد.

از نظر روش تحقیق، تحقیقی توصیفی از نوع موردی - پیمایشی است. یک تحقیق توصیفی است. در چارچوب مطالعات توصیفی، این تحقیق بر مبنای دامنه گستردگی جامعه آماری تحقیق، از نوع مطالعات موردی است. همچنین به لحاظ شیوه جمع‌آوری اطلاعات، تحقیق پیش رو از نوع پیمایشی است.

جامعه آماری این تحقیق متشکل از کلیه کارکنان اداره کل امور مالیاتی استان یزد است. جامعه آماری ۵۰۰ نفر شامل کلیه کارکنان اداره کل امور مالیاتی بود که از بین آنها ۲۲۱ نفر از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند.

در پژوهش حاضر به منظور گردآوری داده‌های موردنیاز از هر دو روش کتابخانه‌ای (مراجعه به اسناد و مدارک مکتوب از قبیل کتب، مجلات و ...) و میدانی (مصاحبه با خبرگان) استفاده خواهد شد. یکی از ابزارهای اصلی مورد استفاده در این پژوهش مراجعه به اسناد و مدارک (از جمله کتب و مقالاتی که توسط خبرگان در خصوص عوامل مؤثر بر مدیریت بهره‌وری و موضوعات مرتبط تألیف شده است) می‌باشد. این اقدام مبنای طراحی مدل اولیه و استخراج مدل مدیریت بهره‌وری خواهد بود. بخش دیگر از داده‌های مورد نظر از طریق مصاحبه‌های اکتشافی با خبرگان آگاه به موضوع تأمین خواهد شد. همان‌گونه که اشاره شده است این مصاحبه با دو هدف انجام خواهد شد. ارائه عوامل استخراج شده از بررسی‌های کتابخانه‌ای به خبرگان و نظرخواهی از آن‌ها در خصوص عوامل استخراج شده و شناسایی عواملی که در مطالعات کتابخانه‌ای مورد لحاظ قرار نگرفته‌اند. هدف دیگر مصاحبه خبرگی، درک بهتر متغیرها جهت تعریف عملیاتی آن‌ها، استخراج سنج‌ها و دسته‌بندی مناسب آن‌ها خواهد بود.

روش آمار توصیفی که شامل شاخص‌های آماری، انواع جدول‌ها و نمودارهای آماری است و آمار استنباطی که شامل مدل‌های معادلات ساختاری، تحلیل عاملی تأییدی و تحلیل عاملی اکتشافی و آزمون t تک نمونه‌ای استفاده خواهد شد. در پژوهش حاضر به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای آماری AMOS و SPSS استفاده خواهد شد.

روایی ابزار جمع‌آوری داده‌ها

الف) شناسایی ابعاد فساد اداری

برای پاسخ به این فرضیه از تحلیل عاملی اکتشافی^۱ به روش تجزیه به ابعاد اصلی^۲ و چرخش واریماکس^۳ استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصل از تحلیل عاملی، تعداد ۲۰ زیر بُعد (شاخص) مربوط به فساد اداری در ۲ عامل خلاصه شده‌اند. برای اطمینان از اعتبار داده‌ها و بررسی صحت نمونه‌گیری قبل از تحلیل عاملی از معیار کایزر، میجر، ال‌کین (KMO) استفاده شده است. این روش ضریب همبستگی داده‌ها را محاسبه می‌کند هرچقدر KMO بزرگ‌تر باشد داده‌ها برای تحلیل مناسب‌تر هستند. مقدار KMO بین صفر و یک است و داده‌های بالاتر از ۰/۷ برای تحلیل مناسب هستند. آزمون کرویت بارتلت نیز نشان می‌دهد که متغیرها با هم رابطه

-
1. Exploratory Factor Analysis (EFA)
 2. Principle Components
 3. Varimax

دارند و نتایج تحلیل عاملی قابل اعتماد است. بر اساس یافته‌ها مقدار KMO در باب فساد اداری نمونه‌گیری برابر با ۰/۷۷۲ است که مقدار قابل قبولی است و با توجه به معناداری آزمون بارتلت ($p < ۰/۰۵$ -مقدار) شرایط لازم برای انجام تحلیل عاملی برقرار است.

ب) شناسایی ابعاد تعهد سازمانی

برای پاسخ به این فرضیه از تحلیل عاملی اکتشافی به روش تجزیه به ابعاد اصلی و چرخش واریماکس استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصل از تحلیل عاملی، تعداد ۲۴ زیر بُعد (شاخص) مربوط به تعهد سازمانی در ۳ عامل خلاصه شده‌اند. بر اساس یافته‌ها مقدار KMO در باب تعهد سازمانی نمونه‌گیری برابر با ۰/۷۸۹ است که مقدار قابل قبولی است و با توجه به معناداری آزمون بارتلت ($p < ۰/۰۵$ -مقدار) شرایط لازم برای انجام تحلیل عاملی برقرار است.

ج) شناسایی ابعاد اجرای خطمشی مالیاتی

برای پاسخ به این فرضیه از تحلیل عاملی اکتشافی به روش تجزیه به ابعاد اصلی و چرخش واریماکس استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصل از تحلیل عاملی، تعداد ۱۶ زیر بُعد (شاخص) مربوط به اجرای خطمشی مالیاتی در ۳ عامل خلاصه شده‌اند. بر اساس یافته‌ها مقدار KMO در باب اجرای خطمشی مالیاتی نمونه‌گیری برابر با ۰/۷۷۴ است که مقدار قابل قبولی است و با توجه به معناداری آزمون بارتلت ($p < ۰/۰۵$ -مقدار) شرایط لازم برای انجام تحلیل عاملی برقرار است.

روایی همگرا^۱

هرگاه یک یا چند خصیصه از طریق دو یا چند روش اندازه‌گیری شوند همبستگی بین این اندازه‌گیری‌ها دو شاخص مهم اعتبار را فراهم می‌سازد. اگر همبستگی بین نمرات آزمون‌هایی که خصیصه‌ی واحدی را اندازه‌گیری می‌کند بالا باشد، پرسشنامه دارای اعتبار همگرا می‌باشد. وجود این همبستگی برای اطمینان از این که آزمون آنچه را که باید سنجیده شود می‌سنجد، ضروری است. برای روایی همگرا باید روابط زیر برقرار باشد:

$$CR > ۰/۷$$

$$CR > AVE$$

$$AVE > ۰/۵$$

همانگونه که مشاهده می‌شود برای متغیرهای فساد اداری، تعهد سازمانی و اجرای خطمشی مالیاتی روابط بالا برقرار است؛ بنابراین روایی همگرای هر سه متغیر تأیید می‌شود.

- پایایی ابزار جمع‌آوری داده‌ها

در این پژوهش، برای برآورد ضریب پایایی، از روش ثبات درونی استفاده شده است. برای

بررسی پایایی درونی در یک مطالعه مقدماتی بر روی ۳۰ نفر از افراد نمونه آماری، پایایی درونی پرسشنامه فساد اداری، تعهد سازمانی و اجرای خط‌مشی مالیاتی با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شده و با توجه به اینکه مقادیر آلفای کرونباخ بالاتر از (۰/۷) قرار گرفته است پایایی درونی تمامی بُعدها مورد تأیید قرار گرفت. مقدار این آماره‌ها نشان می‌دهد که پرسشنامه‌ها از پایایی بالایی برخوردارند.

جدول ۱- پایایی پرسشنامه ابعاد پژوهش

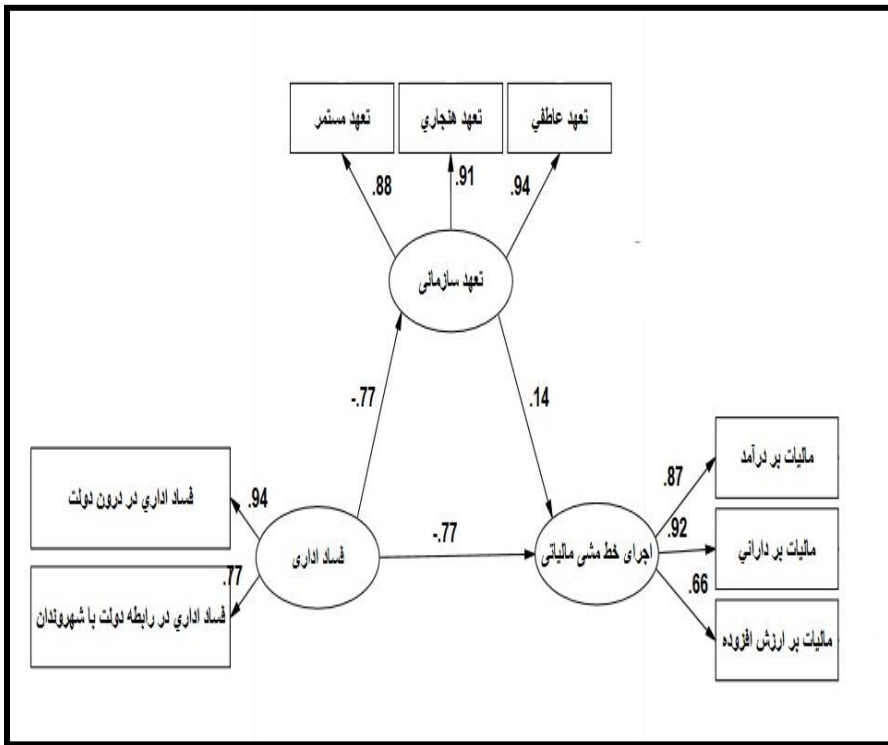
تعداد سؤالات هر بعد	آلفای کرونباخ	بُعد
۱۲	۰/۷۷۱	فساد اداری در درون دولت
۸	۰/۸۰۵	فساد اداری در رابطه دولت با شهروندان
۲۰	۰/۸۰۴	فساد اداری
۸	۰/۸۰۰	تعهد عاطفی
۸	۰/۸۵۹	تعهد هنجاری
۸	۰/۸۱۵	تعهد مستمر
۲۴	۰/۹۰۷	تعهد سازمانی
۷	۰/۸۹۲	مالیات بر درآمد
۷	۰/۹۰۰	مالیات بر داری
۲	۰/۷۱۳	مالیات بر ارزش افزوده
۱۶	۰/۹۴۲	اجرای خط‌مشی مالیاتی

یافته های پژوهش

- یافته‌های مربوط به آمار استنباطی

سؤال اصلی: مدل فساد اداری با میزان اجرای خط‌مشی مالیاتی با توجه به نقش میانجی تعهد سازمانی کدام است؟

در این بخش با استفاده از رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری به بررسی الگوی پیشنهادی پژوهش و رابطه بین فساد اداری و تعهد سازمانی با اجرای خط‌مشی مالیاتی پرداخته شده است که نتایج آن در ادامه آمده است. در این پژوهش تمامی متغیرهایی که وارد مدل شدند تا به بررسی اثرات آن‌ها پرداخته شود، دارای مقیاس اندازه‌گیری فاصله‌ای هستند. با توجه به برقراری پیش فرض‌های معادلات ساختاری، به بررسی سؤال‌ها و سؤال مذکور پرداخته شده است که نتایج آن در شکل ۱ نمایش داده شده است.



شکل ۷- نمودار نتایج معادلات ساختاری برای بررسی مدل اصلی پژوهش خروجی نرم افزار، نشان دهنده مناسب بودن الگوی پیشنهادی پژوهش است، به طوری که مقدار ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) برابر با (۰/۰۳۸) است، مقدار کای اسکوئر بهنجار شده (CMIN/DF) برابر با (۱/۳۵۳) است و مقدار شاخص نیکویی برازش (GFI) برابر با (۰/۹۷۹) است. سایر شاخص‌ها برای برازش الگوی پیشنهادی پژوهش در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- شاخص‌های برازش الگوی پیشنهادی پژوهش

مقدار گزارش شده	حد قابل قبول	شاخص
۱/۳۵۳	برابر یا کوچک‌تر از ۳	کای اسکوئر بهنجار شده (CMIN/DF)
۰/۹۷۹	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	شاخص نیکویی برازش (GFI)
۰/۹۵۵	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)
۰/۹۸۶	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	شاخص برازش هنجار شده (NFI)

مقدار گزارش شده	حد قابل قبول	شاخص
۰/۹۹۶	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	شاخص برازش افزایشی (IFI)
۰/۹۹۴	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	شاخص تاکر- لوئیس (TLI)
۰/۹۹۶	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	شاخص برازش تطبیقی (CFI)
۰/۰۳۸	برابر یا کوچک‌تر از ۰/۰۸	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)

نتایج ارائه شده در جدول ۳ نشان‌دهنده اثر کاهشی (معکوس) و معنادار فساد اداری بر تعهد سازمانی (۰/۷۷۰-)، اثر کاهشی (معکوس) و معنادار فساد اداری بر اجرای خط‌مشی مالیاتی (۰/۷۶۷-) و همچنین اثر افزایشی (مستقیم) و معنادار تعهد سازمانی بر اجرای خط‌مشی مالیاتی (۰/۱۴۱+) است.

جدول ۳- ضریب مسیر و معنی‌داری آن و بررسی سؤال پژوهش در مدل تحلیل مسیر اصلی

سؤال	ضریب مسیر	t مقدار	p- مقدار	نتیجه
تعهد سازمانی ← فساد اداری	-۰/۷۷۰	-۱۱/۳۲۳	۰/۰۰۱	تأیید سؤال
اجرای خط‌مشی مالیاتی ← فساد اداری	-۰/۷۶۷	-۸/۱۳۰	۰/۰۰۱	تأیید سؤال
اجرای خط‌مشی مالیاتی ← تعهد سازمانی	۰/۱۴۱	۱/۶۸۸	۰/۰۹۱	تأیید سؤال

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که فساد اداری علاوه بر تأثیر مستقیم، به طور غیرمستقیم و از طریق تعهد سازمانی نیز بر اجرای خط‌مشی مالیاتی تأثیر می‌گذارد. میزان تأثیر مستقیم برابر با (۰/۷۶۷-) و میزان تأثیر غیرمستقیم از طریق تعهد سازمانی برابر با (۰/۱۰۸-) است.

جدول ۴- اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل در مدل تحلیل مسیر اصلی

سؤال	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
تعهد سازمانی ← فساد اداری	-۰/۷۷۰	-	-۰/۷۷۰
اجرای خط‌مشی مالیاتی ← فساد اداری	-۰/۷۶۷	-۰/۱۰۸	-۰/۸۷۵
اجرای خط‌مشی مالیاتی ← تعهد سازمانی	۰/۱۴۱	-	۰/۱۴۱

هم‌چنین بر اساس محاسبات انجام شده فاصله اطمینان معنی‌داری از روش بوت استرپ^۱ برای بررسی نقش میانجی متغیر تعهد سازمانی برابر (۰/۶۱۹، -۰/۹۴۹) به دست آمد که اگر فاصله اطمینان^۲ صفر را در برنگیرد، فرض بر این است که اثر غیرمستقیم به صورت معناداری وجود دارد. بر این اساس، اثر میانجی‌گری تعهد سازمانی بر رابطه بین فساد اداری و اجرای خطمشی مالیاتی تأیید می‌گردد.

سؤال هفتم: آیا بین فساد اداری با میزان اجرای خطمشی مالیاتی با توجه به نقش میانجی تعهد سازمانی رابطه وجود دارد؟

خروجی نرم‌افزار، نشان‌دهنده مناسب بودن الگوی پیشنهادی پژوهش است، به طوری که مقدار ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) برابر با (۰/۰۷۶) است، مقدار کای اسکوئر بهنجار شده (CMIN/DF) برابر با (۲/۷۳۹) است و مقدار شاخص نیکویی برازش (GFI) برابر با (۰/۹۲۰) است. سایر شاخص‌ها برای برازش مدل پیشنهادی پژوهش در جدول ۲ آمده است.

جدول ۵- ضریب مسیر و معنی‌داری آن و بررسی سؤال پژوهش در مدل تحلیل مسیر اصلی

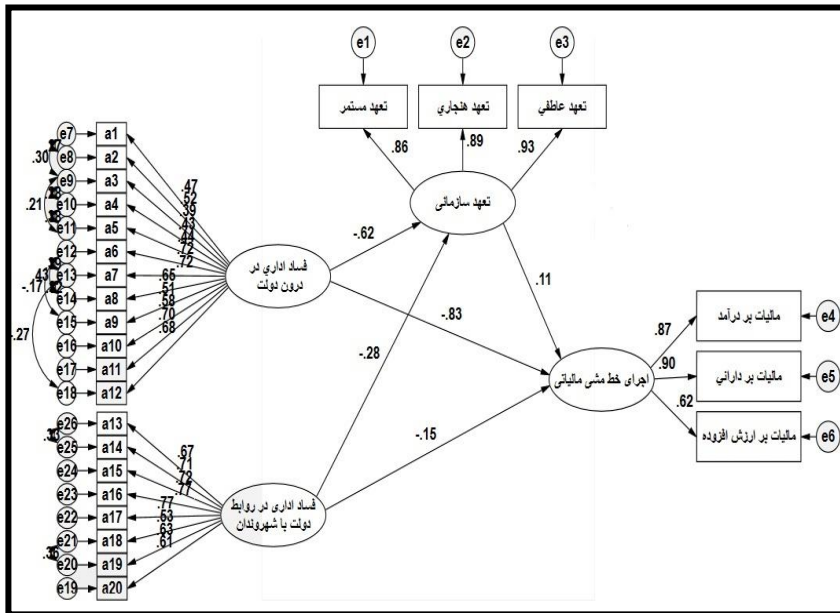
سؤال	ضریب مسیر		مقدار t	نتیجه	نوع رابطه
	مستقیم	غیرمستقیم			
اجرای خطمشی مالیاتی ← فساد اداری	-۰/۷۶۷	-۰/۱۰۸	-۸/۱۳۰	۰/۰۰۱	تأیید سؤال

سؤال ۷-۱- آیا بین رابطه دولت با شهروندان با میزان اجرای خطمشی مالیاتی با توجه به نقش میانجی تعهد سازمانی رابطه وجود دارد؟

سؤال ۷-۲- آیا بین فساد اداری در درون دولت با میزان اجرای خطمشی مالیاتی با توجه به نقش میانجی تعهد سازمانی رابطه وجود دارد؟

برای بررسی سؤال مذکور، ابتدا پیش‌فرض‌های معادلات ساختاری مورد بررسی و تأیید قرار گرفته‌اند. با توجه به برقراری پیش‌فرض‌های معادلات ساختاری، به بررسی سؤال‌های مذکور پرداخته شده است که نتایج آن در شکل ۲ نمایش داده شده است.

1. Boot strap
2. Confidence Interval



شکل ۸- نمودار نتایج معادلات ساختاری برای بررسی فرضیه هفتم پژوهش

نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری ارائه شده در جدول ۶ نشان‌دهنده اثر مثبت و معنادار تعهد سازمانی بر اجرای خط‌مشی مالیاتی (۰/۴۳۸) در اداره کل امور مالیاتی استان یزد است. به عبارتی با افزایش تعهد سازمانی در اداره کل امور مالیاتی استان یزد، اجرای خط‌مشی مالیاتی نیز بهبود و افزایش پیدا خواهد کرد.

جدول ۶- شاخص‌های برازش الگوی پیشنهادی پژوهش

مقدار گزارش شده	حد قابل قبول	شاخص
۲/۷۳۹	برابر یا کوچک‌تر از ۳	کای اسکور بهتر شده (CMIN/DF)
۰/۹۲۰	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	شاخص نیکویی برازش (GFI)
۰/۸۷۶	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده (AGFI)
۰/۹۱۱	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	شاخص برازش هنجار شده (NFI)
۰/۹۳۱	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	شاخص برازش افزایشی (IFI)
۰/۹۵۰	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	شاخص تاکر- لوئیس (TLI)
۰/۹۳۰	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	شاخص برازش تطبیقی (CFI)
۰/۰۷۶	برابر یا کوچک‌تر از ۰/۰۸	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)

نتایج ارائه شده در جدول ۷ نشان‌دهنده رابطه کاهشی (معکوس) و معنادار بین فساد اداری در درون دولت با تعهد سازمانی و فساد اداری در رابطه دولت با شهروندان است ($p < 0/05$ - مقدار). بدین معنی که با کاهش و بهبود فساد اداری در درون دولت، تعهد سازمانی و اجرای خطمشی مالیاتی در جامعه مورد مطالعه افزایش می‌یابد. هم‌چنین نتایج جدول ۷ نشان‌دهنده رابطه کاهشی (معکوس) و معنادار بین فساد اداری در رابطه دولت با شهروندان با تعهد سازمانی و فساد اداری در رابطه دولت با شهروندان است ($p < 0/05$ - مقدار).

جدول ۷- ضریب مسیر و معنی‌داری آن و بررسی سؤال پژوهش در فرضیه هفتم

نتیجه	-p مقدار	t مقدار	ضریب مسیر	سؤال
تأیید سؤال	۰/۰۰۱	-۵/۹۶۰	-۰/۶۱۸	تعهد سازمانی ← فساد اداری در درون دولت
تأیید سؤال	۰/۰۰۱	-۶/۳۰۳	-۰/۸۲۹	اجرای خطمشی مالیاتی ← فساد اداری در درون دولت
تأیید سؤال	۰/۰۸۸	۱/۷۰۴	۰/۱۱۰	اجرای خطمشی مالیاتی ← تعهد سازمانی
تأیید سؤال	۰/۰۰۱	-۴/۶۲۶	-۰/۲۷۸	تعهد سازمانی ← فساد اداری در رابطه دولت با شهروندان
تأیید سؤال	۰/۰۰۳	-۳/۰۰۹	-۰/۱۴۵	اجرای خطمشی مالیاتی ← فساد اداری در رابطه دولت با شهروندان

نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد که فساد اداری در درون دولت و فساد اداری در رابطه دولت با شهروندان علاوه بر تأثیر مستقیم، به طور غیرمستقیم و از طریق تعهد سازمانی نیز بر اجرای خطمشی مالیاتی تأثیر می‌گذارند. میزان تأثیر مستقیم فساد اداری در درون دولت برابر با (۰/۸۲۹-) و میزان تأثیر غیرمستقیم از طریق تعهد سازمانی برابر با (۰/۰۶۸-) است. بر اساس محاسبات انجام شده فاصله اطمینان معنی‌داری از روش بوت استرپ برای بررسی نقش میانجی متغیر تعهد سازمانی برابر (۰/۱۰۷-)، (۰/۳۰۵-) به دست آمد. بر این اساس، اثر میانجی‌گری تعهد سازمانی بر رابطه بین فساد اداری در درون دولت و اجرای خطمشی مالیاتی تأیید می‌گردد.

جدول ۸ - اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل در فرضیه هفتم

سؤال	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
تعهد سازمانی ← فساد اداری در درون دولت	-۰/۶۱۸	-	-۰/۶۱۸
اجرای خط‌مشی مالیاتی ← فساد اداری در درون دولت	-۰/۸۲۹	-۰/۰۶۸	-۰/۸۹۷
اجرای خط‌مشی مالیاتی ← تعهد سازمانی	۰/۱۱۰	-	۰/۱۱۰
تعهد سازمانی ← فساد اداری در رابطه دولت با شهروندان	-۰/۲۷۸	-	-۰/۲۷۸
اجرای خط‌مشی مالیاتی ← فساد اداری در رابطه دولت با شهروندان	-۰/۱۴۵	-۰/۰۳۱	-۰/۱۷۵

همچنین میزان تأثیر مستقیم فساد اداری در رابطه دولت با شهروندان برابر با (-۰/۱۴۵) و میزان تأثیر غیرمستقیم از طریق تعهد سازمانی برابر با (-۰/۰۳۱) است. بر اساس محاسبات انجام شده فاصله اطمینان معنی‌داری از روش بوت استرپ برای بررسی نقش میانجی متغیر تعهد سازمانی برابر (-۰/۵۰۶، -۰/۸۱۲) به دست آمد. بر این اساس، اثر میانجی‌گری تعهد سازمانی بر رابطه بین فساد اداری در رابطه دولت با شهروندان و اجرای خط‌مشی مالیاتی تأیید می‌گردد.

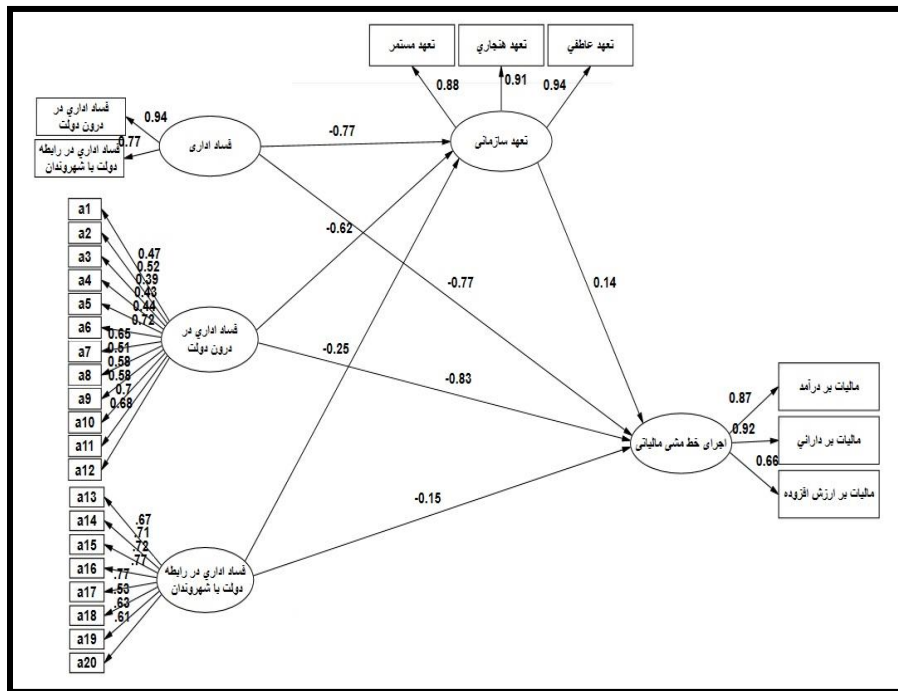
سؤال هشتم: مدل جامع فساد اداری با میزان اجرای خط‌مشی مالیاتی با توجه به نقش میانجی تعهد سازمانی کدام است؟

جهت بررسی مدل جامع فساد اداری با میزان اجرای خط‌مشی مالیاتی با توجه به نقش میانجی تعهد سازمانی از آزمون معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج حاصل از رابطه بین متغیرهای پژوهش در جدول ۹ و شکل ۳ ارائه شده است. نتایج حاصله نشان‌دهنده رابطه کاهشی میان فساد اداری با تعهد سازمانی و اجرای خط‌مشی مالیاتی است ($p < ۰/۰۵$ - مقدار). بر اساس شاخص ضریب تعیین (R^2)، فساد اداری ۵۹ درصد تغییرات تعهد سازمانی و ۵۳ درصد تغییرات اجرای خط‌مشی مالیاتی را و تعهد سازمانی ۲ درصد تغییرات اجرای خط‌مشی مالیاتی را تبیین می‌کنند.

جدول ۹ - نتیجه آزمون سؤال‌های پژوهش

سؤال	ضریب مسیر	آماره t	نوع رابطه	نوع برازش
تعهد سازمانی ← فساد اداری	-۰/۷۷۰	-۱۱/۳۳۳**	کاهشی	بسیار قوی
اجرای خط‌مشی مالیاتی ← فساد اداری	-۰/۷۶۷	-۸/۱۳۰**	کاهشی	بسیار قوی
اجرای خط‌مشی مالیاتی ← تعهد سازمانی	۰/۱۴۱	۱/۶۸۸*	افزایشی	بسیار قوی

** معنی‌دار در سطح ۰/۰۵، * معنی‌دار در سطح ۰/۱



شکل ۹- نمودار مدل نهایی پژوهش

بررسی علل شکل‌گیری فساد اداری با نگرشی بر ارزش‌های اخلاقی

دلایل گوناگونی را برای فساد اداری در جوامع مختلف بر شمرده‌اند. بررسی‌های صورت گرفته بر روی پدیده فساد اداری حکایت از پیچیده بودن و گسترده بودن عوامل مؤثر در شکل‌گیری این پدیده دارد. فقر اقتصادی و نابسامانی‌های درآمدی کارکنان سازمان‌ها، فقر فرهنگی و عدم وجود باورهای استوار اخلاقی و نبود مقررات و قوانین بازدارنده و نظام‌های کنترلی مؤثر از زمره دلایل اصلی بروز فساد اداری بوده است. به طور کلی، می‌توان عوامل اصلی شکل‌گیری این پدیده را به دو دسته کلی شامل: علل اصلی (ریشه‌ها) و عوامل تسهیل‌کننده تقسیم‌بندی نمود. در رابطه با علل اصلی یا ریشه‌ها می‌توان به ریشه‌های فرهنگی - اجتماعی و ریشه‌های اقتصادی اشاره کرد.

۱- بررسی علل اصلی

۱-۱- ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی

مهم‌ترین عامل بروز فساد اداری ریشه‌های فرهنگی و عقیدتی است، به گونه‌ای که اگر ارزش‌ها، هنجارها، عقاید و باورهای حاکم بر افراد اجتماع متکی بر ارزش‌های مادی‌گرایانه، فردگرایانه و مصرف‌گرایانه باشد و ساختارهای اجتماعی از انسجام و کارکردهای لازم برخوردار نباشند، ناکارآمدی و ضعف نظام فرهنگی و اجتماعی را به دنبال داشته و پیامد آن، شکل‌گیری فساد در همه سطوح و لایه‌های اجتماع خواهد بود.

۱-۲- ریشه‌های اقتصادی

رکود اقتصادی، کاهش درآمدها، بی‌عدالتی، مادی‌گرایی، بی‌ثباتی اقتصادی، تورم افسار گسیخته، عدم تناسب دخل و خرج ناشی از عدم عدالت اقتصادی، کاهش قدرت خرید مردم و توزیع نامناسب درآمدها در جامعه، از عوامل مهم اقتصادی است که زمینه‌های بروز سوءاستفاده‌های مالی و تخلفات اداری را فراهم می‌سازد.

۲- بررسی عوامل تسهیل‌کننده

عوامل تسهیل‌کننده که به طور عمده عوامل سیاسی و عوامل اداری هستند به شرح زیر می‌باشند:

۱-۲- عوامل سیاسی: عدم استقلال کامل قوه قضائیه، نفوذ قوه مجریه بر آن و بر دستگاه‌های نظارتی و بازرسی، فشار گروه‌های ذی‌نفوذ در داخل و خارج سازمان، فساد سیاستمداران عالی‌رتبه، جوسازی و غوغاسالاری، توصیه برای در امان ماندن مدیران متخلف از مجازات، و سرانجام، عدم آگاهی مردم از حقوق سیاسی خود در برابر قانون از عوامل سیاسی تسهیل‌کننده تخلفات است.

۱-۲-۲- عوامل اداری: تشکیلات و ساختار اداری غیرکارآمد، حجیم و نامتناسب با اهداف و

وظایف، پیچیدگی قوانین، مقررات و تعدد بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اداری، مدیران غیر مؤثر، فقدان نظام شایسته‌سالاری، وجود تبعیضات در زمینه‌های استخدام، انتصاب و ارتقای افراد، نارسایی در نظام حقوق و دستمزد، نظام پاداش و تنبیه و به ویژه نظام نظارت و ارزشیابی، ترجیح اهداف گروهی به اهداف سازمان و مانند آن، از عوامل اداری تسهیل‌کننده تخلفات می‌باشند.

ریشه‌ها و عوامل بیان شده، موجب ایجاد عارضه‌هایی در نظام اداری می‌گردد که به اشکال گوناگون جلوه‌گر می‌شود؛ از جمله: کاهش رضایت شغلی، کاهش انگیزش کارکنان، جمود شخصیت، روحیه محافظه‌کاری و سرخوردگی در بین کارکنان، کاهش خلاقیت و نوآوری، کاهش سرعت در انجام امور، تمرکز غیرمنطقی بر انضباط اداری، رقابت ناسالم، و ایجاد جو بدبینی و بی‌اعتمادی در سازمان. علل و عوامل مذکور همراه عوارض آنها موجبات تخلفات اداری را فراهم می‌سازند که در نهایت منجر به فساد اداری می‌شود. (۲۰)

بررسی نقش فرهنگ سازمانی جهت مبارزه با فساد اداری

عوامل و زمینه‌های گوناگونی وجود دارند که می‌توانند موجبات پیدایش، گسترش و ترویج فساد اداری به صورت بالقوه و بالفعل را فراهم سازند. بر مبنای این عوامل و زمینه‌ها می‌توان راه‌هایی را شناسایی کرد که اثر بیشتری در کاهش و حذف پدیده فساد اداری در سازمان دارند. اگر سازمان را به صورت یک نظام در نظر بگیریم، این نظام از خرده نظام‌های گوناگونی تشکیل شده است که یکی از مهم‌ترین آنها «خرده نظام منابع انسانی» است. بر همین اساس، در مبارزه با پدیده فساد اداری، تمرکز بر روی عواملی که مستقیماً به بعد منابع انسانی سازمان مربوط می‌شود، می‌تواند تأثیر بیشتری در کاهش یا حذف فساد اداری در سازمان داشته باشد، هرچند که عوامل سازمانی دیگری همچون شفافیت قوانین اداری و... در این زمینه مؤثرند. تأکید بر آموزه‌ها و باورهای دینی و مذهبی، تقویت ارزش‌های اخلاقی و انسانی اهمیت قائل شدن برای کرامت انسانی و بارور ساختن فرهنگ سازمانی به دلیل ماهیت اثرگذاری قوی که می‌تواند بر رفتار و عملکرد اعضای سازمان داشته باشد، نقش مهمی در کنترل درونی رفتارهای کارکنان و پیش‌گیری از بروز فساد اداری دارد. به دلیل پیوند نزدیک فرهنگ سازمانی با فرهنگ عمومی و فرهنگ دینی، فرهنگ سازمانی عامل مهمی در شکل‌دهی به رفتار سازمانی به شمار می‌رود و از نقش مهمی در پدید آوردن دگرگونی در رفتارهای نامطلوب و ایجاد ثبات در رفتارهای مورد نظر سازمان برخوردار است. باید با حاکمیت فرهنگ دینی بر سازمان‌ها و بهره‌گیری سازمان‌ها از ارزش‌ها و هنجارهای دینی، زمینه حل معضلات موجود را فراهم ساخت. فرهنگ سازمانی در قالب مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌های مشترک که بر رفتار و اندیشه‌های اعضا و سازمان اثر می‌گذارد، می‌تواند به عنوان سرچشمه‌ای برای دستیابی به محیط سالم اداری و یا فضایی که ترویج‌کننده فساد اداری است به شمار آید. (۲۱).

هر فرهنگ سازمانی از فرهنگ سازمانی دیگر متفاوت است. یکی از دلایل آن می‌تواند این باشد که آنچه برای یک سازمان همواره اثربخش بوده، ممکن است برای سازمان دیگر این‌گونه نباشد. بنابراین، مفروضات اساسی متفاوت خواهند بود. دلیل دیگر اینکه فرهنگ یک سازمان به وسیله عوامل متعددی شکل گرفته که از جمله آنها می‌توان به فرهنگ اجتماعی، فناوری‌ها، بازارها، رقبا، شخصیت مؤسسان و سلطه اولین رهبران آن اشاره کرد. برخی از فرهنگ‌های سازمانی مشخص‌تر و متمایزتر از دیگر فرهنگ‌های سازمانی‌اند. برخی سازمان‌ها فرهنگ‌هایی قوی‌تر، یکدست‌تر و فراگیرتر دارند، در حالی که دیگر سازمان‌ها دارای فرهنگی‌هایی ضعیف‌ترند. برخی فرهنگ‌های سازمانی کاملاً عمومیت دارند، در حالی که برخی دیگر دارای خرده فرهنگ‌های بسیاری هستند که در محدوده‌های جغرافیایی یا وظیفه‌ای وجود دارند. (۲۲)

فرهنگ یک سازمان از راه‌های گوناگون و امدار فرایندهای فرهنگی وسیع‌تری است که به محیط سازمان مربوط است، و توسط آنها محدود می‌شود. هر سازمان جنبه‌های گوناگونی از فرهنگ، همچون فرهنگ ملی، محلی، صنعتی، شغلی و تخصصی را به نمایش می‌گذارد. شکل‌گیری فرهنگ هر سازمان تا حدی در گرو فرایندهای فرهنگی است که به وسیله کنشگران متنوع فرهنگی ایجاد می‌شود. در هر صورت، بی‌واسطه‌ترین و نزدیک‌ترین منبع بیرونی تأثیرگذار بر فرهنگ سازمان، در درون خود آن یافت می‌شود؛ یعنی کارکنان آن. کارکنان پیش از پیوستن به یک سازمان، از نهادهای فرهنگی زیادی تأثیر پذیرفته‌اند؛ نهادهایی همچون خانواده، جامعه، نظام‌های آموزشی، کانون‌های مذهبی و سایر سازمان‌های کاری. این نهادها نگرش‌ها، رفتارها، هویت و شخصیت آنها را شکل داده‌اند. کارکنان وقتی به یک سازمان می‌پیوندند این تأثیرات را با خود به همراه می‌آورند. از این‌رو، مشکل بتوان یک فرهنگ سازمانی را از فرایندهای فرهنگی وسیع‌تری که در محیط عمومی رخ می‌دهد، جدا کرد.

اما با این حال که تمایز بین فرهنگ سازمانی و فرایندهای فرهنگی وسیع‌تر پیرامون آن مشکل است، نظریه‌پردازان سازمان معتقدند ضروری است چنین تفکیکی صورت پذیرد و چنین تمایزی گذاشته شود. تجاربی هم که درباره برخی سازمان‌ها صورت گرفته است همین مطلب را تأیید می‌کند. با این‌همه، بیشتر مباحثی که درباره فرهنگ سازمانی مطرح می‌شوند، به یک اندازه در سطوح مختلف فرهنگ، از قبیل فرهنگ ملت، جامعه، سازمان و خرده فرهنگ‌های سازمانی کاربرد دارند. در واقع آنچه مطالعه فرهنگ را با عنوان «سازمانی» مشخص و متمایز می‌کند، تمرکز توجه و علاقه ما به سطح خاصی از تجزیه و تحلیل است. (۲۳).

نتیجه گیری

در نهایت پس از شناسایی تاثیر فساد سازمانی بر اجرای خطمشی‌های مالیاتی باتوجه به مدل ارائه شده و نتایج تحقیق نشان‌دهنده رابطه کاهشی (معکوس) و معنادار بین فساد اداری در درون دولت با تعهد سازمانی و فساد اداری در رابطه دولت با شهروندان است بدین معنی که با کاهش و بهبود فساد اداری در درون دولت، تعهد سازمانی و اجرای خطمشی مالیاتی در جامعه مورد مطالعه افزایش می‌یابد.

هم‌چنین نتایج نشان‌دهنده رابطه کاهشی (معکوس) و معنادار بین فساد اداری در رابطه دولت با شهروندان با تعهد سازمانی و فساد اداری در رابطه دولت با شهروندان است. نتایج نشان می‌دهد که فساد اداری در درون دولت و فساد اداری در رابطه دولت با شهروندان علاوه بر تأثیر مستقیم، به طور غیرمستقیم و از طریق تعهد سازمانی نیز بر اجرای خطمشی مالیاتی تأثیر می‌گذارد بر این اساس، اثر میانجی‌گری تعهد سازمانی بر رابطه بین فساد اداری در درون دولت و اجرای خطمشی مالیاتی تأیید می‌گردد.

بر این اساس، اثر میانجی‌گری تعهد سازمانی بر رابطه بین فساد اداری در رابطه دولت با شهروندان و اجرای خطمشی مالیاتی تأیید می‌گردد.

باتوجه به مدل تأیید شده راهکارهای مؤثری استخراج شدند. این راهکارها عبارت‌اند از:

- آشکارسازی فرآیندهای سازمانی و مالیاتی جهت کاهش فساد اداری
- شفافیت اطلاعات و اطلاع‌رسانی به اقشار عمومی در جهت کاهش فساد اداری و افزایش اجرای خطمشی مالیاتی

- به‌روزرسانی ثبت اطلاعات می‌تواند نقش مؤثری در کاهش فساد اداری داشته باشد.
- عقد قراردادهای خصوصی می‌تواند قطعیت یافتن پرونده‌های قرار تحقیق را سرعت بخشد.

- بهبود نظام گزینش و استخدام می‌تواند در جذب نیروی علاقمند و متعهد نقش مؤثری ایفا نماید و منجر به افزایش میزان اجرای خطمشی‌های مالیاتی گردد.

- کنترل مالی و وجوه دولتی از مواردی هستند که دامنه فساد اداری را محدود می‌کنند.
- کنترل موجودی و انبارداری از مواردی هستند که دامنه فساد اداری را محدود می‌کنند.
- برنامه‌ریزی فرآیندهای سازمانی با رویکرد اثربخش می‌تواند فرآیندهای اضافه و موازی را حذف و وقت و انرژی را در جهت اجرای با کیفیت خطمشی‌های مالیاتی ساماندهی نمایند.
- اندازه‌گیری و ارزیابی عملکرد و تطبیق با اهداف می‌تواند نقص در تعهد سازمانی را تشخیص و اصلاح نماید.

- ایجاد نظام تنبیه و تشویق بر اساس پیامدهای عملکردی می‌تواند در زمینه کاهش

- فساد اداری و افزایش اجرای خط مشی مالیاتی و افزایش تعهد سازمانی نقش موثری ایفا نمایند.
- ایجاد صدای خدمت بگیران (مردم) در جهت کاهش فساد اداری و افزایش تعهد در ارائه خدمات می تواند در اجرای با کیفیت خط مشی مالیاتی ایفای نقش نمایند.
 - رسیدگی به شکایات و انتقادات و پیشنهادات در جهت کاهش فساد اداری و افزایش تعهد در ارائه خدمات می تواند در اجرای با کیفیت خط مشی مالیاتی ایفای نقش نمایند.
 - اجرای برنامه های آموزشی بر اساس مسئولیت ها می تواند راه های فساد اداری را بسته و فرایندهای اجرای خط مشی مالیاتی را کوتاه و تسهیل نماید.
 - تفویض اختیار و واگذاری مسئولیت
 - دسترسی به اطلاعات
 - حیطه کنترل و کار تیمی
 - معنی داری شغل و غنی سازی شغل می تواند در حفظ تعهد کارکنان به سازمان و کاهش فساد اداری نقش موثری ایفا نماید.
 - تشویق خلاقیت کارکنان می تواند در حفظ تعهد کارکنان به سازمان و کاهش فساد اداری نقش موثری ایفا نماید.
 - کاهش پیچیدگی سازمانی و فرایندهای مالیاتی مضاعف و موازی می تواند در اجرای خط مشی های مالیاتی نقش به سزائی داشته باشد.
 - بازنگری مؤلفه های مدیریت و رهبری سازمانی میتواند در جهت بهبود تعهد سازمانی و فساد اداری نقش موثری داشته باشد.
 - بازنگری فرهنگ سازمانی و غلبه بر عادات اشتباه می تواند زمینه فساد اداری را کاهش و تعهد سازمانی را افزایش دهد.
 - افزایش حمایت سازمانی از کارمندان می تواند در زمینه افزایش تعهد سازمانی و کاهش فساد اداری نقش موثری داشته باشد.
 - و در نهایت یکی از مهمترین عوامل که می تواند نقش چشمگیری در اجرای بهینه خط مشی های مالیاتی داشته باشد افزایش تعهد کارمندان هست که با تغییر نگرش و علاقه به سازمان می تواند از هرمانعی که منجر به فساد اداری می شود گذر کند و اجرای خط مشی مالیاتی با کیفیت تحقق یابد.
- بر اساس نتایج به دست آمده پیشنهادات زیر ارائه می شود:
- ۱- مراحل نظارتی برفرآیند وصول مالیات بیشتر گردد.
 - ۲- تمرکززدایی در فرآیند تشخیص و وصول مالیات نقش موثری در کاهش فساد اداری دارد.

- ۳- جهت تقویت تعهد سازمانی باید ارزشمندی هدف سازمان پررنگ شود.
- ۴- جهت تقویت تعهد سازمانی عدم توجه به ساعات حضور فیزیکی و توجه به بازدهی شود.
- ۵- تفاوت در وصول با کیفیت بدون مراجعه مودیان به هیات حل اختلاف، جهت تقویت تعهد سازمانی مجریان صورت گیرد.
- ۶- ارزش گذاری مدیریت زمان برای مجریان خط مشی مالیاتی جهت تسریع در اجرای خط مشی های مالیاتی صورت گیرد.
- ۷- افزایش انگیزه و تعهد کارکنان در فرایند رسیدگی به قراردادهای تحقیق مالیاتی جهت کاهش زمان رسیدگی صورت گیرد.
- ۸- تشکیل کمیته متشکل از همکاران بازنشسته جهت رسیدگی هرچه زودتر پروندههای قرار کارشناسی مالیاتی و اجرای خط مشی مالیاتی در هر منبع صورت گیرد.
- ۹- آموزش مجریان خط مشی های مالیاتی به صورت کاربردی صورت گیرد.
- ۱۰- استفاده صحیح از فناوری و سیستم نوین
- ۱۱- حذف فرایندهای اضافه از فناوری مالیاتی
- ۱۲- حذف فرایندهای کاغذی از اجرای خط مشی مالیاتی
- ۱۳- همگرایی نقطه نظر برنامه ریزان و مجریان خط مشی مالیاتی
- ۱۴- بومی سازی سازو کارهای اجرایی خط مشی مالیاتی
- ۱۵- برون سپاری خدمات به بخش خصوصی
- ۱۶- استفاده از مجریان خط مشی در تدوین برنامه های مالیاتی
- ۲۶- عدم بخشودگی و تخفیفات مالیاتی برای مودیانی که فرایندهای اجرائی را بی دلیل با وقفه روبرو می نمایند. (اعتراضات بی دلیل و سپری شدن زمان قطعیت پرونده مالیاتی)

فهرست منابع

1. Hosseini, Khodadad. Farhadinejad, Mohsen. (2007) "Investigation of Corruption and its Control Methods". Journal of Management Knowledge. Year 5 Volume 5. Number 1. pp. 22-41. (In Persian).
2. Treisman D .2006.What we learned about the causes of corruption from ten years of crossnational empirical research [httpw://www.polisci.ucla.edu/faculty/treisman](http://www.polisci.ucla.edu/faculty/treisman).
3. Harrison, D.A., Newman, D.A., Roth, P.L., 2006. How important are job attitudes? Meta analytic comparisons of integrative behavioral outcomes and time sequences. Academy of Management Journal 49, 305– 325.
4. Tarihi, Fakhreddin Ibn Mohammad (1996) Bahrain Assembly. Research: Seyed Ahmad Hosseini Eshkori. Tehran: Mortazavi Publications, first edition.P231. (In Persian).
5. Klitgardrabert (۱۹۹۶) "What can be done", UNESCO Message, No. 313.p35. (In Persian).
6. lagseth.p.stapenhurst.r and pope .j.1997.the role of a national integrity system in fighting corruption.working paper .economic development institute .world Bank Washington d.c.u.s.A
7. lambsdorff.j.G .2003.How corruption affects productivity .kyklos .vol.56.no.4.pp.457-474.
8. court.j.Hyden.G.and Mease .k.2002 .assessing governance Methodological challenges world Governance survey Dscussion paper 2.united nations university.tokyo japan.
9. Danesh Fard, Karamollah. (2010). General Policy Making Process, First Edition, Islamic Azad University Press, Tehran.p2. (In Persian).
10. Lindblom. Charles, E (1998)" The Policy Making Process", 2nd ed. Prentice-Hall, Englewood Cliffs, NJ.p11.
11. Sabatier, P. A.; Mazmanian, D. (1979). The Implementation of Public Policy: A Framework of Analysis. Policy Studies Journal, 8(4),p 22-26.
12. Edwards, G. C.; Sharkansky, I. (1978). The policy predicament, making and implementation public policy. San Franciso, Freeman and Company.p148&24.
13. Sabatier, Paul A.; Weible, Christopher M. (2007). A Guide to the

- Advocacy Coalition Framework. In: Frank, Fischer, and Gerald, J.p31.
14. Sabatier, Paul A. (1986). Top-down and bottom-up approaches to implementation Research: a critical analysis and suggested synthesis. Public Policy.
15. Meyer, J.P., Allen, N.J., 1991. A three-component t conceptualization of organizational commitment. Human Resource Management Review 1, 61– 89.
16. Klein, H.J., Cooper, J.T., Molloy , J.C., Swanson, J.A., 2014. The assessment of commitment: advantages of a unidimensional, target-free approach. Journal of Applied Psychology 99, p130.
17. Meyer, J.P., Herscovitch, L., 2001. Commitment in the workplace: toward a general model. Human Resource Management Review 11, 299 .
18. Habibi, Nader. (1996). "Corruption (effective factors and methods of struggle)." Tehran: Vaseghi Publications. First Edition.p47. (In Persian).
19. Taherpour Kalantari ,Habibollah, Memarzadeh Tehran Gholamreza, 2008, Factors Affecting the Successful Implementation of Tax Policies Approved by the Parliament, Economic Research Journal, No. 4. (In Persian).
20. Najjari, Reza, (2000) Causes of administrative violations and how to prevent them, Promoting the health of the administrative system, Tehran, Public Management Training Center.p95-96. (In Persian).
21. Ghaderi, Mehdi, (2009), Corruption in Iran; Sociological Analysis, Knowledge Monthly, No. 138. (In Persian).
22. chaferitz, J. M. Steven At, (1998), Classical Theories of Organization, translated by Mohammad Mehdi Naderi Qomi, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Vol.p150. (In Persian).
23. Naderi Qomi, Mohammad Mehdi, (2009), Knowledge Monthly, Culture in Organization and Management Theory, No. 137. (In Persian)

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۱۲ - ۱۹۱

نقد حقوقی-اخلاقی نگرش مکتب استکھلم در درمان بیماری همه گیر کوید ۱۹

ناصر قاسمی^۱

امیرعباس رکنی^۲

چکیده

تأمین منابع نظری سیاست‌های اضطراری دولت‌ها در مواجهه با بحران‌های غیرمترقبه یکی از مهم‌ترین وظایف جامعه علمی هر کشور است. مبارزه با بحران همه‌گیری بیماری کوید ۱۹ به‌عنوان یک تهدید همه جنبه علیه جامعه جهانی سبب گردیده است تا بسیاری از دولت‌ها با غافلگیری در برابر شدت بیماری، سیاست‌های نظام بهداشت و درمان خود را متحول کنند. در همین زمینه، فیلسوفان مکتب اخلاق استکھلم با تدوین نظریه‌ای حقوقی-اخلاقی سعی در کمک به نظام بهداشت و درمان کشور سوئد برای کنترل و مدیریت همه‌گیری بیماری کرونا کرده‌اند. اساس این نظریه مبتنی بر دو رکن مهم اولویت‌بندی در درمان بیماران و جیره‌بندی امکانات و منابع درمانی کشور است. نحوه تفسیر و تعیین سن بیولوژیکی بیماران با توجه به شرایط اضطراری همه‌گیری یکی از قابل‌توجه‌ترین قسمت‌های این نظریه است. بر این اساس، با تعیین اختلاف سن واقعی از بیولوژیک هر بیمار می‌توان احتمال زنده ماندن بعد از درمان و امید به زندگی او را تعیین نمود. فیلسوفان مکتب استکھلم به نظام بهداشت و درمان دولت سوئد پیشنهاد می‌کنند که اگر مجبور باشند بین کمک به بیماران با احتمال یکسان برای زنده ماندن که امید به زندگی متفاوتی دارند، تصمیم بگیرند، اولویت کمک‌رسانی باید به بیماری باشد که سن بیولوژیکی کمتری دارد. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی تحلیلی، به بررسی و نقد این نظریه حقوقی-اخلاقی پرداخته و عواقب و آثار ناشی از اتخاذ چنین سیاست‌هایی را بر نظام اجتماعی تشریح خواهد نمود.

واژگان کلیدی

سوئد، اخلاق مراقبت‌های بهداشتی، سن بیولوژیک، حقوق تأمین اجتماعی، کوید ۱۹.

۱. دانشیار و مدیر گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران. (نویسنده

Email: dr.ghasemi76@gmail.com

مسئول)

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، پژوهشگر پژوهشگاه فضای

Email: Amir.rokni@gmail.com

مجازی، گروه مطالعات اخلاقی.

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۵

طرح مسأله

در طول زندگی بشر همواره بحران‌ها و تهدیدهایی تمامیت جسمانی انسان‌ها و دارایی‌های ایشان را در معرض خطر قرار داده است. این تهدیدات در بسیاری از برهه‌های حساس تاریخی، انسان‌ها را مجبور به انتخاب کرده است. در چنین شرایطی نخستین اولویت برای همه انسان‌ها بر اساس انگیزه بقاء زنده ماندن است و همه‌چیز قربانی می‌شود تا حیات ادامه یابد. منابع مالی، امکانات و زیرساخت‌هایی که به قیمت جان انسان‌های زیادی محیا شده در چنین شرایطی هزینه می‌شود تا تلفات انسانی کمتر شود؛ به عبارت دیگر، در شرایط عادی بسیاری از ما انسان‌ها کمتر به ارزشمندترین سرمایه زندگی خود که همان حیات است توجه می‌کنیم ولیکن هنگامی که با تهدیدی مواجه می‌شویم که این سرمایه ارزشمند را در معرض خطر قرار می‌دهد آنگاه ترازوی محاسبه سود و زیان‌های مادی برهم‌خورده و حتی شاید بتوان گفت قوه عاقله نیز در چنین شرایطی از اداره امور بازمی‌ماند و این گزینه است که فرمان اعمال را در اختیار می‌گیرد. در چنین شرایطی آنچه مانع از انحطاط و تباهی آدمی در اتخاذ تصمیمات غیرانسانی و به‌دوراز کرامت ذاتی خلیفه‌اللهی می‌شود اخلاق است. اخلاق به‌مثابه هادی به انسان می‌آموزد که هرچند جان ارزشمند است اما از مدار انسانیت نباید خارج شد و به هر بهانه‌ای صرفاً به زندگانی خویش اندیشید. چنین توصیه‌های اخلاقی به‌وفور در ادیان توحیدی یافت می‌شود که آدمی صرفاً در پی زنده ماندن خویش نباشد و چنانچه جان ارزشمند است و نعمتی از سوی خداوند متعال برای انسان است، همگان حق برخورداری از این نعمت را داشته و نمی‌توان کسی را مقدم بر دیگری دانست و ترجیحی میان انسان‌ها وجود ندارد. این اصلی اساسی در حقوق بشر است که همه انسان‌ها از حق حیات برخوردار هستند. در قرن بیستم میلادی زمانی که بشر دو جنگ جهانی را پشت سر گذاشت و میلیون‌ها انسان بی‌گناه کشته شدند، جامعه جهانی به این اجماع رسید که در قالب یک معاهده بین‌المللی تمامی کشورهای عضو را موظف کند تا حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را با همکاری جامعه ملل تأمین کنند؛ چراکه به رسمیت شناختن حیثیت ذاتی تمامی اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان آنان اساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد. از همین رو در ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر که در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید اشعار می‌گردد: «تمام انبای بشر آزاد و در حرمت و حقوق باهم برابرند. عقلانیت و وجدان به آن‌ها ارزانی شده و لازم است تا با یکدیگر عادلانه و برادرانه رفتار کنند».

ویروس کووید-۱۹ به‌عنوان مهیب‌ترین و خطرناک‌ترین بحرانی که بعد از جنگ دوم جهانی سرتاسر کره زمین را فراگرفته است، تاکنون سبب ابتلای بیش ۴۹۹,۲۳۴,۲۲۴ و مرگ

COVID Live - Coronavirus Statistics -) انسان شده است (۶,۲۰۳,۷۹۰ (Worldometer, 2021). میلیون‌ها انسان دیگر نیز در معرض ابتلا و خطر مرگ قرار دارند و دقیقاً برای بشر مشخص نیست چه زمانی این فرایند جهش‌های متوالی و کشندگی این ویروس متوقف خواهد شد و آینده جهان چه خواهد بود؟ ویروس کووید-۱۹ دیگر مشکل یک کشور خاص نیست، بلکه مشکلی جهانی است که قطب‌های اقتصادی جهان را از حرکت بازداشته و آینده را در هاله‌ای از ابهام فروبرده است. در چنین شرایطی همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، بشر با چالش انتخاب مواجه می‌شود. انتخاب برای نجات جان انسان‌ها. شاید در بادی امر طبیعی به نظر برسد که محدودیت منابع و امکانات ما را به این مقطع می‌رساند که دست به انتخاب بزنیم؛ اما مسائل مهمی که در این خصوص مطرح می‌شوند عبارت‌اند از این که چه کسی مجاز به تعیین ملاک و معیارهای این انتخاب است؟ این معیارها چیست؟ و از همه مهم‌تر آیا محدودیت منابع و امکانات دلیل قانونی و اخلاقی برای ترجیح جان انسان‌ها بر همدیگر است؟ در این بین مسئولیت دولت‌ها به‌عنوان متولیان جامعه چیست؟ و آیا اساساً جامعه‌ای که مبنای آن شکل‌گیری یک قرارداد اجتماعی برای سپردن قدرت اداره امور به دست منتخبین مردم برای برقراری نظم و حفظ انسجام و حمایت از شهروندان تحت هر شرایطی است، چنین اختیاری را به گردانگان امور اعطا کرده است یا خیر؟

همه‌گیری کرونا در وهله نخست یک موضوع پزشکی به شما می‌آید. از آغاز کشف ویروس کرونا تاکنون بیشتر آثار علمی و پژوهشی در این زمینه، در حوزه‌های گوناگون علوم پزشکی و آزمایشگاهی به قلم تحریر درآمده است. پس از آن، با توجه به تأثیرات قابل توجه کرونا بر نظام‌های اقتصادی ملی و بین‌المللی به دنبال تعطیلی‌های گسترده کسب و کارها، توقف چرخه صنعت و قرنطینه‌های همگانی، مطالعات اقتصادی به‌منظور بررسی آثار و پیامدهای اقتصادی این اپیدمی در کانون توجه محققین قرار داشته است. هرچند نمی‌توان پژوهش‌های ارزشمند صاحب‌نظران علوم انسانی در خصوص موضوع بیماری کرونا و بررسی آثار و پیامدهای اجتماعی آن را نادیده انگاشت، با این وجود، خلاً پژوهش‌های اخلاقی خصوصاً در حوزه تخصصی فلسفه اخلاق در پارادایم کنونی علمی ایران در زمینه بیماری کرونا به‌شدت احساس می‌شود.

پژوهش حاضر، از آن جهت که به شیوه توصیفی-تحلیلی به شرح و بررسی نظریه فیلسوفان مکتب فلسفه اخلاق استکلم پرداخته و راه‌کار پیشنهادی ایشان را به‌عنوان یک راه حل مناقشه برانگیز موردنقد و بررسی قرار داده و آثار و تبعات چنین راه‌حلی را بر نظام اجتماعی و زندگی انسانی واکاوی نموده است، قابل توجه و زمینه‌ساز توسعه تحقیقات آتی در این حوزه مهم است. این تحقیق از نوع تحقیقات آمیخته است و از نظر جنس مخاطب، جزء تحقیقات بنیادین قرار می‌گیرد. چراکه هدف آن توسعه دانش بنیادی پیرامون نحوه عملکرد کشور سوئد در مدیریت

بیماری کرونا است که در این راستا به تبیین نظری پرداخته و مخاطب مستقیم آن، محققان حوزه فلسفه اخلاق و اخلاق پزشکی است. از نظر هدف تحقیقاتی نیز، در زمره تحقیقات اکتشافی قرار می‌گیرد، زیرا هدف اصلی آن بررسی نظریه‌ای است که در مورد آن شناخت چندانی وجود ندارد. در همین راستا، نگارندگان به دنبال یافتن پاسخ پرسش‌های مطروحه، درصدد اثبات این گزاره هستند که محدودیت امکانات و حدوث شرایط اضطراری، مجوزی برای محروم کردن برخی از انسان‌ها از خدمات پزشکی و رها کردن آن‌ها به حال خود، نیست.

با توجه به مباحث مطرح شده در این مقدمه، پژوهش حاضر به نقد و بررسی جدیدترین نظریه فیلسوفان اخلاق سوئد برای مدیریت امکانات و گذار از دوران همه‌گیری بیماری کرونا پرداخته و در ضمن توضیح و تشریح مفاهیم اساسی به کاررفته در این نظریه، به سنجش آن با مبانی اساسی حقوق بشر و مسئولیت دولت‌ها و قوانین داخلی و اصول اخلاقی حاکم بر کشور سوئد پرداخته و تبعات چنین اندیشه‌هایی را بر زیست انسانی و امنیت روانی جوامع موردبررسی قرار می‌دهد.

طرح بحث

جامعه پزشکی هرچند همواره یکی از مهم‌ترین ارکان جامعه جهانی است، اما امروز قهرمانی است که همه امیدها به آن بسته شده است. با این وجود در مبارزه با چنین تهدیدات گسترده‌ای که تمامیت حیات بشری را در معرض خطر قرار می‌دهد صرفاً پزشکان نیستند که در این کارزار در حال تلاش هستند. در کنار پزشکان و نظام بهداشت و درمان، اندیشمندان دیگر حوزه‌ها نیز به تناسب تخصص خود برای نجات انسان و ارائه رهیافت‌هایی برای برون‌رفت از بحران کنونی تلاش می‌کنند. دلیل این پویا همگانی نیز واضح به نظر می‌رسد، بیماری تمام ارکان جامعه را در معرض تهدید قرار می‌دهد پس طبیعی است که متخصصین تمامی این ارکان وارد صحنه شوند و از طرفی دیگر، در جهان امروز میان تمامی علوم کم‌وبیش پیوستگی و ارتباط وجود دارد و هیچ‌دانشی مستقل از دیگر دانش‌ها به شکل مطلق به موفقیت نمی‌رسد. نظام درمان نیازمند تأمین بودجه مالی است و اقتصاد نیازمند نیروی کار سالم و تندرست است، آموزش نباید متوقف شود و شیوه‌های نوین مبتنی بر بستر فضای مجازی به کمک نظام آموزشی می‌آیند و این چرخه و متخصصان آن پیوسته در تعامل با همدیگر است و در این گفتار تنها به بخشی از آن و به شکل کاملاً سطحی اشاره شد.

در کنار تمامی پیوستگی علوم و دانش بشری به یکدیگر، علوم مهمی نیز هستند که شاید در کوران فجایع و بحران‌ها چندان موردتوجه قرار نگیرند و یا مؤثر دانسته نشوند، اما اثرات نظریات و ایده‌های صاحب‌نظران آن‌ها در گذار از بحران و پس‌از آن نمایان می‌شود و ای بسا که مدت‌ها بعد از پشت سر گذاشتن فجایع، تازه متوجه اهمیت و دستاوردهای آن‌ها شویم. علومی

همانند فلسفه و اخلاق از این قسم هستند. علمی که به دنبال یافتن پاسخ‌های چرا زیستن و چگونه زیستن هستند. بدون شک با نگاهی به تاریخ تمدن بشری متوجه آن خواهیم شد که از پس هر بحران و فاجعه‌ای فلسفه‌ای نوین شکل گرفته و اصول اخلاقی متناسب با مقتضیات زمان تدوین شده است (Tuchman, 2011). نکته حائز اهمیت در این خصوص آن است که تدوین خطی مشی‌های اخلاقی و فلسفی متناسب با هر برهه زمانی می‌تواند اثرات طولانی‌مدت بر سرنوشت همه‌ی جهان داشته و در عین این‌که در بسیاری از موارد توانسته راهگشا و نجات‌دهنده بشر از ابتدال باشد، در مواقعی نیز خود سبب ابتدال و فاصله گرفتن از معیارهای ثابت اخلاقی و ارزش‌های والای انسانی شده است. در همین زمینه، فیلسوفان اخلاق سوئد با تدوین نظریه‌ای سعی در کمک به نظام بهداشت و درمان کشور سوئد برای کنترل و مدیریت همه‌گیری بیماری کرونا کرده‌اند. اساس این نظریه مبتنی بر دو رکن مهم است، اولویت‌بندی در درمان بیماران و جیره‌بندی امکانات و منابع درمانی.

شورای ملی بهداشت و رفاه کشور^۱ سوئد، به‌عنوان متولی اصلی مبارزه با بیماری کوید-۱۹ با درخواست از یک گروه متشکل از متخصصین گرایش‌های مختلف فلسفه و اخلاق درصدد آن است تا با تشکیل اتاق فکری فلسفی اخلاقی، راهبردی برای مقابله با بیماری تدوین کند. سرپرستی این گروه بر عهده پرفسور لارس سندمن^۲، مدیر مرکز تنظیم اولویت‌های بهداشتی^۳ سوئد است. در کنار او دیگر فیلسوفان و متخصصین اخلاق پزشکی مطرح سوئدی نیز مشغول تدوین و توسعه این نظریه هستند. این نظریه مبتنی بر اصول اخلاقی مکتب استکهلم برای تعیین اولویت در اختصاص مراقبت‌های بهداشتی به بیماران است و درصدد است تا در دستورالعمل‌های ملی برای کاربست در شرایط اضطراری فعلی ایضاً شرایط مشابهی که در آینده ممکن است محقق گردد گنجانیده شود. دکتر سندمن در این خصوص بیان کرده است: تمرکز اصلی این ایده اولویت‌بندی در بین بیماران بستری در بخش مراقبت‌های ویژه و نحوه جیره‌بندی در سایر قسمت‌های سیستم مراقبت‌های بهداشتی است تا منابع موجود برای استفاده درجایی که بیشترین نیاز وجود دارد آزاد شود. دکتر سندمن در خصوص نحوه این اولویت‌بندی این‌گونه توضیح می‌دهد که در کشور سوئد مجاز نیستیم که سن تقویمی را در نظر بگیریم و باید مبنای خود را بر اساس سن بیولوژیکی قرار دهیم؛ بنابراین اصلی‌ترین رهنمودهایی که ما درصدد تدوین آن هستیم نحوه تفسیر و تعیین سن بیولوژیکی در شرایط موجود است. با تعیین هر دو سن، به دو نتیجه خواهیم رسید که شامل احتمال زنده ماندن بعد از درمان و امید به زندگی را در برمی‌گیرد.

-
1. The National Board of Health and Welfare
 2. Lars Sandman
 3. the Centre for Healthcare Priority Setting

ما پیشنهاد می‌کنیم که اگر پزشکان و سایر ارائه‌دهندگان مراقبت‌های بهداشتی مجبور باشند بین کمک به بیماران با احتمال یکسان برای زنده ماندن که امید به زندگی متفاوتی دارند، تصمیم بگیرند، اولویت کمک‌رسانی به فردی است که سال‌های بیشتری زنده خواهد ماند. در رابطه با اصول اخلاقی موجود در این بستر، این تفسیر جدیدی است که قبلاً هرگز به صراحت ابراز نشده است. پرفسور بنت برالد^۱ یکی از اعضای ارشد این گروه و نویسنده تنها کتاب درسی موجود درباره اخلاق بهداشت عمومی به زبان سوئدی است که در بسیاری دانشگاه‌ها تدریس می‌شود. او در خصوص این طرح بیان می‌کند که در شرایط موجود که بسیاری از کشورها برای کاهش همه‌گیری کووید-۱۹ اقدامات متعددی انجام می‌دهند، سؤالات و چالش‌های اخلاقی زیادی برای جامعه جهانی به وجود آمده است. به‌عنوان مثال، چه اقداماتی برای کنترل و مبارزه با بیماری اخلاقی هستند؟ (Philosophers assist the Swedish government with guidelines for intensive care, 2021)

مفهوم شناسی

به‌منظور تسهیل ارزیابی فرضیه و پرسش‌های تحقیق با نگاهی دقیق و سنجیده، ضروری به نظر می‌رسد تا ابتدا مفهوم اساسی به کاررفته در پژوهش، موردبررسی و معرفی قرار بگیرند تا مفهوم مدنظر و قابل‌استفاده در تحقیق استخراج گردد.

۱- مرکز ملی تعیین اولویت مراقبت‌های بهداشتی

این مرکز در سال ۲۰۰۱ به‌عنوان مرکز ملی دانش در زمینه تعیین اولویت‌ها در بهداشت و درمان و مراقبت‌های اجتماعی توسط وزارت بهداشت، درمان و امور اجتماعی و انجمنی متشکل از مقامات محلی سوئد تشکیل شد. در سال ۲۰۱۰ این مرکز تبدیل به بخشی از قسمت تجزیه و تحلیل مراقبت‌های بهداشتی در گروه علوم پزشکی و بهداشت دانشگاه لینکپینگ سوئد شد. هدف این مرکز اتخاذ تصمیمات و سیاست‌های بهداشتی و درمانی بر پایه اصول اخلاقی و وظیفه اصلی این مرکز، انجام تحقیقات در خصوص تعیین اولویت‌های بهداشتی و درمانی است.

۲- اخلاق مراقبت‌های بهداشتی

اخلاق مراقبت‌های بهداشتی^۲ شاخه‌ای از اخلاق کاربردی است که شامل طیف گسترده‌ای از موقعیت‌های تصمیم‌گیری اخلاقی مربوط به سلامت بدن انسان و رفاه فیزیکی او می‌شود. در اخلاق مراقبت بهداشتی، هیچ چیز مهم‌تر از سلامت شخص نیست. پیشرفت در دانش پزشکی و فن‌آوری‌های پزشکی چالش‌های اخلاقی جدید و مهمی را با خود به همراه می‌آورد. نگرانی‌های

1. Bengt Brülde

2. Health Care Ethics

اخلاقی شامل رابطه بالینی بین متخصص مراقبت‌های بهداشتی و بیمار، تحقیقات موضوعی زیست پزشکی و رفتاری، برداشت و پیوند اعضای بدن افراد مرگ مغزی، مرگ آسان^۱؛ سقط‌جنین؛ و تخصیص خدمات درمانی از جمله موضوعات مهم این شاخه از مطالعات اخلاقی است. برای درک مسائل اخلاقی که در زمینه مراقبت‌های بهداشتی به وجود می‌آید، درک مهم‌ترین اصول اخلاقی و روش‌های تصمیم‌گیری اخلاقی ضروری است. لازم به ذکر است که میان اخلاق پزشکی^۲ و اخلاق مراقبت‌های پزشکی و کدهای اخلاقی هر مدام تفاوت‌هایی وجود دارد و این دو یکسان نیستند. (Health Care Ethics, ۲۰۲۱)

۳- سن بیولوژیک

سن بیولوژیک^۳ که به سن فیزیولوژیک نیز معروف است در یک تعریف ساده عبارت از این است که یک فرد صرف‌نظر از تعداد سال‌هایی که از زمان تولد سپری کرده است چندساله به نظر می‌رسد و در چه شرایط جسمانی قرار دارد. بافت و اندام او به نسبت سن تقویمی او تا چه میزان فرسوده شده‌اند و سرعت فرایند پیری در او چه مقدار است. سن بیولوژیک تحت تأثیر بسیاری از عوامل محیطی و سبک زندگی شخص است. ارتباط مستقیمی میان سن بیولوژیک و عادات فردی و همچنین شرایط زندگی فرد وجود دارد. سن بیولوژیک تحت تأثیر عواملی همچون میزان استرسی که فرد دارد، بهداشت روانی، تغذیه مناسب و متنوع، عادات خواب و اعتیاد به مواد مخدر و ورزش کردن قرار دارد. به‌عنوان مثال یک فرد با سن تقویمی هفتادسال، چنانچه الگوی زندگی سالمی داشته باشد می‌تواند در شرایط جسمی یک فرد پنجاه‌ساله باشد. امروزه بسیاری از متخصصان ژنتیک معتقد هستند که سن تقویمی رقمی ناقص است زیرا این عوامل بیرونی را مورد توجه قرار نمی‌دهد. (Shammas, 2011) تعیین سن بیولوژیک به شیوه‌های متفاوتی انجام می‌شود. برخی از این شیوه‌ها به صورت تقریبی صورت پذیرفته و با انجام یک سری پرسش و پاسخ‌ها مربوط به زندگی شخص و عادات او سن بیولوژیک را تشخیص می‌دهند؛ اما یکی از شیوه دقیق و علمی تعیین سن بیولوژیک توسط متخصصین ژنتیک و با انجام آزمایش DNA و مطالعه بر روی سلول‌ها انجام می‌شود. با این حال برخی مطالعات دقت آزمایش‌های تعیین سن بیولوژیک را زیر سؤال برده و به نتایج یکسانی میان سن تقویمی و سن بیولوژیک رسیده است. (Horvath, 2013)

1. euthanasia
2. medical ethics
3. Biological Age

۴- سن تقویمی

سن تقویمی^۱ به مقدار زمان واقعی که یک فرد از زمان تولد سپری کرده است اشاره دارد. این سن دارای تسلسل تاریخی است و از اولین روز تولد آغاز می‌شود. مبنای محاسبه این سن تاریخ تولد فرد است و بیانگر تعداد سال‌هایی است که فرد زندگی کرده است. صرف‌نظر از هر عامل محیطی و عارضی میزان این سن در یک فرد هیچ تغییری نمی‌کند.

ارزیابی عملکرد دولت سوئد در مواجهه با کووید-۱۹

متخصصان کشور سوئد دولت رو متهم به سهل‌انگاری و عدم اقدامات سخت‌گیرانه در خصوص کووید ۱۹ در مقایسه با سایر کشورهای اروپایی خصوصاً همسایگان حوزه شمال اروپا کرده‌اند.^۲ سوئد همانند انگلستان در خصوص بیماری کرونا رویکرد انعطاف‌پذیر را از روزهای آغازین اتخاذ کرد. رویکردی که هرچند انگلستان از آن صرف‌نظر کرده اما همچنان تاوان آن را می‌پردازد. با شیوع گسترده بیماری در ایتالیا و اسپانیا و پخش تصاویر تکان‌دهنده کشته‌شدگان، موج فزاینده‌ای از ترس در میان مردم سوئد حاکم شد، با این‌وجود کارشناسان معتقد هستند که دولت سوئد مصالح سیاسی و اقتصادی را بر مبارزه برای همه‌گیری و کنترل مواجهه اجتماعی ترجیح داده است. سوئد برخلاف بسیاری از کشورهای اروپایی از روزهای کشف اولین افراد آلوده به ویروس قرنطینه اعلام نکرد و صرفاً مقامات بهداشتی از مردم خواسته‌اند دستورات بهداشتی را رعایت کنند و مسئولیت‌پذیر باشند. مدارس ابتدایی، دانشگاه‌ها و کافه‌ها به فعالیت خود ادامه دادند. صرفاً با مطالبات عمومی دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها از اواسط ماه مارس ۲۰۲۰ تعطیل شدند درحالی‌که مدارس ابتدایی همچنان باز بود. اپیدمیولوژیست‌ها یکی از نگرانی‌های اصلی در سوئد را سالمندان و وضع بد خانه‌های سالمندان می‌دانند، درحالی‌که دولت سوئد دستورالعمل خاصی برای نگهداری از آن‌ها در شرایط کرونا تدوین نکرده و صرفاً ملاقات با آن‌ها را ممنوع کرده است. دولت سوئد ابتدا تجمع‌های بیش از ۵۰۰ نفر را ممنوع اعلام کرد که در نتیجه اعتراضات به ۵۰ نفر تقلیل داده شد. (approach, C. Sweden stands firm over its controversial coronavirus approach., 2020)

استکهلم پایتخت سوئد و یکی از پرجمعیت‌ترین شهرهای این کشور بیشترین خطر آلودگی را دارد ولی بسیاری از مردم به دلیل اینکه دولت سیاست‌های سفت و سختی اعمال نمی‌کند خطر بیماری را نادیده گرفته و به زندگی روزمره خود مثل شرایط عادی ادامه می‌دهند. تصاویری

1. Chronological age

۲. برای مطالعه بیشتر در این خصوص ن.ک:

Protests against Welfare Retrenchment: Healthcare Restructuring in Sweden, Jonas Larsson Taghizadeh and Anders Lindbom, Scandinavian Political Studies 37(1) • July 2013.

که از سوئد در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود مشتریان کافه‌ها را در حالی نشان می‌دهد که بر روی صندلی‌ها در فضای بازنشسته و صف‌های طولانی برای خرید دیده می‌شود. ۲۲ دانشمند در نامه‌ای که در یکی از روزنامه‌های سوئد به چاپ رسید بیان کردند که مقامات بدون استعداد، مسئولیت تصمیم‌گیری را بر عهده گرفتند. پروفیسور جان گیسیک، از دانشمندان سابق مرکز اروپایی برای کنترل و مقابله با بیماری‌ها معتقد است که دست‌کم نیمی از تمام ساکنان استکهلم تا پایان ماه به این ویروس مبتلا می‌شوند. (استراتژی متفاوت سوئد در مقابله با شیوع ویروس کرونا، ۲۰۲۰) سوئد در شرایط شیوع بیماری کرونا به طرز غیرمعمول به رستوران‌ها و کافه‌ها اجازه داد بازمانند و به کار خود ادامه دهند. این در حالی است که بیشتر کشورهای اروپایی اجتماعات بیش از دو نفر با رعایت فاصله و مقرراتی برای خارج شدن از منزل وضع کردند و تخلف از آن موجب جریمه و مواخذه می‌شود. نتیجه چنین اقداماتی افزایش آمار مبتلایان و جان‌باختگان سوئد در مقایسه با همسایگان خود تا کانون است. واقعیتی که خست وزیر را نیز مجبور به اعتراف به عدم آمادگی دولت در مواجهه با ویروس کرونا کرد. استفان لوون تأیید کرد که کشورش برای همه‌گیری ویروس کرونا آمادگی لازم را نداشته است. او طی نطقی تلویزیونی گفت روشن است که سوئد اقدامات کافی را برای جلوگیری از شیوع ویروس کرونا انجام ن داده است. (کرونا؛ عدم آمادگی برای مقابله در سوئد، کاهش مرگ‌ومیر در اسپانیا، ۲۰۲۰) اینکه آیا شرکا و همسایگان سوئد به سیاست‌های این کشور احترام خواهند گذاشت یا خیر قابل تأمل است؛ اما آنچه سیاست‌گذاران سوئدی از آن غافل هستند پیامدهای بین‌المللی رویکردهای آن‌ها است. نکته قابل توجه در خصوص جامعه سوئد آن است که علی‌رغم تمامی اعتراض‌ها، به دولت خود اعتماد بالایی دارند و به شایعات فضای مجازی توجه نمی‌کنند. هرچند امروزه بازار شایعات در فضای مجازی بسیار داغ است اما مردم سوئد معتقدند که شایعات فضای مجازی از خود بیماری خطرناک‌تر است. نخست‌وزیر وقت استفان لوور نیز از مردم درخواست کرده است تا به شایعات فضای مجازی اصلاً توجه نکنند و به پزشکان اعتماد داشته باشند ('They are leading us to catastrophe': Sweden's coronavirus stoicism begins to jar., 2020). تا زمان نگارش این پژوهش، ۱,۳۷۵,۲۶۷ نفر در کشور سوئد مبتلا به کوید ۱۹ شده‌اند که ۱۵,۳۲۶ نفر از آن‌ها جان خود را از دست داده‌اند. دولت سوئد در مجموع ۱۵,۲۶۸,۳۶۳ تست کرونا انجام داده است که به نسبت کل جمعیت به ازای هر یک میلیون نفر ۱,۴۹۷,۶۹۶ آزمایش شده‌اند (COVID Live Update, 2021).

سنجش نظریه با موازین اخلاقی حاکم بر کشور سوئد

نظام خدمات درمانی کشور سوئد بر پایه مالیات‌های عمومی پایه‌گذاری شده است و به همین دلیل تنظیم اولویت‌ها به شکل عادلانه و اخلاقی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

اعتقاد سیاست‌گذاری عمومی بر این است که اگر این اصول پذیرفته‌شده اخلاقی به شکل صریح اعمال نگردد شیوه خدمات‌رسانی گرفتار اصل مگافون می‌شود.^۱ در کشور سوئد سه اصل اخلاقی تعیین‌کننده اولویت در خدمات درمانی است و این اصول در قانون خدمات بهداشتی و درمانی^۲ گنجانده شده‌اند. این سه اصل عبارت‌اند از:

۱- اصل کرامت انسانی

اصل کرامت انسانی یکی از مهم‌ترین مبانی اخلاقی در اخلاق مراقبت‌های بهداشتی است؛ بنابراین اصل، همه انسان‌ها به‌صرف انسان بودن و نه به خاطر آنچه دارند و یا انجام می‌دهند، از کرامت انسانی برخوردارند. این بدان معناست که همه انسان‌ها بدون توجه به استعداد، جایگاه اجتماعی، درآمد، سن، قومیت یا هر عامل دیگری حق مراقبت یکسان دارند. بنا بر دستگاه اخلاقی حاکم بر نظام بهداشت و درمان سوئد، اصل کرامت انسانی که بیانگر آن است که همه افراد از حقوق و ارزش برابر برخوردار هستند، به‌عنوان پایه‌ای برای تعیین اولویت در مراقبت‌های بهداشتی کافی نیست. برای تعیین اینکه چه کسی ابتدا باید درمان شود، امور دیگری نیز باید مدنظر قرار بگیرد.

۲- اصل نیاز و همبستگی مشترک

اصل نیازها و همبستگی مشترک تصریح می‌کند که منابع باید به بیمارانی که بیشترین نیاز را دارند اختصاص یابد. این که این نیاز تا چه میزان حیاتی است بر اساس شدت و مدت‌زمان بیماری و اخلال در سلامتی فرد و همچنین احتمال بهبودی بالقوه‌ای که با مداخلات پزشکی ممکن است حاصل شود ارزیابی می‌شود. بر اساس این اصل، گروه‌های ضعیف جامعه که در رساندن فریاد استمداد خود دچار مشکل هستند در اولویت قرار دارند؛ مانند کودکان و یا سالمندان مبتلا به زوال عقل.

۳- اصل مقرون به‌صرفه بودن

اصل مقرون به‌صرفه بودن بیانگر آن است که نظام مراقبت‌های بهداشتی موظف است از منابع خود در حد امکان استفاده کند. این اصل تابع اصول دیگر است، به این معنی که فردی مبتلا به یک بیماری جدی که کیفیت زندگی او در حال بدتر شدن است نسبت به یک فرد با بیماری جزئی در اولویت قرار دارد، حتی اگر مراقبت از او به قیمت بیشتری تمام شود (The ethical platform for priority setting, 2021).

در راستای انطباق نظریه فیلسوفان اخلاق سوئدی با اصول سه‌گانه اخلاقی نظام خدمات

۱. اصل مگافون کنایه از این است که کسی که بلندتر فریاد می‌زند خدمات بیشتری دریافت می‌کند.

2. The Health and Medical Services Act.

درمانی کشور سوئد، به نظر می‌رسد که تعارضات فاحشی میان این اصول و نظریه مطروحه وجود دارد. با توجه به اینکه اصل کرامت انسانی بیان می‌کند: تمام انسان‌ها بدون توجه به استعداد، جایگاه اجتماعی، درآمد، سن، قومیت یا هر عامل دیگری حق مراقبت یکسان دارند، نباید اصل را مقید به سن بیولوژیک کرد و سبب نقص خصوصیت عام الشمول بودن اصل شد. همچنین در سنجش نظریه با اصل نیاز و همبستگی مشترک، از آنجایی که بر اساس این اصل گروه‌های ضعیف جامعه که در رساندن فریاد استمداد خود دچار مشکل هستند در اولویت قرار دارند، باید در نظر داشت که افرادی که بنا بر هر دلیل از سن بیولوژیک بالاتری برخوردار هستند جز همین گروه‌های آسیب‌پذیر به حساب می‌آیند و با توجه به شرایط جسمی این افراد نیاز بیشتری به خدمات و کمک‌های درمانی در آن‌ها وجود دارد. نهایتاً، با توجه به این که اصل مقرون به صرفه بودن تابع دو اصل قبلی است و تأکید بر این نکته دارد که شرط خدمات‌رسانی کاهش کیفیت زندگی فرد در نتیجه بیماری است و حتی در این خصوص نباید جان بیمار فدای مبلغ درمان شود، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که نظریه مطروحه به اصول اخلاقی حاکم بر نظام خدمات درمانی سوئد در تعارض است.

سنجش نظریه با قوانین داخلی کشور سوئد

یکی از اصلی‌ترین سؤالاتی که در خصوص سیستم بهداشت و درمان کشور سوئد در ارتباط با نظریه مطرح شده وجود دارد عبارت از این است که چرا در نظام مراقبت‌های بهداشتی و درمانی اولویت‌بندی وجود دارد؟ در پاسخ باید گفت که چنین پروتکلی در کشور سوئد دارای مبنای قانونی است. دستورالعمل‌های کلی در مورد اولویت‌بندی در سال ۱۹۹۷ توسط مجلس سوئد تصویب شد. (The Swedish Parliament, 2021) بودجه سیستم خدمات درمانی سوئد به وسیله مالیات با یک ساختار منطقه‌ای تأمین می‌شود. این واحدهای منطقه‌ای مستقیماً توسط مردم انتخاب می‌شوند و مسئولان آن در قبال تصمیمات خود به مردم پاسخگو هستند و مسئولیت تأمین نیازهای بهداشتی یک جمعیت از پیش تعریف شده را در بهترین شرایط ممکن با تأمین بودجه محدود دارند. با توجه به محدودیت در منابع، مسئولان همواره مجبور به این هستند که در خصوص تأمین اعتبار دست به انتخاب بزنند. این مسئله سبب ناراحتی بیمارانی می‌شود که نیازهای درمانی ایشان به شکل کامل محقق نمی‌شود. به این دلیل در سال ۱۹۹۲، دولت سوئد کمیسیون مجلسی را برای بررسی اصول اخلاقی تعیین اولویت در مراقبت‌های بهداشتی مأمور کرد. وضعیت موجود حکایت از آن داشت که هزینه‌های درمان و مراقبت افزایش سریع‌تری از منابع مالی دارد. این امر منجر به شکاف بین منابع و نیازها شد. در نهایت کمیسیون مربوطه یافته‌های خود را قالب یک توصیه نام به‌عنوان انتخاب‌های دشوار در مراقبت‌های بهداشتی به دولت پیشنهاد داد. نهایتاً، در سال ۱۹۹۷ این پیشنهادها که شامل اصول اخلاقی و

دستورالعمل‌های کلی در مورد تعیین اولویت در مراقبت‌های بهداشتی بود، توسط مجلس سوئد تصویب شد (Background - Why priority setting in health care?, 2021). در نتیجه می‌توان این‌گونه گفت که نظریه مطرح‌شده از سوی فیلسوفان اخلاق سوئدی مطابق با قوانین داخلی کشور سوئد است.

سنجش نظریه با موازین حقوق بشر

برای سنجش هر قانون، طرح و یا نظریه‌ای که به هر نحو اعم از مستقیم یا غیرمستقیم بر زندگی انسان اثر می‌گذارد یکی از بهترین راه‌ها رجوع به معاهدات بین‌المللی است که ادعا می‌شود فارغ از هرگونه جانب‌داری و با در نظر گرفتن موازین اخلاقی، حقوقی، منافع حداکثری و تأمین نظر همه اعضا به شکل غیرقابل سلب و جهان‌شمول منعقد گردیده است. بدون شک اعلامیه جهانی حقوق بشر یکی از اصلی‌ترین منابعی است که ویژگی‌ها فوق‌را دارا بوده و موردقبول جامعه بین‌الملل واقع شده است. حق برخورداری از بهداشت و درمان و تأمین اجتماعی جزء نسل‌های اولیه حقوق بشر و از زمره حقوق بنیادین است. بر همین اساس ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ میلادی مقرر می‌کند: «حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است. این حق باید به‌موجب قانون حمایت بشود. هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) از زندگی محروم کرد».

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ میلادی نیز به‌عنوان یکی دیگر از اسناد بین‌المللی معتبر که ۱۴۸ کشور به عضویت آن درآمده‌اند در ماده ۱۲ بیان می‌کند:

۱. کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به تمتع از بهترین حال سلامت جسمی و روحی ممکن الوصول به رسمیت می‌شناسند.

۲. تدابیری که کشورهای طرف این میثاق برای تأمین استیفای کامل این حق اتخاذ خواهند کرد شامل اقدامات لازم برای تأمین امور ذیل خواهد بود:

الف - تقلیل میزان مرده متولد شدن کودکان - مرگ‌ومیر کودکان و رشد سالم آنان.

ب - بهبود بهداشت محیط و بهداشت صنعتی از جمیع جهات.

ج - پیشگیری و معالجه بیماری‌های همه‌گیر - بومی - حرفه‌ای و سایر بیماری‌ها همچنین

پیکار علیه این بیماری‌ها.

د - ایجاد شرایط مناسب برای تأمین مراجع پزشکی و کمک‌های پزشکی برای عموم در صورت ابتلا به بیماری.

بدون شک حق زندگی، بدون برخورداری از سلامت جسمانی و روحی معنایی ندارد. هر انسانی برای اینکه بتواند به‌عنوان یک عضو از جامعه به شکل مطلوب فعالیت داشته و از نعمت

زندگی برخوردار باشد نیازمند آن است که از سلامتی بهره مند باشد. در همین خصوص ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر اشعار می کند: «هر انسانی سزاوار یک زندگی با استانداردهای قابل قبول برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده اش، از جمله تأمین خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری است و همچنین حق دارد که در زمان های بیماری، بیماری، نقص عضو، بیوگی، سالمندی و فقدان منابع تأمین معاش، تحت هر شرایطی که از حدود اختیار وی خارج است، از تأمین اجتماعی بهره مند گردد».

با توجه به موارد پیش گفته این گونه می توان نتیجه گرفت که تأمین اعتبار لازم برای مراقبت و درمان از هر شهروندی وظیفه ذاتی دولت است و این نوع وظیفه نه تنها غیرقابل اسقاط از ذمه هیچ دولتی نیست بلکه جنس تعهد آن از نوع تأمین فرد اعلی امکانات هست، لذا دولت به عنوان رکن اصلی و مسئول نظام تأمین اجتماعی در این زمینه تعهد دارد. ماهیت تعهد دولت را از جهتی تعهد به نتیجه و تعهد به وسیله از یک طرف و تعهد به احترام، حمایت و ایفا از طرف دیگری باید دانست (همتی، ۱۳۹۶). در این زمینه هیچ گونه بهانه ای از جمله کمبود بودجه و امکانات، فقدان نیروی لازم برای کادر بهداشت و درمان و مواردی از این قبیل در مقامی که بحث بر سر ارزشمندترین سرمایه بشری، یعنی حیات و سلامتی است پذیرفته نخواهد بود. دلیل طرح چنین گفتگویی نیز طبیعی به نظر می رسد، زیرا هیچ شهروندی دولت مردان را مجبور به پذیرش مسئولیت و عهده داری امور نکرده است تا در زمان احتیاج بخواهد با چنین پاسخ هایی مواجه شود.

دلایل و عوامل احتمالی طرح ایده

همان گونه که گفته شد، اساس سیاست های درمانی کشور سوئد مبتنی بر اولویت بندی بیماران است. در همین خصوص شخصیت های برجسته ای در این کشور با انجام مطالعات گسترده در این خصوص و تطبیق این تصمیمات با اصول اخلاقی، تبدیل به افرادی صاحب نظر در این زمینه شده اند. مکتب استکھلم از جهات متعددی قابل نقد و علت شناسی است. یکی از زوایایی نقد، خطرات احتمالی نظریه فیلسوفان اخلاق سوئد می تواند این باشد که دولت سوئد به دنبال آن است تا نسل های قدیمی و کهن سال بهای و بروس کووید ۱۹ را پرداخت کنند. آمارها حاکی از آن است که از هر سه جان باخته، یک نفر در مراکز مراقبت سالمندان بوده است. این امر نگرانی بسیاری از فعالان حقوق اجتماعی را برانگیخته است. هرچند دولت سوئد ملاقات خانه های سالمندان را ممنوع اعلام کرده است با این حال کارمندان این مراکز از کمبود امکانات شاکی هستند. کارمندان خانه های سالمندان در سوئد اعلام کرده اند که اراده ای برای مراقبت از سالمندان از سوی دولت وجود ندارد، بسیاری از سالمندان دارای علامت هستند ولی تستی از آن ها گرفته نمی شود. (Sweden's coronavirus strategy: Is the older generation

paying the price?, 2020)

بر اساس آخرین پژوهشی که مرکز آمار سوئد انجام داده است تا سال ۲۰۲۸ تعداد افراد ۸۰ ساله و بیشتر با جهشی پنجاه درصدی ۲۵۵ هزار نفر افزایش خواهد یافت و تعداد افراد بالای ۶۵ سال نیز ۳۹۹ هزار نفر بیشتر خواهد شد. در حالی که در خوش‌بینانه‌ترین حالت جمعیت کنونی بتواند به یازده میلیون نفر و تا سال ۲۰۷۰ به نزدیک ۱۳ میلیون نفر برسد. برآوردها حاکی از آن است که تا سال ۲۰۲۸ تعداد کودکان و نوجوانان افزایش یافته و جمعیت سوئد دارای ۱۴۷ هزار عضو یک تا پانزده ساله خواهد شد. در حال حاضر بر اساس آخرین آمارها، تعداد افراد بالای ۸۰ سال بیش از پانصد هزار نفر است و همان‌طور که گفته شد این جمعیت پنجاه درصد نیز طی سال‌های آینده افزایش می‌یابد. همچنین میزان علاقه‌مندی زنان سوئدی به زایمان بیش‌ازپیش کاهش خواهد یافت و نهایتاً جمعیت پیرتر خواهد شد (Largest population increase expected among the elderly, 2021). مسلماً افراد مسن توانایی کار کردن نداشته و متعاقب آن مالیاتی نباید پرداخت کنند. نیازمند هزینه‌های بسیار زیاد مراقبت و درمان هستند که با توجه به نظام دولت رفاه سوئد، این امر بر عهده دولت است. نیروی کار باید صرف نگهداری و مراقبت از آن‌ها شوند و بسیاری موارد دیگر که سیاست‌های اتخاذی از سوی دولت سوئد در خصوص مدیریت شرایط کرونایی کشور بیانگر آن است که دولت توجهی شایسته و متناسب با شعارهای سوسیال‌دموکرات خود نسبت به تأمین اجتماعی و مراقبت از سالمندان ندارد.

بازتاب‌های عدم ضد عفونی و رعایت پروتکل‌های بهداشتی در خصوص پیشگیری از انتشار بیماری کرونا در خصوص افراد آسیب‌پذیر که در خانه‌های سالمندان نگهداری می‌شوند در فضای مجازی بسیار گسترده بوده است. (Anger in Sweden as elderly pay price for coronavirus strategy, 2020). وضعیت بد خانه‌های سالمندان، سبب دستور نخست‌وزیر سوئد برای پی‌گیری معضلات سالمندان شده است. با این حال، همچنان یک سوم جان‌باختگان سالمندانی که در خانه سالمندان مراقبت می‌شوند هستند. یکی دیگر از نگرانی‌های اصلی جامعه سوئد که در فضای مجازی مطرح می‌شود، کارکنان و مراقبین این بخش‌ها هستند که می‌توانند با توجه به ویژگی‌های جسمی و جوانی عموماً افراد ناقل و بدون علامت باشند که می‌توانند سالخوردگان آسیب‌پذیر را بدون امکانات محافظتی مورد تهدید قرار دهند.

از سوی دیگر، باید توجه داشت که اتخاذ چنین تصمیماتی از سوی دولت سوئد و نظریه‌پردازان آن احتمالاً تا حدودی می‌تواند تحت تأثیر تفکرات اقتصادی حاکم بر این کشور باشد. تأثیرات تأکید افراطی بر سوسیالیسم در اواخر قرن بیستم، همچنان اثرات خود را بر جامعه سوئد حفظ کرده و توسط اقشار متوسط جامعه خصوصاً احساس می‌شود. سیستم مراقبت‌های بهداشتی سوئد در طول دهه پایانی قرن بیستم کارآمدی خود را از دست داده بود و مردم مجبور

بودند برای دریافت خدمات، ساعت‌ها در صف بایستند. سیستم مراقبت‌های بهداشتی سوئد که در گذشته حالت متمرکز دولتی داشت، اکنون توسط ارائه‌کنندگان خدمت و بیمه‌های خصوصی اداره می‌شود. با اینکه درآمد مالیاتی دولت سوئد هنوز هم درآمد بالایی است اما برخلاف دستگاه‌های سوسیالیستی، ساختار سیستم مالیاتی با گرفتن پول از اغنیا و پرداخت به فقرا نیست. بار مالیاتی وارد شده بر دهک‌های متوسط نیز کم نیست. بالاترین نرخ مالیات در سوئد ۵۷ درصد است که به درآمدهای بیشتر از ۱/۵ برابر میانگین حقوق، تعلق می‌گیرد و مالیات بر شرکت‌ها ۲۲ درصد است. طبق آمار «ekonomifakta.se» که یک گروه آماری در سوئد است، ۱۰ درصد بالایی جامعه فقط ۲۷ درصد کل مالیات را می‌پردازند. این به آن معناست که بیش از ۷۰ درصد بار مالیاتی بر دوش طبقه متوسط و پایین‌تر از آن قرار دارد. این موضوع اساساً با تعاریف یک جامعه سوسیالیستی متفاوت است (افسانه سوئد سوسیالیستی، ۱۳۹۸).

پیامدها و تبعات ایده

با توجه به توضیحاتی که در خصوص نظریه فیلسوفان اخلاق سوئد در خصوص مواجهه با ویروس کرونا داده شد، مطرح کردن این نظریه در خصوص شیوه اولویت‌بندی برای درمانی بیماران مبتلابه کرونا نیز نگرانی‌های فزاینده‌ای در جامعه سوئد ایجاد کرده است. هرچند جزئیات کامل این طرح در فضای مجازی به شکل دقیق مطرح نشده است، اما صرف پرداختن به چنین موضوعی کافی بود تا واکنش‌های مردم در فضای مجازی اوج بگیرد. در این بخش، به بررسی پیامدها و تبعات احتمالی این نظریه پرداخته خواهد شد.

۱- واکنش‌ها در فضای مجازی

اتخاذ سیاست‌های بهداشتی دولت سوئد در مواجهه با ویروس کرونا موج گسترده‌ای از اعتراضات را در فضای مجازی علیه دولت ایجاد کرد. جامعه پزشکی و شهروندان سوئد معتقدند که این سیاست‌ها کشور را به سمت فاجعه سوق می‌دهد. یکی از جدی‌ترین واکنش‌ها به این سیاست‌ها، جمع‌آوری امضا برای یک نامه اعتراضی در اینترنت بود. این نامه که توسط برجسته‌ترین شخصیت‌های علمی کشور سوئد به امضا رسید حاکی از نگرانی فزاینده دانشمندان و مردم عادی نسبت به رویکرد دولت در خصوص مهار و کنترل ویروس کووید ۱۹ است. در میان کسانی که به این کمپین اعتراضی در فضای مجازی پیوسته‌اند اسامی افرادی همچون پروفیسور کارل هنریک هلدین^۱ رئیس بنیاد نوبل است. اعتراض‌ها به دولت بیشتر از این جهت است که آزمایش‌های کمی انجام داده و قرنطینه را به شکل جدی همانند دیگر کشورهای اروپایی اجرا نمی‌کند. ('They are leading us to catastrophe': Sweden's

1. Carl-Henrik Heldin

coronavirus stoicism begins to jar, 2020) کاربران فضای مجازی بر این باور هستند که بر فضای کشور یک آزمایش سورئال حاکم است که در برابر قرنطینه مقاومت می‌کند و این نگران‌کننده‌ترین موضوع برای مردم سوئد است.

نظراتی که در خصوص این ایده مطرح می‌شود حکایت از مخالفت اعضای جامعه و اعتقاد بر غیرکاربردی بودن آن دارد. کاربران فضای مجازی معتقد هستند سیاست‌های غلط نظام سلامت و درمان منجر به استعفای تعداد زیادی از پرستاران شده است. کاربران، با مقایسه تعداد تخت‌های بیمارستانی و بخش‌های مراقبت ویژه کشور خود با دیگر کشورهای اروپایی و اعضای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ معتقدند که فقط سوئد از مکزیک و شیلی اوضاع بهتری دارد و در مقایسه با سایر اعضا سرانه بیمارستان و بخش اورژانس بسیار کم است. مطرح‌شدن مسائلی از سوی مردم سوئد در فضای مجازی که به‌عنوان یک کشور توسعه‌یافته شناخته می‌شود، شاید برای بسیاری از افراد تعجب‌برانگیز باشد. به نظر می‌رسد وقوع شرایط بحران کنونی و شدت آن، علاوه بر غافل‌گیری بسیاری از کشورهای پیشرفته سبب نمایان شدن بسیاری از ضعف‌های موجود که از چشم همگان پنهان بوده شده است.

۲- الگوسازی

یکی از اصلی‌ترین مخاطرات طرح و پردازش چنین ایده‌هایی برای مقابله بیماری‌های همه‌گیر و بحران‌های مشابه ایجاد رویه و الگو برای دیگر نظام‌های سیاسی است. خصوصاً با توجه به اینکه کشوری که چنین رهیافتی را مطرح می‌کند از شرایطی برخوردار است که برای بسیاری دیگر از کشورها به‌عنوان یک نظام موفق تبدیل به الگو شده است. کشوری همانند سوئد هنگامی که تصمیم به اتخاذ چنین سیاستی در قبال بیماران می‌زند، مطمئناً بسیاری از کشورهای دیگر از جمله کشورهای در حال توسعه با مستمسک ساختن الگوی سوئدی سعی بر شانه خالی کردن از تعهدات خود در قبال رفاه و جان شهروندان می‌زنند.

جامعه جهانی امروز به سطح بالایی از پیوستگی و ارتباط رسیده است. بسیاری از کشورها از تجربیات همدیگر استفاده می‌کنند و بسیاری دیگر همدیگر را الگوی خود قرار می‌دهند. این مسئله تا جایی پیش می‌رود که مشاهده می‌کنیم در قانون اساسی که مهم‌ترین سند حقوقی یک کشور است، رگه‌هایی از سیاست‌های کشورهای توسعه‌یافته و مرفعی وجود دارد. این امر در قانون اساسی بسیاری از کشورهای آفریقایی و خاورمیانه محسوس است. در نتیجه هنگامی که تمامی کشورها را به‌عنوان یک جامعه در نظر گرفته و سخن از پدیده‌هایی مانند جهانی‌شدن می‌کنیم، باید به شدت دقت داشت که بسیاری از تصمیمات سیاسی نه تنها به کشور منشأ اثر می‌گذارد بلکه

موجب ایجاد یک وحدت رویه در بسیاری دیگر از کشورها نیز می‌شود. سیاست‌هایی که نه تنها تهدیدی علیه حقوق بشر هستند بلکه با اصول جهان‌شمول اخلاقی و انسانی نیز در تعارض هستند.

۳- تعمیق شکاف‌های اجتماعی و فروپاشی اصول انسانی

اختصاص خدمات درمانی و مراقبتی به افرادی که به دلیل شرایط بهتر اقتصادی، الگوی زندگی سالم‌تری داشته و از شرایط زیستی مطلوبی برخوردار بوده و در نتیجه سن بیولوژیک کمتری دارند شاید در بادی امر ایده‌ای باشد که در شرایط بحرانی مطرح شده و دارای اهمیت چندانی نباشد. ولیکن باید توجه داشت که طرح چنین ایده‌هایی پتانسیل ایجاد بحران‌های شدید اجتماعی را دارد. ساده‌ترین حالت قابل تصور آن است که فردی یکی از اعضای خانواده خود را به دلیل آنکه شرایط اقتصادی مطلوبی نداشته و در اثر فشارهای روحی و روانی فرسوده شده است و در اولویت درمان قرار نگرفته از دست می‌دهد درحالی‌که مشاهده می‌کند فرد دیگری که شاید مسن‌تر از عضو خانواده او بوده به دلیل بهره‌مندی از وضعیت مطلوب اقتصادی سن بیولوژیک کمتری داشته و کمک‌های درمانی به او تعلق گرفته است. مطمئناً موجی از نفرت و کینه در این فرد جمع خواهد شد و خود را یک شهروند درجه دوم و محروم از حقوق اجتماعی تصور خواهد کرد. هرچند چالش‌های میان طبقات غنی و فقیر اجتماعی قدمتی به طول تاریخ دارد و شاید نتوان زمانی را تصور کرد که این چالش‌ها به‌طور کلی رفع شود، اما زمانی که شخص به‌طور رسمی مشاهده می‌کند که مبتکر این چنین طرح‌هایی نظام سیاسی و دولت است بدون شک دست به نفرت پراکنی و انتقام خواهد زد. این امر هر جامعه‌ای را متلاشی کرده و زیست مسالمت‌آمیز طبقات مختلف کنار یکدیگر را دچار اختلال می‌کند. یکی از اصلی‌ترین عواملی که تاکنون باعث حفظ ثبات این زیست و جلوگیری از طغیان‌های اجتماعی شده است، تأمین یک حقوق حداقلی برای همه طبقات جامعه است. هر طرح و نظریه‌ای که منجر به تقلیل یا حذف این حقوق شود سبب پدید آمدن بحران‌های شدید اجتماعی و مرگ انسانیت خواهد شد. به نظر می‌رسد همه‌گیری ویروس کرونا و تبعات آن منجر به پیدایش عوارضی شده است که جدال میان اخلاق و سیاست است. اسلاونکا دراکولیچ^۱ روزنامه‌نگار و جامعه‌شناس معروف اهل کرواسی در کتاب معروف خود به نام «کمونیست رفت، ما ماندیم و حتی خندیدیم» تعبیر تأمل‌برانگیزی از جهان پسا کمونیست دارد که می‌تواند تا حد زیادی توصیفی از جهان بعد از کرونا و اوضاع و احوال حاکم بر آن باشد. او در این باره می‌نویسد: هنوز تا پایان کمونیسم راه بسیاری مانده چون کمونیسم بیش و پیش از آنکه یک ایدئولوژی سیاسی و روش حکومت باشد، یک موقعیت ذهنی

است. قدرت سیاسی ممکن است یک‌شبه دست‌به‌دست شود و زندگی اجتماعی و اقتصادی ممکن است به‌سرعت از آن تبعیت کند، اما شخصیت آدم‌ها که تحت حکومت کمونیستی شکل گرفته به این سرعت تغییر نخواهد کرد. ارزش‌های خاص و شیوه‌ی بخصوصی از تفکر و درک جهان چنان در عمق وجود و شخصیت مردم رسوخ کرده که معلوم نیست خلاصی از آن چقدر زمان ببرد. (دراکولبیچ، ۱۳۹۸)

حال این نظر می‌تواند تعبیری از آینده بشر درگیر با کرونا باشد. ممکن است با افزایش نرخ واکسیناسیون همگانی یا کشف داروی پیشگیری از بیماری کرونا وضعیت زندگی بشر به حالت اولیه خود بازگردد، اما شخصیت آدم‌های تحت تأثیر کرونا و تبعات آن بر زندگی و همه ابعادش، سیاست‌های دولت‌ها و پیامدهای آن و دگردیسی ناشی از بیماری به این سرعت تغییر نخواهد کرد. همه این عوامل و عوارض در عمق شخصیت انسان‌ها رسوخ کرده و معلوم نیست چه زمانی اذهان بشری از آن خلاصی یابد. شاید تا پایان کرونا راه بسیاری مانده باشد.

نتیجه گیری

بیماری حاصل از ویروس کووید ۱۹ اولین تجربه غیرقابل انتظار و مهیب بشریت نبوده و قطع به یقین آخرین آن نیز نخواهد بود. طبیعت زندگی آدمی بر این اساس استوار است که با چالش‌ها مواجه شده و بعد از درگیری برای بقای خود تمام مساعی خود را به کار گرفته تا بر آن فائق آید. آنچه در این میام مهم است، ارجحیت انسانیت و اخلاق در گذار از بحران‌ها است. اصول ثابت و جهان‌شمولی که اساس تمیز ابنا بشر از حیوانات است. مواجهه با شرایط بحرانی، ذهن انسان را در فشار قرار داده و ممکن است دست به اتخاذ تصمیماتی بزند که سبب تضییع حقوق انسان‌های دیگر شود. این مهم زمانی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود که تصمیم‌گیرنده در مقام تصمیم‌گیری سرنوشت تعداد زیادی از انسان‌ها را رقم بزند. توجه به اصول اخلاقی و حفظ کرامت انسانی و حقوق اساسی بشر از مهم‌ترین مواردی است که در هیچ شرایطی نباید وجه‌المصالحه غلبه و عبور از مشکلات قرار گیرد. ویروس کووید ۱۹ نیز که اکنون به جدی‌ترین تهدید زندگی بشر تبدیل شده نباید متولیان امور و سیاست‌گذاران را از مسیر انسانیت خارج سازد. در این خصوص توجه به چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

نخست آنکه ساخت و پرداخت هر نظریه‌ای که به شکل مستقیم یا غیرمستقیم، مربوط به سیاست عمومی است باید با لحاظ اصل تأمین منافع حداکثری جامعه تنظیم گردد. دوم آنکه دولت‌ها نمی‌توانند از تعهدات خود شانه خالی کرده و متوسل به بهانه‌هایی برای عدم ایفای تعهدات خود در قبال شهروندان و تأمین اجتماعی گردند. سوم آنکه ارزش جان همه انسان‌ها یکسان بوده و هیچ انسانی جانی ارزشمندتر از دیگران ندارد. نعمت حیات، نعمتی است که خداوند متعال تمام انسان‌ها را بدون تبعیض از آن برخوردار کرده پس بندگان خدا نباید اولویتی برای جان‌ها قائل باشند مگر آنجا که تجویز از سوی شارع مقدس صادر شده باشد. چهارم آنکه معیارهایی همچون سن بیولوژیک و تخمین امید به زندگی افراد، از منظر اخلاقی هیچ‌گونه توجیهی جهت‌گزینی‌گری کردن خدمات بهداشتی و درمان ایجاد نمی‌کند. نهایتاً آنکه جدال میان اقتصاد و سلامت عمومی و مقابل هم دیگر قرار دادن این دو، بازی‌ای است که هیچ برنده‌ای نخواهد داشت. جامعه بیمار، نمی‌تواند اقتصادی مولد و پویا داشته باشد و از سوی دیگر، اقتصاد بدون نیروی انسانی، سرانجام روزی از پای خواهد افتاد و متلاشی می‌شود. نکته مهمی که باید دولت‌مردان به آن توجه کنند عبارت از آن است که چشم‌پوشی موقتی از مسائل اقتصادی و احیاناً توقف آن، به مراتب ضرر کمتری از سهل‌انگاری نسبت به همه‌گیری و پیامدهای آن خواهد داشت.

فهرست منابع

- 1- Agnes, L. (2020, April 4). Covid-19 in Sweden: “We are suffering the full extent of our broken healthcare system. Retrieved from <http://internationalviewpoint.org/>
- 2- Anger in Sweden as elderly pay price for coronavirus strategy. (2020). Retrieved from <https://www.theguardian.com/world/2020/apr/19/anger-in-sweden-as-elderly-pay-price-for-coronavirus-strategy>
- 3- Approach, C. Sweden stands firm over its controversial coronavirus approach. (2020). Retrieved November 22, 2021, from <https://www.euronews.com/2020/04/06/coronavirus-sweden-stands-firm-over-its-controversial-covid-19-approach>
- 4- Background - Why priority setting in health care? (2021). Retrieved from <https://liu.se/en/article/why-priority-setting-in-health-care->
- 5- COVID Live Update. (2021). Retrieved from World meter: COVID Live Update: 258,174,334 Cases and 5,172,031 Deaths from the Coronavirus - World meter <https://www.worldometers.info/coronavirus/>
- 6- Health Care Ethics. (2021). Retrieved November 22, 2021, from Internet Encyclopedia of Philosophy: <https://iep.utm.edu/h-c-ethi/>
- 7- Horvath, S. (2013). DNA methylation age of human tissues and cell types. *Genome biology*, 14(10), 1-20.
- 8- Largest population increase expected among the elderly. (2021). Retrieved from <https://www.scb.se/en/finding-statistics/statistics-by-subject-area/population/population-projections/population-projections/pong/statistical-news/the-future->
- 9- Philosophers assist the Swedish government with guidelines for intensive care. (2021). Retrieved November 22, 2021, from <https://www.gu.se/en/news/philosophers-assist-the-swedish-government-with-guidelines-for-intensive-care>
- 10- Shamas, M. A. (2011). Telomeres, lifestyle, cancer, and aging. *Current opinion in clinical nutrition and metabolic care*, 14(1), 28.
- 11- Sweden's coronavirus strategy: Is the older generation paying the price? (2020). Retrieved 2021, from euro news: <https://www.euronews.com/2020/04/27/sweden-s-coronavirus-strategy-is-the-older-generation-paying-the-price>

- 12- The ethical platform for priority setting. (2021). Retrieved from <https://liu.se/en/article/the-ethical-platform-for-priority-setting>
- 13- The Swedish Parliament. (2021). Retrieved from <https://www.riksdagen.se/en>
- 14- 'They are leading us to catastrophe': Sweden's coronavirus stoicism begins to jar. (2020). Retrieved 2021, from the guardian: <https://www.theguardian.com/world/2020/mar/30/catastrophe-sweden-coronavirus-stoicism-lockdown-europe>
- 15- Tuchman, B. (2011). A distant mirror: The calamitous 14th century. Random House.
- ۱۶- استراتژی متفاوت سوئد در مقابله با شیوع ویروس کرونا. (۲۰۲۰، آوریل ۲۵). <https://www.bbc.com/persian>
- ۱۷- افسانه سوئد سوسیالیستی، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره روزنامه: ۴۷۰۰، (۱۳۹۸/۰۶/۱۷). <https://donya-e-eqtasad.com>
- ۱۸- دراکولیچ، ا. (۱۳۹۸). کمونیسم رفت، ما ماندیم و حتی خندیدیم. (ترجمه رویا رضوانی) تهران: نشر گمان.
- ۱۹- کرونا؛ عدم آمادگی برای مقابله در سوئد، کاهش مرگ و میر در اسپانیا. (۲۰۲۰، آوریل ۱۱). <https://www.bbc.com/persian>
- ۲۰- همتی، م. (۱۳۹۶). حقوق تأمین اجتماعی. تهران: انتشارات دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۳۴ - ۲۱۳

بررسی اصول اخلاقی داوران تجاری بین المللی

سمیرا محمدی نژاد^۱علی غریبه^۲حسن پاشازاده^۳

چکیده

امروزه رعایت اصول اخلاقی توسط داوران به موضوع حایز اهمیتی در مباحث داوری تبدیل شده است. هرچند در گذشته رفتارهای داوران با معیارهای درونی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گرفت، امروزه دستورالعمل‌های اخلاقی ویژه‌ای تدوین شده که معیار جدیدی برای ارزیابی رفتار داوران تلقی می‌شود. طرفین و داوران باید از قواعد اخلاقی بالقوه قابل اجرا در فرایند داوری آگاه باشند. هرچند دستورالعمل‌های اخلاقی ارایه شده به طور مثال توسط کانون بین المللی وکلا اجباری نیستند و به طور جهانی شناخته شده نیستند اما عدم توجه به آنها می‌تواند عواقبی برای آرای صادره توسط داوران داشته باشد. در این مقاله به بررسی اصول اخلاقی داوران با توجه به اسناد و کدهای اخلاقی موجود در این زمینه خواهیم پرداخت. روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به کتب حقوقی و فیش برداری از آن‌ها به انضمام قوانین و مقررات داخلی و بین المللی و آرای صادره در حدامکان خواهد بود. استفاده از وب سایت‌های داخلی و خارجی با توجه به جنبه بین المللی تحقیق اجتناب ناپذیر خواهد بود. داشتن یک سیستم موثر برای کنترل احترام به اخلاق داوری و اصلاح بسیاری از بی‌نظمی‌های موجود در شیوه‌های داوری ضروری است. مهم‌ترین اصول اخلاقی که باید توسط داوران رعایت شود اصل شفافیت، محرمانگی و رعایت موافقت نامه داوری است. البته با توجه به پراکندگی مقررات و لازم الاجرا نبودن دستورالعمل‌های موجود و تا قبل از وجود یک سیستم موثر و لازم الاجرا، توافق بین طرفین در خصوص یک کد اخلاقی در موافقت نامه داوری یا دستورالعمل‌های آیینی بعد از شروع اختلاف می‌تواند موثر باشد.

واژگان کلیدی

اخلاق داور، کد اخلاق، داوری تجاری بین المللی.

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

Email: s.a.mohamadinejad@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: gharibelawyer@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

Email: pashazadeh@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۳/۱۲

طرح مسأله

اخلاق مجموعه قواعدی است که رعایت آن برای رسیدن به کمال ضروری است. خواهی نصیر طوسی اخلاق را این گونه تعریف کرده است: اخلاق علمی است که هدفش ایجاد یک منش است که انسان را از بد باز دارد و سبب می شود که هر کاری از روی اراده سر می زند، مطلوب باشد. اخلاق در واقع یک قاعده رفتار انسانی است، یعنی رفتاری اخلاقی که مطابق اراده و بر مبنای عقل باشد. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ص ۸۵) در بررسی و تحلیل اخلاق و حقوق می توان گفت که این دو در طی دوره های زمانی مختلف تغییراتی داشته اند. در مرحله اول هیچ تفاوتی بین حقوق و اخلاق نبود. در مرحله دوم که در قرن ۱۸ میلادی رخ داد، بین اخلاق و حقوق مرزی ایجاد شد با این استدلال که اخلاق یک امر درونی است در حالی که حقوق به اعمال بیرونی انسان توجه دارد. اما پس از جنگ جهانی این باور ایجاد شد که باید اصولی باشد تا محدودیت هایی به موجب آن ها در راه دموکراسی ایجاد شود. لذا ارتباط بین حقوق و اخلاق حفظ شد و سنگ بنای حقوق بشر نهاده شد. هرچند که اخلاق و حقوق مفهوم یکسان و مشابهی ندارند، به طور مثال هدف اخلاق اصلاح معایب شخص و هدف حقوق ایجاد نظم در اجتماع است. همچنین قواعد حقوقی دارای ضمانت اجرای مادی و اجتماعی است، اما ضمانت اجرای قواعد اخلاقی جنبه درونی و مذهبی دارد. اما می توان اخلاق را یکی از مهم ترین منابع حقوق بر شمرد. قانونگذار از نفوذ اخلاق محیط خود مصون نیست و ناچار است برای حفظ نظم و تامین اجرای قانون قواعد اخلاقی جامعه را رعایت کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ص ۹۰) اخلاق قوانین حقوقی را ارزیابی می کند و همچنین موازین اخلاقی مانعی برای تصویب هر قانونی توسط دولت ها هستند. در واقع در کنار قواعد حقوقی یک دسته قواعد اخلاقی وجود دارد که آن ها را تعدیل می کند. البته این ارتباط دو طرفه است و از سوی دیگر رعایت قانون نیز یک ارزش اخلاقی تلقی می شود.

یکی از موضوعاتی که در حقوق مطرح می شود اخلاق حقوقی است، اخلاق حقوقی مجموعه قواعد اخلاقی است که بر رفتار اشخاصی که خدمات حقوقی ارائه می کنند و با تعهدات حقوقی و اخلاقی متعارضی روبرو شده اند، حکومت می کند (Goldstein, 2002: p1) این مفهوم مسئولیت حرفه ای و اخلاق حرفه ای حقوقی نیز نامیده می شود. در واقع می توان گفت شاخه ای از علم اخلاق است که در خصوص تکالیفی که یک عضو جامعه حقوقی در مقابل اجتماع، همکاران، مشتریان و دادگاه دارد، بحث می کند. (دایره المعارف حقوقی بلک، نقل از آفاقلیزاده، ۱۳۸۷: ص ۲۴) در این مقاله، تعهدات اخلاقی داوران در فرایند داوری به عنوان یک روش خصوصی حل و فصل اختلاف با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. گردآوری اطلاعات از طریق مراجعه به منابع کتابخانه ای و با استفاده از مقالات،

کد های اخلاقی و توصیه نامه هایی که در این خصوص تدوین شده صورت گرفته است.

پیشرفت های قانونی در اخلاق داوری

تعهد داور به ارزش های اخلاقی

وظایف اخلاقی داور از لحظه پذیرش انتصاب شروع می شود و در هر مرحله داوری ادامه می یابد. داور خوب داوری است که ارزش های اخلاقی خود را بر فرایند داوری تحمیل کند و آگاه باشد که این امر بر اعتبار وی تاثیر می گذارد. بدین معنا که این ارزش ها و خم نشدن در برابر خواسته های طرفین بر آینده شغلی او تاثیر گذار خواهد بود. به این دلیل استانداردهای اخلاقی حرفه ای، به عنوان اصول اخلاقی اهمیت ویژه ای در خدمات انجام شده توسط داوران می یابد. به همین دلیل است که انجمن های داوری در پی ایجاد اصول اخلاقی هستند تا به عنوان راهنمای فعالیت داوران عمل کنند. تفاوت های بین مفاهیم بی طرفی، استقلال و خنثی بودن به دلیل دارا بودن ماهیت مبهم باعث ایجاد بحث هایی شده است که غالباً صفحه تاریکی اند تا معنای واقعی خود را از نظر داوران پنهان دارند. بی طرفی و استقلال در واقع همچون دوروی یک سکه هستند. آنچه مهم است این است که هر دو مفهوم انتظار کلی طرفین را شرح می دهد که دیوان داوری در انجام وظایفش بین طرفین بی طرف خواهد بود. خنثی بودن عمدتاً به داوران منصوب طرفین مربوط می شود که ممکن است به نفع طرف تعیین کننده آن ها مستعد باشند. به طور کلی می توان گفت استقلال یک مفهوم عینی است که در روابط بین طرفین و داور تشخیص داده می شود اما بی طرفی یک نگرش ذهنی است. استقلال داور به روابط گذشته یا حال با طرفین بستگی دارد در حالی که بی طرفی یک نگرش ذهنی است که ارزیابی آن دشوارتر است. البته استقلال به خودی خود تضمین بی طرفی نیست چرا که داور مستقل می تواند بی طرف نباشد. این مفاهیم غالباً از زاویه قضایی مورد توجه قرار گرفته اند و این امر با توجه به ویژگی های داوری باید کنار گذاشته شود. زیرا نقش داور در تقابل با یک قاضی، حول خواسته های طرفین می چرخد و داوران قاضی نیستند. در واقع تصور اینکه مقررات داوری بتواند راهکار هایی برای تضمین استقلال داوران به همان روش قضات تعیین کند، دشوار است. با این حال نمی توان پذیرفت که مفهوم بی طرفی فقط در خصوص قضات اعمال شود.

موازین اخلاقی اعمال شده توسط قوانین و مراکز داوری

تعهدات اخلاقی داوران با توجه به اکثر قوانین داوری و مقررات مراکز ارایه دهنده خدمات داوری بر اساس اصول اساسی استقلال و بی طرفی و در برخی موارد با اضافه کردن وصف خنثی بودن ذکر شده است. گرچه بدواً بی طرفی و استقلال تضمیناتی برای رسیدگی قضایی بود اما باید به عنوان تضمیناتی برای اشخاصی که به دنبال عدالت هستند، به عنوان حق شنیده شدن

اظهارات اشخاص در یک محکمه بی طرف و مستقل در نظر گرفته شود.
در قانون آیین دادرسی مدنی ایران که بر داوری های داخلی حاکم است به صراحت در خصوص استقلال و بی طرفی داور سخنی نرفته است هرچند می توان به طور ضمنی از ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی ایران اصل استقلال و بی طرفی داور را استنباط نمود. (امیرمعزی، ۱۳۸۷: ص ۲۱۱)

قانون داوری تجاری بین المللی ایران که از قانون نمونه اقتباس شده است (جنیدی، ۱۳۷۸: ص ۱۸) حسب ماده ۱۲ در خصوص تعهدات داور مقرر می دارد: داور در صورتی قابل جرح است که اوضاع و احوال موجود باعث تردیدهای موجهی در خصوص بی طرفی و استقلال او باشد و یا اینکه واجد اوصافی که مورد توافق و نظر طرفین بوده است، نباشد. هرطرف صرفاً به استناد عللی که پس از تعیین داور از آن ها مطلع شده می تواند داوری را که خود تعیین کرده و یا در جریان تعیین او مشارکت داشته است، جرح کند. و در بند ۱ بیان می دارد: شخصی که به عنوان داور مورد پیشنهاد قرار می گیرد، باید هرگونه اوضاع و احوالی را که موجب تردید موجه در مورد بی طرفی و استقلال او می شود، افشا نماید. داور باید از موقع انتصاب به عنوان داور و در طول جریان داوری نیز بروز چنین اوضاع و احوالی را بدون تاخیر به طرفین اطلاع دهد، مگر اینکه قبلاً آنان را از اوضاع و احوال مذکور مطلع نموده باشد.

در واقع این ماده تعهد داور به بی طرف و مستقل بودن را بیان می کند. این وظیفه از لحظه انتصاب آغاز می شود و تا زمان صدور رای نهایی به پایان می رسد.
همچنین باید به قانون داوری ۱۹۷۶ آنسیترال اشاره نمود که در ماده ۹ قانون مذکور مقرر گردیده است: داور احتمالی آینده، به هر کس که در رابطه با انتصاب احتمالی او به او نزدیک می شود، هر شرایطی را که باعث شک در استقلال و بی طرفی اش می شود افشا می کند. داور وقتی منصوب یا انتخاب می شود، آن شرایط را بر طرفین افشا می کند مگر اینکه قبلاً توسط او از این شرایط مطلع باشند.

مقررات داوری اتاق بازرگانی بین المللی (آی سی سی^۱) ۱۹۹۸ یک توصیف حرفه ای را ارائه می دهد که بیشتر به بعد خارجی متمرکز شده است به طور مثال بند ۱ ماده ۷ مقررات مذکور در مورد استقلال داور بیان می دارد داور احتمالی باید قبل از تایید انتصاب پیشنهادی یک طرف بیانیه استقلال را امضا کند. که در آن باید هرگونه دلیل زیر سوال رفتن این استقلال را فاش کند. و در بند ۲ ماده ۹ مقرر می دارد اگر طرف مقابل استقلال داور را زیر سوال ببرد، دادگاه در مورد تایید یا عدم تایید اشخاص معرفی شده توسط طرفین، حرف آخر را می زند. البته آنچه

1. International Chamber of Commerce.

قابل توجه است در این مقررات برخلاف قوانین بسیاری از کشورها از مفهوم بی طرفی استفاده نگردیده و صرفاً به استقلال داور توجه شده است. هرچند در اصلاحات بعدی این مقررات در سال ۲۰۱۷ در ماده ۱۱، بی طرفی نیز به استقلال اضافه گردید. همچنین بند ۲ ماده ۵ مقررات دادگاه بین‌المللی داوری لندن^۱ نیز داوران را ملزم به بی طرفی و مستقل بودن در روند داوری می‌نمایند.

دستورالعمل‌های اخلاقی

مراکز داوری مشهور بین‌المللی و انجمن‌های بین‌المللی و کلا با تاکید بر اینکه که داوران مسئولیت‌های سنگینی را بر عهده می‌گیرند که شامل وظایف اخلاقی مهمی در قبال طرفین و همچنین عموم مردم است. دستورالعمل‌هایی را تدوین کرده‌اند. در این خصوص خصوص مشارکت‌های مهمی به موجب منشور اخلاقی داوران در اختلافات تجاری، توسط انجمن داوری آمریکا و انجمن کانون‌های وکلای آمریکاصورت گرفته است. (The Code of Ethics For Arbitrators in Commercial Dispute) کانون بین‌المللی و کلا نیز مقررات اخلاقی داوران (IBA Rules of Ethics For International Arbitrators) را وضع نمود و همچنین اصول راهنما در خصوص تعارض منافع داوران (Guidelines on Conflicts of Interest in International Arbitration) را که در مه ۲۰۰۴ و به کمک تلاش‌های مشترک انجمن کانون‌های وکلای آمریکا و انجمن داوری آمریکا وضع گردید و در سال ۲۰۱۴ نیز اصلاحاتی در آن صورت گرفت که هدف آن‌ها کمک به داوران، طرفین و وکلای آن‌ها در موضوعاتی از قبیل بی طرفی، استقلال و سایر وظایف اخلاقی داور از جمله افشای اطلاعات، ارتباطات و محرمانه بودن است. پذیرش گسترده قوانین اخلاقی کانون بین‌المللی و کلا نقش بسیار مهمی در تطبیق جهانی داوری داشته است. این دستورالعمل‌ها در واقع تعدادی هنجارهای رفتاری با هدف دستیابی به یک روند عادلانه در اختلافات می‌باشند. هرچند قبول آن‌ها توسط طرفین یا داوران الزامی نیست مگر اینکه تعهدی در این خصوص وجود داشته باشد. بر اساس این دستورالعمل‌ها داوران وظیفه سه‌گانه‌ای دارند. اول اینکه داور باید محتاطانه رفتار کند تا طرفین کوچکترین تردیدی در بی طرفی و استقلال او نداشته باشند. دوم اینکه داور باید روابط صمیمانه‌ای با سایر داوران برقرار نماید و با آنها همبستگی داشته باشد و سوم اینکه در برابر موسسات ارایه دهنده خدمات داوری نیز باید به توسعه کیفیت خدمات داوری کمک نماید و از قواعد و اصول اخلاقی آن سازمان پیروی کند.

انجمن وکلای دادگستری آمریکا و انجمن داوری آمریکا بر این باور بودند که تهیه اصول

1. The London Court of International Arbitration.

اخلاقی پذیرفته شده برای راهنمایی داوران و طرف‌های درگیر در اختلافات تجاری به نفع عموم خواهد بود. به همین منظور دستورالعمل اخلاقی در سال ۱۹۷۷ منتشر و در سال ۲۰۰۴ تجدیدنظر شد. برای اطمینان اینکه این امر به حفظ استانداردهای اخلاقی و اعتماد در روند داوری کمک می‌کند. به این منظور وظیفه اساسی داور در این مقررات حفظ یکپارچگی و عدالت در روند داوری مقرر گردیده است و فرض بر این است که همه داوران با رعایت قوانین داوری توافق شده توسط طرفین و سایر قوانین حاکم مستقل و بی‌طرف هستند. بر همین اساس از همه داوران منسوب شده توسط طرفین خواسته می‌شود در اولین فرصت بی‌طرف بودن یا نبودن را آن‌ها را اعلام کنند. به موجب این دستورالعمل‌ها چنانچه داوران در خصوص تجربیات تخصصی خود در یک مجله علمی اظهارنظر کنند در خصوص رسیدگی به آن موضوعات خنثی بودن آن‌ها نقض نمی‌شود.

اصول اخلاقی ماهوی داوران

افشای تعارض منافع

داوران باید وجود هرگونه منافع مالی و شخصی را که در فرایند داوری برای آن‌ها ممکن است ایجاد شود افشاء نمایند. علاوه بر آن داوران باید وجود هرگونه رابطه‌ای را که منجر به خروج آن‌ها از استقلال و بی‌طرفی می‌شود افشاء نمایند. هرچند ممکن است وجود چنین روابط و منافی الزاماً از نظر طرفین سبب خروج از استقلال و بی‌طرفی نباشد اما داور مکلف به افشای آن‌ها می‌باشد. این امر در ماده ۱۲ قانون نمونه آنسیترال که در ماده ۱۲ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران منعکس گردیده است این‌طور مقرر گردیده است:

شخصی که به عنوان داور مورد پیشنهاد قرار می‌گیرد باید هرگونه اوضاع و احوالی را که موجب تردید موجه در مورد بی‌طرفی و استقلال او می‌شود افشاء نماید. داور باید از موقع انتصاب به عنوان داور و در طول جریان داوری نیز بروز چنین اوضاع و احوالی را بدون تاخیر به طرفین اطلاع دهد، مگر اینکه قبلاً آنان را از اوضاع و احوال مذکور مطلع نموده باشد.

در حقوق داخلی ایران حسب قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، سخنی از تعهد به افشاء نگردیده است. اما می‌توان از ماده ۴۶۹ اصل استقلال و بی‌طرفی و تعهد به افشاء را استنباط کرد. (امیرمعزی، ۱۳۸۷: ص ۲۱۱) هرچند در صدر ماده مذکور تکالیفی برای قاضی در تعیین داور تعیین شده است اما می‌توان دریافت که اگر هریک از طرفین نسبت به موارد ذکر شده در بندهای ۲ الی ۷ ناآگاه باشند رضایت آن‌ها در انتخاب داور معیوب خواهد بود و تاثیر آن در قرارداد طرفین و داور ظاهر می‌گردد و سبب عدم نفوذ آن می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ص ۳۹۲)

علاوه بر این قانون بین‌المللی و کلاً نیز در همین زمینه دستورالعمل تعهد به افشاء را که

دستورالعمل تعارض منافع در داوری بین‌المللی نامیده می‌شود را تدوین نموده است. این دستورالعمل روابطی را که باید توسط داوران افشا شود به سه قسمت تقسیم می‌کند. دسته اول شامل مواردی است که داور باید از قبول داوری امتناع نماید مگر بعد از افشای اطلاعات با توافق صریح طرفین. دسته دوم شامل مواردی است که داور باید اطلاعات را افشا کند و اگر طرفین بعد از آن سکوت نمایند، داور می‌تواند داوری را بپذیرد. دسته سوم شامل مواردی است که افشای آن برای داور اختیاری است. (Lawson, 2005:p991)

چنین تعهدی در اکثر قوانین ملی و مراکز تخصصی پذیرفته شده است و نشانگر آن است که داور به عنوان یک مقام شبه قضایی با رعایت تعهد به افشا نوعی پیشگیری نسبت به عدم استقلال و بی‌طرفی خود به عمل می‌آورد. لازم به ذکر است که از حیث اخلاقی چنین تعهدی لازمه هرگونه قضاوت خواه دولتی و خواه غیر دولتی است.

یکی از مسائلی که مورد پرسش قرار می‌گیرد این است که داور باید چه موضوعاتی را افشا کند. این امر در برخی از کشورها به صراحت بیان شده از جمله ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی ایران که موارد افشا را به صراحت ذکر کرده است. در برخی از کشورها نیز یک ضابطه کلی بیان شده و مصادیق آن شمرده نشده است از جمله قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران که در ماده ۱۲ صرفاً به بیان تعهد به افشا پرداخته است.

اما به طور کلی و با مطالعه در نظام‌های حقوقی مختلف می‌توان گفت موضوعاتی که باید افشا بشوند وجود روابط فامیلی، دوستی و دشمنی، اقتصادی و مالی و حرفه‌ای با یکی از اصحاب دعوا یا وکلای آن‌ها می‌باشد. (Clay, 2011:p1109)

نیاز به شفافیت

استقلال

استقلال در معنای لغوی حالتی است که اراده شخص را از وابستگی به غیر رها می‌سازد به طوری که شخص تحت تاثیر و کنترل دیگران قرار نمی‌گیرد و می‌تواند مستقلاً در خصوص یک موضوع رسیدگی و تصمیم‌گیری نماید. (امیرمعزی، ۱۳۸۷: ص ۲۰۶) منظور از شرط استقلال داور که لازمه قضاوت عادلانه است، آن است که داور یا هیات داوری از جهات مادی و دیگر جنبه‌ها به یکی از طرفین وابستگی نداشته باشد. برای تشخیص استقلال داور در داوری نمودن در موضوعی خاص از معیار ملموس و عینی استفاده می‌کنند. منظور از این معیار این است که مرجع داوری به طور کلی و داور و هیات داوران به طور خاص و به لحاظ موقعیت و جایگاهی که کسب نموده‌اند، مستقل باشند و داور و هیات داوران در هنگام رسیدگی به موضوعات و صدور حکم تابع سلسله مراتب اداری و تبعیت از مقام بالاتر نباشند (غمامی و محسنی، ۱۳۸۶: ص ۴۲) به عبارت دیگر می‌توان گفت داور مستقل کسی است که هیچ‌گونه رابطه نزدیک مالی، حرفه‌ای یا

شخصی با هریک از طرفین یا مشاور و وکیل آن‌ها نداشته باشد. به عنوان مصادیقی از استقلال داور می‌توان گفت که داور یا داوران نباید هیچ گونه قرابت نسبی یا سببی و یا اشتراک و یا تضاد منافع با طرفین اختلاف داشته باشند. به طور مثال چنانچه برای داور در موضوع اختلاف نفع یا ضرری قابل تصور باشد یا در نفع و ضرر یکی از طرفین، ذی نفع باشد یک داور مستقل شناخته نمی‌شود. بدین معنا که اگر داور مالک سهام شرکتی باشد که متعلق به یکی از طرفین دعوا است نمی‌توان انتظار استقلال داور را داشت. زیرا چنانچه حکم به ضرر شرکت باشد به طور غیر مستقیم به ضرر داور نیز خواهد بود. به همین ترتیب داشتن علایق معنوی و خانوادگی با یکی از طرفین نیز مانع وصف استقلال تلقی می‌شود. (عادل و توکلی، ۱۳۹۲: ص ۲۰۳) مواردی از اصل استقلال در حقوق ایران می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: حسب ماده ۲۸ آیین نامه مرکز داوری کانون وکلای دادگستری مرکز: «داور باید مستقل از طرفین باشد و در طول داوری نیز استقلال خود را حفظ نماید» و طبق ماده ۲۹ همین آیین نامه «شخصی که قرار است به عنوان داوری انتخاب شود باید قبل از انتخاب یا تایید انتخاب او توسط هیات امنای مرکز اعلامی مکتوبی مبنی بر استقلال خود امضا کند. وی مکلف است هر واقعه یا اوضاع و احوالی را که ممکن است طرفین را نسبت به استقلال او دچار تردید کند به دبیرخانه مرکز اعلام نماید. دبیرخانه این اطلاعات را به صورت کتبی به طرفین اطلاع داده و مهلتی را جهت اظهار نظر آن‌ها تعیین می‌کند» همچنین مطابق ماده ۸ آیین نامه داوری در بخش تعاونی مصوب ۸۶/۶/۲۲ نیز: «الف - اشخاص زیر را هر چند با تراضی نمی‌توان به عنوان داور انتخاب نمود ۱- اشخاصی که بی طرفی و استقلال ایشان در موضوع داوری محل تردید باشد...»

بی طرفی

این اصل بدین معناست که شخص به هیچ سمت و سویی گرایش ندارد و در قضیه مطروحه نفعی برای او قابل تصور نیست. شخصی که در مسند قضاوت قرار می‌گیرد اعم از قاضی و داور باید دارای وصف بی طرفی باشد. همچنین در تعریف بی طرفی گفته شده است، بی طرفی به معنای عدم جانبداری ناروا در ذهن قاضی نسبت به یکی از طرفین یا موضوع اصلی مورد اختلاف می‌باشد. (امیرمعزی، ۱۳۸۷: ص ۲۰۶) در قواعد اخلاقی انجمن بین المللی کانون‌های وکلای نیز طرفداری را اینگونه تعریف کرده اند، طرفداری در جایی ظاهر می‌شود که داور نظر لطفی نسبت به یکی از طرفین داشته یا نسبت به موضوع اختلاف پیش داوری کرده باشد. (السان، آقاقلیزاده، ۱۳۹۳: ص ۹)

لازم به ذکر است که برای تشخیص اصل بی طرفی داور یا هیات داوران از معیار شخصی استفاده می‌کنند. لذا به جانبداری ظاهری اکتفا نمی‌کنند و جانبداری واقعی را در نظر می‌گیرند که از موضوعات و اوضاع و احوال مربوط به وظایف و اجرای عملکرد داور استنباط می‌شود. به

عبارت دیگر داور یا هیات داوران به عنوان شخص معینی که به قضاوت منسوب شده اند باید بی طرف باشند و از طرفین جانبداری ننمایند و به سوی یکی از طرفین متمایل نباشند. به نظر می‌رسد با توجه به تعاریف گفته شده بی طرفی به معنای عدم هرگونه تبعیض ناروا و تمایل داشتن به سوی یکی از طرفین اختلاف و یا موضوع اختلاف طرفین است.

یکی از تفاوت‌های اساسی داور با وکیل این است که وکیل موظف به حفظ غبطه و مصلحت موکل خود است. اما داور هر چند منتخب یکی از طرفین باشد باید بر اساس قانون و اصول حاکم به داوری رسیدگی نماید. در واقع زمانی که طرفین داور خود را انتخاب می‌کنند تلاش می‌کنند تا داور متمایل به خود را انتخاب نمایند، اما داوران پس از انتخاب باید صرفاً بر اساس واقعیت‌های موجود و بی طرفانه رای را صادر نمایند.

مقایسه بی طرفی قضاوت و داوران

تعهدات بی طرفی داوران در اکثر موارد مطابق با مفهوم بی طرفی قضاوت است. زیرا آن‌ها به همان مواردی رسیدگی می‌کنند که در صورت عدم وجود توافق طرفین به داوری، توسط محاکم رسیدگی می‌شود، حتی گاهی به داوران قضاوت خصوصی نیز گفته می‌شود. بسیاری از استانداردهای ملی برای بی طرفی داوران از استانداردهای تعیین شده برای قضاوت گرفته شده است. علاوه بر این دادگاه‌ها در تلاش برای توضیح معنای ساختارهای قانونی مختلف معمولاً به مقایسه عملکردهای قضایی یا استانداردهای قضایی روی می‌آورند. یکی از مثال‌های مشهور در این زمینه، استدلال هوگو بلک (Hugo Black) قاضی دادگاه عالی ایالات متحده بود که مقرر داشت: ما باید از بی طرفی داوران بیشتر از قضاوت حفاظت کنیم. البته نظر مخالفی هم وجود دارد که داوران نباید مطابق استانداردهای تعیین شده برای قضاوت باشند. همان‌طور که این نظرات متفاوت نشان داده می‌شوند حتی اگر تلاش‌های زیادی برای مقایسه داوران و قضاوت انجام شود در مورد نحوه مقایسه آن‌ها اتفاق نظر وجود ندارد. (Rogers, 2008: p21)

از لحاظ تاریخی تعداد زیادی از کشورها جرح داور را به همان دلایلی که ممکن است قضاوت مورد اعتراض قرار بگیرند مجاز می‌دانستند. اما امروزه فقط برخی از آن‌ها صریحاً به استانداردهای قضایی تکیه می‌کنند. در فرانسه تا زمانی که پرونده‌های اخیر رویکرد را اصلاح نکردند، زمینه‌های به چالش کشیدن داوران محدود به مواردی برای به چالش کشیدن قاضی بود و این موقعیت با این استدلال از سوی یکی از محاکم فرانسه مبنی بر این که ذهن مستقل در اعمال قدرت قضایی ضروری است و این یکی از ویژگی‌های اساسی داور است، تقویت شد. در انگلیس معیار کامن لا برای ارزیابی ادعاهای مغرض بودن داور همانند قاضی توصیف شده است. (Freehily, 2019: p91-92) همچنین یکی از حقوقدانان هندی استدلال می‌کند که داوران ملزم به تعهداتی هستند که کمتر از آنچه برای قضاوت مقرر گردیده، نیست. در واقع ممکن

است از داوران خواسته شود که وقت بیشتری هم داشته باشند زیرا قضاات توسط سیستم قضایی حفظ شده اند و احکام آن ها نیز تحت بررسی تجدیدنظر قرار می گیرد. (Nariman, 19988:p311-312)

علی رغم شباهت های ظاهری، مقایسه بین داوران و قضاات می تواند اختلافاتی را که بر ماهیت و کیفیت تعهد بی طرفی داور تاثیر بگذارد، پنهان کند. داوران غالبا از صنف متخصصان فعال هستند و طرفین معمولا افرادی را که با کلیات موضوع اختلافشان آشنا هستند انتخاب می کنند. مخصوصا در مورد داوران منصوب از سوی طرفین، این انتخاب اغلب متمرکز می شود بر روی شناسایی تصمیم گیرنده ای که با موقعیت طرف احساس همدردی می کند. برای شناسایی و اطمینان از این ویژگی ها طرفین غالبا فرصتی برای ملاقات با داوران بالقوه دارند. این شیوه ها کاملا در تضاد با قضاات است زیرا آن ها منصرف از جامعه حرفه ای و متخصص هستند و به طور تصادفی، پرونده هایی به آن ها ارجاع می شود و در اکثر سیستم های حقوقی هر ارتباطی که با یک طرف پرونده داشته باشند علی رغم رضایت طرفین مستلزم امتناع قاضی از رسیدگی است.

با توجه به همه این اختلافات، برآوردن تعهدات اخلاقی یک داور از تعهدات قضاات محاکم ملی چندان مفید نخواهد بود. زیرا این مقایسه ها معمولا منجر به توصیف داوران به رعایت اصول اخلاقی با شدت کمتری نسبت به قضاات می شود. این خصوصیات به دلایلی از جمله اینکه داوری اجازه تجدیدنظر ماهوی را نمی دهد، رضایت بخش نیست و این اثر عواقب مربوط به سرپیچی های اخلاقی احتمالی را حادث می کند. در عوض دیدگاه بهتر این است که الگو های اخلاقی داور را به گونه ای منحصر به فرد طراحی کنیم تا عملکرد نقش داور را تسهیل کند. نقشی که به شبیه به قاضی است اما از جنبه های مهمی نیز متفاوت است که مانع مقایسه مستقیم می شود. به همین دلیل است که بسیاری از قوانین ملی از قیاس قضایی به عنوان مبنای تعریف تعهدات داوران دور شده اند.

داوران منصوب طرفین

داور منصوب طرفین اصولا از داوری بین المللی ناشی می شود هرچند که در داوری داخلی نیز امروزه اعمال می شود. بر این اساس در واقع طرفین قادر به تعیین یک جانبه یکی از داوران در دیوان داوری چند نفره هستند. وجود این نوع داور از مفهوم قراردادی داوری رایج در برخی از سیستم های حقوقی گرفته شده است، که در آن ها از دخالت اشخاص ثالث برای حل تعارض در دادگاه های عادی برای تکمیل تفسیر یک عمل حقوقی یا قرارداد استفاده می شود.

از لحاظ تاریخی بین روش بین المللی خنثی بودن هر سه داور و روش سنتی مرسوم در آمریکا مبنی بر وجود دو داور حامی طرفین و یک سرداور خنثی تقابل و تضاد قابل توجهی وجود

داشت. در برخی از حالت‌ها یک داور منصوب شده توسط یکی از طرفین ممکن است کارمند یا شخص تحت استخدام طرف تعیین‌کننده باشد و در تمام مراحل دادرسی حتی در مواردی مانند آماده‌سازی شهود با او ارتباط برقرار کند. البته امروز این باور وجود دارد که روش سنتی مناسب داورهای بین‌المللی نیست و حتی در داورهای داخلی در آمریکا یک فرضیه کلی وجود دارد که برخلاف شیوه حامی بودن داوران تعیین‌شده توسط طرفین است. (Rogers, 2008:p16)

با این حال شایان ذکر است حتی وقتی داوران منصوب طرفین باید خنثی باشند اختلافات مهمی وجود دارد. داوران منصوب طرفین اغلب بعد از یک مصاحبه یا سایر ارتباطات مستقیم با طرفین به طور خاص انتخاب می‌شوند و حتی ممکن است دارای تابعیت مشترک با طرف تعیین‌کننده باشند. برعکس سرداوران اغلب توسط داوران منصوب تعیین می‌شوند و فقط در پروسه انتصاب با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنند. علاوه بر آن سرداور به طور معمول نباید دارای تابعیت مشترک با یکی از طرفین باشد.

با توجه به اختلافات موجود گفتن اینکه همه داوران به یک اندازه بی‌طرف هستند مفید نیست. طرفین انتظار دارند داوران منصوب آن‌ها نقشی منحصر به فرد داشته باشند، تا اطمینان حاصل شود که حداقل یک عضو دادگاه نسبت به پیشینه فرهنگی و حقوقی و ادله او حساسیت و درک لازم را دارد. این انتظارات در قوانین داورهای حاکم بر روند انتخاب تقویت می‌شود، که به نوبه خود نشان می‌دهد عباراتی مانند خنثی یا بی‌طرفانه که برای داوران منصوب طرفین اعمال می‌شود، معنایی متفاوت از زمانی دارد که این شرایط برای سرداوران اعمال می‌شود.

داوران منصوب طرفین موظف نیستند که از همان سطح استقلال و بی‌طرفی سایر داوران برخوردار باشند. در ماده ۵ دستورالعمل اخلاقی داوران در اختلافات تجاری انجمن داورهای آمریکا و کانون وکلای آمریکا به داوران این اجازه داده شده است که نسبت به طرف تعیین‌کننده خود به شرط داشتن صداقت و حسن نیت مستعد باشند و با طرف مذکور ارتباط برقرار نمایند. با این وجود با اصلاحاتی که در دستورالعمل اخلاقی مذکور در سال ۲۰۰۴ صورت گرفت اینگونه مقرر شد که داوران باید بی‌طرف و مستقل باشند حتی داوران منصوب طرفین. این دستورالعمل از تمام داوران منصوب شده طرفین اعم از خنثی و غیر خنثی خواسته هر واقعیتی را که می‌تواند بر بی‌طرفی و استقلال آن‌ها تاثیر بگذارد قبل از انتصاب افشا نماید. این مقررره از داوران منصوب خواسته که در اسرع وقت تعیین کنند که آیا طرفین خواسته‌اند آن‌ها خنثی رفتار کنند یا خیر؟ لازم به ذکر است که دستورالعمل اصلاح شده اصل بی‌طرفی را نسبت به طرفین، قانون یا مقررات قابل اعمال در داورهای که خلاف آن را مقرر نموده‌اند، حاکم می‌نماید. به طور خلاصه اصل بی‌طرفی قابل بحث است. تعهد اخلاقی مقرر شده در دستورالعمل ۲۰۰۴ بین

موارد قابل اعمال برای داوران به طور کلی و مواردی که برای داوران منصوب طرفین تعیین می‌شود، تفاوت قائل می‌شود. چرا که این نوع داور مجاز است نسبت به طرف‌هایی که او را تعیین می‌کنند مستعد باشد و حتی مکالمه با آن‌ها را در خارج از مرجع داوری انجام بدهد. اصل خنثی بودن که بر داوران منصوب طرفین اعمال می‌شود بر داوری غالب است. البته مشکلات اخلاقی همواره به وجود می‌آیند و تهدید کننده استقلال و بی‌طرفی داوران هستند. شاید به همین دلیل دستورالعمل مذکور در آن زمان تاکید کرده است که داوران باید با حسن نیت، با صداقت و انصاف رفتار کنند. وابستگی گفته شده سبب تیره آن‌ها از رعایت موازین اخلاقی که سبب دادرسی عادلانه می‌شود، نیست. (Hunter and Paulsson, 1985:p153) از دیدگاه نظری قابل پذیرش است که انتصاب داور نباید آزادی او را تضعیف کند. هرچند در عمل انتصاب داور ممکن است روند داوری را به تحلیل ببرد، به دلیل تمام عواملی که در از دست دادن استقلال و بی‌طرفی دخیل هستند و خطر اینکه شخص ثالثی که فراخوانده شده تا اختلاف طرفین را حل و فصل نماید به عنوان نماینده طرف اقدام نماید و از مأموریت اصلی خود منحرف شود. (Fernandez, 2010:p430-431) در واقع می‌توان گفت رویه به تدریج به سمت انتصاب افرادی که احساس نزدیکی به طرفین را دارند و عملاً به عنوان نمایندگان طرفین عمل می‌کنند و البته بی‌طرف بودن داور سوم که به عنوان سرداور عمل می‌کند، پیش می‌رود. زیرا داوران منصوب از سوی طرفین به نوعی تضمین اخلاقی و روانی برای آن‌ها است. بدین معنا که دیدگاه آن‌ها شنیده می‌شود. البته این انتقاد نیز وجود دارد که وقتی طرفین وکیل دارند، چرا باید از داور برای دفاع از آن‌ها استفاده شود. این مشکل با این واقعیت تشدید می‌شود، که در برخی از داوری‌ها داوران زیادی برای انتخاب وجود ندارد و طرفین تمایل به تعیین داور دارند. انتخاب داور شاید یکی از ظریف‌ترین جنبه‌های داوری باشد. بدیهی است زمانی که طرفین داور را انتخاب می‌کنند، از میان عوامل مختلف در پی حداکثر نفع خود و حداقل خصومت هستند. به عنوان مثال ترکیبی از قاضی و وکیل که به نفع او اقدام می‌کند که می‌تواند در عبارت «داور من» خلاصه شود. برای دستیابی به این هدف نیاز به اطلاعاتی در مورد کاندیدای داوری دارند که شاید برای دانستن نظر داور در خصوص پرونده از روش نادرست مصاحبه استفاده نمایند. علی‌رغم این شیوه‌های بی‌اعتبار که کاندیدا نباید خود را به آن‌ها وام بدهد، اما پیشنهاد کاندیدا شدن به عنوان داور منصوب از سوی طرفین هیچ ایرادی ندارد. گرچه داوری که به این شکل منصوب می‌شود متعهد می‌شود که اظهارات طرف تعیین کننده او تمام و کمال توسط مرجع داوری شنیده خواهد شد. استقلال داور به معنای بی‌تفاوتی و حتی خصومت از سوی داور منصوب نیست. (Fernandez, 2010:p432)

داور وظیفه‌ای نسبت به طرف تعیین کننده او ندارد. او باید نسبت به طرفین داوری بی

طرفانه و مستقل عمل کند و این اطمینان را بدهد که کلیه مدارک و شواهد ارائه شده توسط طرفین مورد بررسی قرار می‌گیرد. وظایف گفته شده مانع برقراری ارتباط با طرف انتصاب‌کننده در مورد موضوعات پرونده نیست، زیرا این امر سبب نقض حق برخورد برابر با طرفین می‌شود. همچنین مانع از آن می‌شود که داور مجبور به افشای چگونگی صدور رای خود در صورت محکوم شدن طرفی که او را منصوب کرده بشود. این تصور که داور باید از منافع طرفی که او را منصوب کرده محافظت کند یک خطای جدی است.

رد صلاحیت داوران به دلیل نقض شرط شفافیت

تعهد طرفین به چالش داوران / جرح داوران

در اکثر موقعیت‌ها طرفین باید بلافاصله بعد از کسب اطلاعات لازم، داور را جرح کند. بدین معنی که برای یکی از طرفین این امکان وجود ندارد که تعارض منافع را به عنوان ابزاری برای خود در صورت صدور رای علیه او حفظ نماید. چنانچه یکی از طرفین پس از به دست آوردن اطلاعات لازم در زمانی متعارف، داور را جرح نکند، این گونه به نظر می‌رسد که او از حق خود صرف نظر کرده است. (Rogers, 2008:p17) رویکرد اسقاط حق می‌تواند به عنوان گسترش اصل آزادی اراده تلقی شود. هر چند برخی از محاکم از این فراتر رفته و اظهار داشته‌اند طرفین خودشان وظیفه دارند تا تعارضات احتمالی را بررسی کنند و اگر آن اطلاعات قابل کشف باشد، متهم به داشتن سوء نیت می‌شوند. به نظر می‌رسد گسترش مفهوم اسقاط حق در این خصوص باعث ایجاد مشکلاتی می‌شود چرا که طرفین حق دارند به کامل بودن اطلاعات مربوط به تعهدات اخلاقی و قانونی افشای داوران اعتماد کنند.

چنانچه تصور شود که جانبداری یا درجه‌ای از نفع از سوی داور در رای داوری وجود دارد می‌توان به داور اعتراض کرد. شرایط گوناگونی وجود دارد که می‌تواند به دلیل جانبداری منجر به اعتراض به داور شود:

- روابط شخصی به طور مثال حفظ روابط خانوادگی از طریق خون یا ازدواج با یکی از طرفین، وکلا یا شاهدان آن‌ها، عضویت در خانواده، شرکت تجاری یا ضامن یا بیمه‌کننده بدهی‌های یکی از طرفین، داشتن سهام در شرکت وقتی یکی از طرفین اختلاف شرکت است.

- برخورد خصمانه نسبت به یکی از طرفین، وکلا یا شاهدان آن‌ها مانند داشتن دعوی در مقابل یکی از طرفین یا محکوم شدن در مقابل یکی از طرفین در سال‌های اخیر در پرونده‌ای که آغاز یا حتی حل و فصل شده است.

- دانش قبلی داور از برخی حقایق مربوط به اختلاف که می‌تواند تصمیم آینده او را تحت تاثیر قرار بدهد. که این امر می‌تواند منجر به ابطال یا ابطال جزئی رای داوری به دلیل عدم استقلال او شود.

- داور عضو هیئت مدیره موسسه ارائه دهنده خدمات داوری که مسئول تعیین داوران است، می‌باشد یا داور عضو یک سازمان داوری است که سایر داوران به آن تعلق دارند.
 - مذهب داور، منشا قومی یا ملی، جنسیت، سن به طور معمول نمی‌توانند مبنای محکمی برای اعتراض ایجاد کنند با این حال مواردی وجود داشته که تحت عنوان درگیری تمدن‌ها مطرح شده است. به طور مثال در پرونده وستلند هلیکوپترز خوانده یک شرکت مصری بود که قانونی بودن ترکیب دیوان داوری را که متشکل از اتباع سوئد، فرانسه و سوییس بودند، به این دلیل که شامل تبعه هیچ کشور در حال توسعه ای نیست، زیر سوال برد. (Makarczyk, 1996: p116)

در شرایط بالا تاکید بر دو موقعیت است که در آن بی طرفی داور به خطر می‌افتد. اول پیوند داور با طرفین یا موسسات حقوقی که وکلای طرفین به آن‌ها تعلق دارند و دوم عضویت داور در یک سازمان داوری که سایر داوران به آن تعلق دارند.

رابطه داوران و طرفین

وجود یک رابطه بین داوران و طرفین یا خویشاوندان آن‌ها همیشه منجر به جانبداری و زمینه جرح داور نمی‌شود. محافل داوری به اندازه کافی کوچک هستند و می‌توانند مواردی را که داوران با طرفین ارتباط حرفه ای دارند یا می‌توانستند داشته باشند بپذیرند و از طرفی برخی از اختلافات نیاز به تخصص و آگاهی از موضوع اختلاف دارند که سبب کاهش حلقه افراد حرفه ای می‌شوند و منجر به حضور تعداد کمی از حقوقدانان می‌شود که در نقش‌های مختلف ظاهر می‌شوند مثل داوران، نمایندگان حقوقی، نمایندگان شرکت‌ها، کارشناسان و غیره. دادگاه‌های انگلیس معتقدند که صرف جانبداری برای رد صلاحیت داور کافی است. به طور مثال در پرونده شرکت وریتناس علیه آنگلو دادگاه لندن داور منصوب یکی از طرفین را بر کنار کرد زیرا وی از خود به عنوان مدافع خوانده نام می‌برد. در پرونده ای دیگر نیز دادگاه لندن داور را به دلیل وجود رابطه نزدیک فاقد صلاحیت تلقی کرد زیرا او مدیر عامل فعلی یا گذشته یکی از طرفین بود. دلایل دادگاه لندن این بود که داوران نه تنها باید منصفانه و بی طرفانه رفتار کنند بلکه باید در عمل دید که اینگونه است. (Byrne, 2003:1823)

عضویت داور یا سر داور در سازمان داوری

ماهیت پیچیده وظایف یک سازمان یا موسسه داوری سوالات جدی را ایجاد می‌کند که وقتی عضو یک سازمان داوری یکی از طرفین داوری است و آن سازمان علیه شخصی که هیچ گونه ارتباطی با سازمان داوری ندارد، داوری را اداره می‌کند. در این حالت به وضوح یک امتیاز در خصوص انتصاب داوران وجود دارد که باعث تردیدهایی در بی طرفی مورد نیاز در روند داوری

می‌شود. به همین دلیل سازمان‌های داوری از اینکه داوران خود در حل و فصل اختلافات ارجاع شده به آن‌ها اظهار نظر کنند، جلوگیری می‌کنند. در این رابطه ماده ۲ ضمیمه دوم مقررات آی سی سی مقرر می‌دارد: دبیرکل و اعضای دادگاه نمی‌توانند به عنوان داور یا مشاور در پرونده‌هایی که به آی سی سی ارجاع می‌شود به عنوان داور عمل کنند. و در بند دوم همان ماده نیز مقرر گردیده است دادگاه معاونین یا اعضای دادگاه را به عنوان داور منصوب نمی‌کند. با این حال ممکن است توسط یک یا چند نفر از طرفین به شرط تایید پیشنهاد شوند.

این ناسازگاری غالباً در قوانین داوری سازمان‌های داوری و همچنین در برخی از سیستم‌های ملی مشاهده می‌شود. از لحاظ اخلاقی اگر یکی از اعضای سازمان داوری در تهیه پیش‌نویس یک موافقت‌نامه داوری مشاوره بدهد، یک وضعیت ناسازگار بروز می‌کند، زیرا ممکن است او نفعی در صحت موافقت‌نامه داوری داشته باشد. همچنین ممکن است به طور غیر مستقیم به نفع منافع خود به نمایندگی از طرفی که مشاور او بود دفاع نماید. همچنین وضعیت مشابهی ایجاد می‌شود وقتی که عضوی از موسسه داوری باید در حین داوری به عنوان مشاور یکی از طرفین عمل کند همچنان که احتمال شرکت او در تصمیمات قبل از داوری که مشروط به دخالت داور است، وجود دارد. (Van den Berg, 1997:p509-519)

برخی از دستورالعمل‌های اخلاقی از این جهت بسیار سخت‌گیر نیستند و صرفاً به موسسات داوری هشدار می‌دهند که از انتصاب اشخاص دارای پست اداری و مدیریتی و کارمندانشان به عنوان داور خودداری کنند مگر در مواردی که طرفین با انتصاب چنین شخصی موافقت کنند یا قوانین چنین اجازه‌ای را بدهند که البته مقرر می‌دارند در چنین شرایطی انتصاب باید محدود به داور منفرد یا سر داور در هیئت داوری بشود.

منشی هیئت داوری چنانچه صرفاً وظایف سازمانی را انجام بدهد، حضور او در دادرسی مشکلی را ایجاد نمی‌کند. با این حال اگر منشی در وظایفی که برعهده داوران است مداخله کند، این محدودیت وجود دارد که این مداخله هرگز نباید به وظیفه تصمیم‌گیری داوران توسعه یابد. مشکل زمانی ایجاد می‌شود که آن‌ها وظایف قانونی را بر عهده بگیرند که فراتر از کمک کردن به هیئت داوری است یا زمانی که روابط خاصی از وابستگی به موسسه داوری داشته باشند. در حالت اول وظیفه کمک به جمع‌آوری اسناد مربوط به آرای قضایی و دکترا، تهیه پیش‌نویس برخی از راه‌حل‌های رسیدگی، پیش‌نویس رای کاملاً مجاز است. در مورد دوم هرچند برخی از مقررات داوری تایید می‌کند که منشی هیئت داوری می‌تواند عضو موسسه داوری باشد، اما پاسخ غیر از این است زیرا این به منزله نقض استقلال مورد نیاز است که باید توسط هیئت داوری در رابطه با موسسه ارایه‌دهنده خدمات داوری حفظ شود.

سایر اصول اخلاقی داوران

دسترس^۱

متخصصانی که به عنوان داور خدمت می کنند، وظیفه بسیار ظریفی را برعهده می گیرند چون از آن ها خواسته می شود اختلافاتی را که طرفین در برابر یکدیگر دارند حل و فصل کنند و به همین دلیل وظایف آن ها باید با اصول و استانداردهای خاصی مطابقت داشته باشد که تضمینی برای تصمیمات مقتضی آن ها باشد بدین معنی که آن ها باید موکداً به تعدادی از جنبه های اخلاقی مربوط به داوری پایبند باشند. بر همین اساس ترکیبی از تخصص ها وجود دارد از مدرسین دانشگاه تا وکلای دادگستری.

یکی از ویژگی های اصلی داوری در دسترس بودن است که در صورت انتخاب داوری سازمانی باید توسط موسسه ارایه دهنده خدمات داوری محقق شود. در واقع این نهاد باید تضمین کند که داوران وقت کافی برای تجزیه و تحلیل و ارزیابی متعارف تمام ادعاهای طرفین را خواهند داشت و همچنین از تعیین داوران با بارکاری بیش از حد اجتناب نماید. (Fernandez, 2010: p439) داوران علی رغم حرفه ای و متخصص بودن باید برای حل و فصل اختلافی که به آن ها ارجاع گردیده، زمان مناسبی اختصاص بدهند. البته ممکن است داوران علی رغم حرفه ای بودن دعوا را به ضرر طرفین طولانی کنند که این امر می تواند منجر به عزل آن ها نیز بشود. در بسیاری از مقررات داوری نیز از جمله بند ۱ ماده ۲۰ مقررات داوری آی سی سی و ماده ۱۷ دستور العمل اخلاقی داوران انجمن داوری بین المللی و کانون وکلای آمریکا (The Code of Ethics For Arbitrators in Commercial Dispute) مقرر گردیده است که داوران باید وظایف خود را با دقت انجام داده و اختلاف را در کوتاه ترین زمان به موجب شرایط هر پرونده حل و فصل نمایند.

محرمانگی

از جمله تعهدات دیگری که به ندرت مورد بررسی قرار گرفته است تعهد داور در حفظ اسرار است. در میان سازمان های داوری برجسته تعداد محدودی هستند که تعهد به حفظ اسرار را بر داوران تحمیل می کنند.

به طور مثال ماده ۴۶ مقررات داوری اتاق بازرگانی استکهلم چنین تعهدی را مقرر نموده است. همچنین ماده ۳۴ مقررات مرکز بین المللی حل و فصل اختلاف انجمن داوری آمریکا AAA/ICDR نیز داوران را ملزم به حفظ رازداری در خصوص اطلاعات افشا شده در جریان رسیدگی توسط طرفین یا شهود و کلیه اطلاعات مربوط به رسیدگی و رای داوری می کند.

ICDR International Dispute Resolution Rules and Procedure) ماده ۹ مقررات اخلاقی کانون وکلای بین‌المللی نیز داوران را ملزم حفظ کلیه رایزنی‌ها در طی داوری و همچنین محتویات رای داوری می‌کند. همچنین بخش پنجم دستورالعمل اخلاقی انجمن داوری و کانون وکلای آمریکا نیز داوران را موظف می‌کند که تمام امور مربوط به رسیدگی و تصمیمات داوری را محفوظ نگاهدارند. برخی از قوانین ملی نیز تعهداتی را برای حفظ اطلاعات محرمانه ای که داوران در انجام وظایف حرفه‌ای به دست می‌آورند، وضع کرده‌اند. (IBA (Rules of Ethics For International Arbitrators

در بسیاری از موارد این قوانین مستقیماً اعمال نمی‌شوند. طرفین نیز اغلب این تصور را دارند که داوران اطلاعات مربوط به رسیدگی و نتیجه رسیدگی را جز در مواردی که به موجب قانون ضروری است، افشا نمی‌کنند. بنابراین محرمانه بودن ممکن است یکی از مواردی باشد که در آن مقررات اخلاقی رسمی توسعه نیافته است اما طرفین در این خصوص انتظارات صریح و دقیقی دارند. به همین دلیل رازداری یکی از مواردی است که در آن صداقت و صلاحیت اخلاقی داور مهم‌ترین حمایت را فراهم می‌کند.

تعهد به پیشنهاد دادن/ندادن توافق

در مورد تعهد داور به پیشنهاد دادن توافق یا خودداری از پیشنهاد اتفاق نظر وجود ندارد و طرفین از سیستم‌های حقوقی مختلف ممکن است فرضیات قابل توجه متفاوتی داشته باشند. از یک سو در برخی از سیستم‌های حقوقی، قضات از نظر قانونی ملزم به کمک به طرفین در تلاش برای دستیابی به توافق هستند و احتمالاً داوران بین‌المللی نیز در موقعیت منحصر به فردی هستند تا بتوانند طرفین را تشویق به توافق کنند. (Rogers, 2008:p21) از طرف دیگر روند تشویق به توافق به ویژه زمانی که منجر به روابط یک طرفه با یکی از طرفین می‌شود ممکن است تعهد بی‌طرفی داور را به خطر بیندازد به همین دلیل در برخی از رویه‌های قضایی و مقررات داوری مانند ماده ۱(۴) مقررات داوری ایکس‌اید آن را ممنوع می‌کنند. ماده ۸ دستورالعمل اخلاقی کانون وکلای بین‌المللی به داوران اجازه می‌دهد که با رضایت طرفین برای توافق تلاش کنند اما باید آن‌ها را نسبت به خطرات ارتباطات یک طرفه برای حصول توافق آگاه کنند (۸). اینکه تا چه حد می‌توان آن را یک تعهد تلقی کرد می‌توان گفت هرچه که باعث پیشبرد توافق طرفین شود بهتر است به عنوان یک تعهد در نظر گرفته شود.

تعهد صلاحیت و شایستگی

داوران همچنین دارای تعهدات کلی شایستگی و تلاش هستند که در برخی از قوانین اخلاقی مشخص شده است (یادداشت مقدمه مقررات اخلاقی کانون بین‌المللی وکلا). داور نباید قرار ملاقات را بپذیرد مگر اینکه در واقع مهارت‌های لازم مانند زبان را داشته باشد، مانند زبان

و بتواند داوری را در برنامه خود جای دهد. این تعهد اهتمام به صدور رای نهایی نیز تسری می‌یابد.

تعهد به اداره جریان داوری مطابق موافقت نامه داوری

یکی از تعهدات اخلاقی داوران آن است که جریان داوری را مطابق موافقت نامه داوری و یا توافقات بعدی طرفین پیش ببرند. این مقرر به صراحت در برخی از دستورالعمل‌های اخلاقی داوران قید شده است.^۱

در موارد استثنایی داوران باید تصمیمات اخلاقی ظریفی در مورد عدم رعایت توافق طرفین در زمان مناسب بگیرند چرا که ممکن است توافقات آن‌ها برخلاف نظم عمومی بین‌المللی بوده و یا در محاکم ملی غیر قابل اجرا باشد. (Cindy G. Buys, 2005:p59)

هرچند داوران با تصمیم‌گیری در مورد کلیه موضوعاتی که به آن‌ها سپرده شده است، موظفند وظیفه خود را کامل کنند که شامل عدم استعفا بدون دلیل قبل از صدور رای است. اما آن‌ها موظف به رعایت محدودیت‌های صلاحیت خود و موافقت نامه داوری نیز هستند.

۱. ر.ک به :

(ICC) و (۱.۵.۱) canon1E AAA/ABA

نتیجه گیری

آنچه از این مطالعه به دست می‌آید را می‌توان به شرح ذیل بیان نمود. هرچند به نظر می‌رسد در لزوم افزایش قواعد و استانداردهای اخلاقی داوران تردید وجود دارد چرا که اعتقادات شخصی اخلاقی داوران می‌تواند راهنمای موثری برای عملکرد آن‌ها باشد اما با این وجود به دلیل وجود قواعد و استانداردهای اخلاقی داوران نمی‌توانند صرفاً به احساس درست یا غلط خود اعتماد کنند. آن‌ها باید به معیارهایی که به موجب آن‌ها سنجش می‌شوند آگاهی داشته باشند. هرچند قواعد و مقررات مربوط به استانداردهای اخلاقی افزایش یابد، باید در نظر داشت، استانداردهای جرح و رد صلاحیت داوران معیارهای انعطاف‌پذیری هستند که باید با توجه به در نظر گرفتن عوامل مختلف در هر پرونده اعمال شود. قواعد اخلاقی طراحی می‌شوند تا باعث ایجاد تعادل بین حفظ صحت جریان رسیدگی از یک طرف و جلوگیری از تاخیر و اشکال تراشی‌های عمدی یا غیرعمدی از سوی دیگر بشوند. اگر داوران مرتباً به تعهدات خود در زمینه افشای اطلاعات عمل نکنند، این تعادل از بین خواهد رفت و البته وقتی طرفی که محکوم شده، اقدام به حملات بی‌اساس به داوران را جایگزین تجدیدنظر ماهوی کند نیز این تعادل از بین خواهد رفت. منظور آن است که همان‌طور که داوران باید از قواعد اخلاقی پیروی کنند، طرفین نیز باید عملکرد صحیح و مناسب آن قواعد را اجرا نمایند. در پایان می‌توان گفت رفتار صادقانه و صحیح داوران امری ضروری برای داوری است. همان‌طور که در رسیدگی‌ها قضایی و محاکم دولتی تشریفات رسیدگی صحت و مشروعیت آرای صادر شده رامیسور می‌سازند. مشروعیت و اقتدار داوری به عنوان یک سیستم خصوصی و بدون ارتباط مستقیم بایک سیستم ملی خاص، متکی بر اخلاق و تاثیرگذاری داوران است. لذا در پایان می‌توان گفت وجود یک سیستم موثر برای کنترل احترام به اخلاق داوری و اصلاح بسیاری از بی‌نظمی‌های که در روند داوری رخ می‌دهد، ضروری است. نگرش گفته شده در مورد دفاع از امنیت قانونی مورد نیاز طرفین به دور از تردید در نقش مهمی که داوری در جامعه مدرن ایفا می‌کند سبب تقویت دوام و آینده آن می‌شود.

فهرست منابع

- ۱- آقا قلی زاده، ایلدار، (۱۳۸۷) تعهدات اخلاقی داوران در داوری تجاری بین المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
- ۲- امیرمعزی، احمد، (۱۳۸۷)، داوری بین المللی در دعوی بازرگانی، نشر دادگستر، چاپ دوم.
- ۳- السان، مصطفی، افاقلیزاده، ایلدار، (۱۳۹۳)، «داوری جانبدارانه و تقابل آن با اصول بنیادین حاکم بر داوری»، فصلنامه راهبرد، دوره ۳۳، شماره ۷۰.
- ۴- تقی پور، بهرام، (۱۳۹۵)، «تعهد به افشا»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۲۶، شماره ۳.
- ۵- جنیدی، لعبا، (۱۳۷۸)، نقد و بررسی تطبیقی قانون داوری تجاری بین المللی، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ۶- خدری، صالح، (۱۳۹۳)، «اصول دادرسی در داوری تجاری بین المللی»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره چهل و چهارم، شماره چهارم.
- ۷- عادل، مرتضی و توکلی، محمد مهدی، (۱۳۹۴)، «استقلال و بی طرفی داور در داوری داخلی و داوری تجاری بین المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۶۴.
- ۸- غمامی، مجید و محسنی، حسن، (۱۳۸۶) اصول آیین دادرسی فراملی، تهران، انتشارات میزان.
- ۹- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۵)، مقدمه علم حقوق، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهل و هشتم.
- ۱۰- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۵)، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، شرکت سهامی انتشار، جلد اول.
- ۱۱- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۶)، «اخلاق و حقوق»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، شماره ۱ و ۲.
- 12- Goldstein Bolocan, M, (2002), Professional Legal Ethics: A comparative perspective, CELLI Concept Paper Series, Available at: https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=321700
- 13-The Code of Ethics For Arbitrators in Commercial Dispute, Available at: <https://www.cpradr.org/resource-center/protocols-guidelines/ethics-codes/code-of-ethics-for-arbitrators-in-commercial-disputes>
- 14-IBA Rules of Ethics For International Arbitrators , Available at: https://www.trans-lex.org/701100/_iba-rules-of-ethics-for-international-arbitrators-1987/
- 15-Guidelines on Conflicts of Interest in International Arbitration, Available at:



https://www.ibanet.org/Publications/publications_IBA_guides_and_free_materials.aspx

16- Lawson D., (2005) ,Impartiality and Independence of Arbitrator, Commentary on the IBA Guidelines on Conflicts of Interest in International Arbitration», Bull. ASA.22 .

17-Rogers, Catherine,(2008), Ethics of International Arbitrators, Juris Publishing, Available at:

<https://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cad=&cad=rja&uact=8&ved=2ahUKEwjwirH2z5buAhVBQhUIHV9XBBUQFjADegQIBBAC&url=https%3A%2F%2Fscholarship.law.missouri.edu%2Fcgi%2Fviewcontent.cgi%3Farticle%3D1789%26context%3Djdr&usg=AOvVaw1DhRVLd9czCGnLC4wC-ORH>

18-Feehly, Ronan,(2019), Neutrality, Independence and Impartiality in International Commercial Arbitration, A Fine Balance in the Quest For Arbitral Justice, Penn state Journal of Law and International Affairs, 7(1),88-114

Available at:

<https://elibrary.law.psu.edu/jlia/vol7/iss1/19/>

19-Nariman, F,(1988), Standard of Behavior of Arbitrators, Journal of Arbitration International,4(4),311-321.

20- Hunter, M, Paulsson.J, (1985), A code of Ethics for Arbitrators in International Commercial Arbitration, International business lawyer Publication,153-160.

21- Fernandez Rozas, JC,(2010), Clearer Ethics Guidelines and Comparative Standards for Arbitrators, Liber Amicorum Bernardo Cremades,Madrid,La Ley, 413-449Available at:

https://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cad=&cad=rja&uact=8&ved=2ahUKEwj9kYm635buAhWUtXEKHQ9nAaIQFjAAegQIAxAC&url=https%3A%2F%2Fprints.ucm.es%2F11931%2F1%2FCLEARER_ETHICS_GUIDELINES_FOR_ARBITRATORS.pdf&usg=AOvVaw3HseHJ575tpEVWZk2itNXO

22-Makarczyk, J, (1996), Theory of International Law at The Threshold of the 21st Century: Essays in Honor of Krzysztof Skubiszewski, Brill Publication, USA.

23-Byrne, Olga K, (2003), “A New Code of Ethics for Commercial Arbitrators, Fordham urban Law Journal, vol30,Available at:

<https://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cad=&cad=rja&uact=8&ved=2ahUKEwi34qbz85buAhWfXhUIHZqRDToQFjABegQIBBAC&url=https%3A%2F%2Fcore.ac.uk%2Fdownlo>

ad%2Fpdf%2F144228351.pdf&usg=AOvVaw0qr9OWwzJve7SDAG
unyxlk

24- Van den Berg, AJ,(1997), Justifiable Doubts as to the Arbitrators Impartiality or Independence, Leiden Journal of International Law, 509-519.

25-ICDR International Dispute Resolution Rules and Procedure. Available at:

https://www.icdr.org/rules_forms_fees

26-Cindy G.Buys,(2005), Duty to Respect the Parties Choice of Law in Commercial Arbitration,St Law Review, 79(1),59-96.Available at:
<https://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=&ved=2ahUKEwi0kOSGvJbuAhWNRBUIHSrjAy0QFjAAegQIAxAC&url=https%3A%2F%2Fscholarship.law.stjohns.edu%2Fcgi%2Fviewcontent.cgi%3Farticle%3D1230%26context%3Dlawreview&usg=AOvVaw2XoPl3KIghqAj3EOrDKPZ0>.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۵۶ - ۲۳۵

طراحی مدل خلق مجموعه ارزش شرکت با در نظر گرفتن ارزش اخلاقی مشتری و ارزش اخلاقی اجتماعی

کیوان مهید^۱
 هاشم نیکومرام^۲
 کریم حمدی^۳

چکیده

این پژوهش به دنبال بررسی نقش ارزش اخلاقی مشتری و ارزش اخلاقی اجتماعی در تقویت اثرات مثبت ارزش دریافت شده مشتری و رضایت از تأمین کننده است. سازمان زمانی ارزشمند، قابل احترام و تأثیرگذار است که مشتریان، ارزش اخلاقی و عملکردی از اقدامات سازمان دریافت کنند. طرح ارزش آفرینی اخلاقی رویکردی یکپارچه است که نشان می دهد سازمان چگونه می تواند و باید در منظر ذینفعان و بویژه مشتریان، ارزش اخلاقی خلق کند. افزایش نگرانی نسبت به محیط زیست و همچنین مقررات دولتی و افزایش آگاهی مصرف کنندگان، شرکتها را بر آن داشت که در سلامت جسمانی و روانی و پاکیزگی محیط مصرف کنندگان (ضمن تاکید بر اخلاقیات) نیز تأمل کنند و به مرور زمان مفاهیمی نظیر بازاریابی سبز، بازاریابی محیطی و اجتماعی برای عمل به مسئولیت های اخلاقی اجتماعی بنگاهها وارد ادبیات بازاریابی شد. به دلیل نقش مهم صنعت بیمه در اقتصاد کشور و با توجه به قابلیت به کارگیری تئوری بازاریابی مثبت در این صنعت، هدف کلی این پژوهش ارائه مدلی برای خلق مجموعه ارزش شرکت، ارزش اخلاقی مشتری و ارزش اخلاقی اجتماعی با رویکرد بازاریابی مثبت است. این پژوهش از نظر داده در زمره تحقیقات آمیخته اکتشافی (کیفی - کمی) قرار دارد. این فرآیند در دو فاز انجام می شود. تکنیک مورد استفاده برای گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل دادهها، در فاز کیفی از روش مبتنی بر تئوری داده بنیاد و در فاز کمی روش مدل سازی معادلات ساختاری جهت سنجش برازش الگو تحقیق استفاده شد. در این فاز اول این مطالعه جهت ساخت و ارائه الگو با استفاده از روش آمیخته اکتشافی، با بهره گیری از نظر ۱۵ نفر از خبرگان و کارشناسان و تکیه بر منابع مطالعاتی، چارچوب الگو ارائه و اعتبارسنجی شد. جامعه آماری در فاز دوم تحقیق جهت سنجش و آزمون مدل، گروه مشتریان خدمات بیمه کارآفرین است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران در جامعه تعداد ۳۸۴ نفر مشخص شد. ابزار گردآوری اطلاعات میدانی نیز پرسشنامه بسته پنج گزینه ای طیف لیکرت است. در بخش اول در سنجش روابط متغیرهای مستقل و میانجی، نقش و تاثیر «بازاریابی سببی»، «بازاریابی سبز» و «بازاریابی اجتماعی» بر روی «بازاریابی مثبت» به لحاظ آماری مورد تایید قرار گرفت که بر اساس نتایج بازاریابی اجتماعی بیشترین تاثیر و نقش را بر روی بازاریابی مثبت دارد. در بخش دوم مدل یعنی رابطه متغیر میانجی و متغیرهای وابسته، نقش و تاثیر «بازاریابی مثبت» بر «ارزش شرکت»، «ارزش اخلاقی مشتری» و «ارزش اخلاقی اجتماعی» به لحاظ آماری مورد تایید قرار گرفت که بر اساس نتایج بازاریابی مثبت بیشترین تاثیر و نقش را بر روی ارزش شرکت دارد. همچنین می توان چنین انتظار داشت که اعتماد مشتری به فروشنده ناشی از ارزش اخلاقی مشتری و فروشنده است و نشان از پذیرش ارزش های اخلاقی سازمان ارائه دهنده خدمات توسط مشتری دارد.

واژگان کلیدی

بازاریابی مثبت، ارزش اخلاقی شرکت، ارزش اخلاقی مشتری، ارزش اخلاقی جامعه.

۱. دانشجوی دکتری گروه مدیریت بازاریابی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: keyvan_mahbod@yahoo.com

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی گروه مدیریت بازاریابی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. استادیار و عضو هیئت علمی گروه مدیریت بازاریابی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۶/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۲۵

طرح مسأله

فلسفه وجودی سازمان باید با ارزش آفرینی آغاز شود و در آن، ارزش، توسط مشتری تعریف شود. در طرح ارزش آفرینی سازمان برای مشتریان، فعالیت‌های غیرارزش آفرین حذف می‌شود و زنجیره فعالیت‌ها و فرایندهایی شکل می‌گیرد که شروع آن خواست و نیاز مشتری و پایان آن رضایت و خشنودی وی باشد (Ruenrom, 2012). در محیط رقابتی، پیچیده و پویا در صنایع خدماتی مانند بیمه، کوچکترین تفاوت در ارائه خدمات منجر به نقل و انتقالات عظیم در صنعت می‌شود. در این محیط پویا ایجاد و پیاده‌سازی استراتژی‌هایی که به وفادار نمودن مشتریان منتهی شود از اهمیت بسزایی برخوردار است (وانگ و همکاران، ۲۰۱۴).

افزایش نگرانی نسبت به محیط زیست و همچنین مقررات دولتی و افزایش آگاهی مصرف‌کنندگان، شرکتها را بر آن داشت که در سلامت جسمانی و روانی و پاکیزگی محیط مصرف‌کنندگان نیز تأمل کنند و به مرور زمان مفاهیمی نظیر بازاریابی مثبت، بازاریابی سبز، بازاریابی محیطی و اجتماعی برای عمل به مسئولیت اجتماعی بنگاه‌ها وارد ادبیات بازاریابی شد. بازاریابی مثبت نوعی بازاریابی است که به نفع گروه‌های مصرف‌کنندگان، شرکت و جامعه فعالیت می‌کند. بازاریابی مثبت هر گونه فعالیت بازاریابی که برای است شرکت، مشتریان خود، و جامعه ایجاد ارزش می‌کند (گوپالداس ۲۰۱۵).

فلسفه بازاریابی مثبت به مسئولیت اجتماعی سازمان توجه دارد و بر این اصل مبتنی است که هر سازمان نخست باید نیازهای بازار هدف را بشناسد، سپس در مقایسه با رقبای این نیازها را به طور موثرتری تامین کند بگونه‌ای که آسایش و رفاه مشتری و جامعه هر دو فراهم گردد. بر همین اساس، رسالت واقعی سازمان‌ها، درک نیازها و خواسته‌های مشتریان است، شرکت‌های آگاه شرکت‌هایی هستند که صرفاً به دنبال فروش نباشند. بلکه رضایت بلند مدت مشتریان را از طریق کیفیت و خدمات بهتر در نظر داشته باشند. کسب و کارها در مسیر رشد و توسعه به این مفهوم دست یافته‌اند که برای رسیدن به اهداف خود در بالاترین حد ممکن، باید به مشتری آنچنان خدمت کنند که در نتیجه کسب رضایت وی، افزایش فروش کالا یا خدمات حاصل شود (سجادی، ۱۳۷۷). به دلیل نقش و اهمیت صنعت بیمه در اقتصاد جهانی و چگونگی تأثیرات آن در بخش خدمات و همچنین بررسی سهم نسبت حق بیمه به GDP در کشورهای مختلف دنیا، ضرورت گسترش صنعت بیمه در راستای خدمت‌رسانی به مردم و گسترش خدمات در بخش‌های سرمایه‌گذاری، عمر و رفاه اجتماعی، حمایت از تولید، جبران خسارات حوادث طبیعی و راهکارهای پیشگیری از حوادث تصادفات، احساس می‌شود.

بنابراین به دلیل نقش مهم صنعت بیمه در اقتصاد کشور و باتوجه به قابلیت به کارگیری تئوری بازاریابی مثبت در این صنعت، هدف کلی این پژوهش ارائه مدلی برای خلق مجموعه

ارزش شرکت، ارزش مشتری و ارزش اجتماعی با رویکرد بازاریابی مثبت است. این مدل بر مبنای شناسایی مولفه های ارزش شرکت، ارزش مشتری و ارزش اجتماعی و روابط بین این متغیرها در مدل یکپارچه بازاریابی مثبت در صنعت بیمه می باشد.

مبانی نظری

بازاریابی مثبت

به نظر می رسد، بازاریابی اجتماعی و بازاریابی مثبت هم تا حدودی مشابه هستند، چراکه هر دو به دنبال کسب سود در ایجاد ارزش اجتماعی هستند. بازاریابی اجتماعی استفاده از ابزارهای بازاریابی برای منافع مشترک جامعه است که سازمانهای دولتی و غیر دولتی برای ترویج سلامت و امنیت از آن استفاده می کنند (کاتلر و زالمن، ۲۰۰۰). بازاریابی اجتماعی بر منافع عمومی جامعه تمرکز می کند، در حالیکه هدف کسب سود ندارد، اما بازاریابی مثبت، علاوه بر تمرکز بر منافع عمومی، انگیزه کسب سود هم دارد. (گوپالداس 2015). با وجود اینکه مفاهیم بازاریابی سبز و بازاریابی مثبت، تا حدودی همپوشانی دارند، اما فعالیتهای بازاریابی سبز در صورتیکه علاوه بر ایجاد علاوه بر خلق ارزش زیست محیطی، برای مشتری و شرکت ارزش خلق کنند، بازاریابی مثبت هستند. همچنین فعالیتهای بازاریابی مثبت، می تواند سبز باشد، به شرطی که در آن نوآوری مربوط به ارزش های زیست محیطی وجود داشته باشد. (گوپالداس 2015).

ارزش

ارزش در فرایند پذیرش، بقاء و نهادینه سازی، نیازمند ارزش آفرینی است. تعامل ارزش و ارزش آفرینی هم افزایی را به ارمغان می آورد که بر همه فرایندهای ارزش و مهم تر از همه بر تفکر مدیریت مبتنی بر ارزش تأثیر خواهد گذاشت. ارزش آفرینی یعنی خلق ارزش ناشی از اعمال انسانی و مدیریتی که خلق ثروت را به همراه خواهد داشت. ارزش آفرینی، عمل دستیابی به امتیازات (مالی، اجتماعی یا فردی) است که فراتر از مجموع هزینه های مرتبط با اکتساب است. به طور مشخص تر، ارزش آفرینی نتیجه ای است که دارای فوایدی مثبت (اقتصادی یا غیراقتصادی)، برای هر عضو یک سیستم فرعی می باشد. برای برخی، ارزش یعنی به ازای پولی که پرداخته می شود، کالا یا خدمات مناسبی دریافت شود (Wood, 2000). برای برخی دیگر، ارزش یعنی ارائه خدمات و یا کالاهایی که مزایای تازه ای داشته باشد، یا مزایای آن فراتر از حد انتظار باشد.

انواع ارزش در بازاریابی مثبت

بازاریابی مثبت نوعی بازاریابی است که به نفع گروه های مصرف کنندگان، شرکت و جامعه فعالیت می کند. بازاریابی مثبت هر گونه فعالیت بازاریابی که برای است شرکت، مشتریان

خود، و جامعه ایجاد ارزش می‌کند. (گوپالداس 2015). بازاریابی مثبت نوعی بازاریابی است که در آن برای گروه‌های مصرف‌کنندگان، شرکت و جامعه به مبادله ارزش می‌پردازند. (مرکز بازاریابی مثبت 2012)، اما بازاریابی مثبت، چیست و چه تفاوتی با سایر مفاهیم بازاریابی دارد؟ بازاریابی مثبت، نسبت به سایر مفاهیم بازاریابی دارای نوآوری در موارد زیر می‌باشد: (گوپالداس 2015).

۱. خلق ارزش برای شرکت

۲. خلق ارزش برای مشتری

۳. خلق ارزش برای جامعه

تعاریف موجود در زمینه ارزش از نظر مشتری را می‌توان در چند مدل اصلی طبقه‌بندی کرد:

- مدل مؤلفه‌های ارزش

- مدل نسبت هزینه-فایده

- مدل وسیله-نتیجه

- مدل ابعاد کلیدی ارزش

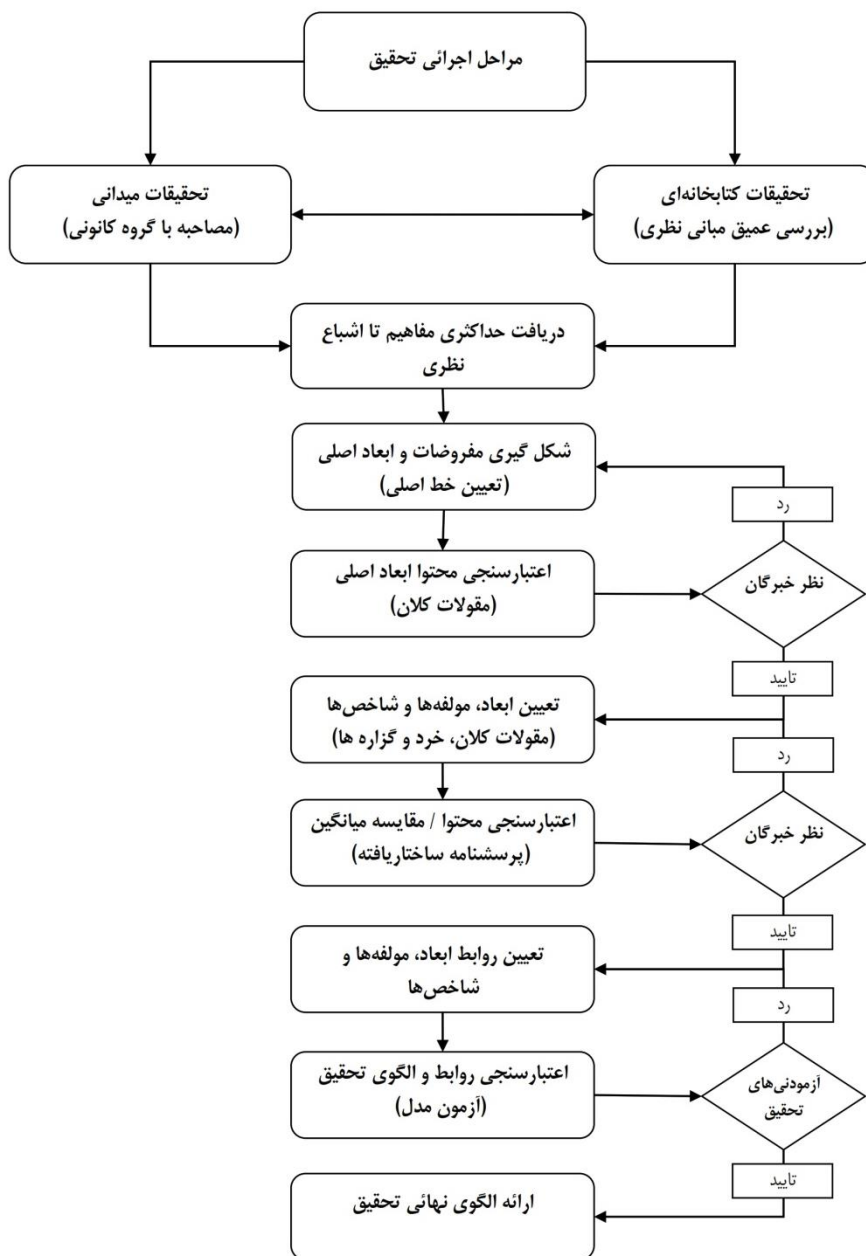
هیچ‌یک از این مدل‌ها لزوماً جامع و کامل نیستند. هر یک به یک سری مفاهیم خاص پرداخته و در عوض از سایر مفاهیم غافل مانده‌اند. در خیلی از موارد نیز می‌توان همپوشانی و اصطکاک‌هایی را بین این مدل‌ها مشاهده کرد که بدین وسیله می‌توان با ترکیب هدفمند آنها به دیدگاه منسجم و جامعی در رابطه با ارزش از دید مشتری دست یافت (Fehle, 2016).

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر داده در زمره تحقیقات آمیخته اکتشافی (کیفی- کمی) قرار دارد. این فرآیند در دو فاز انجام می‌شود. تکنیک مورد استفاده برای گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده‌ها، در فاز کیفی از روش مبتنی بر تئوری داده بنیاد و در فاز کمی روش مدل‌سازی معادلات ساختاری جهت سنجش برازش الگو تحقیق استفاده شد.

الف) تئوری داده بنیاد (فاز کیفی): در گام اول به منظور شناسایی ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های مرتبط الگوی تحقیق و گردآوری داده‌ها با بهره‌گیری از روش گرداند تئوری (تئوری داده بنیاد) ضمن بررسی مطالعات کتابخانه‌ای از مصاحبه تخصصی با خبرگان دانشگاه و صنعت و تحلیل محتوا استفاده شد. مشارکت‌کنندگان در این بخش شامل ۱۵ نفر از خبرگان دانشگاهی در حوزه بازاریابی و مدیران و کارشناسان ارشد حوزه بانکی بوده‌اند. مصاحبه با خبرگان در چند نوبت تا رسیدن به نقطه اشباع نظری و اجماع بر ابعاد و شاخص‌ها انجام شد. اعتبارسنجی در سطح خبرگان از طریق اعتبار محتوا (CVR) و آزمون مقایسه میانگین (T) صورت پذیرفت.

در پایان فاز اول ضمن اعتبارسنجی ارائه الگوی تحقیق، پرسشنامه ای جهت سنجش برآزش الگو طراحی و ارائه شد.



شکل (۱): مدل ترسیمی روش تحقیق

۱. کدگذاری انتخابی

۱-۱. خط اصلی موضوع

محور اصلی این پژوهش «عوامل مرتبط با بازاریابی مثبت» است. در این گام محور اصلی پژوهش به انضمام مبانی نظری جمع‌آوری شده از مطالعات میدانی در اختیار مصاحبه شونده‌گان قرار گرفت و محوریت اصلی موضوع تحقیق و مسیر دستیابی به اهداف مشخص شد.

۱-۲. خصوصیات و ابعاد مقوله‌ی اصلی

در این بخش از مصاحبه شونده‌گان درخواست شد که آراء و نظرات تخصصی خود را در مورد انواع مدل‌ها و عوامل موثر بر آن در حوزه بازاریابی مثبت ارائه کنند. در خصوص انواع مدل‌های کسب و کار نظریاتی مختلفی ارائه شد که برخی از آنها متناظر یا مکمل مبانی نظری ارائه شده در پژوهش و برخی نیز مبتنی بر تجربه و آراء شخصی کارشناسان و مصاحبه شونده‌گان بود. محقق پس از جمع‌آوری اطلاعات و پالایش مولفه‌ها در چند مرحله و بازنگری و مصاحبه با خبرگان دانشگاهی، در نهایت بر اساس یافته‌های میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای مشخص شد.

۱. **بازاریابی سببی:** بازاریابی سببی به مجموعه‌ی گسترده‌ای از فعالیت‌های تبلیغاتی گفته می‌شود که نشان دهنده وفاداری و احترام یک شرکت به فعالیت‌های ارزشمند یک گروه است. نتیجه این کار توسعه تجارت شرکت و همچنین ایجاد حس و نظر مثبت اجتماعی نسبت به آن است. بازاریابی سببی باعث می‌شود که مردم به خوبی سازمان و هدف‌هایش را درک کنند ولی عملاً نباید انتظار سودآوری مستقیم از آن داشت.

۲. **بازاریابی سبز:** مفهوم بازاریابی سبز یک فرایند تجاری است که نگرانی مصرف‌کننده‌ها را با حفظ و نگهداری محیط طبیعی در نظر می‌گیرد. بازاریابی سبز که قبلاً و اساساً براساس موقعیت زیست محیطی بود به موضوعات زیست محیطی بود به موضوعات پایدارتر در تلاش‌های بازاریابی تغییر می‌یابد و تمرکز اصلی در موقعیت محیطی و اقتصادی - اجتماعی است.

۳. **بازاریابی اجتماعی:** هدف از بازاریابی اجتماعی، توسعه رویکردهایی سازنده، برای حمایت از اصلاح و بهبود رفتارهای مردم است. قانون اصلی این است که مخاطبان را قانع کنیم که منافع به کارگیری رفتار جدید، بیشتر از هزینه‌های ایجاد تغییر در رفتار فعلی است. برای رسیدن به این هدف، رفتار جدید در نظر مخاطبان، باید ارزش بالاتری نسبت به رفتار نامطلوب فعلی پیدا کند.

۴. **بازاریابی مثبت:** بازاریابی مثبت نوعی بازاریابی است که به نفع گروه‌های مصرف‌کنندگان، شرکت و جامعه فعالیت می‌کند. بازاریابی مثبت هر گونه فعالیت بازاریابی که برای

است شرکت، مشتریان خود، و جامعه ایجاد ارزش می کند. (گوپالداس 2015)، بازاریابی مثبت نوعی بازاریابی است که در آن برای گروه های مصرف کنندگان، شرکت و جامعه به مبادله ارزش می پردازند. (مرکز بازاریابی مثبت 2012)

۵. **ارزش شرکت:** منافع و ارزشی که از طریق بازاریابی مثبت برای شرکت ایجاد می شود، مثل کاهش هزینه های عملیاتی و تصویر ذهنی ایجاد شده برای برند از طریق بازاریابی مثبت (گوپالداس، ۲۰۱۵)

۶. **ارزش مشتری:** ارزش مشتری به معنی ارزش ترجیحات دریافتی مشتری و ارزیابی ویژگیهای محصول، ویژگیهای عملکردی و تصمیم بعدی برای استفاده مجدد از آن برای دستیابی به اهداف و نیازها است. مشتریان در صورت دریافت کیفیت و قیمت مناسب از سوی شرکت ارائه دهنده خدمات یا محصول از برند آن شرکت راضی خواهند بود و این رضایت منجر به تشکیل ارزش دریافتی مشتری در سطح بالا و افزایش قصد خرید مجدد او می شود (وودروف، ۱۹۹۷).

۷. **ارزش اجتماعی:** منافع و ارزشی که از طریق بازاریابی مثبت برای جامعه ایجاد می شود، که هم شامل ارزش های زیست محیطی و هم خلق ارزش برای جامعه (نیروی انسانی) می شود. مثل بهبود شرایط کار و یا قابلیت بازیافت کالاها (گوپالداس، ۲۰۱۵).

۱-۳. شناسایی و ارتباط دادن دیگر مقولات به مقوله اصلی

جهت ارتباط دادن دیگر مقولات به مقوله اصلی، ابتدا عوامل اصلی تعیین و سپس ابعاد و شاخص های هر کدام مشخص گردید.

در گام اول کدگذاری باز با بهره مندی از آراء کارشناسان و خبرگان بانکی و دانشگاهی، «گزاره ها و مفاهیم اولیه» استخراج شد. در این مرحله از مصاحبه شوندهگان درخواست شد که مفاهیم و شاخص های مرتبط با بازاریابی مثبت در صنعت بیمه را بیان و مشخص کنند. در گام دوم پس از در اختیار قرار دادن گزاره های نهایی، جهت تعیین ارتباط شاخص ها و ابعاد، سوالات مربوط به «مقولات خرد و کلان» از خبرگان دانشگاهی طرح گردید. در این مرحله مقولات خرد و مفاهیم مربوط به آنها تفکیک و مشخص شد. جدول (۱) بیانگر نتایج این مرحله است.

۱-۴. معتبر ساختن روابط و شاخص ها

جهت سنجش اعتبار شاخص ها، پرسشنامه ای طراحی گردید و از پرسش شوندهگان درخواست شد که نظر خود را در رابطه با اینکه آیا شاخص های مشخص شده توانایی تشخیص متغیرها را دارند یا خیر، بیان کنند. جهت سنجش اعتبار توانایی سنجش و ارتباط مقولات خرد و

کلان از روایی محتوایی (CVR) استفاده گردید.

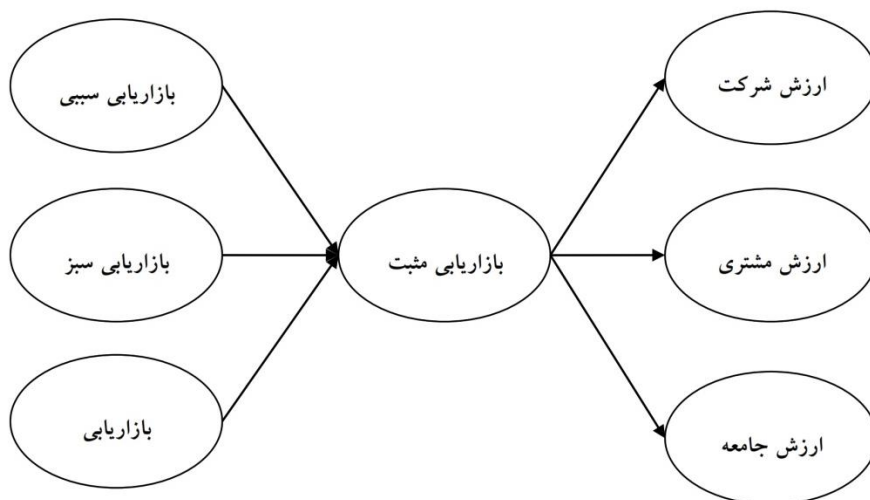
جدول (۱): ارتباط مقولات و نتایج سنجش اعتبار محتوایی ابعاد و شاخص‌ها

مقوله کلان	کد	CVR	موقوله خرد (شاخص)	کد	CVR
بازاریابی سببی	A	0/93	گردهمایی داوطلبانه	A1	0/86
			کمک به مصرف کننده	A2	0/93
			کمک کردن با خرید	A3	0/80
			رویکرد متعهدانه	A4	0/93
بازاریابی سبز	B	1/00	وجهه اجتماعی	B1	0/80
			گرایش به محیط زیست	B2	0/86
			تجربه محولات سبز	B3	0/93
			مسئولیت های زیست محیطی	B4	0/73
			پشتیبانی از محیط زیست	B5	1/00
بازاریابی اجتماعی	C	1/00	ترویج مسئولیت پذیری اجتماعی	C1	0/93
			فعالیت عام المنفعه	C2	1/00
			حمایت مالی فعالیت خیریه	C3	0/93
ارزش شرکت	D	0/93	مزیت رقابتی	D1	0/80
			سهام بازار	D2	1/00
			سودآوری	D3	0/93
			رشد	D4	0/80
			ارزش برند	D5	0/86
ارزش مشتری	E	1/00	کیفیت خدمات	E1	0/93
			نوآوری در ارائه خدمات	E2	0/73
			رضایت مشتری	E3	0/93
			بهره وری خدمات	E4	0/86
			ارزش در مقابل هزینه	E5	0/93
			تعهد	E6	0/80
			اعتماد	E7	1/00
			مشتری مداری	E8	0/93
			سهولت دسترسی	E9	0/80
			مسئولیت پذیری	E10	0/86
			پشتیبانی	E11	0/93
			عملکرد منابع انسانی	E12	0/86
			بهبود ساختار	E13	0/93
ارزش اجتماعی	F	1/00	ارزش از نگاه ذینفعان	F1	0/80
			ارزش از نگاه جامعه	F2	0/93
			ارزش از نگاه همکاران	F3	0/80

برای ارزیابی روایی محتوایی از نظر متخصصان و خبرگان صنعت و دانشگاه در مورد میزان هماهنگی محتوای ابزار اندازه‌گیری و هدف پژوهش، استفاده شد. در بررسی کیفی محتوا از متخصصان درخواست شد تا بازخورد لازم را در ارتباط با قابلیت سنجش و ارتباط موضوعی عوامل و زیرمجموعه‌ها اعلام نظر کنند که بر اساس آن موارد تایید، رد یا اصلاح خواهند شد. حداقل میزان روایی محتوایی قابل قبول در این آزمون ۰.۴۹ می باشد و در ذیل نتایج مربوط به سنجش اعتبار محتوایی ابعاد و شاخص‌ها ارائه شده است. نتایج به دست آمده از روایی محتوایی، بیانگر تایید اعتبار محتوا ابعاد و مولفه‌ها پژوهش است.

۱-۵. ارائه الگو

در این بخش از پژوهش، پس از تجزیه و تحلیل‌ها به عمل آمده از اطلاعات و طی مراحل مختلف کدگذاری، در پایان الگوی نهایی تحقیق ارائه میشود. در مراحل قبلی ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های مدل شناسایی و مقوله بندی شدند.



شکل ۲: مدل مفهومی پژوهش

در پایان این فاز از پژوهش بر حسب آراء گروه کانونی؛ ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های الگو شناسایی، ارتباط و اعتبارسنجی شدند و در پایان نیز الگوی تحقیق جهت ارزیابی به گروه کانونی ارائه شد و مورد تایید قرار گرفت. در فاز دوم پژوهش، این مدل در جامعه آماری مشتریان و مخاطبان صنعت بیمه با حجم نمونه ۳۸۴ نفر بر اساس فرمول کوکران در جامعه نامحدود مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است.

الف) مدلسازی معادلات ساختاری (فاز کمی)

ب) پیمایشی (روش کمی)

در گام دوم با استفاده از داده‌های به دست آمده از گام قبل و بهره‌گیری از روش‌های کمی، الگوی پژوهش اعتبارسنجی و ارزیابی شده است. جامعه آماری در فاز دوم تحقیق بیمه گذاران بوده است و نمونه‌های تحقیق جهت تست مدل و پاسخ به پرسشنامه، شامل از مشتریان و مخاطبان بیمه کارآفرین هستند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش بصورت تصادفی ساده بوده است، حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران در جامعه نامحدود ۳۸۴ مورد برآورد شد. قلمرو مکانی پژوهش، شهر تهران و قلمرو زمانی پژوهش جهت گردآوری اطلاعات میدانی، تابستان و پاییز ۱۳۹۸ بوده است. قبل از توزیع پرسشنامه و تجزیه و تحلیل داده‌ها، روایی و پایایی پرسشنامه مورد آزمون قرار گرفت. در ابتدا از طریق تست خبرگان و ضریب لوشه، اعتبار محتوای مولفه‌های پرسشنامه در سطح ۹۵٪ مورد تایید قرار گرفت و در ادامه اعتبار صوری سوالات نیز در میان برخی افراد مخاطب پژوهش مورد بررسی و اصلاح واقع شد. پایایی سوالات پرسشنامه نیز بوسیله آلفای کرونباخ (۰.۹۴۰) در میان ۳۶ نفر از پاسخگویان مورد تایید قرار گرفت. برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. نتایج پایایی و آزمون کفایت نمونه در جدول زیر ارائه شده است. همان‌طور که از نتایج جدول مشخص است تمامی ضرایب آزمون KMO بالاتر از ۰.۷۰ و در سطح مطلوبی است که حاکی از کفایت نمونه‌گیری برای تحلیل عاملی می‌باشد. برای بررسی ویژگی‌های جامعه آماری از نظر فراوانی و توزیع داده‌ها و همین‌طور برای تعریف متغیرها و ترسیم نمودارها و جداول مربوط و غیره از آمار توصیفی و همچنین برای آزمون فرضیات، ترسیم مدل و دیگر آزمونهای مورد نیاز از آمار استنباطی به کمک نرم افزارهای تحلیل آماری SPSS و از نرم افزار LISREL، جهت تحلیل عاملی و از نرم‌افزار جهت رسم مدل و برازش آن استفاده شده است.

جدول (۲): توزیع توصیفی متغیرهای تحقیق و نتایج آزمون کفایت نمونه KMO

متغیرها	تعداد	کمینه	بیشینه	چولگی	کشیدگی	میانگین	KMO
بازاریابی سببی	۳۸۴	۲.75	۵	-0.409	-0.138	۴.۴۱	0.60
بازاریابی سبز	۳۸۴	1.۸۳	5	-0.258	۰.۱۵۰	3.۶۳	0.72
بازاریابی اجتماعی	۳۸۴	1.33	5	-0.149	-0.096	3.۳۳	0.75
بازاریابی مثبت	۳۸۴	۲.۶۴	4.۸۱	-0.052	-0.361	3.۷۰	0.71
ارزش شرکت	۳۸۴	۱.۴۰	5	-0.274	-0.261	3.۶۷	0.63
ارزش مشتری	۳۸۴	۲.۴۶	۴.۷۷	-0.321	0.181	3.8۹	0.67
ارزش جامعه	۳۸۴	۱.۳۳	5	۰.۳۱۰-	۰.۱۱۶-	۳.۷۶	0.60

روایی سازه - تحلیل عاملی تأییدی

یکی از روش‌های معتبر علمی برای مطالعه ساختار داخلی یک مجموعه از شاخص‌ها و اندازه‌گیری‌گیری روایی سازه، روش تحلیل عاملی تأییدی است که به برآورد بار عاملی و روابط بین مجموعه‌ای از شاخص‌ها می‌پردازد. بار عاملی، معرف همبستگی شاخص با عامل مربوطه است و مانند هرگونه همبستگی دیگر تفسیر می‌شود. بر این اساس هر چه شاخص در یک عامل بزرگ‌تر باشد، تفسیر آن عامل باید وزن بیشتری به آن شاخص داده شود.

جدول (۳): تحلیل عاملی

متغیر	ابعاد	گویه/سوال	شماره سوال	تحلیل عاملی تأییدی	
				بار عاملی	آماره T
بازاریابی مثبت	بازاریابی سببی CMR	گردهمایی داوطلبانه	Q1	0.47	7.66
		کمک به مصرف کننده	Q2	0.56	9.09
		کمک کردن با خرید	Q3	0.57	9.24
		رویکرد متعهدانه	Q4	0.18	9.91
	بازاریابی سبز GMR	وجهه اجتماعی	Q5	0.58	10.73
		گرایش به محیط زیست	Q6	0.74	14.36
		تجربه محولات سبز	Q7	0.61	11.57
		مسئولیت های زیست محیطی	Q8	0.36	6.48
		پشتیبانی از محیط زیست	Q9	0.33	5.77
	بازاریابی اجتماعی SMR	ترویج مسئولیت پذیری اجتماعی	Q10	0.51	8.43
فعالیت عام المنفعه		Q11	0.60	9.88	
حمایت مالی فعالیت خیریه		Q12	0.52	8.60	
ارزش شرکت CMP	مزیت رقابتی	Q13	0.86	-	
	سهام بازار	Q14	0.70	13.45	
	سودآوری	Q15	0.24	5.37	

5.80	0.29	Q16	رشد	ارزش مشتری CST
15.94	0.87	Q17	ارزش برند	
-	0.29	Q18	کیفیت خدمات	
4.37	0.35	Q19	نوآوری در ارائه خدمات	
5.01	0.52	Q20	رضایت مشتری	
4.69	0.39	Q21	بهره وری خدمات	
4.75	0.43	Q22	ارزش در مقابل هزینه	
4.61	0.39	Q23	تعهد	
3.91	0.26	Q24	اعتماد	
3.48	0.21	Q25	مشتری مداری	
4.04	0.25	Q26	سهولت دسترسی	
3.87	0.28	Q27	مسئولیت پذیری	
3.78	0.27	Q28	پشتیبانی	
3.86	0.19	Q29	عملکرد منابع انسانی	
3.71	0.23	Q30	بهبود ساختار	
-	0.52	Q31	ارزش از نگاه ذینفعان	ارزش جامعه SOC
7.31	0.51	Q32	ارزش از نگاه جامعه	
7.71	0.48	Q33	ارزش از نگاه همکاران	

تحلیل همبستگی

جدول (۴): نتیجه‌های آزمون پیرسون

همبستگی	بازاریابی سببی	بازاریابی سبز	بازاریابی اجتماعی	بازاریابی مثبت
	.278**	.357**	.582**	.576**
ارزش شرکت	.000	.000	.000	.000
	.355**	.502**	.280**	.504**
ارزش مشتری	.000	.000	.000	.000
	.332**	.386**	.380**	.500**
ارزش شرکت	.000	.000	.000	.000

برای بررسی وجود همبستگی میان متغیرهای تحقیق از آزمون پیرسون استفاده شده است. نتایج آزمون پیرسون در جدول زیر ارائه شده است. بر اساس نتایج میان تمامی متغیرهای تحقیق

همبستگی در سطح اطمینان ۹۹٪ وجود دارد بنابراین می توان روابط (فرضیات تحقیق) را مورد سنجش قرار داد.

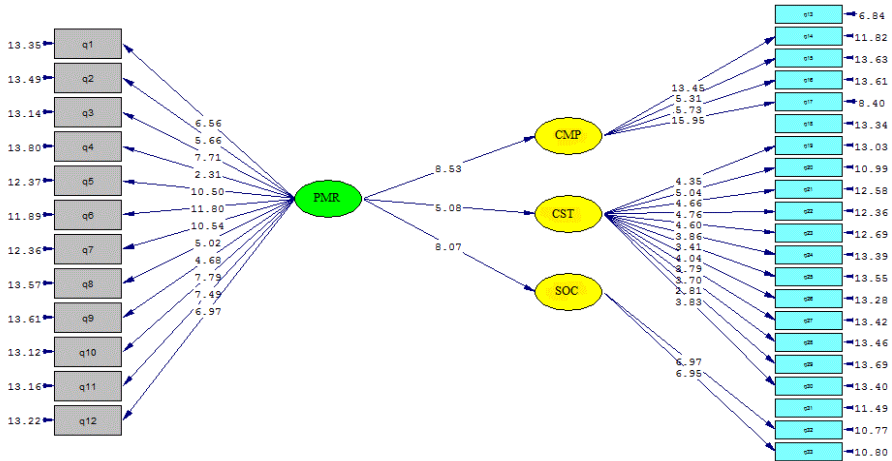
آزمون فرضیه های تحقیق

همان گونه که در جدول (۴) مشاهده می شود، نتایج ضریب مسیر بین «بازاریابی مثبت» با «ارزش شرکت»، «ارزش مشتری» و «ارزش اجتماعی» نشان داده شده است.

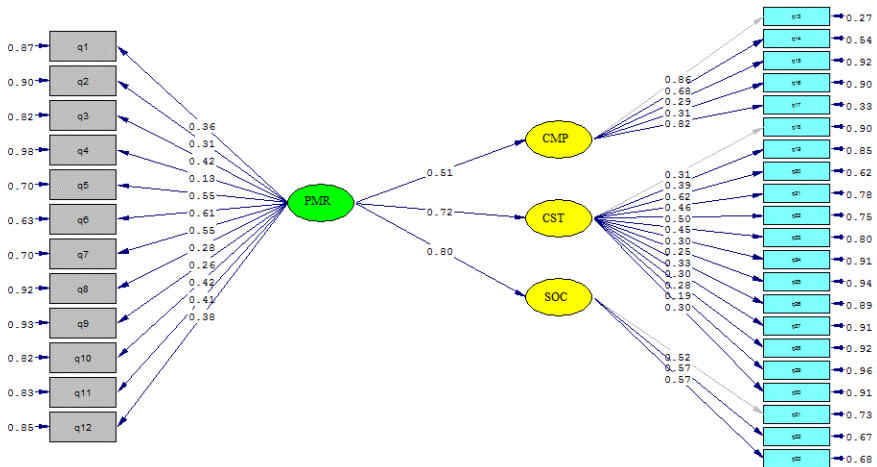
جدول (۵): آزمون فرضیه تحقیق

نتیجه آزمون	سطح معنی داری	آماره T	ضریب مسیر	فرضیه
تأیید فرضیه	۰.۰۰۰	۸.۵۳	۰.۵۱	بازاریابی مثبت ← ارزش شرکت
تأیید فرضیه	۰.۰۰۰	۵.۰۸	۰.۷۲	بازاریابی مثبت ← ارزش مشتری
تأیید فرضیه	۰.۰۰۰	۸.۰۷	۰.۸۰	بازاریابی مثبت ← ارزش اجتماعی

بر اساس نتایج جدول فوق «بازاریابی مثبت» بر «ارزش شرکت»، «ارزش مشتری» و «ارزش اجتماعی» در سطح اطمینان ۹۵٪ و به ترتیب با میزان تأثیر برابر با ۰.۵۱، ۰.۷۲ و ۰.۸۰ تأثیرگذار است؛ بنابراین فرضیه صفر (H0) مبنی بر عدم رابطه رد میشود و فرضیه یک (H1) مبنی بر تأثیر مستقیم و مثبت «بازاریابی مثبت» بر «ارزش شرکت»، «ارزش مشتری» و «ارزش اجتماعی» مورد تأیید قرار می گیرند. بازاریابی مثبت بیشترین تأثیر و نقش را بر روی ارزش اجتماعی دارد. شاخص R^2 بیانگر قابلیت تخمین تغییرات متغیرهای وابسته در مدل بر اساس تغییرات در متغیرهای موثر بر آن را نشان میدهد. بر اساس نتایج بدست آمده از مدل رگرسیونی R^2 ، تغییرات در متغیرهای مستقل میتواند ۱۰۰٪ تغییرات در متغیر میانجی را پیش بینی کند.



شکل (۲): نتایج اعداد معناداری فرضیات



شکل (۳): نتایج ضریب مسیر فرضیات

مقادیر R^2 بیانگر قابلیت پیش بینی میزان تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل مرتبط است. بر اساس نتایج بدست آمده از مدل کلی، در صورت تغییرات یعنی بهبود یا کاهش در بازاریابی مثبت (ارزش شرکت، ارزش مشتری و ارزش اجتماعی) احتمال تغییرات در ارزش شرکت ۰.۲۶، ارزش مشتری ۰.۵۹، و ارزش اجتماعی ۰.۷۳ خواهد بود. نتایج RMSEA که بیانگر اصلی ترین شاخص برازش مدل است از آنجائیکه معادل ۰.۰۸ حداقل مقدار قابل قبول است بیانگر تایید برازش مدل است.

بر اساس نتایج شاخص‌های تناسب مبین آن است که مدل از نظر شاخص‌های تناسب و برازش در وضعیت خوبی است؛ چون که نسبت کای دو بر درجه آزادی (χ^2/df) آن برابر ۲.۷۳۶

است که کمتر از مقدار مجاز ۳ و مقدار RMSEA نیز برابر با ۰.۳۶ است که کمتر از مقدار مجاز ۰.۰۸ است. لذا نیاز به اصلاحات چندانی ندارد.

جدول (۶): شاخص‌های ارزیابی برازش مدل کلی

مقدار قابل قبول	مقدار شاخص	شاخص
>۰.۹	۰.۹۱۲	GFI ^۱
>۰.۹	۰.۹۴۸	AGFI ^۲
>۰.۸	۰.۸۸۴	NFI
>۰.۸	۰.۸۷۹	NNFI
>۰.۸	۰.۸۰۲	CFI
>۰.۸	۰.۸۵۹	RFI ^۳
>۰.۸	۰.۸۰۲	IFI
<۰.۰۵	۰.۰۹۷	StanKEYdized RMR

(۱) GFI و AGFI به شاخص‌های برازش مطلق معروفند. این شاخص‌ها به حجم نمونه بستگی ندارند و اطلاعات مناسبی درباره اینکه مدل‌های برازش یافته تا چه حد با برازندگی کامل نزدیک است فراهم می‌آورند. مقدار شاخص برازندگی^۴ و شاخص برازندگی تعدیل یافته^۵ بایستی از ۰.۹ بیشتر باشد. در مدل مورد مقدار هر دو شاخص بیشتر از ۰.۹ می‌باشد که نشان دهنده مناسب بودن مدل می‌باشد.

(۲) شاخص‌های برازش نسبی شامل NFI، NNFI، CFI، RFI و IFI می‌باشند. این شاخص‌ها نسبت به حجم مدل حساس می‌باشند. مقدار این شاخص‌ها بایستی از ۰.۸ بیشتر باشد. در مدل مورد بررسی مقدار اکثر شاخص‌های فوق ذکر از ۰.۸ بیشتر می‌باشند که نشان دهنده مناسب بودن مدل می‌باشد.

(۳) StanKEYdized RMR جزء شاخص‌های برازش مطلق می‌باشد. مقدار StanKEYdized RMR هر چه کمتر باشد بهتر است، زیرا این شاخص معیاری برای میانگین اختلاف بین داده‌های مشاهده شده و داده‌های مدل است. در این مدل مقدار $StanKEYdized RMR = 0.097$ می‌باشد که نشان دهنده برازش نسبی مدل می‌باشد.

-
- 1- Goodness of Fit Index (AGFI)
 - 2- Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)
 - 3- Relative Fit Index (RFI)
 4. GFI
 5. AGFI

نتیجه گیری

تحلیل روابط و پیشنهادات مرتبط

۱) «بازاریابی مثبت» و «ارزش شرکت»

پیشنهاد تحقیق: از آنجائیکه «بازاریابی مثبت» به عنوان یک محرک اساسی برای ارزیابی و تخمین «ارزش شرکت» محسوب می‌گردد، برای بهبود «ارزش شرکت» پیشنهاد می‌شود با افزایش ارتباطات یکپارچه بازاریابی، ضمن پرهیز از تبلیغات غیرواقعی و نمایشی، میزان آگاهی و شناخت مشتری از ابعاد فعالیت‌های مرتبط با بازاریابی مثبت را افزایش داد، تا تصویر مثبت و متمایزی از برند در آراء و ذهن کاربران و مشتریان در جامعه مورد مطالعه ایجاد کرد. بازاریابی مثبت بعنوان یک استراتژی در کسب و کار مطرح می‌شود و بدلیل اهمیت شناخت اجزا و عوامل و نتایج تاثیرگذاری آن؛ بر یکی از بزرگترین اهداف سازمان که دستیابی به مزیت رقابتی و بهبود ارزش شرکت می‌باشد، مورد توجه بسیار است. پیشنهادات کاربردی بهبود «ارزش شرکت» از طریق «بازاریابی مثبت» بدین صورت ارائه میشود:

- ✓ ایجاد مزیت و ارزش واقعی برای شرکت
- ✓ تلاش در جهت توسعه صنعت و افزایش سهم صنعت بجای افزایش سهم شرکت
- ✓ ایجاد ساختار و خط مشی پیاده سازی بازاریابی مثبت در شرکت
- ✓ بهبود رویکرد و فرهنگ متعهدانه در سطح شرکت و کارکنان
- ✓ ارزیابی و سنجش مستمر ارزش شرکت
- ✓ ایجاد نگرش برد - برد در مذاکرات تجاری و قراردادها
- ✓ مشارکت در کمپین‌های اجتماعی مرتبط با فعالیت شرکت
- ✓ ترویج مسئولیت پذیری اجتماعی در سطح شرکت
- ✓ انجام فعالیت عام المنفعه مرتبط با فعالیت شرکت
- ✓ بهبود مسئولیت‌های زیست محیطی مرتبط با فعالیت شرکت
- ✓ پرهیز از تبلیغات غیرواقعی و نمایشی
- ✓ پرهیز از اقدامات تخریبی در مقابل رقبا و فعالین صنعت
- ✓ تمرکز بر مزیت‌های رقابتی شرکت

۲) «بازاریابی مثبت» و «ارزش مشتری»

پیشنهاد تحقیق: بر اساس نتایج تحقیق، «بازاریابی مثبت» در ارزیابی و پیش بینی «ارزش مشتری» موثر است، برای بهبود «ارزش مشتری» پیشنهاد می‌شود با بهره گیری از ظرفیت‌های

روابط عمومی و ارتباط با مشتری، ضمن شناسایی عوامل موثر بر ارزش از نگاه مشتری، در راستای ایجاد، بهبود و ارزیابی «ارزش شرکت» بواسطه نقش «بازاریابی مثبت» گام موثری در این زمینه برداشت. پیشنهادات کاربردی در رابطه با بهبود «ارزش مشتری» از طریق «بازاریابی مثبت» بدین صورت ارائه میشود:

- ✓ بهبود کیفیت ارائه خدمات
- ✓ نوآوری در محصولات و خدمات
- ✓ شناسایی، ارزیابی عوامل موثر بر رضایت مشتری
- ✓ بهبود بهره وری خدمات
- ✓ افزایش ارزش در مقابل هزینه
- ✓ تعهد به مشتری
- ✓ مسئولیت پذیری
- ✓ تلاش در ایجاد و حفظ اعتماد مشتری
- ✓ ایجاد و ارتقاء فرهنگ مشتری مداری
- ✓ بهبود سهولت دسترسی به خدمات
- ✓ افزایش سطح مسئولیت پذیری نسبت به مشتری
- ✓ پشتیبانی از خدمات و رفع مسائل مشتری
- ✓ ارزیابی و بهبود عملکرد منابع انسانی در قبال مشتری
- ✓ صداقت در رفتار با مشتری
- ✓ پرهیز از رفتارهای دوگانه در مقابل مشتری
- ✓ وحدت رویه در قبال مشتری و اهداف سازمانی
- ✓ پایندی به قرارداد و وعده های برد
- ✓ حمایت از مشتری و جبران خسارات
- ✓ احترام به ارزش های مشتری
- ✓ مشارکت در فعالیت های عام المنفعه
- ✓ حمایت و مشارکت داوطلبانه در کمپین های مشتریان

۳) «بازاریابی مثبت» و «ارزش جامعه»

پیشنهاد تحقیق: بر اساس نتایج تحقیق، «بازاریابی مثبت» در ارزیابی و پیش بینی «ارزش جامعه» موثر است، برای بهبود «ارزش جامعه» پیشنهاد می شود با بهره گیری از ظرفیت های مسئولیت پذیری اجتماعی و حضور فعال در ارائه خدمات اجتماعی و مشارکت و سرمایه گذاری در بهبود فرهنگ عمومی، در راستای ایجاد، بهبود و ارزیابی «ارزش جامعه» بواسطه نقش

«بازاریابی مثبت» گام موثری در این زمینه برداشت. شرکت یا سازمان باید تصمیمات بازاریابی را نه تنها با در نظر گرفتن خواسته‌های مصرف‌کننده، بلکه نیازهای شرکت، و همچنین منافع بلندمدت جامعه تعیین کند. سپس باید ارزشی برتر به مشتری ارائه کند به گونه‌ای که جنبه‌های رفاهی مشتری و جامعه را حفظ نماید یا آنها را بهبود بخشد. براساس مفهوم بازاریابی مثبت مبتنی بر ارزش جامعه، مدیران بازاریابی سازمان‌ها ناگزیرند در تعیین راهبردها و خط‌مشی‌های بازاریابی خود عوامل مهمی نظیر خواسته‌های مصرف‌کنندگان و منافع جامعه در کوتاه مدت و بلند مدت را در نظر بگیرند. علیرغم این که این حوزه در مقایسه با بازاریابی تجاری بسیار نو پا است، اما نقش و اهمیت آن در توسعه اجتماعی موجب شده است تا شدیداً مورد توجه و اقبال عمومی قرار گیرد. پیشنهادات کاربردی در رابطه با بهبود «ارزش جامعه» از طریق «بازاریابی مثبت» بدین صورت ارائه میشود:

- ✓ تامین نیازها و منافع گروه‌های ذینفع و سهامداران
- ✓ احترام و پایبندی به ارزش‌های جامعه اعم از ارزش‌های اخلاقی، اقتصادی، سیاسی، دینی، ملی، قانونی، حقوقی، فرهنگی، علمی و غیره.
- ✓ عدم تشویش و تحریک اذهان جامعه در مقابل حوادث و مصائب عمومی
- ✓ نوع دوستی در روابط برند
- ✓ تلاش در راستای حمایت و بهبود منابع انسانی و عوامل داخلی
- ✓ رویکرد متعهدانه به جامعه
- ✓ تلاش در راستای بهبود وجهه اجتماعی
- ✓ مشارکت در ایجاد فرهنگ گرایش به محیط زیست
- ✓ مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی
- ✓ پشتیبانی از محیط زیست
- ✓ ترویج مسئولیت‌پذیری اجتماعی
- ✓ فعالیت عام‌المنفعه و حمایت مالی فعالیت خیریه

اخلاق بازاریابی، مطالعه چگونگی عملکرد یک کسب و کار در مواجهه با معضلات اخلاقی است. افزایش نگرانی نسبت به محیط زیست و همچنین مقررات دولتی و افزایش آگاهی مصرف‌کنندگان و عملکرد اخلاقی آنان بعنوان مصداقی از اخلاق کسب و کار، شرکتها را بر آن داشت که در سلامت جسمانی و روانی و پاکیزگی محیط مصرف‌کنندگان نیز تأمل کنند و به مرور زمان مفاهیمی نظیر بازاریابی سبز، بازاریابی محیطی و اجتماعی برای عمل به مسئولیت اخلاقی بنگاهها وارد ادبیات بازاریابی شد. همانطور که اشاره شد بازاریابی مثبت نوعی بازاریابی است که به نفع گروه‌های مصرف‌کنندگان، شرکت و جامعه فعالیت می‌کند. بازاریابی مثبت هر گونه

فعالیت بازاریابی که برای است شرکت، مشتریان خود، و جامعه ایجاد ارزش اخلاقی می کند. نتایج نشان داد که ادراکات اخلاقی مشتری در مورد سازمان، اثر ارزش اخلاقی مشتری را بر رضایت و در نهایت وفاداری مشتری تقویت می کند.

امروزه بیمه در تسهیل و رونق فعالیت های اقتصادی در جامعه نقش اساسی دارد و این صنعت در اقتصاد و بازار سرمایه یکی از بخش های پیشرو و مهم است. در شرایط فعلی بیمه و بانکداری از ملزومات اقتصاد مدرن است و هرگونه فعالیت اقتصادی بدون پشتوانه این دو ناموفق خواهد بود. با این وجود ارتقای جایگاه صنعت بیمه در اقتصاد ملی ضروری است و با این رویکرد از یک سو می توان بعد حمایتی آن را در اقتصاد بهبود بخشید و از دیگر سو منابع بیشتری را برای سرمایه گذاری های این بخش ایجاد کرد. توسعه صنعت بیمه برای شکوفایی اقتصاد کشور، از طریق ارائه پوشش های بیمه ای مختلف و مناسب برای رفع نگرانی سرمایه گذاران و افزایش رفاه خانواده ها ضروری است. شرکت های بیمه به سادگی می توانند با صرف هزینه کم، با تربیت بازاریابان پایبند به اخلاقیات و جلب مشتریان اخلاق گرا و اعتماد آنها به وسیله فروش اخلاقی به آنها، وفاداری مشتریان را جلب نمایند.

وجود شرکت های بیمه خصوصی و رقابت آنها، تاثیر تعیین کننده ای بر تعمیم و توسعه بیمه داشته است و لازم است تنوع بخشی خدمات بیمه ای و عرضه پوشش های جدید بیمه ای منطبق با نیاز جامعه برای گسترش سرمایه گذاری و رشد اقتصادی کشور در برنامه توسعه صنعت بیمه دنبال شود. پس می توان چنین انتظار داشت که اعتماد مشتری به فروشنده که ناشی از ارزش اخلاقی مشتری و فروشنده است، نشان از پذیرش ارزش های اخلاقی سازمان ارائه دهنده خدمات توسط مشتری دارد.

فهرست منابع

۱. پالیزوار، ۱۳۹۵؛ ایجاد ارزش ویژه برند با تاثیرگذاری قابلیت های بازاریابی، نوآوری و خلق ارزش مشترک با مشتری در بانک صادرات، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
۲. ثالث، ۱۳۹۴؛ بررسی تاثیر کیفیت ارتباطات و تفاهم با مشتری در بازاریابی مثبت بر روی گفته های شفاهی مثبت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان مازندران
۳. تاجیک، ۱۳۹۳؛ مدلی برای خلق ارزش و تخصیص ارزش از طریق شراکت های استراتژیک در موسسات خدمات مالی (در صنعت بیمه و بانک)، پایان نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی
۴. سادات مدقن، ۱۳۹۵؛ بررسی رابطه سرمایه فکری با معیارهای خلق ارزش در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
۵. صادقی رحیم آبادی، ۱۳۹۵؛ بررسی تاثیر نوآوری باز بر بازاریابی مثبت به منظور ایجاد مزیت رقابتی در شرکت ها، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان
۶. صالح اولیاء، ۱۳۹۱؛ تعیین و اولویت بندی معیارهای خلق ارزش برای مشتری، نهمین کنفرانس بین المللی مهندسی صنایع. انجمن مهندسی صنایع ایران
۷. رضازاده زاوشتی، ۱۳۹۵؛ تحلیل فرایند خلق ارزش در موسسه آموزش عالی آزاد ماهان، کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی الغدیر - دانشکده علوم انسانی و مدیریت
۸. عسگری پور، ۱۳۹۵؛ ساختن ارزش ویژه برند صنعتی با بهره گیری از قابلیت های شرکت و ارزش خلق شده مشتریان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خاتم
۹. علی پوریان، ۱۳۹۵؛ ارائه چهارچوبی برای خلق ارزش مشارکتی با کمک مشتری در باشگاه مشتریان به منظور توسعه محصولات جدید، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا (س)
۱۰. نجفی کلیانی، ۱۳۹۰؛ ارتباط بین انعطاف پذیری منابع انسانی و خلق ارزش در سازمان؛ (مورد مطالعه: صنعت بیمه در ایران)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی
11. Ahir Gopaldas, Creating firm, customer, and societal value: Toward a theory of positive marketing, Journal of Business Research, Volume 68, Issue 12, 2015, Pages 2446-2451,
12. Bamboo Grove (2012). The top ten reasons why bamboo can save the planet. Retrieved from <http://www.bamboogrove.com/why-bamboo-save-planet.html>
13. Botsman, R., & Rogers, R. (2011). What's mine is yours: How collaborative consumption is changing the way we live. London: Collins.

14. Gene R. Laczniak, Patrick E. Murphy, 2019, The role of normative marketing ethics, *Journal of Business Research*, Volume 95,
15. Hanna, R., Rohm, A., & Crittenden, V.L. (2011). We're all connected: The power of the social media ecosystem. *Business Horizons*, 54(3), 265–273.
16. Hastak, M., & Mazis, M.B. (2011). Deception by implication: A typology of truthful but misleading advertising and labeling claims. *Journal of Public Policy & Marketing*, 30(2), 157–167.
17. Heine, C. (2012, September 28). Nielsen: U.S. ad dollars grew 2.4% in Q2. *Adweek* (Retrieved on April 7, 2014 at: <http://www.adweek.com/news/advertising-branding/nielsen-us-ad-dollars-grew-24-q2-144050>).
18. Jasmine Siu Lee Lam, Kevin X. Li, 2019, Green PORT Marketing for Sustainable Growth and Development, *Transport Policy*,
19. Kilbourne, W.E., & Mittelstaedt, J.D. (2012). From profligacy to sustainability: Can we get there from here? Transforming the ideology of consumption. In D.G. Mick, S. Pettigrew, C. Pechmann, & J.L. Ozanne (Eds.), *Transformative consumer research for personal and collective well-being* (pp. 283–300). New York: Routledge.
20. Lerman, D., & Shefrin, H. (2015). Introduction to special section on positive marketing. *Journal of Business Research* (this issue).
21. Ngoc Luu, Liem Viet Ngo, Jack Cadeaux, 2018, Value synergy and value asymmetry in relationship marketing programs, *Industrial Marketing Management*, Volume 68, Pages 165-176,
22. Melissa G. Bublitz, Laura A. Peracchio, applying industry practices to promote healthy foods: An exploration of positive marketing outcomes, *Journal of Business Research*, Volume 68, Issue 12, 2015, Pages 2484-2493,
23. Stephan G.H. Meyerding, Clara M. Mehlhose, 2018, Can neuromarketing add value to the traditional marketing research? An exemplary experiment with functional near-infrared spectroscopy (fNIRS), *Journal of Business Research*,
24. Stoeckl, F.G., & Luedicke, M.K. (2015). Doing well while doing good? An integrative review of marketing criticism and response. *Journal of Business Research* (in press).

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۸۶ - ۲۵۷

مولفه های اخلاق گرایانه ارانه مدل جهت ایجاد انگیزه و افزایش فرهنگ خرید تولیدات داخلی (مطالعه موردی : لوازم الکتریکی)

۱ سالومه نوری

۲ سید مهدی معافی مدنی

۳ ید الله خداوردی

چکیده

ایجاد محیط اخلاقی و ترویج ارزشهای انسانی یکی از مهم ترین وظایف سازمانهاست و رعایت اخلاق در دنیای کسب و کار موجب کاهش تنشها، افزایش بهره وری و ایجاد مزیت‌های رقابتی برای سازمان میشود. هدف تحقیق، ارائه مدلی برای ترغیب هموطنان به خرید کالای ساخت داخل با در نظر گرفتن مولفه های اخلاقی است. این پژوهش به کمک روش تحقیق کیفی در مرحله اول از طریق تکنیک گوله برفی منجر به شناسایی ۱۰ نفر از خبرگان جهت مصاحبه شد، بعد از انجام مصاحبه و کد گذاری های صورت گرفته مولفه های اصلی به همراه زیر مجموعه ها شناسایی شد، در نهایت بعد از غربالگری انجام شده و استفاده مجدد از خبرگان متغییر های اصلی مدل شناسایی شد، ۲ زیر مجموعه اصلی برای مدل بدست آمده است شامل ۱- مزایا و عوامل مثبت تاثیر گذار ۲- موانع و محدودیت ها، د برای عامل اول ۱۰ متغییر شامل ترفیع و توزیع - ارزش ادراک شده از محصول استراتژی ها - بستر - قیمت تمام شده محصول برای مشتری - آشنایی و اعتماد به محصول - پشتیبانی و خدمات پس از فروش - میهن دوستی - کیفیت مناسب - تنوع محصول و برای عامل دوم ۶ متغییر شامل پیامد ها - برند نبودن کالا - شرایط مداخله گر - پدیده محوری - ریسک ادراک شده از محصول - شرایط علی شناسایی شد، در نهایت از روش گردن تئوری و با استفاده از نرم افزار مکس کیو دی ای مدل مفهومی پژوهش ارائه شد.

واژگان کلیدی

مولفه های اخلاقی، بازاریابی اجتماعی، محصولات داخلی، گردن تئوری.

۱. گروه مدیریت بازرگانی، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران.

Email: salomehgbr@gmail.com

۲. استادیار گروه مدیریت، واحد هیدج، دانشگاه آزاد اسلامی، هیدج، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: ssm_madany@yahoo.com

۳. استادیار گروه مدیریت، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

Email: Dr_y_khodavredi@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۸/۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۱۰

طرح مسأله

یکی از طرق و نگرش‌های مطرح در این رابطه بازاریابی اجتماعی است. بازاریابی اجتماعی رویکرد علمی است که تلاش می‌کند تا با استفاده از فنون بازاریابی تجاری روش‌ها و جانشین‌های مناسبی برای حل مشکلات و مسائل اجتماعی، پیشنهاد و اهداف و مقاصد اجتماعی مانند تقویت رفتارهای خوشایند و خوب و آسایش خریدار در جامعه رواج داده شود. بازاریابی اجتماعی فقط پاسخ‌خواسته‌ها و احتیاجات افراد اجتماع را از راه فرایند مبادله مورد تاکید قرار نمی‌دهد، بلکه نیت و هدف بالاتری دارد و آن، اینست که به جای تشویق خریداران به خرید بیشتر کالاها و خدمات تولیدی، این مهم را در نظر بگیرند که مردم چه کالاهایی را باید بخرند. (خورشیدی و مقدمی، ۱۳۸۲)

دولت و نهادهای حاکمیتی هم باید هر گونه حمایت از تولید کنندگان داخلی مانند ارائه تسهیلات و یارانه و تغییر در سودهای گمرکی و معافیت‌های مالیاتی را منوط به افزایش مستمر و مستند کیفیت تولیدات کنند. صرفاً در چنین صورتی است که اقتصاد ایران از جا بر می‌خیزد و در چرخه رقابت جهانی قرار می‌گیرد. "تولید ملی؛ حمایت از کار و سرمایه ایرانی" نشان می‌دهد که "جهاد اقتصادی" عنوانی کلی بوده و "تولید ملی؛ حمایت از کار و سرمایه ایرانی"، توضیح مبسوط‌تر آن جهاد اقتصادی است. به بیان دیگر، این دو نام در ادامه یکدیگر این معنا را به ذهن متبادر می‌کنند که "جهاد اقتصادی" هرگز محقق نخواهد بود جز از طریق "تولید ملی" و تولید ملی هم صرفاً با "حمایت از کار و سرمایه ایرانی" میسر خواهد شد.

هر کالایی که از یک جامعه یا فرهنگ دیگر به جامعه‌ای دیگر صادر می‌شود بخشی از فرهنگ جامعه مبدأ را با خود به جامعه مقصد منتقل می‌نماید و چه بسا فلسفه‌ی اصلی صدور و راهیابی آن کالا به جامعه مقصد انتقال همین فرهنگ جدید باشد، چرا که فرهنگ‌ها زیربنای اصلی هر اجتماعی را تشکیل می‌دهند و تنها با حاکمیت فرهنگی است که می‌توان بساط سلطه بر یک جامعه را پهن کرد. تبدیل مصرف تولیدات داخلی در میان مردم به یک عادت، فرهنگ و مرتبه‌ی بالاتر یک فریضه، امری بسیار مبارک است که در این مجال سعی می‌کنیم به ابعاد و زمینه‌های فرهنگ‌سازی و ابزارهای آن اشاره کنیم. به نظر می‌رسد مهم‌ترین و حساس‌ترین پل ارتباطی میان مردم و برنامه‌ریزیان این امر، رسانه است.

بررسی‌ها در خصوص رفتار مصرفی مردم در درون کشور بیانگر این واقعیت است که رغبت ایرانی‌ها به خرید محصولات تولید داخل خیلی کمتر از سایر کشورهاست. عوامل مختلفی بر این عدم رغبت موثرند. یکی از مسائل موثر احتمالی تاثیرگذار در این قضیه، سطح پایین‌تر کیفیت تولیدات داخلی در برابر محصولات وارداتی است. تحقیقات مشخص کرده که هرچند کیفیت کالا قادر است تاثیر زیادی بر عدم رغبت استفاده از تولیدات داخلی داشته باشد، اما عاملی

که نقش ارجح تری در این راستا دارد، شاخص قوم‌گرایی است.

بازاریابی اجتماعی برای فروش محصولات مورد استفاده مصرف‌کنندگان برای فروش ایده‌ها و نگرش‌های آن‌ها نقش مهمی دارد. مصرف‌کنندگان به اتخاذ رفتارهایی می‌پردازند که باعث تقویت عملکرد سازمان می‌گردد. این بازاریابی با برطرف کردن مشکلات به حفظ رفتار افراد جامعه کمک زیادی می‌کند. این بازاریابی روندی برای ترویج رفتار داوطلبانه است. این روند به برقراری ارتباط و ایجاد ارزش جهت تاثیر پذیری مخاطبان از هدف بازاریابی نقش مهمی دارد (مالهوترا^۱ و همکاران، ۲۰۱۳).

برنامه‌های رسانه‌های اجتماعی در حال تغییر می‌باشد. کاربران آنلاین در این برنامه‌ها نقش پررنگتری دارند. در ایجاد و به اشتراک گذاری اطلاعات در رسانه‌ها کمک زیادی می‌کنند. تقریباً ۳۰٪ کاربران آنلاین به اشتراک گذاری (به عنوان مثال: فیلم‌ها، داستان‌ها، عکس‌ها) می‌پردازند. بیشتر نظراتشان را از این طریق ارائه می‌کنند (لنهارت^۲ و همکاران، ۲۰۱۰).

از آنجایی که گسترش بازارها و تنوع محصولات و افزایش محصولات و افزایش تعداد شرکت‌های تولیدی فضای رقابتی در بازار کسب و کار را به ارمغان آورده لذا توجه به اصول بازاریابی اخلاقی و مولفه‌های اخلاقی گرایانه در فروش محصولات نیز تاثیر بسزایی در موفقیت و سودآوری و ماندگاری شرکت‌ها را در بازار به دنبال خواهد داشت. اخلاق حرفه‌ای شاخه‌ای از اخلاق کاربردی است که بررسی تکالیف اخلاقی مورد نظر در یک حرفه‌های خاص مانند بازاریابی، وکالت یا مشاوره در زمینه تجارت الکترونیکی و مسائل اخلاقی آنها می‌پردازد. اخلاق حرفه‌ای در حقیقت یک فرایند تفکر عقلانی است که هدف آن محقق کردن این امر است که در سازمان چه ارزش‌هایی را چه موقع باید حفظ و اشاعه نمود و نسبت به آن پایبند بود. اخلاق بازاریابی به عنوان کاربرد ملاحظات اخلاقی برای تصمیمات بازاریابی تعریف می‌شود اخلاق بازاریابی می‌تواند به عنوان قضاوت اخلاقی و استانداردهای رفتاری در روی بازاریابی یا کد اخلاقی یا سیستم اخلاقی در حوزه بازاریابی بررسی شود به عبارت دیگر بازاریابی اخلاقی تحقیر اساسی و ساختار قوانین اخلاقی استانداردها و تصمیمات اخلاقی مربوط به تصمیمات و رویه‌های بازاریابی است. ابعاد اخلاق بازاریابی شامل اخلاق بازاریابی توصیفی و اخلاق بازاریابی هنجاری و همچنین اخلاق بازاریابی تحلیلی است.

مشارکت مشتری به عنوان میزان تعامل و همکاری با اعضای شرکا جهت توسعه محصولات معرفی شده است. شرکت‌ها جهت تقویت میزان عملکرد و درک انتظارات در رسانه‌های اجتماعی نیاز به مشارکت مشتریان دارند. به نقش متری در تولید و توزیع هم اشاره می‌کند.

1. Malhotra

2. Lenhart

در مدیریت ارتباط با مشتری از میزان تجربه و رضایت مشتریان استفاده می‌شود (ترینر^۱ و همکاران، ۲۰۱۴). ادغام فعالیت‌های مشتری مداری، در فرآیندهای سیستم‌ها و فناوری‌ها باعث درگیر شدن مشتریان و مشارکت بیشتر آن‌ها خواهد شد. استراتژی‌های بازاریابی به افزایش ارزش شرکت و عملکرد شرکت کمک زیادی می‌کند. رسانه‌های اجتماعی به شرکت‌ها در ایجاد روابط برای بهبود تجارت کمک می‌کند (وانگ و کیم^۲، ۲۰۱۷).

ضرورت انجام تحقیق

گرایش اندک هموطنان به استفاده از تولیدات داخلی مشکل بزرگی برای جامعه ایران در عصر حاضر است. این در شرایطی است که در صورت قبول درخواست عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی، موضوع گرایش به استفاده از تولیدات داخلی نسبت به کالاهای وارداتی به مسئله مهمی برای تولیدکنندگان داخلی تبدیل خواهد شد. زیرا در صورت عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی، با عنایت به از میان رفتن موانع غیرتعرفه‌ای در کوتاه مدت و کاهش موانع تعرفه‌ای در میان مدت، تنوع تولیدات خارجی موجود در بازار داخل افزایش یافته و از طرف دیگر قیمت نسبی آنها نسبت به گذشته کمتر خواهد شد. بنابراین در صورت پایین بودن گرایش ایرانی‌ها به خرید تولیدات ایرانی با نگاه خوشبینانه به تدریج و با نگاه بدبینانه به صورت دفعی تولیدات خارجی جایگزین تولیدات داخل می‌شوند و این موضوع می‌تواند آسیب جدی به صنایع به داخلی ایران بزند. لذا مدیران و سیاست‌گذاران با بررسی این عامل در جامعه ایرانی و عوامل موثر بر آن قادر به برنامه ریزی بهتر خواهند بود. بنابراین نیاز به ارائه راهکاری برای ایجاد فرهنگ حمایت از تولیدات داخلی به منظور حمایت از چرخه‌های تولید بسیار حیاتی و ضروری است.

پیشینه پژوهش

اجتماعی و عملکرد سازمانی فروشگاه‌های زنجیره‌ای صورت پذیرفت. هدف از این مطالعه بررسی نقش استراتژی رسانه‌های اجتماعی و ارتباط آن با فرهنگ سازمانی، یادگیری سازمانی، بلوغ سازمانی، چابکی سازمانی، شبکه‌های اجتماعی، جهت‌گیری نوآوری، استراتژی بازاریابی رسانه‌های اجتماعی و عملکرد سازمانی در فروشگاه‌های زنجیره‌ای است. یافته‌های شهر تهران نتایج نشان داد که مؤلفه‌های استراتژی بازاریابی رسانه‌های اجتماعی، فرهنگ سازمانی، یادگیری سازمانی، بلوغ سازمانی، چابکی سازمانی، شبکه‌های اجتماعی و جهت‌گیری نوآوری عوامل اصلی در بهبود عملکرد سازمانی فروشگاه‌ها هستند.

1. Trainor
2. Wang & Kim

ملکی و همکارانش (۱۳۹۶)، تحقیقی با عنوان "کاربردی از بازاریابی اجتماعی در حوزه سلامت" صورت پذیرفت. هدف از این مطالعه بررسی تأثیر مداخله مبتنی بر مدل بازاریابی اجتماعی در کاهش سزارین روده در زنان باردار بود. نتایج نشان داد که الگوی مخاطبان هدف از بازاریابی اجتماعی، چارچوبی علمی و مؤثر در طراحی اجرای و ارزیابی مداخلات برای کاهش سزارین فراهم می‌کند.

سلطانی و همکارش (۱۳۹۴)، تحقیقی با عنوان بررسی تأثیر ابعاد آمیخته بازاریابی اجتماعی بر پیشگیری از مصرف مواد مخدر صورت پذیرفت. پژوهش حاضر به بررسی تأثیر ابعاد آمیخته بازاریابی اجتماعی در جلوگیری از مصرف مواد مخدر در نوجوانان پرداخته است. نتایج نشان داد که پنج مؤلفه از آمیخته بازاریابی اجتماعی (پیشنهاد رفتار مطلوب، مقرون به صرفه بودن، هزینه، امکانات رفاهی اجتماعی، سیاست گذاری) در اهداف نوجوانان است. اجتناب از دارو اثر مثبت و معناداری دارد.

حاتمی نژاد و همکارانش (۱۳۹۳)، تحقیقی با عنوان توسعه ابعاد شهرنشینی با رویکرد مکتب بازاریابی اجتماعی صورت پذیرفت. هدف از پژوهش حاضر تبیین و معرفی رویکرد بازاریابی اجتماعی در رابطه با موضوعات برنامه ریزی شهری و موضوعات شهرنشینی در ایران، با تمرکز بر ارائه رفتارها و ایده‌های صحیح اجتماعی به شهروندان و جامعه شهری است و سعی در ارائه راه حل برای برخی از آن‌ها. این مشکلات شهری کشور را دارد. نتایج نشان می‌دهد که استفاده از مکتب بازاریابی اجتماعی و راهکارهای آن می‌تواند رفتار مطلوب را به شهروندان و شهروندان معرفی و ارائه کند، زمینه‌های شهرنشینی را به روشی مطلوب و در مورد موضوعاتی مانند فرهنگ شهروندی، درآمد پایدار فراهم کند، مشارکت شهروندان، ترافیک، شهرک سازی غیررسمی، آلودگی هوا، ناهنجاری‌های اجتماعی و غیره.

نظری و مرادی (۱۳۹۳) به بررسی تأثیر بازاریابی اجتماعی بر عملکرد بانکی مورد مطالعه: شعب بانک صادرات شهرستان ایلام پرداختند. پژوهش حاضر سه عامل فرایندی مشتری محوری فرایند مبادله و فرایند راهبردی را بر عملکرد بانکی موثر می‌داند روش تحقیق کاربردی توصیفی می‌باشد و جامعه آماری مربوط به کارکنان شعب بانک صادرات شهرستان ایلام می‌باشد ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه می‌باشد که با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است نتایج پژوهش نشان دهنده این است که بازاریابی اجتماعی و مؤلفه‌های آن تأثیر معناداری بر عملکرد بانکی دارند.

دمگان^۱ و همکاران (۲۰۱۷)، در تحقیقی با عنوان مدل سازی غیرخطی در بازاریابی

اجتماعی به بررسی مدل سازی غیرخطی در بازاریابی اجتماعی پرداخت. یافته‌ها نشان داد که روش‌های تحقیق خطی سنتی بازاریابی اجتماعی به اندازه کافی پاسخگوی مشکلات و پیچیدگی‌های بازاریابی اجتماعی نیستند. تغییر تکنیک‌ها و روش‌های غیرخطی مدل سازی بینش و درک مناسبی از پاسخگویی به مشکلات بازاریابی اجتماعی داشت.

لوفور^۱ (۲۰۱۳)، به بررسی ابزارها و استراتژی‌های بازاریابی اجتماعی برای بهبود سلامتی، بهبود زندگی و کیفیت محیطی می‌پردازد. نتایج تحقیقات وی نشان می‌دهد که یک رویکرد مردم محور بر اعتقادات و دیدگاه‌های مردم در تولید، طراحی و مدیریت برنامه‌هایی که در تلاش برای تغییر هستند تأکید می‌کند. وی بازاریابی اجتماعی را راهی خوب برای شناسایی مشکلات قدیمی و پیشبرد جامعه به سمت توسعه ایده‌های جدید می‌داند.

کندی و همکارانش (۲۰۱۰)، تأثیر استفاده از تکنیک‌های بازاریابی اجتماعی گروه محور در بهبود قوانین و مقررات محیطی را بررسی کرده‌اند. آن‌ها ترس از مجازات‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند و دریافته‌اند که بازاریابی اجتماعی پتانسیل بهبود مدیریت رفتارهای محیطی فردی را دارد، با استفاده از یک رویکرد سیستماتیک جامع برای شناسایی و رفع موانع تغییر. تغییر جامع رفتار، بازخورد و ارزیابی.

لندیس (۲۰۰۵)، در مطالعه‌ای به بررسی نقش بازاریابی اجتماعی در افزایش مشارکت مردمی برای بازیافت زباله در شهر اوهایو پرداخته است. یک گروه هدف از بین جمعیت شهری انتخاب شده و موانع مشارکت عمومی، شناسایی، راهکارها تدوین و سپس مورد استفاده قرار گرفت. نتایج این پروژه اثربخشی استفاده از بازاریابی اجتماعی را نشان داد.

امروزه بازاریابی اجتماعی به عنوان اقیانوس ناهموار اینترنت شناخته می‌شود. کاپلان (۲۰۱۱) بازاریابی اجتماعی را به عنوان ابزاری کلمه به دهان و همچنین فرم‌های پیام‌های بازاریابی یک برند یا شرکت محصول تعریف می‌کند. تاکنون تحقیقات زیادی در زمینه بازاریابی رسانه‌های اجتماعی انجام شده است. در این تحقیق محققان روش‌ها و مدل‌های متنوعی را برای بازاریابی رسانه‌های اجتماعی پیشنهاد داده‌اند. با وجود این اشتیاق زیاد خریداران، بسیاری از شرکت‌ها هنوز هم در استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای کمک به عملکرد بازاریابی خود شک دارند. نظریه شبکه‌های اجتماعی، تأثیرات و اهمیت رسانه‌های اجتماعی را در شبکه‌های اجتماعی توصیف می‌کند که افراد قادر به تعامل و فراهم آوردن مجموعه‌ای از دانش، اطلاعات و سایر سرمایه‌ها برای تسهیل اشتراک دانش، حل مسئله و اعتماد متقابل هستند.

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از لحاظ هدف تحقیق، تحقیقی کاربردی می‌باشد. در واقع هدف این تحقیق توسعه دانش کاربردی یک زمینه خاص می‌باشد. همچنین این تحقیق از نظر ویژگی‌های موضوع تحقیقی است بنیادی و توصیفی، از نظر زمان گردآوری داده‌ها مطالعه‌ای است پیمایشی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها تحقیقی میدانی است. که از ابزار مصاحبه استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش را خبرگان تشکیل می‌دهند که باتوجه به دانش و تجربیات خود بتوانند عوامل موثر بر ایجاد انگیزه و افزایش فرهنگ خرید تولیدات ایرانی را ارائه نمایند. که در زمینه رفتار مصرف‌کننده تخصص دارند.

روش نمونه‌گیری غیر احتمالی بوده که از روش زنجیره‌های / گوله برفی^۱ تبعیت می‌کند (ریمینیا و همکاران، ۱۹۹۸، بنیس، ۲۰۰۴) و حجم نمونه به دلیل متجانس بودن اعضاء حدود ۱۰ تا ۲۰ عضو در نظر گرفته می‌شود (دلپسکیو، ون دی ون و گاستفسون، ۱۹۸۶، استوری و همکاران، ۲۰۰۱، اوکولیا و پاولوسکی، ۲۰۰۴). که نهایتاً به تعداد ۱۰ نفر محدود گردید، در پژوهش‌های کیفی ملاک حجم نمونه کفایت و اشباع نظری است. اشباع نظر یعنی با ادامه مصاحبه از جامعه آماری خبرگان، شاخص یا سازه‌ی جدیدی شناسایی نشود. در این پژوهش در مصاحبه ۱۰ گراوری داده‌ها به مرحله اشباع رسید.

جدول زیر مراحل انجام پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱: مراحل انجام MAXQDA (منبع: ریگز، ۱۹۸۳، استوری و همکاران، ۲۰۰۱)

منابع	مراحل	فنون و ابزارها
ادبیات موضوع – زمینه پژوهش	تعریف مسئله	
	تعیین تخصص‌های لازم	
متخصصان موضوع	تعیین اندازه پانل و گزینش اعضاء آن	نمونه‌گیری غیر احتمالی (قضاوتی / زنجیره‌ای)
	آماده‌سازی پرسشنامه دور اول	اجرای آزمایشی روایی و اعتبار
	توزیع و گردآوری پرسشنامه	
	تحلیل کیفی پاسخ‌ها و مستندسازی ایده‌ها	تحلیل محتوی و دسته‌بندی

	آماده سازی پرسشنامه دور دوم	
	توزیع و گردآوری پرسشنامه	
	تحلیل کمی پاسخ ها	ترتیب اهمیت/میزان اهمیت
	دستیابی به اتفاق نظر	ضریب هماهنگی کندال / میانگین و انحراف معیار / معیارهای گزینش
	تنظیم نتایج و گزارش نهایی	

در ادامه به توضیح مشخصات خبرگان بخش کیفی (مدارک، شرایط احراز، تحصیلات، تخصص و ...) پرداخته شد.

جدول ۲: تعیین تخصص های لازم

متخصص	شرایط احراز	تحصیلات
استادان دانشگاه	استادیار، دانشیار، استاد	دکتری بازاریابی
مدیران فروش لوازم خانگی	۱۰ سال سابقه کار اجرایی	لیسانس، فوق لیسانس و دکتری در زمینه بازاریابی

مشخصات خبرگان به شرح زیر می باشد:

۱. اساتید دکتری مدیریت بازرگانی (بازاریابی، بین الملل، استراتژیک، رفتار سازمانی) عضو هیات علمی دانشگاه های آزاد اسلامی (واحد اهر، قزوین) و دانشگاه های دولتی (بین المللی امام خمینی (ره))، هریک از اساتید دست کم ۵ سال سابقه تدریس در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری داشته و بعنوان مشاور بازاریابی در موسسات دولتی و خصوصی مشغول به فعالیت می باشند.

۲. صاحب نظران مدیریت بازرگانی که در زمینه رفتار مصرف کننده و ارتباط با مشتری فعالیت داشته اند و بعنوان مجری و مشاور بازاریابی مشغول به کار هستند.

۳. تعدادی از مدیران فروش با سابقه و موفق استان که دارای دست کم ۲۰ سال سابقه در زمینه فروش لوازم خانگی هستند.

در این پژوهش از تحلیل محتوای تلخیصی استفاده شده است. مطالعه ای که از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تلخیصی استفاده می کند با شناسایی و کمی کردن کلمات یا مضامین ویژه موجود در متن، با هدف فهم چگونگی کاربرد این کلمات یا محتوای آنها در متن آغاز می شود. این کمیت سازی نه تنها تلاشی برای فهم معنای کلمات است، بیشتر از آن، کشف کاربرد این کلمات در متن است. تحلیل کردن برای نمود یک کلمه یا مضمون ویژه در

متن، نشانی از تحلیل محتوای واضح و مشخص است (پوتر و ایواین، ۱۹۹۹). اگر تحلیل در همین حد باز ایستد، تحلیلی کمی به شمار می‌آید که تمرکز آن روی شمار فراوانی مضمون یا واژگان ویژه است (کندراکی و ولمن، ۲۰۰۲) که برای انجام تحلیل محتوای تلخیصی از نرم افزار MAXQDA استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

نتایج مصاحبه از خبرگان با روش گردند تئوری از طریق نرم افزار maxqda صورت گرفت که نتایج کدگذاری باز، محوری و انتخابی در جدول ۳، ارائه شده است و همچنین مدل استخراجی در شکل ۱ به عنوان خروجی نهایی روش گردند تئوری مطرح گردیده است.

الف. کدگذاری باز: بعد از نسخه برداری یک مصاحبه، کدگذاری باز شروع شد. منظور از کدگذاری باز تجزیه مجموعه گردآوری شده به کوچک‌ترین جزیهای مفهومی ممکن است (منصوریان، ۱۳۸۶). در کدگذاری باز متن مصاحبه بارها و بارها خوانده شد و بعد از نشانه گذاری و شکستن داده‌ها، هر مفهومی که به ذهن می‌رسید در نظر گرفته می‌شد. در این قسمت محدودیتی برای نام گذاری مفاهیم وجود ندارد. بنابراین تعداد کدها در این مرحله بسیار زیاد بود (حدود ۴۱۰ کد). اما رفته رفته به علت تکراری بودن اطلاعات این کدها کمتر شد. کدگذاری گاهی از ذخیره مفهومی که پژوهشگر قبلاً در مطالعات حرفه‌ای خود گرفته بود، نشأت می‌گرفت و گاهی از واژه‌هایی که مصاحبه‌شونده به کار برده بود، استفاده می‌شد. کدهای اخیر، اصطلاحات کد زنده نام دارند. یک متن می‌تواند با چشم اندازه‌های مختلف گذاری شود. مسأله پژوهش، افق فکری و تحلیلی پژوهشگر و میزان درگیری وی با محیط پژوهش، سبک متن مصاحبه از جمله مواردی هستند که کدگذاری یک متن را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این قسمت از پژوهش حاضر، مفهوم‌های مشابه شناسایی شد و زیر عنوان خرده مقوله‌ها و مقوله‌های ویژه‌ای طبقه بندی شدند. توضیح اینکه، مقوله باید از دیگر مفهوم انتزاعی‌تر باشد (استراس و کوربین، ۱۳۸۵). نام خرده مقوله در نظر گرفته شده در این پژوهش نیز انتزاعی‌تر از مفهومی‌هایی است که مجموعه هر خرده مقوله را تشکیل می‌دهند. این روند برای مقوله‌ها رعایت شده است. بطوری که، عامل‌های معرفی شده تحت عنوان خرده مقوله، انتزاعی‌ترین نام‌های مفهومی هستند که با برقراری پیوند میان آنها الگوی پژوهش ترسیم می‌شود.

ب. کدگذاری محوری: طبقه بندی و مقوله پردازی در کدگذاری باز به کاهش تعداد واحدهای می‌انجامد که باید با آنها کار کنیم. این کار به روند اجرای گراندد تئوری، در مرحله کدگذاری محوری کمک می‌کند. کدگذاری در این مرحله به صورت محوری و با توجه به فرایند نهفته در داده‌ها صورت گرفت. برای سهولت دستیابی به فرایند نهفته در داده‌ها از پارادایم کدگذاری استراس و کوربین استفاده شد. بر این اساس در این مرحله از طبقه بندی تلاش شد تا

کدها علاوه بر توجه به خصوصیات و ابعاد مشترک، براساس شرایط، کنش و واکنش و پیامدهای حاصله حول محور مشترک قرار گیرند. به عبارت دیگر، در این مرحله با برقراری پیوند میان مقوله ها، اطلاعات به شیوه های جدیدی با یکدیگر پیوند می یابند. پیوند میان مقوله های اصلی و بعدهای شناخته شده در پژوهش حاضر در شکل ۱، نشان داده شده است.

پ. کدگذاری انتخابی: کدگذاری انتخابی آخرین مرحله کدگذاری است که در آن مقوله اصلی انتخاب شده و پیوند آن با دیگر مقوله های مشخص می شود. تفسیر و بیان رابطه ها میان مقوله اصلی و دیگر مقوله ها با توجه به مدل ارائه شده پژوهش صورت می گیرد. چرا که در کدگذاری محوری اساس کدگذاری انتخابی پی ریزی می شود (استراس و کوربین، ۱۳۸۵). در این پژوهش مقوله های مدیریت دانش، عوامل فناوری، مشتری محوری، تعامل مفید، خلق ارزش مشتری شناسایی شدند. به عبارت دیگر عوامل فوق پاسخ به اولین سؤال پژوهش، مولفه های موثر در این زمینه کدامند؟ می باشند که در ادامه به هر یک پرداخته می شود. در جدول (۳) پاسخ ها به و سیله نرم افزار مکس کیودی کد گذاری شده است و بعد از آن عوامل موثر بر اساس این کدها شناسایی و تقسیم شدند.

جدول ۳: کدگذاری باز پژوهش

مقوله	کد	ردیف
ارتقاء سطح کیفیت کالاهای تولید داخل	نظارت بر کیفیت و خدمات پس از فروش کالاهای داخلی	۱
	نظارت بر خدمات پس از فروش و تعهداتی که تولیدکنندگان برای - جذب مشتری می دهند ولی عمل نمی کنند به عنوان عاملی برای ترغیب خریداران	۲
	استفاده از افراد ماهر به عنوان یک راهکار برای بهبود کیفیت کالاهای داخلی	۳
	بهبود و توسعه روابط دانشگاه و صنعت به عنوان یک عامل بهبود دهنده ی تولید و کیفیت	۴
	بالا بردن کیفیت کالاها به عنوان یک راه حل برای بهتر شدن قصد خرید	۵
	کالاهای داخلی مشتریان داخلی	
اطلاع رسانی و تبلیغ کالاهای ساخت داخل	مدیریت فضای رقابتی کشور و عدم حمایت صرف از تولیدکنندگان داخلی بلکه حمایت از آن ها در راستای بهبود تدریجی کیفیت	۶
	عدم شناخت و آشنایی مشتریان با کالاهای داخلی	۷
	در نظر گرفتن شرایط تسهیلی برای تولید کنندگان داخلی برای تبلیغات در صدا و سیما	۸

ردیف	کد	مقوله
۹	امکانات کالای خریداری شده برای مشتری در جهت خریدن این کالاها (در نظر گرفتن آپشن‌ها و امکانات متناسب با نیازهای مشتریان)	بهبود ارزشمندی کالاهای تولید داخلی
۱۰	مصرف کم انرژی به عنوان یک عامل برای تصمیم‌گیری افراد در جهت خریدن کالاهای خارجی	
۱۱	تعمیر ناپذیری برخی کالاهای ایرانی	
۱۲	ارتقای سطح کیفی بسته بندی کالاها به عنوان یک راه حل برای ترغیب خرید مشتریان به کالاهای داخلی	
۱۳	ثبات رویه در جهت تولید یک کالای داخلی در بلند مدت برای مشتریان	
۱۴	ایجاد تفاوت‌های قیمتی فاحش به عنوان یک راهکار برای خریدن بیشتر از کالاهای داخلی	
۱۵	نظارت بر تولید و کیفیت کالاهای ایرانی	
۱۶	اجباری نمودن استاندارد برای کالاهای ساخت داخل بدون استاندارد	
۱۷	ایجاد بازار آزاد و عدم حمایت دولت از شرکت‌ها و تولیدات ناکارا	بهبود فضای کسب و کار در کشور
۱۸	مقابله با قاچاق محصولات خارجی	
۱۹	بهبود فضای کسب و کار در کشور	
۲۰	توسعه و حفظ آرامش و ثبات سیاسی و اقتصادی	
۲۱	خصوصی سازی به عنوان یک راهکار برای بهبود شرایط و کیفیت تولید کالاهای داخلی	
۲۲	رقابتی کردن فضا و عدم حمایت صرف دولت از شرکت‌های داخلی به عنوان یک راهکار	
۲۳	مقبولیت خرید از طریق اینترنت	
۲۴	حرکت به سمت تولید و ایجاد کارخانه در صنایعی که توان تولید با کیفیت متناسب و قیمت کم برای صادرات و دارای مزیت رقابتی	حمایت از توسعه صنایع دارای مزیت نسبی
۲۵	هدف‌گذاری برای صادرات و تمرکز بر آینده‌نگری به عنوان یک راه‌حل برای تولیدکنندگان و بهبود کیفیت کالاهای تولیدی توسط آنها	

ردیف	کد	مقوله
۲۶		سرمایه گذاری بیشتر بر روی کالاهای با قیمت پایین تر و کوچکتر نسبت به کالاهای با قیمت زیاد و ریسک بالاتر
۲۷		پیاده سازی و اجرای منشورهای اخلاقی در شرکتهای داخلی
۲۸		انتقال نیروی کار و عوامل تولید از تولید بدون بهره‌وری به سمت تولید در حوزه‌هایی با بهره‌وری و مزیت نسبی بالاتری به عنوان یک راهکار در صورت ورشکسته شدن شرکت‌ها
۲۹		حمایت از تولیدکنندگان داخلی دارای ارزش افزوده به عنوان یک راه کار برای بهبود کیفیت تولید کارخانجات داخلی
۳۰		مدیریت تعرفه‌ها با هدف حمایت از تولید داخل و توانان ترغیب تولیدکنندگان به بهبود تدریجی کیفیت
۳۱		حمایت مالیاتی از تولیدکنندگان با کیفیت داخلی
۳۲		اجبار تولیدکنندگان بزرگ خارجی دارای سهم بازار بالا در کشور برای داخلی سازی محصولات
۳۳		نقش صداقت داشتن با مردم در ترغیب آنها به خرید کالاهای داخلی
۳۴		تاکید بیش تر بر رشد پله به پله و نردبانی برای موفقیت و ایجاد فرهنگ صبر
۳۵		اولویت داشتن فرهنگ‌سازی نسبت به تبلیغات کالایی و کشورگرایی
۳۶		تاثیر داشتن نظرات و بیانات شخصیت‌های دولتی و حکومتی در قصد خرید کالاهای داخلی ایرانی‌ها
۳۷		ارائه تسهیلات و پروموشن‌های فروش برای فروشندگان برای ترغیب و تبلیغ کالاهای تولید داخل
۳۸		تبلیغ برای باور به محصولات و کالاهای تولید داخل
۳۹		بازگرداندن اعتماد به مردم به عنوان یک راهکار برای ترغیب شدن ملت به خرید کالاهای داخلی
۴۰		مضر بودن قرعه‌کشی‌ها و تبلیغات ناصحیح شرکت‌ها و پرت شدن حواس مردم از کیفیت به مسایل بی‌اهمیت
۴۱		تاثیر مثبت تبلیغات دهان به دهان (توصیه دوستان، فامیل و آشنایان) بر خرید

ردیف	کد	مقوله
۴۲	تاثیرگذاری تلویزیون به عنوان یک عامل کلیدی در جهت خط‌دهی به افکار مردم برای خرید کالاهای مختلف	
۴۳	گسترش روش‌های جست و جو برای کالا و عوامل تاثیر گذار در خرید یک کالا	
۴۴	اهمیت قیمت برای مشتری در جهت خرید یک کالا	میزان اهمیت قیمت کالا برای خریدار
۴۵	اهمیت کشور سازنده‌ی (مبدا) کالا برای مشتری	میزان اهمیت کشور سازنده کالا برای مشتری
۴۶	اولویت داشتن قیمت بر کیفیت در خرید مشتری‌ها	میزان اهمیت کیفیت کالا برای خریداران
۴۷	تاکید بیش‌تر مسولای ما بر حرف زدن تا این که عمل‌گرایی داشته باشند	میزان عملگرایی مسئولین و دوری از شعار
۴۸	مقبولیت خرید از طریق اینترنت	
۴۹	تاثیر مثبت رتبه بندی اینترنتی کالاها در قصد خرید کالای مورد نظر	میزان مقبولیت خرید از طریق اینترنت
۵۰	تاثیر اینترنت در قصد خرید کالاهای مختلف	
۵۱	شیوع فروش اینترنتی	
۵۲	ترجیح کالاهای داخلی به خارجی	ترجیح کالاهای داخلی به خارجی
۵۳	افزایش تاب آوری اقتصادی	افزایش تاب آوری اقتصادی
۵۴	بهبود رقابت پذیری ملی	بهبود رقابت

ردیف	کد	مقوله
		پذیری ملی
۵۵	بهبود فضای کسب و کار در کشور	بهبود فضای کسب و کار در کشور
۵۶	بهبود همبستگی ملی	بهبود همبستگی ملی
۵۷	توسعه و رشد اقتصادی	توسعه و رشد اقتصادی
۵۸	مصرف کم انرژی به عنوان یک عامل برای تصمیم‌گیری افراد در جهت خریدن کالاهای خارجی خریدن کالاهای خارجی	برتری‌های کالاهای خارجی
۵۹	وجود تحریم‌ها و عدم امکان واردات فناوری به روز	به روز نبودن فناوری تولید تولیدکنندگان داخلی
۶۰	عدم سنجش نیازهای مشتریان توسط تولیدکنندگان برای تولید	پایین بودن ارزشمندی محصولات داخلی نسبت به محصولات خارجی
۶۱	عدم استمرار تولید و نداشتن ثبات رویه در جهت تولید کالای داخلی در بلند مدت برای مشتریان	
۶۲	تعمیر ناپذیری برخی کالاهای ایرانی	
۶۳	ضعف وجدان کاری در میان برخی کارکنان و اندیشه‌های اخلاقی در شرکت‌ها به عنوان عاملی برای بهره‌وری و کیفیت پایین محصولات	
۶۴	عدم رعایت تنوع و احترام به سلیقه مختلف مشتریان در تولیدات داخلی	
۶۵	بسته بندی و ظاهر نامناسب اجناس داخلی	
۶۶	قدیمی بودن فناوری تولید در شرکتهای داخلی	
۶۷	وضعیت قراردادی کارکنان شرکت‌ها و در نتیجه احساس عدم امنیت شغلی و تاثیر آن بر بی‌انگیزگی کارکنان و دقت کم در تولید	
۶۸	تاثیر تبلیغات اینترنتی در قصد خرید کالاهای مختلف خارجی	

ردیف	کد	مقوله
۶۹	عدم استمرار تولید و نداشتن ثبات رویه در جهت تولید یک کالای داخلی در بلند مدت برای مشتریان	
۷۰	دوام و کارکرد بهتر محصولات خارجی نسبت به محصولات مشابه داخلی	
۷۱	ترغیب و تبلیغ فروشندگان به خرید کالاهای خارجی	تبلیغات دهان به دهان مثبت به نفع کالاهای خارجی
۷۲	تأثیر تجربیات قبلی مثبت خود خریدارن کالاهای خارجی در قصد خرید کالاهای خارجی جدید	تجربیات قبلی مثبت شهروندان به نفع خرید کالاهای خارجی
۷۳	اشراف به اهمیت خریدن کالاهای داخلی، اما در نظر گرفتن منافع خویش	ترجیح منافع فردی بر منافع ملی
۷۴	ترجیح منافع فردی بر منافع ملی	
۷۵	عدم اعتماد نسبت به اخبار موجود در رسانه‌ها و اعتقاد به سیاه‌نمایی تولیدکنندگان داخلی	ذهنیت منفی به تولیدات داخلی
۷۶	وجود ذهنیت منفی نسبت به تولیدکنندگان داخلی و تأثیر آن بر گرایش‌های مصرفی مردم	
۷۷	بازتاب نظرات منفی مصرف‌کنندگان قبلی کالا و اثر آن بر خرید کالاها	
۷۸	وجود ذهنیت منفی نسبت به تولیدکنندگان داخلی و تأثیر آن بر گرایش‌های مصرفی مردم	
۷۹	تأثیر ست‌همانگ (بودن کالاهای لوازم خانگی در منزل بر قصد خرید کالاها صرفاً از همان نوع کالا).	ست‌گرایی به عنوان عامل خرید کالاهای خارجی
۸۰	فرهنگ عجول بودن برخی به عنوان یک عامل فرهنگی تضعیف‌کننده موفقیت تولیدکنندگان داخلی	سیاست‌های نامناسب دولت
۸۱	عدم فشار دولت بر تولیدکنندگان برای تولید کالای مناسب‌تر	
۸۲	اتخاذ استراتژی اشتباه توسط دولت برای فشار به مصرف‌کننده برای خرید	

ردیف	کد	مقوله
	کالاهای داخلی	
۸۳	اعتقاد مشتریان به ورشکسته شدن کارخانجات با کیفیت به دلیل عدم حمایت مناسب قانونی	
۸۴	بی‌ثباتی سیاست‌ها و قیمت‌ها و سیستم‌ها یا اقتصادی به عنوان انگیزه‌های برای مصرف‌گرا شدن مردم و رو آوردن به تجملات و چشم و هم‌چشمی	
۸۵	عدم نظارت بر کیفیت و خدمات پس از فروش کالاهای داخلی	
۸۶	ضعف مهارت‌های تصمیم‌گیری سیاستگذاران	
۸۷	وجود اختلاف میان مدیران نظام و حکومت و عدم توافق بر یک استراتژی واحد و ثبات رویه	
۸۸	ضعف شناخت و آشنایی مشتریان با کالاهای داخلی	
۸۹	ناتوانی برخی تولیدکنندگان داخلی برای تبلیغات در صدا و سیما	ضعف شناخت شهروندان از کالاهای داخلی
۹۰	عدم تاکید تبلیغات شرکت‌ها بر روی ایرانی بودن کالاهای خودشان و عدم شناخت ایرانی‌ها نسبت به کالاهای داخلی	
۹۱	قاچاق به عنوان یک عامل تضعیف‌کننده ی تولیدات داخلی	قاچاق کالاهای خارجی به عنوان عامل تضعیف‌کننده تولیدات داخلی
۹۲	مناسب نبودن روابط دانشگاه و بازار به عنوان یک عامل کاهش دهنده ی تولید و کیفیت آن	
۹۳	گوشه‌نشین شدن افراد با صلاحیت روی کار آمدن افراد بی صلاحیت	مشکلات درون سازمانی تولیدکنندگان داخلی
۹۴	نارضایتی کارکنان برخی شرکت‌ها و تاثیر این نارضایتی بر کیفیت و شرایط تولید کالا	
۹۵	وجود فساد اداری و دست‌های پنهان در اقتصاد ملی کشور به عنوان مانع رشد تولیدات داخلی و کیفیت آنها	

ردیف	کد	مقوله
۹۶		ضعف رعایت شایسته‌سالاری در شرکت‌های داخلی
۹۷		وجود فرهنگ تجمل‌گرایی در میان مردم ایرانی به عنوان عاملی برای خریدن کالاهای خارجی به منظور اثبات منزلت اجتماعی
۹۸		گسترش فرهنگ تجمل‌گرایی و اهمیت دادن به مارک‌های تجاری خارجی
۹۹		وجود فرهنگ بیگانه‌دوستی در اکثر زمینه‌ها بین ایرانی‌ها
۱۰۰		عدم اعتماد داخلی نسبت به کالاهای ایرانی که حتی کیفیت مناسبی دارند
۱۰۱		وجود فرهنگ چشم و هم چشمی
۱۰۲		وجود تحریم‌ها و عدم واردات فناوری به روز
۱۰۳		تأثیر تحریم‌های اقتصادی به عنوان عامل تأثیر گذار بر واردات مواد اولیه‌ی بدون کیفیت تولیدات داخلی
۱۰۴		حمایت نادرست و ناکارآمد دولت از شرکت‌های بی کیفیت و ضعف حمایت دولت از بخش‌های مولد تولید
۱۰۵		تأثیر حمایت همه جانبه دولت از بنگاه‌ها که باعث تنبیل شدن بیشتر کارخانه‌ها شده است
۱۰۶		عدم فشار دولت بر تولیدکنندگان داخلی برای تولید کالای مناسب و مورد پسند مشتری
۱۰۷		تجربیات منفی در حوزه‌ی حمایت‌های همه جانبه‌ی دولتی از تولیدکنندگان (خودرو)
۱۰۸		تأثیر حمایت همه جانبه دولت از بنگاه‌های داخلی و تنبیل شدن تولیدکنندگان

ردیف	کد	مقوله
۱۰۹		وجود ذهنیت منفی نسبت به تولیدکنندگان داخلی و تاثیر آن بر گرایش‌های مصرفی مردم
۱۱۰		تاثیر کم تبلیغات دولتی و حکومتی در راستای عدم خرید کالاهای خارجی
۱۱۱		ذهنیت منفی نسبت به دولت و دستورالعمل‌های دولتی
۱۱۲		فضای بی اعتمادی میان دولت و مردم و تاثیر آن بر کم نتیجه بودن تبلیغات
۱۱۳		وجود دید منفی نسبت به مدیران شرکت‌ها
۱۱۴		وجود ناباوری داخلی نسبت به کالاهای ایرانی که حتی تجربه ثابت کرده است که کیفیت مناسبی دارند
۱۱۵		عدم توافق بر یک استراتژی واحد و فقدان ثبات رویه مدیران دولتی و سیاستگذاران (فقدان یکپارچگی سیاست‌ها در تدوین و اجرا)
۱۱۶		بی ثباتی سیاست‌ها و قیمت‌ها و سیستم‌های اقتصادی به عنوان انگیزه‌های برای مصرف‌گرا شدن مردم و رو آوردن به تجملات و چشم و هم‌چشمی
۱۱۷		کاربلدنبودن تصمیم‌گیرندگان
۱۱۸		نیاز اولیه‌ی کشور قبل از هرگونه تغییری به آرامش و ثبات اقتصادی (مشنج بودن فضای اقتصادی و سیاسی)
۱۱۹		ضعف فرهنگ عجزول بودن برخی به عنوان یک عامل فرهنگی تضعیف‌کننده‌ی موفقیت تولیدکنندگان داخلی
۱۲۰		ضعف کارآمدی شرکت‌های داخلی
۱۲۱		اتلاف سرمایه و اتلاف نیروی کار در شرکتهای داخلی
		هزینه بر بودن خدمات پس از فروش تولیدات داخلی و عدم پوشش همه جانبه‌ی خدمات پس از فروش برای کالاهای داخلی

ردیف	کد	مقوله
۱۲۲		قرعه‌کشی‌ها و تبلیغات ناصحیح شرکت‌ها و پرت شدن حواس مردم از کیفیت به مسایل بی‌اهمیت
۱۲۳		وضعیت قراردادی کارکنان شرکت‌ها و در نتیجه احساس عدم امنیت شغلی و تاثیر آن بر بی‌انگیزگی کارکنان و دقت کم در تولید
۱۲۴		ضعف رعایت شایسته‌سالاری در شرکت‌های داخلی
۱۲۵	ضعف همبستگی ملی	ضعف همبستگی ملی
۱۲۶		ترجیح داشتن منافع فردی بر منافع جمعی
۱۲۷		ما اول به جیب خودمون نگاه می‌کنیم بعد به منافع اقتصادی کشور
۱۲۸		وجود آمارهای غیر شفاف در صنعت
۱۲۹		ضعف آموزش عملی و کاربردی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور
۱۳۰		فضای نامناسب کسب و کار در کشور
۱۳۱		موانع قانونی بر سر راه رقابت و شرایط اقتصادی مناسب
۱۳۲		وجود فرهنگ تنبلی و تن‌پروری
۱۳۳		ترس مسولان از ایجاد تغییرات به نفع مصرف‌کنندگان (به خطر افتادن منافع عده‌های خاص در صورت ترغیب کالاهای داخلی)
۱۳۴		وجود فساد و دست‌های پنهان در اقتصاد ملی کشور به عنوان عاملی جلوگیری‌کننده از رشد تولیدات داخلی

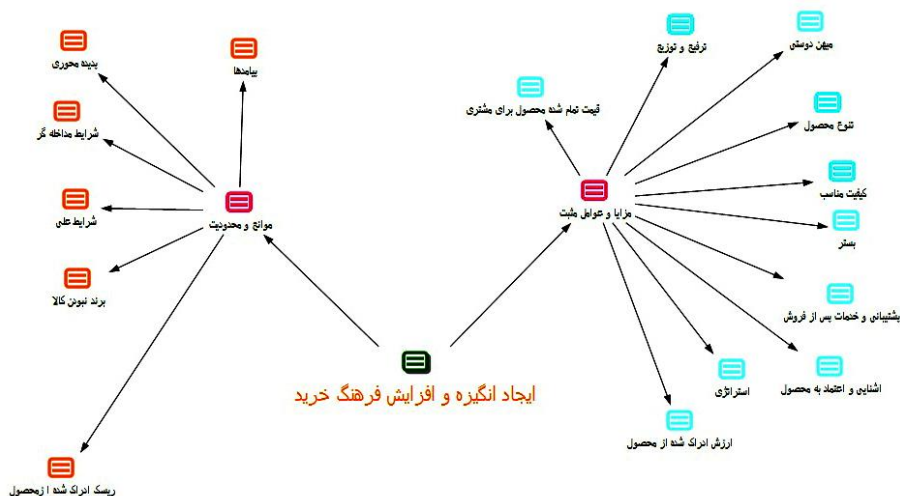
ردیف	کد	مقوله
۱۳۵	وجود فساد اداری در شرکتهای تولیدی (دزدی در محصول و قطعات و..)	
۱۳۶	تاثیر مثبت برند بر انتخاب یک محصول	برند سازی
۱۳۷	بد جا افتادن برندهای داخلی	محصولات
۱۳۸	اطلاع رسانی تجارب خود کالاهای داخلی به منظور جا انداختن برندهای داخلی	داخلی
۱۳۹	ضعف در نظام توزیع کالاهای ساخت داخل	ساماندهی نظام توزیع کالاهای ساخت داخل

جدول ۴: کدگذاری محوری و گزینشی پژوهش

کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی (متغیرهای مستقل)
ارتقا محصول - ارسال محصولات در زمان کم - دسترسی آسان به تولید کننده	ترفیح و توزیع
ایجاد هویت برای محصول - کاربری مناسب محصول	ارزش ادراک شده از محصول
ارتقا کیفیت - حمایت از صنایع - سازماندهی	استراتژی ها
تبلیغات - اطلاعات - قیمت	بستر
کاهش قیمت تولید کالا - نظارت بر قیمت گذاری	قیمت تمام شده محصول برای مشتری
جا افتادن برند های داخلی - کیفیت قابل قبول محصولات	آشنایی و اعتماد به محصول
توجه به مصرف کننده - تضمین سرویس دهی و ...	پشتیبانی و خدمات پس از فروش
توجه پیشرفت کشور - افزایش رفاه اجتماعی و اقتصادی	میهن دوستی
رقابت پذیری - همبستگی - توسعه	پیامد ها
مارک ناشناس - تازه کار بودن	برند نبودن کالا

کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی (متغیرهای مستقل)
فساد اداری - ضعف فرهنگ - تحریم	شرایط مداخله گر
توجه به چارچوب‌های محیطی - تحت تاثیر قرار گرفتن شرایط محیطی و ...	پدیده محوری
کاهش ریسک خرید کالا - دسترسی آسان به تولید کننده - امکان عودت محصول و ...	ریسک ادراک شده از محصول
بیگانه پرستی - چشم و هم چشمی - فناوری قدیمی	شرایط علی
بهبود دوام محصول - رقابت با کالاهای خارجی	کیفیت مناسب
اندازه و ابعاد مختلف - شکل بندی متفاوت - تنوع قیمتی و کیفیتی محصول	تنوع محصول

در نهایت با توجه به جداول ارائه شده مدل مفهومی پژوهش با استفاده از روش گرنند تئوری و از طریق نرم افزار مکس کیو دی ای بصورت زیر ارائه می شود.



شکل ۱: مدل مفهومی از روش گرنند تئوری با استفاده از نرم افزار Maxqda

نتیجه گیری

با توجه به مدل مفهومی پیش رو به این نتیجه رسیدیم که ۲ دسته از عوامل می تواند در ایجاد انگیزه و افزایش خرید محصولات داخلی موثر باشد که هر یک از آنها دارای متغیر هایی می باشد. می توان با تکیه بر این عوامل شناسایی شده و ارائه راهکارهایی مناسب جهت تقویت آنها زمینه را برای افزایش ترغیب هم میهنان در جهت خرید محصولاتی داخلی فراهم شود.

تعاملات بالایی شرکت ها با مشتریان می تواند فرهنگ کار تیمی را تقویت نموده و همکاری مشتریان را در حد بالایی تقویت کند و از طریق همین تغییرات عملکرد در زمینه های سهم بازار، رشد فروش و ... بالاتر ببرد. بازاریابی اجتماعی می تواند به طور غیر مستقیم و با دخالت و مشارکت مشتریان خود که متغیری خارجی محسوب شده و به کارایی کارکنان و خود شرکت مربوط نمی شود، عملکرد را تحت تاثیر قرار داده و تقویت کند.

براساس مفهوم بازاریابی اجتماعی، مدیران بازاریابی سازمان ها ناگزیرند در تعیین راهبردها و خط مشی های بازاریابی خود عوامل مهمی نظیر خواسته های مصرف کنندگان و منافع جامعه در کوتاه مدت و بلند مدت را در نظر بگیرند. اجتماعی تأثیرگذاری بر رفتارهای اجتماعی و انسانی است. در بازاریابی اجتماعی کسب سود و منافع شخصی اولویت اصلی به شمار نمی رود. به عبارت دیگر، تأکید بازاریابی اجتماعی تنها ارضاء نیازها و خواسته های افراد اجتماع از طریق فرآیند مبادله و داد و ستد نیست؛ بلکه هدف و مقصد والاتری دارد و آن تأثیرگذاری بر اعمال و رفتار افراد در اجتماع است که مدیریت می تواند با اعمال این رفتار مشارکت مشتریان را بیشتر کند و بر جذب مشتری کمک نماید.

از آن جایی که در بازاریابی اجتماعی تضاد و تناقض بین نیازها و خواسته های کوتاه مدت و بلندمدت در نظر گرفته نمی شود. با استفاده از راهکارهای مناسب برای حل مشکلات و مسائل اجتماعی پیشنهاد و اهداف و مقاصد اجتماعی نظیر رفاه مشتری را در جامعه افزایش دهد. بازاریابی اجتماعی می تواند با ترغیب کردن مردم و آگاه کردن آنها از این که نیازهای اصلی آنها از خرید محصولات چه چیز است. باعث می شود عملکرد شرکت با فروش بیشتر و بهتر بالاتر رود.

مشتریان به عنوان استفاده کنندگان نهایی از محصولات و خدمات، جزء با ارزش ترین منبع اطلاعات و ایده های جدید برای محصولات و خدمات کسب و کارها می باشند. بنابراین سازمان ها از طریق اجرای برنامه های بازاریابی، بررسی رضایت مشتریان، نظرخواهی از مشتریان، ایجاد سایت های اینترنتی و دیگر شبکه های ارتباطی به دنبال پاسخ به این سئوال هستند که واقعاً مشتریان چه می خواهند؟ با توجه به اهمیت نظر مشتریان می توان بیان نمود که مشتری طبق نتایج این تحقیق تاثیر زیادی بر عملکرد شرکت دارد. با توجه به اهمیت رضایت مشتریان

اخلاق حرفه‌ای تاثیر چشمگیری بر فعالیت‌ها و نتایج سازمان دارد. اخلاق حرفه‌ای و بهره‌وری را افزایش می‌دهد و ارتباط را بهبود بخشد و درجه خطر پذیری را کاهش میدهد. رعایت اخلاق از سوی شرکت‌ها و موسسات تاثیر مثبت و معناداری بر اعتماد و رضایت مشتری داشته است و این رضایت و اعتماد تاثیر بسزایی بر وفاداری مشتری خواهد داشت. همچنین باید توجه داشت که بازاریابی اخلاقی بر میزان فروش تاثیر بسزایی داشته است است همچنین ضعف در سیستم اخلاقیات منجر به کاهش ارتباطات و افزایش خسارات سازمانی می‌گردد فروضات امروز تا حدی اهمیت یافته است که موفقیت را برگرفته از اخلاق حرفه‌ای می‌دانند و اخلاق حرفه‌ای را مرتبط با اعتماد آفرینی فرض میکنند

همچنین می‌توان پیشنهادهای زیر را برای بهبود و عملکرد بهتر شرکت‌ها ارائه نمود. کلاس‌های حضوری و مجازی آموزشی برای مشتریان برگزار کرده و با در نظر گرفتن شرایط ویژه فروش به مشتریان عمده، پس از حضور در کلاس‌ها، مشارکت را برای بهبود عملکرد افزایش دهند.

راه‌های ارتباطی مانند رسانه‌های اجتماعی ایجاد کرده و با به وجود آوردن زمینه‌های بحث آزادانه مانند پرسش‌های چالش برانگیز، بازاریابی اجتماعی را برای مشارکت و عملکرد بیشتر تقویت نمایند.

جهت بهبود روابط بین کارکنان ماهانه جلساتی را برای دریافت پیشنهادات از کارکنان تشکیل دهند و در طی این جلسات مشکلات را ارائه داده و راه‌حل‌های آن را از کارکنان دریافت نموده و با بررسی‌های صورت گرفته از مشاوران در صورت اجرایی شدن آن‌ها را انجام دهند. انجام کارها را بصورت زنجیروار انجام دهند تا این امر باعث شود کارکنان ارتباط بیشتری با هم داشته و روابطشان نزدیکتر گردد. جو صمیمیانه‌ای را برای شرکت ایجاد نمایند تا تا کارنان راحت‌تر با یکدیگر ارتباط برقرار نمایند و در صورت برخورد با مشکل از یکدیگر کمک بگیرند. برای بهبود سطح دانش و آگاهی کارکنان شرایط شرکت در کنفرانس‌ها و جلسات مربوط به حیطه کاری را فراهم کند و با فرستادن کارکنان در این جلسات و کنفرانس‌ها میزان اطلاعات از بازار و دیگر رقبا را افزایش دهند. تا در تصمیم‌گیرهای آتی کمتر با هزینه عدم اطلاعات مواجه گردند.

تیمی مبنی بر تحقیق و توسعه تشکیل دهند و با استفاده از کارشناسان در بخش‌های مختلف که توانایی تحلیل مسائل و اتفاقات را داشته باشند. این تیم اجازه کسب هرگونه اطلاعات از شرکت را داشته باشد و با تحقیقات گسترده از بازار و کسب اطلاعات از رقبا و برنامه‌های احتمالی آن‌ها و همچنین نیازهای مشتریان می‌توانند مجموعه اطلاعاتی را تهیه نمایند که برای ادامه فعالیت بسیار مفید خواهد بود.

برای جذب مشتریان برنامه و طرح‌های تخفیفی (به طور مثال کارت‌های تخفیف که با هر بار خرید مشتری، شارژ گردد) برای میزان استفاده از محصولات و خدمات را ارائه نماید. شرکت باید با این برنامه مشتریان جدید را جذب خود نماید. طرح‌های تشویقی برای مشتریان کمک‌کننده مشتریان جهت اعتماد به شرکت می‌باشد.

کارکنان امکان ارائه نظرات و ایده‌های خود را داشته باشند و در کارهایشان اجرایی نمایند این کار باعث ایجاد جو خلاقانه برای شرکت می‌شود. پاداش قرار دادن برای این امر باعث می‌شود انگیزه کارکنان برای بیان ایده‌هایشان افزایش یافته و کارها با روش‌های مختلف صورت گیرد. در این شرایط بهره‌وری کارکنان بالا خواهد رفت.

در نمایشگاه‌های سالانه شرکت نمایند و با حضور در این نمایشگاه‌ها با مشتریان احتمالی آشنا شوند. نیازهای آن‌ها را بررسی نمایند و رقبا را بهتر بررسی نمایند. شرکت می‌تواند در این نمایشگاه‌ها با اجرای یک برنامه بحث و گفتگو راه‌حلی را از صحبت‌های مشتریان دریافت نماید. کارشناسان با بررسی صحبت‌های مشتریان می‌توانند از نظرات آن‌ها بهره ببرند.

کیفیت خدمات ارائه داده را افزایش دهند و برای مشتریان خدماتی را در نظر بگیرند که مشتریان از دریافت آن‌ها رضایتمند گردند. در نظر گرفتن و ارائه مشاوره و پشتیبانی رایگان می‌تواند باعث شود مشتریان هر چه بیشتر از خدمات این شرکت استفاده نمایند. خدماتی از جمله سرویس رایگان ماشین بصورت یکبار در سال، برای مشتریان همیشگی ارزشمند خواهد بود.

برای دریافت مشارکت بیشتر مشتریان در فعالیت‌های شرکت، سایتی طراحی نماید که در آن محصولات را با توضیحات کامل ارائه نماید. در این سایت با در نظر گرفتن بخشی جهت ارائه نظرات مشتریان و پرسش و پاسخ همکاری آن‌ها را با شرکت افزایش داده و این رابطه را روزانه و همیشگی نماید. این کار به دلیل اینکه برای دریافت بسیاری از سوالات نیاز به مراجعه حضوری نمی‌باشد برای مشتریان قابل قبول است. مشتریان می‌توانند درباره مشکلات پیش آمده، پاسخ دریافت نمایند.

فهرست منابع

۱. احمدزاده فرد، محمد حسن؛ غلامی کرین، محمود؛ تقوی، علی و صادقی، امیر. (۱۳۹۷). تأثیر راهبردگرایی بر عملکرد کسب و کار با میانجی‌گری قابلیت‌های بازاریابی، مطالعه موردی: شعبه‌های بانک مهر اقتصاد استان اصفهان. تحقیقات بازاریابی نوین، شماره ۸(۲)، صص ۱۰۴-۸۷.
۲. دانایی، ابوالفضل و معین، مسلم. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر استراتژی رسانه‌های اجتماعی بر استراتژی بازاریابی رسانه‌های اجتماعی و عملکرد سازمانی فروشگاه‌های زنجیره‌ای، پژوهش‌های مدیریت راهبردی، دوره ۲۳، شماره ۶۶، صص ۱۴۱-۱۱۱.
۳. اسماعیلی، محمدرضا و حبیبی، مرضیه. (۱۳۹۶). طراحی مدل بازاریابی استراتژیک صنایع دستی مبتنی بر تئوری داده‌بنیاد. تحقیقات بازاریابی نوین، شماره ۷(۲)، صص ۱۱۴-۹۳.
۴. میرفخرالدینی، سیدحیدر و شعبانی، اکرم. (۱۳۹۵). مشارکت مشتری در توسعه محصول جدید، کاوش‌های مدیریت بازرگانی، دوره ۸، شماره ۱۶، صص ۱۴۰-۱۲۱.
۵. افتاده، جواد، (۱۳۸۹)، رسانه‌های اجتماعی و کتاب بازگشت عموم و بازنشر کتاب، فصلنامه کتاب، ۴۷-۳۴، شماره ۱.
۶. حاتمی نژاد، حسین؛ پوراحمد، احمد؛ قالیباف، محمدباقر؛ رهنمایی، محمدتقی و حسینی، سید علی. (۱۳۹۳). توسعه ابعاد شهرنشینی با رویکرد مکتب بازاریابی اجتماعی، اقتصاد و مدیریت شهری، سال دوم، شماره ۸.
۷. حسین زاده، سمیه؛ خزانه دارلو، مرتضی و عندلیب، اعظم. (۱۳۹۵). نقش رسانه‌های اجتماعی آنلاین در بهبود استراتژی‌های بازاریابی، دومین کنفرانس بین‌المللی و پژوهشی، دوره ۲.
۸. شیفمن، لئون، زلی کانوک (۱۳۹۵). رفتار مصرف‌کننده، ترجمه مسعود کرمی و شهرزاد پوریان، چاپ دوم، انتشارات آبیژ.
۹. عباسی، عباس و همکاران (۱۳۹۵) تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر اعتماد مشتریان و قصد خرید با تأکید بر نقش میانجی رضایت مشتریان ه مدیریت بازرگانی، دوره ۸، شماره ۴، صفحه ۸۸۳-۹۰۰.
۱۰. رحمانی، سمیه؛ غلامی جمکرانی، رضا. (۱۳۹۵). تمرکز بر مشتری و عملکرد شرکت، شماره ۳۱، صص ۹۱-۸۱.
۱۱. زارعی، عظیم؛ شرفی، وحید و زنگیان، سمیه. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر بازاریابی چریکی و مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌های بیمه بر وفاداری مشتریان با تأکید بر مزیت‌های کارکردی برند و قابلیت اعتبار. فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه بیمه، شماره ۳۰(۴)، صص ۱۰۴-۸۵.
۱۲. عباسی، عباس؛ منصورآبادی، زهرا و محمودشاهی، شهرزاد. (۱۳۹۵). تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر اعتماد مشتریان و قصد خرید با تأکید بر نقش میانجی رضایت مشتریان. مدیریت بازرگانی،

شماره ۸(۴)، صص ۹۰۲-۸۵۵.

۱۳. علامه، سید محسن؛ عسکری، نوربخش و خزائیپول، جواد. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر فرهنگ سازمانی بر عملکرد سازمانی: تأکید بر نقش تسهیم دانش و چابکی سازمانی با رویکرد کارت، امتیازی متوازن، مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره ۱۴، شماره ۲، صص ۴۷۴-۴۵۳.

۱۴. سولومون، مایکل (۲۰۱۰). رفتار مصرف کننده، ترجمه کامبیز حیدرزاده، ۱۳۹۲، انتشارات بازاریابی.
 ۱۵. میرفخرالدینی، حیدر، پیمان فر، محمد حسن، خطیبی عقدا، عبدالنبی، علیمحمدی، حسین. (۱۳۹۲). ارزیابی عملکرد سازمان های ورزشی با استفاده از مدل منسجم BSC - TOPSIS (مطالعه موردی: اداره کل تربیت بدنی استان یزد). نشریه مدیریت ورزشی، شماره ۵(۱۶)، صص ۹۶-۷۷.

۱۶. رحمانزاده، سید علی. (۱۳۸۹). کارکرد شبکه‌های اجتماعی مجازی در عصر جهانی شدن، فصلنامه ۷۸-۴۹، مطالعات راهبردی جهانی شدن، دوره ۱، شماره ۱.

۱۷. ملکی، علیرضا (۱۳۸۹). تحلیل سیستماتیک رفتار مصرف کننده. فصلنامه رادیو تلویزیون، شماره ۱۴، صفحه ۳۴.

۱۸. صمدی، منصور (۱۳۸۶). رفتار مصرف کننده، چاپ دوم، انتشارات آبیژ.

۱۹. بختایی، امیر، گلچین فر، شادی (۱۳۸۵). بخش کلینیک بازاریابی و تبلیغات، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۷۰.

۲۰. هاو کینز، دل، راجر بست (۱۳۸۵). رفتار مصرف کننده، ترجمه احمد روستا و عطیه بحتایی. انتشارات سارگل، چاپ اول.

۲۱. کاوسی، محمدرضا، عباس سقایی (۱۳۸۴). روش های اندازه گیری رضایت مشتری، انتشارات سبزان، چاپ اول.

۲۲. خاکی، غلامرضا. (۱۳۸۴). روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی، چاپ اول، انتشارات بازتاب، ص ۲۸۸.

23. Abzari, M., Safari Shad, F., Abedi Sharbiyani, A. A., & Parvareshi Morad, A. (2013). Studying the effect of green marketing mix on market share increase. *European Online Journal of Natural and Social Sciences: Proceedings*, 2(3 (s)), pp-641.

24. Xavier, M. G., Neves, M. V., Rossi, F. D., Ferreto, T. C., Lange, T., & De Rose, C. A. (2013, February). Performance evaluation of container-based virtualization for high performance computing environments. In *2013 21st Euromicro International Conference on Parallel, Distributed, and Network-Based Processing* (pp. 233-240). IEEE.

25. Ke, J. C., Wu, C. H., & Zhang, Z. G. (2010). Recent developments in vacation queueing models: a short survey. *International Journal of Operations Research*, 7(4), 3-8.

26. Andreasen, A. R. (2012). Rethinking the Relationship Between Social/Nonprofit Marketing and Commercial Marketing. *Journal of Public Policy & Marketing*, 31(1), 36-41.
27. Berthon, Pierre R., Leyland F. Pitt, Kirk Plangger, and Daniel Shapiro (2012), "Marketing Meets Web 2.0, Social Media, and Creative Consumers: Implications for International Marketing Strategy," *Business Horizons*, 55,3, 261-71.
28. Brennan, L., & Binney, W. (2010). Fear, guilt, and shame appeals in social marketing. *Journal of business Research*, 63(2), 140-146.
29. Brennan, L., Binney, W., Parker, L., Aleti, T., & Nguyen, D. (Eds.). (2014). *Social marketing and behaviour change: Models, theory and applications*. Edward Elgar Publishing.
30. Carins, J. E., & Rundle-Thiele, S. R. (2014). Eating for the better: A social marketing review (2000-2012). *Public Health Nutrition*, 17(7), 1628-1639.
31. Cheng, M. Y., Lin, J. Y., Hsiao, T. Y., & Lin, T. W. (2010). Invested resource, competitive intellectual capital, and corporate performance. *Journal of intellectual capital*.
32. Dann, S. (2010). Redefining social marketing with contemporary commercial marketing definitions. *Journal of Business research*, 63(2), 147-153.
33. Hudson, S & Roth, M.S & Madden, Th.J & Hudson, R (2015), *Tourism Management*, Vol.47, PP: 68-76.
33. Donovan, R. (2011). Social marketing's myth understandings. *Journal of Social Marketing*, 1(1), 8-16.
34. French, J., & Russell-Bennett, R. (2015). A hierarchical model of social marketing. *Journal of Social Marketing*, 5(2), 139-159.
35. French, J., Blair-Stevens, C., McVey, D., & Merritt, R. (Eds.). (2010). *Social marketing and public health: Theory and practice*. Oxford University Press.
36. Huo, B. (2012). The impact of supply chain integration on company performance: an organizational capability perspective. *Supply Chain Management: An International Journal*, 17(6), 596-610.
37. Hoek, J., & Jones, S. C. (2011). Regulation, public health and social marketing: a behaviour change trinity. *Journal of Social Marketing*, 1(1), 32-44.
38. Jin, K. G., Drozdenko, R., & DeLoughy, S. (2013). The role of corporate value clusters in ethics, social responsibility, and performance: A study of financial professionals and implications for the financial meltdown. *Journal of business ethics*, 112(1), 15-24.
39. Lee, N. R., & Kotler, P. (2011). *Social marketing: Influencing behaviors for good*. Sage Publications.
40. Li, X., & Wang, Y. (2011). Measuring the effectiveness of US official state tourism websites. *Journal of Vacation Marketing*, 17(4), 287-302.

41. Mamat, M., Haron, H., Yaacob, M., & Talib, J. (2019). Enhancing social and communication skills through entrepreneurship programmes: Student perception on herbalhut chia seed product sales project. *International Journal of Mechanical Engineering and Technology*, 10(2), 1126-1135.
42. Miller, R., & Lammas, N. (2010). Social media and its implications for viral marketing. *Asia Pacific Public Relations Journal*, 11(1), 1-9.
43. Shimp, T. (2010). Advertising, promotion, and other aspects of integrated marketing communication (8th ed.). Mason, OH: South-Western Cengage Learning.
44. Sun, K. A., & Kim, D. Y. (2013). Does customer satisfaction increase firm performance? An application of American Customer Satisfaction Index (ACSI). *International Journal of Hospitality Management*, 35, 68-77.
45. Sung, S. Y., & Choi, J. N. (2012). Effects of team knowledge management on the creativity and financial performance of organizational teams. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 118(1), 4-13.
46. Tih, S., Chan, K. T., Ansary, A., & Ahmed, A. (2016). Green advertising appeal and consumer purchase intention. *Jurnal Pengurusan (UKM Journal of Management)*, 47.
47. Truong, D., Garry, T., & Hall, C. M. (2014). Social Marketing as the Subject of Doctoral Dissertations. *Social Marketing Quarterly*.
48. Wei, C., Herrick, A., Raymond, H. F., Anglemeyer, A., Gerbase, A., & Noar, S. M. (2011). Social marketing interventions to increase HIV/STI testing uptake among men who have sex with men and male-to-female transgender women. *Cochrane database of systematic reviews*, (9).
49. Malhotra, N., Baalbaki, I., & Nada NasrBechwati, N. (2013). *Marketing Research: An Applied Orientation. Arab World Edition*. London, England. Upper Pearson Education, 930.
50. Trainor, K. J., Andzulis, J. M., Rapp, A., & Agnihotri, R. (2014). Social media technology usage and customer relationship performance: A capabilities-based examination of social CRM. *Journal of Business Research*, 67(6), 1201-1208.
51. Wang, Z., & Kim, H. G. (2017). Can social media marketing improve customer relationship capabilities and firm performance? Dynamic capability perspective. *Journal of Interactive Marketing*, 39, 15-26.
52. Haghighi, M., Divandari, A., & Keimasi, M. (2010). The impact of 3D e-readiness on e-banking development in Iran: A fuzzy AHP analysis. *Expert Systems with Applications*, 37(6), 4084-4093.
53. Goldman, S. M. (2010). Transformers. *Journal of Consumer Marketing*, 27(5), 469-473.
54. Chen, H., Chiang, R. H., & Storey, V. C. (2012). Business intelligence and analytics: From big data to big impact. *MIS quarterly*, 36(4).
55. Farr-Wharton, G., Foth, M., & Choi, J. H. J. (2014). Identifying factors

- that promote consumer behaviours causing expired domestic food waste. *Journal of Consumer Behaviour*, 13(6), 393-402.
56. Bell, B., & Blakey, P. (2010). Do boys and girls go out to play? Women's football and social marketing at Euro 2005. *International Journal of Sport Management and Marketing*, 7(3-4), 156-172.
57. French, J., Blair-Stevens, C., McVey, D., & Merritt, R. (Eds.). (2010). *Social marketing and public health: Theory and practice*. Oxford University Press.
58. Wood, M. (2012). Marketing social marketing. *Journal of Social Marketing*, 2(2), 94-102.
59. Corner, A., & Randall, A. (2011). Selling climate change? The limitations of social marketing as a strategy for climate change public engagement. *Global environmental change*, 21(3), 1005-1014.
60. Lefebvre, R. C. (2011). An integrative model for social marketing. *Journal of Social Marketing*, 1(1), 54-72.
61. Domegan, C., Collins, K., Stead, M., McHugh, P., & Hughes, T. (2013). Value co-creation in social marketing: functional or fanciful?. *Journal of Social Marketing*, 3(3), 239-256.
62. Park, J., & Oh, I. K. (2012). A case study of social media marketing by travel agency: The salience of social media marketing in the tourism industry. *International Journal of Tourism Sciences*, 12(1), 93-106.
63. Sun, C. C. (2010). A performance evaluation model by integrating fuzzy AHP and fuzzy TOPSIS methods. *Expert systems with applications*, 37(12), 7745-7754.
64. Karim, A., & Arif-Uz-Zaman, K. (2013). A methodology for effective implementation of lean strategies and its performance evaluation in manufacturing organizations. *Business Process Management Journal*

طراحی مدل تعالی مدیریت منابع انسانی سبز در شرکت های توزیع نیروی برق شمال کشور

- ۱ محسن یحیی پور
- ۲ مجتبی طبری
- ۳ اسداله مهرآرا
- ۴ محمد رضا باقرزاده
- ۵ عزت الله بالوئی جامخانه

چکیده

هدف پژوهش حاضر طراحی مدل تعالی مدیریت منابع انسانی سبز در شرکت‌های توزیع نیروی برق شمال کشور است. جامعه آماری پژوهش شامل دو بخش خبرگان و کارکنان و روش جمع آوری اطلاعات به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد. جهت تبیین روابط ساختاری عوامل مدل تعالی مدیریت منابع انسانی سبز از تکنیک دیمتل، برای تعیین وزن عوامل شناسایی شده با استعانت از مدل ایزو ۳۴۰۰۰ منابع انسانی، از آزمون دالالا و جهت ارزیابی عوامل و اولویت بندی آنها از تکنیک AHP استفاده شد. براساس تحلیل معادلات ساختاری نیز مشخص شد که هر چهار نظام با مدیریت منابع انسانی سبز از دید کارکنان نیز دارای ارتباط میباشند و بیشترین ارتباط مرتبط با آموزش و کمترین ارتباط با کاربرد میباشند. در نتیجه مدل طراحی شده پژوهش، تاثیر نظامهای مدیریت منابع انسانی بر مدیریت منابع انسانی سبز را تأیید می‌کند و براساس نتیجه تکنیک AHP از دید خبرگان، به ترتیب اولویت با آموزش و بهسازی، حفظ و نگهداری، جذب و تامین و کاربرد میباشند و با توجه به پشتوانه نظری، توافق بالای خبرگان و محاسبات آماری برازش مدل، دارای اعتبار بوده و می‌تواند به عنوان معیاری برای پژوهش‌های آتی در جهت ساخت ابزاری برای انجام پژوهش‌های مرتبط باشد.

واژگان کلیدی

مدیریت منابع انسانی سبز، آموزش، کاربرد، حفظ و نگهداری، جذب و تامین.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی گرایش منابع انسانی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران.
Email: yahyapoor.m@gmail.com
۲. دانشیار مدیریت دولتی، عضو هیئت علمی گروه مدیریت، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران.
Email: mo.tabari.iau@gmail.com (نویسنده مسئول)
۳. استادیار مدیریت دولتی، عضو هیئت علمی گروه مدیریت، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران.
Email: mehrara_a@yahoo.com
۴. استادیار مدیریت دولتی، عضو هیئت علمی گروه مدیریت، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران.
Email: dr.mr.bagherzadeh@gmail.com
۵. دانشیار آمار، عضو هیئت علمی گروه آمار، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران.
Email: e_baloui@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۳/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵

طرح مسأله

با توجه به اهمیت موضوعات زیست محیطی در جهان امروز، بسیاری از سازمان‌ها، آگاهانه یا ناآگاه در مسیر توجه به مباحث زیست محیطی قرار گرفته‌اند. بعلا تغییرات جوی، محیط زیست متناظر و تغییرات اجتماعی، نیاز مبرم به توسعه پایدار انسان وجود دارد و مدیریت محیط زیست به عنوان پایه‌ای برای توسعه پایدار است. توسعه پایدار یک تغییر مهم در فهم رابطه انسان و طبیعت و انسان‌ها با یکدیگر است. مدیریت منابع انسانی سبز مسئول ایجاد آگاهی، اطلاع‌رسانی و تعامل میان کارکنان سازمان در خصوص محیط و عوامل محیطی است و با سیاستگذاری و خط‌مشی‌های سبز موجبات ایجاد مسئولیت اجتماعی در بین آنها شده و به گونه‌ای آنها را هدایت می‌نماید که آنها به وظایف و تعهداتشان در قبال محیط عمل نمایند (سید جوادین، ۱۳۹۵).

امروزه موضوع مدیریت منابع انسانی سبز^۱ نه تنها شامل آگاهی نسبت به مسائل مربوط به محیط زیست می‌شود، بلکه برای رفاه اجتماعی و اقتصادی هم سازمان و هم کارمندان در یک رشته چشم‌اندازی گسترده‌تر است (مهتا^۲ و چوگان، ۲۰۱۵). به استناد ماده ۱۹۰ قانون برنامه پنجم توسعه، شیوه‌نامه مدیریت سبز و آئین‌نامه اجرایی در دستگاه‌های اجرایی، به پیشنهاد وزارت نیرو و سازمان حفاظت محیط زیست با در نظر داشتن صرفه‌جویی در اعتبارات هزینه‌ای و سرمایه‌ای دولت، اعمال سیاست‌های مصرف بهینه منابع، حفاظت از منابع پایه و محیط زیست، اصلاح و بهبود فرایندها و ساختارها برای حفاظت محیط زیست، استقرار نظام مدیریت و بهره‌وری سبز، اصلاح الگوی فرهنگ مصرف با فرهنگ‌سازی پایدار، آموزش با فرهنگ‌سازی و جلب مشارکت عمومی، اجرای سیستم‌ها و ابزارهای مدیریت نوین و محیط زیست، تشکیل بانک اطلاعات زیست محیطی، استفاده از تجارب و نوآوری در پورتال مدیریت سبز، توجه به مدیریت زمان و ارزیابی عملکرد و... به تصویب هیات وزیران رسید. ارائه این پیشنهاد توسط وزارت نیرو و رفتن به سمت استفاده از انرژی‌های نو و پاک جهت تامین برق، شواهدی دال بر وجود اهمیت این موضوع بوده و نقش نیروی انسانی در این امر را نمی‌توان نادیده انگاشت. حال در این پژوهش به دنبال پاسخ به سوال‌های، مولفه‌های مدل تعالی GHRM کدامند؟ اهمیت و وزن هریک از مولفه‌های مدل تعالی GHRM چگونه است؟ آیا مدل طراحی شده در جامعه هدف، قابلیت اجرایی دارد؟ روش اجرایی مدل تعالی GHRM چیست؟ می‌باشیم. بنابراین طراحی مدل تعالی GHRM در شرکت‌های توزیع نیروی برق شمال کشور (شرکت‌های توزیع نیروی برق استان گلستان، مازندران، غرب مازندران و گیلان) به عنوان اولویت تحقیق در نظر گرفته شده است.

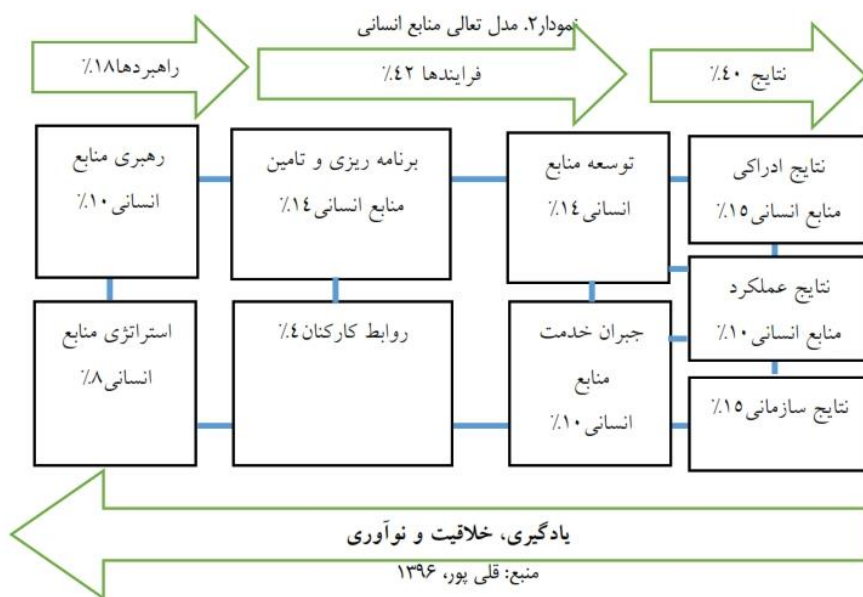
1. Green Human Resource Management

2. Mahta

مبانی نظری تحقیق

۱- مدل تعالی منابع انسانی

جدیدترین رویکرد ارزیابی حوزه‌های مرتبط با منابع انسانی یک سازمان، رویکرد تعالی منابع انسانی است. این رویکرد از شاخص‌های برتر در حوزه‌های مرتبط با منابع انسانی یک سازمان استفاده و چارچوب جامعی از ارزش‌های محوری، معیارها و شاخص‌های برتر در تمامی ابعاد منابع انسانی ارائه می‌نماید. بسیاری از کشورها، ضمن تشویق سازمان‌ها به پیروی از مدل‌های تعالی سازمانی، به سازمان‌هایی که در حوزه منابع انسانی رشد چشمگیری داشته‌اند، جوایز و استانداردهایی در سطح ملی و بین‌المللی اعطاء می‌کند، تا با ارزیابی مستمر فعالیت‌ها، رویه‌ها، فرآیندها و نتایج منابع انسانی، نقاط قوت و فرصت‌های بهبود خود را شناسایی کرده و برای بهبود آنها برنامه‌ریزی نمایند (قلی پور، ۱۳۹۶).



۲- مدل ۳۴۰۰۰ مدیریت منابع انسانی

افراد سازمان‌ها کانون توجه مدیریت منابع انسانی هستند. در واقع کارکنان اصلی‌ترین منبع هر سازمانند و سازمانی که کارکنان توانمندتر و بهرورتری دارد، موفق‌تر است (اعرابی، ۱۳۹۵). اما یکی از نقاط ضعف سازمان‌ها در این زمینه، عدم بهره‌گیری از یک مدل یکپارچه و منسجم برای به کار بردن تکنیک‌ها و سیستم‌هاست. مدل ۳۴۰۰۰ ایجاد شده تا بتواند همه فرآیندهای منابع انسانی را آسیب‌شناسی و اثر بخشی آنها را ارزیابی و سازمان‌ها را در جهت ایجاد و ارتقاء آنها یاری کند. بر اساس این مدل می‌توان وضعیت موجود HRM در شرکت را بررسی و پروژه‌ها

و اقدامات بهبود آنها را فراهم کرد و یک فرهنگ تعالی را در سازمان ایجاد نمود. مدل ۳۴۰۰۰ نقشه راهی برای تعالی سیستم‌های منابع انسانی در جهت تحقق استراتژی‌های سازمان است. از آنجا که نمی‌توان همه فرآیندهای منابع انسانی را در زمان کوتاه مستقر کرد، از این‌رو مدل ۳۴۰۰۰ به صورت تدریجی و مرحله‌ای طراحی شده است. هر مرحله تکاملی یک تغییر منحصر بفرد را در فرهنگ سازمانی می‌طلبد تا بتوان زمینه مناسب را برای جذب، حفظ و توسعه منابع انسانی فراهم کرد. یکی از ویژگی‌های جالب این مدل آنست که به‌عنوان یک سیستم یکپارچه در راستای اهداف و استراتژی‌ها و نیازهای سازمانی، بلوغ ایجاد می‌کند. مدل ۳۴۰۰۰ علاوه بر ۱۶ فرآیند منابع انسانی که ۲۰۰۰۰ امتیاز دارد، شامل ۱۲ متغیر در حوزه نتایج و نگرش‌های منابع انسانی است که ۱۴۰۰۰ امتیاز دارد و در ۵ سطح بلوغ وضعیت سازمان را ارزیابی کرده و تعالی می‌بخشد (قلی پور، ۱۳۹۶).

۳- مدل بلوغ قابلیت منابع انسانی

این مدل که براساس ۵ سطح اصلی متناسب با استاندارد ایزو ۳۴۰۰۰ و نیز مدل فلیپس طراحی شده، به معرفی نقش و اهمیت و سطوح هر فعالیت منابع انسانی برای ارزیابی می‌پردازد (میرسپاسی، ۱۳۸۹).

نمودار ۱. مدل بلوغ قابلیت منابع انسانی (منبع: میرسپاسی، ۱۳۸۹)



۴- متغیرهای پژوهش

بر اساس تحقیقات مختلفی که در زمینه مدیریت منابع انسانی سبز صورت پذیرفته که تعدادی از آنها شامل پژوهش فام^۱ و دیگران (۲۰۱۹)، آمروسا^۱ و همکاران (۲۰۱۹)، بومبیاک^۲ و

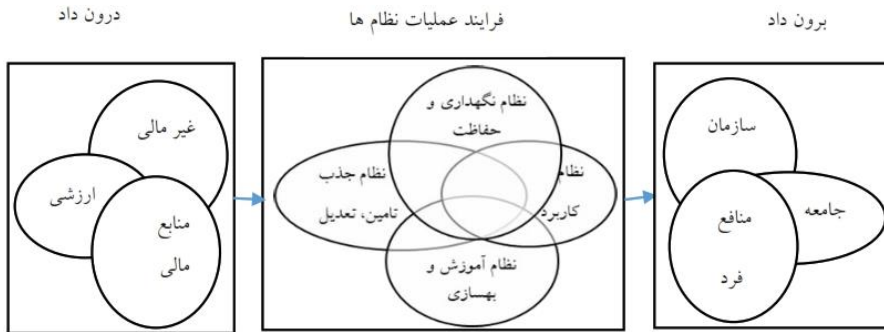
همکاران (۲۰۱۸)، سید جوادین (۱۳۹۵)، سیامبالاپتیا^۳ و همکاران (۲۰۱۸)، توکلی و همکاران (۱۳۹۷)، زید^۴ همکاران (۲۰۱۸)، حیا^۵ و همکاران (۲۰۱۷)، جابور^۶ و جابور (۲۰۱۶)، شیخ^۷ و همکاران (۲۰۱۲) و جکسون^۸ و دیگران (۲۰۱۱) می باشند، تماما به متغیرهای آموزش و بهسازی سبز، جذب و تامین سبز، حفظ و نگهداری سبز و کاربرد سبز اشاره دارند. براین اساس می توان گفت که ۴ متغیر اصلی مدیریت منابع انسانی می توانند مسیر سبز شدن را طی نمایند، از این رو پژوهش حاضر نیز این چهار متغیر را بعنوان متغیرهای اصلی GHRM شناخته و براساس آن مسیر فعالیت خود را طی می نماید.

۵- مدل مفهومی پژوهش

ابزار ارزیابی بلوغ فرآیندهای منابع انسانی شامل چهار عنصر اصلی است که بیان کننده ی ویژگی خاصی از فرآیندهای منابع انسانی می باشد. منافی که سازمان از کارکردهای منابع انسانی به دست می آورد، به سطح بلوغ منابع انسانی بستگی دارد. این مدل با پیمایش توسعه فرآیندهای مدیریت منابع انسانی به دنبال اهداف اندازه گیری کیفیت فرآیندهای منابع انسانی، هموارسازی حرکت تعالی منابع انسانی، تشخیص اولویتهای بهبود فرآیندهای HRM و تعیین راهکارهای عملیاتی و روشن برای بهبود فرآیندها، پیاده سازی بهبود به منظور پشتیبانی از وظایف منابع انسانی، برنامه ریزی در حوزه منابع انسانی، تشخیص زمان و مکان مناسب برای استفاده از ابزارهای HRM، کمک به مدیران در انتخاب بهترین رویکردها با توجه به مقتضیات سازمان، ارتقا و بهبود فرآیندهای منابع انسانی بطور متوازن و همگن، اجرای یک برنامه بهبود مستمر و حمایت سازمان از عملکرد منابع انسانی، می باشد.

-
1. Amrutha
 2. Bombiak
 3. Siyambalapitia
 4. Zaid
 5. Hiba
 6. Jabbour
 7. Shaikh
 8. Jackson

نمودار ۳: مدل مفهومی پژوهش (منبع: میرسپاسی، ۱۳۹۶)



پیشینه ی پژوهش

با وجود کاربرد گسترده مدل‌های تعالی در سازمانهای امروزی هنوز مفهوم، ابعاد و مولفه‌های مختلف آن به روشنی مشخص نشده است. این مساله در زمینه HRM بیش از سایر فعالیت‌های محوری سازمان‌ها مشهود است. هدف این مقاله طراحی مدل تعالی GHRM با توجه به ویژگی‌های خاص این شرکت است. در ادامه خلاصه‌ای از پژوهش‌هایی که مورد استناد بوده‌اند در جدول (۱) آورده شده است تا تصویری واضح‌تری از روندهای تحقیقاتی ارائه شود.

جدول ۱. نمونه‌ای از پژوهش‌های صورت پذیرفته در زمینه تحقیق حاضر

پژوهشگران و سال انتشار	عنوان پژوهش	نتایج تحقیق
یو و همکاران (۲۰۲۰)	GHRM و همکاری‌های زیست محیطی	بررسی ارزش GHRM در حمایت از همکاری‌های زیست محیطی و نقش تعدیل کننده مدیریت زنجیره تامین سبز داخلی (GSCM) و نشان دادن اینکه GHRM به طور معنادار و مثبت با همکاریهای زیست محیطی ارتباط دارد.
سینگاه و همکاران (۲۰۲۰)	بررسی نوآوری سبز و عملکرد محیطی: نقش رهبری تحول گرا سبز و GHRM	به بررسی اینکه چگونه مدیریت منابع انسانی سبز به روابط بین رهبری تحول گرا سبز، نوآوری سبز و عملکرد محیطی پرداخته و نشان می دهد که GHRM بطور غیرمستقیم از طریق نوآوری سبز در عملکرد محیطی تأثیر می گذارد.
فام و	سبز کردن صنعت	اثرات مستقیم و متقابل شیوه های GHRM بر

<p>رفتار شهروندی سازمانی نسبت به محیط زیست (OCBE) را آزمایش می کند و نشان می دهد تعامل سه بعد از GHRM (آموزش، مدیریت عملکرد و مشارکت کارکنان)، می تواند باعث افزایش رفتار داوطلبانه کارکنان، وابسته به سطح مدیریت عملکرد سبز و مشارکت سبز کارمندان شود.</p>	<p>هتلداری (چگونه شیوه های GHRM بر رفتار شهروندی سازمانی در هتل ها تأثیر دارد؟)</p>	<p>همکاران (۲۰۱۹)</p>
<p>نشان داد بهره‌وری از نیروی انسانی آشنا به اتوماسیون اداری و سبزرگایی می تواند مسیر دستیابی به توسعه پایدار را برای هر فرد و سازمانی آسانتر نماید.</p>	<p>اهداف توسعه پایدار</p>	<p>آیسا فلمینگ و همکاران (۲۰۱۷)</p>
<p>ضمن بررسی چگونگی بهبود رفتارهای سازگار با محیط زیست کارکنان و عملکرد محیطی هتلها از طریق GHRM نشان می دهد که مدیریت منابع انسانی سبز تعهد سازمانی کارکنان، رفتارهای سازگار با محیط زیست و عملکرد محیطی هتل ها را افزایش می دهد.</p>	<p>تأثیر GHRM بر رفتارهای زیست محیطی کارکنان هتل و عملکرد محیطی</p>	<p>کیم و همکاران (۲۰۱۹)</p>
<p>ضمن مشخص شدن اجزای GHRM، ابعاد غیرفرآیندی را به محتوی GHRM به عنوان یکی از نقش های مدیریت منابع انسانی وارد کرده است.</p>	<p>چارچوبی برای مدیریت منابع انسانی سبز</p>	<p>سیدرضا سیدجوادین و همکاران (۱۳۹۵)</p>
<p>طراحی مدل تعالی منابع انسانی در چهار بعد، ۱۵ مولفه و ۵۷ معیار و ارائه آن بعنوان مدلی پیشنهادی جهت آسیب شناسی منابع انسانی و جایزه ملی تعالی منابع انسانی در سازمانهای دولتی ایران</p>	<p>طراحی مدل تعالی منابع انسانی در سازمان های دولتی ایران با استفاده از تکنیک دلفی فازی</p>	<p>میرسپاسی و همکاران (۱۳۸۹)</p>
<p>ضمن ارائه مدل ساختاری، نشان داد ترتیب میزان اثرگذاری متغیرهای پیش بین برای تحقق مدیریت منابع انسانی سبز عبارت است از: نگهداری، جبران خدمات، مدیریت عملکرد و توسعه منابع انسانی</p>	<p>ارائه مدل ساختاری GHRM بر مبنای نظام های مدیریت منابع انسانی</p>	<p>توکلی و همکاران (۱۳۹۷)</p>

نتایج نشان داد که شیوه های GHRM تأثیر مستقیمی بر عملکرد پایدار دارند و شیوه های مدیریت زنجیره تأمین سبز واسطه این اثر است.	تأثیر مدیریت منابع انسانی سبز و زنجیره تامین در عملکرد پایدار	زید و همکاران (۲۰۱۹)
نشان می دهد که مدیریت منابع انسانی سبز، تعهد سازمانی کارکنان، رفتارهای دوستدار محیط زیست در هتل ها را افزایش می دهد.	تأثیر GHRM بر رفتارهای زیست محیطی کارکنان هتل و عملکرد	کیم و همکاران (۲۰۱۹)
هدف از این مطالعه ارائه یک چارچوب هم افزایی و یکپارچه برای روابط GHRM-GSCM و پیشنهاد یک برنامه تحقیقاتی برای این ادغام بوده است.	مدیریت منابع انسانی سبز و مدیریت زنجیره تأمین سبز: پیوند دو دستور کار نوظهور	جابور و همکاران (۲۰۱۶)
ارزش این مقاله شناسایی، اولویت بندی و اعتبار سنجی شیوه های GHRM است که در شرکت های تولیدی از (عملکرد محیطی) EP استفاده می کند.	ارزیابی شیوه های GHRM در زمینه تولید در فلسطین	حیبا و همکاران (۲۰۱۷)
نشان داد که پایداری اجتماعی کمترین میزان کاوش در مقایسه با ستون های اقتصادی و زیست محیطی پایداری است.	بررسی منظم در GHRM: پیامدهای پایداری اجتماعی	آروسا و همکاران (۲۰۱۹)
انسان داد بین ارزیابی تأثیر فعالیتهای فردی در GHRM بر توسعه پایدار شرکت و اجرای عملی در شرکتهای جوان لهستانی، همبستگی مثبت و محکمی وجود دارد.	GHRM به عنوان ابزاری برای توسعه پایدار شرکت ها	بومیباک و همکاران (۲۰۱۸)
ضمن معرفی سرمایه انسانی به عنوان عامل کلیدی در توسعه پایدار که موجبات توسعه اقتصادی است الگوی GHRM را به عنوان مساله	مدیریت منابع انسانی سبز(یک رویکرد سرمایه	سیدرضا سیدجوآدین و همکاران (۱۳۹۵)

اصلی تحقیق ارائه و در این راستا به دنبال شناسایی و توسعه ویژگیها و قابلیت های GHRM در سازمان بوده است.	گذاری و توسعه (پایدار)	
--	------------------------	--

متدولوژی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی - پیمایش است (رویکرد ترکیبی). روش گردآوری اطلاعات از نوع میدانی و برای شناخت مولفه‌ها از روش فیش برداری و مصاحبه و نظرسنجی استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی در نظر گرفته شده و در حوزه پارادایم اثبات‌گرایی قرار دارد. ابزار تجزیه و تحلیل داده‌های آماری نرم‌افزار EXPRT CHOICE و SMART PLS صورت گرفت. در این پژوهش برای بخش تحلیل تکنیک‌های مقایسه زوجی و دالالا و شناسایی مولفه‌ها و سئوال‌ات، از نظر خبرگان بهره برده و برای تحلیل نظرات از کارمندان استفاده شده است، (خبرگان این پژوهش مدیران عامل و معاونین ستادی شرکت توزیع نیروی برق شمال کشور می‌باشند که حداقل ۲۰ سال سابقه کاری و ۱۰ سال سابقه مدیریتی را دارا باشند). جامعه آماری در بخش خبرگان باتوجه به تکنیک گلوله‌برفی به ۲۷ نفر تقلیل یافت و برای بخش کارکنان برحسب فرمول کوکران نمونه آماری برابر با ۲۹۷ نفر در نظر گرفته شده است. روش نمونه‌گیری در بخش کارکنان بصورت تصادفی خوشه‌ای می‌باشد و علت این نمونه‌گیری هم برقراری توازن بین نمونه‌های آماری از شرکت‌های مختلف می‌باشد. برای تحلیل و سنجش سئوال‌ات این پژوهش، از تکنیک‌های مختلفی بهره برده شده است. برای بررسی روایی پرسشنامه از روایی محتوایی، تحلیل عاملی و روایی همگرایی پژوهش استفاده شده است.

۱- تعیین مولفه و چک لیست

پژوهش حاضر با قصد ارائه یک مدل در گام اول به شناسایی مولفه‌ها می‌پردازد، روش اجرایی برای این فعالیت فیش برداری از مطالب و تحقیقات گذشته داخلی و خارجی می‌باشد که در زمره روش تحقیق آمیخته قرار می‌گیرد که برای شناخت مناسب این مولفه‌ها از نظر خبرگان بهره‌گیری شد و پس از بازنگری و اصلاح کدگذاری‌ها آنها، بصورت امتیازی از ۱ الی ۵ معرفی شدند که نزد خبرگان ارائه داده و از آنها خواسته شد که نظر خود را نسبت به هریک از این مولفه‌های شناسایی شده مشخص نمایند. پس از دوبار نظرسنجی برخی از عوامل حذف و برخی نیز ادغام شدند، معیار حذف شدن هر عامل نیز عدم کسب امتیاز مناسب ۴ بوده و سپس باتوجه به نزدیک بودن برخی عوامل و مصاحبه حضوری و نظرسنجی از این افراد برخی از سئوال‌ات در چک لیست بایکدیگر ادغام شده‌اند که این سئوال‌ات شامل:

a. تهیه گزارش‌های مربوط به اقدام محیط زیست با برنامه‌ریزی استراتژیک منابع انسانی

b. اولویت‌کандیدهاها از منظر صلاحیت و تجربه با درج وظایف مربوط به حفاظت از محیط زیست

c. اشتیاق سازمانی با برنامه‌ریزی ایجاد ارتباط و تعهد مناسب کارکنان و کارفرمایان با کار
d. هویت سازمانی با عجزین شدن با شغل
در نهایت برحسب امتیازهای نهایی که میانگین آنها بیش از ۳.۷ بود، بعنوان سئوالات پرسشنامه شناخته شده و این پرسشنامه با ۴۹ سؤال برحسب طیف لیکرت آماده‌ی توزیع میان افراد نمونه آماری کارکنان گردیده شد.

۲- تکنیک دیمتل - دالالا

تکنیک دالالا که یک روش تعیین وزن می‌باشد در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. این تکنیک در زمره روش‌های دیمتل قرار می‌گیرد ولی با این اختلاف که در نهایت وزن نرمالایز را می‌دهد.

جدول ۲. وزن نهایی تکنیک دیمتل - دالالا

	جذب و تامین سبز	کاربرد سبز	آموزش و بهسازی سبز	حفظ و نگهداری سبز
WI	۳۰.۳۵۵۲۴۳	۲۹.۹۶۴۶۱۱	۲۹.۹۳۶۰۶۷	۲۹.۱۱۰۶۴۷
WINI	۰.۲۵۴۳۰۲۷	۰.۲۵۱۰۳۲	۰.۲۵۰۷۹۱	۰.۲۴۳۸۷۶۱

براساس وزن نرمالایز بدست آمده مشخص گردیده شد که عامل‌های جذب و تامین، کاربرد، آموزش و حفظ و نگهداری به ترتیب دارای اهمیت و اولویت می‌باشد.

۲-۱ تکنیک AHP

با استفاده از تکنیک AHP به ارزیابی عوامل و اولویت بندی آنها می‌پردازیم.

جدول ۳. ماتریس معیارها

	جذب و تامین سبز	کاربرد سبز	آموزش و بهسازی سبز	حفظ و نگهداری سبز
جذب و تامین سبز	۱	۰.۲۳۰۰۲۱۹	۰.۲۰۱۰۶۸۳	۰.۲۰۸۷۲۷۷
کاربرد سبز	۴.۳۴۷۴۱۱۵	۱	۰.۱۹۲۸۴۹۸	۰.۲۲۸۱۶۹۹
آموزش و بهسازی سبز	۴.۹۷۳۴۳۴	۵.۱۸۵۳۸۰	۱	۲.۵۵۱۹۶۸
حفظ و نگهداری سبز	۴.۷۹۰۹۳۱	۴.۳۸۲۶۹۹	۰.۳۹۱۸۵۴۳	۱

جدول ۴. ماتریس نرمالایز معیارها

حفظ و نگهداری سبز	۰.۲۵۰۷	۰.۲۱۹۴	۰.۴۰۵۹	۰.۳۱۷۰
آموزش و بهسازی سبز	۰.۶۳۹۸	۰.۵۶۰۰	۰.۴۸۰۲	۰.۳۳۹۱
کاربرد سبز	۰.۰۵۷۲	۰.۱۰۸۰	۰.۰۹۲۶	۰.۲۸۷۷
جذب و تامین سبز	۰.۰۵۲۳	۰.۱۱۲۶	۰.۰۲۱۳	۰.۰۶۶۲

جدول ۵. وزن نهایی ابعاد معیارهای پژوهش

حفظ و نگهداری سبز	۰.۲۹	۸
آموزش و بهسازی سبز	۰.۵۰	۲
کاربرد سبز	۰.۱۳	۶
جذب و تامین سبز	۰.۰۶	۳

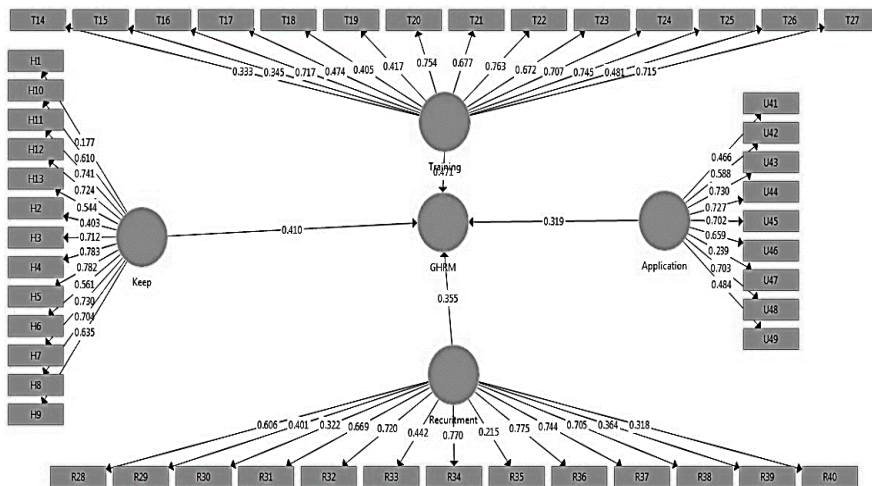
براساس تحلیل صورت گرفته مهمترین معیار از دید خبرگان آموزش و بهسازی سبز می باشد و در رتبه های ی دوم الی چهارم به ترتیب متغیرهای حفظ و نگهداری سبز، جذب و تامین سبز و متغیر کاربرد سبز قرار گرفته اند.

۳- معادلات ساختاری

برای شناسایی نوع ارتباط و اثرگذاری میان متغیرها با متغیر مدیریت منابع انسانی سبز، اقدام به سنجش آنها به صورت همزمان نموده ایم، براین اساس فرضیه انجام این عمل به شرح ذیل بوده است:

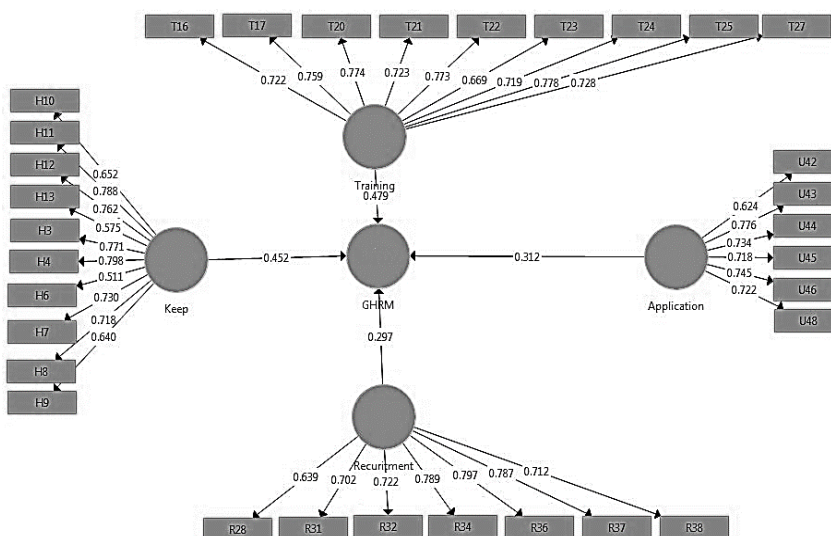
ابعاد حفظ و نگهداری سبز، آموزش و بهسازی سبز، کاربرد سبز و جذب و تامین سبز بر مدیریت منابع انسانی سبز اثرگذار می باشند.

نمودار ۴. تحلیل اولیه معادلات ساختاری



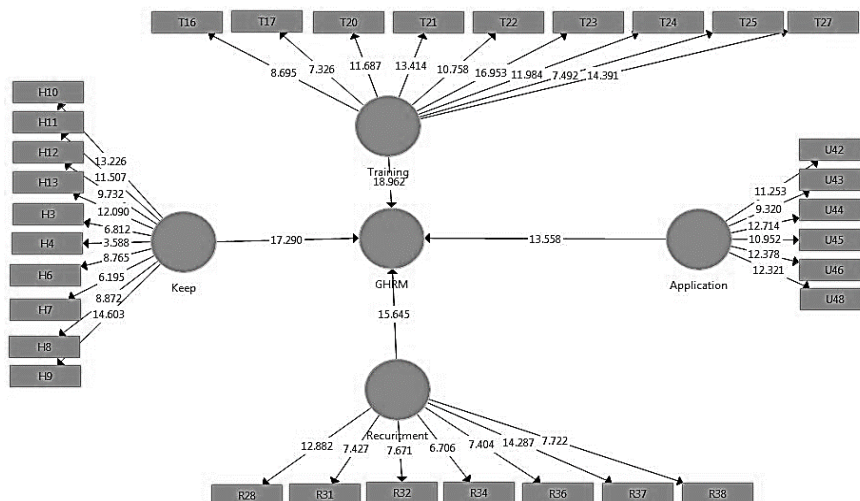
براساس این تحلیل مقادیر بدست آمده مرتبط با سؤالات هر متغیر در برخی موارد کمتر از ۰.۴ می باشد که در واقع از دیدگاه پاسخ دهندگان مورد تأیید نمی باشد، که بدین معناست که برای اینکه یک مدل معادلات ساختاری در نرم افزار اسمارت پی ال اس مورد تأیید قرار گیرد، مقدار AVE آن باید فراتر از میزان ۰.۵ باشد که باتوجه به این ضریب مسیره‌های کمتر از ۰.۵ باید حذف شوند و مجدد مدل مورد بررسی قرار گرفت.

نمودار ۵. نمودار اصلاحی سنجش ارتباط میان متغیرها



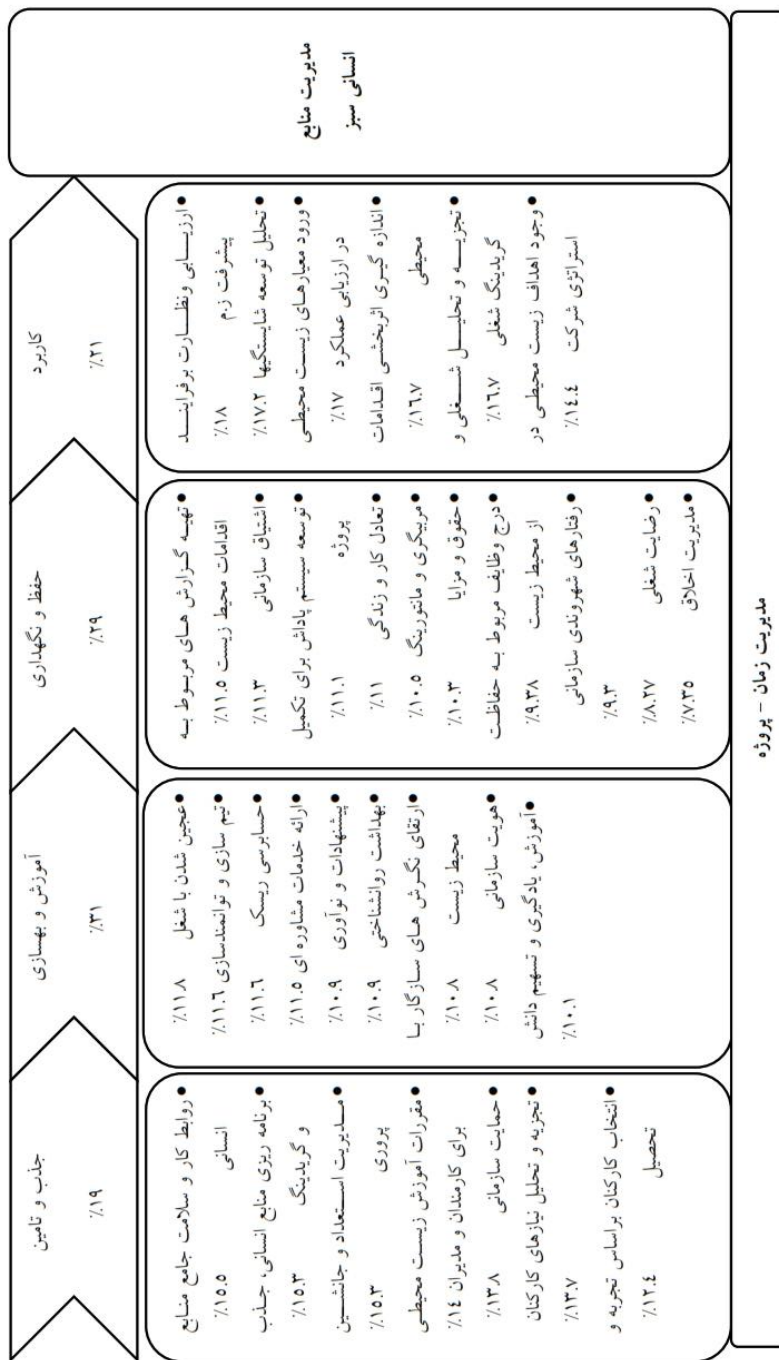
باتوجه به مقادیر ضریب مسیر می توان بیان نمود که میزان ارتباط میان متغیرها مثبت و مستقیم است و بیشترین مقدار ارتباط میان متغیرها با مدیریت منابع انسانی سبز مرتبط با آموزش و در رتبه دوم حفظ و نگهداری، رتبه سوم کاربرد و در نهایت جذب و استخدام می باشد، براین اساس فرضیه مربوط به اثرگذاری ابعاد متغیرها بر GHRM مورد تأیید قرار می گیرد.

نمودار ۶. تعیین میزان اثرگذاری متغیرها



باتوجه به میزان آماره T میان متغیرها می توان بیان داشت که میزان آماره T فراتر از مقدار بحرانی ۱.۹۶ برای تمامی سئوالات و متغیرها می باشد و اثرگذاری نیز مورد تأیید است و بیشترین اثرگذاری را آموزش بر مدیریت منابع انسانی سبز دارد. باتوجه به مقادیر بدست آمده در مدل تحلیلی پژوهش و مقادیر مرتبط برای هر مولفه برخی از آنها برحسب وزن بدست آمده در ابعاد ضریب مسیر و آماره T برای تبیین و یگانگی بیشتر مدل پس از خروجی (برای عامل حفظ و نگهداری ۳سئوال، برای عامل آموزش و بهسازی ۵سئوال، برای عامل جذب و تامین سبز ۶سئوال و برای عامل کاربرد سبز ۳سئوال) حذف شده اند.

نمودار ۷. مدل تعالی مدیریت منابع انسانی سبز



نتیجه گیری

امروزه مسئله سبز در اقتصادهای نوظهور به دلیل استفاده از انرژی و منابع طبیعی بیشتر پررنگ شده و مدیریت منابع انسانی سبز نیز به یک نیاز تبدیل شده است. محققان قبلی استدلال کرده اند که شیوه ای که HRM، قابل سبز شدن است که اغلب از نظر یک زنجیره مورد مطالعه قرار می گیرد (یعنی شامل کلیه نظام های HRM و آنالیز و شرح شغل، استخدام و انتخاب، آموزش و توسعه، عملکرد و ارزیابی و پاداش).

در این پژوهش به دلیل عدم وجود مدل یکپارچه ارزیابی در مجموعه شرکت های توزیع، ضرورت طراحی مدل تعالی مدیریت منابع انسانی سبز با در نظر داشتن چهار بعد مدل مفهومی پژوهش احساس شده است. هدف از این پژوهش نیز طراحی مدل تعالی مدیریت منابع انسانی سبز ضمن پاسخگویی به سوالات مطرح شده در این مطالعه و تحلیل یافته ها در نتیجه استفاده از تکنیک های آماری می باشد. در این تحقیق با در نظر داشتن مدل مفهومی پژوهش و همه تحقیقات انجام شده در منابع خارجی و داخلی (اشاره شده در پیشینه پژوهش)، به چهار نظام مدیریت منابع انسانی که شامل نظام های جذب و تامین، آموزش و بهسازی، حفظ و نگهداری و کاربرد، تاکید شده و با استفاده از پرسشنامه و کسب نظرات از خبرگان، سایر زیر مولفه های هر نظام نیز شناسایی شده است. مدل طراحی شده پژوهش، تاثیر نظام های مدیریت منابع انسانی را بر مدیریت منابع انسانی سبز تائید می کند.

جهت تعیین اهمیت و وزن هر یک از مولفه ها از تکنیک دیمتل - دالالا استفاده شده و بر اساس وزن نرمالایز بدست آمده مشخص گردیده شد که عامل های جذب و تامین، کاربرد، آموزش و بهسازی و حفظ و نگهداری به ترتیب دارای اهمیت و اولویت می باشد. همچنین در تعیین روابط علی معلولی با استفاده از معادلات ساختاری و باتوجه به مقادیر ضریب مسیر مشخص گردید، میزان ارتباط میان متغیرها مثبت و مستقیم است و بیشترین مقدار ارتباط میان متغیرها با مدیریت منابع انسانی سبز مرتبط با آموزش و در رتبه دوم حفظ و نگهداری، رتبه سوم کاربرد و در نهایت جذب و تامین می باشد، براین اساس فرضیه مربوط به اثرگذاری ابعاد متغیرها بر GHRM مورد تائید قرار گرفت.

بدین ترتیب، می توان گفت مدل مفهومی بدست آمده از سه منظر، پشتوانه نظری (اطلاعات مندرج در قسمت ۲-۴ و ۲-۵ و منابع مطرح شده در جدول شماره ۱)، مراحل دلفی مورد تائید و توافق بالای خبرگان (به استناد متدولوژی مندرج در متن مقاله) و محاسبات آماری (محاسبات آماری مولفه ها و برازش ساختاری مدل در قسمت جداول و نمودارهای ارائه شده در قسمت ۴ تحقیق)، دارای اعتبار بوده و می تواند به عنوان مبنایی برای پژوهش های آتی در

- جهت ساخت ابزاری برای انجام پژوهش‌های مرتبط باشد.
- بنابراین با توجه به آزمون‌های صورت پذیرفته و مشابهت و همانندی نتایج این تحقیق با تحقیقات پیشین داخلی و خارجی، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:
- e. انجام تحقیقات در زمینه آموزش و بهسازی نیروی انسانی به عنوان رکن مدیریت پایدار
- f. بررسی شکاف‌های دانشی رویکرد GHRM با نیازمندی‌های تحقق مدیریت سبز
- g. ورود متغیرهای دیگر به مدل طراحی شده و تکمیل دانش GHRM
- h. بسط و توسعه جامعه آماری تحقیق به کل شرکت‌های صنعت آب و برق کشور
- i. انجام تحقیقات زیست محیطی در سازمانها و شرکت‌های خدماتی و مقایسه آن با نتایج بدست آمده از تحقیقات انجام شده در شرکت‌های تولیدی
- ج. استفاده از سایر تکنیک‌های MCDM (تصمیم‌گیری چند معیاره) مانند VIKOR
- ELECTRE و مقایسه نتایج بدست آمده از تکنیک‌های مختلف

فهرست منابع

1. Aarabi, S.M, M, fayyazi. (2016). Human resource management linking strategy to practice, *Mahkameh Publications*, Tehran, Iran, pp 4-6.
2. Fleming, et al. (2017). The sustainable development goals: A case study, *Marine Policy*, 86, 94–103.
3. Amrutha VN, Geetha SN. (2019). A systematic review on green human resource management: Implications for social sustainability, *Journal of cleaner production*, Volume 247, DOI: <http://doi.org/10.1016/j.jclepro.2019.119131>.
4. E. bombiak, A. marciniuk-kluska. (2018). Green Human Resource Management as a Tool for the Sustainable Development of Enterprises: Polish Young Company Experience. *Journal of sustainability*. 22-46.
5. Gholipour, A. (2017). Model 34000 Human Resources (Standard Award 34000). *Mehraban Book Institute*, Tehran.
6. Hiba A. M, A. A.M. Jaaron. (2017). Assessing Green Human Resources Management practices in Palestinian manufacturing context: An empirical study. *Journal of Cleaner Production*, Volume 143, 474-489.
7. Jabbour, C. J. C., Jabbour, A. B. L. de S. (2016). Green human resource management and green supply chain management: linking two emerging agendas. *Journal of Cleaner Production*, 112, 1824-1833.
8. Jackson, S. E., Renwick, D. W. S., Jabbour, C. J. C., Müller-Camen, M. (2011). State-of-the-art and future directions for green human resource management: Introduction to the special issue. *German Journal of Human Resource Management*, 25, 99-116.
9. Kim YJ, et al. (2019). The effect of green human resource management on hotel employees' eco-friendly behavior and environmental performance. *International Journal of hospitality management*, 76, 83-93.
10. Mehta K., Chugan P.K. (2015). Green HRM in pursuit of environmentally sustainable business. *Universal Journal of Industrial and Business Management*, 3, 74-81.
11. Mir Sepasi, N. et al. (2010). Designing Human Resource Excellence Model in Iranian Governmental Organizations Using

- Fuzzy Delphi Technique. *Journal of Management Research*, No. 87, 1-23.
12. Pham NT, et al. (2019), The role of green human resource management in driving hotel's environmental performance: interaction and mediation analysis. *International Journal of hospitality management*, Volume 88, 102392. DOI: <https://doi.org/10.1016/j.ijhm.2019.102392>
13. Pham NT, et al. (2019). Greening the hospitality industry: how do green human resource management practices influence organizational citizenship behavior in hotels? A mixed methods study. *Journal of Tourism management*, 72, 386-399.
14. Seyyed Javadin, S. R. et al. (2016). Green Human Resource Management an Investment and Sustainable Development Approach, Tehran. *Journal of Investment Knowledge*, Fifth Year, No. 20.
15. Seyyed Javadin, S. R, et al. (2016). Providing a Coherent Framework for Green Human.

Abstracts

Designing a Model of Green Human Resource Management Excellence in Electric Power Distribution Companies of the North of Iran

Mohsen Yahyapoor

Mojtaba Tabari

Asadollah Mehrara

Mohammadreza Bagherzadeh

Ezzatollah Baloui Jamkhneh

Abstract

The purpose of the present study is to design a model of excellence of green human resource management in electricity distribution companies in north of Iran. The statistical population of the study consists of two sections of experts and staff and the method of collecting information in both library and field form. DEMATEL technique was used to explain the structural relationships between the factors of green human resource management excellence model, the Dallala test was used to determine the weight of factors identified by ISO 34000 HR model, and the Analytical Hierarchy process(AHP) technique was used to evaluate factors and prioritize them. Based on the structural equation analysis, it was also found that all four systems are associated with green human resource management from the employees' point of view, and the highest relationship is related to education and the least to application. As a result, the designed research model confirms the impact of human resource management systems on green human resource management and based on the result of AHP technique from the point of view of experts, priority is given to training and improvement, keep, recruitment and application and according to Theoretical support, high agreement of experts and statistical calculations of model fit are valid and can be used as a criterion for future research in order to build a tool for related research.

Keywords

Green Human Resource Management, Education, Application, Keep, Recruitment.

Ethical components of providing a model to motivate and increase the culture of buying domestic products (Case Study: Electrical Appliances)

*Saloumeh Nouri
Seyed Mahdi Moafi Madani
Yadollah Khodaverdi*

Abstract

Today, creating an ethical environment and promoting human values is one of the most important tasks of organizations, and observing ethics in the business world reduces tensions, increases productivity and creates competitive advantages for the organization. The main purpose of this study is to present a model for encouraging fellow countrymen to buy domestically made goods by considering ethical components. In the first stage, through the snowball technique, 10 experts were identified for interview. After conducting the interview and coding, the main components along with the subsets were identified, and finally, after Screening was performed and reuse of experts. The main variables of the model were identified. 2 main subsets were obtained for the model, including 1- Advantages and positive factors 2. Obstacles and limitations, d for the first factor 10 variables including promotion and distribution - Perceived value of the product Strategies - Platform - Cost of the product for the customer - Familiarity and trust in the product - Support and after-sales service - Patriotism - Appropriate quality - Product diversity and for the second factor 6 variables including consequences - Brand Absence of goods - Interfering conditions - Axis phenomenon - Perceived risk of the product - Causal conditions were identified, finally the conceptual model of the research was presented using grounded theory method and Max QDE software.

Keywords

Ethical Components, Social Marketing, Domestic Products, Grounded Theory.

Designing a model for creating a company's value set, taking into account the customer's ethical value and social ethical value

*Keyvan Mohbed
Hashem NikouMaram-
Karim Hamdi*

Abstract

The overall purpose of this study is to provide a model for creating a set of company value, customer ethical value and social ethical value with a positive marketing approach. Data is in the category of exploratory (qualitative-quantitative) research and is done in two phases. In the first phase, using the opinion of 15 experts and relying on study sources, the model framework was presented and validated. The statistical community in the second phase is the group of customers of entrepreneurial insurance services. In order to collect information and analyze the data, in the qualitative phase, the method based on data theory was used and in the quantitative phase, the method of structural equation modeling was used. Likert spectra were used. According to the results in the first and second part, social marketing has the greatest impact and role on positive marketing and positive marketing has the greatest impact and role on the value of the company.

Keywords

Positive marketing, company ethics, customer ethics, community ethics.

Examining the ethical principles of international commercial arbitrators

Samira Mohammadi Nejad

Ali Gharibeh

Hasan Pashazadeh

Abstract

Nowadays, observance of ethical principles by arbitrators has become an important issue in arbitration issues. Although in the past, arbitrators' behaviors were considered by internal and social standards. Today, special ethical guidelines have been developed that are new standards for evaluating arbitrator's behavior. The parties and the arbitrators must be aware of the potential ethical rules applicable to the arbitration process. Although the ethical guidelines provided by the International Bar Association, are not mandatory and are not universally recognized, but failure to pay attention to them can have consequences for the judgments rendered by the arbitrators. In this article, we will examine the ethical principles of arbitrators according to the existing ethical codes in this field. The research method will be descriptive-analytical and information will be collected in a library by referring to law books and taking notes from them, including domestic and international regulations and awards will be issued as much as possible. Domestic and foreign due to the international aspect of the research will be inevitable. Having an effective system to control respect for arbitration ethics and correct many of the irregularities in arbitration practices is essential. The most important ethical principles that must be observed by the arbitrators is the principle of transparency, confidentiality and observance of the arbitration agreement. Of course, due to the dispersion of rules and non-enforcement of existing guidelines and before an effective and enforceable system, agreement between the parties on a code of ethics in the arbitration agreement or procedural guidelines after the dispute has begun, can be effective.

Keywords

Arbitrator Ethics, Code of Ethics, International Commercial Arbitration.

Legal-Ethical Critique of the Stockholm School Theory in the Treatment of COVID-19 pandemic

*Naser Ghasemi
Amir Abbas Rokhni*

Abstract

Providing theoretical resources for the emergency policies of governments in the face of unexpected crises is one of the most important tasks of the scientific community of any country. Fighting the COVID-19 epidemic crisis as a comprehensive threat to the international community has led many governments to change their health care policies by being surprised by the severity of the disease. In this regard, the philosophers of the Stockholm School of Ethics have tried to help the Swedish healthcare system control and manage the epidemic of COVID-19. How to interpret and determine the biological age of patients according to the epidemic emergency is one of the most notable parts of this theory. Accordingly, by determining the actual age difference from the biological of each patient, it is possible to determine the probability of survival after treatment and his life expectancy. The Stockholm School of Philosophy suggests that if you have to decide between helping patients with the same probability of survival who have different life expectancies, the priority should be to help a patient who is younger biologically. The present study, in a descriptive-analytical manner, examines and critiques this legal-ethical theory and will explain the consequences and effects of adopting such policies on the social system.

Keywords

Sweden, Health Care Ethics, Biological Age, Social Security Law, COVID-19.

Explaining the Relationship between Corruption and Tax Policy Implementation and the Role of Organizational Commitment (Yazd General Administration of Taxation)

*Maryam Ali Omrani
Alireza Manzari Tavakoli
Sanjar Salajegheh*

Abstract

The aim of this study was to explain the relationship between corruption and the rate of implementation of tax policies with respect to the mediating role of organizational commitment in order to provide a favorable model. Regarding the role of moral values in the field of corruption, it can be said that economic poverty and income disorders of employees of organizations, cultural poverty and lack of strong moral beliefs and lack of effective rules and regulations and control systems are among the main causes of corruption and the main factors are form. This phenomenon includes: main causes (roots) and facilitators.

The research method is analytical, descriptive and correlational. The statistical population of 500 people included all employees of the General Department of Taxation of Yazd. The sample size according to Morgan table was equal to 221 people who were randomly selected. For data collection, a questionnaire of 20 questions of corruption with a validity of 75. and a reliability of 804. and a questionnaire of 11 questions of tax policy implementation with a validity of 74. and a reliability of 942. and a questionnaire of 24 questions of organizational commitment with a validity of 78. and a reliability of 907 / were used. Data analysis was performed with SPSS and Amos software. Data were collected through a questionnaire and the community of experts as a research tool. In order to analyze the data, statistical tests such as Pearson correlation coefficient and structural equation modeling were used. The research findings in the first step show that corruption has a negative and significant effect on organizational commitment. Also, corruption within the government has a negative and significant relationship with the implementation of tax policy. Organizational commitment as a positive moral characteristic also has a positive and significant effect on the implementation of tax policy. As a result, organizational commitment reduces the effects of corruption on tax policy implementation. Finally, it was shown that organizational commitment indirectly improves the implementation of tax policies and reduces the effects of corruption.

Keywords

Corruption, Tax Policy, Organizational Commitment, Government, Citizens.

Assumptions of professional ethics of university faculty members with emphasis on Islamic sources

Abdul Hamid Farzaneh

Abstract

The aim of this research is to prove the existence of pre - assumption of ethics of university instructors in religious teachings . for this purpose , by the method of library research and analysis and description of the verses of the qur an and the traditions of the infallibles (peace be upon them) and viewpoints of the scholars , findings were obtained which showed that not only these assumptions are in accordance with the latest theories of the new sciences . the results of three groups were given the main hypothesis to enter the field of education that it can be successful in achieving educational and educational goals . these preconditions consist of elements and pre - assumptions including belief in the special efficiency of god , faith in the permanent supervision of god and revelation of truth in the judgment , the importance of purification and pre - assumption of knowledge including beginning of self and protection and strengthening of their scientific status , respecting the proper appearance , regularity and discipline , kindness with audiences and honesty and being a positive and positive role in achieving their educational and educational goals.

Keywords

default, professional ethics, religious principles, professors.

Social factors affecting personality development from Rumi's point of view in Masnavi

*Samad Abbaszadeh Gorjan
Mohammad Farahmand Sarabi
Ebrahim Danesh
Faramarz Jalalat*

Abstract

Since Rumi's Masnavi is an educational-mystical work, the poet has tried to express his advice and counsel on social issues in the form of stories, anecdotes and allegories, as well as his mystical thoughts and ideas. Therefore, the stories, anecdotes and allegories of Masnavi are very diverse. This diversity causes the multiplicity and diversity of characters in Masnavi; What is the basis of any story is its characters who are the cause or routine of events. In fact, the fictional world of Masnavi is full of characters that Rumi selects from different social classes and strata and consciously places them in line with his theological, mystical and philosophical thoughts, views and beliefs. Rumi cleverly considers the psycho-class traits of the characters in the world of his stories, and the fictional characters also play their role in proportion to those traits and characteristics. This article examines some of the most important social factors influencing the evolution and characterization of Rumi and the characteristics of the characters in Masnavi stories. The results of this study show that: Rumi in many stories of Masnavi with simple anecdotes and stories and generally taken from the life of the masses to reflective approaches and conclusions in the action and reaction of the character Rumi's interpretive and semantic mind is always looking for spiritual qualities behind the objects and characters of the story and material and tangible matters in order to make the reader and the audience read the colorful meanings that are worthy of the followers of the path.

Keyword

social factors, personality development, Rumi, Masnavi, personality psychology.

Obstacles to the principle of the rule of will and the place of good morals in banking contracts

*Ali Dizaji
Behshid Arfania
Alireza Mazlum Rahni*

Abstract

The principle of the rule of will has been accepted as a basic principle in the civil law and has cast a shadow over the laws and rules of transactions. (Including contract, agreement, condition). Obstacles that are also enumerated in the legal doctrine are not rooted in the lack of will and sovereignty of the will, but are rooted in materials that are themselves relative and variable, so these obstacles can not be considered as obstacles to the rule of will, but these obstacles in the implementation and effectiveness stage. Are effective in position. Of course, this does not mean giving too much credit and expansion, because the need for supervision in the legal world is undeniable, but supervision does not mean restraint. As a result, the conditions stated in the banking contracts should not contradict the bank rules and regulations. In any case, observance of the bank rules is necessary and necessary, and if a special condition or rule is included in the contract contrary to the banking rules, the customer can The court will request its annulment. The aim of this study was to investigate the barriers to the flow of the principle of the rule of will in banking contracts in a descriptive-analytical method.

Keywords

Principle, rule of will, banking contracts.

Designing a model for improving human resource productivity with an ethical approach in the context of a resistance economy

Iman Hesami Taklou

Sirous Tadbiri

Maryam Majidi

Alireza AfsharNejad

Abstract

In a resilient economy, achieving high levels of productivity is one of the most important ways to achieve decent work and economic growth. Productivity is the eighth goal of the United Nations Sustainable Development Program (SDGs) over a 15-year perspective, and ethical issues have a special place in this regard. The aim of this study was to design a model of enhancing human resource productivity with a professional ethics approach to the conditions of the resilient economy. Hence, in the present study, the statistical population, including experts managers and senior experts with a history of General Administration of Roads and Urban Development with more than ten years of service in the General Administration of Roads and Urban Development of Khorasan Razavi from 2016 to 1398 and faculty members of management group Islamic Azad University, Mashhad Branch has a master's degree in human resources management and specializes in human resources. Organizations with at least 5 years of experience in cooperation or consulting with this department, which had knowledge, expertise and expert opinion in the field of research. In addition, The statistical sample was selected by non-random sampling method, purposely by snowball method. This research in case of objective was based functional and in terms of the type of method, mixed and exploratory. To collect qualitative data from interview tools and to analyze the data. The interview used grounded theory method. The research findings show that three hypotheses in order to improve the productivity of human resources of the General Administration of Roads and Urban Development of Khorasan Razavi Province in the conditions of resilient economy, organizational ethics, individual ethics and Islamic ethics should be considered.

Keywords

Ethics, Resistance Economics, Productivity, Grounded Theory, Human Resources.

The Penalty of Apostates and the Quranic Verse Forbidding Compulsion in Islam (Conflict and Conformity)

*Faranak Pousti
Ahmad Bagheri*

Abstract

The right to freedom is a basic human right. As every human being has the genetic will and the power to choose, he/she should have the legislative right to choose, and there should not be any obstacle in front of him/her. Freedom has many aspects, one of which is freedom of thought, suggesting that every human being is entitled to think and research about everything. The other aspect is freedom of opinion, denoting that human beings are free to choose their religion and beliefs, and they should not be obliged to do so. The third aspect is freedom of speech and expression of views and opinions. Finally, the fourth aspect is freedom in action and behaviour, implying that every human being is entitled to act as he/she wishes. One of the objections raised by the opponents of freedom to prove violence and lack of freedom in Islam is the jurisprudential ruling on the murder of apostates. They maintain that if compulsion in belief is forbidden and Islam is accepted freely and voluntarily, then withdrawal from a belief should also be free. Thus, determining this kind of severe penalty for disaffiliation from religion is a reason to adhere to a belief based on coercion and imposition.

Keywords

Apostasy, Natural Apostate, National Apostate, Freedom of Thought.

Civil liability and moral responsibility of governments in proportion to the exercise of their executive role

*Seyed Amir Ale Mohammad
Ali Akbar Gorgi Azandariani*

Abstract

The role of the state in political society is the most important discussion of political philosophy about the state. However, whether we consider the origin of the state as a contract or the state as a natural phenomenon, the mission we ascribe to it can be raised to some extent independently of the discussion of its origin. Theories related to the role of government can be divided into two main groups. The first group, which considers the limited intervention of the government in society, includes the school of liberalism and its different tendencies and perceptions. In this group, the role of the government is basically negative and deterrent, and government intervention in citizens' rights has an exceptional aspect that must be justified based on the basic concepts of freedom, justice and equality. It is the government. In these theories, the starting point of the discussion is society and the individual is considered a subject of society. However, in this group, too, there is a lot of respect for freedom. However, the provision of freedom is not possible except in the shadow of justice (especially distributive justice) and equality. The most prominent representative of this group is the school of socialism, which is very common in the political systems of Europe today. These roles of governments from a moral point of view have significantly affected the fate of individuals and economic actors and have sometimes caused great damage to them. Accordingly, it is necessary to examine the nature of the policies of these two groups in terms of being in the category of governance or enterprise, from a moral perspective, to examine the possibility of compensation and the basis of this compensation.

Keywords

responsibility, government responsibility, role of government, civil responsibility, moral responsibility.

Effective moral education characteristics in children's digital storytelling

Fatemeh Etemadi

Fahimeh Babolhavaeji

Seyed Ali Hosseini Almadani

Abstract

When technology connects with human creativity, its frontier extends even to the imaginary world. Prominent examples of modern storytelling are the use of technologies such as digital storytelling, audio, internet, television and telephone, which have been formed alongside traditional and face-to-face storytelling. Digital storytelling is a new phenomenon in the world of technology and storytelling. The purpose of this study is to determine the indicators of digital story production by children. Determining the production indicators of digital stories by children was identified through a survey of knowledgeable experts using the Delphi technique. The statistical population of the study includes experts who used the opinions of 30 people using a selective, purposeful and judgmental method. The present study is an applied research that was conducted by library and qualitative methods with Delphi approach. The data collection method in this research is a combination of library and field studies. Kendall correlation coefficient was used to measure agreement between experts' opinions. The research findings show a strong agreement between the opinions of experts in the first and second rounds. Choosing the subject of the story, writing or finding the story, making videos and photos, preparing and recording audio, editing and coordinating the audio and video, viewing and reviewing the digital story, presenting the digital story, feedback and review as stages of digital story production by children were identified.

Keywords

Story, Information Technology, Digital Storytelling.

Investigating the Relationship between Religious Beliefs and the Use of Social Networks on Commitment to Islamic Hijab (Case Study: Students of Mohagheh Ardabili University)

*Ali Ahmad Pour
Ali Rezaie Sharif*

Abstract

The aim of this study was to investigate the relationship between religious beliefs and dependence on the use of social networks with the degree of observance and commitment to the Islamic hijab of students of Mohagheh Ardabili University. The statistical population of this study was undergraduate students in different fields of Mohagheh Ardabili University of Ardabil in the academic year of 1398. For this purpose, 430 students (307 girls and 123 boys) in different disciplines were selected by stratified and random cluster sampling. Made replied; In this study, structural equation modeling method was used to analyze the data. Findings indicate that the direct effect of religious dimension, emotional dimension, consequential dimension, ritual dimension on students' observance of Islamic hijab is significant, also the direct effect of dependence on the use of virtual social networks has an effect on students' observance of Islamic hijab. It is worth noting that the dimensions of student religiosity and dependence on the use of virtual social networks in data analysis overlap. In other words, the dimensions of religiosity and dependence on the use of virtual social networks, if together, can have a significant impact on students' observance of the Islamic hijab. Of course, the effect of religiosity dimensions on dependence on the use of virtual social networks is negative and inverse.

Keywords

Religious Beliefs, Islamic Hijab, Social Networks, Mohagheh Ardabili Students.

Ethical Research

The Quarterly Journal

Vol. 12, No. 4, Summer 2022/ No: 48/ ISSN: 2383-3279

Proprietor: *Iranian Association for Islamic Thought. (ISSN: 2383-3279)*

Chief Director: *Reza Haji Ebrahim Ph. D*

Chief Editor: *Mahmoud ghayyomzade Ph. D*

Board of Writers

Hojatoleslam Alireza Amini; Mohsen Javadi, Ph. D; Ahmad Deilami, Ph. D; Amir Divani, Ph. D; Jafar Shahnazari, Ph. D; Jafar Sadri, Ph. D; Amir Abbas Alizamani, Ph. D; Mahmoud ghayyomzade, Ph. D; Abdollah Nasri, Ph. D.

Internal director and Editorial- board director: *Alireza Moazami*

Translator: *Ehsani*

Page Design: *Ehsan Computer*

Editor: *Hamidreza alizadeh*

Note

The Journal Ethical Research accepts papers on the Ethics 'Islamic Ethics 'applied ethics 'comparative ethics 'and ethical challenges of Modernism and moral training. The papers received will be published provided that they are written according to the house style of the journal. The authors will bear responsibilities for their own papers.

Address: *Bolward Al-Ghadir 'University of Qom 'Central Library 'office of the journal.*

Tel: *0098-25-32103360*

Fax: *0098-25-32103360*

Email: *Akhlagh_1393@yahoo.com*

This journal is cooperatively being published by Iranian Association for Islamic Thought.

فرم اشتراک مجله علمی " پژوهش‌های اخلاقی " انجمن معارف اسلامی

لطفا در این قسمت چیزی ننویسید کد اشتراک:			
نام و نام خانوادگی			
نام سازمان (مخصوص سازمان‌ها)			
شغل، محل کار، سمت			
میزان تحصیلات و رشته تحصیلی			
آدرس پستی			
پست الکترونیک			
شماره فیش بانکی	تاریخ فیش بانکی	تعداد نسخه دریافتی	شروع اشتراک از شماره
امضای متقاضی		تاریخ	

هزینه اشتراک (با احتساب هزینه پست)

اشتراک یک ساله برای اشخاص (افراد حقیقی): ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال

اشتراک دو ساله برای اشخاص (افراد حقیقی): ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال

اشتراک یک ساله برای دانشجویان با ارائه کپی کارت دانشجویی: ۷۰۰/۰۰۰ ریال

اشتراک یک ساله برای سازمان‌ها (افراد حقوقی): ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال

اشتراک دو ساله برای سازمان‌ها (افراد حقوقی): ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال

خواهشمند است مبلغ اشتراک یا خرید شماره‌های قبلی را به حساب ۱۵۳۱۰۷۱ بانک تجارت

شعبه صفائیه قم واریز و اصل فیش را به همراه فرم تکمیل شده اشتراک به نشانی

قم، بلوار الغدیر، دانشگاه قم، کتابخانه مرکزی،

دفتر فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی

ارسال فرمایید:

جهت اطلاع بیشتر با تلفن ۳۲۱۰۳۳۶۰ - ۰۲۵ تماس حاصل فرمایید.